

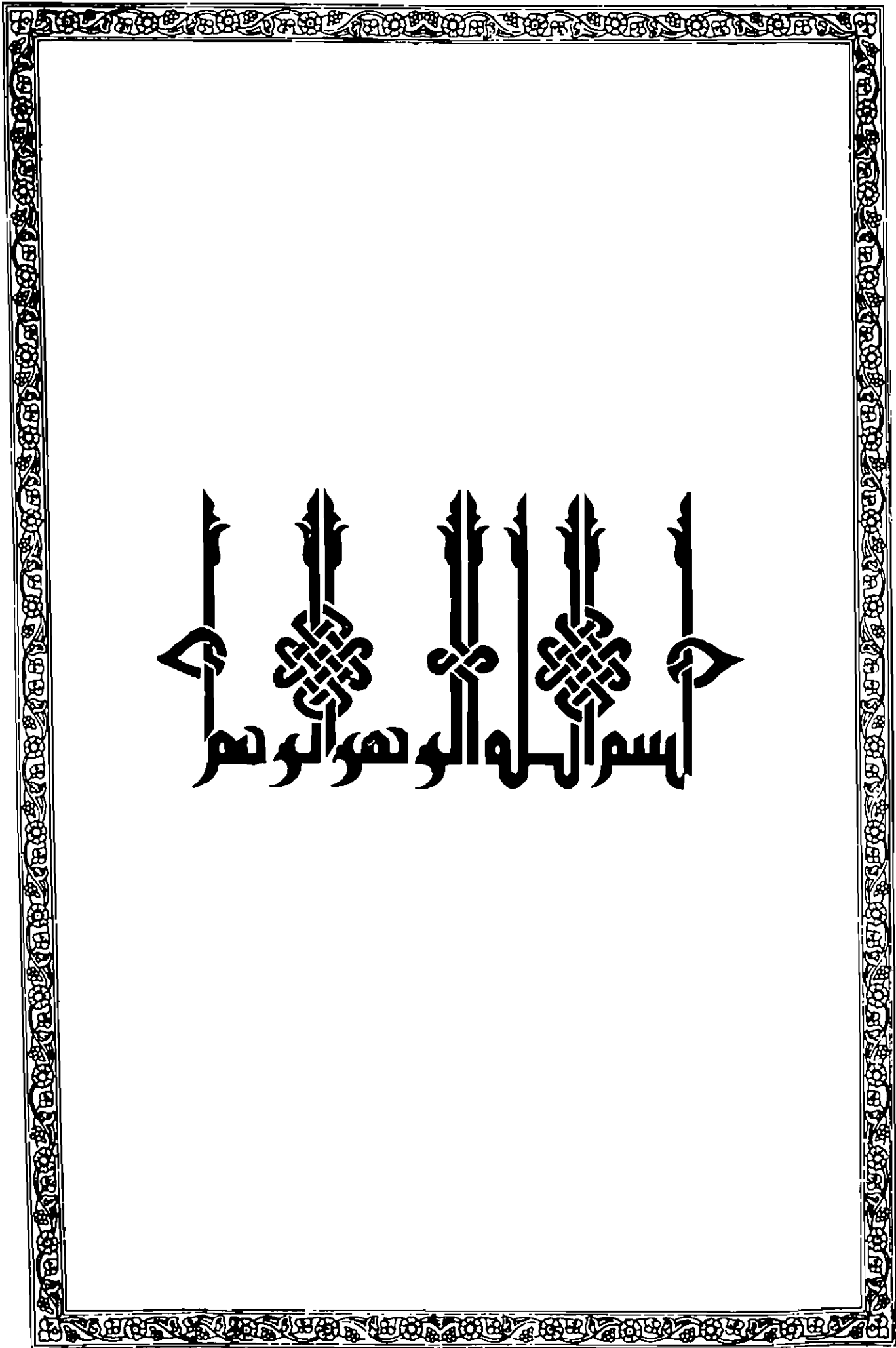
# روزنامه وقایع اتفاقیه

چهارم سوم

شماره‌های ۲۶۱ - ۲۷۲

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران  
بهترین  
مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

تهران ۱۳۷۳



اسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



روزنامه اخبار و گزارشات

# روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد سوم

شماره های ۲۶۱ - ۳۷۴

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با همکاری

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

تهران

۱۳۷۳

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه

تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه

(تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان بنیاد فجر،

طبقه سوم، کد پستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس: ۶۴۶۹۸۵۶)

تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اول

چاپخانه: نوظهور

لیتوگرافی: تصویر

صحافی: مهرداد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳

قیمت: ~~۱۰۰۰~~ ریال



## باسمه تعالی

به روزنامه ایام در همه پیداست  
اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان  
(عنصری)

## پیشگفتار

واژه «روزنامه» همزمان با نفوذ اسلام در ایران به کار می‌رفته است و در متون کهنی چون یتیمه الدهر ثعالبی و معجم الادباء کلمه روزنامه و روزنامه (روزنامه) دیده می‌شود، ولی باید دانست که روزنامه در آن دوران حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزراء و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده است. این واژه تا اوائل دوره قاجار نیز به همین مفهوم به کار می‌رفته است، چنانکه مجموعه‌هایی از این روزنامه‌ها در زبان فارسی موجود است و آخرین مجموعه مستقل از این نوع که سراغ داریم روزنامه میرزا محمد کلانتر شیراز در شرح وقایع زندیه و روزنامه خاطرات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است. در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد و به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد.

روزنامه انتشار خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود را سریعتر از کتاب به عهده داشته است و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال مواجه شد، و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری هوادارانی پیدا کردند. امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای با کتاب و اسناد دولتی یکی از منابع تحقیقی

محسوب می‌شوند. از آنجا که دوره کامل آن کمیاب شده بود از این رو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صدد احیاء روزنامه‌های قدیمی برآمده است.

ویژگی مجمرعه حاضر در مرحله اول، ضمن کامل بودن یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونه‌ای از خدمات میرزا تقی خان امیر نظام است و دیگر سبک نویسندگی ساده و روان و از نظر وقوف بر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی اخبار آن از نفایس عهد ناصری است. مورخین و پژوهشگران خود نیک می‌دانند که اگر پژوهش یا تحقیقی بدون مراجعه به همه منابع و اسناد و مدارک صورت پذیرد تا چه حد ناقص و نارساست. به منظور رفع این مشکل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره) به جامعه اسلامیان تقدیم می‌دارد.

در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خرمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان: جناب آقای دکتر نوائی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجیبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت ... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

جلد سوم  
شماره‌های ۲۶۱-۳۷۴





روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس بیست و دوم شعبان و اول مطابق کونین سنه ۱۲۷۲

مزه حیات و وقت و یک

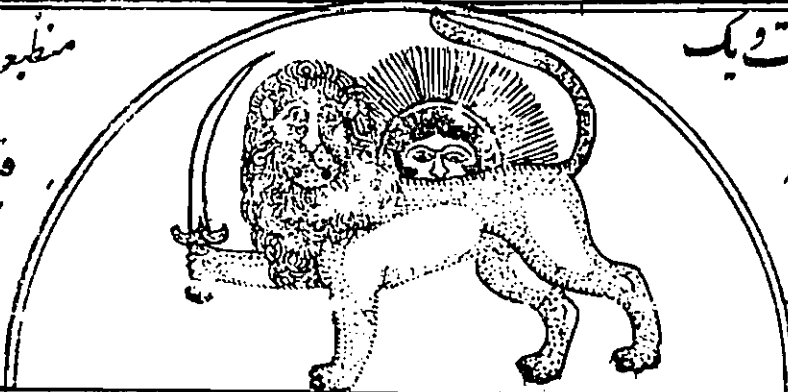
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شلر

هر خط پنج شلر



احبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

دارالخلافه طهران

نماز اجاره کنند چون مختصر و مبهم نوشته  
در روز پنجشنبه ششم این ماه اعلیحضرت قوی شده بود بطور وضوح حالا نوشته میشود  
شوکت شاهنشاهی عزیمت گشت و تفریح فرمود که جناب جلالت اب معظّم اراضی و بیوتات  
از دروازه دولت که بگردن تشریف بردند و عمارات دیوانی ارک را که مجهول الحال است  
سواره بسیار که احضار در بارگاه یون شده کلاً برای حلیت ناز و اباحه مکان از جناب  
بودند در دم دروازه دولت در کمال آراستگی  
صف کشیده بنظر مبارک رسیدند چون  
نهایت انتظام را داشتند مورد تحسین و تفت  
گردیدند و اعلیحضرت اقدس عالیون بعد از  
ملاحظه آنها بیاحت و تفریح اطراف دارالخلافه  
عزیمت فرموده نزدیک غروب آفتاب بارک  
مبارک که سلطانی معاودت فرمودند

چون شکرمازندران را اولیای دولت  
علیه مقرر فرمودند در کارخانه دولتی سفیدکنند  
که بمبارف کافه ناس رسد لهذا امر مقرر  
فرمودند که دیگر شکرمازندران را برای

۱۶۵۷

سجارج نبرد حکام ولایات اذن دارند که  
قدغن نمایند در کمر کجای عسرض راه بر  
بعد ازین شکرمازندران را بولایات خارج  
ببردمانع شده نگذارند و برگردانند که  
شکر برای سفید کردن و فور بهم رسانند

### امورات قشونی

چون چندی هوا بسیار سرد بود حسب الامر  
چاپون مشق توپچی و افواج قاهره و سواره  
موقوف شده بود این روزها که هوا قدری  
باعتدال آمد است توپچان و افواج قاهره  
و سواره نظام متوقفین دارالخلافه مبارکه  
همه روزه بقرار استراحت در میدان ارک و  
میدان مشق خارج در دانه دولت حاضر  
گشته دو ساعت مشق می کنند و همه حصصا  
کمال مراقبت اور تعلیم آنها دارند

### سایر ولایات

در بایجان و اصفهان این ولایات  
در این بخت اجباری رسیده است

### استرآباد

از فرار یک در روزنامه استرآباد نوشته اند  
از در و مقرب انخاقان جعفر قلیخان اینجانی با  
در باب نظم شهر و محلات قدغن آید کرده است  
که چهار ساعت که از شب رفت اهدی از خانه

بیرون نیاید و در هر محله که دزدی اتفاق می افتد  
اهل آن محله حکما یا دزد را پیدا نمایند یا از عهد  
مسروق برآیند و بعضی ببرز که با از قبیل  
وقار بازی که سابق می شده است بکلی موقوف  
باشند و زنها قرار شده است که مطلقا از خانه

بیرون نیایند مگر در آنها مسراه باشد و  
روی بند و چاقچور باشند با بجه مقرب انخاقان  
مشار الیه بطوری نظم در آنجا گذاشته است که  
امالی استرآباد بجای آنی که سابقا با جمعیت  
منسکر دند بر و نذ و از ترکمانان توش داشتند  
حالا دو نفر بیشتر و کمتر در کمال آسودگی اند و رفت  
ینما میند و کوسغند و دو اب استرآباد در ترکمان  
در یکجا می کنند و کسی قدرت دست اندازی  
ندارد از جمله قاطری از نواب جهاننور میرزا که بی  
عطف برده بودند از قطار خارج شده و با حاجت  
ترکمانان رفته بود قاطرحی بعقب او رفته اند  
بود که دو سه نفر ترکمان قاطر را می آورند که بصاحب  
رد نمایند مشا را الیه گفته بود که از من است باورد  
کرده و رفته بودند

و هم چنین قوشی از مال عالیجناب محمد حسین خان برادر  
مقرب انخاقان اینجانی پریده بمیان طایفه آباها  
افتاده بود بعد از آنکه همنده بودند مال کیت  
آورده در استرآباد تسلیم کرده بودند

سی انجا

۱۶۵۸

دیگر نوشته بودند که در بیت و سیم ماه ربیع الثانی  
افغان خان بیوت که خانه او در طهران میباشد  
نوشته از طغان فازی بنزد مقرب انخاقان  
ایلخانی او در باین مضمون که هزار و پانصد سوار  
از طایفه جعفر بای و اتابای ترکان سیر ایل  
اترک نشین هستند که با آنچه اسیر در ایل  
مرنور است خودشان با ریش سفیدان او  
با نجاتیتم نمایند که با ستر آباد بفرستند یا  
مستعد جنگ بشنای ایل مرنور هم قرار دادند که یکی  
اسرار مصحوب ریش سفیدان خود بنزد مقرب  
ایلخانی بفرستند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان  
پیکار استر آباد قرار رسیدگی محاسبه  
ماضیه جمعی مقرب انخاقان محمد و لیجان بیکری  
واده و در شانزدهم ماه ربیع الثانی ماسخن  
و سرگردگان و که خدایان استر آباد را جمع نمود  
با کمال احترام بمنزل بیکری رفت و در آنجا  
مشول رسیدگی محاسبه ماضیه چنانچه  
و هم چنین در نظم شهر و محلات عالیجاه میرزا اسمعیل خان  
حسب احکام مقرب انخاقان ایلخانی کمال اهتمام  
دارد و االی التولایت نیز نهایت رضامندی  
از حسن سلوک و معقولیت او دارند

دیگر نوشته بودند که فوج عرب ابوالحججهی نواب

جهانمیرزا همه روزه مشغول مشق و تعلیم  
قواعد نظامی میباشد و از جانب نواب معری  
و سایر صاحب منصبان کمال اهتمام در  
مشق و انتظام امر فوج مبرور بعلم می آید  
دیگر نوشته بودند که سخته و رود مقرب انخاقان  
ایلخانی نزع ماکولات قدری ترقی کرده و بالا  
رفته بود عالیجاه میرزا اسمعیل خان و ستاده  
که خدایان و مباحثین را آورده و قدغن  
نمود که نزع ماکولات بقرار جهل روز قبل باشد  
و آنها نیز از انعم معمول شدند

استر آباد و بروجرد و بیطام و  
سمنان و عراق ازین ولایات  
نیز درین مهله اخباری نرسید

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند  
چون در موسم عقب بارندگی بموقع بسیار  
خوب شد زراعت زیاد در همه بلوکات کاشتن  
ولی در این اوقات قدری بارندگی کم شده  
بود و زارعین فی الحکله تشویش داشتند تا در مقدم  
و هیچم ربیع الثانی برف و باران آمد بطوریکه  
باعث مزید امیدواری رعایا گردید و همچنین در  
شب هجرت چهارم ربیع الثانی نیز باران خوب

۱۶۵۹

دیگر از فراری که از خط لارستان خبر رسیده بود  
 نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا صفی حاجت فرزند  
 در کمال نظم دارند و یکصد نفر از سر با خرقانی را  
 بجهت وصول مالیات نامور بندر کنکان مقرر کرده اند  
 و یکم نوشته بودند که عالیجا و محمد قلیخان ایلخانی  
 قشاقی اموریات بسیار منظم دارد و از وفات  
 ایلات عازم قشاق شده اند هر یک در محل خود  
 در نهایت نظم و سلوک و حسن رفتار تو  
 دارند و نسبت با جدی از آنها تعدی و خلاف  
 حساب ظاهر نمی شود

دیگر نوشته بودند که مقرب الخاقان حاجی قوام  
 در قرب خانه خود مدرسه جدید البنادر کمال خوبی  
 و صفات است و بسیار مطبوع و خوش شده  
 و تخیلات دو ماه دیگر صورت تمام خواهد یافت

دیگر نوشته بودند که عالیجا و محمد علیخان سیرت  
 تحت قاپوئی قراچه داعی با فوج خود با نوزاد خلوی  
 بندر ابو شهر گردیده در محبت و چهارم ماه برج  
 عازم بندر منور گردید

دیگر از فراری که نوشته اند نریخ اجناس و مالک  
 فارس نسبت بسنه بسیار تنزل دارد  
 و سبب آن بهر چیزی ارزان و فراوان است و مردم

از نیر حله کمال سودگی و شکرانه دارند  
 دیگر از فراری که از بندر ابو شهر نوشته بودند نهایت  
 انتظام در امور آن ولایت حاصل است و عالیجا  
 میرزا حسن علی خان دریا بسکی و حاکم ابو شهر کمال اهتمام  
 در انتظام امر آنجا دارد و سپهین عالیجا و محمد قلیخان  
 سر بسک فوج نهادندی مراقب نظم سر بازار خود  
 و سر بازار و توپچی همه روزه مشغول مشق میباشند  
 و در حفظ و حراست برج و باسیتها نهایت  
 اهتمام را دارند و مالی آن ولایت نیز کمال رضایت  
 از حسن سلوک آنها اظهار مینمایند و سر بازار نهاد  
 هفته پنج و مشغول مشق تیر اندازی میباشند و کمال

اهتمام را در مشق دارند

دیگر نوشته بودند که بقدر دولت نواز سر بازار  
 نهادند و تالیسیرکان در بندر ابو شهر مرخص میباشند  
 و عالیجا دریا بسکی طبیب و وجه دو اوجه آنها  
 کرده مشغول معالجه و مداوا میباشند

دیگر نوشته اند که در قورخانه فارس جنیدی بود که بطور  
 کار می شد در این اوقات لوامستطاب موبدالدوله مقرب الخاقان  
 شجاع الملک مقرر داشتند که سرب باروط و سایر صورت  
 بجهت عکله قورخانه موجود و مهتسانانند که در کار بوده مشغول

فشک و غیره باشند  
 دیگر نوشته بودند که امسال آثار بلخ حواری که بر سال  
 فارس بود بجهت تهمیچو جیت و امید کلی متک

۱۶۶۰



اسال زراعات فارس ازین وقت مصون باشد

دیگر از قراریکه نوشته بودند در این اوقات چندک

دیوانه در شیراز بهم رسیده و جمعی را گرفته و زخمی

کرده بودند چون در میان اهل آنجا شهرت دارد که هر

سک مار کزیده باشد بزیرت مشهدهام نشی که در

نیچ منزلی شیراز است برود برای او افاقه خواهد بود

لهذا جمعی را که سک مار کزیده بود بزیرت آنجا

عازم شدند و سکهای دیوانه را بهم زدند

قره‌بین و قسم ازین ولایات نیز درین

هفته اخباری نرسیده است

### کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور

انولایت از اتهامات عالیجاه محمد حسن خان حکم

استجاقرین انتظام است و محمود انالی انولایت

در عین آسودگی و فراغت مشغول کار و کسب

خود و بدعا کوئی دات آفس نمایون شایسته

اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد تقی نام کاشانی که از

متمولین انولایت و صاحب بیت هزار تومان

پدرش مطلقاً و معاشی باو نداد این او فاسد

زیادست حاصل شده و بنزد پدرش رفته است

کرده بود که چند روز است عیال من گرسنه اند

بقوت لامیوت قادرستم در عالم پدر فرزندی

لله اعانتی بمن بکن مشارالیه علاوه بر آنکه پدرش را

رعایت و اعانتی کرده بود آن بچاره را بسیار

زده و رنجانده نمید و ما یوس از خانه بیرون

کرده بود پس در نیز از خانه پدرش بیرون

از شدت دلتنگی بدکان عطاری رفته ام

گرفته خورده و بفاصله دو ساعت زندگی

میرود کرده و در گذشته بود

### کردستان و کتروس و کرمانشاه

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری نرسید

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امر انولایت

بهر جهت قرین انتظام و انضباط است و رعایا

و برای آسوده خاطر هر کس کجا و کسب خود

بیاضد و از قراریکه نوشته بودند در این اوقات

بارندگی بسیار خوب در صفحات کرمان شده

و رعایا و زراعت کاران از این معنی کمال شکر گویان

### اجبار دول خارجه

از فرايد که در باب عمارت بلور پاریس نوشته بودند و وقت گشوده شدن عمارت مزبور از خطه و کلا و سفر با آنجا دعوت صیافت شده و علیحضرت امیر الطور فرانت خود بعمارت مزبور تشریف آورده اند و از و کلا و سفر و معتبرین دول دیگر بقدرسی هزار کس بجهت تماشا بعمارت مزبور آمده بودند و علی التفصیل عمارت مزبور و تفاسیر آن و امتعه که از اغلب ممالک روی زمین با آنجا آمده اند تماشا نموده و بسیاری صاحبان صنایع و هنرمندان که صنایع بدیعه و بدایع غریبه با آنجا آورده بودند در خور هر یک از جانب امیر الطور دولت فرانسه انعام داده شده و علیحضرت امیر الطور از جمله مکالمات که در عمارت مزبور نموده این بوده است که بسم الله تعالی شکر گذاری داریم از اتفاق دول او روپا که مبنی بر حصول امنیت نام و از اینکه از هر طرف رنج سکون امتعه و اشیای صناعیه و ارضیه بعمارت بلور که درین دولت گشته است آورده اند و از هر طرف جنسی اشیا بجهت سیر و تماشا می عمارت مزبور آمده اند دلیل بر حصول امنیت کامل و استراحت دائمه دول او و از درگاه قاضی الحجاجات مستدعی از دیار ارام و امنیت و رفاه حال کل اهل دول متفق میباشم

۱۶۶۲

و بعد از تقریر این مکالمات حکم به استقامت و برچیدن و برداشته شدن عمارت مزبور نموده بود و دیگر نوشته بودند که پادشاه سار دینا از شنیدن حرکت و از راه ماریسیلیا بکشتی سازخانه تولون رسیده و از آنجا غریمت پاریس نموده است و در همین حرکت از دولت خود عموزاده خود بر سرش بجای خود وکیل نموده و در چین رسیدن بمبار و تولون از مأمورین دولت و ملت فرانسه با استقبال آمده لوازم احترام را در هر باب معمول داشته اند و در چین وصول پاریس علیحضرت لوی ناپلیان امیر الطور فرانت از جانب خود با پرس ناپلیان را با عا کر خاصه با استقبال فرستاده عا کرد و طرف صف نظامی کشیده و کمال احترام را بعل آورده اند و اهالی شهر پاریس صیافت میکنند نموده و علیحضرت امیر الطور فرانت در آن صیافت تشریف فرما گردیده لوازم جشن سرور و چراغانی بعل آورده اند و احتراماتی که بجهت پادشاه انگلیس در وقتی که پاریس رفته بود معمول داشته بودند در حق پادشاه سار دینا نیز معمول داشته اند و بعد از آنکه پادشاه سار دینا از پاریس بمت لندن پای تخت انگلیس حرکت کرده اهل پاریس تا بر راه آهن ضعیف و کبیر لوازم مشایع بعل آورده اند و در وصول مشایع بولایت انگلیس

۷

<p>ارباب جزیره و درایت را الرزم دیده اند و در          خود جناب عبد کلیم پاشا را از جانب خود بر ما          استجا برقرار کرده است که بحسن کفایت و خوش          رفتاری مشغول انتظام امور و از دیاد آبا دی کجا          باشد و همچنین جناب ادم پاشا ناظر امور خارج          نیز بجا فطرت معروضه نظم امور استجا ما مور نموده است</p>	<p>جانب پادشاه انگلیس نیز امنای معتبره ما منور است          گردیده و احترامات کوناگون در باره او محرمی          داشته اند و در ورود بلندن نیز اجزای شیک          نموده و بدفحات صیافتهای شایسته سپه سالار          نموده اند و از جانب پادشاه انگلیس شان منجبری          که با شمیساند از مرتبه اول در جمعیت کبری          سخته پادشاه سار دنیا اهدی شده و بعد از اول          کونیمات پادشاه سار دنیا از لندن حرکت          و هم از راه پاریس بمقرقالت خود معاودت          نموده است</p>
<p>و یکروز نوشته بودند که ارگشتیهای تجار تی دولت          و آنکه یک کشتی بجهت وقوع طوفان در جلوات          غرق و سگسته شده اما لی کشتی منور با تخوان          مکاتیب سلامت با صل در آمد و اندو ما بعدی          با کشتی منور غرق شده است</p>	<p>در باب راه آهن که از اسکذریه تا مصر دست          کرده اند سابقا در روزنامه نوشته شده بود          از قرار روزنامه ربیع الثانی که در این اوقات          جناب سعید پاشا در نزدیکی پل بنای هموره          تازه گذاشته است موسوم بعیدیه و از راه آهنی          که درست شده است هموره منور نیز که بقدر          دو میل مسافت است راه آهن درست مینماید          و جناب سعید پاشا همت بر آن دیاده آبادی          الولات گماشته و روز بروز در صد کثرت آباد          و فور جمعیت آنجا باشد و همچنین بلاد سودان را بجهت          در آوردن بایره شهرت اسباب معموریت          حصول آسایش دائمی و استکمال آنها را مطلوب          مستلزم دانسته و بلاد منور به تعیین کلی از</p>
<p>و هم چنین بموجب اخباری که از قلاص مر سعادت          بتوسط کشتی سنجار که حامل مکاتیب چاپاری است          بود در وقوع طوفان چند وقت پیش ازین در          جامای دریای سیاه خرابی بکشتیهای رومی داده          از کشتیهاییکه در بنارسه نگر انداخته بودند          چهارده قطعه کشتی دول خارج بعضی غرق و سگسته          شده و بعضی بکل نشته و سقط گردیده است          و از آن لی کشتیهای منور و سیاهان بقدر چهار          نفر غرق و هلاک شده اند و از آنجا هم که با صل          رسیده بوده اند از دو بر بچه بوارنه که می آمده          در بین طوفان منور از سفاین تجار اسوج قبودان</p>	<p>معموریت</p>

۱۶۶۳

یکی باروجه اش در یک زورق و سایرین در زورق دیگر نشسته با حل می آمده اند و زورقها را برعت میرانده اند سایرین که با حل رسیدند زورق خود را و زوجه اش را دیده بودند که مشرف بغرق شدن است دوباره بجهت نجات او معاودت کرده بودند ناگاه هر دو زورق از شدت امواج مانند کوهی خورده و غرق شده اند

و همچنین در طوفان مزبور در پیشگاه کوزلوه شب قطعه کشتی بخار بسیار شسته و تلف شده و هم در آن اوقات چهار ساعت و نیم از شب رفته در در سعادت اسلامبول و حوالی انجارتلک اتفاق افتاده بود

و همچنین در طوفان گذشته در بحر سفید سوای کشتیها دولت فرانسه که غرق شده بود و نوشته شده قطعه کشتی نیز از تجار غرق و تلف گردیده است

دیگر از فراری که در جریده الاحداث نوشته بودند از دزد دمای یونانستان بقدر چهل نفر دزد در پنجم ماه ربیع الاول از جزیره موریه بزور قهانه شسته با غرموزه گذشته یکدسته آنها مخانه موسی بود در سک قایم مقام آن بلده را محاصره کرده و دسته دیگر مسلح و مکل بدرون رفته او

طلا و نقره و وجوه نقد و جواهرات هر چه دیده اند نیما و غارت کرده و کجینا سوی پانصد شصت کتبه تخواه برده و علاوه بر آن بقدر سعادت در مخانه نشسته اهل مطبوعات و شرب سکران و قمار بازی کرده اند و پسر و دختر بود در سک مزبور و دو نفر از کسان او را با حکمی که آنجا بوده است برده اند و بجهت استخلاص آنها پیغام فرستاده و یکبار در پانصد کتبه وجه نقد طلب کرده اند این کتبه

بجانب حکومت یونان اجبار شده بجهت استخلاص آنرا و بدست آوردن دزدان مزبور یک قومسیون مخصوص مشخص کرده اند همین قدر گذشته دزدان مزبور به اعزیزبوزه دو ساعت از شب گذشته معلوم شده و در آنوقت دکاکین باز بوده و تمام مخانه مزبور در پنجاه شصت جا قراول بوده است مع ذلک دزدان مزبور با نظور با سنجاب بسیار محل تعجب است و بدست آمدن آنها نیز با وصف این حالت

امری مشکل مینماید

و دیگر نوشته بودند که در مالک مجتمعه امریکا از جانب دولت استریه یک کشتی بخار شرع دار که مثل بر سار و صد و بیست و پنج می کشد و خرج بخارش زور اسب دارد تازه ساخته شده و از دولت فرانسه نیز دو قطعه کشتی بخار شرع در در انجا درست می کنند

۱۶۶۴



روزنامه قایم القایه و سنج پوخت بیهوشی و خمر جمادی اولی بقونین ۱۲۷۲

منطبه دار الخلاف طهران

نزهت و وقت دو

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

بر سطر پنج مهر

هر نسخه شاهر



اجبار واحد مالک محروسه پادشاهی

دار الخلاف طهران

ملوکانه آمد بر حسب صدور فرمان همایون با عطای لقب خانی و بکطاق شال ترمه برسم حلف سرفرازی گردید

چون در این اوقات توامی دار الخلاف طهران کمال ملامت و اعتدال را وارد لهند در روز یکشنبه

عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا عباس نثی اول وزارت امور خارجه که دائمی شب و روز سفر احضراً مشغول خدمتگذاری است و آثار قاعده دانلی و کفایت و حسن ایتهام و غیرت را بطور آورده و می آورد و وقت انعقاد عهدنامه مبارکه منعقد ما بین دو دولت ایران

بیت و پنجم این ماه اعلیحضرت اقدس همایون شامشاهی بعد از نماز عزیمت تفرج باغ لاله زار را فرموده تشریف فرمای باغ مزبور کردید بعد تفرج و تماشای آنجا بارک مبارکه که سلطان معاهدت فرمودند

در شب نیز شواهد مراقبت و مکاتبت را بعقل آورده و در موارد رحمت و خدمات لقب و مشقت را بر استراحت مقدم دارد لهند امور در احسن ملوکانه آمد بر حسب فرمان همایون با عطای لقب خانی و یک قطعه نشان شیر و خورشید از مرتبه اول شرفی کمال سفید قرین مبادات گردید

عالیجاه حاجی میرزا محسن که از بد و چاکری این دولت علیه در موارد خدمات و زحمات آثار کار دانی و مرام بطور آورده خصوصاً که در اجزای سفارت کبری اتفاق جناب عن الامراء العظام سیف الملک عباسعلیخان میرنجه ایلیچی کبیر دولت علیه امور در بار دولت بیهوشی شده بودند شواهد صدق و محاسن رفتار را بعقل آورده جناب معسزی الیه از نظر سلوک

از وقتی که عالیجاه میرزا عبدالرحیم خان اجودان وزارت امور خارجه بنیابت اول سفارت اسامبول مأمور شده

وقاعده دانلی اورضامندی کرده مورد توجهات

۱۶۶۵

از روی صداقت و قاعده دانی در خدمات محوله  
 بجو در جو بر کار دانی و مراقبت را بطور آورده مرتب  
 اهتمام و موافقت او معروض پیشگاه رحمت دستگاره  
 خسروانی آمده مورد عنایت ملوکانه گردیده حسب  
 فرمان هایون با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید  
 از درجه اول یاوری عالیجاه مشارالیه قریباً  
 آمد  
 چون موافق احکام اولیای دولت قاهره سابقاً  
 در روزنامه نوشته شده بود که حکام ولایات نزدیک  
 دارالخلافه در شبهای عید برکاب هایون آمده در  
 سلام عید از زیارت آستان هایون شرفیابی  
 حاصل نمایند از جمله حاکم اصفهان بود لکن نظریاً  
 نواب و الاشته الدوله حکمران اصفهان چهارم  
 از سال گذشته رفته بودند از آنجست مخص فرمودند  
 که نواب معشری الیه درین عید سعید لوزومی بجا  
 در مقر حکومت خود بوده بلو از جشن عیدی اقدام نمایند  
 چون مقرب انخافان عین الملک شهباز آما دو سه ساعت  
 از شب گذشته بجهت رساندن شام مبارک در کافه  
 مبارک توقف داشته متحمل برودت هوای مستان می شد  
 بملاحظه ظهور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخافان  
 در این اوقات یک ثوب خز قرمز از بلوس خاص بدین  
 با و حرمت فرمودند که سبب مزید مفاخرت و دکرمی با

مشارالیه بود و محاسن اتهامات خود را در خدمات  
 مرجوعه پیش آپیش لمخوط و مشهود خاطر اقدس هایون  
 دارد  
 در این اوقات برب اذن و اجازت اولیای  
 دولت جاوید مدت علیته عالیجناب حاج سید بهلول  
 چاووش باشی محل تجه الاسلام سبته و حجاج را بزیارت  
 کلمه معظه اعلام نموده خلعت مرطلعت هایون نیز از جانب  
 سنی ابجواب اقدس هایون با و حرمت گردیده و  
 حرکت حجاج با عالیجناب مشارالیه در بیت دو و نیم  
 جمادی الثانی از راه آذربایجان و شام خود  
 صنایعی که در دولت علیه ایران ترقی کرده است  
 چند فقره در روزنامه نوشته شد در این اوقات  
 حاشیه ترمه که کارشال با فان کرمان بود بظرف  
 دولت علیه رسانند بسیار خوب و سگین بافته  
 بودند که با حاشیه خنجر خوب عبد العظیم خانی تمبر داده  
 نمی شد و در عی و تومان و پنجه ارمیت میکردند  
 چون عمده الامراء العظام مقرب انخافان محمد خان میرنچاز  
 بدایت احوال الی اکنون در این دولت جاوید است بمصدر  
 و منشا خدمات عمده گردیده مراتب فرط کفایت و صداقت  
 خود را بطور شایسته در پیشگاه حضور علیت شاهی نمای  
 ساخته بود و بعد از آنکه منصب میرنچاز کی سر او را از دست تقدیم  
 خدمات محوله فاصد در نظام امور مدرسه دارالفنون

۱۶۶۶

و ایستاد در تربیت متعلمین کمال مراقبت و حسن تدبیر  
خود را ظاهر ساخت باقتضای رای جهان آری بجای  
اعلی حضرت شاهنشاهی منصب امیر تومانی بعلما و جلال  
اجودانی خاصه بایونی و انتظام امور مدینه دار الفنون  
سرافراز شد که همواره از روی صداقت پیوست  
مهمات عساکر منصوره نظام را اعم از قلعین بر کباب  
ظفر آفتاب یا مامورین ولایات و سرحدات یا متو  
و مخصین خانه بعضی خاکپای بایون بر بند

### سایر ولایات

اور با ایچان از فرار یک در روزنامه اوربا  
نوشته اند امور آنولایت از بهر جهت قرین انتظام  
و نواب مستطاب شاهزاده والا تبار حضرت اله  
و معتمد دربار سپه احتشام مقرب انخاقان قائم مقام  
کمال اهتمام در انتظام امور ولایت و رفاه حال  
و رعیت دارند و عموم مالی آنولایت در عین  
و فراغت بدعا کونی و اتقاد سس بایون  
اشتغال دارند

دیگر نوشته بودند که افواج احضاری دار الخلافه  
مبارکه در موعده یکبار احبار شده بودند در تبریز حاضر  
موجب سه ماهه ثانی هر کدام که مانده بود بفاصله  
دو روز در اطاق نظام داده شده در غزوه ماه  
جمادی الاولی که فوج خاصه روانه در بار بایون  
بودند معتمد دربار سپه احتشام مقرب انخاقان

قائم مقام میان فوج رفته از خانه و کسان و باز  
ماندگان ایشانرا اطمینان داده و مسلح یکصد تومان  
نیز بفرج مزبور انعام نموده روانه در بار بایون  
شدند

فوج مخبران شتافی چون درست نیانج بودند  
و اگر نیز بر می آمدند فندی طول می کشید مقرر  
گردید که فوج در میانج حاضر گردند و نخواهند  
مانی آنها بجایگاه قاسم خان سرتیب داده شده  
که در میانج سرباز داده شود که روانه گردند و در

چهارم ماه جمادی الاول عالیجاه مشارالیه روانه گردید  
بعد از آن فوج حضرت ابوالکحیمی عالیجاه محمد حسین خان  
سرتیب آمدند و موجب سه ماهه ثانی آنها نیز در  
اطاق نظام باستحضار شکر نوبیان عظام برداشت  
شد که در دهم ماه مزبور روانه گردند

و همچنین فوج مرافقه ابوالکحیمی عالیجاه اسکندر خان سرتیب  
حاضر شده موجب آنها نیز برداشت شده  
مقرر گردید که در پانزدهم ماه مزبور روانه گردند

فوج بجاوران ابوالکحیمی عالیجاه آقا جانشان سرتیب  
نیز حاضر شده در شانزدهم ماه جمادی الاول  
عازم در بار بایون شدند

و همچنین پانصد نفر سواره چهار دولی ابوالکحیمی عالیجاه  
پرویز خان سرتیب در چهاردهم ماه تبریز رسیدند

۱۶۶۷

و در اطاق نظام سان داده در پانزدهم ماه  
 روانه شدند و نظر باینکه اغلب سواران بی لیاقت  
 مشارالیه خوب و اسبهاشان فربه و بسیار  
 بنظر آمد معتمد در بار سپهر چشم مقرب انخاقان  
 از جانب اولیای دولت علیه یک ثوب جتبه  
 ترمه بعالیجاه پرورخان خلعت داد  
 در فرستادن افواج و سواره مأمور از فرار که  
 نوشته بودند معتمد در بار سپهر چشم مقرب انخاقان  
 قایم مقام کمال اتهام و کفایت را ظاهر ساختند  
 در مدت یکماه شش فوج و هزار سوار را با تدارک  
 شایسته روانه در بار جالیون نمود و علاوه بر موصوف  
 سرب و سرنکان بهر یک سصد تومان و پانصد  
 تومان بجهت اخراجات از خود داده آنها را با افواج  
 از تبریز حرکت داد سابقا اگر یک دو فوج  
 می شدند اقلتا چهل پنجاه روز طول می کشید که تدارک  
 آنها دیده شود و علاوه بر آن چیکاران از زبان  
 خیالیت ترهین منت تجار دهنده و خارج شده  
 تنخواه قرض نمایند و نفع بدهند تا یک فوج یاد و  
 بتواند براه بپردازند در این اوقات بحسن اتهام  
 مقرب انخاقان قایم مقام بی آنکه تنخواهی از کسی  
 افواج و سواره با تدارکات تمام در کمال راسخی  
 و انتظام روانه در بار جالیون شدند  
 دیگر نوشته بودند که در شب پانزدهم ماه جتبه که

جوهر و اسباب و وجه نقد در میان آن بود از غایت  
 عالیجاه محبت مسراہ طامین صاحب نایب اول عالیجاه  
 وزیر مختار دولت بمیه نکلین برده بودند عالیجاه  
 آقاخان که خدا در شش ساعتی شب مخبر شده  
 صبح مراتب را بمعتمد در بار سپهر چشم مقرب انخاقان  
 قایم مقام اظهار و مقرب انخاقان محمد رضا خان  
 قدغن اکید شد که اموال مسروق را پیدا نماید و او نیز  
 بکده خدای فرور تا کید زیاد نموده مشارالیه رضا  
 نامیرا که گمان هرزگی و سرقت باو میرفت و بمیرل  
 انکلیت هاینه آمد و رفت داشت خواسته بلامت  
 و نوبه مطمئن کرده و او برور داده بود که ابوالقاسم  
 طهرانی نوکر عالیجاه طامین صاحب جتبه فرور را  
 سرقت کرده و بمن داده است که در جانی سنان  
 قایم و جتبه را حاضر کرده مقرب انخاقان قایم  
 نیز عالیجاه طامین صاحب دستار و قفس سید  
 دریافت کرده است و در میان جتبه قدری جوهر  
 و سید تومان وجه نقد و بعضی نوشتجات  
 دولتی بود و رضا نام محبوبس و ابوالقاسم  
 که مرتکب سرقت شده بود مقرر شد که در اول  
 فوج قهرمانیه جمعی عالیجاه علیبنقی خان سرتیپ  
 و در انخله طهران نمایند  
 دیگر نوشته بودند نظام نام و خوارقانی که از حمله  
 اشرا بود و یک ضعیف را غنفا برده و دو ماه کاهدا

۱۶۶۸

بود مقرب الخاقان قایم مقام مدتی بود ایدر ادر  
تبریر محبوبس و یکدفعه نیز بتاریانه سببه بود چون  
سیار شریرونی تحقیقه این عمل از او زیاده هیچ  
لذا نواب مستطاب شاهزاده والا بتا نضره الله  
دست او را با یکدست علی صوفیانی که آنهم از دردا  
مشهور بود حکم بقطع کردند

**اصفهان و اسدآباد** ازین ولایات  
درین هفته اجباری نبود

**اسرآباد** از فراریکه در روزنامه اسرآباد  
نوشته اند امور اولایت از اهمات مقرب الخاقان  
جعفر قلیخان ایلیانی نهایت انتظام را دارد و اهل  
آنجا در برهه برفه الحال و سوده خاشند

دیگر نوشته بودند که در سال گذشته چهار نفر  
شادلو بسو و اگر بیان طایفه میوت رفته بودند  
چهار نفر ترکان آنها را بحمله برده در جنگل مقول  
کرده بودند و آتش مقولین در این اوقات آمده  
مراتب را مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیانی عرض  
کرده بودند ایلیانی نیز فرستاده قاتلین را حکماً  
از طایفه میوت خواسته بود آنها نیز بهر چهار نفر را  
باد و ازده رساسب و یک شتر نیز دایلیانی  
اورده مستدعی بخشیدن قاتلین و دادن جو  
شده بودند مقرب الخاقان مشاییه نیز قاتلین را  
سختیده و بیکد ارطلا که هرطلانی باصطلاح ترکان

آنجا سه هزار دینار میباشه خون بهای مقتولین را  
قرار داده محصل بمیان ایل مزبور رفت که وجب مزبور را  
وصول کرده بآتش مقولین برساند

و همچنین چهارده نفر از اکراد و میان ترکانان اسیر بودند  
عبدالانکه مقرب الخاقان ایلیانی حکم باسترداد اسیر اکراد  
آن چهارده نفر را نیز مطلق العنان کرده به بجنور و فرستادند

و از سایر اسیران نیز تاکنون نود و چهار نفر بدفقات آورده  
تسلیم ایلیانی کرده اند و مقرب الخاقان مشاییه  
نیز ریش سفیدان میوت را خلعت داده و بعضی  
امسای دولت علیه امیدوار کرده آنها نیز تعهد نموده  
نموده اند که بعد ازین مطلقاً از آنها خلاف قاعده  
ناشی و صادر نشود

**بروجرد و بسطام** ازین ولایات نیز درین  
اجباری نرسیده است

**خراسان** از فراریکه در روزنامه خراسان  
در ششم جمادی الاول نواب مستطاب شاهزاده والا  
حاکم سلطه و مقرب الخاقان قوام الدوله وارد  
ارض اقدس گردیده اند و بعد از زیارت روضه  
عبر که بارک رفته و عیال محوم مانفرا را سلامتی داده مشغول  
امور اولایت شدند و در وازدهم مزبور نیز قطع طاعت بایون بانجا تو وصول  
انگند لوارم استقبال حرام بعل آوردن برود و خود کرده او ایستادند  
و سایر حیران شترانها دگر بوده است همه و دار المر و عرق و سایر  
وقوین و هم و کاشان و کاشان و کرمان و غیر از ولایات اجباری

۱۶۶۹

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه که چند وقت قبل ازین نوشته اند در اوروپا که عبارت از فرنگستان باشد چهل و شش حکومت مستقلا بالفعل موجود است کار است از اینها دو پادشاه از نسوان و چهار امپراطور و سیزده قوال و بیست و شش غراندوک و یک پاپا که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی است حکمرانی دارند آنکه از همه پیر تر است غراندوک ملکم بوریع است که بمقاد و شش سال دارد و جوانتر از همه غراندوک پارمه است که هوزار و شش سال تجاوز نکرده است و از حکمداران شاهیهم

یکی در شش و نه سال قبل ازین تحت حکومت نشسته و تا کنون بمسند حکمرانی متمکن است و از اولی عهد غراندوک مودنه بمقاد و چهار سال است و هوزارامی استقلال شده است و سایرین در حالت دوق و رنس بودن عبارت از حکومت دیده است و اینها غیر از حکمداران دلی سکی دنیا که میگردانند و دیگر نوشته اند که راه سیم چرخ آتشی که از وزارت بسمت فرم در زیر دریا براه چرخ سیم اوروپا متصل کرده بودند بجهت شدت طوفان که چندی قبل وقوع یافته بود سیم مزبور پاره شده است و عوض آن از انجلیس قرار گذاشته اند که سیم تازه آورده ممتد و متصل نمایند

دیگر نوشته بودند که از کشتیهای تجاری دولتی که از یک کشتی سمیت فاسس میرفته است در یک لشکرگاه لشکر انداخته و هوا هم ملایم بوده است اهل کشتی ماهیها بسیار خوب اعلی در دریا دیده بودند بزور قوت نشسته و لشکارهای رفته ماهی بسیار صید کرده و در کشتی مزبور یک شت مخصوصا ضیافت ماهی نموده از پنجاه و هفت نفر که در آن ضیافت بوده چهل و دو نفر آنها مسمو و حاجه فوت شده و هفتاد و پنج نفر از کشتی و سایرین که سخته مشغولی ضیافت گوشت ماهی کم خورده بودند نیم جانی سلامت در برده

دیگر نوشته بودند که در نزدیکی سمت رنوه در این اوقات جزیره قورسیعه علی التوالی بازند گشته و زیاد شده و زیاد از دو دوازده روز بسیار جاری گردیده بسیاری از آنجا را خراب کرده است چون جزیره مزبوره در زیر حمایت دولت فرانسه است از جانب دولت مزبور همت بر تدارک خرابی جزیره مزبور هم مصروف گردیده است

دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور فرانسه از منسوبان اعلیحضرت پادشاه انجلیس جناب ده قاصبح را الضیافت پاریس دعوت کرده بودند و در این اوقات جناب امپراطور را دعوت اعلیحضرت امپراطور فرانسه عمیت پاریس داده است

۱۶۷۰

۷

سابقه غزیت اعلیحضرت امیرطور استریه به  
 ترتیب نوشته شده بود اما سبب رفتن اعلیحضرت  
 امیرطور را با بنجام علی التمیم نوشته بودند محکم معتقد  
 مسطور بود که بجهت سیر و تماشای شهر مزبور غزیت  
 نموده است لکن از قرار روزنامه که در این اوقات  
 رسید برادر اعلیحضرت امیرطور جناب مقیمین  
 که بزرگ لشکر سمرجی بود در شهر ترتیب درستی که  
 در کالک نشسته و عبور میکرد است آنها  
 کالک که مزبور از سیاهی رم نموده و مشا را البیه از  
 کالک که بزرگین خورده و حبلی زخمی شده است  
 اعلیحضرت امیرطور استریه از استماع این قصه  
 زیاده متأسف گردیده و بجهت عیادت و احوال  
 پرسسی و نقد جناب مشا را البیه بشهر ترتیب رفت  
 بود

و کردن علیحد و به پنج قسم قیمت آن شخص  
 گردیده فقراد اما از قسم قیمت نازل مسکنند  
 و از کوشتی که مخصوص اغنیاست درین قسم  
 نازل هم بهم میرسد از آنچه عموم اغنیاء فقرا  
 کمال رضات ازین قرار داد دارند و مالی قصابان  
 با بمعنی رضی نیستند و اظهارت می نمایند  
 دیگر نوشته بودند که در ایالت و اردنه در قریه  
 شالی یک فانوس بجهت روشنائی ساخته  
 و ترتیب داده اند شبها که روشن بینمایند  
 تا بیت و پنج میل در دریا روشنائی میدهند  
 و این معنی زیاده سبب رفاه و آسودگی مالی  
 کشتیها و لشکرگاهها شده است که شب کشتیها  
 که در آن حوالی عبور می کنند بزوشنائی فانوس  
 مزبور مقصد و لشکرگاه میرسند و راه را کم نمی

دولت بجهت چون سابق بر این کشتی و لشکرگاهها  
 در این اوقات یک مجلس قومیون تشکیل دادند  
 و ولید دولت مزبور رئیس آن قومیون  
 گردیده و از چند کشتی بنجار و غیره داده اند و  
 میان و زانقه مخارج آنرا در قومیون مزبور کسب  
 کرده اند

دیگر نوشته بودند که از جانب دولت استریه جناب ارد  
 بروش در این اوقات سفارت دولت عثمانیه نامور و وار  
 اسلامبول گردیده بحضور اعلیحضرت سلطان شرفیاب  
 و اعتماد نامه خود را خدمت سلطان داده مورد التفات  
 گردید و سفیر سابق دولت مزبور جناب موسیو فولر  
 نیز خدمت اعلیحضرت سلطان شرفیاب و آن  
 مرضی حاصل نموده بکشتی بنجار الیزه به نام سواد  
 نسبت تارسیلیا عازم گردید

دیگر نوشته بودند که در پاریس هر قسم از نجوم  
 علاحد تقسیم شده قصابان میفرستند مثلا کوه  
 کوه خند و کاوران دستهای او علیحد و دوزخ

بسمت تارسیلیا عازم گردید

۱۶۷۱

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسوی چاپ میزند نوشته اند  
 که در این روزنامه در یکی از عمارت سلطانی که مونسالی بر آنجا  
 اساس و اوضاع جشن فرانسوی و تشریفات آن  
 با معنی که دلیل بر اتحاد دولتین فرانسه و عثمانیه بود  
 معمول گردید و جشن مزبور باین سبب بوده است  
 که اعلیحضرت امپراطور فرانسه نسبت بدول متخاصمه خود  
 علامت بزرگی که امارت یکانکی و اتحاد است اهدی  
 نماید خواست مراتب دوستی خود را با اعلیحضرت سلطان  
 دولت عثمانیه که در احوال حاضره حال دو سال است  
 رویه حمایت و موالات را ایتم کان مرعی میدارد  
 با علامت جدیدی ظاهر سازد لهذا بدستگیری  
 سفیر دولت خود که مقیم اسلامبول است نشان خود را  
 از درجه اول بانضمام حاملین با کاغذ دستخط خود که محتمل  
 بر کمال مواعدت بین الدولتین است ارسال داشته  
 عشره و اخر ماه ربیع الثانی یک ساعت نظر مانده کامل  
 که محرمی کنند احکامات سلطانی است با کمال  
 ایشیک آقاسی سرفرمانتس لباس رسمی با چما  
 کالکه دولتی یکی چهار اسبه و مابقی دو اسبه  
 چهار نفر از اجود انهای خود بسفارتخانه فرانسه  
 مأمورین سفیرش را لیه را با تمامی اجزای سفارتخانه در  
 پذیرفته با احترامات لازمه بدین سلطانی آوردند و در بالا  
 پده عمارت مزبور پیشخدمت باشی و تبرجم اول جناب سفیر را  
 پذیرفته و با طاق انتظار را رهبری نموده و در طاق مزبور

جناب فواد پاشا وزیر امور خارجه سفیر مزبور را با  
 لوازم یکاکی و ولتین پذیرفته بعد از صرف قهوه و شربتی  
 با اتباع سفارت کشور سلطانی در حین آنکه اعلیحضرت  
 سلطان لباس یکانکی که در حین روزگار رسم است بود  
 شرفیاب نمود و جناب علی پاشا صدر اعظم سلطان محمد فتحی پاشا  
 داماد و امیر توپخانه محمد علی پاشا وزیر بحری و داماد و علی غایب  
 داماد و معیر الممالک محمد رشیدی پاشا و سایر رجال دولت و رؤسای  
 مشورتخانه در حضور سلطان بودند جناب سفیرش را لیه نشان  
 و نامه دولت فرانسه را بشخصه بدست سلطان داد و باین  
 مضمون سانامعروض است که امپراطور ولی نعمت من  
 بزرگترین و بهترین مأموریتی بمن محول فرموده که عبارت  
 از سپردن بدست حضرت سلطانی نشان و حامل  
 و نامه دولت فرانسه است و این اول علامت طور  
 کمال محبت و موالات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با  
 اعلیحضرت سلطانی است که اینگونه مبرهن و شخصاً  
 اظهار شده و بعد از این نتایج موالات و یکاکی  
 دولتین بهتر آشکار خواهد شد و من باین مأموریت افتخار  
 تمام دارم اعلیحضرت سلطانی نیز در جواب تقریرات جناب  
 سفیر فرمایشات دپدیر که شایسته تاجداران  
 ممالک است تقریر فرموده بعد از طی مکالمات محبت  
 انین جناب سفیر و اجزای سفارتخانه با همان اجزای  
 سفارتخانه خود معاودت نمودند

۱۶۷۲



# روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم بیستم شهبان در می مطابق سال ششاد ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران		مذبحیت و نصت و
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
هر خطی هر		هر نسخه شاهر

## اجبار داند مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

نظر باقضای ملایمت و خوبی هوای دارالخلافه و اطراف  
 در روز چهارشنبه ششم جمادی الثانی علیحضرت  
 شاهنشاهی دامت شوکت عزیمت گشت و تفریح فرمود  
 بسمت دوشان تبه تشریف فرما شدند و سوار  
 نظام در آنجا صرف نظامی کشید بنظر مهربانتر خسروانی  
 رسیدند و مشق حرکت نمودند چون کمال آراستگی  
 و انتظام را داشتند حرکات آنها مطبوع و محسن  
 خاطر ملوکانه افتاده مورد التفات گردیدند بکلیه  
 تومان وجه نقد سواره مزبور به انعام و بدو نفر  
 معین آنها هر یک یک طاقه شال غلتت محبت  
 گردیده حوالی عزوب باقب بارک مبارکه  
 سلطانی معاودت فرمود  
 فوج اول خاصه شریفه که احضار برکاب بجایون  
 شده بود و اردو در بار جایون گردیده و در

۳ ماه گذشته در میدان ارک حاضر گشته  
 سرکار عالیحضرت اقدس بجایون تشریف فرمای  
 میدان مزبور گردیده احاد و افراد فوج را ملاحظه  
 فرمودند چون کمال آراستگی و انتظام را دیدند  
 مورد تحسین و التفات گردیدند و مبلغ یکصد  
 بانجا انعام محبت گردید  
 و همچنین فوج مخبران جمعی عالیجاه تاسنجان سرب  
 و فوج مرافقه جمعی عالیجاه اسکندر خان سربک که کتفا  
 شده بودند در روز شنبه پنجم این ماه بر فوج  
 در میدان ارک در کمال آراستگی حاضر شدند سرکار  
 عالیحضرت اقدس بجایون شاهنشاهی میدان  
 ارک تشریف فرما گردیده ملاحظه احاد و افراد  
 برد و فوج را فرمودند چون نهایت انتظام را دیدند  
 زیاده مورد التفات گردیدند و انعام ملوکانه در حق  
 مبذول آمده فرمایش ما موربت آنها بجل ما موربت گردید

۱۶۷۳

در کارتهای ششم و هفتم صف المظفر تفتیش نشانیات  
 احتراماتیکه از جانب کارگذاران دولت بهینه روئست  
 بنجاب عمده الامراء العظام مقرب الخاقان سیف الملک  
 عباسقلخان میرنجه ایچی کبیر دولت علیه مامور در  
 دولت روسیه در سنگام ورود سرحد و ورود  
 لعل آورده اند کارشناسان یافته در روز حرکت جناب  
 ز قلیس هم که بیتم صف المظفر بود جناب کنیاز بیدوف  
 بالباس سی در منزل جناب ایچی کبیر حاضر بود  
 عو برناط یعنی حاکم شهر و جنرالهای بزرگ و عموم صاحبان  
 تا یکفرسخ خارج شهر شایسته آمدند و مراجعت کردند اما  
 عالیجاه ناچالیک یعنی کارگذار شهر و بلوکات  
 و یکفرسخ اجدان جناب کنیاز بیدوف با تفاق جناب  
 مغزی البه تا آخر خاک قلیس آمدند بهر قصه و مجال که  
 ضابط و کارگذار اینجا با صاحب منصبان حمی سواره با  
 می آمدند ناچالیک سابق و سوار با احترام ادا نمودند  
 مراجعت میکردند در شهر ولادی قفقاز و استاورا  
 و فوج کس و وار اینر و طولاک شهرهای بزرگ است  
 کفرسخ بشهر مانده عالیجهان عو برناط و جنرالهای  
 و صاحب منصبان شهر با استقبال می آمدند و از رعایا  
 دولت ایران برسم ایرانی قربانی می کشند و بعضی  
 جاها مالی و بتجد دولت بهینه روسیه نیز تاسی این  
 اعدا نمودند و قربانی می کشند و سواره  
 نفسی مستحقین سواره شهر و فوج با بیدق و موریکاچی

و جمیع مالی شهر با استقبال می آمدند فوج پیش فک میکرد  
 و بیدق را احترام کج مینمود و طبیل و شیپور و موریکان  
 و صاحب منصبان آنها از جنرال و یو لگو نیک و غیره  
 برای تکمیل رسوم احترام با شمشیر سلام نظامی میکردند  
 جناب جنرال کور بوس در ستاورا پل که سردار  
 هشتاد هزار قشون است و جناب جنرال اتامان در  
 نوچر کس که سردار یکصد هزار قشون و فرمانفرمای مملکت  
 دون و چر کس است هر اسم پذیرانی و احترام فوق  
 معمول داشته در روز ورود دیدن کردند و از طرف جناب  
 ایچی کبیر هم نسبت با نشان رسوم باز دید و احترام  
 بعمل آمد و سنگام حرکت نیز تا یکفرسخ شایسته نمود و در  
 ورود استاورا پل و نوچر کس مثل سرحد و قلیس  
 بیت و یک تیر توپ شلیک کردند و در هر شهری  
 تکلیف ناشای تیار و کارخانه و جنبه خانه و مدرسه  
 نظامی و غیره که یکموقع احترام است کرده رعایت احترام  
 بطور شایسته مرعی میداشتند تا قصبه پادول اسکی  
 شش فرسخ منگکو عالیجاه آقا میر علی اصغر معین التجار  
 با سایر تجار دولت علیه متوقف منگکو با استقبال آمدند  
 کردند و روز حرکت از اینجا و ورود در ۱۹ ربیع الاول  
 جنرال کنیازی که از جانب اعلیحضرت امیر طویرجه  
 پذیرانی و استقبال سفارت کبری منگکو آمده بود  
 جناب مقرب الخاقان محمود خان سیرتپ مصلحتدار  
 دولت علیه مقیم بطور مرغ تاسه فرسخی با استقبال آمد

۱۶۷۴

۳

ما موریت خود را اظهار نموده لازمند احترام و پذیرایی  
 معمول داشته تا وقتیکه چند نفر جنزلهای بزرگ  
 و پولکویک و پلیستر یعنی کلانتر بزرگ جمع گشته  
 سواره رندارم استقبال نموده لوازم توقیر و احترام  
 بعل آوردند نزدیک دروازه شهر خانه بسیار عالی تعیین  
 کرده بودند جناب المچی کبیر در آنجا پیاپی آمده شد  
 آسایش نموده بکاسکهای که از جهت احترام باستقبال  
 آورده بودند سوار شده صاحب منصبان و کلانتر و  
 سواره رندارم در اطراف کاسک جناب المچی کبیر  
 میآمدند با اینکه برف میآمد باز امالی مسکو باستقبال  
 آمده یکساعت بغروب مانده بهار تکی که برای منزل سفارت  
 کبری تعیین کرده بودند وارد شده در منزل کفج  
 سر باز بایستاد و موزیکان و طبل و شیپور صف کشیدند  
 بقاعده مقرر که در سابق تفصیلات احترامات عسکر  
 کمالاً بقدم رسانیدند عالیجنابان حاکم و قلمچی مسکو  
 با جنزلهای از نظام و اهل قلم و سایر صاحب منصبان  
 در منزل سفارت حاضر بودند پذیرایی و احترامات  
 بعل آوردند جناب فرما فرمای مسکو یکی از جنزلهای  
 محترم را با شیرینی مبارکباد منزل فرستادند جناب  
 المچی کبیر یک ساعت بعد از ظهر ۲۲ ربیع الاول بدین  
 فرما فرمای مسکو رفته جمیع جنزلهای و سایر صاحب  
 بالباس سسی در خانه خود حاضر ساخته کمال پذیرایی  
 و احترام را موعی داشتند بعد از مراجعت جناب المچی

کبیر بمنزل سفارت کبری جناب فرما فرمای با جنزلهای  
 فاصله بسیار دیده آمدند و در همان مجلس خوش کرد  
 که جناب المچی کبیر شب با اتباع پادشاهان بروند و هر  
 میل دارند کارخانها و سایر جاهای لازم را تماشا  
 نمایند جناب معزی الیه رجب خواستش آن همان  
 با اتفاق اجزای سفارت کبری بنام شاهانه فرستادند  
 ربیع الاول فوت مرحوم امام الله خان از تقدیرات  
 ایزدی اتفاق افتاد در تسبیح و تهنیت و تکفین آن مرحوم  
 بر حسب آداب ملت اسلام تجار تجمعه دولت علییه  
 حاضر شده مقرری انعامان محمود خان و قاسم خان  
 و سایر صاحب منصبان سفارت کبری نیز با حالت  
 طالت و فصدکی در تشییع جنازه حاضر بودند صاحب  
 دولت بتیبه روسیه هم لوازم احترامات را بعل آوردند  
 جناب فرما فرمای مسکو و جمیع صاحب منصبان بزرگ  
 بعد از ظهر بمنزل جناب المچی کبیر آمده اظهار تاسف کرد  
 نسبت گفتند با چرخ صاعقه که این خبر با علیحضرت  
 امیر الطور عرض شده بود فرما فرمای مسکو را مورد  
 بودند که از جانب ایشان جناب المچی کبیر را مخصوصاً  
 ملاقات و اظهار تعزیت نمایند ایشان هم حسب الامر  
 داشته یکی از جنزلهای معتبر اسم از جانب جناب  
 جلالت آت غراف نسروود وزیر اعظم دولت سینه  
 روسیه بمنزل جناب المچی کبیر آمده اظهار تاسف نمود  
 ۲۶ ربیع الاول مسکام حرکت جناب معزی الیه از مسکو

۱۶۷۵

<p>خواهد شد و همچنین برای خدمتکاران سفارت و محل سبب      و انتقال عرادای چند بقدر کفایت فرستاده خواهد شد      پنجم جناب ایچی کبیر در همان منزلگاه کلاتر با نایت دو      حاکم نظامی عسکریه و ارباب مناصب وزارت امور خارج و جناب      مد رسه فن طریق که موکلان راه آهن هستند استقبال خواهند نمود      ششم بعد از ورود جناب ایچی کبیر بمنزله نگاه راه آهن با طاق      شریف خواهند برده و بعد از اسایش چندی دعوت خواهند      که بر کالسکهای مخصوص سوار شوند و از قرار احترامات تفصیل      وارد در اسلطنه بطور برج خواهند اول کلاتر با اتباع خود      برای سر راهها دویم شانزده نفر از نسچیان از دو طرف      صف کشیده از جوانب بجهت باز کردن راه نامور خواهند      سیم شصت بزرگ بایا ورو اتباع خود چهارم یک دسته سوار      با صاحب منصب خود پنجم کالسکه چهار نفری چهارم پنجم      دولت روس که همراه سفارت کبری میباشند ششم کالسکه چهار      چهارم پنجم سیم بر اسناد حکیم نایت دویم سفارت کبری و نظرا      مترجم و میرزا مهدی و میرزا حبیب نشان سفارت کبری هفتم کالسکه      چهار نفری و چهارم پنجم بجهت نریان خان نایت اول سفارت کبری و      میرزا محسن مترجم اول سفارت کبری ششم کالسکه چهار نفری چهار      سیم بجهت قاسم خان مستار سفارت کبری با علیخان سوار      نهم کالسکه چهار نفری و شش سیم بجهت جناب ایچی کبیر دولت      علیا ایران تعیین خواهد شد دهم اریک طرف کالسکه دو نفری      سر کرده و از طرف دیگر اسکا و رانی سر کرده همان فوج سوار      یازدهم از جوانب کالسکه جلوه داران خاصه صیقل کاری</p>	<p>جناب فرمانفرمای مسکو با جنرال الحاق صاحب منصبان      با لباس رسمی در منزل سفارت کبری حاضر شدند      نامی آن صاحب منصبان لیت آمدند جنرالها بجهت مشغول      گردن ایچی کبیر خویش از ایشان کردند که مطلبی بفرمایند      نماند تا با چرخ صاعقه خبر دهند و جوابی در نزد مطلبی      فرسخی خبر دادند و بفاصله شش دقیقه جواب همان خبر با چرخ      صاعقه رسید صورت تشریفات که بر حسب علم      امپراطور درین راه این بطور برج کی از جنرالهای وزارت      محام خارج اند و لت جناب ایچی کبیر این دولت است که در      ورود در اسلطنه بطور برج مقرر شده است معمول کرد در آن      فقرات ذیل است که از فرانس بفراسی ترجمه شده است      اول شخصی رای تهنیت ورود جناب جلاله کتایب ایچی کبیر      علیا ایران تعیین خواهد شد که بهر اعی مترجم اول وزارت امور      خارج با استقبال برود که از آنجا بمنزل ولایتین فیه بفرستند      ایشان بمنزله نگاه راه آهن و اسلطنه بطور برج وارد شده و دو      در همان منزلگاه محض ورود جناب معزی الیه کیفوج سبزو در آنجا      حاضر خواهد بود که لوازم احترامات نظامیه با طبل و شیپور      سیم طلا و بران احترامات در همان منزلگاه یک دسته سواره      رتد ام با یک نفر صاحب منصب از نسچیان با مورچه و آنکه از ام      ره کالسکه در کمال نظام و با ترتیب تا منزل جناب ایچی کبیر      چهارم روز ورود سفارت کبری به اسلطنه بطور برج      جناب معزی الیه و اتباع سفارت در منزل نگاه راه آهن از طرف      امپراطور کالسکهای مخصوص با خنده و دلازمان در باری فرستاده</p>
---	---

۱۶۷۶

<p>با صاحب منصبان خود سواره خواهند آمد و از در دروازه  سواره با صاحب منصبان خود در جلو کالسکه سواره خواهند  آمد سیزدهم بهین ترتیب صفوف سواره در جلو کالسکه  و در پهلو از راه آهن موسوم به بقولانی از جاده نوبلی  و کوچ لیتا نایا و از کنار رود نوا موسوم بقاقارنسکی  تا آنجا که بجهت جناب ایلیچی کبیر منزل معین کرده اند خواهند  رفت چهاردهم کشیکیان و قزاقان سر راه در  عبور سفارت کبری در هر جا با اجرای احترامات نظایر  اقدام خواهند کرد پانزدهم در جلو منزل ایلیچی کبیر  دسته از قزاقان فوج خاصه با بیدق حاضر خواهند  شد و لوازم احترامات نظامیه را با طبل و شیپور  بعل خواهند آورد و مادام توقف سفارت کبری در  دار سلطنت بطربورغ و در نوازان قزاقان خاصه  همیشه اوقات در دربار سفارتخانه قزاقان خواهند بود  شانزدهم جناب ایلیچی کبیر را چند نفر از صاحب منصبان  وزارت امور خارجه نزدیک دربار و در سر طبقه و  رئیس دفترخانه آسیا در اطراف مقامی مرتبه بالا  خواهند کرد هفدهم بعد از ورود جناب معزی الیه جناب  حاکم نظامی بطربورغ با چند نفر از جنرالهای معتبره  ایشان خواهند رسید و جناب جلالتاب غراف نسلرود  از جانب خود پیش را بجهت تهنیت ورود و احوال  پرسی خواهند فرستاد و جناب سینا دین که معادل  وزیر امور خارجه است خود بشخصه دیدن خواهند نمود</p>	<p>و در کان بن اعلیحضرت امیر الطور جنرال اجدان  حوز را برای تهنیت ورود و تعزیت عاونه که مسعود  اتفاق افتاده بود فرستاده کان مهر بال باغ  خواهند فرمود تا اینجا صورت تشریفات ورود  بود و از قزاقیکه روزنامه سفارت کبری با ولیاچی  علیه رسیده است کلی تفصیلات مزبوره در احترامات  و اگر امانت سفارت کبری بعل آمده است و بهمین  که بنای دیدن جناب جلالتاب غراف نسلرود بود  ایشیک آقاسی باشی اعلیحضرت امیر الطور و جنرال اجدان  مترجم اول منزل سفارت کبری آمده کالسکه دولتی  حاضر شدند جناب جلالتاب ایلیچی کبیر و اتباع  سفارت کبری با لباس رسمی فرستند در هر اطراف  جنرالها و صاحب منصبان نظام و مباشرین امور خارجه  دستوفیان نهایت احترام را معمول داشته اند  مجلس ششمین جناب جلالتاب غراف نسلرود مانده  در اطراف اول پسر جناب جلالتاب غراف نسلرود  و در اطراف دوم جناب سینا دین با جمعی دیگر  و در بانی نموده و در اطراف سیم خود جناب جلالتاب  غراف نسلرود کمال احترامات را نسبت بجناب ایلیچی  کبیر و اتباع سفارت کبری منظور داشتند و در  مجلس مراسلات دوستانه جناب شرف اجدان  صدراعظم را بجناب جلالتاب غراف نسلرود  و جناب سینا دین ابلاغ نمودند و مجلس و کمال شایسته</p>
---	---

۱۶۷۷

و موافقت ختم شده بعد از مراجعت جناب ایچی کبیر منزل  
 سفارت بفاصله نیم ساعت جناب جلالت شایسته عرض  
 نشنید و چهار دید آمدند و کمال احترامات نسبت به ایشان  
 بعمل آمد هر چند جناب مغزی ایله در مجلس باز دید جناب  
 ایچی قرار شرفیابی حضور علیحضرت امیر الطوری را ملاقات  
 میجو استند بگذارد اما جناب ایچی کبیر بسبب کتک ترا  
 معذور بودند خود چند روزه خویش تا خیر نمودند  
 صورت تشریفاتی که جنرال دمران مترجم اول دولت  
 بیه روسیه قبل از شرفیابی بحضور علیحضرت امیر الطور  
 سفارت کبری آورده بود از قرار فقرات ذیل است  
 اول در روز رفتن حضوراً علیحضرت امیر الطور <sup>میسر</sup> میسر  
 ایشانک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری  
 نامور شده است خدمت جناب ایچی کبیر خواهد رفت  
 و ایشان بر رفتن عمارت موسوم برستانی دعوت خواهند  
 نمود بعد از نشستن جناب مغزی ایله در کالسکه راه افتادند  
 آنها از قرار ترتیب ذیل خواهد بود <sup>دویم</sup> در کالسکه  
 اسبه دولتی مخصوص روزهای بزرگ مترجم اول  
 وزارت محام خارج و همانداران دولتی و دو نفر  
 صاحب منصب ایشانک آقاسی کبری خواهند نشست <sup>سیم</sup> سیم  
 ده نفر شاطرد و دو نفر سواره از عملجات در بخانه  
 پشت سر کالسکه سابق الذکر خواهند رفت چهارم  
 در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای بزرگ  
 جناب ایچی کبیر بالادست و در مقابل ایشان <sup>میسر</sup> میسر

ایشیک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری  
 نامور است خواهند نشست و در اطراف کاری چهار نفر  
 پیشخدمت از عملجات در بخانه آنها و طرف خواهند  
 رفت و نزدیک پنجه کالسکه یک نفر صاحب منصب  
 سه کاری سواره همراه کاری خواهد رفت پنجم  
 در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای  
 صاحب منصبان بزرگ سفارت متقرب انخاقان <sup>فان</sup> فان  
 سر قیستار و عالیچان نریان خان نایب اول  
 و حاجی میرزا محسن مترجم اول سفارت کبری خواهند  
 ششم در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای  
 بزرگ سایر صاحب منصبان سفارت عالیچان <sup>میرزا</sup> میرزا  
 حکیم نایب دوم سفارت و نظر آقا مترجم و میرزا <sup>صاحب</sup> صاحب  
 و میرزا مهدی منشیان سفارت کبری معتم <sup>چهارم</sup> چهارم  
 عملجات در بخانه سواره پشت سر کالسکه خواهند رفت  
 و روانه شدن کالسکه الی عمارت امیر الطوری از آن  
 رود و لوا واقع خواهد بود و بدین سلام که در بیضا  
 اندرون عمارت رستانی واقع است خواهند رفت  
 هشتم در وقت داخل شدن جناب ایچی کبیر <sup>میسر</sup> میسر  
 نزدیک در قراولهای قراولخانه بزرگ برای ایشان  
 احترام نظامی خواهند نمود نهم در وقت بیرون آمدن  
 جناب ایچی کبیر از کالسکه دو نفر در بان <sup>دو نفر</sup> دو نفر  
 از دفتر خانه ایشانک آقاسی کبری با استقبال خواهند  
 و در سرپنهای عمارت سلام دو نفر در بان و دو نفر

۱۶۷۸

علام پیشخدمت استقبال خواهند کرد و در آنجا  
 موسوم بتالار سپهسالاران ایشان آقا سیاحت  
 خواهند نمود و همه صاحب منصبان سابق الذکر در پیش  
 ایلمچی معزنی الیه در اطاقهای لبط کبیر و کربوی و از  
 اطاق بیکت کرناور و اطاق الکندر تا اطاق  
 معینه بجهت استراحت خواهند رفت یا از دهم  
 در آنجا ایشان آقا سیاحتی و مرشال در بارگاه  
 که عبارت از وزیر خازن و امورات شخصی اعلیحضرت  
 امپراطوری باشد جناب معزنی الیه را استقبال  
 خواهند نمود و از دهم جناب ایلمچی کبیر با آن پر  
 پیش با اتفاق اشخاص سابق الذکر و اتباع سفارت  
 کبری با اطاقهای اعلیحضرت امپراطوری داخل خواهند  
 و در آنجا در اطاق مشهور با طاق سفید که بجهت نظار  
 معین شده است مرشال بزرگ اعلیحضرت امپراطور  
 و مرشال بزرگ علیاحضرت امپراطیس جناب معزنی الیه  
 خواهند پذیرفت سیزدهم در وقتیکه همه حاضر و میا  
 شدند و از اعلیحضرت امپراطور اذن شرفیابی حضور  
 حاصل شد ایشان آقا سیاحتی جناب ایلمچی کبیر با آن  
 مترجم اول وزارت همام خارج بجنهور خواهند برد  
 و در آخر مجلس حسب الامر اعلیحضرت امپراطور ایشان  
 باشی صاحب منصبان سفارت کبری را بجنهور خواهند  
 برد که شرفیاب حضور امپراطور شوند و جناب ایلمچی کبیر  
 اند شرفیابی با اتفاق اتباع سفارت کبری با طاق سفید

معاودت خواهند نمود چهاردهم در آنجا منتظر شرفیابی  
 حضور علیاحضرت امپراطیس خواهند شد و این مجلس  
 در همان اطاقی که بحضور اعلیحضرت امپراطور سید  
 اتفاق خواهد افتاد و جناب ایلمچی کبیر از همان اطاقها  
 الی پلهای سفرا بهمان احترامات که در ورود معمول بود  
 و در همان کارهای دولتی بمنزل مراجعت خواهند کرد  
 پانزدهم جمیع قراولان اندرونی و قراولان کشیک  
 اندرونی که از فوج خاصه میباشند جمیع احترامات  
 نظامیه را بجهت جناب ایلمچی کبیر معمول خواهند شد  
 شانزدهم در نیمه اطاقهای عمارت پادشاهی  
 که جناب جلالت آبا ایلمچی کبیر عبور خواهند نمود  
 در اطاقها را باز خواهند کرد این صورت فوق را  
 در تشریفات روز شرفیابی جناب جلالت آبا ایلمچی  
 کبیر دولت علیه ایران بحضور اعلیحضرت امپراطور کاندل  
 دولت روسیه بفرات کبری فرستاده بودند  
 و آن قرار روزنامه که با ولایای دولت علیه ایران  
 همه این تفصیلات در روز شرفیابی حضور اعلیحضرت  
 امپراطور و علیاحضرت امپراطیس و نواب مستطاب  
 و بعد دولت بهیه روسیه نسبت بفرات کبری  
 معمول داشته اند و جناب ایلمچی کبیر در همان مجلس  
 شرفیابی حسب الماموریه رسوم تعزیت و تهنیت را از  
 جانب سرکار اعلیحضرت آه سن ها یون شایسته  
 دامت شوکته بطور شایسته عمل نمود و در سرکار اعلیحضرت

۱۶۷۹

امپراطور رسم کلمات مودت آیات نسبت بر کمال  
 اعلی حضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه او افزون  
 و جناب معز می الیه نامه طایون را ابلاغ کردند  
 جناب ایچی کبیر و اتباع سفارت کبری هر یک  
 علی قدر مراتب مورد تفقدات لازم شدند  
 و مجلس شرفیابی در کمال شایستگی و توقیر  
 ختم شد در روز دوازدهم ربیع الثانی چنانچه  
 رسم دولت است جناب ایچی کبیر و اتباع  
 سفارت کبری که بدین نوآبان قسطنطنیه  
 میخائیل برادران اعیان حضرت امپراطور رفتند  
 کمال احترامات را در ذناب و ایاب و صحن  
 طاقات بعمل آوردند از ورود در حد ایطابور  
 در همه جا حکام و سرداران و سایر اعیان  
 و وزرا و امنای و امرای دولت روسیه از  
 جناب ایچی کبیر دیدن کردند و موافق رسوم  
 دولتی که مامورین جانبین بایست از وزیر  
 اول دولتین سبقت دیدن نمایند جناب  
 ایچی کبیر اول بدین جناب جلالت تائب  
 غراف نشد و که وزیر اعظم دولت بهیته  
 روسیه است رفتند و بلافاصله جناب  
 معز می الیه از جناب ایچی کبیر باز دیدند  
 از روز خود و شبانه عمده ربیع الثانی از دربار  
 اعلی حضرت امپراطوری حکم شد که جمیع وزرا

و امر او جز الهما و اعیان داخل از هر طبقه  
 که تفصیل سامی و مناصب ایشان موجب تطویل است  
 جناب ایچی کبیر را دیدن نمایند از روز پنجشنبه  
 تا روز سه ربیع الثانی از یک ساعت بظهور  
 تا دو ساعت بعد از ظهر سفارتخانه دولت  
 علیت آمده لوازم احترامات را بعمل می آورند  
 و جناب ایچی کبیر رسم ایشان را تبرقیب باز  
 خواهند نمود و همچنین سفرای دولت خارج  
 چنانکه در رسومات دیپلماتیک قرار است بعد  
 از اعلام سبقت دیدن از جناب ایچی کبیر  
 نمودند و جناب معز می الیه نیز باز دیدند  
 کرد  
 از سایر مالک محروس و از دول خارج  
 اخبار بود چون در این مفسر در روزنامه  
 کنجایش تحریر آنها بنود در روزنامه مکتب آینه  
 بنین و مسطور خواهد گردید

۱۶۸۰



روزنامه قایم القایمه ساج پویم نخبه پاره سهردی فی بقالون سیه  
۱۲۷۲

نزهت و شست و چهار

قیمت روزنامه

بر نسخه ده شهر



منطقه دارانخلاف طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شکر

اخبار واحسنه مالک محروسه پادشاه

دارانخلاف طهران

سواره چهاردولی که از آذربایجان احضار شده بود در این اوقات وارد گردیده در روز شنبه نهم این ماه در میدان ارک حاضر شده صف کشیدند و اعلیحضرت اقدس عالیجناب امیرالجمشید سیه ملاحظه سواره مزبور تشریف فرمایید میدان ارک گردیده عالیجناب پرویز خان سکرکرده سواره مزبور آنها را یکی یکی از حضور مهر ظهور سواره گذرانده چون اغلب جوانان خوب و با اسب اسلحه ممتاز در کمال ارادت و انتظام بودند مورد تحسین و توارش گردیده انعام ملوکانه در حق آنها مرحمت شد

پیشکش شده هر یک رفته در فوجهای خود مسلم کردند و عوض آنها مجدداً بطهران آمده مشغول مشق شوند و بهین قرار پس از آنکه مدت جمیع صاحب منصبان و افواج در آداب مشق و اعمال نظامی ما هر باشند تا حال صاحب منصبان پنجاه و سه فوج حاضر گشته و عالیجناب مرتضی قلیخان ولد مقرب انجاقان سمعی که از جمله شاکرهای مرتبه اول پیاده نظام است سپرده میباشد و صاحب منصبان مزبور در فوج حاضر میشوند و تعلیم میگیرند شرفیاب حضور مبارک میگردند و در حق هر یک از آنها انعام ملوکانه مرحمت میشود چون جناب شرف امجدارفع انجمن صدر اعظم منجواستند که بدقت رسیدگی در احاد و افراد نمایند عالیجناب مرتضی قلیخان در روز شنبه گذشته همه آنها را با نظم و ارادت تمام در عمارت باغ جناب معظم حاضر ساخته و بدقت در احاد و افراد

۱۶۸۱

صاحب منصبان رسیدگی نمودند و حکم کردند  
که عالیجاه مشایخ را لیه درها بجا با نخ مشق تفکک داد  
چون خوب مشق کردند مورد التفات گردیدند و  
شال کشیری بجایگاه مرتضی قلیخان و وجهی نقد بجا  
انعام دادند که مایه مزید دلگرمی آنها بوده پیش آن  
در تخصیص قواعد نظامی اهتمام نمایند

نظر خدمات نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه  
و اهتمامات او در بستن سد مبارکه ناصری و گرفتن  
اشتراک آن صفات محاسن خدمتگذارگی  
مقبول و مستحسن خاطر اقدس بایون اعلیحضرت  
شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده در این وقت  
از جانب سنی اجواب ملوکانه یک قطعه نشان از  
رتبه اول سریشکی با نظام حمایل و کیشوب جبهه مزیمه  
در از خدمات نواب معززی الیه حرمت گردید  
و فرمان محرم لسان مبارک مسببی بر التفات شرف  
صد دریافت

چون ولینخان مرتب فوج سیدل حوزی در این وقت  
وفات یافته بود نظر شایستگی عالیجاه رستم خان پسر  
از جانب سنی اجواب ملوکانه از فرار فرمان بایون  
منصب سریشکی فوج مزبور بجایگاه مشایخ حرمت  
گردیده و یکپاره شال ترمه هم خلعت التفات شد  
چون نواب مستطاب هزاره و الایبار حشام الدوله  
از خدمات عالیجاه جعفر قلیخان سریشکی فوج خدمت

در ارستان اظهار رضامندی با ولیای دولت علیه  
کرده بودند لهذا در این اوقات از جانب سنی اجواب  
ملوکانه یکپاره شال با خلعت مرحمت و عنایت گردید  
چون عباسقلیخان پسیان که بحکومت شاه رود و بطام  
مأمور بود در ۲۲ جمادی الاول که از شاه رود بطام  
میرفته است جمعی از اشرا را بجهت سیلاک شیطانی و تحریک

بعضی مفتن غفله دو تیر با و خالی کرده و او را مقتول  
نموده بودند لهذا در این اوقات حسب الامر اقدس  
بایون شاهنشاهی اولیای دولت علیه عالیجاه چاغعلی  
نایب الحکومه سابق اصفهان را بحکومت شاه رود  
و بطام مأمور و خلعت داده روانه نمودند و مقرر شد  
که قائلین مرحوم عباسقلیخان را بر سرخو که باشد در  
بست آورده بدر بار بایون روانه نماید تا موافق  
عدالت و احقاق حق بسزای عمل ناشایست خودشان  
برسانند

از اینجا که خاطر اقدس بایون شاهنشاهی خلد المملکه و سلطانه  
بایل بجات و آبادی دارالخلافه مبارکه است لهذا از بدو ظهور این  
ابدایت تاکنون عمارات عالیوانیه رفیع و مرقم سلطت عظمی نباشد  
و تفصیل بعضی از آنها در روزنامه های گذشته سمت تحریر یافت  
از جمله در این اوقات حکم بطرح عمارتی جدید در جنب عمارت  
شرف لغا دیافته و بسی و اهتمام مقرب النجاقان حاج علیخان بجا  
عمارتی جدید برشته و دو باب الحاق تحاتی و فوقانی صورت  
تمام پذیرفته در یوم شنبه پنجم شهر جمادی الثانی تیر لغا

۱۶۸۲

۳

<p>نواب ساسام میرزا ملک اشعراى نواب اشرف ارفع والا امير کبير عساکر مضوره رباعى بدیده عرض کرده بود خلعت آفتاب طلعت از جانب سنی اجواب ملوکانه با و رحمت گردید</p>	<p>عمارت مزبور گردیده و اجبار سلام مخصوص کرده جناب جلالت نواب اشرف ارفع صدر اعظم و جناب نظام الملک بعضی از شاهزادگان عظام و امر و سرداران و ارکان مخصوص لشرف حضور مبارک اعلیحضرت قوی شوکت شاهی</p>
<p>چون عالیجاه میرزا ملک سربنگ مهندس ایامار و و مترجم دولت علیه در موارد خدمت و مجاری رحمت آثار صداقت و مراقبت را ببل آورده و در حکام انعقاد عهدنامه مبارک که فیما بین دولتین</p>	<p>صان الله ایام شوکت عن التسمی و ملاحظه و تماشای آن عمارت خلد قرین که از ابتدای بنامای سلاطین الی کنون باین طرح و صفا و سلیقه دیده نشده که از پادشاهان ماضی بنانی نناده باشند شرفیاب شده</p>
<p>و فرانسس نیز که حسب الاثاره اولیای دولت عالیه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد معااهده شواهد موافقت و قاعده دانی را ظاهر ساخته همواره محاسن درایت و ادب و خدمتگذاری دیوان</p>	<p>اصح در شکوه و رونق و اقیار و خوش طرخی در دنیای جنان و وصف آن زیاده از حیرت بیان است و هر یک از اطاقهای مزبور فراخور خود با سبب لقیه و چراغ و کندان و پرده و غیره مزین و در یکی از آنها که از سایر</p>
<p>اعلی بظهور آورده می آورد لکن مورد مرسم ملوکانه کشته بر حسب فرمان همایون با عطای یک قطعه شیر و خورشید از درجه اول سه تنگی با حایل سید قرین مبنای آمد</p>	<p>اطاقهاست اختصاص وارد با سبب مرصع که بجوهر لقیه ترصیع یافته آرایش تمام داشت پس از انعقاد سلام مخصوص جناب اشرف ارفع صدر اعظم و سایر امر و سرداران و اعیان و وکلای حکام که شرفیاب</p>
<p>هوای دارالخلافه طهران در این اوقات کمال جوانی و اعتدال را دارد و بارندگیهای بوقت و موقع که بجهت زراعت زیاده منفعت دارد درین روزها شده چند یوم قبل باران کاملی آمد و بعد از آن هم در روز</p>	<p>حضور همایون بودند بجهت میمنت بر یک فراخور حال پیشکش و پای اندازی از حضور مبارک گذر آینه مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه یافتند و مقرب انخافان حاجب الدوله در ازای انجام این خدمت با اظهار مراد</p>
<p>چهارشنبه چهاردهم بارندگی کرده و شب پنجم الی صبح لایقطع باران شدید زیاده آمد بطوری که آسمان در بعضی جاها میزد و پنجم و ششم نیز بارندگی در بعضی جاها نشد</p>	<p>و عنایات خاص ملوکانه مباحی گردید و بعضی از شعرا که بجهت این عمارت بهشت این اشعار و رباعی عرض کرده بودند مورد تحسین و انعام ملوکانه گردیدند از جمله</p>

۱۶۸۳

### سایر ولایات

آذربایجان درین هفته ازین ولایت اجناب  
بود

### استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند  
در این اوقات شخصی بود اگری بمیان ترکان رفته  
بود در مسکام مراجعت ترکانی که از آن شخص ادعا  
طلبی داشته است چند نفر ترکان را با خود رفیق کرده  
و آمده در سر راه اسباب او را بگرو کشیده بود  
آن شخص با استرآباد آمده مراتب را بمقرب انخاقان  
جعفر قلیخان المغانی اظهار کرده بود مقرب انخاقان  
مشاور الیه محصل فرستاده اسباب آن شخص را  
تام و کمال گرفته آورده با و تسلیم نموده و قدغن  
کرده بود که بعد ازین گروگشی موقوف باشد هر  
کسی طلبی دارد آید عرض نماید و بعد از ثبوت محصل  
گرفته برود طلب خود را دریافت کند

استرآباد و اصفهان و بروجرد و  
و داریلمرز و سنان و عراق ازین  
ولایات نیز درین هفته اجباری نبود

### فارس

از قراریکه عالیجاه حبیب الله خان باور فوج نهاوند  
از جزیره خارک نوشته بود سر بازاران مشا  
دریا بگردش رفته بودند یک لوله توپش پونده

در کنار دریا در زیر کله و خاک بوده است و بسبب  
طوفان و امواج که خاک و گل را شسته توپ ظاهر گردید  
بود دیده بودند و توپ مذکور را آورده حال در

چهار برج آنجا کشته اند

### قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند چون  
دیوان اعلی در باب جدید النسخ های ولایت حکم  
شده بود مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیشکار  
قزوین جمعی از ستوفیان را با وکیل ولایت و ممیز  
بصفت امانت و دیانت موصوف بودند ببلوکات  
فرستاده و قرار نظم و نسق آنها را بطور تعدیل داده  
که هر کس دستور العمل و قرار داد خود را داشته ارگنی  
بکسی اجحاف و زیادتی نشود

دیگر نوشته اند که در باب بار و طکوب خانه قزوین  
که سابقا خرابی بهم رسانده بود مقرب انخاقان جمعی  
حسنعلی خان اتمام زیاده بعل آورده و خرابیهای آنجا را  
با کمال استحکام ساخته و کارخانه های آنجا در کارند  
اغلب روزها خود مقرب انخاقان مشاور الیه بانجا  
واری می نماید و تا حال قریب یکصد خوار بار و  
در آنجا موجود و قیما شده و در کار ساختن ظروف  
و مشغوع و تدارک دواب میباشد که بدو

مبارک روانه نمایند

قم و کاشان و کروس و کردستان

۱۶۸۴

ازین ولایات نیز درین معده اخباری نبود

### کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
 میرزا محمد بیک سلطان توپخانه که از جانب اولیا  
 دولت علیه بجهت تبیه مقصرین فوج خلیج سواد که  
 نسبت بجایگاه جانمخدا خان سربنگ برزگی کرده  
 بودند مامور بود در پانزدهم جمادی الاول  
 آنجا شده نواب مستطاب عمادالدوله حکما  
 کرمانشاهان بعد از استحضار حکم امنای دولت علیه  
 فرستاده مقصرین را گرفته حاضر کردند و همگی آنها  
 بتاریخه تبیه شایسته نظامی نمودند و نسبت  
 نواز صاحب منصبان را که زیاده باعث  
 و برزگی شده بودند گرفته مصحوب میرزا محمد بیک  
 سلطان توپخانه مبارکه بدراختلاف فرستادند

دیکر نوشته بودند که چند نفر زوار بعض نواب  
 عمادالدوله رسانیدند که کنیزی از امانتداد لوما  
 وجه سرقت نموده و فرار کرده است نواب معزی  
 بفراسباشی خود فرمودند که حکما سارق مرزوره را  
 با وجه سر و قد پیدا نماید شرایلیه نیز بعد از  
 تحقیق از خود همان روز را معلوم کرده بود که کنیز  
 مرزوره بجاتی رفته و بعد از مراجعت خواه را برده  
 و مفقود الاثر شده است مشارالیه بان تمام  
 و جاریه مرزوره را با خواه بدست آورده و بجز  
 نواب معزی الیه آورده حسب حکم صاحبش تسلیم کرد

دیکر نوشته بودند که یکسوی کلید از انبوسن خاص علیهم

اقدس هالیون شاهی که بافتخار نواب مستطاب  
 عمادالدوله محنت شده بود با آنجا بر تو وصول انگذده  
 نواب معزی الیه تا یک فرسخی شهر با جمیع اعانم و اعیان  
 و خواین و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال  
 و توقیر و احترام حلقه مہر طلعت را بعل آورده رینت  
 دوش بیامات خود نموده صرف شربت و شیرینی  
 کرده بودند

دیکر نوشته بودند که شب دکان براری را در میان  
 بازار سوراج کرده و قدری اسباب از آنجا بر  
 برده بودند مراتب بعض نواب عمادالدوله رسید  
 سارق را از داروغه مطالبه نمودند مشا رایلیه نیز  
 چند روز مهلت خواسته سارق را با اموال میرده  
 بدست آورده بجز نواب معزی الیه آورد بعد از تحقیق  
 معلوم شده بود که این شخص دو دفعه دیکر بدزدتی  
 گرفته شده و متخلص گردیده است چون این مرت  
 سیم او بود نواب معزی الیه موافق حکم شریعت  
 بقطع ید او حکم نمودند

دیکر نوشته بودند که توپچان متوقف وارالدوله  
 کرمانشاهان راهه روزه عالیجاه فرج الدبیک یا توپچان  
 میدان مشق حاضر کرده مشغول مشق میباشند و بانها  
 انتظام و حسن سلوک با اهالی آنجا رفتار نمایند  
 و امور سایر اهل نظام آنجا با نهایت انتظام است  
 و صاحب منصبان کمال مراقبت را در مشق و قواعد  
 نظامی آنها دارند کرمان و کیلان و نهاوند  
 و جمدان و یزد و ازین ولایات نیز درین معده اخباری

۱۶۸۵

### اختر دول خارج

از قراریکه در روزنامه نوشته بودند از او بداند که در این اوقات ما بین فرانس و انگلیس راهی از زیر دریا بازند که از میان لوله آهن عبور میکنند

دیگر نوشته بودند که امپراطور فرانس در سانی که چندی قبل در پاریس دیده اند حاصل بشانی که از دولت سوید فرستاده اند او بخت بودند مردم از اسمعیلی چنین فهمیدند که سفیر فرانس نامور حوزر اورد دولت سوید بطور خوش دولت خود

انجام داده باشد

دیگر نوشته بودند که سلطان دولت عثمانیه حکم فرموده است که یک سمت اسلامبول را که عبارت از محله قلاته باشد با سگ نموشش نماید و کجا با چراغ هوایی روشش کنند بنا برین کاری که در

انجا صاحب ملک و خانه نهند با هم دیگر نوشته و گفتگوی گشتند که این امر را بزودی انجام دهند

دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانی قرار داده اند که سالی دوازده نفر از شاگردانی که در

اسلامبول درس میخوانند بعد از وضع امتحان روانه پاریس نمایند که در آنجا از قرار داده شده فرمای وزارت خانهای فرانس از قبیل امور خارجه و دولتی

### و علوم سرشته بهم رسانند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که آقا سید که سابقاً ایش گرفته و سوخته بود سلطان حکم کرده که از نو بسیاق و طرح جدید بازند و کوجه در آستانه

بیدارند

دیگر نوشته اند که برنس کالیماکی که از رعایای پونا دولت عثمانی است از قرار فرمان سلطان بیخار و اقامت دینه پای تخت دولت استرهاب مور است و چند روز دیگر روانه محل اقامت خواهد کرد

دیگر نوشته بودند که امنای دولت استرهاب نظر بعضی ملاحظات و نکات بوشیک صلاح را در آن داشته اند که قدری از تعداد قشون خود کم نمایند ازین کم کردن قشون مبلغ هفتاد و پنج لیان فرانک داخل دولت مزبور است که از مخارج آنها کم میشود

دیگر نوشته اند که کشتیهای دولت بلیتقا در ممالک عثمانیه سازه میجو استند که بکنند سابقاً بتوسیله مصارف زائده آنها مقابله پیدا نبود بدینجه از طرف

دولت بلیتقا هر سال سه هزار و پانصد کتیه بقیه میانه تجار مزبور اعطای میشود که کشتیهای آنها با اسلامبول و سایر ممالک عثمانیه وغیره که در کنار دریاست در

کار باشند

دیگر از قراریکه در روزنامه ماه جمادی الاول حیدره

۱۶۸۶

v

<p>سابقه در باب طوفان شدید و کرد ما که در دریا        آب را لوله کرده مانند طوبی بکشتی نخلیس و در        کشتی فرانس و یک کشتی ساردینیا در لنگرگاه رند        و آنها را غرق کرده بود نوشته شد از فرار روزنامه        که بعد رسید از کشتیهای نخلیس که غرق شده اند        و یکی معادل چهل هزار پیرامتعه و اشیاء و در        کشتی دیگر حبلی مال تجاری بوده بجهت در آوردن        آن کشتیها از زیر آب از طرف نخلیس کشتی بخارا        نام را فرستاده اند ولی چون کشتیهای مزبور        در جای سخت فرود آمدند بیرون آوردن        آنها ممکن نشد است</p>	<p>نوشته اند در بیت هشتم ماه گذشته ساعت        از شب رفته در جوار باب او رنه از سکنه محله        در ویش علی از خانه صینو اجی محمد آقا قضا در آتش        ظهور کرده و در عقب عساکر نظامیه و مأمورین سائره        رسیده اقدام بخاموش کردن آتش نموده اند        و نگذاشته اند که بیشتر از چهار باب خانه سوخته شود        و آتش را خاموش کرده اند</p>
<p>دیگر نوشته اند که از شهرهای معظم روی زمین        امروز بزرگتر از همه شهر لندن پای تخت نخلیس است        که بالفعل بچکر و مخلوق در آنجا هستند و جمعیت شهر        بسیار است جمعیت کل یونان رسیده است جزیره نخلیس در        حالت محلی خوب بودن امانی و سکنه آنجا بزراعت        و حرثت مالوف اند آذوقه است مانده آن جمعیت را        در آنجا بعل می آورند و آذوقه چهار ماه دیگر از        سال را از خارج باید بیاورند و این حمله نهایت حیات        امانی آنجا را در امر زراعت میرساند که با وصف آن        جمعیت و آذوقه است مانده ماهه را در آنجا بعل        می آورند در اوقات استقلال قدیم یونان جمعیت        شهر روم بود و در دولت هزار گس رسیده بود</p>	<p>تفصیل چهل نفر از دزدان یونان که خانه بود در        قایم مقام اغریبوز را محاصره کرده و نقد و جنس نقد        شد کتبه برده و چند نفر پیران و کن قایم مقام        مزبور را با یک نفر حکیم برده و هزار و پانصد کتبه        مرخص کردن آنها مطالبه نموده بودند در رنده ۲۶۲        این روزنامهها نوشته شده بود از فرار روزنامه        که بعد رسید نوشته بودند که بعد از آنکه دزدان        پانصد کتبه و بجهت استخلاص سیر مطالبه کرده بودند        از جانب دولت یونان یک مجلس مخصوص در این        باب منعقد شده و جی که دزدان خواسته بودند        امانی دولت قبول کرده بودند این خبر بزدان        رسیده آنچه را مضاعف نموده و مطالبه کرده اند        و نظر نالی حوادث نامه یونان تا وجی که دزدان        مزبور خواسته اند با آنها داده نشود و دزدان و        و رفقای آنها معفو نباشند استخلاص آسمانی که در        دست آنهاست از حد امکان بعید نماید</p>

۱۶۸۷

ولی تا حال این جمعیت که در لندن شده است در  
 میچک از پای تخت های روی زمین دست نداده  
 بعد از لندن پکن پای تخت مملکت چین معظم بلاد  
 میماند که حاوی چهار کور نفوس است در شهر لندن  
 از ده سال پیش ازین تا این اوقات چهار صد هزار  
 زیاد شده اند و باین حساب تا هشت سال بعد ازین  
 جمعیت شهر مزبور بشش کور خواهد رسید و در هشت  
 بیت سی سال بعد از یک چند تحکامه بزرگ جمعیت  
 زیاد بهم خواهد رساند دیگر شهر پاریس پای تخت  
 فرانسه بده بزرگ شده در هر عمارتی چند خانها  
 که بیست و سه نفوس میرسد کن اند و در شهر لندن  
 در هر خانه هفت مرد سکنی دارند و در لندن سیصد  
 هفت هزار باب خانه موجود و مندرج تحقیق حقایق

### شناسان دهر است

دیگر نوشته اند که در هر طرف دنیا مسکو کاتر نقره  
 روز بروز کم میشود و در بعضی جایها در معاملات  
 حالیه روز بروز بد رجه نمایا بی رسیده است چون  
 از نقره ادوات و آلات همیشه و سایر شرایط  
 ساخته می شود بعضی از اغنیای نقره مسکوک را بد  
 سایر وجوه اخذ کرده و اسباب و ادواتی بی  
 کم شدن نقره روز بروز ترا میدی پذیرد در این  
 اوقات در فرانس قرارداد داده اند که دولت از  
 نقره و یک ثلث از طلا ممنوعاً بپول سکه نمایند  
 و از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانس درین باب  
 حکم شده است بعد از آنکه نقره باطلا مخلوط شد قطع

آن از حالت سکه و بکار بردن در ظروف و  
 ادواتی ممنوع خواهد بود

### اعلانات

چون قواعد شعر فارسی و علم بلغات فارسیه بعد از  
 فتنه سلاطین مغول از میان رفته بود چنانکه شصت  
 سال شعری عجم راه بقواعدی که متقدمین و جبمید  
 نبردند در این اوقات حب الامیر اقدس شاه یونان  
 اعلیحضرت شاهنشاهی صان الدایم شوکت عن التاهی  
 جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم بجایگاه مقرب انجمن  
 میرزا تقی میر تقی که عالم جمیع این قواعد بود حکم فرمودند  
 تا کتاب بر این عجم را تصنیف و تالیف نمود و زینت  
 طبع محلی ساخت تا نظم و شعر مردم فارسی زبان بعد ازین  
 غلط نباشد هر کس طالب این کتاب باشد در دارالخلافه  
 طهران در کاروانسرای دولت در اطاق حاج میرزا  
 تاجر کاشانی هر مجلدی شش هزار دینار فروخته میشود

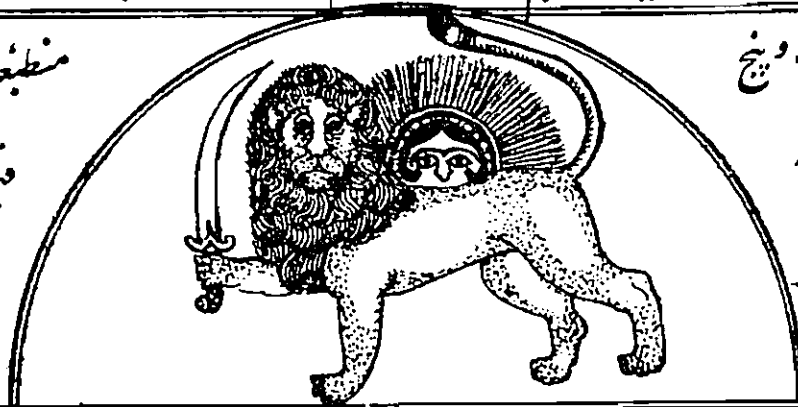
و همچنین کتاب گوهر مراد که از کتب معتبره معرفت و کلام است  
 و در تحصیل عقاید بنیه و تجمل معارف یقینیه ازین کتاب  
 دوره حکمت تمام در هر شهری یک دو نسخه که آنهم زیاد  
 معلوم بود بیشتر بهم میرسد در این اوقات بعضی  
 و اهتمام جناب فضایل نصاب میرزا محمد باقر لوانسانی در  
 دارالطباعة دارالخلافه طهران انطباع یافته هر  
 مجلدی بیک تومان فروخته میشود

۱۶۸۸



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه بیست و یکم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۲

نمره پست و پشت و پنج  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شاهی



منطبعة دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پانزده شاهی

اجبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات که بارندگیهای کامل در  
دارالخلافه مبارک شده هوا بسیار معتدل و خنک  
گردیده و اطراف دارالخلافه طهران کمال صفا و خوبی  
بهم رسانده است بعضی روزها را اعلیحضرت اقدس  
هایون شاهی عزیمت گشت و تفریح و شکار میفرماید  
از جمله در روز شنبه گذشته که سبزه گشت و تفریح  
سوار شده بودند سواره نمانگی را که حضار در آن  
هایون شده و در بیرون دروازه حاضر  
بودند ملاحظه فرموده چون بسیار باشکوه و خوب  
و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند سیر کرده  
و صاحب منصبان آنها مورد تحسین و لواریش  
ملوکانه شده و خلعت در حق آنها مرحمت گردید و  
موکب هایون از آنجا بتفریح اطراف حرکت فرمود  
تا حوالی عصر مشغول گشت و شکار بودند و نزدیک  
غروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی و معر  
عظمی مراجعت فرمودند و در روز یکشنبه گذشته نیز

جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم سبزه گشت  
با وضاع و انتظام سواره فرمودند که در میدان  
ارک حاضر گشته بودند بمیدان آمدند و احاد و  
سواره فرمودند ملاحظه نمودند بسیار زیاده  
دار آسته و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند  
بآنچه سرباز و سواره که احضار رکاب هایون میشوند  
در ورود هر یک بدارالخلافه مبارک که از جانب سرباز  
اقدس هایون شاهی اید الیه گشته و جناب  
اشرف ارفع صدر اعظم نهایت دقت و رسیدگی  
با احاد و افراد آنها میشود و تمامی قشون از سواره  
و پیاده بطوری آراستگی و انتظام دارند که هیچگونه  
نقصی در اسباب و اسباب و تدارکات آنها نیست  
و پس از دیدن لشکریان عظام سان آنها  
در رسیدگی در پر داخته شدن موجبشان هر که کم  
حسب احکام مامور سرحدات و محل ماموریت هستند  
روانه میشوند و هر کدام در دارالخلافه با دستوقف باشند  
مشغول مشق و تعلیم قواعد نظامی میباشند

۱۶۸۹

بعد از رفتن جناب مستر موزه وزیر مختار دولت انگلیس از  
 طهران تمبر زیاد اوضاع و سبب افتادن اتفاق  
 که ضرر کلی بجهت داخله حسان و بی استقلال حاکم ایجاد  
 بر اولیای دولت لازم شد که از برای حفظ انضاط حکومت  
 قدار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان  
 تدبیر لازم بکار برند که هم رفع آن فتنها و غایبها بشود  
 هم این دو ولایت بجات حکومت علیحده برقرار  
 بی حدسه احدی چون بعلت رفتن سفارت انگلیس از نظر  
 و بنا بمضامین بعضی روزنامهجات پور و پ در نظر  
 این بود که شاید این تدبیر دولت ایران بطی بر رفتن  
 انگلیس در بون بی استحصا چنین احتمال میدادند که شاید  
 که در قی با بین دولت ایران و انگلیس واقع شده که این  
 حرکات دولت ایران فرع آن حالت است بجهت  
 شبهه دور و نزدیک و اشخاص بی استحصا و اثبات  
 برقرار بودن دوستی با بین دولتین ایران و انگلیس این  
 تفصیل که متن واقع و بی خلاف محض است لازم شد  
 در روزنامه دارانخدا فطیح شود که اگر حرکاتی از دولت  
 ایران صادر شود بدانند که محض دفاع و دفع شرف  
 و نظم داخله این دولت است نه مبادرت در امر  
 وسیع خلاف دوستی با دولت انگلیس در نظر سخنان  
 بود و آن این است که قرارداد دولت ایران این بود سردار  
 و حکام هرات و قدار و کابل و عموم افغانستان هر  
 در ولایات محل حکومت خود بوده بدیکری دست دراز نمی

و اذیت و آزار رسانند که اینمضی موجب تاملین معا بر و  
 مسالک و کثرت تجارت و امنیت آن حدود و موجب  
 نظم کامل در حدود خراسان بشود تا این اوقات که خرم  
 سردار کندل خان سردار قندار و دروینار را بدو  
 بسرای آخرت قرار گرفت بجهت پارت و حکومت انجانی  
 اخوان و اولاد او فی الحقیقه حسودی ظاهر شده اولیای دولت  
 منظور داشتند بجهت تسکین کامل که مرحوم مزبور بدو  
 داشت برای تسکین آنها و رفع ماده حسودت و اصلاح  
 در میان آنها آدمی مانور و روانه نمایند که درین بین  
 خبر وفات سردار کندل خان و غشاش هرات شنیده  
 یافته و بهبانه تعزیت و اصلاح فیما بین آنها خود را بقصد  
 رسانیده آنها هم بخیر از کمون و منظور او بودند چنان دانستند  
 که محض دلسوزی و مهربانی اخوت است باز خود معاودت  
 خواهد نمود و او را اکرام و استقبال نمودند لکن امیر و محمد  
 آنچه از نوشتهجات افغانستان متباد می شد بافتون و  
 استعداد زیاد از حد قدرت او که همیشه بدو میدادند  
 لدی الور و بجهت دروازه بافتون خود را گذاشته در مقام  
 نصاحب قندار برآمده و اخوان و اولاد و کان مرحوم  
 سردار کندل خان را بی دخل و بری نموده متواری حانت  
 و هر یک بطرفی رفته در جایی کسبی گرفتند و اولاد و اخوان  
 مرحوم سردار کندل خان اقبیل سردار محمد خان و  
 میر افضل خان و محمد صدیق خان و محمد عسکر خان و  
 مظفر الدوله که دو سال قبل بمبت نوکری بدر بارها یون آمد

۱۶۹۰

<p>هرات و آمدن آن صفیات را نماید و لبر داری کابل        که داشت قناعت نموده هوس سروری را از سر برد        کند و داخله در هرات و قندار نماید چون این وقت        قشون سبت هرات رفت بعد ازین هم در باب قندار        و حفظ اولاد کهندل خان و نظم حکومت ایشان آنچه را        اولیای دولت علیه قرار گیرد در روزنامه بعد نوشته        خواهد شد</p>	<p>بلقب مظفر الدوله و منصب سرتیپی سرافراز شد و غلام        محی الدین خان و عبداله خان و خوشدل خان و سخی خان        و صاحب زاده و محمد علم خان و فتحی محمد خان و سایر        مرحوم شارا لیه عریضه بحضور اقدس هایون شاهی        نوشته از تطاول و دست اندازی امیر دوست محمد خان        بنام زاده آنها اظهار تظلم با ولیای دولت علیه نموده بجهت        رفع تعرضات امیر دوست محمد خان و آغای حالت حکومت        و محل حکومت خودشان باحوال سابق استعانت از        دولت علیه جستند و امیر دوست محمد خان بعد از تصاحب        و تصرف قندار عنایت هرات را تصیم نموده از شاهزاده        محمد یوسف و محمود و علیا و اعیان هرات نیز عریضات متعدده        با ولیای دولت رسیده در مقام تظلم برآمدند و کم نام        بود که هرات بشکند و از بنظر نفوس سردار علیخان از        سه کوهستان خاک این دولت عریضه بدر بار بیا        بتجیل فرستاده که امیر دوست محمد خان یلی از پسران        خود را مامور بباخت و تازنیستان و بلوچستان کرده است        چون اولیای این دولت دیدند که ازین حرکت ناخوشانه        که امیر دوست محمد خان پیشنهاد کرده است نزدیک است که        اوضاع آن صفیات و داخله خراسان منقلب شود        لهذا اولیای دولت علیه قشونی مامور هرات نمودند که        محافظت هرات و نظم خراسان قشون دولت هم        انصیحات بوده متوجه حفظ و حرمت هرات و تأمین        امانی آنجا باشد که امیر دوست محمد خان هوس عریضت</p>
<p>مقرب انخاقان عیسی خان قاجار و الی کیلان که با چاکری        این دولت علیه است امتسابی هم بنام زاده سلطنت        دارد از بند و جلوس آمد مانوس هایون الی الان بکلی        ولایت کیلان منضوب در فرار است و بنا بر ارداد        دولت و اقسای رای اقدس هایون که میخواهند        مثل از منته سابقه روز و در حکام ولایات تغییر داده        از توار و حکام مختلفه صدمه و خسارت بملکت و رعیت وارد        آید در حکومت مقرب انخاقان معزی الیه نیز تا اکنون که        سال ششم از جلوس مینت مانوس است تغییر نداده        و چون فرار و فرقا را ولیای دولت علیه در حق کل ممالک        محروسه و رعایای دولت علیه خاصه نظایر دالهرز        کیلان که از ولایات معظمه سرحدات عمده و مالیات        دولت است همیشه بر رعایت و رفاه است که از حاکم و        مباشر و سایر بیسچوچه ظلم و تعدی نسبت بر رعیت واقع        نشود حتی چهار سال قبل با الصراح قرار شد و احکام        حسب الامر الاقدس همه جا و بعهده کل حکام ولایات</p>	<p>خواهد شد        مقرب انخاقان عیسی خان قاجار و الی کیلان که با چاکری        این دولت علیه است امتسابی هم بنام زاده سلطنت        دارد از بند و جلوس آمد مانوس هایون الی الان بکلی        ولایت کیلان منضوب در فرار است و بنا بر ارداد        دولت و اقسای رای اقدس هایون که میخواهند        مثل از منته سابقه روز و در حکام ولایات تغییر داده        از توار و حکام مختلفه صدمه و خسارت بملکت و رعیت وارد        آید در حکومت مقرب انخاقان معزی الیه نیز تا اکنون که        سال ششم از جلوس مینت مانوس است تغییر نداده        و چون فرار و فرقا را ولیای دولت علیه در حق کل ممالک        محروسه و رعایای دولت علیه خاصه نظایر دالهرز        کیلان که از ولایات معظمه سرحدات عمده و مالیات        دولت است همیشه بر رعایت و رفاه است که از حاکم و        مباشر و سایر بیسچوچه ظلم و تعدی نسبت بر رعیت واقع        نشود حتی چهار سال قبل با الصراح قرار شد و احکام        حسب الامر الاقدس همه جا و بعهده کل حکام ولایات</p>

۴۰  
 از روزی است  
 ۱۶۹۱

صادر کردید که از رعایا دیناری باسم جریمه و قسام  
 دیگر مطالبه و دریافت نمایند باین لحاظ اولیای دولت  
 بنا برقرار و او کلیه از باطن رفقار و سلوک حاکم کیلان باسم جریمه  
 و مستفسر بودند از آنجا که او صورت اعمال خود را بلباس صحت  
 ارسته بود و مالی کیلان اسم که مردمان آسوده و پروردگار  
 و بی خیال شدند و تا در قوه دارند از دست حکام و بیایان  
 خودشان بدیوانیان عظام عارض نمی شوند و باین سبب کثرت  
 و نظمی عمده از حاکم و کسان حاکم بر بار دولت علیه نیارند  
 بودند لکن حقیقت رفقار مقرب الخاقان معزنی الیه در پرده بود  
 اگر چه پارسا مالی کیلان سبب از رفقار مقرب الخاقان  
 معزنی الیه حرکتی در کیلان نمودند اما چون بر خلاف او خوا  
 و از روی تهور و جبارت بود قاعده نظم مملکت داری مقتضی  
 شد که اولیای دولت مشعل شکیات و نظم آنها باشند بلکه  
 مصلحت نظم ولایت باعث شد که از مشهورین و متجاسرین  
 بازخواست بعمل آید اما مقرب الخاقان معزنی الیه بعد از مر  
 از در انظار بیکان عرض اینکه تغییر رفقار با مردم بدید و از  
 تعذبات خود دست کشیده مرهمی سحر احت آنها بگذارد بنا  
 حوز را بیشتر سعی گذاشت و زیاده از سابق بمقام اضراء  
 و آزار خلق برآمد تا این روزها جمعی از علما و سایر مالی کیلان  
 مبر بار معده لهدار بایون آمده در حین تشریف فرمائی بوی  
 بایون بشکار و تفریح عریضه سجا کپای اقدس داده نگاه  
 و نظم زیاده از حاکم نمودند که درین مدت منفعت سال آنچه  
 توانست از نقدی و زیادتی و گرفتن وجوه باقی مخلصه

باسم جریمه و چه بوسایل دیگر هیچ وجه مضایقه و فزودگذاشت  
 نکرد و درین مدت مدیده مبلغهای خطره از رعایا و سکنه کیلان  
 بهر بهانه که ممکن بود گرفت دیگر مردم را قوه ادای مالیات  
 دیوانی سهل است طاقت زیست و توقف در آن ولایت نماند  
 حتی عرض کردند و بر صدق عریض خود دلیل آوردند که الا  
 در خانه مقرب الخاقان معزنی الیه واقعه در در انظار طر  
 مبلغهای خطره وجه نقد جمعاً یک رشت و تارنج این جهت  
 زمان حکومت که خارج از حوصله ولایت است و ممکن نیست که  
 بعد از ادای سال و مرسومات حسابی دیوانی و مخارج ولایت  
 که سال بسال بی نقص بجا کم و دیوانیان عظام رسیده است  
 این وجوه کفاف را کسی بتواند انداخته کرد مگر نظم و انجا  
 موجود است نظر بر اینکه عاریضین چنین عرض را با صبر و عجز و با  
 و رسم بعضی خاکپای هایون رسانیدند و از مقرب الخاقان  
 عیسی خان این مراتب بطور متن مسبوق سابقه بود و همه آنها  
 قرض وقت معونه در خاکپای هایون و حضور اولیای دولت  
 مینمودند سجا اقدس هایون چنان رسید که حالت حاکم  
 در تردید و تشکیک گذاشتن و پرده اشتباه از روی چنین  
 مطلبی بر نه داشتن خوب نیست باید بکنه حقیقت پی برد تا اگر  
 عرض مالی کیلان و بسناد باین صراحت مقرون بصدق  
 نباشد تشبیه آنها که جرئت بعضی اینگونه مطلب فاحش در خاکپای  
 اقدس کرده اند بعل آید و حالت حاکم ولایت و نوگرم  
 دولت در پیشگاه ولی نعمت مشکوک فیه نماند لکن حسب  
 چند نفر از امرای دربار تعیین شدند که بحقیقت برسد

۱۶۹۲

<p>تحقیق و رسیدگی معلوم شد که حق بجانب عارضین بود          و والی کیلان این مبلغهای خطره را که خارج از اندازه          منافع حکومتی و سلوک طریقه انصاف و میانه روی است          بلاشک بظلم و انجاف جمع و ذخیره کرده بوده است باین          احوال چون اولیای دولت ابدایت و ارحمتی داده اند          که در مال و مالک احدی از نوکرو رعیت و دولت علیه از          وضع و شریف کائنات من کان ابداد نیاری دخل          و تصرف و طمع و تصاحب نشود و هر کس هر چه داشته باشد          از قلیل و کثیر بدون هر سبب تشویش مخصوص خود داد          در کمال امن و اطمینان تصرف بدخواد خودش در آن          نماید و این تعینش و سبب هم فقط برای این بود که بداند          و کذب عرض مردم کیلان در چه پای است لهذا بنا بر          و استمرا این و ارحمتی که تغییر و تحریف در آن در سایه          معدلت پایه هایون شده و سخا اهد شد سخو ای را          که در خانه مقرب انخاقان معزی الیه سبکه جدیده و          او صاف که عارضین بعضی خاکپای هایون رسانید          بودند یافت شده است بی مدحند و تصرف ای          بجات خود در محل امن گذاشتند که بعد از ورود          معزی الیه بدار انخلاف بدست خودش تسلیم شود و با          بهین طور رسم رفتار خواهد گشت و از آنجا که وادرسی          منطوبین فریضه و مت عدالت شاه اسلام پناه          خلد السلطان به باشد در تحقیق عرض متظلمین و مستدین          کیلان و اظهار دلایل عدل و انصاف مابین آنها و حاکم</p>	<p>ولایت نیز لازمه مراقبت انجانب اولیای دولت است          خواهد آمد که احقاق حق شده مردم بدعای بقای          ذات ملکی صفات مایون پردازند          سابقا که پاره از اشرف نوکر کو داری تخریب پاره          بقتل عباسقلینان اقدام کرده اورا بضر کولاق مقول          کرده بودند و مقرب انخاقان چراغعلی خان حب الله          سبکدست شاه رود و بطام سرافراز و تیسبیه اشرف          قاتلین او مامور شده بود در بین راه بطلع گردید که چند          نفر از مقصرین فرار کرده بسمت فیروزکوه رفته اند          نفر از غلامان جمعی خود را فرستاده آنها را غفلت گرفتار          و دستگیر کرده خود نیز بعضی در و در بطام بکشد          سواره کو داد را حاضر کرده از روی تحقیق و عوزرسی          قاتلین عباسقلینان را مشخص و معلوم کرده گرفته          اقدس هایون شاهشاهی دو نفر آنها را دهن توپ          گذاشته و دو نفر شقه کرده داده بود از ورپ دروازه          او نیجه بودند و پانزده نفر از مقصرین رسم که گرفته بود          با چند نفر غلام بدر بار کرد و در فرستاده است          که هر یک از آنها هم بفرآور جرم و قصیر مورد مواخذه و          سیات خواهند شد          چون عالیجاه محمد رضا خان سرتیپ در انجام خدمات          محوله بخود از قبیل نظم فراوانها و سایر امورات نظا          اتهام زیاد داشت لهذا خدمات او مستحسن و مقبول خاطر          اقدس هایون شاهشاهی و امنای دولت علیه افتاد</p>
---	--

۱۶۹۳

در این اوقات اورا بمنصب اجودان خاصه کی سرافرا  
دیک رشته حمایل فرمود یک قطعه نشان اول سپهری  
باو مرحمت فرمودند

عالیجاه عبدالعلی خان سرهنگ توپخانه مبارکه که از  
جمله پادشاهان قدیم و جان نثاران صمیم این دولت جا  
آیت بود و خدمات مشارالیه سرفرا و حضرات مطور  
نظر سرکار اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی بود  
این اوقات حسب فرمان جهان طاع مبارک منصب  
سرتیپی توپخانه مبارکه سرفراز گردیده محض مرحمت  
ملوکانه یک ثوب جبهه ترمه از صند و قحانه مبارکه در  
اجده مشارالیه خلعت مرحمت شد

نظر بحسن خدمت و صداقت عالیجاه میرزا محمد علی سر  
کل توپخانه مبارکه و اصطلب توپخانه که کمال مراقبت و  
صداقت را در انجام خدمات محوله بجا آورده  
بود علی هذا شغل براته نویسی و عمل کل اصطلب توپخانه  
حسب الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بعهده عالیجاه  
مشارالیه و اگذار و مرجوع شد که و قایق اتمامات  
خود را در شغل مزبور بجا آورد

نظر باستعداد و شایستگی عالیجاه اصطلان بیک یا  
اول توپخانه مبارکه در این اوقات حسب الامر اقد  
بایون شاهنشاهی اصطلب توپخانه مبارکه بجایگاه مشارالیه  
محول و و اگذار گردید که از روی دقت رسیدگی کرد  
متوجه باشد که همیشه اسباب توپخانه مبارکه فربه و چاق  
باشند

امورات قسونی

توپچیان و سواره نظام و افواج قاهره متوقفین  
دار امخلاقه مبارکه همه روزه در میدان شوق حاضرند  
مشق می کنند و عموم صاحب مضبان در تعلیم مشق و قواعد  
نظامی آنها کمال اهتمام دارند و بعضی از آیات مضمونه را  
بر بازاران فشنگ داده شده مشغول تیراندازی  
میباشند و همچنین توپچیان نیز بعضی روزها حسب الامر  
چند عراده توپ بیرون برده تیراندازی می نمایند

یوم چهارشنبه سیزدهم سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی  
حوالی عصر بیرون دروازه تشریف فرما گردیده فوج  
قاهره مشق حرکت و شلیک کرده در نظر بایون مستحق  
و مقبول افتاده صاحب مضبان مورد التفات  
شدند بعد از ملاحظه فرمودن حرکت افواج فوج محمد  
گزارتی که بجهت یاد گرفتن سکر و مارچ کنده بودند  
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف برده ملاحظه  
فرمودند فوج مزبور نیز شلیک کردند و چهارشنبه  
ساخته بودند آتش زدند بفوج و صاحب مضبان  
الغلام ملوکانه مرحمت گردید

فوج بهادران که احضار رکاب بایون شده بودند  
در چهاردهم شه جادی الثانی وارد شده در  
میدان ارک صف نظامی کشیدند اعلیحضرت اقدس  
بایون شاهنشاهی تشریف فرمای میدان ارک گردید  
فوج مزبور بنظر همه اثر بایون رسیدند چون در  
کمال استقامت و نظام بودند مورد تحسین و التفات  
ملوکانه گردید بکصدگان الغلام با آنها مرحمت شد

۱۶۹۴

### سایر ولایات

ادربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری

### استرآباد

از فراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند در

شهر جمادی الاول مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلی

بطرف بند کرکان و قلعه خواجہ نفس ترکمان رفته

چهار روز در آنجا مانده قرار نظم امورات آنجا

بطور خوب داده بشهر محبت نمود

دیگر نوشته بودند که عالیجا میرزا اسمعیل خان

پیشکار هم چندی مشغول محاسبه گذشته مقرب الخاقان

محمد و لیخان بیکریکی بود در این اوقات محاسبه

منزور با تمام رسیده چون آخر سال است مشغول

قرار داد و دستور العمل سال جدید میباشد و کمال

اهتمام را در انجام خدمات دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که نوآب جهانسوز میرزا سیرت

فوج عرب با عالیجاه مرعزی قلیخان سرهنگ و فوج

در بیرون دروازه لبان چادر زده و فوج منزل

همه روزه مشغول مشق میباشند و از جانب نوآب

معزی الیه و صاحب منصبان کمال اهتمام در مشق

و انتظام امر آنها بعمل می آید و همچنین سواره چکنی

ابو ایجمعی عالیجاه محمد باقر خان در بیرون دروازه

منزور منزل کرده مشغول انجام مأموریت و خدمات

محو له میباشند و همچنین توپچیان ساخوی آنجا

در کار و خدمت خود مراقبت تمام دارند کیعرا در

با توپچی در قلعه خواجہ نفس و کیعرا در دیگر در سربند

کرکان و مابقی توپ و توپچی در شهر استرآبادند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان ایلیخان و ار

اوزان آنجا را داده قدغن نمود که سنگمارا در

ضراجهانه عهد نمایند که کسب بهمان اوزان داد و ستد

کنند و بعضی اختلافات که سابق داشتند موقوف

باشد و هم چنین پول سیاه را نیز بقرار معمولی آنجا

قدغن نمود و دی پنجاه دینار سکه زدند که داد

ستد و سیاه باین قرار در میان اهل آنجا روا

بگیرد

استرآباد و اصفهان و بروجرد

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری بنویسند

خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند

رستان در آن ولایت بارندگی بیشتر از سالهای دیگر

شده و برف زیاد آمد و صاحبان املاک و زراعت

از این معنی زیاده خورسندی دارند و در اینجا هم

زیاده برف گرفته شده بطوری که در ماستان محتاج

ببرف و برف کوهستان بیلاقات سخاوت نمهند کرد

دیگر نوشته بودند که یک نفر از سربازان فوج خسته

در ارض اقدس تسلس ماه فاج بستی بود و

قدرت حرکت نداشت و معالجات بسیار کرده

صحت نیافته بود در این اوقات یکی از رفقای

منزور او را بدوش کشیده بعضی مبر که رضویه برده و

۱۶۹۵

از خدمت ذوی الاحترام سرکار فیض آثار در خواست نمود که اذن بدیندیکت در توجید خانه بقعه منوره با خدمت نیز اذن داده سر بار فاج شب را در توجید خانه بخلوص نیت و امید شفا بسر برده درین بین خواست برده و در عالم رؤیا دیده بود که شفا یافته است پیدا شده خود را سر با عرق و تندرست دید صبح که خدمت سرکار فیض آثار آمدہ اورا تندرست دیدند جناب مقرب الخاقان متولی باشی اجبار نموده و مردم هجوم آورده رخت اورا بجهت تمین و تبرک پارہ پارہ کرده بردند و هر کس بقدر مقدور اعانتی با و نموده جناب متولی باشی نیز یکدست رخت تازه با و دادند نظاره خانه سرکار فیض آثار تا ساعت سبب بکراہه بشاؤد زدند

### سمنان

از قراریکه در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجا اللہویردی خان سرہنگ توپخانہ مبارکہ کہ با توپخانہ و توپچیان ابواب جمعی خود از دربار ہایون مامور خدمت خراسان بود و اورا و سمنان کردیدہ بعد از نہ روز توپ در آنجا روانہ محفل ماموریت کردیدہ و در منازل عرض راہ بسیار با نظم حرکت کردہ است از جہہ در سمنان یکی از توپچیان بیاع شخصی رفتہ از چوب بست چغته چند چوب وزویدہ بود صاحب باغ آمدہ مراتب را بعالیجاہ مشارالہ اظہار داشتہ بود آن توپچی را خواستہ و بتاریخ تہتہ تہتہ مضبوط نمودہ عزامت خرابی کہ بیاع آن شخص رسیدہ بود و از دادہ و اورا خوشدل کردہ بود

دیگر نوشته بودند کہ در ہفتم ماہ جمادی الاول در سمنان در موضعی کہ مشہور بتا و زہ است قریب ہزار مار در پشہ کہ در آنجا واقع است بیرون آمدہ و انالی آنجا تماشا می رفتند و از قرار تقریر مردم این مار با پادشاهی ہم داشتہ اند کہ ترکیب تاجی بر سر داشتہ است با اینکه اطفال و غیرہ آنہا را بسنگ و چوب ہلاک می کردند مار با کسی اذیت نمی سازند بالآخرہ از کثرت اذیت اطفال متواری شدند چندی کہ دیگر از سوراخنای خود بیرون نمی آیند

عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان و کر و س و کردستان و کرمانشاہ و کرمان و کیلان ازین ولایات نیز در ہجرتہ اجباری بنود

### مازندران

از قراریکہ در روزنامہ مازندران نوشته بودند نواب شہزادہ دالاتبار لطف اللہ میرزا کہ از دربار ہایون ب حکومت آنولایت مامور کردیدند در پنجم شد جمادی الثانی وارد آنجا شدہ اند عالیجاہ مقرب الخاقان میرزا سید اللہ وزیر و اعیان و اشراف و امانی ولایت لوازم استقبال و احترام را در ورود نواب معزی آبلعل آورده اند و بعد از ورود مجلسی بوجود علماء و اعزہ و اعیان انعقاد دادہ صرف شربت و شیرینی و مبارکات حکومت بعل آمدہ تقدیم بدعا کونی ذات اقدس تعالیون شہنشاہی نمودہ اند

X



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمیس بیست و هشتم شهر جمادی الثانی مصادف سال ۱۲۷۲

مزه ریت و شست و شس

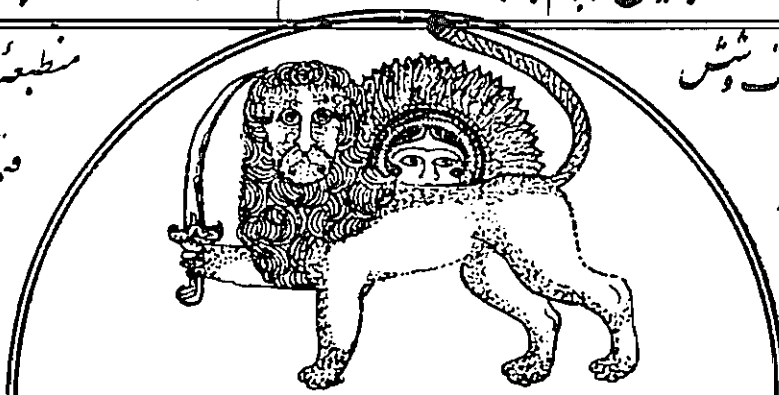
منطبه دار انخلاف طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

بر نسخه ده شهر

هر سطر پنج سطر



### اجبار و احتیاج ممالک محروسه پادشاهی

#### دار انخلاف طهران

از روزیکه بنای دین اسلام بجهت حضرت خاتم رسل و فخر انام صلوات الله و سلامه علیه محکم و برقرار گردید کُل مسلمانان با هم برادر و در اصول دین و فروع کتاب همه با هم متفق و صاحب یک رای بوده و هستند و اینهم که دین اسلام بفضله روز بروز در ترقی و مسلمانان رو بکثرت جمعیت گذاشته و میکند از باب اتفاق و اتحاد و اتفاق مابینت و اختلاف است و اگر در بعضی از مسائل فرقی میانین فرق اسلامیة جزئی اختلافی باشد چنانکه هر یک از مذاهب اربعه با هم در بعضی مسائل متفاوت است برادران دینی را باعث تفرقه و کجاست نخواهد بود چنانکه فرقه اثنی عشریه بذهب جعفری در کمال مرتبه محترم میدانند همان نسبت اهل جماعت را نیز برادر دینی خود دانسته و میدانند و در اشرف مآکن و محترمترین مقامات عبادت مثل بیت الله الحرام و مسجد کوفه حضرت سید الانام

و سایر قبایع و منیه مبرکه بالاستر اک و بالانسان داخل میشوند و از حسن معاشرت و آمیزش با یکدیگر کمال خرسندی و خرمی را دارند و عملی را که جلال شیعه از روی نادانی و بی اطلاعی از مرام اثنی عشری گاهی مرتکب شده اند برخلاف راه علمای دین مبین بوده است و از ایشان هرگز کسی راضی باین معنی نبوده و چگونه میشود العیاذ بالله سب و رفق اصحاب کبار و رؤسای ایشان رضوان علیهم مقبول رای عالم مشرع یا عاقل فطن بشود و معلوم است که در هیچ طبقه و در هیچ ملت و طریقت علماء و عقلا کما یسبغی نتوانند از خبر تمام و منع اخبار از اقوال و اعمال ناشایسته ایشان نمایند مثل اینکه العیاذ بالله مسموع میشود پاره از جهال و عوام بی اطلاع از دین و مذهب خود تجری بنمایند و با نسبت با اهل بیت رسالت و طهارت زبان درازی میکنند و ناسزا میگویند لهذا لازم افتاده که اعلام عام بشود بجا فوایل اسلام که کمال مراقبت در دین مبین بر آن

۱۶۹۷

شرع و این خود نماید و قانون ادب و خضوع و احترام  
 و ترضی را احکام مذکره و استماع اسامی مبارکه  
 بزرگان دین و خلفا بر پیشین از دست ندهند که  
 اگر فی الواقع نادانی از راه جهالت ازین معوله سخنان  
 رکیک بزبان راند حکام و مباشرین امور دیوانی  
 ناموریت دارند باعلی درجه رجو و تشبیه اورا تشبیه  
 نماید نماید و نگذارند بی سبب برادران دینی  
 اسلام از یکدیگر تقاطر خاطر پیدا نمایند و پادشاه  
 و نجاه اسلام با هم بیکر و ملت متفق و متحد و برادر  
 واقعی و رعایای جانبین نیز با هم بیکر برادران دینی  
 بوده و هستند بهی است که اولیای دولت  
 علیه عثمانی نیز این معنی را بدقت هر چه زیادتر ملاحظه  
 خواهند نمود و بهین نسبت به تبعه و رعایای خود  
 در عهدین و بجزای با این دولت قدغن خواهند  
 نمود که جمال خود را از نامه افکن باهل بیت است  
 و طهارت بر فرض وقوع مخالفت نمایند تبعه جانبین  
 بل کل فرق اسلام را که در روی کره زمین هستند  
 لازم است که بوجود پادشاهان اسلام فخر و مباهات  
 نمایند که قوام دین و آیش کل مسلمین منوط بوجود پادشاهان  
 عظیم ایشان اسلام است و هیچ اختلافی فیما بین وجود  
 نبوده و نخواهد بود و با اینکه علمای ذوی الاحترام  
 دین بسین و عقلا و بزرگان ملت اشغری خلفا  
 راشدین را اصحاب رسول و محترم میدانند و الفاظ  
 خلاف ادب را نسبت بایشان خلاف بین میدانند  
 اولیای دولت هم محض اتحاد و ولتین و احکام

شرع و شریعت اتهام در این کار واقع میسند  
 این شهرتها که نسبت بشیعه میدهند و فیضه و من  
 خود میداند و بهبه حکام و مباشرین موافق این  
 واضح و احکام مخفیة قدغن شد بدینسان که اگر  
 جالبی محض سفاکت و نادانی و وسوسه سبطانی  
 حرفی بخلاف بزبان راند مستحق رجو و تاوید و تعزیر  
 شرعی و عرفی خواهد بود  
 چون در سال هزار و دولت و شصت هجری که  
 زمان انعقاد شرط مهاجرت و ردوزاریان بین  
 دولتین ایران و روس بود رسم الطباع روزنامه  
 و اخبار مقرر بود که بتوان افراد مردم را از امانی  
 ولایات هجرات و سرحد نشینان بطوریکه بایست اند  
 وارد ادبین الدولتین احضار کامل داد لهذا  
 در این اوقات که طبع روزنامه مقرر و معمول است  
 اولیای دولت علیه نظر مبادت حاصله بین دولتین  
 و احضار دادن امانی سرحدات طرفین که هر کس  
 رفتار خود را بداند و اثر سرحد نشینان طرفین بخلاف  
 وارد احکام حرکت خلافتی ننمایند مناسب دانستند  
 که شرط نامه مهاجرت را که در ضمن فصول چهارگانه  
 تفصیل و استقرار یافته بود درین روزنامه مندرج  
 سازند و دوباره مردم را آگاه نمایند فضل اول  
 رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر  
 بلیط دولت خودشان بنجاک یکدیگر عبور نخواهند کرد  
 فصل دوم هر شخصی از رعایای دولتین که بدون بلیط  
 بنجاک یکدیگر بگذرد دستگیر و بدست سرحد داران

۱۶۹۸

ز نزدیک آبخا یا وزیر مختار با شازده فریادبول  
 دولت خود تسلیم خواهد شد مع اسلحه و رخت  
 و اسبابی که بهر اسی خود دارد فصل سیم هرچو  
 رعایای دولتین در خصوص مهاجرت نمودن  
 از دولت خودشان خواهند کرد باید بدون  
 مخالفت خارج باشد فصل چهارم اگر میان  
 دولتین در عالم دوستی از عهد کیمر بلطی سخن  
 بیضایه از برای بعضی خانوارها خواهند داد مگر  
 مانعی مقرون بقاعده و قانون باشد

در این اوقات نظر بفرماندها و خاطر اعدای  
 شاهی بکفایت و کار دانی امیر الامراء اعظام  
 امیر اصلاخان و ظهور مرهم ملوکانه در باره  
 از فرزانان هر لعلان مبارک که بدستخط هایون  
 گردیده اودا ب حکومت کیلان سرافراز فرمودند که  
 انجار اسخلاف حکمران سابق کیلان بحسن سلوک در قضا  
 و رعیت داری از خود راضی داشته مراتب کفایت  
 و کفالت خود را پیش از پیش منصبه ظهور رساند و  
 جبه ترمه دور زنجیره از طلبوس خانه خاص لامر اعظام  
 مشارالیه خلعت مرحمت گردیده این روزها بقر حکومت  
 خود روانه است

نظر بظهور رحمت ملوکانه در باره عمده الامراء اعظام  
 امیر تومان سوای خلعتی که از جانب سنی بجانب ملوکانه  
 در ازای منصب مشارالیه مرحمت گردیده این روزها  
 التفات بکتوب کلچو ترمه از طلبوس خاص بدن مبارک  
 باو عنایت گردید که سبب مزید مباحث خود داشته

در انجام خدمات محوله بخود اهتمام نماید  
 چون عالیجاه مقرب امخاقان محمد ابراهیم خان سرب  
 در اموریت خدمت فارس و سرحدات آنجا بحسن تدبیر  
 و مراقبت تمام امور افواج ابوالجمعی خود را در کمال نظام  
 و امانی انجار از نظر معقولیت خود رخصی و کرد و عا  
 این دولت جاوید مدت داشته خدمات او مقبول  
 مستحسن خاطر اقدس هایون و امنای دولت علیقت  
 بود درین اوقات که بدر بار جهاندار حاضر و شرف  
 حضور مهر ظهور کرد دید از جانب سنی بجانب ملوکانه  
 قطع نشان از مرتبه اول تیرچی بانضمام بکیر شاهی  
 سرخ که مخصوص این مرتبه است باو عنایت و کتوب  
 جبه ترمه بمرسم خلعت مرحمت گردید

سایر ولایات

ازر با بجان بموجب اخباری که در این اوقات از  
 از با بجان رسید کمال امانت و انتظام در ان ولایت حاصل  
 و بارزندهای خوب شده و چند دفعه بر منم آمده است و کس از  
 چاکران دیوانی در سرکار و شغل خود و انجام خدمات دیوانی  
 و عالیجاه و اینچنان سیرت که بهماننداری جناب سر مور و وزیر مختار  
 دولت بینه نکلیس نامور بود در این اوقات که جناب شارالیه در  
 توقف دارد لوازم اهتمام را در هماننداری بعین آورد و جواب پذیر  
 مختار کمال رضامند بر احسن اهتماماتش مالیه در خدمت مرجع  
 داشته اند و هم چنین در باب اموال عالیجاه مجدت سر راه کسین  
 که در تبریز مفقود شده بود در پیدا کردن آن عالیجاه شارالیه  
 نهایت اهتمام را بعین آورده است و از حسن خدمات خود  
 اولیای دولت علیقت خرسند داشته است

۱۶۹۹

بروجرد

از قرار یک در روزنامه بروجرد نوشته بودند  
 مستطابش براده والا بتار حشام الدوله در عشر  
 آخر جمادی الاول از زون سبت شو شحرکت  
 نمودند و از آنجا بنای حرکت بسبت فلاحیه دارند  
 عالیجاه میرزا علی لرستانی را با جمعی از سواره بروجرد  
 سرتانخانان نورمحمدخان سرتب روانه ریزه  
 حسینیه و قیلاب نمودند چون نشین ایلات بالاکر  
 و سکندران حول و خوش است مراقب باشند  
 که ایلات مزبور با هم نزاعی نکنند و دست انداز  
 باموال و اموال و مترددین نمایند

دیکر نوشته اند که در ماه جمادی الاول هوای بروجرد  
 در کمال اعتدال بوده است و بطوریکه سالهای دیگر  
 سرما در آن ولایت شدت میگرفته است امسال  
 رستان با نظور کسرون شده بوده است مگر در  
 اوایل جمادی الثانی که بارندگی کامل کرده و شبانه  
 متصل برف و باران آمده بوده است صاحبان  
 اهلک و زراعت این بارندگی بسیار مشغوف هستند  
 بوده اند

دیکر نوشته بودند که در اوایل جمادی الثانی غفار  
 سلطان با یکصد و پنجاه نفر توپچی مأمور لرستان  
 عربستان با یک عراده خمپاره وارد بروجرد شدند  
 و نواب بروجرد را بکلیت بروجرد سوار کرده  
 و در حین راه با سواران لرستان که در بروجرد  
 بودند ملاقات نمودند و در این ملاقات نواب  
 بروجرد را از احوال لرستان و از احوال بروجرد  
 آگاه نمودند و نواب بروجرد را از احوال لرستان  
 آگاه نمودند و نواب بروجرد را از احوال بروجرد  
 آگاه نمودند

بعد از چهار روز توقف توپچیان مأموره در بروجرد  
 اسبانی بهم که بعرااده بسته بودند از شدت برف  
 و بارندگی صدمه خورده و مفلوک بودند نواب  
 معزی الیه از توپخانه بروجرد در عرض اسبان فرست  
 با آنها داده روانه مقصد گردیدند

دیکر نوشته بودند که امالی بروجرد در کمال زحاه  
 و اسودگی هر کس بکار و کسب خود مشغول و اوضاع  
 خارج بروجرد نیز از قبیل سختیاری و سیلاخورد  
 جاپلق در نهایت انتظام است

دیکر از لرستان نوشته بودند که نواب جلال الدین  
 در پانزدهم جمادی الاول از خرم آباد حرکت کرد  
 روانه صدمره که نزدیک همه ایلات کرسیر نشین  
 آن ولایت است شرفوج عالیجاه جمع قلیخان سرتبک  
 خداوند و سواره دسته عربان و یار احمدی و سرتبک

دالوند و توپچیان مأمور محترم آباد با قورخانه و دوجر آذوقه  
 توپ در اردوی صدمره حاضر شدند و سران دولت  
 طوالیف لرستان نیز در اردوی مزبور خدمت نواب  
 معزی الیه آمدند و امور تمامی طوالیف آنجا در نهایت  
 انتظام است و از هیچکدام نسبت بیکدیگر خلافت  
 اتفاق نیفتاده است مگر طالیفه کاکاوند و در وقت حرکت  
 بکرمیرات در میان خود نزاعی کرده بودند و نواب  
 معزی الیه بنا دارند که اشرا و مفیدین طالیفه مزبور را  
 تأدیب و تنبیه کامل نمایند که بعد از این کسی مصدرا  
 در بروجرد نشود

دیکر نوشته بودند که نواب بروجرد در کمال زحاه  
 و اسودگی هر کس بکار و کسب خود مشغول و اوضاع  
 خارج بروجرد نیز از قبیل سختیاری و سیلاخورد  
 جاپلق در نهایت انتظام است

۱۷۰۰

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند  
 خانوار خان هزاره که در مرو بود بعد از شنیدن  
 تشریف زمانی نواب مستطاب شاهزاده والا  
 حاسم السلطنه بارض اقدس برادر خود را در مرو  
 بجای خود گذاشته خود با صفت مفاد نفرازی  
 ترکمانان مروی خدمت نواب معزی الیه آمده  
 مورد نوازش و التفات گردید و شش نفر  
 نیز که در میان طالبه قریابی و غیره بودند مستخلص  
 ساخته بحضور نواب معزی الیه آورده بودند آنها  
 هم مرض ساختند که با و طان خود بروند و شایسته  
 بارش سفیدان کمال امیدوار بر ابراهیم رسانده  
 برو مراجعت نمودند

دیگر نوشته اند که مقرب انجاقان قوام الدوله  
 بعد از ورود بارض اقدس حسب احکام نواب  
 مستطاب حاسم السلطنه هر روزه بارک آمد بعد  
 شرفیابی حضور نواب معزی الیه در یکی از عمارت  
 دیوانی نشسته مستوفیان و اهل دفتر و نوکرهای دیوان  
 هم در آنجا حاضر شده مشغول رسیدگی محاسبات  
 ولایتی و انجام خدمات دیوانی مستند و هر روزه  
 تا نزدیک غروب در منزل مزبور بکارهای مردم  
 و محاسبات و غیره رسیدگی شده نزدیک غروب  
 اقیاب بنازل خود مراجعت میکردند و در ایام  
 آنجا در یکی از خانه که سابقا مترب انجاقان  
 در آنجا ساکن بودند و در آنجا در آنجا در آنجا

و اهل دفتر و نوکرهای دیوانی هر روزه در آنجا حاضر  
 شده مشغول انجام خدمات دیوان میباشند  
 دیگر نوشته اند که فوج فشار و فوج شقاقی که از  
 دارالخلافه مبارکه مأمور خراسان شده بودند در  
 این اوقات وارد ارض اقدس گردیدند  
 نواب شاهزاده والا بتبار حاسم السلطنه عالیجاه  
 رحمت الله خان سربسک فوج شقاقی را با فوج و  
 یک عراده توپ و پونصد مأمور قایمات نمودند که قیام  
 در آنجا بصوابید عالیجاه امیر علم خان مشغول انظام  
 امر آن سرحد باشد

دیگر نوشته اند که نواب حاسم السلطنه در اوقات  
 توقف ارض اقدس که خدایان و دار و فد شهر را  
 بحضور خواسته و الترام از آنها گرفته قدغن ایکد  
 نمودند که اگر بعد ازین در محله فاحشه پیدا شود یا  
 شراب و عرق در خانه بهم برسد و آنها در خور و  
 ولایتی قلمداد کرده باشند مورد مواخذه و سیات  
 گردند و آنها نیز حسب احکام نواب معزی الیه مراقبت  
 زیاد دارند که ازین قبیل هر گویا اتفاق نیفتد  
 دیگر نوشته بودند که در ایام حکومت مرحوم فرمانفرما  
 مفصله ششصد خانوار با خیزی که در بهرات مستند  
 نموده بودند که با اتفاق عالیجاه عباسقلی خان کروی  
 با و طان خود مراجعت نمایند و مرحوم فرمانفرما نیز  
 حاجی محمد رضای شاد لور آنچه انجام کارهای آنها  
 روانه نمودند بود در این اوقات حاجی محمد رضای  
 در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا در آنجا

۱۷۰۹

نفرزیش سفیدان هزاره را بحضور نواب السلطنة  
 آورده نواب مغزی آنها را خلعت داده و بان  
 اولیای دولت علیه امیدوار کرده بودند و در  
 مزبور معروض داشته بودند که قواء با خرد درین  
 خرابی زیاد بهم رسانده و احتیاج بمغیبه دارند و  
 مغزی علیه علی الحاکم پانصد تومان وجه نقد و شصت  
 خروار غله بآنها دادند که رفته مشغول بمغیبه قواء  
 و زراعت و بذرتانی باشند و مقرر داشته که  
 بعد از عید سلطانی خود بهم بان سرحدات رفته امور  
 آنها را بر حقه تنظیم دارند و ریش سفیدان مزبور  
 متخلع گردیده بانهایت دلگرمی و امیدواری روان  
 باختر شدند

دیگر از وقایع ارض اقدس نوشته اند که چند  
 سادات در رویه لغش بمصلی آوردند که سرباز  
 آنها را مانند کوسفند خنجر کرده بودند مقتولین از اهل  
 درو و بوده اند و از آنجا پنبه بار کرده بارض اقدس  
 می آورده اند در نزدیکی کاروانسرای طرق آنها را  
 کشته و پنبه و الاغ آنها را بشهر آورده در کاروانسرای  
 خو بسته بودند بفرود شدند رخت مقتولین را هم بخص  
 دست فروشی میخواستند بفرود شدند چون همت  
 بسیار نازل کرده بودند آن شخص دست فروش  
 کمان مال دزدی کرده مکرفه بود مراتب بعض نواب  
 حاکم السلطنه رسیده قدغن اکید بمقرب الحاکمان  
 قوام الدوله و سایر کار گزاران کردند که قاتلین احکاماً  
 پیدانمایند بعد از تحقیق و مجتسب که قاتلها بدست آمدند

سه نفره اتی بوده اند با یک نفر سرباز که از افواج سابق  
 در آنجا مانده بوده است و اینها بجهت پنبه و الاغ در  
 که زیاده از پانزده تومان ارزش نداشته است  
 مرتب قتل آن چهارگان شده بودند نواب مغزی علیه  
 حکم نمودند که هر چهار نفر را در پای تخت دار و نیز  
 اعمال ناشایست خود رسانند

**سمنان و عراق ازین ولایات درین**  
**اجباری نبود**

**فارس**

از فراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور  
 انولایت از اتهامات عالیجاه دریابگی و حاکم بندر  
 کمال انتظام و نظرباطر دارد و عالیجاه حمد بخان  
 فوج نهادند و فوج او و توپچیان متوقف بندر  
 در سه کار و خدمت خود مراقب و بانهایت حسن  
 با امالی آنجا رفتار میماند و تمامی امالی آنجا در کمال  
 و آسودگی و شکر گذاری میباشند و در این اوقات  
 بارندگی کامل در انولایت شده امیدواری زیاد  
 اهل زراعت و صاحبان املاک حاصل گردیده و آب  
 انباری که عالیجاه مقرب الحاقان حاجی قوام الملک ساخته  
 ازین بارندگیها آب مضبوطی بانجا کسیری شده و  
 بمعنی نیز سبب مزید رفاه و شکر گذاری امالی آنجا  
 گردیده است

دیگر نوشته بودند که از توپهای جدید الورود عده  
 توپ حسب حکم عالیجاه دریابگی توپچیان بخرج  
 برده گذاشته و متعزیه که توپهای مزبور مخصوص آنجا باشد

۱۷۰۲

۷

و کیر نوشته بودند که عالیچان حبیب الله خان باور  
 بنا و ندی و حبیب الله سلطان ولد مراد خان یوسف  
 و کلبعلی سلطان برادر مراد خان مرزور با یکصد نفر  
 از سه بارزخان و ندی و توسیر کانی حسب حکم عالیچان  
 میرزا حسنعلی خان دریا بسکی و حاکم بوشهر و مهدنجان  
 سرنگ فوج بنا و ندی مامور جزیره خارک شدند  
 که با مامورین سابق در آنجا ساخلو بوده مشغول حفظ و حرا  
 باشند و سوامی این مامورین از بلوچ مستحفظ سابق و  
 مضامینی نیز بقدر ضرورت بجهت خلایق آنجا مامور  
 و روانه گردیده اند  
 قره‌بین و قشم و کاشان و کردستان  
 و کروس و کرمانشاهان و کرمان  
 و کیلان ازین ولایات نیز درین مهفته اخباری  
 نرسیده است  
 مازندران  
 از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند قبل از  
 ورود نواب شاهزاده دالاس با لطف اللمیرزا  
 با آنجا عالیچاه مقرب آنخاقان میرزا اسد الله وزیر بر  
 ساختن بروج و قلعهجات راغ مرز و ناصر آبا بجهت  
 کنای طایفه عبد الملکی با اتفاق عالیچاه علیخان مهندس  
 بفرج آباد رفته و شش روز در آنجا توقف نموده و  
 مکان بروج و بدنه و غیره آنجا را تشخیص داده و  
 معمار و بنا و عمده و مصالح کار مهیا نموده و در آنجا بجهت  
 حفز خندق و نندراغ مرز و اصباح خندق حسین آباد  
 حفز خندق جنب قلعه مبارکه ناصر آباد سمت ناصر آباد

رفتند و قریب پانصد نفر عمد بپستور العلی عالیچاه  
 علیخان مهندس بکار حفز نهر و خندق انداخته و دو  
 شب هم در آنجا توقف کرده بعد از قرار انتظام امر آنجا  
 بساری مراجعت نموده است و در بیت و پنجم ماه  
 جمادی الاول علیخان مذکور آدمی فرستاده بوده است  
 که خندق قلعه راغ مرز باسجام رسیده و مشغول انجام  
 سایر کارهای محوله میباشند  
 و کیر نوشته اند که عالیچاه مش را لیه در انتظام امر ولایت  
 و رفاه و آسودگی عیبت اهتمام زیاده نموده از جمله محلی  
 نامی در خارج شهر شراب فروشی و شرب و شرارت  
 مشغول بوده است فرستاده خانه او را خراب نمود  
 و خود او را نیز گرفته بعد از تنبیه اخراج بلد کرده و بعضی  
 اشعار و او باش و کیر که در ساری مشغول مناسبتی  
 واقفاد و بهزگی بودند و علی داعزه ولایت از آنها  
 شکایت داشتند همه را از شهر اخراج نموده و آنها را  
 آنجا کمال شکر گذاری ازین محله دارند و همچنین در  
 وصول و ایصال ایالت دیوانی بار عالی با حسن سلوک  
 رفتار مینمایند بطوریکه رعایا بدون محصل هر یک ایالت  
 خود را آورد حساب خود را بپردازند در باب دیگر  
 آنولایت نیز بر حسب حکم اولیای دولت قاهره بکر کردگان  
 پیاده و سواره را احضار و التزام ده روزه از آنها  
 گرفته است که دست بسته لوگر را حاضر ساخته سان  
 بمواجب و جیره و غایب و متوفای آنها بوقت رسیدن  
 رسانند و همدان و پیر و ازین ولایات  
 نیز در این مهفته اخباری نبود

۱۷۰۳

انجمن

انجمن

### اخبار دول خارج

آمدن پادشاه سارده پاریس و لندن و اجرای ملاقات  
او با امپراتور فرانسه و پادشاه انگلیس و معاودت  
بشاردینه در روزنامه های سابق نوشته شده بود از  
قراریکه در این اوقات در روزنامه های فرانسه و  
نوشته اند امپراتور فرانسه عزیمت باز دید پادشاه

سار دینه را داشته اند

دیگر نوشته بودند که در دوازدهم ماه ربیع الاول  
روز چهارم امپراتور استریم بکاک چهارشنبه  
خدمه لازم بنعم سیر و تاشا حرکت کرده بود و درین  
حرکت اسبها رمیده یک نفر کالسکه چی تلف و

دو نفر از خدمه نیز که در عقب کالسکه بوده اند مجروح  
و اسبها عنان اختیار از دست گرفته بهوی خود  
میکروند درین بین یک عرابه بارس از جلو در آمده  
تا اسبها در می معطل شده اند که از عرابه مزبور بگذشت  
از وجه امپراتور متخلص شده است و بجز خوبی که داشته  
که آیا چه بشود و بیچوجه استی باو نرسید و اسبها که  
و عرابه جلو شکسته و خوروشده است

دیگر نوشته اند که در پیچیک از طرق مملکت پایامی  
تا حال راه آهن ساخته شده است و امالی رومه هر  
خواسته بودند در بعضی محل های مناسب راه آهن  
شود از جانب پایا اقدامی درین باب نشده بود در  
اوقات توسط یکی از اهل صنایع انگلیس قرار آنگهی  
شهر رومه تا فلوینس داده شده است که بازند  
جانب پایا حکم شده است که راه مزبور را زود تمام نمایند

دیگر نوشته بودند که در فرنگستان از ملت یهودی  
روشن شد که شهرت تمام یافته اند چهار نفر صراف ثروت  
الضاف بودند که یکی از آنها در پاریس و یکی در لندن  
و یکی در ناپولی و یکی در فرانتفور که از مالک الما قبالت  
ساکن بودند نام و شهرت و دولت و در ملت حسن  
خدمات آنها مستقی از تقصیر و بیان است این صرافان

روشن شدی که در فرانتفور بود چند وقت قبل ازین  
فوت شده است تنها وجه نقد او چهارده بار صد هزار  
کیسه ظاهر گردیده است چون وارثی نداشت مبلغ مزبور را  
که معادل بیست و شش کرویر پول ایران است با کاف  
موجودات خود یعنی مال روشن شد لندن و اگدا کرده است

مگر سبجه اطعام فقر اچیل هزار کیسه با صاحب احتیاج شهر  
فرانتفور توزیع و تقسیم نموده است که از ملت موسوی  
در هر هفته رفته اخذ و نظایف خود را از وجه مزبور نمایند  
و ده هزار کیسه نیز سوای این وجه سبجه توزیع دختران  
فقیری ملت یهود مشخص کرده و با اتباع و خدمه و غنوبان  
دو رخ و نیز هر یک معاش مستوفی معین کرده است

از اهالی فرنگستان و یکی دینا هر کس برای تسهیل امور با  
احتراعات مبادرت نماید در لندن و یکی دینا بعضی  
جامه شوران الب و جوانگاه پنبه یا هر چه باشد با خرج بجا  
بزودی شده و بهایش تسلیم می نمایند در این اوقات  
مثل آن جامه شورانها در پاریس اتخاذ شده است  
چند قیقه و مفروضات را نهایت تمت و دره باز کرده  
بقوت بخارج خرج شده و حشانه و آلو کشیده بهایش میدهند  
بمقام تجربه رسانده اند

۱۷۰۴



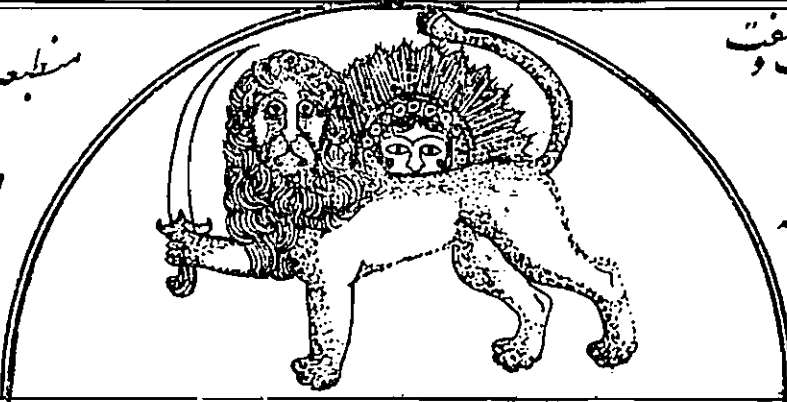
روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه ششم شهر محرم مطابق سال ۱۲۷۲

مذہب و مکتب و مذهب

منسلبہ دار الخلافہ طہران

قیمت روزنامہ  
ہر نسخہ دہ پائے

قیمت اعلانات  
ہر سطر پانچ پائے



### اخبار داخلہ ممالک محروسہ پادشاهی

#### دار الخلافہ طہران

در روز شنبه ششم ہشتم ماہ گذشتہ اعلیحضرت  
قوی شوکت شاهی ابد العیشہ بیام نظامیہ  
متعلقہ جناب اشرف امجدار فرخ محسن صدر اعظم  
کہ جنسلی باصفا و ممتاز است با خدام حرم جلالت  
تشریف فرما شدہ در وقت تشریف فرمائی  
از جانب جناب معظّم و و اسبکان ایشان لایزال  
پیکش و پاندا از و قربانی بعل آمدہ ہنار را در کا  
صرف فرمودہ و تا اسکاام عصر تشریف داشتند  
بر وجود فایض ایجو د اقدس ہایون بسیار خوش  
گذشتہ اجازت صرف عصرانہ و چای مراجعت بمقر  
خلاف عظمی فرمودند

در وقت حرکت موکب ہایون از دم دروازہ دولت  
الی در باغ قصر قاچار از سوارہ نظام و افواج  
و غلام و غیرہ در دو طرف راہ با کمال استکی و  
سکوہ صف نظامی کشیدہ بنظر ہر اثر حسہ وافی  
رسیدہ و انتظام و ار استکی نظام سوارہ سادہ  
بسیار مستحسن و مقبول خاطر ملوکا زافتادہ بعد از  
ملاحظہ انکھا بعمارت قصر قاچار نزول اجلال فرمودند  
جناب اشرف فرخ محسن صدر اعظم و سایر  
مقربان حضرت کردون لبط سنیہ و تقدیر نوم  
از چاکران دربار ہایون و خدم و حشم ملترم کاتب  
فیروززی انتساب لوبدہ و چند روز در باغ فرورد  
توقف و تفریح فرمودہ بجنبہ سلام عید سعید سلطانی

۱۷۰۵

چون ہر سالہ چند روز بعد نور و سلطانی ماندہ  
اینکہ عمارات مبارکہ ارک را ایش و تزئین بند  
اعلیحضرت اقدس ہایون شاهی بقصر قاچار  
تشریف فرما میسوند لہذا در روز دوشنبہ گذشتہ  
بعار معمول ہر سال تشریف فرمای قصر قاچار کردیدہ  
بارک مبارکہ و متسلط عظمی حضرت خوانند فرمود  
انظر بحس کفایت و اہتمامات مقرب انخاقان حاجی  
حاجب الدولہ در انجام خدمات محولہ بنجد در این  
اوقات یک ٹوبخیز قد بطانہ پوست از جانب سنیہ  
ملوکا بہ مقرب انخاقان مشارالہ مرحمت کردید

نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه حاج میرزا  
عزیز وزیر بهمان در این اوقات فرمان مهربان  
مبارک در باب وزارت بهمان عهد عالیجاه  
شارالیه شرف صدور یافته و بدستخط هایون  
کر دیده از جانب سنی بجواب ملوکانه میثوب جبه  
ترمه با خلعت حرمت گردید

چون خاطر اقدس هایون شاهنشاهی بانظام امر  
مدرسه دار الفنون و ترقیات متعلمین و تاشرفون  
حربیه نظامیه و طبییه و غیره زیاده مایل میباشد  
ایامی مخصوص تجربه و امتحان علوم تحصیلیه متعلمین  
جناب امجد اشرف ارفع صدر اعظم چند روز  
بکارهای آنها نموده بعد از تشخیص مراتب تحصیل و ترقی

چون عالیجاه حاجی موسی خان سجدیدار کل قورخانه و  
جبه خانه مبارکه از عهد خدمت محوله بخود در کمال  
صداقت و خوبی برآمده و اولیای دولت علیه از  
حسن خدمات او نهایت رضامندی بهم رسانیده  
لذا درین اوقات از جانب سنی بجواب ملوکانه  
دولت تومان بصیغه انعام در حق عالیجاه  
مرحمت گردید

هر یک از شاگردان و معلوم شدن اتمامات متعلمین  
وسعی آنها در تعلیم قواعد نظامی و غیره اعلیحضرت  
اقدس هایون شاهنشاهی خود بنفسه تشریف فرمای  
مدرسه مزبور گردیده متعلمین در حضور مبارک  
بمقام تجربه و امتحان درمی آیند و از متعلمین و متعلمین  
هر که ام سعی داشته و ترقی کرده و در علوم متعلقه بخود  
اهتمام نموده باشند فراخور حال انعام و نشان و

۱۷۰۶

چون عالیجاه میرزا حسن سرشته دار قورخانه مبارکه  
چندی قبل سیاست شده بود اولیای دولت علیه  
محض استعداد و قابلیت و صداقت عالیجاه را  
شغل و عمل او را که سرشته داری کل قورخانه جات  
و جبه خانه های دار الخلافه و جمیع ممالک محروسه  
کمانی سابق حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاهی  
شارالیه محال و بکثوب جبه ترمه کرمانی برسم خلعت  
در حق شارالیه حرمت گردید

علاوه مواجب در همان حضور مبارک حرمت میسود  
که موجب تشویق سایرین بوده در تحصیل کارهای محوله  
سجود بیشتر سعی باشند علی هذا در این اوقات چند  
روز بود که جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
در روزنامه سابقه نوشته شد با بعضی از چاکران  
در باره سپهر احتیاج که بقواعد نظامیه و طبییه و غیره  
ربط داشته مشغول رسیدگی کارهای متعلمین و الفنون  
بودند تا اینکه در روز شنبه گذشته اعلیحضرت  
قوی شوکت شاهنشاهی صان الدایام سلطنته عن التاهی  
تشریف فرمای مدرسه مزبور گردیده اغلب چاکران  
دولت و مقربان حضرت کردول ببطت شرفیاب  
حضور مزبور شده معلمین و متعلمین در حضور مبارک بمقام

در این اوقات چون امورات منطبل توپخانه  
مبارک که بعهده عالیجاه اصنا سخان بیک یا ورا اول  
توپخانه مرجوع و واکه ارشد محض حرمت بکلاه و شال  
کرمانی اعلی در وجه عالیجاه شارالیه خلعت حرمت گردید

بمقام

اسم در شهر بفروش میرسد اینقرارت

تجربه و امتحان برآمد تفصیل ترقیات هر یک  
انعام و نشان و علاوه موجب که در حق آنها  
شده در روزنامه های آینده نوشته خواهد

### تسعیر اجناس دارا تخلص و طهران در اوقات اینقرارت

۱۰۰۰	نان	یکهزار سه تومان
۱۰۰۰	گوشت	یک من شش عباسی
۱۰۰۰	پیرشور	چهار من هشتزار
۱۰۰۰	ماست	چهار من دو هزار
۱۰۰۰	تباکوی اعلی	یک من چهار هزار
۱۰۰۰	تباکوی وسط	یک من سه هزار
۱۰۰۰	انغوره	یک من ده شاهی
۱۰۰۰	برک	یک من هفت شاهی
۱۰۰۰	حلویات	یک من پنجاه
۱۰۰۰	قذارسی	یک من شش هزار و پانصد
۱۰۰۰	قدیزی	یک من چهار هزار و چهل
۱۰۰۰	شکر	یک من سه هزار
۱۰۰۰	بن	یک من دو تومان
۱۰۰۰	مینجک	یک من چهار هزار و پانصد
۱۰۰۰	دارچین	یک من دوازده هزار
۱۰۰۰	زیره	یک من چهار هزار
۱۰۰۰	زرشک بیدانه	یک من سه هزار
۱۰۰۰	رز و چوبه	یک من سه هزار
۱۰۰۰	فلفل	یک من چهار هزار
۱۰۰۰	سکجین	یک من دو ریال
۱۰۰۰	آب لیمو	یک من دو ریال
۱۰۰۰	برنج غبرلو	یک من سه عباسی نیم شا
۱۰۰۰	روغن	چهار من دوازده هزار

۱۰۰۰	کندم اعلی	یکهزار دو تومان و نه هزار
۱۰۰۰	کندم متفرقه	یکهزار بیت و هفت هزار
۱۰۰۰	چوبه	یکهزار یازده هزار
۱۰۰۰	کاه	یکهزار چهار هزار و پانصد
۱۰۰۰	لوبیا	یکهزار سه تومان و کیرال
۱۰۰۰	عدس	یکهزار بیت و یک هزار
۱۰۰۰	ماش	یکهزار دو تومان و دو ریال
۱۰۰۰	سجودسی	یکهزار چهار تومان و یک ریال
۱۰۰۰	ارزن	یکهزار ده ریال
۱۰۰۰	سنگینک	یکهزار سیزده هزار و پانصد
۱۰۰۰	خلر	یکهزار پانزده هزار
۱۰۰۰	همه	یکهزار نه هزار
۱۰۰۰	حزما	چهار من چهار هزار
۱۰۰۰	گشمن طعام	چهار من دو هزار
۱۰۰۰	شیره شهد	چهار من دو هزار یک عباسی
۱۰۰۰	پیه که اخته	چهار من هفت هزار و پانصد
۱۰۰۰	کک	چهار من دو هزار و یک عباسی

اجناس مسطوره فوق بقرارست که در بیرون دروازه  
مجموعه بفروش میرسد

۱۷۰۷

در جریده امحواث اسلامبول مورخه هفتم و سیزدهم  
 شهر جمادی الاولی کیفیت قدم سترمری و وزیر مختار  
 انگلیس و علت این کیفیت را تفصیلا داده و متمم کتب بعضی  
 نوشتجات ما خوانده گردیده بود و چون تفصیلات  
 مسطوره بخلاف حقیقت و حقیقه در ارضت بود چه  
 اسامی اشخاص چه در تفصیل سوال و جواب هیچ  
 مطابقت بطریق صدق و صواب نداشت معلوم شد  
 که فقرات مسطوره از روی نوشتجات کان بی استحضار  
 و یا بدخواه این دولت پدیدار چاپ شده است  
 لهذا لازم آمد که حقیقت این ماجری علی ماجری درین  
 طبع و شبهاست و آنچه در جریده امحواث مذکوره پدید  
 رفیع و دفع شبهه مستحضران این کیفیت متن واقع آن  
 بدون یک دره زیاده و نقصان شخص و عیان آید  
 بهیچوجه جای شبهه و شکلی باقی نماند اول این گفتگو  
 در خصوص میرزا هاشم خان نام است که او از بد  
 طفولیت تا امر و ز نوکر و موجب خور این دولت بود  
 بدین و رود خسارت و اعمار و صد و ترجمه ضرایب  
 بشغل مناسب حال خود و خدمات متعارف و اقبیل  
 علامت بچکی و پیشانی متنی و شاگردی دارالفنون درجه  
 بعد از خرمی مقرر و سه روز بود پیش از ورود جناب  
 سترمری سترطامن شارژ و افتاد دولت ایشان  
 بمقام تصاحب او آمده خواست داخل اجزای سفارتخانه  
 نماید از طرف این دولت مقبول نیفتاده جواب دادند  
 که او سمت نوکری بدولت دارد اکنون هم حسب  
 جیره و موجب است تصاحب شما در حق او را چندان

سترطامن گذارش را بامنای دولت بموعه خود نوشت  
 موافق مأمول این دولت جواب آمد و بدین واسطه  
 اصراری در تصاحب او نورزیده بحال خود و اکتفا  
 بعد از یک و سال که سترمری بر رسم وزیر مختاری  
 وارد دارالخلافه طهران شد آغاز تصاحب و مدخله  
 مجددا در حق میرزا هاشم خان نموده متمنی شد که از  
 طرف این دولت مبلغی بموجب سابق او فراید اولیا  
 دولت بلاخطه اینکه فرآخور حال او موجب حرجت شد  
 و علاوه بر این اینمقوله متمنیات مکررا در حق اشخاص  
 مختلف اتفاق افتاده و محل قبول و اسحاق یافته است  
 اندازه و حد یقف هم لازم دارد از قبول این مأمول  
 تعاعد و رزیدند اینمغنی نتیجه بکس داده با صراحت  
 مشارالیه افزوده خیال نمود که او را منسوب سفارتخانه  
 ساخته در شیراز شهنشهر و وقایع نگار نماید این مطلب را  
 بانوشته رسمیه با اولیای این دولت خبر داد و اذعان  
 که موافق محمود و شروط دولسین بغیر از بهرین و طهران  
 و بندر ابوشهر در جای دیگر شهنشهر گذاشتن دولت  
 انگلیس تجویز شده است لهذا این فقره هم بدرجه  
 اجابت نرسیده و وزیر مختار مشارالیه درین باب  
 زیاد تر ابرام و اصرار نمود حتی عیال میرزا هاشم خان را  
 که در محله سنگلج طهران خانه و نشیمن داشت آورده  
 حوالی سفارتخانه منزل داد چون عیال مزبور از این  
 سلطت تعظمی بود و این نوع حرکت نسبت سنجاندان  
 پادشاهی و شرعیت اسلام نالایق و متضمن مناسبت  
 بود علیهذا اولیای دوات علیه عیال مذکوره را

۱۷۰۸

۵

از آنجا بیرون آورده بخانه پدرش که احمد علی میرزا  
 مرحوم باشد فرستادند بدین علت سفیر نوبورسپا  
 برودت را گذاشته ترضیه خود را با نوشته بسته  
 باین شرط مربوط ساخت که او آعیال میرزا <sup>سپاس</sup>  
 از خانه پدرش آورده در دایره سفارت بدست  
 میرزا هاشم خان سپارنده ثانیاً بمیرزا هاشم خان  
 اذن دهند که در شیراز شهیند رشود ثانیاً حضرت  
 ارفع اشرف صدراعظم دولت علیه رسماً بفرمان  
 آمده عذرخواهی نماید امنای دولت بملاحظه ناموس  
 سلطنت و حفظ شیوه دوستی و مساعدت وار  
 دادند که عیال میرزا هاشم خان را در هر جا و هر  
 که دلخواه او و غیر از دایره سفارت باشد پیش  
 سپارند که در آنجا ممکن شود و در باب تکلیف ثانی  
 که خلاف عهد و شرط بود تقدیری کرده تعهد نمودند که  
 منظور وزیر مختار را لیه توسعه معاش اوست  
 اولیای این دولت بدون مداخله خارجی مبلغی برسوم  
 امروزه او علاوه کنند و بخصوص تکلیف ثالث که بغایت  
 شاق و خلاف بود در این دولت ابداً سایه نداشت  
 و امر عمده و عظمی هم اتفاق نیفتاده بود که اینگونه  
 شاق مجوز گردد معیناً با زامنای این دولت بجهت حفظ  
 دوستی و سلم و صفای چندین ساله دولتین دیشو  
 فرادادند که این رضا جوئی و مهربانی را جناب وزیر  
 و ونجار چه بسا نتواند رفته بجهل آورد مستر مزبوح  
 ازین فقرات ترضیه راضی نشده در نهم شهر ربیع الاول  
 بیرق سفارت را خوا بانبید و بعد از چند روز همانند

خواستند و به تبریز روانه شد حقیقت ماجری همین است  
 که بدون کم و زیاد در این روزنامه مذرج کشت  
 درین صورت البته هر ذمی انصاف و بصیرت تصدیق  
 خواهد نمود که این امر جزئی قابل اینقدر کشش نبود  
 سفیر نوبورسپا و بی آرامی کرد چون تازه وارد شد  
 بود و برسومات این مملکت بلدیت نداشت و مدتها  
 همیشه در لباس نیکو ای محکم او و منتهی فرصت بود  
 این امر جزئی را عنوان اجرای مدعی خود ساخته  
 کار را باین درجه غلیظ کردند و الا اولیای دولت علیه  
 ایران در ملاحظه رسم همان نوازی و کمال عایت  
 آن و حفظ عموم و شروط دول مسجایه بیکگونه قصور  
 ندارند و از هیچ دولتی درین باب پاسبی میکنند  
 بلکه بکام کتاب منزل و اجبار بتی مرسل علیه و آله  
 و الشنا حفظ عموم و از جمله واجبات و نسبتاً اکثر  
 درین باب تفویق دارند بمفاد او قوا بالعهد ان العبد  
 کان سولاً و المومنون عند شروطهم ایفا عهد را مستحکم  
 و عدم رعایت آنرا محرم می شمارند اینکه در روزنامه سیر  
 جمادی الاولی نوشته اند که قونسول دولت انگلیس را  
 پس از حرکت مستمری از طهران بگردن کرده اند و میرزا  
 هاشم خان از اشخاص معتبر و مشهور ایرانت ادرا از  
 عداوت و نفست از شغل خود معزول و جریمه کرده  
 اطاک و اموال او را ضبط نموده بسیار سخت  
 با و رسانیده اند این فقرات بکلی خلاف و کذب محض  
 قونسول دولت مشارالیه با احترام تمام در در آنخلا  
 متوقف و مشغول امر خود میباشند و ابد در حق او خلاف

۱۷۰۹

توقیفی صادر نموده است و بمیرزا هاشم خان هم  
 که حالت و کنت او پیش از آن نیت که در سابق ذکر شد  
 و جای ضرر و آزار در باره او متصور نمی شد و امثال  
 او در ایران بسیار زیادند که جز و معارف نشده  
 میشوند چه و دیناری خسارت و اضرائی نرسیدند  
 همیشه در سایه عنایت شاهانه نیت و کدزدان بیگانه  
 داشته است همچنین عیال او را بحبس نبرده اند سهل  
 حفظ ناموس او را لازم دهنده ناموس سلطنت میدانند  
 و سبب رعایت همین معنی بود که او را از دایره سفارت  
 بیرون کرده روانه خانه پدر خود نمودند اکنون هم  
 کمال التفات و انعام و احسان شایسته و نیز در جریده  
 مذکور مسطور کرده بودند که ما بین دولین ایران و انگلیس  
 مشروط بوده که منوبان سفارتخانه با عیال و منتهی  
 داخل حمایت سفارت باشند جواب آن چنین است  
 که دولت علیه ایران هیچوقت با هیچ دولتی اینگونه شرط  
 و عهدی نبسته و اینمقوله شرط را با اصول مملکت خود  
 بغایت منافعی میدانند با همه اینها اولیای این دولت  
 تا ثروافوسس منتهایت از وقوع این نوع اتفاق دادند  
 و همیشه سعی هستند که در رعایت شرایط عهد و شرط و حفظ  
 روابط چندین ساله دولین دقیقه نامرعی نگذارند و حتی  
 انسانی دولت انگلیس را ایم راضی و خوشدل نگاه دارند  
 و امید دارند این حرکات نابلدانه تغییر امیر جناب در  
 مختار را که سحر مردم با عرض شده اولیای دولت  
 انگلیس اسباب خلاف مودت بین الدولین نکنند و  
 انصاف ملاحظه نمایند

در هر کلی که روزنامهجات عالیتر شیوع یافته است  
 انامی آن مملکت از اوضاع خارجه و از مراسم بصیرت  
 که موجب ترقیات است زیاد تراکامی دارند و بحق  
 بجهت انتشار و قایح و اکامی عامه خلق بهتر از روزنامه  
 اسبابی بصورنی آید و چون در این اوقات مراد  
 ممالک ایران خواه با یکدیگر و خواه با ممالک خارجه و  
 بر بیشتر و انتشار اخبار و استعلام خلق از وقایع اتفاقیه  
 لازمتر است بر حسب استعداد عالی اشخاصی که طالب  
 احوالات غریبه هستند بملاحظه از دیاد و روابط گوناگون  
 مختلفه و ترویج اطلاعات خارجه بخودشان اذن  
 داده شد که در تفحص و انتشار اخبار غریبه باشند و  
 چنانکه در اسلامبول هم جریده اسحوادث و ژورنال  
 دکنستان قیسنل و در پاریس روزنامه دبا و غیره  
 و در دول دیگر روزنامهجات عذیده با سهامی  
 با سهامی میشود در در اختلاف طهران هم روزنامه ملتی  
 با سهامی شود آنچه اخبار در این روزنامه ملتی نوشته  
 میشود خالی از دو قسم سخا اهد بود یا اخبار است که در  
 روزنامهجات دول مسانره نوشته شده است و از آن  
 روزنامهجات نقل باین روزنامه میشود مباشرت این  
 باید نبوید که در فلان روزنامه اینطور نوشته شده است  
 که بعینها در این روزنامه نیز نوشته میشود و یا اخبار  
 که مردم صورت مباشرت روزنامه خواهند داد اگر  
 ضرری از برای استقلال و شان دولت علیه ندارد  
 مباشرت روزنامه میتواند کیفیت را با سهامی و اگر از  
 برای استقلال و شان دولت علیه ضرری بنظر نمی آید

۱۷۱۰

مباشه روزنامه باید از با سسه کردن آن اجتناب

ناید

### اجار دول خارج

از قراریکه در روزنامهجات فرمکنستان نوشته اند در ولایت متنه بنا که اشته اند که مثل لندن و

پاریس بعد از چهار سال دیگر یک عمارت بنا کنند از برای حصول اسباب قطعه کارخانها

جمیع ولایات مثل اینکه در لندن و پاریس و سایر کدشته برپا نموده بودند لکن در ولایت ساریا

میخواهند این کار را زودتر بکنند و قرار کرده اند که تا دو سال بانجام برسانند حساب کرده اند

عمارت مال التجاره که در پاریس برپا کرده بودند تقریباً ده کرو جمعیت بجهت مشاهده بود

دیگر نوشته اند که یک قصاب فرانس کاوی فری پرورده بود که بجهت عیدی برای پسرش که در قرم

بود بفرستد و وزن کاو نه بود چهار صد و دوازده من بوزن تبریزی بود هر چند مردم خواسته بودند

بهفتاد تومان بخرند قبول کرده بکشتی گذاشت بجهت پسرش فرستاد

### پسرش فرستاد

دیگر نوشته بودند که از مدت حال تا حال امکلت انگلیس تقریباً بقدر بیجده کرور و یکصد و پنجاه و

هزار تومان نقره بخرج رفته است و همچنین کرور تومان طلا تخمیناً بخرج برده اند و از بندریات

شهر و آنست از سال قبل ازین تا این اوقات تقریباً دو کرور تومان نقره و تخمیناً بیست کرور طلا

### بطرف مملکت عثمانیه رفته است

دیگر نوشته اند که اعلیحضرت سلطان دولت عثمانیه فرمان داده است که از رودخانه دنوب

نه بزرگی بطوریکه کشتی بتواند تردد نماید حفر نموده به سحر سیاه برسانند که کشتی از نهز نور به سحر سیاه

عمور و در نماید و نهز نور مستی بجیده خواهد بود دیگر نوشته اند که در کشتی که از هندوستان بلند

رسید خبر آورده بود که در عزمه ماه ربیع الاول اعتنائی در شهر خود میان مسلمانان و هندو اتفاق

افتاده و بقدر باضد فرشته شده طایفه هندو آمده بودند و رئیس مسلمانان نیز کشته شده بود

دیگر نوشته اند که دولت سار دنیا در مفر حکومت خود بجهت مذاکرات بعضی مواد مهمه یک مجلس بزرگ

مشورت و آراء داده است که منعقد شود و از سفرای دولت نر بور که در دول سار نه بوده اند و وجود

آنها در مجلس نر بور لازم آمده است موقتاً احضار سار دنیا شده اند از جمله جناب بارون تقو

سفیر سار دنیا مقیم در اسلامبول نیز بمجلس مذکور احضار گردیده سر کاتب سفیر نر بور بجای او در

اسلامبول وکیل نصب شده و سفیر نر بور بجای سار دنیا روانه گردیده است

دیگر نوشته بودند بموجب اخباری که از کرچ رسیده است لنگرگاه کرچ بخت بسته و از سفاین مهاب انگلیس بقدر

۱۷۱۱

بیت کشتی در آنجا بوده اند و بیرون آمدن آنها بجهت  
 پنج متعذر بود و در مدت اقامتشان در آنجا نیز  
 کلیه لازم داشته اند لهذا بجهت تخلص آنها از لنگرگاه  
 آنخلیس کشتی بخار با پنج فروند کشتی دیگر با آنجا ارسال  
 شده و با اجزای صنایع عدید و پنج را شکافتگی بسیار  
 مزبور را از آنجا بیرون آورده اند  
 دیگر نوشته اند که بجهت تسهیل امور تجارتی از راههای  
 صاعقه ارغله تا بوزیر بمجلس تجارت یک راه حرج  
 صاعقه کشیده شده و از فرمکستان بجهت احد مخاربات  
 اعلان کیفیت گردیده است  
 دیگر نوشته اند که سیم حرج صاعقه که از دریا بجهت  
 بقرم کشیده بودند پارچه شدن سیم مزبور در روز  
 سابقه نوشته شده بود اما حال توسط مهندسی  
 و از نه تا مسافت شش ساعت به تعمیر و تمهید  
 ابتداء شده است  
 دیگر نوشته اند که مابین دوین و ساردینا و طوستا  
 سابقا برودتی بسبب بعضی اسباب حادث شده  
 سفرای طرفین بولایات خودشان فرست بودند  
 در این اوقات منازعه مزبوره بر طرف و مصافقا  
 قدیمه کافی السابق برقرار شده سفرای جانبین باز  
 باموریت خود رفته اند  
 دیگر نوشته اند که در سنه هزار و شصت و پنجاه  
 عیسوی در دریا ماصد و بیت و کشتی بخار تجارتی  
 غرق و شکسته شده و از اینها پنجاه و پنج کشتی از  
 یکی دنیا و چهل و چهار از آنخلیس و یازده از فرانس

و سیزده از دول سائره بوده اند و سواهی اینها  
 از کشتیهای شرع دار هزار و نهصد و شصت و دو  
 و شصت قطعه سفینه غرق شده بوده است  
 دیگر نوشته اند که از سفین تجاری یکی دنیا سفینه دی  
 نام از سواحل هندوستان باصل مائیلار فقه بجهت  
 عمل آوردن شکر و سایر کارها از امانالی آنجا چهارصد  
 هشتاد نفر عمه سفینه مزبورهای داده در چین حرکت  
 کشتی کپیتان سفینه مزبور فجأة فوت شده بیرون  
 آوردن و دفن او اجازت شده اذن بیرون آوردن  
 حاصل نگردیده و نقش کپیتان بدریا انداخته شده  
 مابین امانالی آن سفینه و عساکر باشی بوزوق منار غله  
 اتفاق افتاده در میان آنها یکی طپانچه در دست  
 خالی گردیده آتش به انباری که عمده های مزبور در آنجا  
 آن بوده اند در گرفته و عساکر باشی بوزوق در اندک  
 مدت دفع شده اند و از عمه داد و ثلث خفه گردیده و  
 باقی سلامت بیرون آمدنشان معلوم و بجز کرده  
 باشند هنوز معلوم نشده است  
 دیگر نوشته اند که در طرف لهستان یک نوع مرضی  
 عارض حیوانات گردیده و بسیاری از حیوانات  
 انولات باین مرض تلف گشته اند و اصحاب  
 زراعت و تجارت هر چند سعی کرده اند تا حال علت  
 این مرض را نفهمیده و دوائی کافی پیدا نکرده اند  
 باین جهت در ورطه حیرت میباشند

۱۷۱۲



روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه سیزدهم شهر ربیع الثانی سن ۱۲۷۲

نزهت و وقت و لذت

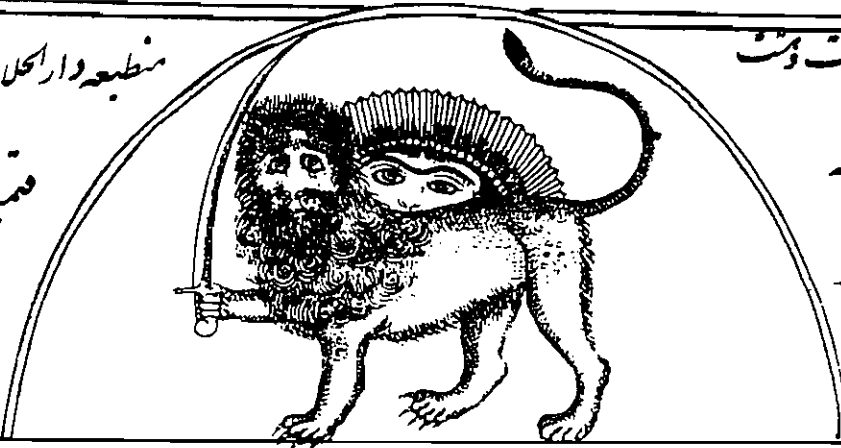
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

بر نسخه دیشم

قیمت اعلانات

بر هر خطی



اجنار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که اعلیحضرت اقدس بامیون شامشای خداند ملکه و سلطان در قصر قاجار تشریف دارند و احوال طامیت و قصر قاجار نهایت خرمی و صفا و نریت را دارد و پر وجود مبارک بسیار خوش گذشت یعنی از روزنامه را بجهت خوبی هوا و حضرت و اطراف مابین سواری و تفریح گردیده بطرف تشریف فرمایی شوند از جمله در روز جمعه هفتگی که شنبه بیاع داوود معتق بجناب جلالت شرف محکم صدر عظیم که این روزها بسیار با صفا و نریت است تشریف فرما گردیده لوازم پیشکش و پا انداز و فرما از جناب جناب معظم و متعلقان ایشان بعل آمدن بنار و آنجا صرف فرموده و تا غروب آفتاب در آنجا تشریف داشتند غروب آفتاب بقصر قاجار فرمودند

شامشای در قصر قاجار نواب مستطاب شاهزاده محترم و الا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و توابع در انتظام امور دارالخلافه مبارک که مراقبت و مواظبت را دارند و جناب نظام الملک شب و روز در باغ نظامیه توقف و مشغول رسیدگی محاسبات گذشته و لایات و بیوات مبارکه و دستور العمل سال جدید میباشد و ستوفیان عظام و سر رشته داران و سایر ارباب قلم و صحاب کرام هر روز در آنجا حاضر گردیده بانجام خدمات محوله بجز اقدام دارند و معرب انخافان میرزا موسی وزیر طهران و سایر جا کران در باره رایون در انتظام امور دارالخلافه و انجام خدمات محوله بجزود نهایت استقامت دارند

چنانچه در روزنامه هفتگی که شنبه سمت تجرید است بعد از آنکه جناب شرف ارفع محترم صدر عظیم در مدرسه دارالفنون اوقات صرف رسیدگی

۱۷۱۳

تخمیلات متعلین و لغدات معلین نموده <sup>تخصیص کار</sup>  
 آنها را دادند و در روز شنبه گذشته علیحضرت  
 قوی شوکت شاهنشاهی ادام اللذقل راقه علی <sup>رق</sup>  
 یک ساعت از ظهر گذشته تشریف فرمای <sup>در سه روز</sup>  
 گردیده و سلام خاص منعقد شده از شاهزادگان  
 عظام و امرا و عظام و صاحب مضبان نظام و  
 ستوفیان و لشکرنویان سلام حاضر شده و  
 نشان و خلعت و احکام نظامی بر مجموعه ما در محضر  
 تایید گذاشتند و مهری باشا کرد و صفا بعد  
 صنف که از حضور تایید می گذشتند اقول <sup>بر</sup>  
 علمی را که آن معلم تعلیم نموده بود عرض می شد  
 و نامیا علمی را که بعد متعمد تعلیم بود معروض <sup>افراد</sup>  
 و در حضور خلعت تایید سرفراز می شد بعد از آن  
 ترجم آن علم بانعام و نشان سرفراز می شد بعد از آن  
 شاکر و آن علم فردا فردا در حضور اقدس <sup>وقف</sup>  
 گروه تفصیل ترقی و تنزل بر یک عرض می شد پس اهل  
 ترقی بحسب مراتب معینه خود نشان و حکم اضافه  
 مواجب خود را گرفته میگذرشتند و برخی که تکامل  
 نموده بودند در حضور اقدس حکم می شد که در روز  
 و اول باشند تا از خلعت آن تنبیه برنده تغافل و  
 تکامل <sup>مبتدئ</sup> پس بهین ترتیب جمیع معلین و متعلین  
 از حضور اقدس گذشته و آنچه بر اولیای دولت  
 علیه معلوم شد درین یکسان شاکر دان <sup>در سه روز</sup>  
 خوب ترقی کرده بودند چنانکه قریب چهل نفر <sup>شاکر</sup>  
 مرتبه اول از هر صنف بودند که از فرار تقریر معلم و

تصدیق آری با امتحان هیچ وجه منقصی نگذشته چون  
 بهت بدعا علیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی بتوفیت  
 دولت علیه و تربیت طبقات عالی ایران مصروف <sup>است</sup>  
 و از جلوس مهمت مانوس تایید تاکنون روز  
 و اصناف خلائق از آزار باج صنایع و اصحاب  
 بدایع و صاحبان سیف و قلم بکلی عموم رعایا و برپا  
 ایران در هر مقامی و هر کجای ترقیات کامله روی <sup>از</sup>  
 جماعتی از علمای مالک فرنگستان را بدار اختلافه  
 طرآن احضار فرموده و قریب پنجاه است که جمعی از  
 اهل ادراک و استعداد و نجای با خط و سواد در <sup>در</sup>  
 مبارکه دار الفنون معین و تعلیم علوم مختلفه نظام و غیر نظام  
 استقام تمام دارند و هر ساله در مراتب علوم هر یک را  
 امتحان نموده بخلعت و انعام و رافت و اکرام تشویق و  
 ترفیع میفرمایند امید است که بهتعالی <sup>ترقیات</sup>  
 کلی بجهت شاکر دان <sup>در سه روز</sup> حاصل شود و در روز  
 ترویج صنایع و بدایع نظامیه و غیره بیشتر گردد و  
 اگر لازم آید باز هم از فرنگستان متعلین قابل بیابند  
 و تفصیل نشان و خلعت و انعام و اضافه مواجب <sup>کل</sup>  
 حق اهل <sup>در سه روز</sup> از متعلین و متعلین و غیره مرحمت شد  
 در روزنامه های آیند نوشته خواهد  
 از آنجا که عالیجاه مقرب انجاقان چر اغعلی خان در گرفتن  
 مقصرین بطامی و تنبیه مفتدین آنجا حسن خدمت و  
 کفایت خود را بجلوه ظهور رسانده در خاکپای اقدس  
 تایید مستحسن و مقبول افتاد لهند اموازی یک قطعه نشان  
 از مرتبه اول سیرپسی و یک رشته طایل سرخ و یک شوب <sup>جیب</sup>

۱۷۱۴

ترمه خلعت بجهت او مرحمت گردید

انفواج قاهره نظام از توپچی و سواره نظام و سرباز  
همه روزه بقاعده استمرار مشغول مشق و تیر اندازی  
میشوند و صاحب مضبان و معلمین نهایت اهتمام  
در مشق و انتظام امر آنها دارند در روز شنبه گذشته  
بهمی در جلو قصر جا حاضر شده و سرکار اقدس  
بمابون شاهنشاهی بیان انفواج قاهره تشریف آوردند  
بگذرد و ساعت توپچی و سرباز مشغول مشق و تیر  
اندازی بودند حرکات آنها مطبوع و مستحسن نظر  
ملوکانه افتاده مورد تحسین و تهنیت شد

اعلیحضرت اقدس بمابون شاهنشاهی که در قصر  
تشریف داشتند در روز یکشنبه از آنجا حرکت  
فرموده سجزی و اقبال حوالی عزوب آفتاب  
بارک مبارک سلطانی و مستطین عظمی گردیدند

سایر ولایات

آذربایجان و استرآباد و اسداباد  
و اصفهان ازین ولایات درین مهته اخباری  
نبود

بروجرد

از فرآریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند از  
اول ماه جمادی الثانی الی آخر ماه مزبور باره  
زیاد در آنولایت شده است خصوصاً در عشر آخر  
ماه که ده شبانه روز متصل باران آمده اگرچه  
خزالی زیاده و سنجانها و عمارات رسائده است  
ولی صاحبان اطلاق و اهل زراعت از این معنی

که دلیل آمدن حاصل و ارزانی ولایت است  
کمال خرسندی را داشته اند

دیگر نوشته بودند که نواب اکبر میرزا نایب  
بروجرد این اوقات که آخر سال است محاسبات  
مباشه برین جزو رسیدگی کرده چون بجهت شدت  
برف و باران در او آخر سال بعضی اجارات  
خوب کار نگرده بود مستاجرین بطور مهلت و مدت  
رفتار نموده بهر یک که جزئی تخفیف نیز لازم بوده  
دادند که اسوده خاطر از عنده منال دیوانی  
برایند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه عبدالمدخان نایب  
سختگیری و جابلق چون اسال از عنده ادای  
جمعی خود بخوبی برآمد نواب معزی الیه اورا بر  
احضار کردند و فرار شد که رعایا نیز آمده اگر  
از او رضامندی دارند و رسال جدید لوی بین  
حکومت محال مزبور با و مفوض شود

دیگر نوشته اند که امالی بروجرد از علما و فضلا و  
واعزه بهمی در نهایت رفاه و آسودگی مشغول  
خود و عاکوفی ذات اقدس بمابون شاهنشاهی  
میشوند و از اهتمامات نواب اکبر میرزا کمال  
انتظام در امور آنولایت حاصل است

لبطام

از فرآریکه در روزنامه لبطام نوشته اند عالیجاه  
مقرب انخاقان چراغعلی خان که بانجا وارد شده است  
امورات آنجا را از هر جنبه انتظام کامل و آوده و شهر

۱۷۱۵

<p>و د لکرمی سجدات خود مشغول گردیدند و همچنین چند نفر از غلامان عرب و عجم را که مرحوم عباسقلخان معزول و از ادمهای خود بجای آنها برقرار کرده بود و عالیجاه مشارالیه همان نوکر قدیم را باز برقرار و مواجب آنها را تا وقتی که خدمت کرده بودند بآنها عاید نمود</p>	<p>و معتمدن اولایت را خیا سجد در روزنامه های سابق نوشته شده است همگی را بدست آورده و تنبیه و سببستی که لازم بوده است نموده از حمله حسن نام میغانی که از جمله اشعار مشهور و شجیه مرکب قتل مرحوم عباسقلخان حاکم سابق آنجا شده بود بعد از ورود عالیجاه چو غفلی خان بآنجا مشارالیه فرار کرده بکتول استر آباد رفته بود فرستاده او را گرفته آوردند و در همانجا که کتب قتل شده بود حکم کرد او را بدین توپ گذاشته بسیزای خود رسانیدند</p>
<p>دیگر نوشته اند که توپچیان متوقف آنجا را عالیجاه مشارالیه قرار داده است که همه روزه در میدان حاضر روزی دو ساعت مشغول شق باشند و اسبهای توپچان را یکی یکی ملاحظه کرده چند برس از آنها که پیر و معیوب شده بودند قرار داد که با بنسای دولت علیه عرض نموده و اسبهای جاہل و بی عرض آنها اتیاع نماید</p>	<p>دیگر نوشته اند که میرزا صفر علی نام دار و نیکو بچند نفری تعصیه او بخت و شانس زده تومان از آنها مخلاف حساب گرفته بود مقرب انخاقان چو غفلی خان بعد از استحضار فرستاده او را آوردند او را و جہی که مخلاف حساب گرفته بود از او مسترد و بصاحبان تسلیم نموده و بعد او را تنبیه معقولی کرده و از شغل دار و علی معزول نمود تا ویکری مرکب خلاف حساب شود</p>
<p>دیگر در باب تعمیر نامی آبادی صدر آباد یا نصدر آباد از وجهی که جناب امجد الشرف ارفع صدر اعظم حکم سابق داده بودند و در نزد عالیجاه عبدالکریم خان برادر او موجود بود دریافت کرده عالیجاه صاحب ده طاقی را مامور اتمام ناقامیههای صدر آباد نمود که انشاء الله در این اوقات بزودی انجام داد نقصانی در کار آنجا باقی نماند و عابرین و متردین از جهت آب و آذوقه و منزل اسوده خاطر و دعاگو دولت علیه باشند</p>	<p>دیگر نوشته اند که در مقدمه ماه جمادی الثانی عالیجاه مشارالیه سواره و پیاده عرب عجم را حاضر کرده و جہی که اولیای دولت علیه از بابت مواجب آنها داده بودند بعد از سان بدست خود نفر نفر بآنها تسلیم نموده پای طومار مواجب را مهر کردند و بکلی شاکر بوده و میبگفتند که تا امروز با بیطوری مواجب مکرر گرفته بودیم و در کمال خرسیم</p>
<p>خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند کمال میت و فراغت سجدت الهی دکنه آنجا حاصل</p>	<p>کمال میت و فراغت سجدت الهی دکنه آنجا حاصل</p>

و به عا کوئی دارت اقدس بمایون استتال دارند  
 و در جناب نواب مستطاب شایسته براده والا بتا  
 حسام السلطنه والی خراسان مقرب انخاقان قوام  
 در انتظام امور ولایت و رفاه حال رعیت نهایت  
 مراقبت را بعمل می آورد و الهامی آنجا از اعالی واد  
 کمال رضامندی از حسن سلوک و رعیت داری عا  
 مشارالیه دارند و هم چنین جناب مقرب انخاقان  
 متولی باشی در خدمات سرکار فیض انار وقت  
 و ایتام زیاده دارد و بجهت ناتمامی دکالین و کار  
 متعلق بکار فیض انار که بعد از آمدن مقرب انخاقان  
 وزیر نظام و وقوع رستان ناتمام مانده بود  
 معماران را خواسته و بنا و عمل زیاد بکار انداخته  
 در این اوقات شایسته است تمام خواهد بود

دیکر نوشته بودند که در این اوقات مروی و حسی  
 آنچه لازمه خدمت گذاریت بعمل می آورند و از فرار  
 مذکور کار او رکن بسیار پریشان است و برادر  
 خان خوق را که بجای او در اورکنج حاکم شده بود  
 طایفه موت ترکمان مقتول کرده و بالفعل میست  
 بجماعت او رکنی فایق و عرصه را با آنها تنگ کرده اند  
 عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته اند با یکی  
 مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم آنجا بر  
 عید سعید نوروز فریز و زینب فیاضی خاکپای مایون  
 اعلیحضرت شایسته بدر بار معدلت مدارایون  
 آمده است کمال انتظام و انضباط در آن ولایت

حاصل است در مردم آنجا با کمال اسودگی بدعای  
 دوام دولت قاهره اشتغال دارند

فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند  
 امور آن ولایت از اتهامات عالیجاه میرزا حسن علی خان  
 دریا بیگی و حاکم ابوشهر در نهایت انتظام و عموم  
 سکنه و الهامی آنجا در رعیت و رعیت و اسودگی بدعای  
 کوئی ذات اقدس مایون شایسته است  
 دارند و همچنین توپچی و سرباز متوقف آنجا در  
 آنها در نهایت حسن سلوک و معقولیت رفتار میکنند

و الهامی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند  
 دیکر نوشته بودند در پنجم ماه جمادی الثانی در لوه  
 بارندگی بسیار خوب زیاد شده بود بطوریکه آب باران  
 جدید البسای آنجا تا نصفه پر آب شده و الهامی آنجا  
 این روزول رحمت الهی کمال شکر که در برادرند

دیکر نوشته اند که ضیفه در خارج شهر ابوشهر بسیار  
 رفته بود آب بردار دیده بود غشی در جاه افتاده  
 در وازه بانان را اطلاع داده رفت لغش را از آن  
 جاه که سوزع بشیر عمق نداشت بیرون آوردند معلوم

شده بود که پیر محمد نام سرباز ننا و نندی بود و مشارالیه  
 سه روز بود که مفقود شده بود و ناخوسی صرع و غش  
 هم داشته است رفقای او گفته بودند که او یا در  
 کن در دریا یا در سرچای غش کرده افتاده هلاک  
 شده است و مفقود شدن او را بر نمک رسم گفته

۱۷۱۷

بودند بعد از آنکه بخش او را از چاه در آوردند  
بهرینک گفتند گفت او را دفن کردند از فرار  
مذکور در سرچاپ بخش کرده افتاده هلاک شده است  
و بعضی از عوام را اعتقاد این بوده است که اجنه  
او را بچاه انداخته و هلاک کرده اند و لعنم خدا

### ق

از فراریکه در روزنامه قسم نوشته اند امور قم  
دساده در کمال انتظام و امنیت تمام در آن ولایت  
حاصل است مقرب الخاقان و ذوالفقار خان حاکم  
قم دساده برای عید سعید سلطانی بدر بار معتمد  
همایون حاضر شده است لکن موافق قراریکه داده است  
مردم همه آسوده و ولایت در کمال امنیت است

کاشان و کردستان ازین ولایات  
نیز در این مهله اخباری رسیده است

### کروس

از فراریکه در روزنامه کروس نوشته اند  
امنیت و انتظام در امور آن ولایت حاصل است  
و در این اوقات بارانهای نافع بسیار خوب  
با آن ولایت آمده و زراعت کاران و صاحبان  
املاک از این معنی بسیار شاکر و مشغوف بوده اند  
عالیجاه مجدسمراد زین العابدین خان حاکم کرد  
خود در این اوقات برای عید سعید سلطانی بدر  
همایون حاضر شده ولی عالیجاه علیه رضا خان سپرد  
در انتظام امور ولایت و انجام خدمات دیوانی  
اهتمام زیاد دارد و وجه شاهی اشرفی را تماماً

سر انجام کرده و روانه دربار معدلت مدار همایون  
مؤدبه است

### کرماتشان

از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
عمادالدوله حکمران کرماتشان نهایت مقرب  
در انتظام امور ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت  
دارد توپچیان سابق را که ساخلو آنجا بودند مقرب  
داشتند حاضر باش کرده موجب یکله آنها را  
آنچه باقی مانده بود تمام و کمال با آنها رسانیدند و  
توپچیان تازه که از دربار همایون مامور آنجا شده بودند  
باسعه آمده توپ و یک عراده چهاره وارد آنجا کردند  
نواب معزی الیه از اهل نظام و غیره باستقبال آنها ستاد  
با نهایت اعزاز و احترام آنها را وارد کرده اند

### کرمان

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیر لاهوتی  
بعد از ورود با آن ولایت با کمال معقولیت و بزرگ منشی با امانی  
آنجا رفتار نموده و بعضی از علما و اغرة ولایت را که باز  
لازم شده اند باز دید نموده و امانی آن ولایت کمال شکر گذار  
در حسن سلوک او دارند

### میرد

از فراریکه در روزنامه میرد نوشته اند مقرب الخاقان محمدیو  
وجه شاهی اشرفی عید می راروانه دربار همایون نموده و خود  
تعل مکان نجارچ شهر کرده عازم دربار همایون بوده است  
از دول خارج اجبار بود ولی مناسب این روزها چیزی نبود

۱۷۱۸

# روزنامه وقایع اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه بیستم شهر حرج المرتب مطابق الیوم سیل ۱۲۷۲

مرد ویت و نعت

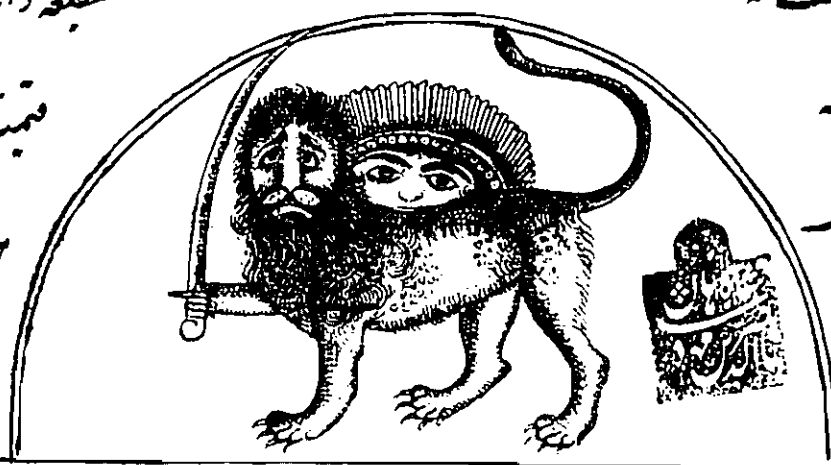
منطقه دارانخانه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهر

هر مطبعه پنجاه شاهر



## اخبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

### دارانخانه طهران

کلی از رسوم متداوله دولت علیه ایران که از عهد قاجاریه  
 و از زمان سالغه الی الان معمول و مقرر بوده و هست  
 تدارک و تهیه جشن نوروز و عید فیر و سلطانی است  
 که لوازم آنرا بطوریکه شالیته دین و دولت و سواد  
 ملک و ملت است بجهل آوردند از حسن اتفاقات یاد  
 درین سال فخره فال که عید سعید نوروزی یعنی  
 تحویل آفتاب برج حمل مطابق بود بار و پنجشنبه ۱۳  
 شهر حرج المرتب که عید ولادت با سعادت حضرت  
 امیر المومنین و امام المتعین صلوات الله وسلامه  
 علیه که از اعظم اعیان مومنین و اشرف ایام است  
 لهذا علیحضرت اقدس شاهایان شاه ایام است  
 و ابد ملکه همیشه این تصادف عیدین واقفان سعید  
 که در روزگار سلاطین سلف کثر شرف و وقوع یافته

۱۷۱۹

بغال نیک گرفته و آزاد لیل ریاضتی سعادت و  
 دولت و اقبال داشته بفرید انجام تدارک و تهیه  
 لازمه عیدین سعیدین امر فرمودند از اجمله شایسته  
 مزبور را که شب دو عید معظم محترم بود جمعی از  
 محترمین شاهزادگان عظام را با اقتضای عواید  
 ملوکانه و تقدمات خسروانه بیایغ عمارت سلطانی  
 اعلام دعوت و غذای شب را با حضور ایشان مقرر  
 داشته حکم بالتشاری و چراغان در منظرهای  
 ملوکانه برای شکون عید و تفریح خاطر اقدس فرمودند  
 و غذای شب اولاً قبل از ظهر سلام مخصوصی بجهت  
 تهیت عید مولود حضرت امیر المومنین صلوات الله  
 سلامه علیه انعقاد دادند اجرای شلیک توپ و ریزش  
 و سایر لوازم عید بطور شالیته بجهل آمده و هنگام  
 تحویل آفتاب برج حمل که شش ساعت و پنجاه و چهار

بهر یک انعام شاهی و اشرفی عبیدی مرحمت فرمودند  
 و فردای آنروز که روز جمعه ۱۴ بود باسلام عام  
 داده بدیوانخانه بزرگ و تالار تخت مرمر شریف  
 فرمادند برار یک سلطنت عظمی قرار گرفتند و فرمایند  
 مرحمت آمیز خطاب بجناب اشرف ارفع القادر  
 و در ضمن همان خطابات شانه نسبت بکل چاکران  
 در بار هالیون و تمامی اهل مملکت اعم از سپاهی و  
 نوازشهای نعمتی فرموده حکم بشیک توپ در بزرگ  
 فرمودند بعد از اختتام شیک عالیجاه خطیب شاهی  
 خطبه در کمال بلاغت ادا کرده و همچنین عالیجاه <sup>محمد علیخان</sup> میرزا  
 شمس الشعرا قصیده در غایت فصاحت موقر <sup>عظم</sup> عرض  
 هالیون رسانیده و سلام عام در کمال آراستگی  
 رسید بعد از آن ببالا خانه معروف بسردر شرف  
 فرمادند که سایر اهل مملکت که در میدان بزرگ  
 درباری جمع شده بودند از زیارت ذات اقدس  
 فیض یاب و مسرور و مفتخر گردند و لوازم عطیات و  
 صلوات را بآهل جوارح و مستحقین برسانند و بقرار  
 هر ساله درین چند روزه عموم نوکران باب از در خانه  
 مرخص اند که بید و بازوید یکدیگر مشغول باشند  
 چون جناب جلالت آفتاب اشرف امجد ارفع صدر <sup>عظم</sup>  
 از روزیکه سند صدارت عظمی را بشخص ذات <sup>عظم</sup>  
 خود آرایش فرموده و بمصقل تدابیر صایب رنگ  
 که درت از آینه ملک و ملت زدوده اند در هر  
 از انات ارادت و جانسوزی و هر کدام از اوقات

دقیقه گذشته از روز پیشبه بود بکاخ هالیون  
 که از بد دولت قوی شوکت قاجاریه محل سلام  
 خاص تجویل است و سلاطین ماضی انارالد بهر پنجم  
 در مجالس خاص تجویل سال جدید آن کاخ فیروز را  
 میمون و مبارک یافته اند شریف فرمادند از جمله  
 علمای اسلام و شاهزادگان عظام و اُمنا و امرای  
 در بار سپهر احتشام و خواص چاکران ارادت فرمایند  
 کسانی که بطرز مالوف بر حسب دعوت خاص قبل از <sup>وقت</sup>  
 در ساحت قصه هالیون و میان باغ سلطانی در  
 منظر مبارک بسک سلام منتک شده بودند  
 از سعادت زیارت وجود فایض اسجود اقدس  
 اعلی بهره یاب و مباحی کشته دعای ذات کثیر <sup>الکرام</sup>  
 مبارک را بتقدیم رسانیدند اکثر فرمایند <sup>علت</sup>  
 شانه شاهی در آن سلام خاص انهار التفات نسبت  
 بجناب اشرف امجد ارفع صدر عظم و خوشنودی  
 خاطر هالیون از حد ذات کلیه و عهد ایشان بود بعد  
 تعداد خدمات و کفایتهای جناب صدارت آفتاب  
 انهار عطاوت نسبت بعلماء و فرق فضل و خلوص  
 عقیدت ایشان در خیر خواهی دولت و دعا کوئی  
 ذات محبت صفات هالیون فرموده و جناب اشرف  
 امجد ارفع لوازم توصیف و تجلیل را از علمای دین  
 در موقف هالیون بجل آوردند و بعد از ساعت تجویل  
 چنانکه رسم این سلطنت سنیه و قانون این <sup>سلطنت</sup>  
 غلبه است بدست مبارک بآهل حضور و سلام <sup>صنعت</sup>  
 علماء و شاهزادگان و اُمنا و امرای غیر هم الا مثل <sup>فلا</sup>



<p>شبان روزی مصدر کفایتی بی نهایت بوده و مظهر خدمتی فزون از حد و غایت آمده اند و از آنجا که مراتب صمیمه پاک حقایق نما و صفی خاطر تا بناک جهان آرای سرکار علیحضرت قوی شوکت شاه شاه وین سپاه خلد الله ملکه و سلطانه محل شود و خدمات حسیع جلاله ارادت نشان و بندگان صداقت بنیان است با اقصای مکارم سروان و مراسم خدیوانه هر وقتی بنیاستی و هر زمانی ببطیبت و راتبتی پیاوستند و سزای رحمت ایشان انظار امر آثار پادشاهان معظمت و معطوف فرموده اند و بحق مقتضای آنکه ضمیر نیرستار و ملوک مهبط الهامات غیبیه الهی و محط حکمتهای نامتناهی این معنی را حکایتی نموده و درست باین کمال عقل و حکمت کار فرموده اند زیرا که مادام که در مقابل جناب رحمت لاسچسبی موایب کامله العطا شامل بنیاست رحمت و مقامات مستقیم است که در بقای وجود و استقامت حیوة شخص جایی هر نوع تشکیک و تردید با این ملاحظه و محض تفضلات ملوکانه جناب ایشان است با انواع صلاحت عظیمه و عطیات جسمیه که سر او را نشان عظمیت شوکت چنان پادشاه اعظم عطف و بخشین و بر بی نظیر صداقت محفوف باشد نواخته اند و جناب ایشان را درجه فزرج امیدوار و مشغوف ساخته اند چون از آیات رحمت و انواع دلایل مکرمت اعزازشان و امیرنومانی و امیرنویانی و تصدیقهای یون درجه اول و لقب آتس و عصای مکمل و شراب مرصع و شیر مجرب و اکثر بسیارین قمتی ساعت مکمل بالماس و خلایع</p>	<p>فاخره دیگر نسبت بجناب صدراعظمی در بیخ نفوذ بودند و خواستند که در این زمان سعید عمید نوز و سبطی نیز عطیه بزرگی در خور خدمات بزرگ جناب ایشان که تا از واقیاز تمام داشته باشد مبدول فرموده باشند لهذا یک قطعه قلدان مکمل بالماس بسیارین ممتاز که اعلی نشان و علامت بزرگ شخص اولی و صدراعظم ایران بود با بلاغ مقرب انخافان حاجب الدوله صبح روز سعید برای جناب ایشان فرستادند و مهربانانه مشارالیه در مجلسی که ابلاغ مرحمت عظمی نمود الفاظ در ملکانه را که حضورا با او القا شده بود لفظا بلفظ در حالی که جمعی از احبته امرای درباری و وجوه امیه حضرت شهریارمی و سران سپاه و صاحب منصبان بزرگ معتبر در محفل صدراعظم حضور داشتند اینطور تبلیغ کرد که جناب صدراعظم تا اکنون پایت خدمت را بجای بلند گذاشت و محض ارادت و وفاداری بر سوارترین سختیها در راه خدمت مانت دادند خاطر بایون ما را بجان حمزید و آسایش خود را در راه ما دانست اگر القات هایون بی نهایت بود خدمت صدراعظم هم فوق طاقت بود از مراتب کفایتهای بزرگ صدراعظم انتظار آزاد داریم که تا سال دیگر باشد از اثر ما و این قلدان آثار بسیار عمده در دولت ظاهر شود و امر و احکامی که باعث آبادی مملکت رفاه رعیت و انتظام لشکر و امیدواری کل طبقات نوکر و حصول فایده های کلی بجهت دین و دولت ملک و ملت باشد جاری کرد و دو سال دیگر نشان داد دلیل</p>
--	---

۱۷۲۱

ازین بزرگتر محنت خواهد شد کُل حضار مجلس و سایر  
الاهی ملکت این نوع مراسم پادشاهانه و آثار حق تعالی  
و قرار دانی سرکار علیحضرت شاهی کمال شکر  
و اتمنان و امید واری حاصل نمودند

چون در روز عید فیر و سلطان فی امیر الامراء العظام  
محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی مجالس حضور مبارک  
ترتیب شایسته خوب داده و خدمت او سخن و  
مطبوع خاطر اقدس هایون سرکار علیحضرت شاهی  
افتاده بود لهذا بجهت ظهور عنایت ملوکانه یک ثوب  
جبهه ترمه کشمیری از طبوس خازنه خاص مبارک  
مرحمت فرمودند که سبب مزید مفاخرت و مباحث  
خود دانسته پیش ازین بپوشانند اقدام نماید

عالیجاه بیجه اخوانین العظام عبد العلی خان ادیب الملک  
در روز پنجشنبه قصیده عزاکه مشتمل بر تبریک عیدین  
سعیدین بود برشته نظم کشیده بعضی حضور مبارک  
رسانید لهذا مورد التفات سرکار اقدس هایون  
شاهی آمده یک ثوب جبهه ترمه کشمیری باو  
خلعت مرحمت فرمودند

نشان و خلعت و انعامات و اضافات موجب در  
حق معلمین و معلمات مدرس دار الفنون که در روزنامه  
سابق اجمالاً نوشته شده بود درین روزنامه مفصلاً  
مسطور میگردد

چون امیر الامراء العظام سردار کل عا که منصوبه  
امر مدرس مزبور که اهم امور نظامی است اغلب اوقات

رسیدگی تمام نموده بود لهذا یک قطعه نشان طلا  
که از مخصوصات مدرس است از جانب سنی انجمن  
ملوکانه باو مرحمت شد

عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان نیز که در نظام  
مدرس مزبور اهتمام نموده بود با عطای یک قطعه نشان  
طلا که از مخصوصات مدرس مزبور است سرافراز  
و عالیجاه رضا قلیخان ناظم دار الفنون نیز نظر  
مجا حسن خدمات او یک ثوب جبهه ترمه کشمیری  
مرحمت فرمودند و عالیجاه میرزا یوسف مستوفی دار الفنون چون  
شغل شکر نویسی بجهت او انسب بود بموجب فرمان  
لمعان مبارک منصب شکر نویسی دیوان عالی مزبور  
و یک ثوب جبهه ترمه کشمیری باو خلعت مرحمت گردید

عالیجاه موسیو بوبو معلم علم هند که مراتب تعهدات  
او در سنه ماضیه در حضور مبارک عرض شد در ترتیب  
و تعلیمش کردن خود سعی و اهتمام نموده بود مستحق  
آمده یک طاقه شال ترمه باو خلعت مرحمت شد و چون  
زمان تجلشش کردن خود را در مدت چهار سال متخیر  
کرده بود در این یکسال یک ثلث از علوم مستنده خود را  
بشاکردن خود تعلیم نموده است و مجدداً معروض  
میدارد که تا آخر چهار سال از عمده تعهدات خود بوجه  
اکمل برمی آید و بموجب تعهد سنه ماضیه آنچه از علم  
و حساب و علم مثلثات و غیره را که بشاکردن خود  
مدریس کرده و تا آخر سال خواهد کرد ترجمه نموده  
بباسمه خازنه داده است و مشغول باسمه کردن آن  
باشند و سعی بشاکردن او با تعیین مراتب و تشخیص

۱۷۲۲

و اضافه موجب انعام بدین تفصیل است

اجزاء موجب انعام  
نشان  
مطلوبه  
نقده  
مستحق  
تومان  
برسیت

مرتب

در

عبد الرسول خان صاحب نشان مس بود در این امتحان که  
امتحان ثانی اوست چون ترقی کرده بود مستحق نشان  
شد و پنجاه تومان بر او بیت تومان موجب سابق افزوده

جعفر قلیخان ولد عالیچاه رضا قلیخان ناظم دارالفنون  
صاحب نشان مس بود در این امتحان که امتحان دوم است  
مستحق نشان مطلقا شده و بیت تومان انعام در حق او  
مرحمت گردید

میرزا مهدی قائمی صاحب نشان نقره بود چون در این  
امتحان که امتحان سیم اوست ترقی کرده بود مستحق  
التفاتی شده و بهمان صد تومان موجب نشان نقره باقی

میرزا مهدی ولد میرزا کاظم برودجی صاحب نشان بود  
چون در این امتحان که امتحان دوم اوست خوب ترقی  
کرده بود مستحق نشان نقره شد و سی و شش تومان بر او  
تومان موجب افزوده شد

میرزا اسمعیل برادر میرزا یوسف شکر نویس در امتحان  
ثانی مرعیض بود در این امتحان مرتبه اول است و مستحق  
نشان نقره شده و دده تومان انعام در حق او  
مرحمت گردید

میرزا علی اکبر شیرازی برادر مرحوم میرزا حسن محمدس  
از امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی  
بشیراز رفته حاضر بود در این امتحان که امتحان دوم  
اوست مستحق نشان نقره شده و دده تومان برسی

مواجب سابق او افزوده گردید  
میرزا نصر الله ولد مرحوم میرزا کوچک لوزی صاحب  
مس بود مستحق نشان نقره گردید و بیت تومان بر  
سخت تومان موجب سابق افزوده شد

میرزا عباس خان ولد عالیچاه میرزا رضای محمدس  
در امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی  
چون ترقی کرده بود در حضور مبارک نشان او گرفته  
در این امتحان ترقی کرده مستحق تها نشان مس گردید  
تومان برسی تومان موجب سابق او افزوده شد

عباس قلیخان برادر قاسمخان صاحب صاحب نشان بود  
در این امتحان چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره  
گردیده و بیسجده تومان بر او داده تومان موجب  
سابق او افزوده شد

محمد میرزا ولد مرحوم محمود میرزا صاحب نشان بود در این  
امتحان مستحق نشان مس گردید و دده تومان بر  
سی تومان موجب سابق او افزوده شد

رضا خان ولد عالیخان شایخ بیک صاحب نشان  
بود در این امتحان مستحق نشان مس شد و  
تومان بر بیت و چهار تومان موجب سابق او افزوده  
گردید

تفصیل باقی این اشاکردان و بر مشایخ دارالفنون در معتمدی یافته میشود

### سایر ولایات

اور با بجان ازین ولایت درین مهقه اخباری

### استرآباد

از فرایک در روزنامه استرآباد نوشته اند از

اهتمامات مغرب الخاقان جعفر قلینان الیخانی امور

انولایت از هر جهت قرین کمال انتظام و انضباط است

و در باب انتظام شهر و بلوکات نهایت رسیدگی

دارد و کسی حرکتی بخلاف حساب در میچ بمانند

بکند از جمله امر عقد و نکاح سابقا اغتاشی داشته

و دختر بی اذن و اجازت والدین میرفته و بعد

میجو استدر می آمده است درین باب قدغن شده

که امر عقد و نکاح با استحضار والدین و کان دختر

باشد و چنین اجرائی صبیغه عقد و حضور یکی از

علمای باشد و قبالة اورا جمعی از حضار مجلس مهرانند

و چنین در باب طلاق نیز سابقا اغتاشی بود

درین خصوص نیز قدغن شده است که طرفین در محضر

حاکم شرع حاضر شده شخص معقولی را وکل نمایند و

بعد از اجرائی صبیغه طلاق در حضور عدول طلاقنامه

نوشته و مهور و معتبر نموده بدست زوج بدهند

که سزاوار باشد و همچنین در باب فروع سابقا

دایم الاوقات بسبب اینکه مشکلات را معتبر میکردند

بلکه اغلب مقید بتک نبوده اند در محضر علمای اهل

و مطالبات بوده است درین باب نیز قدغن شده است

که بدون تک شرعی معامله نمایند بدون حجت

نوشته و مهور نموده بمهر دیوانخانه یا مهر حاکم شرع

نافذ محکم رسانند معتبر نموده تسلیم صاحب بخوانند

نماید و بعد ازین اگر کسی بدون تک ادعای طلب

کسی نماید ادعای او غیر مسموع بلکه مورد تنبیه و مواخذ

نیز خواهد بود

دیگر در باب بارها کولات که دارد استرآباد می شود

سابقا بعضی اشخاص با استقبال بار رفته در خارج

شهر ابداع کرده و بهر قسمی که میجو استند در شهر

میر و ختنه اند و این معنی سبب شکایت و خستارت

فقیر کم بصاعت بود و مقرر شد که بعد ازین احدی بکلی

بار که از خارج بشهر می آید نرود و بعد از آنکه در شهر

گردند موافق نرخ وقت هر کس بخواد خریداری نماید

و نیز در روزهای شهر او آرا شده است که وقت

طلوع آفتاب باز نمایند و یک ساعت که از غروب آفتاب

گذشت ببنند و همچنین در سایر مواد و آرای محکم

داده شده و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار

انولایت نهایت وقت و اتهام حب محکم در نظم

امور ولایت و رفاه حال رعیت و رسیدگی محکم

دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که در این اوقات خانوالیای

از کولکلان که در حیون بودند از آنجا حرکت کرده اند

که آمده در ظل عاطفت این دولت قوی مکتب بسر برد

باشند ترکانان که سر راه بانها گرفته بودند که در

آنجا آنها را نگاهداری نمایند مغرب الخاقان جعفر قلینان

الیخانی مجبض استماع خود با سواره استرآبادی و کچی

شاد لولو اب جهان نور میرزا میر تقی فوج عرب و

۱۷۲۲

۷

عالیجاه مرتضی قیچان سرمنک از استرآباد بدون  
فوج حرکت کرده و سواره و جمعی از بجنورد و جوبین  
تفرقه ستاده خبر نموده که بجلو طایفه کوکلان رفته  
آنهارا بکرکان رسانند و طایفه که را نیز کوشالی  
باشند

و یکر نوشته اند که نقاره خانه استرآباد درین سنه  
خراب و متروک شده بود چون انولایت سرحد  
و نقاره خانه لازم دارد در این اوقات عالیجاه میرزا  
اسمعیل خان بیگار حسب احکام مقرب الخاقان الیخانی در  
صد و ساختن نقاره خانه و انجام عمل و سایر کارها  
ان برآمده بزودی و خوبی صورت اتمام یافته و نقاره  
و سایر عملیات آن مشخص گردیده مانند سایر  
حماک محروسه هنگام طلوع و غروب آفتاب در

دارند

دیگر تعبیر اجناس آنجا را که نوشته بودند با اسکن  
همیشه عبور زوار و قوافل از ممالک محروسه باریز  
از آنجا زیاد میشود باریجه الله از جنس کولات چینه  
در شاهرد و بسطام کمال و فوزوار زانی را دارد کندم  
از خرواری دو تومان تا میجده هزار و جو خرواری  
بفده هزار و برنج و سایر اجناس نیز باین  
نوعت میشود

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند نهایت  
ارزانی و فراوانی و وفور نعمت در آن ولایت حاصل  
و عدم مالی و سکنه آنجا در حال آسودگی و فراغت  
بشکل و کار خود و در خاک کوفی ذات آفس جانون  
شاهنشاهی اشغال دارند و از منازل عرض راه خراسان

که نوشته بودند همه جا نهایت امنیت را دارد و زوار  
و مترودین در کمال آسودگی و اطمینان عبور و مرور  
بنمایند توپخانه توپچی ابوالجحیی عالیجاه اللهوردنجان  
سرمنک توپخانه مبارک که دافواج منجبه ان شتاقی و غیر  
و سواره چهاردولی که از دربار جانون روانه خراسان  
شده اند همه جا نهایت انظام و حسن سلوک حرکت

دیکر نوشته اند که در ماه گذشته جمادی الثانی  
دوازده نفر از میان ترکان مستخلص شده  
نیز و مقرب الخاقان الیخانی آمدند  
اسدآباد و اصفهان  
ازین ولایات نیز درین خیمه جاری بود  
بسطام

از قراریکه در روزنامه بسطام نوشته اند عالیجاه  
مقرب الخاقان جرجانی حاکم شاهرود و بسطام  
در انظام امور طرق و شوارع و گذراندن زوار  
و مترودین سلامت از منازل مخوف زیاده اهتمام  
در این اوقات که تعداد زیادی حامل خزانه و رسم

۱۷۲۵

کرده اند و بهیچوجه خلافتی بی از آنها صادر نشده است  
و صاحب منصبان مراقبت تمام داشته اند ایجاب  
اگر تابینی مرکب جزئی خلاف حسابی می شده است اور  
تبییه نظامی معقول بیکرده اند و مالی منازل عرض  
راه و سایر مترددین نهایت رضامندی از آنها  
داشته اند

### حتم و سمنان و عراق ازین ولایات نیز اخبار می بنود

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند لوبان  
ستطاب موید الله و له حکم ان فارس در نظام  
امر ولایت و حصول موجبات رفاه و آسودگی توکر  
و رعیت کمال مراقبت و اهتمام دارند و عموم اهالی  
الولایت در عین فراغت و آسودگی هرگز بکار  
و شغل خود مشغول اند

سابقا غرس درخت توت و لعل آوردن ابریشم  
در ولایت فارس معمول بوده است در این اوقات  
که هنگام غرس اشجار بود نوشته اند که مقرب الخاقان  
شجاع الملک برای خود باغ درخت توت غرس کرده  
و قدغن نمود بجهت آبادی ولایت در جمیع بلوکات  
نیز توت بکارند و ابریشم لعل میاوردند چنانچه در  
دارالخلافه طهران و اغلب ممالک محروسه لعل آوردن  
بسیاری از منیوجات و غیره معمول بود بعد که دست  
از پی بردند دیدند بسیار خوب لعل آمد آمدند که  
لعل آوردن ابریشم نیز در ولایت فارس رواج

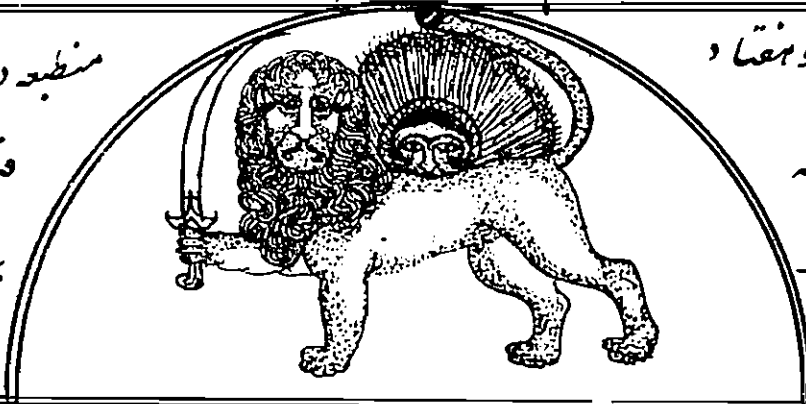
بگیرد و خوب لعل آمده رعایا و اهالی آنجا ازین منفعت  
حاصل نمایند و فواید آن عاید دولت علیه نیز شود  
دیکر نوشته اند که چون در این اوقات او آخر نوشته  
بود لوبان موید الله و له مقرر داشتند که مقرب الخاقان  
مشیر الملک و مستوفیان فارس در دفترخانه آنجا  
نشته بمجامله سنه تو شقان نیل رسیدگی نمایند  
و مشخص کنند که تنخواه مالیات دیوان اعلی در هر  
محل و نزد هر مؤدی چه باقی مانده است تا دریافت شود

دیکر نوشته اند که مقرب الخاقان مصطفی قلیخان میرنخبه  
که باد و فوج از دربار محدلت مدارهایون مامور فارس  
شده بود و بعد از ورود بشیر از شرفیاب خدمت  
لنواب موید الله و له گردیده و نواب معزی الیه کمال  
التفات را بآباد کرده و او را مخلص نموده اند و روز  
دیکر سر مبارک ابو اجمعی مقرب الخاقان مشار الیه در  
درب خانده حاضر گردیده و صف نظامی کشیده اند و  
نواب معزی الیه بجهت ملاحظه آنها بمیدان منور آمده  
ملاحظه مشق و آراستگی و انتظام آنها را نمودند و  
صاحب منصبان آنها مورد التفات گردیدند  
و از قرار مذکور در منازل عرض راه نیز ممالک معقولیت سلوک  
رفار کرده اند و هم در آن اوقات مقرب الخاقان حاجی ام  
تجهت شیت و انتظام صفحات و شتستان و بند را بوشهر  
حسب الامر روانه و سیصد نفر از سرباز قراکوز لوبان  
نیز همراه خود برده است  
از سایر ولایات اخبار متدریغه آینه نوشته میشود

۱۷۲۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۳۷۲

منظور دارالخلافه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنج شاهی



مذہبیت و عقائد  
قیمت روزنامه  
هر نسخه شش شاهی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز دوشنبه گذشته ملاحظه خوبی هوا و صفا  
و خرمی اطراف اعلیحضرت قوی شوکت پادشاهی  
عزیمت تفریح قصر قاجار را نموده سوار شدند و تفریح  
فرمای باغ مزبور گردیده تا هنگام عصر تفریح و شادی  
انجام مشغول بودند نزدیک غروب آفتاب با یکدیگر  
سلطانی محبت فرمودند  
از آنجا که مقرب انخافان فرخ خان در مراسم گنجینه  
در این خود در خاک پای پادشاهی اعلیحضرت قدرت شادمانی  
داده اند محض حب و ارادت با یکدیگر تفریح فرمودند  
مفتخر و سراسر فرمودند  
نظر محبت و مهربانی شایستگی و قابلیت مقرب انخافان  
چراغ علی خان که در هر جا حکومت کرده مردم آنجا را  
از حسن سلوک خود راضی داشت لهذا اولاد  
دولت علیه حکومت محبت را مقرب انخافان را  
محبت نموده حکم با حضار او فرمودند که از  
شاهپرد و دو بطام آمده حکومت محبت برود  
و امور آن ولایت را تعظم بدارد

در این اوقات که ایام گردش عید نوروز  
سلطانت چاکران در بارها یون و مقربان  
دولت قوی شوکت ابد مقرون مرخص و مشغول  
دید و باز دید یکدیگر میباشند هوای دارالخلافه  
طهران بسبب بارندگیهای کامل متوالی که در ایام  
قبل از عید و بعد از عید وقوع یافت کمال ملایمت  
و اعتدال را دارد باین و اراضی اطراف  
همه سبز و خرم و با نهایت نزهت و حضرت  
وصفا میباشند و نزول رحمت الهی تاکنون  
که اقصای وقت و موسم و مطلوب اعلی و  
و ادانی از اهل زراعت و غیره و دلیل ارزانی  
فراوانی درین سال فرخنده فال است چنانچه  
در دارالخلافه و اطراف شده است و هر روز  
نیز هوا ابر و مستعد بارندگی است و کما پیش میاید  
میوه و عوالم خلق ازین معنی که علامت تفضلات الهی است  
سگرگزار و دعاگوی دوام دولت قوی شوکت ابد در میانند

۱۷۲۷

ارشا گردان علم هندسه دار الفنون بعضی در  
روزنامه بعهه گذشته نوشته شد باقی آنها  
وسا پر معلمین و متعلمین که در حضور مبارک متجان  
شد اند بموجب تقصیر ذیل است  
میرزا علی ولد عالیشان آقا غلامعلی صاحب نشان بود  
در این امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان  
العام در حق او رحمت گردید

میرزا فوج الله ولد آقا غلامعلی در امتحان اول  
صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون ترقی  
نکرده بود نشان او گرفته شد در این امتحان ترقی  
کرده مستحق نشان مس گردید و پنج تومان العام با  
رحمت شد

ذوالفقار خان غلام سیم صاحب نشان بود در این  
امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان العام  
با رحمت گردید

میرزا محمد تائینی صاحب نشان و موجب نبود در این  
امتحان مستحق نشان مس شده و سی تومان بموا  
در حق او رحمت گردید

محمد حسین خان ولد عالیجا محمد حسن خان نایب  
باشی چون تازه مدرسه آمده بود مستحق نشان  
بیت تومان موجب در حق او برقرار گردید  
میرزا محمد ولد شیخ صالح چون تازه مدرسه آمده بود  
مستحق نشان شد بیت تومان موجب در حق او بر  
قرار گردید

مرسته سیم که در شهر شوال مدرسه آمده اند و هنوز  
مستحق نشان و موجب نشده اند بعد قرار آنها داده  
خواهد شد

میرزا حسن برادر راده مرحوم  
میرزا حسن منسوب حکیم الهی  
فتعلی نان نوری

بابا خان ولد سید حسن خان  
زین العابدین خان ولد نور محمد  
فیروز کوهی که صد تومان  
موجب دارد

کریم میخی

بدون مرتبه جدید شهر جامی الاولی که در امتحان آینده  
انها داده خواهد شد

میرزا احمدی ولد میرزا اسراف  
میرزا رضا ولد ایضا  
مارند رانی

اسماعیل میرزا ولد لیکاس برادر محمد خان  
ولد محمد زانجان  
قاجار

پیدا خان ولد محمد علی خان  
قاجار

الفان  
در حق او رحمت گردید  
میرزا حسن منسوب  
میرزا حسن منسوب

۱۷۳۸

مرتبہ دوم ۲ نفر

سجفعلی خان ولد مرحوم عباسعلی خان ایروانی در این  
امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان نشد  
چون پریشان بود بیت پنج تومان برنچاه تومان  
موجب بایش افزوده شد

زردشت خان ولد مرحوم عباسعلی خان ایروانی  
در این امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان  
مس شده و بیت پنج تومان برنچاه تومان بموا  
سابقش بلا حظه پریشانی او افزوده شد



موسیو کریشیش معلم توپخانه شاگردان خود را خوب تربیت نموده و از عمده لغت‌ها خود برآورد و بکلیت در سترگی از مرتبه دوم و یکم و شال ترمه با و م کردید فقرات لغت‌ها و در سال گذشته که بعد از حضور مبارک رسید یک فقره لغت‌ها و این بود که نه نظر از شاگردان اول خود را تا یکسال در علم و عمل توپخانه و علمی که متعلق توپخانه است با هر و کامل کند در این معلوم شد که علوم مشتمله خود را بشاگردان اول خود تمام آموخته است و دوازده نفر از شاگردان او تا آخر سال علاوه بر علم و عمل توپخانه بهم فارغ التحصیل خواهند بود و شش نفر دیگر از شاگردان قدیم او نیز تا آخر سال آینده علم و عمل آنها تمام خواهد شد و بیت نظر از شاگردان جدید که بدست آمده اند نیز مراقب مواظبت در سترگی آنهاست و در خدمات خود را به از دو فقره دیگر از لغت‌ها و این بود که کتب علم توپخانه سوزد که ترجمه کرده با سینه نمایند بر حسب لغت خود کتبی را که بشاگردان درس داده است از حساب هندسه و مثلثات و سطح و جبر افعال و جبر افعال هندسی و علم توپخانه و علم جنگ توپخانه و غیره همه را اولاد عالیجاه میرزا زکی یا ور توپخانه ترجمه نموده و با سینه دولتی داده اند و مشغول با سینه کردن آن هستند که از علم حکمت طبیعی مباحث نوز و حرارت و خرج الماس و مقایسه علم مناظر و مرابراهم بشاگردان اول خود تا یکسال پاموزد و بشاگردان مرتبه دوم هم جرایم و برتبه سیم علم هندسه و حساب آموخته در تعلیم آنها

غفلت و کوتاهی نکند و اسامی شاگردان او با تعیین بر او و اضافت مواجب و انعام نشان بدین تفصیل است

- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح
- میرزا محمد صالح

شاگردان تمام  
میرزا محمد صالح  
میرزا محمد صالح

مرتبه اول

محمد صادق خان ولد عالیجاه حسین خان قاجار از اسما اول صاحب نشان سر بود در امتحان ثانی مامور تبریز شد حاضر بود در این امتحان سعی کرده خود را برتبه اول رسانید و چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان طلا و پنجاه تومان بر دویت تومان مواجب بقرض افزوده

میرزا فضل الله ولد عالیجاه میرزا محمد حسین دامغانی صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان ترقی کرده مستحق نشان طلا شد و پنجاه تومان بر هشت تومان مواجب بقرض افزوده کردید

مصطفی قلیخان ولد عالیجاه مرتضی قلیخان نوزمی صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان خوب ترقی کرد و مستحق نشان طلا گردید و پنجاه تومان بر هشت تومان مواجب بقرض افزوده شد

محمد حسن خان ولد امیر الامراء الخطم سپهسالار صاحب نشان

۱۷۲۹

۳

نقره بود و ارزش کردن مرتبه اول دو ماه قبل  
ماور کرمان شده بجهت افتخار مشارالیه مکتوبه نشان  
طلایه حضرت شد که بجهت مشارالیه مرسل شود

میرزا فتح الله و له مقرب الخاقان نصیر الملک صاحب نشان  
مس بود و مرخص بود معرض امتحان نماید بعد بر  
آمد و امتحان کردیده مستحق نشان نقره شد و چهل  
تومان مواجب خود باقی است ده تومان انعام با در  
کردید

مرتبه دوم

درجه اول  
عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب نشان نقره بود  
امتحان صاحب نشان مطلقا کرده و پانزده تومان  
برد و بیست تومان مواجب بقیش افزوده شد  
محمد رضا خان ولد عالیجاه بهرام خان قراکوزلو صاحب  
نشان مس بود در این امتحان خوب ترقی کرده بود مستحق  
نشان مطلقا شد و بیست و پنج تومان بر چهل تومان مواجب  
سابق او افزوده کردید

ابو طالب خان ولد عالیجاه طابری باشی از امتحان  
اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون  
ترقی کرده بود نشان او گرفته شد در این امتحان  
مستحق نشان مس شد و بجهت دیگر می او ده تومان بر  
چهل تومان مواجب بقیش افزوده کردید

سجفعلی خان ولد عالیخان شایر خلیک صاحب  
نشان مس بود در این امتحان ترقی نموده مستحق القای  
نشد و همان پنجاه تومان مواجب سابق خود باقی است

درجه دوم

عباسعلیخان دینلی ولد سلیمانخان صاحب نشان بود  
در این امتحان نیز ترقی نموده بود و القای در حق  
اوست و بجهت تنبیه او مقرر شد که دو روز در قراول  
باشد

شاکردان که در آخر سال سنه ایشه فارغ التحصیل  
مرتبه اول

قاسم میرزا ولد مرحوم فتح الله میرزا صاحب نشان  
مس بود در این امتحان خوب ترقی کرده بود مستحق  
نشان نقره شد و بیست تومان بر بیستاد تومان  
مواجب سابق او افزوده کردید

محمد آقا ولد قاپوچی باشی صاحب نشان نبود مستحق نشان  
مس شده ده تومان بر چهل تومان مواجب سابق او  
افزوده کردید

محمد تقی خان ولد عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب  
نشان بود چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره شد  
و بیست تومان بر سی تومان مواجب بقیش افزوده کردید

ابوالقاسم خان ولد عالیجاه ابوالفتح خان دینلی  
صاحب نشان نبود مستحق نشان مس شده ده تومان بر  
سی تومان مواجب سابق او عملا ده کردید

محمد مهدی میرزا اولاد مرحوم اردشیر میرزا صاحب نشان  
بود و مستحق نشان شده ده تومان بجهت تئوین با و مرخص شد

۵

بسیار از اینها در این کتاب مذکور است  
و در بعضی از آنها نیز در این کتاب  
مذکور است و در بعضی از آنها  
نیز در این کتاب مذکور است

مرتبہ دوم

میرزا عبد الرحیم ولد عالیجاہ میرزا عفا رخاں نایب  
وزارت خارجہ در این امتحان کہ امتحان اول است  
مستحق نشان مس کردیدہ و بیت پنج تومان جو  
در حق او برقرار شد  
نصرتخان ولد مرحوم خدا داد خان کرجی درین  
امتحان کہ امتحان اول است مستحق نشان شدہ  
توان بجهت توثیق او جہت کردید

شکر و ان جدید

جدید شکر حضرت اسد و لغز و لغزخان موجب در حق اینها برقرار  
شد

کدو ن مطر التو معتم کل پیادہ نظام در خدمات خود  
کو تا ہی نمودہ یک طاقہ شال ترمہ با و مرحمت شد  
تعدادی کہ در سنہ ماضیہ کردہ در علم پیادہ نظام  
تمام را امتوخہ است سوای تخصص فوری و علم آتیا  
و آرنیز مستعد است کہ تا دو ماہ دیگر تمام تعلیم نماید  
و شاگردان اول او در مشق پیادہ نظام و علم جنگ  
نبوغی کہ در س کفہ است قابل و ماہر شدہ است  
و در مشق افواج و خدمات اردو و علم محاصرہ و  
مدافعہ و سایر لوازم مشق و حرب خوب از عمدہ  
بر می آید و ہر روز شاگردان او با فواج قاہرہ  
مشق میدہند و اسامی شاگردان او با تعیین است  
و انعام و نشان و اضافہ مواجب بدین تفصیل است  
اضافہ مواجب انعام  
مطلوبہ قطعہ  
مطلوبہ قطعہ

۱۷۳۱

مرتبہ اول  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب

محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب

محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب

محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب

محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب  
محمد حسین خان صاحب

مرتبہ اول سلاطین ماورین فارس و عراق  
عبدالحی خان ولد مقرب الخاقان حاجب الدولہ صاحب  
نشان نقرہ بود در این امتحان چون خوب ترقی  
کرده بود مستحق نشان طلا کردیدہ و پنجاہ تومان  
بر صدد و پنجاہ تومان جو سابق او افزودہ شد  
تفصیل تعینہ شاگردان علم پیادہ نظام ویرمحلین و معلمین  
دارالقون در معنیہ ایندہ مطور میکرد

**سارولایات**  
**آذربایجان و استرآباد و اسداب**  
 ازین ولایات در این محله اخباری بود  
**اصفهان**  
 از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از آنجا  
 نوات مستطاب نهاده و الایات حثمت الدوله  
 حکمران اصفهان کمال ائمت و انتظام در امور ارجح  
 و رعایا و بر ایام عاکونی ذات اقدس مهابون  
 دارند و نواب معزی الیه بحرانی و کلی امورات  
 تمام دارند از جمله اهل نظام از توپچی و سرباز و جنس  
 آنها همه روزه حسب احکم نواب معزی الیه در  
 مشق حاضر شد مشغول مشق میباشد و صاحب  
 کمال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارند و امور  
 و اولیای شهر و حفظ و حر است طرق و شوارع  
 منظم و ضبط است  
 دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرنیک  
 که باشش عرآد توب و توپچی از دربار مهابون  
 فارس بود و وارد آنجا گردیده و نواب معزی الیه  
 جان اوقات در خارج شهر بوده اند خود با آحاد و  
 آنها رسیدگی نموده و انعام در حق آنها مبدول  
 و همچنین فوج خاصه شریفه نیز که مأمور فارس بود  
 با آنجا وارد گردیده و نواب معزی الیه در قریه  
 خارج شهر ملاحظه آنها تشریف فرما شده و رسیدگی  
 با آحاد و افراد آنها نموده در حق آنها نیز انعام داده  
 مقضی المرام روانه معصده شده اند

دیگر در عشر اول شهر حسب سربا جمعی عالیجاه نصر الله خان  
 سرتیب افواج کلبا کجانی را نواب معزی الیه در عارت  
 چهل ستون بدقت رسیدگی نموده سان دیده اند  
 چون سربازان مشار الیه در کمال راستگی و انتظام  
 بوده اند خود او را یک ثوب قبای زر دوزی نظام  
 محقق و صاحب مصعبان را مورد نوازش و التفات  
 نموده اند  
**بروجرد**  
 از فراریکه در روزنامه انولایت نوشته اند توب  
 جلال الدین میرزا نایب الحکومه لرستان سابقا قرار بود که  
 که بکر میرات رفته در خدمت توفیق نماید چون او اعز  
 در ما دیان رود که سه منزلی خرم آباد و تاجی ایلات  
 نزدیک است توفیق کرد مشغول حصول بقایای  
 توشکان نیل بوده اند و عسوم کوکر آنجا در اردوی  
 نواب معزی الیه حاضر و ترصد انجام خدات دیوانی  
 بوده و تاجی توشکان و خوانین و پیش سفیدان خصوصاً  
 عالیجاه عبدالعلی خان و پسران و وابستگان مشار الیه  
 در اردوی نواب معزی الیه با کمال صداقت مشغول  
 باشند و در اردوی نواب معزی الیه از سوار  
 با جلان و سرباز الو اجمعی عالیجاه جعفر قلیخان سرنیک  
 خدا بند لو و فوج لرستانی جمعیت کامل بوده است و تمام  
 لرستانی در کمال ایاری مشغول نگذارند  
**بسطام و خراسان و سمنان**  
 ازین ولایات نیز در این محله  
 اخباری بود

۱۷۳۲

### عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته اند این کمال نیت حاصل است و مردم همه در نهایت شکر گذاری و دعاگوئی لیکن از کثرت بارندگیهای وسیل صد میه بسیار بدم رسیده است در کرازی و فزایان دمانی که از رودخانه مشروب میشده اند هزار اسیل خراب کرده و بزراعتها از نیت رسانده است و خانهای بسیار از دمانت خراب شده با بار و طواغین و خانهای زیاد نیز از شهر سلطان آباد خراب گردیده خصوصاً قنات و قنای سلطان آباد را که دو سال بود مقرب انخاقان میر حسن خان حاکم عراق خوب آباد کرده بود در این سال خرابی بسیار شده است

### فارس

از فرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند عالیجاه محمد علیخان سرتیب فوج قزاقه داعی با ابوالجهمی خود وارد بندر ابوشهر گردیده و عالیجاه میرزا حسنعلیخان دریاپکی و حاکم بندر ابوشهر و مدنیجان سرنک فوج بناوندی و علی سلطان و جمعی دیگر تا قره چادک با استقبال رفته کمال و احترام را در باره آنها بعل آورده و قرار توفیق آنها در همان منزل داده اند  
دیگر نوشته بودند که فرمان مهر لغان مبارک که با عالیجاه میرزا حسنعلیخان دریاپکی با یک قطعه از تمشه دویم سیرپسی که از جانب سنی احوال

لموگانه رحمت شده بود در ۱۹ ماه جمادی الثانی با سنجاپرتو وصول انگلند و عالیچا پشالیه با اعیان و معارف آنجا و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعل آورده اجرای شکر و صرف شربت و شیرینی کرده و بشهر مرآت و اهل آنجا ازین نوع رحمت سرکار اقدس هدیه ها و شایسته و اولیای دولت علیه در باره عالیجاه مشارالیکال فرسندی بگر گذارید داشته ام  
قره وین و قسم و کاشان و کردستان ازین ولایات نیز درین بقیه اخباری بود

### کرمانشاهان

از فرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند در روز پنجشنبه که روز عید مولود جناب امیرالمومنین صلوات الله وسلامه علیه و روز تحویل شمس برج حمل بود نواب مستطاب عماد الله و له حکم ان کرمانشاهان با حضور علما و اعزّه و اعیان و سمران و صاحب منصبان نظام و خوانین عظام العقاد مجلس سلام داده و لوازم جشن و شادمانی عیدین سعیدین را بعل آوردند و بنام اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی ملکه و سلطانه خطبه بلیغ ادا شده همه اهل مجلس سلام به عای سلامتی و جود فایض الحود هالیون تقدیم سکران و شادمانی نموده سلام عید منقضی گردیده است  
دیگر از فرار یک نوشته بودند بارندگی زیاد در آن شده و چند شبانه روز لایق قطع باران آمده است بطوریکه بعضی ابنیه و عمارات خرابی رسانده است

ولی بجهت زراعت بسیار نافع بوده است و در نرخ غله بعد  
 ازین بارندگیها تفاوت کلی بهم رسیده چنانچه کم  
 خرداری سیزده هزار و جو خرداری نه هزار بود  
 پس از وقوع این بارندگیها حال کد مخرداری نه هزار  
 و جو خرداری پنج هزار و روز بروز رو به تنزل است

### کرمان

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور اولاد  
 بهر جهت قرین انتظام است و رعایا و برابرا در عین آسودگی  
 و ذاعت بدعای بقا و سلامتی وجود فایض انجود  
 اقدس بمالون شاهنشاهی اقدام دارند امیر الامرا<sup>ل نظام</sup>  
 سپه دار از وقتی که وارد التولایت شده هر روز  
 صنفی از رعایا را از شهر و بلوک خواسته و بکار  
 انحصار رسیدگی کامل نموده و آنهارا بخواطف و لبا<sup>بست</sup>  
 عملیه امیدوار می داده و هر کس در کمال خرسندی<sup>تخل</sup>  
 و کار خود مشغول و قشون متوقف آنجا از سواره<sup>باده</sup>  
 مراقب انجام مأموریت خود و خدمات دیوانی میباشند  
 و عالیجاه امامعلی خان سرمد دار بلوچستان با قشون  
 و مدارکات شایسته مشغول انتظام صحیفات بلوچستان

### پا شد

دیگر نوشته اند که در بزنجان که یکی از قرار اقطاع است در  
 اوقات ضعیفه بیک گم سه دختر زائیده است چون  
 مشهور است که اینگونه تولید برای دولت و سلطنت سکون  
 دارد لهذا امیر الامرا<sup>ل نظام</sup> سپه دار بشکرانه سلامتی و استقامت  
 وجود فایض انجود بمالون پنج تومان با ولای اطفال فرموده  
 انعام و جیره و خوس و ماهی پنج تومان تقدیر خود فراده با بجا<sup>بست</sup>

کر و کس و کیلان و مارندران و ملا سر و  
 نجا و نند ازین ولایات نیز در این بهفته اخباری

### همدان

از فراریکه در روزنامه همدان نوشته اند مقر<sup>ل نظام</sup> نجا<sup>ل نظام</sup> خان معتمد<sup>ل نظام</sup>  
 در انتظام امور ولایت در این اوقات اهتمام زیاد دارد و  
 در دیوانخانه آنجا نشسته بعبایض مردم رسیدگی میباید

دیگر نوشته اند که بارندگیهای زیاد با باد بسیار شدید  
 اوقات در شنه و بلوکات همدان وقوع یافت بطوریکه  
 بعضی خانها و دکاکین و کاروانسرا و بازار قریبه ارکثر تبار<sup>ل نظام</sup>  
 و شدت باد خراب شد و وزدان درین بین و صحت یافته  
 از بعضی خانها اسباب صفت میگردند از جمله دو نفر در  
 در قریه حصا<sup>ل نظام</sup> بخانه علی کبر نامی رفته درین بین طفلی در کهوره<sup>ل نظام</sup> بود  
 بنای گریه میکرد یکی از وزدان کهوره را با طفل برداشته در  
 دالان خانه گذاشته بود پدر و مادر طفل بیدار شدند صدای  
 طفل ادر دالان شنیده مضطربانه بهوای صدای طفل بیرون<sup>ل نظام</sup>  
 میجوشیدند آمدن آنجا طاق خانه بسوزد از آن پائین آمده و هر دو  
 تلاک شده بودند

### یزد

در روزنامه بهمه<sup>ل نظام</sup> گذشته نوشته شد بود مقر<sup>ل نظام</sup> نجا<sup>ل نظام</sup> خان محمد یوسف خان  
 کایون کرده بخارج شهر نقل مکان نموده است که تبتی بود از فراریکه  
 نوشته اند جمعی از اعیان غیر عزیمت زیارت ارض اقدس<sup>ل نظام</sup>  
 در دویم ماه حبه افامیر زاعلیضای صدر العلماء با چند نفر دیگر  
 از اعیان و خواین ساویر مردم ارگبه و عیت روانه ارض  
 اقدس شده اند

۱۷۳۴

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم شعبان المعظم بن سال لوی سن ۱۲۷۲

مزه و دست بفکد و یک

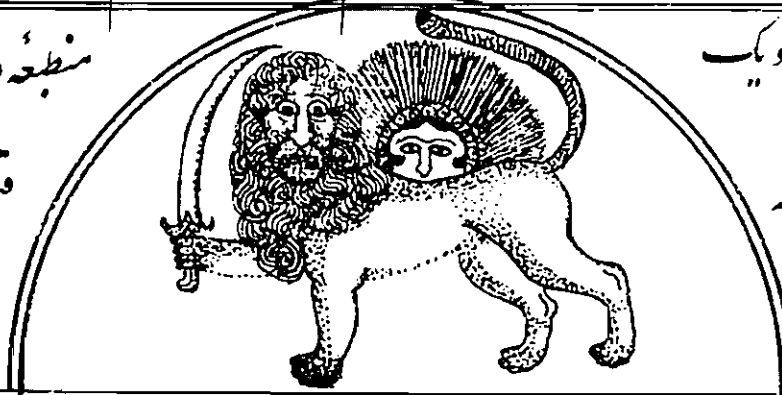
منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شایر

هر خط پنج شایر



اجبار و احضار ملوک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز شنبه گذشته فوج بزچلو که احضار رکاب حضرت آیتاب هالیون شده بودند در میدان ارک حاضر شده صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت اقدس هالیون شایه پادشاهی اید البیضاء بجهت ملاحظه آنها تشریف فرمای میدان گردیده احاد و افراد فوج مزبور از حضور مبارک گذشتند بانهایت آراستگی و انتظام بودند احاد فوج و صاحب مضیمان آنها مورد تحسین و نوازش و التفات ملوکانه شدند و هم چنین فوج قزوین و سواره آنجا نیز که بدر بار معدلت مدار هالیون احضار شده بودند وارد گردیده و در روز چهارشنبه در میدان ارک صف نظامی کشیدند و بعد از تشریف فرمائی حضرت اقدس هالیون شایه پادشاهی بمیدان مزبور یکی از حضور مبارک گذشتند و یکی یکی بظرف مهر اثر خسته وانی رسیدند و انتظام دار آسکی و حرکات نظامی آنها تحسین

و مقبول خاطر ملوکانه افتاده سر مکان و صاحب جنسین و عموم احاد و افراد افواج و سواره مورد تحسین و نوازش و التفات گردیده مقرر شد که لکرون عظام تدارک و تهیه آنها را از لنگ و ملوس عنبره در هر چیز که نقص نامی داشته باشند قیمت رسیده و صورت انجام بدهند که بهیچ نامی در اسلحه و اسباب سایر ملزومات آنها نباشد که حسب انکرم روانه محل مأموریت شده باشند با انجام خدمات مرجوعه بجزود پردازند  
در روز سه شنبه هم معتمد در بار سه شام مقرب الخاقان قائم مقام وارد در بار معدلت مدار گردید اگر چه اعلیحضرت اقدس هالیون شایه پادشاهی مقرر فرموده بودند که مستوفین عظام و صاحب مضیمان نظام با استقبال بروند ولی چون غفله و بیخبر وارد شد مردم نتوانستند با استقبال بروند و بعد از ورود شرفیاب خاکپای مبارک شده مورد کمال نوازش و محبت ملوکانه گردید

۱۷۳۵

بیان و در حضور بارکسان بدید  
 چون عالیجاه مقرب الخاقان آقا اسمعیل شریف  
 سلام در مراتب خدمتگذاری خاصه در سلامها  
 ایجاد وغیره خاطر اقدس همایون شاهنشاهی را  
 از خود خرسند داشته و طرز نیکو خدمتی او در  
 پیشگاه حضور مظهر محسن و مقبول افتاده لند این  
 اوقات در ازای خدمت سلام عید یکثوب ایچک  
 پولک دوز بطانته قائم و یکثوب قبای ماهوت  
 خوب از جانب سستی اجواب ملوکانه با جلعت  
 مرحمت گردید  
 از فرار اخباری که در این اوقات از حرسان  
 باولسای دولت علیه رسید بجهت کمال فواید  
 و امانت در انولایت حاصل و عسوم امانی و  
 سکنه انولایت در عین رفاه و آسودگی مدعاگو  
 ذات اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه  
 و سلطانه اشتغال دارند و در این اوقات  
 جمعیتی از روس و ریش سفیدان سرخس خدمت  
 نواب مستطاش هزاره و الا بتاجسام سلطنته  
 حکمران خراسان آمد معروض داشته بود  
 که بهر خدمتی که مامور فرمانده اطاعت کرده خدمت  
 و جان شاری خویشم نمود نواب معزنی ایبه  
 نیز با آنها اظهار التفات زیاد نموده و عواطف  
 اولیای دولت علیه امید واری داده در و  
 ریش سفیدان سرخس با نهایت خرسندی معاودت  
 نموده اند

چون نواب مستطاش خلد الله و له اما مقلی میرزا حکمران  
 کرمانشاهان از حسن کفایت و رعیت داری و مرام  
 در خدمتگذاری دیوان قدرشان و انتظام امراشان  
 و سرحد خاطر اقدس همایون شاهنشاهی صان الله ایام  
 دوله عن التسمای و امنای دولت علیه را از خود خرسند  
 و مسرور داشته مستوجب محبتی جدید و کمرستی تاز  
 آمد لند در این اوقات با عطای یک قطعه مثال مهر  
 همایون مکمل بالماس از جانب سستی اجواب ملوکانه  
 قرین میات و اعزاز گردید  
 نظر بطور مرحمت ملوکانه در باره عالیجاه معزنی  
 محمد رحیم خان نسیمی باشی و حاکم نهادند و حسن کفایت  
 و کار دانی مشارالیه در نوکری و ولایت دار  
 و وصول مالیات در این اوقات یک ثوب  
 جبه ترمه مشاریه خلعت مرحمت شده و از در  
 همایون مرخص و روانه محل حکومت گردید که رفقه  
 قرار امورات نده اسنه انولایت راداده  
 در بار معدلت مدار همایون مراحت نماید  
 چون سواره خزل لظمی چنانچه باید داشته باشد  
 مذاشتند اولیای دولت قاهره جنب الا  
 سواره مزبور را نیز اباجمع عالیجاه مشاریه  
 کرده و سرگردگی آنها را عالیجاه عبداللہ خان  
 سپر او مرحمت و یک طاقه مثال و یکثوب قبایم  
 خلعت در حق او عنایت گردیده روانه انولایت  
 گردید که سواره مزبور را انتظام داده مدارک  
 و تهیه آنها را از جهت دیده چهار ماهه برکات

۱۷۳۶



و ده تومان انعام در حق او محبت کردید

تفصیل باقی شاگردان علم پیا و نظام و سایر نامی دارا

شاگردان مدرس کتبی چون علیجای عیسی خان  
یک قطعه نشان مطلقا با او داده اول بود کرده است  
مدرسه نشان مطلقا با او داده اول بود کرده است

مرضی قلیخان ولد علیجای محمد اسماعیل خان لوزی صاحب نشان  
مس بود مستحق نشان مطلقا شده و پنجاه تومان برده

موسیو میرا معلم سواره نظام و معلم شاگردان خود و سواره نظام  
یک قطعه نشان مطلقا با او داده اول بود کرده است

تومان مواجب سابق او افزوده کردید

میکطافه سال ترمه با و خلعت محبت کردید در سنه هجری  
کرده بود که در شش ماه شاگردان خود را در علم و عمل سواره نظام

محمد حسن خان ولد مقرب اخاقان حاجی الله ولد صاحب نشان  
بود مستحق نشان مطلقا شده و شصت تومان بر حسب مواجب سابق او

قالب ماهر که در این امتحان معلوم شد که از عهد لغت خود خوب برآ  
و شاگردان او در شش ماه بسیار خوبند و کتاب علم سواره نظام

افزوده کردید

هم مشغول ترجمت که در سه ماهه چای شود و مخمف تر از شاگردان  
مدرسه خرد و شاگردان او شد که تا شش ماه دیگر آنها را

مرضی قلی قاقا ولد محمد اسماعیل خان صاحب نشان  
شده و بیست تومان انعام در حق او محبت کردید

بر حسب شاگردان اول برساند و اسامی شاگردان او تعیین  
مراتب و اضاف مواجب و نشان بدین تفصیل است

میرزا علی اصغر برادر علیجای میرزا رضای که خدا صاحب نشان  
نقره بود مستحق نشان مطلقا شده و بیست تومان پنجاه تومان بر حسب

مراتب و اضاف مواجب و نشان بدین تفصیل است

سابق او افزوده کردید

۱۷۳۷

مدرسه دوم  
علیخان ولد علیجای حاجی حسن خان قاجار صاحب نشان  
نقره و پنجاه تومان مواجب آقا سید میرزای کاشانی صاحب نشان  
شکس و صد و پنجاه تومان مواجب و علی محمد خان ولد قاجار صاحب نشان  
شکس و چهل تومان مواجب چون در این امتحان ترقی کرده بود مستحق القای شده بهمان مواجب و نشان  
سابق خود بر قرارند

مدرسه سوم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه اول  
علیخان ولد علیجای محمد زمان خان صاحب نشان  
شده و بیست تومان بر حسب مواجب سابق او افزوده  
حیدر قلیخان کمری صاحب نشان مس بود مستحق نشان نقره شده و بیست تومان  
بر حسب مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه چهارم  
میرزا عیسی الله ولد میرزا آقا زکریا صاحب نشان مس چون در این امتحان  
بود مستحق القای شده بهمان پنجاه تومان مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه پنجم  
آقاخان ولد علیجای صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب و اضاف قلیخان ولد  
جعفر قلیخان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه ششم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه هفتم  
علیخان ولد علیجای صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب و اضاف قلیخان ولد  
جعفر قلیخان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه هشتم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه نهم  
علیخان ولد علیجای صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب و اضاف قلیخان ولد  
جعفر قلیخان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه یازدهم  
علیخان ولد علیجای صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب و اضاف قلیخان ولد  
جعفر قلیخان صاحب دولت و پنجاه تومان مواجب سابق او اضاف محبت شد

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

مدرسه دهم  
میرزا آقای کاشانی در این امتحان که امتحان اول او مستحق  
انعام و اضاف مواجب ده تومان انعام و سزده تومان بر  
دوازده تومان مواجب سابق او اضاف محبت کردید

شاکردان جدید سواره نظام که در علم هندسه و توپخانه و مد  
و ترقی نکرده بودند چون درس سواره نظام آسانتر بود جزو  
شاکردان سواره نظام شدند

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

عرض مشارالیه نایب او قرار داده و بجهت افتخار یکپارگی و شال ترمه  
در حق او خلعت حرمت کردید فقرات دیگر تعیین مریضخانه بجهت  
شاکردان بود که یک سال تجاوزات مریضخانه مین و شاکردان  
بر روز پنجشنبه در محل معالج کار کرده و خواهد کرد دیگر

ترجمه کتب علم طب و جراحی از آده میفروده و مکتبه و قانون  
معالجه و علم عمل و معرفت نباتات بود که آنهارا هم تمام کرده

کرده و آنچه مراجع تصحیح میشود با سمسره خانه داده شد  
مشغول با سمسره کردن هستند دیگر تصدق فارغ التحصیل کردن  
باقی شاکردان قدیم خود را تا آخر سنه جدید و سندن بر سه

شاکردان اول و اهتمام در تعلیم شاکردان جدید که بعد ازین  
گردید و سایر شاکردان و با تعیین هر شخص نشان و اضاف  
موجب و خلعت و انعام بدین تفصیل است

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

میرزا باقر نوری  
میرزا محمد علی میرزا  
میرزا محمد علی میرزا

۱۷۳۸

میرزا اسید علی طبیب نظام نشان مس دشت در این امتحان نشان  
مطلبا سرافراز بوده توان الغام در حق او رحمت شد  
میرزا حسن تکیانی صاحب نشان مس و پنجاه تومان جواب  
در این امتحان نشان نقره باو رحمت شد

موسیو فکری معلم علم سی و دو و ازی در تعلیم کردن خود موافق  
تعمیر شده ماضیه اتهام نموده گردان او خوب ترقی کرده بود و یک قطعه  
سال ترمه و خلعت مرحمت کرد و مستعد است که تا ناه و دیگرش گردان خود را  
بطوری قابل ماهر کند درین ممتحن محترم با علم با و سامی گردان او با تعیین  
تشنه و اضافی موجب از این قرار است

مرسبه دوم که در این امتحان بی محبتان و غیره بانهاست

میرزا حسین ولد میرزا آقازک طلا میرزا احمد اللع و امیر ابراهیم حسن  
صاحب نشان نقره و پنجاه تومان صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
مواجب بود

مرسبه اول  
باقرخان ولد شاه ناصر میرزا محمد ولد میرزا احمد میرزا علی ولد میرزا  
صاحب نشان مس و چهارده سکه صاحب نشان مس صاحب نشان مس و پنجاه  
مواجب بود

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا علی ابدی ولد شاه محمود خان کار  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
مواجب بود

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

افاضه موجب نشان نقره  
مواجب بود

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا محمود ولد میرزا محمد طبیب صاحب  
نشان مس و چهارده سکه صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
افاضه موجب نشان نقره  
مواجب بود

میرزا حسن ولد میرزا محمد حکیم فایز ایلیکالی  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
مواجب بود

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا محمد زاده ولد میرزا محمد ولد میرزا  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا محمد زاده ولد میرزا محمد ولد میرزا  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا حسین ایلیکالی ولد شاه محمود خان کار  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

میرزا حسین ایلیکالی ولد شاه محمود خان کار  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

ساکوکان بیهوده در امتحان نپسندیدند از آنها طبعه

تفصیل معلوم و شاکردان در کس زبان فرانسوی  
و تعیین مراتب و اضافی موجب نشان آنها در خدمت  
انبیه مسطور میگردند

میرزا حبیب الله ولد میرزا احمد بن میرزا احمد ولد له اله و بعد الله  
میرزا مصطفی زاده در این امتحان  
سیخ عبد الجلیل

تفصیل معلوم و شاکردان در کس زبان فرانسوی  
و تعیین مراتب و اضافی موجب نشان آنها در خدمت  
انبیه مسطور میگردند

۱۷۳۹

میرزا محمد زاده ولد میرزا محمد ولد میرزا  
صاحب نشان مس و پنجاه تومان  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام  
انام

### سارولایات

دو ریایحان از قراریکه در روزنامه اینولایت  
 نوشته اند نهایت امت و رانجا حاصل است و  
 عموم اهل آذربایجان از عالی و ادانی بدعا کونی  
 دانت اقدس علیون شاهنشاهی شغال دارند و چون  
 مستطاب هزاره و الا تبار نصره الدوله حکمران  
 در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی حال نوکر  
 و رعیت اهتمام کافی معمول دارند چون سجه ایام به  
 اشراق و قطاع الطریق را مجال دست اندازی بقول  
 و عابری است از سواره قراچورلو در سمت ارض  
 و از اب و مرند و کرکرو و خوارقان و مامقان  
 و از سواره شقاقی ابو اجمعی عالیجاه جو اذخان سمت  
 عباس آباد و او جان و حوالی خلعت پوشان قرا  
 معین کرده فرستادند که حفظ و حراست آن راهها  
 مشغول باشند

دیگر در شب پنجم نیز در شهر حیدرآباد که شب  
 جناب ولایت تائب امیر المومنین علی علیه السلام بود  
 نوات معزی الیه حکم کردند که بازارها و دکاکین و کاروانسراها  
 چراغان کرده و جمیع مردم بلوارم شادمانی برداخته  
 و نواب معزی الیه خود بگردش بازارها بجز بعضی از  
 معارف تجار رفتند و بعضی از تجار که پیش از  
 قبیل شال ترمه و غیره دادند قبول نکردند و فردا  
 آن شک یوم عیدین سعیدین مولود جناب ولایت  
 و نوروز و سلطانیه بود بقانون مقرر با حضور علما  
 و اعزّه و اعیان و سران و میران پنجه و سایر اصحاب

نظام و خوانین عظام العتاد اسلام داده اجری  
 عیدی شده بعد از ادای خطبه بلین بنام اقدس علیون  
 شاهنشاهی و تقدیم شکرانه و شادمانی و صرفیه  
 و شیرینی و دادن شاهنشاهی عیدی بابل سلام  
 سلام عیدین منقضی شده است

دیگر نوشته اند که هوای دار السلطنه تبریز از دهم ماه  
 رجب المرجب الی بیستم ماه فروردین بودت زیاد بهم  
 متصل برف آمد و دور و نزدیک تی لوران کرد که عبور  
 از کوهها مشکل بود و در خود شهر بقدر یکدفع برف  
 اطراف زیاد ترا آمد بود اغلب راهها چند روز  
 و سه چهار نفر در حوالی شهر تلف شده بودند لکن  
 بجهت زراعت و حاصل منافع کلی داشت و در آب رود  
 تفاوت زیاد بهم رسیده صاحبان املاک و رعیت  
 از این معنی بسیار مستوف بودند

دیگر نوشته بودند که شت دست از سر باران فوج  
 معتمد در بار شهر اتمام مقرب انخافان قایم مقام  
 نظامی و تفنگ سپاه و مواجبه ماه محلی بده بسته  
 حواله داده و تدارک آنها هر چه دیده شده قرار  
 شده بود که سه روز بعد حرکت مقرب انخافان  
 از تبریز حرکت نماید بجهت برف و بارندگی و العتاب  
 هوا حرکت آنها قدری متعویق افتاده در این اوقات  
 که هوا خوب شده است قرار شد که در ۲۷ ماه رجب

روانه در بارها یون شوند  
 اسر آباد و اسد آباد  
 این ولایات در این نغمه جاری بود

۱۷۴۰

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از ۲۷  
 شه جادی الثانی الی روز عید نوروز فیروز سلطانی باید  
 متعدد زیاد شده دود فعه و شبانه روز بارندگی  
 متصل شده و خرابی زیاده بعضی ابنیه و عمارات شهر  
 و بلوکات رسانده و سیل در رودخانه زاینده  
 طغیان نموده از سمت پل چهارباغ آب بطوری بالا  
 آمده است که دیوارهای باغ زرشک را خراب  
 کرده و از سمت مدرسه چهارباغ نیز آب بجای بالا  
 آمده که تا جنب مدرسه جدید عباسی و از سمت پل خواجه  
 تادروازه خواجه آب گرفته و اکثر طوایف و قراول  
 و خوش ازین کثرت آب خرابی بهم رسانیده و حاصل  
 شتوی و طرف رودخانه را آب سیل فرو گرفته و  
 خسارت زیاد رسانده است نواب مستطاب شاهزاده  
 و الا تبار حتمت الدوله حکم ان اصفهان معترف نمودند که  
 خرابیهای حاصل و عمارات را باز دید کنند تا بتعمیر و  
 مدارک خسارت آنها پرداخته شود

دیگر نوشته اند که حسین نام ولد محسن نام که قاتل  
 حاجی عبدسببی سمیرمی بود از زمان حکومت مرحوم  
 معتمد الدوله تا کنون جمیع حکام و مباشرین در صدد  
 او برآمده و او را نتوانسته بودند بگیرند و همیشه بسر  
 دسرت و سگ دام استغال داشت نواب شاهزاده  
 حتمت الدوله بجای میرزا عبد الوهاب خان بنک  
 ناکیدات اکیده در باب گرفتن او نمودند عالیجا شاهزاده  
 در این اوقات او را دستگیر کرده خدمت نواب

آورده بود مردم از گرفتاری مشارالیه مطلع شده  
 چون زیاده مرکب قتل نفس و شرارت و اذیت و  
 مردم شده بود تمامی وراثت مقتولین و سایر امالی ا  
 آمده مراتب شرارت و خجاست او را علی تفصیل معروض  
 و نادات و ثقات ادای شهادت نموده لهذا  
 نواب معزی الیه او را بدست ورثه مقتولین داده  
 در میدان شاه بقصاص رسانند

بر وجود و بطام و خراسان و  
 و عراق ازین ولایات نیز در این هفته اخبار

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند کمیو  
 ترمه که از جانب سنی اچو اسب ملو کانه سجه خباب  
 شیخ سچی پسر مرحوم شیخ ابوتراب خلعت تغزیت حمت  
 شده بود با سنجار تو وصول نموده و خباب مشارالیه  
 لوازم توقیر و احترام خلعت مهر طلعت مالون را بعلی آورد  
 و جمیع علماء اعزّه و اعیان فارس حضور بهم رسانده  
 خلعت مالون را ریب پیکر مبارکات نموده بلوازم دعا کونی  
 ذات اقدس مالون شانشان اقامت ورزیده

قزوین و قشم و کاشان و کردستان و  
 کروس و کرمانشاهان و کرمان و کیلان  
 و مازندران و طایر و نهاوند و بهمان  
 ازین ولایات نیز اخبار تازه نبود

سرو

از قراریکه در روزنامه سرو نوشته اند کمال امتیاز و  
 لغت در آن ولایت حاصل است و مقرب انجان محمد یوسف

۱۷۴۱

نایب الحکومه یزد و حاجیاه میرزا کو یک خان سرمنک  
 با مورر عایا و برایا با کمال دقت رسیدگی می کنند  
 و در اتولیات این اوقات بارندگی کامل شده و فرج  
 غله بدین واسطه تنزل کرده سکنه آنجا از این بر صله کمال شکر  
 دارند و در روز عید سعید نوروز سلطانی که روز عید مولود  
 امیر مومنان و مولای متقیان علی علیه السلام بود مقرب  
 مشارایه مجلس سلام عیدین منعقد نموده و خطبه بنام  
 حضرت اقدس همایون شاهی خلد الله ملک و سلطانه  
 خوانده شده لوازم جشن و شادمانی لعل آمده بعد از  
 شربت و شیرینی و دادن شاهی شرفی کجبار مجلس  
 منقضی شده است

### اجار و ول خارجه

از قراریکه در اجار و ول خارجه نوشته اند دهمت  
 مجتمعه سکی دنیای جنوبی در درجه سی و شش و چهل در  
 زمینی که چلبی مینامند در میان نهر آنجا طلای فراوان  
 ظاهر شده و بقدرسی چهل هزار کس بجهت در آوردن  
 با بخارفته و در مدت هفت روز معادل چهار کس  
 طلا بیرون آورده اند و در ابتدای ظهور این طلا که  
 شده بود از بسکه مردم بجهت در آوردن طلا با عجم  
 آور شدند اما لی مجتمعه سکی دنیا بجهت بیع و فروش کول  
 اتولیات زیاد تر از این اشخاص که طلا در می آورند  
 نفع برده اند و نان بربتبه در آنجا گران شده بود  
 که تا کنون این طور گران در آنجا روی نداده بود

دیگر نوشته اند که از سروران ضابطان سحره دوست  
 انگلیس شخصی بجهت کشتیهای جنگی یک سال که دوازده تو

و چهار صد نفر آدم بگیرد احوادث و اختراع کرده  
 و دولت مشارایه با عرض کرده بود در ضمن تجریر آن  
 قوم سیوفی تخصیص داده و مبادرت بختن او در روز  
 سابق نوشته شده بود از قراریکه در این اوقات  
 نوشته اندصال مذکور با تمام رسیده بطوریت که  
 بزیر قلعه کشتی دشمن میرود و از ضرر کلوله و چنهاره  
 از طرف دشمن انداخته شود سالم است و همچنین  
 از غرق شدن بد ریاد اوقات طوفان بسیار  
 نشستن محفوظ و ضرر و خرابی کشتی و قلعه دشمن میرسد  
 این سال را تجریر رسانده و حکم از دولت شده است  
 که از اینها متعدد بی درنی ببارند

دیگر از سرمندان دولت مشارایه شخصی از برک درخت  
 و غیره سه نوع کاغذ ساخته است و کارخانه  
 کشوده در روزنامهها نوشته اند

دیگر مدخل و مخارج با پای روم را که در سال گذشته حساب  
 کرده اند یازده میلیون ریال مدخل و دوازده میلیون  
 مخارج دولت منبور شده است

### اعلانات

میرزا محمد علی طبیب مشهور بدو اساز در جلوفان  
 مسجد شاه دارالخلافه در جنب درب مسجد سمت  
 صدر حجره کشوده و انواع دوائی فزنی در حجره او  
 موجود و امراض را معالجه مینماید اعلان می کند که  
 بر هر کس که از دوائی منبور لازم باشد تبره می نماید

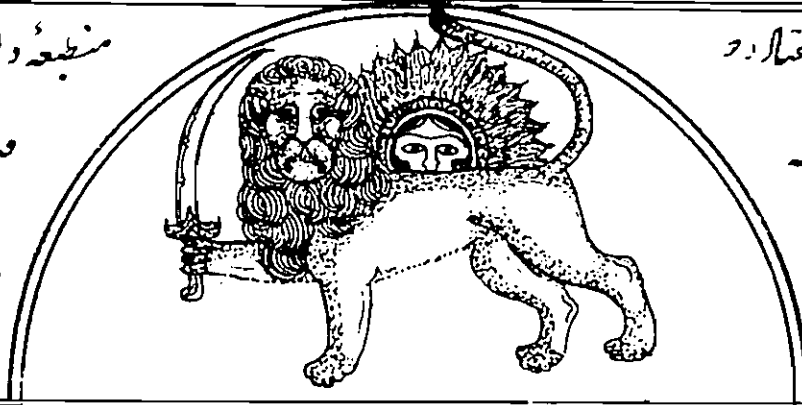
برود

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه یازدهم شعبان المعظم مطابق لوی سنه ۱۲۷۲

مزه جلیت و هفتاد و

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده شاهی



منبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج شاهی

اجنار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون موافق قانون این دولت علیه هر سال بعد از ایام عید سلطانی که اودان خوبی بهار و خرمی و دشت و کوهسار و تربت و صفای بستان و حیوانات روزی مخصوص اسب دوانی است که از اسبها و اسبهای خاصه سرکار اقدس همایون پادشاهی و اسبهای انسانی دولت علیه و هزادگان عظام و خواهین گرام چند وقت پیش برای روز است و اسب سوکان گذاشته کردش میداند از آنجا که خاطر اسبها همایون زیاده مایل اسب دوانیت درین سبب سبب انعام ملوکا پیشتر مبدول اندیشتر اسبهای دیگر اسب سوکانی کرده بود و چند چنانچه در اسبهای گذشته است اسب دوانی که در اسب دوانی میگردند سال پنج دسته معین شد و در روز دوشنبه ششم این ماه بقدر معمول اسبها اسب دوانی را ارسته نموده و موکب همایون شریف در آنجا که دید شلیک زنبورک در اول حرکت و وسط راه و در میدان اسب دوانی شده اسبهای دولت علیه و امر او مقربان

کردون بلبت سنه و سران و صاحب منصبان و خوانین عظام و سایر چاکران در برابر چشم و عموم انامی دارالخلافه و صغیره اکبره اجتهاد زیارت وجود فایض الحجه همایون و تماشای اسب دوانی میداند منور آمد بعد از آن اسبان خاصه و صطبل همایون و سایر شاهزادگان عظام و خوانین که قافلی گرد بودند پنج دسته نموده و در اول پنج دوره و دسته دو و چهار دوره و دسته سیم سه دوره و چهارم و پنجم هر یک دو دور و در حضور اسب دوانی که مسافت هر دوره نیم فرسخت است اسب دوانی گردند در دوره اول از اسبهای صطبل خاصه اسب قره که پیشتر متعرب الخاقان خضر قلجیان المانی از پیشتر آمده و در این مقام مقرر است که پیشتر از جو مانعی که در سیر برده بودند چاک سواران اسب برشته و بعد از آن هر اسبی که پیشتر آمدند مقرر بریق را چاک سوار او برداشت و بر وجود اقدس همایون اسب دوانی گذاشته بعد از تفریح و تماشای اسب دوانی و بدین انعام ملوکانه سچاک سواران و غیره جهان سبب و این شلیک زنبورک در حرکت موکب همایون از اسب دوانی در وسط راه دور و بارک مبارک شده بهر تسلط عظمی و ارکرفتن

نظر بحسن خدمت و دوزار ادات نواب والا  
 طبعی میرزا که از بد دولت سمواره در مورد  
 خدمتگذاری خاطر مبارک سرکار علیحضرت است  
 هایون شامشای خلد الله مکه و سلطان راضی دانست  
 محض رحمت اورا لقب اعضا و السلطیه میرزا  
 و بین الاقمار و الاخوان باین موبت جلید متنا  
 و دراز این لقب بکلیت قیامی تریما از طوبوس بدن مبارک نواب  
 چون در این دولت ابد مدت هر کس ار چاکران  
 در بار معدلت نشان که پایه خدمت و ارادت را  
 بد بر جلیانها و شمول عنایت خسروانه و حمیت  
 طوکانه سرافراز گردید و با انواع و اقسام کرامت و  
 منزلت رسید لهند مقرب الخاقان حاجی علیخان  
 حاجب الدوله و فرهباشی که ریاست عمارات  
 مبارکه دولتی و سباین و اصلاحه و ممالک محروسه  
 و حیامخانه و کارخانجات صنایع دولتی و محاکمات  
 و عمارات تازه احداث با او بود و قده از خدمت  
 محله عفت و خود داری نمینمود و همیشه خاطر هایون  
 علیحضرت شامشای را از خدمات خود راضی دانست  
 و در مدت چاکری قدمی بی رضای خاطر مبارک  
 اقدس هایون برداشت و نگذاشت هر خدمتی که  
 نامور شد موافق رضای خاطر امنای دولت ابد  
 بانجام رسانید با ارادت و صداقت و حسن خدمت  
 موصوف و معترف گردید توجه قلب مبارک علیحضرت  
 اقدس شهر یاری بر داشتش افزوده و ایوان عنایت  
 و کرم بر بهره امید و آرایش کشود در شب شید

سلطانی و جشن هایون خاقانی با عطای یک قطعه  
 نشان مثال هایون بکلن بالماس از درجه سیم  
 سرافرازی حاصل نموده بین الاقمار و الاخوان قرین  
 مباحات و افتخار و اعتبار آید  
 مقصرین کو داری و سلطانی را که در قتل مرحوم عباس  
 حاکم آنجا همدست و همدستان بوده اند و مقرب الخاقان  
 چراغعلی خان آنها را گرفته چند نفر را و آنجا بنده ای خود  
 رساند و هیچده نفر را هم بدار اصلاحه فرستاد  
 و با بنخان کو داری که مصدر و منشا فساد و محرک  
 اهل عناد بود بدست برادرهای عباسعلیخان دادند  
 بسزای خود رسانند و نه نفر دیگر را توبیه مضبوط  
 کوشه شان را بریده در انبار محبس مؤبد محبوس نمودند  
 میرزا و او در برادر حاجی میر هاشم که در معرکه کیرود  
 بود و توبیه نموده در حبس انبار محبوس ساختند حاجی  
 میر هاشم و پیش اگر چه بعضی محرک شدند بعضی هم نهادت  
 بی استخاری او میدادند لکن زانجا که سید و پیر بود و بوسطن  
 سیادتش علمای اعلام دار اصلاحه شاعت اورا نموده بعلما سرودند  
 و علما شرع شریف تغیر شرعی نمودند و مقردا شدند که  
 همیشه متوقف دار اصلاحه بود و بیطام دیگر ابدان نزد  
 عیال و محققین نوزیانی که با یکدیگر نجات فرغ نام با تقاب مقرب الخاقان  
 چراغعلیخان مویطاد و در گرفتن مقصرین اتمام نمود بود  
 خدمات او محسن و مقبول خاطر اقدس هایون شامشای  
 انما در این اوقات یکطافه شال کشبری و یک توبه  
 قبای بولکب با طلق مرصفت گردید

۱۷۴۴



اربعین و متعلمین مدرس و دارالفنون آنها که مشغول به علم  
و تعلم درس زبان فرانسه اند از این قرار است

میرزا علی میرزا با حکم بار  
حسن ولد مرحوم میرزا محمد

عالیجاه میرزا ملک سرنگ و خیرم مخصوص در خدمت  
خود اتمام نموده یک طاقشال ترمه با و خلع خیرم  
و شاکردانی که مخصوصا در سب زبان فرانسه میخوانند  
اسامی آنها بالتخصیص مراتب و نشان و موجب انجام

حسن خان ولد مرحوم میرزا محمد  
حسن ولد مرحوم میرزا محمد

اصول و حساب  
صفت

افزون بر اینها  
در این باب از  
افزون بر اینها  
در این باب از

میرزا محمد علی میرزا علی میرزا علی  
میرزا محمد علی میرزا علی میرزا علی

شاکردانی که با تفاق مقرب آنها قان میرزا او و دخان  
نزد عالیجاه میرزا ملک درس زبان فرانسه و جغرافیا بخوانند

عالیجاه میرزا معلم درس زبان فرانسه چون در تعلیم شاکردان  
خود اتمام نموده بود یک طاقشال ترمه با و خلع خیرم  
و تقعد نموده که بیت و پنج نفر از شاکردان مدرس را که  
در زبان فرانسه اطلاعی حاصل کرده اند تاهت بکمال  
ارین تاریخ کامل نماید بعینی که در حکم و ترجمه کتاب و  
نوشتن کتب و مراسلات فرانسه ما هر وقت قادر شود و کتب  
و مراسلات فارسی را با اقتدار بدون غلط اطلاق و عبارتی  
بفرسوی بتواند نقل نمود و بهیچوجه ایرادی با آنها وارد  
نیاید و نیز مستعد است که شصت نفر از شاکردان مدرس را  
که عالیجاهان میرزا از کی مترجم میرزا آقا و میرزا جعفر مقدر  
شده که در سب زبان فرانسه بگویند هر روز مراقب و  
مواظب باشد و اسامی شاکردان از آنکه از شاکردان مدرس

شاکردانی که با تفاق مقرب آنها قان میرزا او و دخان  
نزد عالیجاه میرزا ملک درس زبان فرانسه و جغرافیا بخوانند  
بسامی آنها بالتخصیص مراتب و نشان و انعام بدین  
انعام

اصول و حساب  
صفت

اصول و حساب  
صفت

اصول و حساب  
صفت

۱۷۴۵

تجهه درس زبان فرانسه معین شده بدین  
تفضیل است

ارژنگ کوه ان بند	روزگار کوه ان کوه ان
جعفر قلیان	میرزا علی کبری
عبدالرحمان	میرزا محمد علی
میرزا محمد علی	میرزا محمد علی
میرزا فتح الله	میرزا فتح الله
رمضان	رمضان

ارژنگ کوه ان ماه لک	ارژنگ کوه ان طب
عبدالحی خان	میرزا محمد علی
میرزا فتح الله	میرزا فتح الله
ارژنگ کوه ان علم	میرزا فتح الله
میرزا فتح الله	میرزا فتح الله

از سایر شاگردان مدرسه نیز نشت نفرزاد عالیجاهان  
زنگی و میرزا آقای شرم و میرزا جعفر از قره قلیان درس  
زبان فرانسه میخوانند

میرزا فتح الله	میرزا فتح الله
میرزا فتح الله	میرزا فتح الله

از آنجا که بعضی خاوم طمعان شرارت پیشه اطلاق و مستفاد  
و غیره را که میفرودشند پاره قباجات و پنجهات را  
نخاکدشته مشتری میدهند و آن قباله و پنجهت  
در اثنای افتد بعد از پنجاه و هشت بلکه بعد از صد سال

می آیند آن قباها را اسند و ادعای آن ملک و اراضی  
میکند و مردم را بفرز و محنت می اندازند لهذا دولت  
دولت علیه وارد داده هر کاری که در داد و ستد  
معاملات املاک مستفادات و اراضی رجوع بعرف  
شود در محضر حکام عرف در دیوانخانه مبارک دعای  
که قبل از بیست سال بوده باشد رسیدگی و اعتنا نماید  
و همچنین حکام ممالک محروسه نیز ببا بد و عاری  
املاک هر چه قبل از بیست سال بوده باشد از آن معنی  
شده بجال خود و اگر دارند و آن ملک در تصرف کس  
است بمانند معتبر دانسته بدقت صرف را اوقوی دانست

چون عاقل و سخی خان پسر مرحوم میرزا انبی خان امیر دیوان  
از بد و طفولیت داخل درسک نوکری شده و جهت  
تحصیل زبان فرانسه بفرنگستان مأمور و در پاریس زبان  
فرانسه را بطور خوب تحصیل کرده در این اوقات بمرا  
استعداد و نشانیکی او معدود بیگاه با یون گردید  
مستحق مرحمت ملوکانه آمد بر حسب فرمان مهر لجان  
بمنصب مترجمی وزارت امور خارجه دولت علیه مقرر  
گردید

چون افواج فریدنی و اصفهانی ابو کجی مقرب انخاقان  
محمد ابراهیم خان سرتیب که مأمور خدمت سرحدات  
فارس بود در خوب از عمده خدماته خود برآمد  
و خدمات آنها مستحق مقبول خاطر اندس مایون افتاد  
در این اوقات که بدربار بعدلت مدار حاضر گشته  
و مقرب انخاقان مشارالیه نیز مراتب خدمات آنها را

۱۷۴۶

سعد و ضعیف و شکاه خضوره ظهور داشت لهذا در این وقت  
به بنیو جانشان در ارا و حدت صاحب مفسان و غیره مش

نشان سربشکی از مرتبه ددیم بر سر ص  
هر قطعه

در حق جگر و جگر در جگر  
سربشکی از مرتبه ددیم بر سر ص  
هر قطعه

نشان مطلق در چه نایبان نشان نقره در چه سرباران  
هر قطعه

عاجیه عبا سقلجان سربشکی که مامور خدمت  
بود چون در آوردن خانوار با خمری از بهر است  
با دستان و ساکن خود نشان لوازم خدمتگذاری را  
بعمل آورده بود در این اوقات که بدر بار خندان  
آمد خدمات استحسن خاطر اقدس همایون افتاد  
بگوشه بجهت ترمه باد خلق محبت کرد

### سایر ولایات

ادریس با بایجان از قزاقباری که مجده از تبریز  
رسید باریکی که در اینجا شده و در روزنامه سابق  
نوشته شد تا اخر ماه ربیع نیز لایق قطع آمده و اغلب  
راهها بجهت کثرت برف بسته شد و عبور و مرور  
در نرخ غله و غیره بجهت مسدود بودن راهها قدرتی  
تعبیر بهم رسیده بود و در سلح ماه فروردین  
حرکت جزئی کرده ولی بجهت اذیت بجائی و ادیت  
بکسی نرسیده بود

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه جمادی الثانی در ارا

نفر سوار قطع الطریق در حوالی قزل دبیج چهار فرسخی  
تبریز بر سر چند نفر تبریزی و سلماسی که مال التجاره بخوی  
میردند ریخته و آنها را برهنه کرده اموال تجار تبری هر چه  
داشتند برده بودند معتمد در بار سهراب مستقیم

قایم مقام قبل از حرکت بدر بار همایون سواره قزاق  
فرستاده و تحقیق کرد معلوم شده بود که سابقین  
انالی مراغه و در نفر نیز سرباز مراغه بوده اند لکن اری  
بر سر مقرب انخاقان حسن پاشا خان میرنجه و خجسته

سرب مراغه فرستاده و نوشته بود که مرکبین را  
حکم پیدانمایند و تسلیم کنند یا ارمده اموال مهنوب  
برایند از قزاق که لکن اری بود روز حرکت مقرب انخاقان

قایم مقام نوشته بود قدری از اموال مردم استرداد  
لواجب مستطاب مراده و الا بتا نضره الدوله حکم آن  
ادریس با بایجان مجده اری مویکد بنگار ما مور نوشته که  
اتهام کرده اموال مردم را بنجامه سرد نماید و خود  
مرکبین را نیز بر داشته به تبریز بیاورد

مقرب انخاقان قایم مقام که از دربار همایون با بایجان  
رسیده بود سواد فرمان مرلغان همایون را برای  
جمع حکام آذربایجان فرستاده و نواب مستطاب  
نضره الدوله را قدام بهبه ولایات آذربایجان  
نوشته بودند که از سال نوبه بچه حواله و اطلاق  
بولایات نمایند و از بابت مالیات و غیره چیزی  
در یافت نکنند تا دستور العمل مجدد از دربار  
همایون برسد

۱۷۴۷

### استرآباد

از فرآر یک در روز نامه استرآباد نوشته اند امور  
 از اتهامات مقرب الخاقان جعفر قلینان اینجانی  
 انظام و الضباط است و رعایا و امانی انولاست  
 اسوده خاطر ثقل و کار خود و دعا کونی ذات اقدس  
 هایون شانشاهی اشتغال دارند از اسرا سیکه  
 سواه سابقه ترکانان برده بودند در این اوقات  
 علی التوالی ده نفر و پنج نفر از او به جات مختلفه آنها را  
 نیز و مقرب الخاقان شارایه و عالیجاه میرزا اسمعیل  
 و زیر می آورند و ترکانان آورنده اسرا مورد خلعت  
 القعات میشوند

در روز نامه سابقه نوشته شده بود که جمعیتی از ترکانان  
 که در خوارزم بودند از آنجا حرکت کرده بغرم خندکداری  
 و جان شاری این دولت قوی آیت می آمده اند و طایفه  
 مکه و سر راه بمالفت آنها بر خواسته و آنها را حوا  
 بودند نگاهداری نمایند مقرب الخاقان جعفر قلینان  
 اینجانی بعد از استماع این مقدمه تنبیه ترکانان  
 مکه را لازم دانسته با سواره چکنی و بجنوردی و  
 و زدی و میوت و کولکان بطرف آنها حرکت کرد  
 ار کل سواره ابواب جمعی خود هزار و پانصد نفر سوار  
 انتخاب کرده بر سر طایفه مکه چپا ول انداخته پنج  
 او به آنها راهب و غارت و بقدر یکصد نفر از آنها  
 عرضه شمشیر و بقیه شمشیر و دستگیر کرده  
 و بقدر هزار نفر شتر نیز سجزه کسب درآمده از آنجا  
 برای کمال آوردن دواب که خدر و زور تاخت

و ایلیار صد مد حوزده بوده اند به بجنورد رفته که لجان  
 قدری آسایش و مجال آمدن دواب باسترآباد مراحت  
 نماید و امانی استرآباد از ورود این مرده دیده  
 تقدیم لشکر از و شادمانی و دعا کونی ذات اقدس  
 هایون شانشاهی نموده اند

دیگر نوشته اند که بارندگی در صفحات استرآباد  
 و آن حول دوحش چند روز شدتی شد که مردم از  
 عبور و مرور معذربودند ولی محمد الله نرح ما کولات  
 بسبب این بارندگی تزلزل کرده و هر چیزی و روان  
 و ازران است

دیگر نوشته اند که در اوقات حرکت کردن مقرب الخاقان  
 اینجانی سمت ترکانان مکه ریش سفیدان طوائف ترکانان  
 موت و کولکان که بار دوی مقرب الخاقان مشارک  
 آمده بودند بعضی که سابق بر این طایفه های آنها از استر  
 و حوالی اسیر و دواب برده بودند از آنها مطالبه  
 و مقرر داشت که تمام اجرت از این سفر اگر اسرا و دواب  
 تمام کرده باشند مورد مواخذه بلیغ خواهند شد  
 ریش سفیدان مر نور نیز بمیان طوائف خود رفت  
 آنچه اسیر و دواب استرآبادی و غیره که در میان آنها  
 بود تا مارا باسترآباد آورده تسلیم کردند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیکار  
 در امور محاسبات ولایت و رسیدگی بکارهای  
 و رعیت اهتمام کامل دارد و باین واسطه کسی از میان  
 و غیره با حدی از رعایا و کسبه نمیتواند احجاف  
 زیاده ای بکند

۱۷۴۸

اسد اباد و اصفهان و بروجرد و  
 بسطام و خم و خراسان و عراق و  
 قزوین و قم و کاشان و کمرستان  
 و کتوس این ولایات درین هفته اخبار  
 کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
 امور آن ولایت از خس رعیت و اتمامات و  
 مستطاب عماد الدوله حکمران کرمانشاهان کمال  
 انتظام و انضاط را دارد و عموم نوکر در رعیت بر حسب  
 اولیای دولت علیه امیدوار و هر کس مشغول شغل  
 و کار خود بوده کسی جرئت اقدام بجرکت خلاف ندارد

دیگر نوشته اند که عالیجاه جانمحمد خان سرمنگ فرج  
 حلج ساوه در مشق و انتظام امر سر بازان ابو کحیی  
 خود نهایت مراقبت و اهتمام را نموده خلافتی از اطفال  
 و افراد سر بازش را البه بهیچ وجه لظهور نمیرساند و  
 توپچیان متوقف کرمانشاهان نیز همه روزه در میدان  
 مشق حاضر میشوند و مشق می کنند و صاحب معضبان  
 آنها کمال مراقبت و مواظبت در مشق و انتظام امر آنها  
 دارند و قورخانه اشجان نیز نوشته اند که همه روزه در  
 کار ختن اسباب قورخانه میباشد و نوایب  
 عماد الدوله هر چند روز یک دفعه خود بقورخانه رفته  
 بکارهای عملیات آنجا رسیدگی مینمایند

کرمان  
 از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامرا

سپهدار در آبادی ولایت و حصول موجبات  
 رفاه و آسودگی رعیت نهایت مراقبت و مواظبت را  
 معمول میدارد بعضی عمارات دیوانی آنجا را که بازنده  
 ریاض و خزانی رسانده بود در خزانه های آنها را بار  
 و رسیدگی نموده و بنا و عمله گذاشته و چه محتاج  
 داده است که مشغول تعمیر آنجا باشند اگر چه از  
 بازنده کی زیاد و خزانی به بعضی بنیه و عمارات رسیده  
 ولی بزخ غله نسبت به بیهمای دیگر بسیار کمتر عمل کرده  
 و هر چیزی و اوان و ارزان است

دیگر از قراریکه نوشته بودند قرار رعایای کرمان نبوده  
 که در کنار نزهت غرس اشجار نمایند چون این عمل سبب  
 صفا و آبادی ولایت است درین سال امیرالامرا انتظام  
 سپهدار قدغن نموده و آدم بهیچ بلوکات فرستاده است  
 که در کنار نزهت هر جا دخت میباشد

کیلان و همدان این ولایات نیز اخباری  
 ما زیدران از قراریکه در روزنامه ما زیدران نوشته  
 نواب مستطاب لطف المیرزا حکمران ما زیدران و مقرب نجفان  
 میرزا اسدالدین وزیر در انتظام امور نوکر و رعیت آن ولایت  
 نهایت مراقبت را دارند عجا به میرزا حبیب الله که ما زیدران  
 نوکر آنجا رساندن مواجب آنها بود کامی نوکر آنجا را در حضور  
 نواب مغزی ایبه بدقت سان دیده و قلیلی که از مواجب آنها  
 مانده بود و مقرب نجفان میرزا اسدالدین وزیر در حضور

بآنها عاید ساخته است  
 و آنها وند و همدان و میزو این ولایات نیز درین  
 هفته اخباری نبود

۱۷۳۹

اخبار و اول خارجه

از قرارید در روزنامه اخبار و اول خارجه نوشته اند  
بعد از رفع احتیالاتی که سابقاً در دولت اسپانیول  
روی داده بود و تفصیل آن در روزنامه های آن  
اوقات نوشته شد و کلاهی جدید که برقرار شد  
تجهه نسویه امور ملکی مجلس تنظیمات منعقد کردند از اوقات  
تاکنون یکسال است که مجلس بزور انعقاد یافته و مذا  
فرار و نظامات دولتی میشد در این اوقات مجلس  
ختم پذیرولی اجرای احکامات تار و توت و توت  
نظر پادشاه اسپانیول در قمرات آنها در مقام تعطیل

و یکروز نوشته اند که پادشاه ساردیه در فنون شکره  
مهارت کامل دارد در اوقاتی که بجهت ماموریت  
بلورپاریس آمده بود اصول و قانون نظام و  
تاشا و رسیدگی نموده بعضی مواد نظامیه آنها را  
گروه و پسند نموده و بوزیر جنگ دولت خود معبر  
داشته که مواد مزبوره را نیز در نظام دولت سار  
مجرمی و برقرار بدارد

دیکر نوشته اند که از قرار اخباری که رسیده بود  
اواسط ماه گذشته ریح الثانی در دولت اسوج  
قرار انعقاد مجلسی بزرگ که شامل شصت و دو نفر از  
ضابطان عسکریه آنجا و ایچیان دولتین مجلس  
باشد داده شده است

دیکر نوشته اند که بموجب اخباری که از طرف مملکتین  
رسیده در طوفانی که چند وقت پیش ازین در بحر

سیاه اتفاق افتاده بود در برون بغاز سینه  
از سی و شش قطعه سفینه تجارتنی و شش قطعه  
سفینه رود طونج قطعه سفینه تجارتنی و یازده قطعه  
سفینه طونه با حمل نجات رسیده و مابقی تا مابقی  
و سگته شده اند

دیکر نوشته اند که در بعضی جاها ی ممالک دولت  
اسپانیول بارندگیهای شدید شده و سیلاب  
جاری گردیده است گذشته از آنکه باره دولت  
و قصبات را سیلاب فرو گرفته و خراب نموده  
از شدت سیل و بارندگی راههای آهن مسدود  
شده و از کار باز مانده و باینجه خستگی است تا  
دارد آمده است و اینگونه بارندگی شدید تاکنون  
در آن طرفها دیده شده است

دیکر از اخبار دولت انگلیس نوشته اند از مالیات  
و بدان دولت مزبور که فی که اقل درهای پانزده  
فروش که معادل سصد تومان باشد و اوقات  
در عرض سال صد و پنجاه از آنها بیوان عاید میشود  
و حساب کرده اند که در یکسال بهی این اشخاص از  
صد و پنجاه بارده ملیان که بیت و دو کرد و با  
عاید شده است

دیکر نوشته اند که از حکام ممالک هندوستان حکمران مملکت غوده  
بفرمانفرمای هندوستان عرض حالت نموده از جانب  
انگلیس جنرال او رام بجلومت مذکوره قائم مقام  
شده و از حاصلات موجوده سالانیه بیت و پنجاه که دولت  
هزار تومان باشد بجهت گذران عیال حکمران مزبور تخصیص

۱۷۵۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم خرداد سنه ۱۲۷۲  
شماره ۱۲۷۲

منطبه دارالخلافه طهران

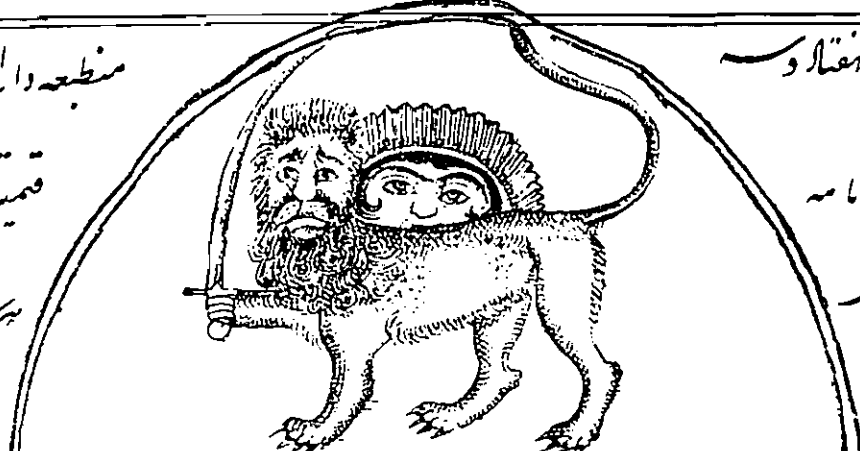
مذمت و عقاب

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خطی شکر

هر نسخه ده



اخبار و حمله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون هر ساله اعلیحضرت قوی شوکت شاهی  
بجمله شب پانزدهم شهر شعبان المعظم که از لیله  
مختومه شب مولود مسعود جناب صاحب الامر  
صلوات الله وسلامه علی است در اوقاتی که  
که موسم بهار و هوا خرمی و صفادار و بقصر قاجار  
تشریف فرما شده و شب پانزدهم را در  
بعیش و شادمانی میگذرانند لهذا در روز ۱۴  
این ماه بقصر بوقت تشریف فرما گردیده و در شب  
پانزدهم که امنای دولت علیه و شاهزادگان  
عظام و ائمه و مقربان حضرت کرده و سلطنت  
در حضور مبارک بودند اساس آتش بازی که  
که از قورخانه مبارک با تاج برده بودند با سباب  
حشون و طرب در حضور با بهر النور چیده لموازم  
حشون و سرور پرده خستند و انعام ملوکانه بقورخانه  
که مبارک سباب آتش بازی بودند و سایرین

طرب سبذول افتاده و بر وجود فیض انجود و کالیون  
بسیار خوش گذشت و نظر بکمال نزهت و صفا  
و طراوت اشجار و خرمی با تین و انهار باغ  
خاطر ملوکانه مایل چند روز توقف و تفریح در آنجا شد  
و افواج قاهره و سواره که احضار بر کباب نصرت  
انتساب و مأمور خدمت و لایات میشوند در آن  
علو باغ مزبور فوج فوج و دسته دسته با کمال  
اراستگی و اسباب و اسلحه شایسته حاضر گردید  
و صف نظامی کشیده بنظر هر اثر حسروانی میرسند  
بعد از ملاحظه آنها و اظهار التفات و عنایت بجهت  
و سرگردان و عسوم احاد و افراد قشون آنها را  
مأمور خدمات مرجعه میفرمایند و اجماعاً بعضی از  
روزگار که خاطر کالیون مایل تفریح و گردش میشود  
سوار شده بصفت شمشیران و آن اطراف  
که درین موسم نهایت حضرت و صفار دارد  
گردش فرموده و باغ مزبور را و دست نمایند

۱۷۵۱

چون مقرب انخاقان عبداللہ خان صہارم الدولہ  
 ہمسوارہ اوقات در مراتب جان نزاری و  
 سپاہداری جلالت و رشادت خود را مشہود خاطر  
 لقدس ہمایون سرکار علی حضرت شایہی و انما  
 دولت علیہ داشتہ و در تسخیر قلعجات و اغلب معاک  
 قدم تہور و پای جلالت از ہنگام پیش گذشتہ

از فرار یکہ نوشتہ بودند چند وقت پیش ازین  
 بقدر پانصد نفر سوار از اعراب یا غی بعد اد  
 بجزم تا تحت ایلات این طرف آمدہ بودند بعد  
 از آنکہ سر باز و سوارہ مستعد در ہمہ جا دیدہ و  
 مایوس از دست اندازی شدند مر حبت نمود  
 بودند

و در سفر کرمان و فارس در قلع و قمع اشرا و  
 بلوچہ و بندر عباسی کمال کوشش و اہتمام را نمود  
 خدمات او مستحسن و مقبول خاطر ملوکانہ افتادہ در  
 اوقات کہ از ناموریت فارس بدر بار جہانگاہ  
 معاودت و شرفیاب حضور باہر النور ہمایون  
 اولیای دولت قوی شوکت حب الاشارہ العلیہ  
 مقرب انخاقان مشارالہ را بر تبت جلیل منصب  
 میر پنچہ کی سرفراز داشتند و در ازای منصب  
 یکتوب کلیجہ از ملبوس خانہ خاص با و خلعت  
 کردید

دیگر نوشتہ بودند کہ از عشر اول جمادی الثانی  
 شروع بارندگی در بر و جرد و آن اطراف شد  
 و تا شب عید سلطانی و چند روز بعد از عید قطع  
 بارندگی زیاد شد ت شدہ و خرابی فراوان  
 بر اجنبیہ و عمارات دیوانی و عنبرہ رساندہ است  
 خصوصاً سخا ہا و بنا مای رعایا کہ اغلب از خشت  
 خام بودہ است خرابی فاحش روی دادہ و سیلاب  
 متعدد نیز بسیار شدید آمدہ و خرابی با غلبت  
 و زراعات رساندہ است و پلہای بسیار محکم  
 کہ در معبر رودخانہا و ہنرنا ساختہ شدہ بود  
 اکثری را سیل خراب کردہ است و در خرم آباد  
 نیز ہمین طور بارندگی ہای شدید شدہ و خرابی  
 زیاد بہارات و زراعات رسیدہ است امتد  
 این بارندگی سی چہل روز بودہ و از اشخاص معمر  
 و مسن مسموع شدہ است کہ تا کنون باین شدہ  
 دطول مدت بارندگی در آن ولایت روی ندادہ  
 بودہ است

سایر ولایات  
 آذربایجان و ہرات آباد و  
 و اصفہان ازین ولایات درین  
 اخباری نبود

بر و سرد  
 از فرار یکہ در روزنامہ پت کویہ و لرستان نوشتہ  
 بودند عالیجاہ عباسعلین سر تپ سپہر محمد  
 الی با سرباز و سوارہ مستعد در کر سیرات و سرد  
 انجا مشغول خدمتگذاری و انجام خدمات دیوانہ

دیگر نوشتہ بودند کہ فوج بہادران جمعی عالیجاہ  
 آقا جان خان سر تپ در ہنجد ہم ماہ جمادی الثانی

۱۷۵۲



۳

از سر نخ وارد بر وجه برد شده اند و آنها نیز  
از کثرت بارندگی و برف راهها زیاده شکی  
بوده اند چند روز در بر وجه و لوقت کرده اند  
که بعد از رفع کالت و تدارک کس و نقصان  
بنه و اسباب بعبستان بروند نوآب کبریا  
نایب الحکومه بر وجه در و در و آنها و ابام توفیق  
نهایت اعزاز و القات را در حق آنها معمول  
داشته جمعی از سواره گریزه بر راس شخص نموده اند  
که همراه سرباز مرزبورتا عبستان بروند و  
بنواب جلال الدین میرزا نوشته اند که سبب  
سرباز و مامورین را در منازل راه کجا لان که  
رو و خانها و آب کتر و عبور استرات میباشند  
که از آن راه باستانی بعبستان رفته مشغول  
انجام خدمات مأموره باشند و هم در آن  
اوقات عالیجاه آقا جان خان با سرباز و  
تدارک روانه عبستان شده است  
لبظام و خراسان و حمه و  
وعراق و فارس و قزوین  
و قشم و کاشان و کردستان  
و کر و کس و کرمانشاهان و کرمان  
ازین ولایات نیز درین مهله اخباری بود

**گیلان**  
از فرار روزنامه این ولایت که در مهتم این ما  
نوشته شده بود مقرب اشفاقان عمید الملک  
که از دربارهایون سبکدست گیلان مامور گردید

بوده سنوز با تنجا وارد و کمر دیده ولی نواب  
از جانب خود با تنجا فرستاده است و نواب  
مغزی الیه در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی  
رعیت اهتمام کافی معمول داشته است از جمله  
قرارداده است که احدی از محصلین و نوکرهای  
حکومتی اذن ندارند که بدعات مردم برای انجام  
خدمت و جمع آوری تفرقه بر و مذکرا اینکه اول  
مالک ملک را از امر واقع شده احبب نمایند  
اگر صاحب ملک خود مستعد انجام آن نبود فتن  
محصل موقوف باشد و اگر صاحب ملک خود خوا  
محصل بجهت انجام آن خدمت نماید آنوقت محصل مازود  
که با نوشته حاکم همراه صاحب ملک بروند  
و آن خدمت را انجام بدهد دیگر در باب  
راه دارخانها چندین بدعتهای جدید را که در زمان  
حکام سابق معمول شده بود از قبیل مطالعه راه  
از مرغابی و کوزه دو شاب و قلمه توت که سبب  
بقراء و مزارع میزند و ماده کاو که سبب شیره بشیر  
آورده و مراحت میدهند و متر دین نهان  
که از فرا حول و حوش بشیر می آیند و شیرینی آلات  
و کفش زنانه و امثله که دافین از شهر خرید  
سباکن خود میبندند کلارا موقوف نموده و نوشته  
الترام از مستاجرین راه دارخانها گرفته است  
که اگر حقه و دیاری ازین اشخاص با اسم راهدار  
بگیرند مورد مواخذه و جریمه و تنبیه باشند و  
عموم متر دین را بجمعگی کمال سکر گذار بر دارند

۱۷۵۳

انجام

مازندران

از فراری که در روزنامه مازندران نوشته اند معاد  
 کلوله ریزی آنجا بسیار خوب و منظم و کارخانه های  
 معاون کلاً در کار کلوله ریزی میباشند و نواب مستطاب  
 شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران و چه  
 که این کلوله را سبب حمل و نقل از مازندران بقورخانه دار  
 مبارک مقصد داشته اند مقرب انخاقان میرزا اسد الله  
 وزیر مازندران داده است و کلوله حمل و نقل میشود  
 و سخوابی نیز که سابقاً سبب کرایه حمل کلوله داده شد  
 نواب مغزی الب محصل تعیین کرده فرستاده اند  
 که اگر مباشر کلوله را تحویل قورخانه مبارک که در آنجا  
 نموده است قبضه با شرفین قورخانه را بنماید و الا  
 حکماً حمل و نقل و از محله مبارک نموده بقورخانه تحویل بدهد  
 و همچنین امور کارخانه شکر سازی و قند ریزی مازندران  
 نوشته اند که بسیار خوب رواج بهم رسانده و  
 یعقوب و استاد نور محمد قنار که اولیای دولت  
 قاهره سببه امر کارخانه منور فرستاده بودند آنجا  
 رسیده و در کار میباشند که شکر داشتند  
 بعضی انبار کرده بوده اند که بقیمت گران بفرستند  
 نواب شاهزاده لطف الله میرزا درین باب قدغن  
 کرده و آدم فرستاده اند که هر کس شکر دار و حکماً  
 بقیمت وقت بکارخانه دولتی فروخته قیمت آنرا  
 نقد دریافت نماید و سبب راجح نیز موافق حکم اولیا  
 دولت قاهره کسی شکر نبرد از آنوقت شکر کارخانه  
 منور فراوان و امور قند ریزی رواج و رونق

خوب بهم رسانده و در کاشتن و بعل آوردن شکر  
 نیز اهتمام زیاد شده و بیشتر از سالهای دیگر کاشته اند  
 دیگر نوشته اند که در ایام عید در مازندران سه روز  
 لایق قطع بارندگی شدید شد بطوریکه عبور و مرور  
 میسر نبود و خبر رسیده بود که در آن ایام بارندگی  
 در دریای طوفان شده سه فروند کشتی از مال  
 رعایای سرخه رود از شدت لطات امواج غرق  
 شده و اموال و آدمی که در میان آنها بود همه  
 تلف شده بودند  
 دیگر نوشته بودند که حفز نهر زاغ مزر که سبب تکلیف  
 طایفه عبد الملکی و زراعت آنها معین شده بود در  
 این اوقات بمراتب مقرب انخاقان میرزا اسد الله  
 پیکار و حسن اتمام عالیجاه علیخان قاجار مهندس  
 با تمام رسیده و بقدر دوازده سنک آب از  
 رودخانه بنهر منور جاری کرده اند و طایفه منوره  
 در کار تقسیم کردن زمین سببه رزق و کشت میباشند  
 و نهایت شغف و خرسندی را دارند که زمین  
 و آب آنها بهتر از زمین و آبی است که در یوت  
 سابق داشتند و نواب شاهزاده لطف الله میرزا  
 نیز غرمت دارند که در این اوقات بمرکتی قلعه  
 که برای سکنا ی طایفه منوره ساخته شده  
 بروند و امور آنها را منظم کرده سان خانوار  
 موجودی آنها را ببینند  
 طایر و نهانها و نهان و همدان و سیر و این  
 ولایات نیز در این نهنه خبری نبود

۱۷۵۲

### اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه های دول خارجه نوشته اند یکی از تاجرهای قومپانیه کشتی بخار ساخته و اسم آنرا هرسپا یعنی ایران گذاشته است طول این کشتی صد و بیست ذرع ایران و عرضش چهارده ذرع و عمقش بیست و دو ذرع و قطر چرخهای آن که میگردند کشتی را راه میبرد سیزده ذرع و قوت بخار آن زیاد از قوت چهار هزار است دولت و متصرفان آن برای تسهیل و تسبیح در او ساخته شده و صد و پنجاه کشتیان و عمده بجهت راه بردن آن معین گردیده و این کشتی بزودی کشتیهای تجارتهای است که قومپانیه بزور بجهت تردد با این انگلیس و یکی دنیا ساخته است

تا آنجا متمدن نماید قریب چهار فرسخ میشود و دیگر نوشته اند که در ضرائح فرانسه در مدت شش سال آخر بقدر دولت و شانزده گز و تومان طلا سکه زده و حساب کرده اند که بقدر طلای سکه یک ربع میل طلائی است که از کل معادن روی زمین بهی می آید و درین مدت بقدر صد گز و تومان نیز نقره در ضرائح فرانسه سکه زده اند

دیکر نوشته اند که مشاد و پنجاه نظام هند و ستانی انگلیس که در هند و ستان اردو داشته اند پانزده هزار از آنها که زنده و داد و طلب بوده اند در نظام عسکریه کافی است و بقرار و باقی را که لازمند داشته اند از نظام اخراج نمودند

دیکر نوشته اند که در قومپانیه فرانسه اراده دارند با چرخ الماسن بجهت رساندن خبر از فرانسه تا استرالیا بطوریکه از اسکندریه و بیت المقدس و بغداد و بصره و حیدرآباد و ممبئی و لاهور و پشاور و کلکتة گذشته تا استرالیا سیبهای آن متمدن شود قطعه استرالیا در ایام پیداشده بعد از نیکی دنیا و مابین نیکی دنیا و چین است و اهل جغرافیا علاوه بر چهار قطعه کل دنیا که عبارت از آسیا و اور و پاف و افریقا و امریکا باشد یک قطعه نیز استرالیا می نامند چند سال پیش ازین در استرالیا مانند کلی فارسیای نیکی دنیا معدن طلا پیدا شد و از آنوقت تا حال از فرا و انگلیس و پر دول روی زمین مردم زیاد بجهت در آوردن طلا با بخارفته اند و سمت آبادی گرفته است حال این برای چرخ الماس و سیم که میخواهند بجهت وصول اخبار از فرانسه

دیکر نوشته که در کتب فنون بجزیه فرانسه بعد ازین قرار داده اند شاگردانی که معین و نوشته می شوند که در فنون بجزیه تحقیق نمایند باید از سن چهارده تا هفده باشند و از اینها بیشتر یا کمتر در سن و سال در کتب بجزیه بقرار نخواهند بود

و نیز دولت انگلیس چون در امور نظام بجزیه کمال مهارت دارند از رضا سلطان امور بجزیه فرانسه بعضی بجهت تحصیل و اسکال فنون بجزیه بجانب لندن پای تخت انگلیس شده اند و اینها با منور ان انگلیس در تزیید فنون بجزیه اهتمام خواهند کرد

دیکر نوشته اند که پادشاه ساردنیه در چهار دهم ماه جمادی الاول بعضی کشتیهای دول خود رفته و با رسیدگی نموده بمقر حکومت خود مراجعت کرده است

۱۷۵۵

دیگر نوشته اند که در دولت اسپانیول با این کفایت  
 دولت و اجزای مجلس ملت در بعضی مواد و محلی  
 ظاهر شده و کما قه و کلا از ماموریت خود استغفا کرده  
 و پادشاه اسپانیول استغفای و زرای امور خارج  
 و سحره و مالیه را قبول کرده و مضمی ندانسته است  
 اما استغفای باقی و کلا را قبول نموده است  
 چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده بود در  
 در باب کندن چاه با آلات مخصوصه اقدام نموده و هر  
 که بسیار عیسق شده اند فواید آنها آشکار گردیده سابقا  
 در لندن و پاریس و اسکندریه ایگونه چاهها با  
 آن آلات مخصوصه کنده شده بود در این اوقات  
 در لندن چاهی کنده اند تا سید ذرع کنده شده  
 و هنوز آب نرسیده است  
 دیگر نوشته اند که از ابتدای ایجاد راه سیم و چرخ  
 سیمه حصول اخبار تا بحال در دولت انگلیس بر او بجز  
 تاسی و شش هزار میل راه سیم کشیده شده و  
 کس مباشرت و مراقبت این راهها مخصوصه صدق  
 کرده اند در مدت یکسال یک لیان که دو کربور  
 ایران با مخارج در راههای مبلور شده است  
 دیگر از فراری که در روزنامه جریده اسخوادت اسل  
 نوشته اند از جانب این شهر سیمه جماعت قصاب و  
 معتدله تعیین شده بود که گوشت را کران نفر و  
 و هر کس گوشت را زیاد از نرخ بفروشد تا بد  
 سو و بعضی قصابان در اسلامبول و غلط تجارت  
 کرده و گوشت را کران فروخته بودند بمقام حوا

در آمده و دکا کین آنها سبته شده و فیات آنها  
 تنزل کرده است و قیمت نان نیز تنزل کرده و اسباب  
 ارزانت شده و این معنی موجب شکر الهی انجام  
 گردیده است  
 دیگر نوشته اند که در سمیت و شتم ماه گذشته  
 شب در ساعت سه و نیم در جوار چشمت چشمه در  
 محله پاشا از خانه مصطفی آقای چادرچی قضا  
 ظهور کرده در آن جن عا کرد دولتی و مامورین  
 رسیده و در اطهای آن اتهام نموده و گذشته  
 که بیشتر از شش باب خانه محترق شود و شش را  
 خاموش کرده اند  
 دیگر نوشته اند که در سمت جنوبی استرالیا  
 مسافت صد و بیست میل یک اطل بزرگ ظاهر  
 گردیده و از سفاین دولت انگلیس یک کشتی  
 با سنجار رفته و اسجارا با اسم دولت انگلیس ضبط  
 کرده است در میان جزیره مر بور کوهی است و  
 اطرافش بیشه و درخت است و از بنی نوع انسان  
 خالی بوده است  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات در کشتی سازهای  
 دولت انگلیس همه جا در کار ساختن کشتی میباشند  
 حتی عله کشتی سازها شبها را نیز کار می کنند  
 و علاوه مقرری یومیه آنها از جانب پادشاه  
 معین و بویکیل امور سحره مقرر گردیده است که در  
 وجه عله مر بور عاید سازد

۱۷۵۶

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یازدهم شهریور سنه ۱۲۷۲

منظومه دارالخلافه طهران

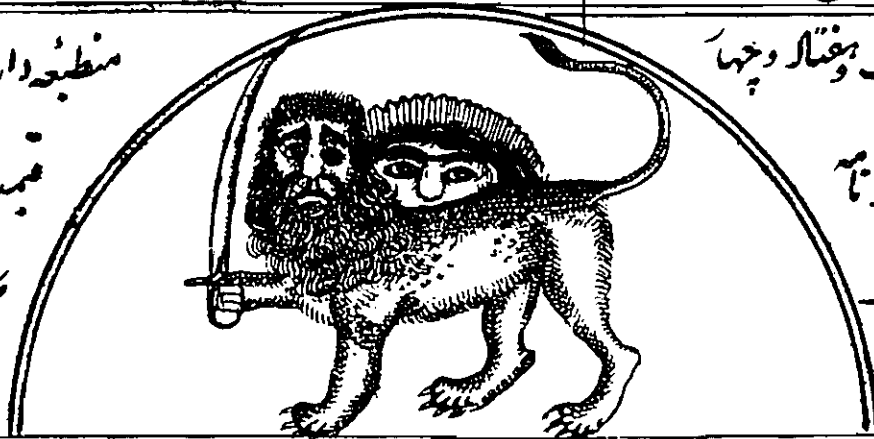
مهره بیت و عقاب و چها

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنجاه

هر نسخه ده



## اخبار و احداثیه محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی آید اللہ  
 که بجهت صفا و خرمی باع و عمارت قصر قاچارخیز  
 در آنجا توقف فرموده بودند در روز دوشنبه  
 از آنجا بدار الخلافه بآبره و مملکت عظمی میر  
 فرمودند و جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
 که بجهت سرکشی بعضی دعات خود اذن مرخصی حاصل  
 کرده بودند در روز نوربرکات حضرت آیت  
 پیوسته و شرف حضور مبارک گردیدند  
 چون بجهت توقیر و احترام جناب علمای دینیین و  
 فقهای شریف متین و قهقم اللہ تعالی هر ساله سرکار  
 اقدس هایون شاهنشاهی بیدین آنحضرت  
 فرما و آنرا مشمول عواطف ملوکانه میزند لهذا  
 در روز سه شنبه گذشته بیدین علمای اعلام  
 تشریف فرما گردیده تشریف بجایزه روز عوام امام جمعه  
 برده و از آنجا جناب شیخ عبدالحسین و آرا

سجایه جناب آقا شیخ رضا سلمه اللہ شرف ورود  
 ارزانی داشته هر یک از آنها بلوازم شکرانه و  
 دعا کونی وجود فایض ایجو د هایون برداخته و  
 مشمول عواطف و تعففات ملوکانه گردیدند  
 در این اوقات که غلامان ابواسمعیل امیر الامرار اعظم  
 مقرب آنخاقان سرکشکی باشی با اسلحه و اسب  
 نظر اقدس هایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی  
 آید همیشه رسیدند چون کمال ارادتگی و نظام را  
 داشتند خصوصاً غلامان نظام که همگی رزیده و آراسته  
 با ملبوس و سلاح خوب و اسبان فربه و توانا و  
 مرغوب از حضور مهر ظهور خستروانی گذشتند لهذا مورد  
 تحسین و التفات ملوکانه گردیدند و نظر با تماماتی  
 که از مقرب آنخاقان مشارالیه در انتظام و آراستگی  
 و مدارکات آنجا بعل آمده بود مورد توفیق و عنایت  
 گردیده بکلیه کلید از ملبوس بدن مبارک تجویز  
 مفاخرت مشارالیه محبت گردیدند

۱۷۵۷

در این اوقات که ایام ماه مبارک صیام نزدیک است  
 اگر چه هوای قصر قاجار و شمیرانات در نهایت صفا  
 و سببین و اشجار و انهار آنجا کمال خضرت و  
 و خرمی را دارد و زیاده مطلوب مطبوع خاطر است  
 هائون سرکار علیحضرت شائسای است ولی بجهت  
 رعایت جانب عامه لوکر باب و آیش و شهرت  
 آنها و اجتماع ایشان در مساجد و معابد و مسخولی  
 بلوایم لطاعت و عبادت و و طایف دعا کونی درین  
 ماه مبارک رمضان تشریف فرمائی آنجا را موقوف  
 و انشاء الله ایام صیام را در و از اختلاف مبارک  
 تشریف خواهند داشت چون در ماه مبارک رمضان  
 بقرار و قانون سایر ایام اجتماع خدم و چشم در  
 خانه و اشتغال بخدمات دیوانی باعث محنت و  
 مشقت است لهذا بر حسب امر اقدس ملوکانه قرار  
 گرفته آمدن لوکر نامدر بار معدلت مدار و مسخولی هر  
 بخدمات محوله بنجود داده شده و در این روزها  
 مسطور میگردد که احدی از این قرار نباید تخلف نماید  
 اذلی نظام از توپچی و سرباز و سواره و خسیره که  
 هر روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه  
 دولت مشق میکردند درین ایام صیام از غزه الی سبخ  
 از مشق نمودن معاف و مرضی میباشند که فراد  
 فرادنیهای ارک و شهر بقرار نوبت معین در سرحد  
 بود و سایر بعبادت و استراحت مشغول شوند  
 معین معین مدرسه دارالعلوم نیز از غزه الی

ازاد و مرضی هستند لکن از متعلمین آنجا که طالب ترقی  
 هستند البته بیکار نخواهند ماند و از مباحث و مطالب  
 در مس خودشان مباحثه و مطالعه کرده اگر نتوانند در  
 مسئله دقت و تحقیق نموده شرحی نوشته باشد که مطبوع  
 معین و خسیره باشد در روزنامه خواهند نوشت که ب  
 استهوار و اقباز آنجا کرد و دو سار لوکر باب را مسخولی  
 عظام و امنای دیوانخانه مبارک و متعلقان کشیکخانه  
 و مقربان سلام و خسیره هم میباید دو ساعت بغروب آفتاب  
 مانده در دربار خانه سلطانی حاضر باشند و  
 افطار را در خدمت جناب اشرف ارفع اخصم  
 اعظم خواهند بود اشخاصیکه باید سلام خاک  
 مبارک شرفیاب شوند تا ساعت چهار از شب گذشته  
 خواهند بود بعد از آن اذن مرضی خواهند داشت  
 و اشخاصی را که جناب معز علی کار داشته باشند  
 تا دو ساعت بصبح مانده در ارک سلطانی خدمت  
 جناب معسری الیه خواهند بود و بعد از آن هر کس  
 بجانهای خود خواهند رفت و نیز چنانچه در ماه  
 مبارک گذشته نیز نوشته شد اشخاصیکه دو ساعت  
 بغروب مانده در دربار خانه مبارک و در مجلس جناب  
 معزی الیه حاضر میشوند بجهت اینکه از لوکرهای آنها  
 ریاده در دربار خانه اجتماع و از دحام نشود تا  
 و ادانی علی اختلاف المراتب از ده لوکر تا پنج لوکر  
 بیشتر مازون نیستند که همسراه خود بدر دربار خانه  
 مبارک که بیاد روند

۱۷۵۸

۲۷	دقیقه	جمعه ۱۱	چون در این لیالی ماه مبارک رمضان وقت
۴۱	دقیقه	شنبه ۱۹	از اکل و شرب و طلوع صبح بجهت بعضی اشخاص معلوم
۵۰	دقیقه	یکشنبه ۲۰	بود و اجیاناً مؤذن دیر یاز و داؤدان میداد بجهت
۵۱	دقیقه	دوشنبه ۲۱	تسهیل آن که هر کس بداند منجمین از غره ماه مبارک
۵۲	دقیقه	سهشنبه ۲۲	الی سبوح ماه مرئور وقت طلوع صبح را بقرار مسطور
۵۴	دقیقه	چارشنبه ۲۳	ذیل مشخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود
۵۶	دقیقه	پنجشنبه ۲۴	که در ساعت غروب اعتبار نماید
۵۷	دقیقه	جمعه ۲۵	شنبه غره ساعت و سیزده دقیقه بدست
۵۸	دقیقه	شنبه ۲۶	چارشنبه ۲ ساعت و ۱۰ دقیقه
۵۹	دقیقه	یکشنبه ۲۷	پنجشنبه ۳ ۱۱ دقیقه
	دقیقه	دوشنبه ۲۸	جمعه ۴ ۲۱ دقیقه
	دقیقه	سهشنبه ۲۹	شنبه ۵ ۲۴ دقیقه
	دقیقه	چارشنبه ۳۰	یکشنبه ۶ ۲۵ دقیقه
	دقیقه	پنجشنبه ۳۱	دوشنبه ۷ ۲۷ دقیقه
	دقیقه	جمعه ۳۲	سهشنبه ۸ ۲۹ دقیقه
	دقیقه	شنبه ۳۳	چارشنبه ۹ ۳۱ دقیقه
	دقیقه	یکشنبه ۳۴	پنجشنبه ۱۰ ۳۳ دقیقه
	دقیقه	دوشنبه ۳۵	جمعه ۱۱ ۳۵ دقیقه
	دقیقه	سهشنبه ۳۶	شنبه ۱۲ ۳۶ دقیقه
	دقیقه	چارشنبه ۳۷	یکشنبه ۱۳ ۳۸ دقیقه
	دقیقه	پنجشنبه ۳۸	دوشنبه ۱۴ ۳۹ دقیقه
	دقیقه	جمعه ۳۹	سهشنبه ۱۵ ۴۱ دقیقه
	دقیقه	شنبه ۴۰	چارشنبه ۱۶ ۴۳ دقیقه
	دقیقه	یکشنبه ۴۱	پنجشنبه ۱۷ ۴۵ دقیقه

چون رای مبارک سرکار اعلی حضرت شاهنشاهی همان الله  
ایام سلطنته عن التناهی بکمال هر کونه علمی ربیب و ایل است  
غالباً تاریخ روضه الصفاد مجلس حضور اعلی خوانده و  
معروض میشود رای مبارک را بطور ساده نکارهای آخر  
غیبی است و در حقیقت تاریخ خاصه سلاطین حثمت این  
ایران است و از زمان سلطان حسین بایقرا ای کورگانی  
تا حال سید و همقاد و دو سال گذشته است  
در این اوقات رای مبارک اقتضا فرمود که وقایع این  
سنوای مذکوره بر هفت جلد سابق اسحاق یا بد مقرر  
فرمودند که عالیجاه رضاقلینان ناظم دارالعلوم که در  
تواریخ سلف تتبع تمام دارد سه جلد دیگر بر این هفت جلد

سابقه پیدا و فدرستی بر طبقات اینا و سلاطین الی الان  
 و آرد بد که تا خبر و تقدیم طبقات سلاطین و عدد  
 آنان محین و زمان ملک ایشان واضح شود و چون  
 اسکتا چندین هزار بیت بر عسوم خلاقی صیغه  
 تمام دارد مقرر شد که بکثیر از نسخ طبع شود  
 مشارالیه در مدت دو سال تمام سه جلد بران  
 بهفت جلد افزوده که مثل است بر حالات صفتیه  
 و اقراریه و الواریه و سلسله علییه قاجاریه الی  
 تاریخ بکثیر از دولت و نهاد و در کمال تنقیح با  
 رسانید و تباریح روضه الصغای تا صری لغت  
 کشته بهترین تواریخ ایران است و جامعیت کامل  
 دارد و غالب خلایق را رغبت بد استن و خواند  
 آن است و از روضه الصغای مطبوع بندر ممبئی بر آید  
 بهتر است از دو جلد قدیم و جدید بکثیر از نسخ در دار  
 زوه می شود و بعد از اتمام قیمت آن نیز در اعلانات  
 این روزنامه نوشته خواهد شد

عالیجاه محمدت سیر امیر ملک خان سرمنگ امانا زور  
 مترجم مخصوص دولت علیه اجودان رکاب عالی  
 که از دربار شوکتدار مأمور سفارت خانه دولت  
 علیه مقیم اسلامبول و ۲۴ رجب المرجب از دار  
 روانه مخصد شد بود از قراریکه چند روز دیگر از دار  
 تبریز نوشته بودند در نسخ رجب از انجا روانه محض  
 درمزه ششم جلد یازدهم کاغذ اجناس موسوم با حسن الاجا که در  
 تفصیلی در باب قمار مأموران دولت تکلیف و قایح اتعاقیه این

این دولت و مأموران دولت مشایخ تباریح ۱۵ شهری  
 کد ۱۲۷۲ مطبوعه قزوین قزوینی نویسی نوشته شده بود  
 فقرات مسطوره آن مطابق واقع و مفروض و تحقیق بود  
 در ایضاح و اثبات کمال مراقبت و مواظبت اولیا  
 این دولت بخطر روابط دوستی و سلم و صفای تکلیف  
 قویترین بیانات و اضحی و اشعارات بیغرضانه لایحه  
 داشت و زحمات اولیای این دولت را در جبر و  
 حرکات مأموران دولت مشایخ تباریح  
 غیر مستحسنه و رفع مفاسد عظیمه که ترتیب آن سحر کاش  
 منویره خصوصاً موافق شریعت مطهره اسلام و در  
 مملکت پر غیرت ایران علناً و جهراً محتمل بود از روی  
 بصیرت و حقیقت مندرج و حکایت کرده بود و آن  
 روزنامه از حسن الطباع و الصاف روزنامه نگار  
 بخو که دقت و تامل در فقرات مسطوره آن کردید  
 مطابق بود با حقیقت ادضاعی که اتفاق افتاد  
 و احوال مساعدت و مسراهی اولیای دولت ایران  
 که نسبت با مأمورین دولت انگلیس مرعی داشته  
 بودند بی اغماض نقل و حکایت کرده بود لکن مناسب  
 که همان روزنامه حسن الاحبار درین روزنامه  
 لفظاً بلفظی کم و زیاد مندرج شود تا حقیقت ادضاع  
 معلوم بر صاحب بصیرتی گردد

۱۷۶۰



روزنامه که در نیمی در باب بعضی وقایع اتفاقیه مابین ولیای دولت علیه ایران و مورین دولت انگلیس چاپ زده شد از این قرار است

خبری که از دارالمخلاف طهران معرفت کی از دوستان ذی  
عایجه مری صاحب و دیگر انگیزان و سلوک و رفتار سفیر  
ایشان رسیده برای اطلاع و استحضار ناظرین حسن الاخبار درین  
هنقه درج اخبار خویش نموده مجری مشارالیه نگاشته است که  
موری وزیر مختار دولت انگلیس که تازه بایران رفته بود  
دوستی و مراد او با دولت علیه ایران را وجهت خود  
و علم دولت انگلیس که علامت استحکام بنیان دوستی با  
دولت قوی شوکت بود انداخته و این همان علمی بود که از روز  
اول که بنای مودت و دوستی را گذاشته بودند برافروشته  
از برای اجرای کارهای عمر خویش برپا داشته است با همی تمام  
بر آن می نمودند و واقعه نگار موصوف آنچه در اخبار نامها دیده  
از معتبرین شنیده و از دوز نامهای طهران فهمیده برشته  
کشیده اظهار می نماید که دولت انگلیس در اینکه دولت ایران  
دولتی عظیم و قوی می دانست حرفی نمیزود و درین هم که آن  
صدیق و خیر خواه خود بجای آورده بود شکی نیست و گویا هنوز  
بهان عقیده و اعتقاد سابقه باقی و برقرار باشد تا ما مورین  
ایشان در ایران کلاً بواسطه اغراض نفی حرکتها کرده  
رفتار نموده که دولت ایران بلکه نامی اما لی مذنب ملت  
ایشان از دولت انگلیس بجانیده اند بطوریکه تخریب  
حتی اینکه با اعتقاد اخبار نگار مری تغییر نیت و اعتقاد از برای  
دولت و ملت اما لی ایران درین خصوص حاصل شده است و  
ایرانیان اول دولت انگلیس را دوست خود میدانند  
برعکس بق دشمن قوی خویش می پندارند چنان میدانند که

انگیزان خیالهای بد در باره ایران دارند و اندک  
از راهایان هندوستان میمانند و آنچه ما مورین دولت  
انگلیس در ایران برخلاف حساب رفتار می کنند همه از  
دستور العمل دولت خود است اگر چه با اعتقاد در قسم  
دولت انگلیس هرگز از رضی مابین قسم رفتارهای ما مورین  
نیتند اما بعضی رفتارها از دولت انگلیس هم درین  
نسبت بد دولت ایران شده است که خیالات ایرانیان را  
تعبیر می کند از آنچه کنیل صاحب وزیر مقدمه هرات  
اینکه بی حق بود حرکتی نامناسب و خلاف طریقه دوستی  
از احوال در شده و ترک مراد کرده سفارت انگلیس را  
از خاک ایران بجا که روم کشید بوجوهی که دولت  
عمل او را قبیح شمارید حسین خان اچووان باشی را که از جانب  
دولت ایران سفارت دولت انگلیس مامور شده بود  
راه انداخته و حال اینکه وی از برای این رفته بود که  
واضح خود را با ولیای دولت انگلیس حالی نماید و چرا  
دولت انگلیس سفیریک دولت قدیم را بجا که خود راه  
کرد دولت انگلیس میتوانست بد دولت دیگر اسکور  
کرده باشد و عمود و اتق و دلتین را منوط بر رضای  
ایلی خود نماید و حرف بی آن دولت نشود و لهذا از  
از دزالی یومنا بداد دولت ایران از دوستی انگلیس  
شده اند و تا امروز حرکت خلافی که از ما مورین انگلیس  
در ایران صادر شده است اگر چه دولت ایران بنیاد  
متحمل شود ولی بقای مراد او با آن دولت را بران حرکت

۱۷۶۱

<p>در دست دولت علیه اند از یهای ترکان و افغان باعث وقوع مفاسد عظیمه است مگر آنکه شیل صاحب مادام توقف در ایران چه سختیها که از برای کار خیرتی مکذوبه چه مدارتھا از برای دولت ایران که جایزه اش اول سفیری که سفارت انگلیس را پشت و پناه اش را در و متمدین دولت ایران قرار داد شیل صاحب بود چنانکه یکروز در زمان او کسی سفارت را بیست نید و شیل صاحب او هم او نویسنده داشت که مردم را دعوت به سفارت میکردند و او کرد ان از خدمت و اطاعت دولت منتهی بچنانکه اینجانی فارس و کوهک خان دینی و عبا تعلقان سردار لاریجانی و حسین خان نظام الدوله و فرهاد میرزا و خانبا با خان خوشناری را بی جهت و سبب و بدون اینکه دولت ایران خیال تعزنی نسبت با آنها داشته باشد بلکه دعوت به بست سفارت کردند و اولیای دولت ایران بزمتهای زیاده بی مدخله سفارت آنها را راضی کرده از بست ببردن او رزنده نیز در عهد شیل صاحب وقت صاحب سالار پیر اصف الدوله در خراسان از دولت ایران باغی شده و چه حمایت او جانب داریها که و فرنت صاحب از با عیان دولت ایران در باطن که مکذوبه اعتقاد و افتخار آن است که پولهای زیادین باب مایه که داشتند که بلکه دولت ایران را بر سر سالار حزاب نمایند و واقعا اگر حمایت این دو نفر ناموران این سالار نمی شد سالار چه طور میتوانست اینقدر در مقابل قتون دولت استبدادکی نماید و انصافا با اینکه دولت ایران تا آنوقت قوامی نگرفته بود خوب از عهد این کار</p>	<p>ترجیح داده با کمال اگر اه متحمل می شدند تبصواریکه کمال انکال را دار که دولت ایران بتواند مراتب رفقا مامورین انگلیس ابد دولت ایشان حالی نماید اگر سفیر نمایند دولت انگلیس نمی پذیرد و اگر کاغذ بنویسند جواب نمیدهد و با این حال هر وقت بحکم ضرورت اولیای دولت ایران رفقا و حرکات ناشایست مامورین را بلا واسطه بدست انگلیس می نوشتند جوابی میدادند و اگر هم بعضی اوقات جواب میدادند مامورین خود می نوشتند که شما آمده با دولت ایران آنها را نمایند و واقعه بخار مسطور کمال حیرت را دارد که با این احوال دولت ایران چه قدر در بندوستی دولت انگلیس بود است هیچ دولتی نمیتواند متحمل اینگونه نا ملایات بشود همچنانکه طو لی کشیده است که امیر بخارا بختسم بی ادبها را نتوانست متحمل شود و حکایت استبداد اتفاق افتاد و شهره آفاق گشت و هر وقت مامورین انگلیس دست بخاری قاعده زدند و در آن سخت گیری کردند تا انرا سر و صورتی دادند مراتب را بدولت خود نوشته باز بعد از چندی آمده با اولیای دولت ایران آنها را که دولت انگلیس عمل را تصدیق کردند از این فقرات معلوم میشود که دولت ایران چه قدره باید از دولت این بر بچند و یکرا آنکه مکتوب صاحب حکایت بهرت را بجهان کرد انگلیس اینچاک روم مثل بود دولت انگلیس هم که در صفت انصاف و حقانیت برخلاف عقیده سوانج بخار مشهور دنیا شد است مراهی با سفیر خویش کرده عمل او را پسندید و بر دولت ایران طوری سخت گرفت که از بهرات که ملک قدیم بود عجله صرف نظر نمود با وصف اینکه بدون آن</p>
--	---

۱۷۶۲

برآمد و پادشاهان هراتی در مقدمه طغیان سالار خود  
سوارزبان دی بگک قشون ایران بر سر سالار آمد  
و در دور مشهد کمال خدمتگاری از دادن سوار و  
و اسباب کرده و هیچ قسم مضایقه نمود و پیشکش  
اد همیشه لبران می آمد و فرمان و خلعت هم از خان  
پادشاه برای او میرفت و بنا بر عادت حکام قدیم  
سکه را با اسم پادشاه ایران میزد و آنرا جزو مالک  
ایران محسوب می داشت و بهین سبب طغیان لبران  
گشت و اینها دلیل قوی است که پادشاهان خود را نوکر  
پادشاه ایران میدانست و از جانب آن دولت خود را  
در هرات حاکم میدانست و بعد از فوت او پسرش  
از خوار فرمان و خلعت پادشاهی بجای پدر حاکم هرات  
شد و او نیز مثل پدر بنای خدمت و بندگی گذاشت  
از دادن پیشکش و سکه زدن و آنچه لازم حکومت  
و بندگی بود و هیچ وجه مضایقه نمود و برادر خود محمد  
خان را هم لبران فرستاد که نوکر رکاب باشد  
و خدمت نماید اما شیل صاحب چون این مراتب خوب  
اطلاع یافت بنای لجابت و سخت گیری را گذاشته  
هر روز اولیای دولت را بکاری مشغول میکرد و چون  
دید که ازین راهها معصودش حاصل نمی شود بدولت  
خود بطریق استبانه چیزی نوشت و با تخته در لندن  
باشفیع خان شارژی دفتر دولت ایران ترکیه مراد  
کردند و صریح او را اعلام نمودند تا امر هرات را اولیای  
دولت با شیل صاحب بگذرانند افتتاح ابواب  
نی شود و در لبران هم شیل صاحب دست بجای

گفته روزه اسباب مرارت از برای اولیای دولت  
روی کار می آورد تا قراری بنمایند داده شده اگر چه  
اخبار نویسن مذکور از آن قرار داد بدستی مطلع نیست  
اما آنچه مطلع شده گویا این است که از جانب دولت  
انگلیس هیچ وجه من الوجوه مداخله و مراد و با هرات  
باید نمود و احدی از انگلیس با پی بنجاک هرات نگذارد  
یک کلمه کاغذ از جانب ما مورین انگلیس بجا کم هرات  
نشد اما دولت ایران هر قسم مراد و مداخله که در  
عهد خاقان علی بن شیبان فتحی شاه محمد شاه رضوان  
جایگاه و اوایل دولت علیه در هرات داشته کما  
داشته باشند و عریضه و پیشکش و آدم حاکم هرات  
لبران بیاید و برود و از دولت ایران هم فرمان  
و آدم هرات برود و بیاید و اگر از خارج کسی بخمال  
هرات حرکتی کند قشون ایرانی برود و جمعیت آنها را  
سازد لکن دولت ایران هرات را تصرف ملکی نکند  
و حکومت هرات و کابل و قندار و رودست حکمرانهای  
خود بماند و از هیچکدام تعدی و تعرضی بدیگری نشود  
خلاف این قرارداد از جانب دولت و ما مورین انگلیس  
شاه شده شود آن قرارداد باطل و از وجه اعتبار  
گردد و بعد از شیل صاحب نوبت بطاسن صاحب  
از همه ما مورین سابقه بیکه است بالاتر برخواست  
کاری در ایران کرد که در دنیا احدی ندیده بود چنانکه  
از برای اعتناش جو اس دولت ایران امام مستظرف  
محرک شد که بطورهای نامناسب در مقام مشغول  
براید و مفصل احوال او را هم در روزنامه های لبران

۱۷۶۳

<p>انکار دو درین صورت بهیچوجه ایرادی بردولت ایران      وارد نمی آید از اینها گذشته فاسن صاحب سینه      حمایت ایرانیها را از دست نداده و ساعتی اولیائی      ایران را فارغ نگذاشته چنانکه حمایت از فرهاد میرزا      کرده و او را بابت سفارت دعوت نمود و مدتی از      برای او با اولیای دولت ایران در سوال و جواب بود      و هم چنین حاجی عبدالکریم تا جرقه ماری را که چهل سال      با سیمت عیسی دولت ایران در ایران زندگانی کرده      و صاحب زن و بچه و عیال شده و دخترکی از شاهزاده      هم گرفته بود با اسم اینکه پدران حاجی عبدالکریم شکار      بوده و شکار پور داخل ملک نخلیس است و بر سر مقدمه او      علم سفارت را انداخت و ترک مراد کرده عجبتر اینکه      حاجی عبدالکریم اقرار شکار پوری بودن نداشته و خود را      تبعه نخلیس نمیدانسته و میگفت اصل من قندهار است و      دعیت ایران بوده و حال هم ستم و اقرار عیسی ایران      مینمایم چون نوبت طاس صاحب گذشت و نوبت عیسی      رسید کارهای او با مزه تر از کارهای همه شد از وقتی      مشهور شد مضمی خواهد آمد دولت ایران با قضا      وقت و معمول سایر دولتها تصور میکرد که شاید      از برای کارهای عمده می آید که فایده از برای دولتی      حاصل شود و نیز آمدن او از برای آن است که آنچه از      سایر مأمورین نخلیس نسبت با اولیای دولت خلاف      قاعده باشد باشد تلافی نماید و عبارت درت آنها      از دل بشوید ازین جهت دولت ایران بورد او زیاد      و همیگه وارد سرحدات ایران شد یکی از نوکرهای خاص را</p>	<p>خواندیم که عاقبت بر سر قشون امام مسقط در سبزه عیاس      چاند و از یک طرف هم خان او رکنج را محرک شده که با      و جمعیت زیاد بر سر مرو و حسس که از خاک حیران است      آمده و بر سر او هم آمد آنچه آمد و نقل رسید که فضل      در روزنامه طهران و دیگر اخبار مندرج شده و واقعه کجا      حیرت دارد که ماموران انخلیس چه اباید در پایتخت دولت      ایران باعث اینهمه مفاسد عظیمه بشوند که بنای مراد      سچورد و دوستی فیما بین نقصان پذیرد و تا امر فرستادیم      که از دولت ایران خلاف دوستی نسبت بدولت انخلیس      ظاهر شده باشد که باعث آن شود که مأمورین دولت انخلیس      اینگونه در مقام اغتشاش دولت ایران برانند      کاره که طاس صاحب کرده آن است که قرارنامه هر      برسم زده و بنای آدم فرستادن دکانه نوشتن      بهرات را گذاشته بود و سید محمد خان نوکر مطیع دولت      ایران را از خدمت آن دولت روگردان نمود و با هم      قناعت نکرده نوشت که یکی از انخلیسان بهرات آمد و      بچلوی سید محمد خان افتاد و بنای مفته را گذاشت      و سرحدات حیران را مغشوش کرد چنانکه خراسانی      از دست ناخوت و تازهراتی و ترکمان اسوده بودند      و تاروژی که سید محمد خان فوت شد و شاهزاده      محمد یوسف حاکم بهرات شد انخلیس در بهرات بود      و کو یا هنوز هم در آنجا باشد اگر فی الواقع قرارنامه      بهرات انطور باشد که بواقعه کجا رخنه رسیده است دولت      ایران حق داشته و دارد که آنچه صلاح خود را در باب      بهرات داند معمول دارد و آن قرارنامه را کان لم یکن</p>
---	---

۱۷۶۴

کسب عظیم ایشان مشهور دولت ایران بود که  
 همانند اری بدان سرحد فرستاده که ویرانکمال احترام  
 وارد طهران سازد و بجمع وجوه رضای خاطر او را  
 بعل آورده دقیقه از دقائق احترام نامرعی گذارد  
 بعد از ورود همه روز مستظر این بودند که کی و چه  
 بنای عرف و گفتگو خواهد گذاشت اما آنکه بعد از مدتی معلوم  
 شد که او هم اقتدا با مورسین بن کرده و اول تبری که از تبر  
 او بیرون رفت حکایت فرما دیز را بود که مجد و اول  
 دعوت بفرات کرد و بر سه او بنای سوال و جواب  
 گذاشت بقتی که بر کس فقر طاسین صاحب را  
 دیده بود با اینکه ماهجار و حجاب بود بر عمل ستر می  
 میداد لاجرم چون فهمید که عمل فرنا دیز را بی حق و بی  
 و عسوی پادشاه را نمیتواند داخل تبعه دولت <sup>تخلیفات</sup>  
 و ظلمی هم بد نشده است که بدان واسطه او را پناه دهد  
 از آن کار صرف نظر کرده اقرار بجهت دولت ایران  
 دست کار بنای دیگر از قبیل حمایت و پیش خود  
 که سرب کرده گرفتار گزها شده بود و تکرار <sup>چنین</sup> شمار کرد  
 که باید آن شخص یعنی سپاهیان پولیس که فراتش  
 گرفته است چوب کاری شود و چند آنکه بوی پیغام  
 که آنکس خلاف قاعده مکرده است که مستحق چوب  
 خوردن بشود و تو نیز از جانب دولت خود ما مورسین  
 مردم اینو لایب نیستی اصلا فایده نکرد و امر امری نمود  
 بچین کارهای نامناسب بسیاری درین قلیل مدت <sup>تقصیر</sup>  
 در طهران از او ناشی شد که قابل بخارش نیست و بر  
 جوهای کاری و مشغولی بوده و مرارتی از برای دولت

ایران پیدا میکرده تا آنکه کار میرزاهاشم خان پیدا  
 کرد و حکایت او بر وجهی که واقعه بخار را معلوم شده است  
 که میرزاهاشم خان اول در اندرون پادشاه غفران  
 محبتش و غلام بچه بود و چون اعلیحضرت پادشاهی در  
 زمان ولعهدی ما مور با ذریع با بجان شدند او نیز با ذریع  
 بد آنجا رفت و چون اعلیحضرت پادشاهی مرا حجب <sup>تخلیفات</sup>  
 و بر تحت سلطنت جلوس فرمودند او را غلام پیشخدمت و  
 دولت تو مان موجب بجهت او مقرر فرمودند بعد از  
 چندی وی استدعا کرده که در نظام نوگوشو دیز مقرر  
 شد پس از چند روزی بی سبب و جهت رفته بفرات  
 انگلیس و بت نشت طاسین صاحب خواست او را نشی  
 اول سفارت قرار دهد و منشی گری او را با اولیای دولت  
 نیز اعلام نمود او را اولیای دولت بچو ایجابی حساب  
 نمودند وی فسخ انقضیت کرده او را از منشی گری معزول  
 دیگری را بجای او منصوب کرد امید و با اولیای دولت  
 اعلام نمود پس کار گذاران دولتی خواستند او را از  
 سفارت بیرون آورند وی با مرز و فرود امیکد را  
 و میگفت مرا از تیت خواهند کرد لهند طاسین صاحب <sup>تخلیفات</sup>  
 دولت تکلیف نمود که چون او قیرسد من او را با کلی  
 ادعای خود میفرستم ایشان رضی نشدند بواسطه آنکه  
 بسیار اتفاق افتاده که چون کسی با آدم سفارت آمد  
 بعد از آن او را داخل تبعه دولت انگلیس و رعایای اندون  
 محبوب میشد از این جهت بطاسین صاحب گفتند اگر بی  
 داخله سفارت بیرون بیاید کمال محبت بوی خواهد شد  
 بهین احوال در سفارت مانده بود تا مستر می وارد شد

۱۷۶۵

و در ایام تابستان که اعلیحضرت پادشاهی دارکانش  
 و سفارت هم بیسلاقی میرفتند میرزا ماشمش خان بی  
 سفارت بیسلاقی رفت و از فراری که از ایران نوشته بود  
 و صدق و کذب آن هنوز بر واقع کار معلوم نیست میرزا ماشمش  
 خود را که یکی از شاهزادگان است و در آنست طولانی چنانکه  
 تخریبی آید با خود بیسلاقی برده نزدیک باغی که مستر می  
 منزل داشت مکن نمود و این کیفیت در شهر طران بطور  
 نامناسب بسیار قبیح شهرت نمود اولیای دولت خوانند  
 که مستر می را ازین شهر تا اطلاع دهند کاغذ رسمی با  
 و سفارتخانه دیگر دول که در طران بود نوشتند و این  
 مطلب را در پرده بهمین حال کردند که شاید مستر می  
 جنبه شود و رفتار خود را تغییر دهد تا مفسده از برجا  
 او و ایرانیان بر پا نشود مستر می اصلا بدین اظهارات  
 اعتنائی نکرده تا آنکه وارد شهر و نزدیک سفارت خانه خود  
 خانه برای زن میرزا ماشمش خان گریه کرد و در آنجا فرود  
 و سکون یافت چون مردم شهر و علمای ازین واقعه مستحضر  
 استغفار و کافذای شعیبه و عرایض چند با ولیای  
 نوشتند نزدیک بود که بلوای عام بشود مستر می دید که  
 پرده کارش دریده و طشتش از بام افتاده بهانه نمود  
 که میخواهم میرزا ماشمش خان را لوکر سفارت کنم  
 و بفارس نفرستم و باین خصوص لعلگو و جواب و سوال  
 با اولیای دولت نمود جواب دادند که تو لوکر خانه  
 دولت را چه دلیل چگونه لوکر سفارت قرار میدهی اصلا  
 بگوشش فرو زفت و باز در مطلب خود اصرار مینمود و  
 اسم زن او را نوشته مطالبه میکرد و میخواست که او را

دولت را مجبور سازد که برضای خاطر او و مخاطرات عظیمه  
 تن در دهند و زن میرزا ماشمش خان را سفارت نفرستند  
 چون مفاصده عظیمه درین باب بر روی کار می آید تکلیف  
 قبول کردند و همین کیفیت را بجهان کرده علم سفارت خود را  
 انداخته و ترک مراد داده نموده از طهران بیرون آمدند  
 روم رفت مجرب مذکور میگوید که بسیار عجیب است که در ملک  
 چنین امری واقع شود و بلوای عام نشود و شورش تمام نکنند  
 و معلوم میشود که اولیای دولت ایران چه خشمهای بسیار  
 کشیده و چه تدبیرها اندیشیده که مانع همچنین فتنه عظیمه  
 شده اند و کار را بدینجا ختم کرده اند و همچنینکه واقعه کار  
 موصوف شینده اگر طامن صاحب علم سفارت را  
 بر سه یک نفر تاجر بود و چندان قباحتی نداشت اما بجهت  
 خاطر یک زنی باین کیفیت علم تکلیفین بقصد چه قدر قباحت  
 میدانم دولت نکلیس چگونه رفع این قباحت را خواهند کرد  
 و با سفیر خود چه نوع سلوک و رفتار خواهند نمود و از فرار  
 خبر رسیده امیر دوست محمد خان کابلی هم تخریب و امداد نکلیس  
 بر سر قدمه کشیده و آنجا را تصرف نموده و از آنجا قصد  
 بهرت را دارد اگر چه صدق و کذب این خبر بر ارم معلوم نیست  
 اگر چنین باشد معلوم میشود که برخواستن سفارت نکلیس از پای  
 ایران برای مهید چنین کار بوده و الا طلبی باین ناقابل چگونه  
 سبب رخو استن سفارت و قطع دوستی و مراد و چندین  
 دولت ایران و نکلیس میواند شد اینست تمامی اخباری که در  
 باب سفیران نکلیس نگاشته بودند و الله اعلم بحقایق  
**فقرتی که روزنامه نویسن میسی در روزنامه**

۱۷۶۶

# بجته بی اطلاعی یا بلاخطه ویکرید نکرده و برای تکمیل اطلاع خلق دین روزنامه میشود ازینقرارست

معاهده این دولت با دولت انگلیس عهدنامه مجله است که تاریخ  
۱۲۲۴ هجری بمطابق ۱۹ مارچ ۱۸۰۹ عیسوی درایام  
امام محمد تقی در آن سیزدهمین دولت فرشته باین دولت توسط  
سر هر فرانس منعقد شده و وسیله آغاز دوستی در میان  
دولتین ایران و انگلیس گردیده است دویمین عهد  
منفصله است که توسط سر کروزیلی تاریخ ۲۹ صفر  
۱۲۲۷ هجری بمطابق ۱۴ مارچ ۱۸۱۲ عیسوی صورت انعقاد  
یافته است سیمین عهدنامه است که توسط سر اسن تاریخ  
۱۲ ذی حجه الحرام ۱۲۲۹ هجری بمطابق ۲۵ نومبر ۱۸۱۴  
عیسوی بین الدولین صورت اختتام یافته است در هر  
ازین سه عهدنامه معتبره معین در فصل منعم عهدنامه  
و فصل خیم معاهده و قوم و فصل نسیم عهدنامه نسیم  
صراحت از طرف دولت انگلیس لغت شده است که اگر فیما بین  
دولت ایران و افغانه جنگی و نزاعی اتفاق افتد دولت انگلیس  
در آن میان کاری نیت و بیطرف اعانت و امداد نمی  
نمزد مگر اینکه سواش طرفین واسطه صلح گردد و بهین  
بود که در عصر خاقان خلد اشیان قحطی مغفور هر کس  
و نزاعی که میان این دولت و افغانه اتفاق افتاد دولت  
انگلیس ظاهر او باطناً هیچگونه مداخله درین باب نمود و صورت  
حالی هیچیک از طرفین ظاهر حث و لکن در عهد شاه

مبرور که موکب هایدون بجته تمبیه متمدان افغان نیت  
هرات نهضت فرموده دستر کنین سفیر دولت انگلیس  
نص صریح محمدنامه معتبره دولتین انواع کاشکنها  
انظرف و حمایتها از آن طرف ستر او علق بعمل آورد  
که تفصیل آن مثل آفتاب بر عالمی روش است محتاج بکرا  
نیت از آنوقت تا حال تکالیف خلاف معاهده عادی  
مأموران انگلیس گردیده و یوما فیوما تراید و وزید و در  
امور نیر بغایتی که در کاغذ اخبار حسن الاخبار مسطور است  
منجر گردید حرکات جناب ستر می وزیر مختار دولت  
انگلیس هم بوضعی که مستغنی از تفصیل زیاد است خاتم  
اتحاد در اینصورت هر صاحب انصاف و بصیرت بطور  
ثالیه خواهد دانست که اولیای این دولت در محام  
دوستی دولت انگلیس تا بچه پایه ساعی و مواجب بوده  
چه قدر درین باب تدبیرات حسنه بکار برده و در ایام  
آن کوشیده اند و مأموران دولت انگلیس تا کجا بتفصیح  
حسن رفتار اولیای دولت ایران و ترزید حرکات ناپاک  
و تکالیف شاقه خودشان قدم لی انصافی را بالاترو  
تذرت برده اند باوصف مراتب مزبوره باز اولیای  
دولت ایران حاضر هستند که بقدر الامکان بطوریکه صلاح  
شان و احترام دولت ایران نباشد در حفظ روابط دوستی  
دولت انگلیس بکوشند و تا در قوه دارند از نمودن  
ساله این دولت چشم پوشند هر صاحب عقل بصیر  
این معنی را باستانی ادراک میکند که مادام تکالیف ناموزن  
دولت انگلیس از حد طاقت و تحمل بیرون زفته باشد  
مکن است که اولیای دولت ایران خود را باستانی را

۱۷۶۷

باینحسی نمایند که از دوستی دولتی مثل دولت مجلس  
 صرف نظر کنند و البته تا در قوه و اراد برای خود  
 الزم و واجب خواهند دانست که غایت امکان  
 خود را در راه حفظ دوستی دولت مشارالیه صرف  
 نمایند بخو یکمه سر او ارشاد دولتین و خلاف  
 احترام دولت ایران و تکالیف فوق الظاهر  
 نباشد اینکه در حسن الانباز مذکور در باب  
 میرزاهاشم خان نوشته است که عالیجاه  
 طامسین نصاحب او را کرده میخواست مثنی سعادت  
 کند و بعد ترک نمود حقیقت این کیفیت ازین جهت  
 که عالیجاه ستر طامسین در میان خیال خود را  
 بود و لکن بعلت انتساب نوکری او بدولت ایران  
 و عدم امضا و اجازت اولیای این دولت  
 مشارالیه کیفیت را بدولت متبوعه خود نوشته  
 از جناب جلالت نصاحب وزیر امور خارجه  
 جواب آمد که چون مأموریت او منافی رضای  
 اولیای دولت ایران است البته ترک این  
 خیال نماید بدجهت ستر طامسین نیز بدستور  
 دولت خود عمل نمود و او را وا گذاشت خلاصه  
 و حاصل کلام این است که دولت ایران از اول  
 بنیای دوستی با دولت انگلیس تا امروز  
 مأمورین و وکلای اند دولت را بجهت نامه  
 که بنیای عمل کل دول بر آن است دعوت کرده  
 و ذره از آن تخلف نخبسته است و لکن مباین  
 اند دولت دایم عهد نامه و رعایت حقوق

ملل را بطاق نسیم گذاشته خواسته اند  
 موافق دلخواه خود رفت نمایند و این  
 جزئی از ان ناشی گشته است

چون عالیجاه مقرب انخاقان چه غرضی خان را  
 چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد اولیای  
 دولت قاهره حسب الاشاره العلیا از شاه  
 و بطام حواسته و حکومت ختمه سرافراز  
 لهذا در این اوقات بجهت انخوانین العظام  
 قاجار بر حسب فرمان مدهلجان مبارک حکومت  
 شاه رود و بطام سرافراز و حلت حکومت  
 نیز از جانب سنی انجوانب اقدس تایون با  
 مرحمتش و روانه مقرر ماموریت کردید

از سایر ممالک محروسه و دول خارج  
 اخبار بود و لی در نفعه آینده نوشته میشود

سح

۱۷۶۸



روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور المبارک مطابق سال لوی ۱۲۷۲

مزه و تفریح و تندرستی

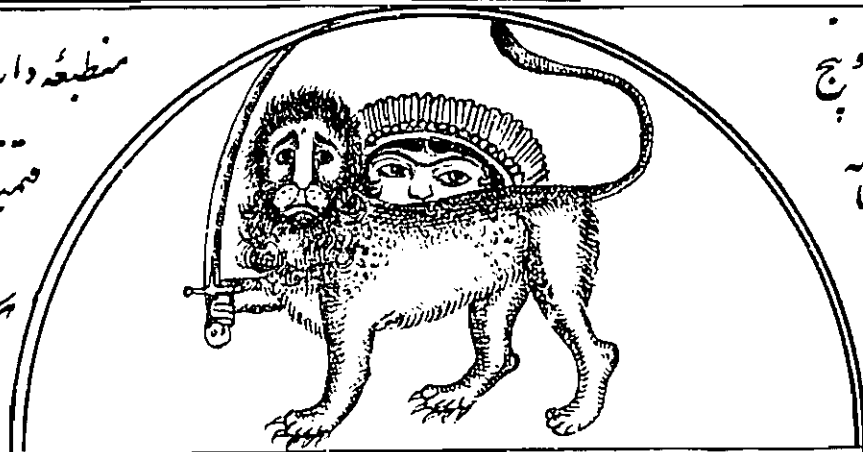
قیمت روزنامه

هر نسخه ده

منطبعة دار الخلافه طهران

میتب اعلانات

هر خط خبر



اجبار و احسنه ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

در روز یکشنبه ۲۸ ماه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نظر بفرمودم اسم ملوکانه در باره جناب اشرف امجدارفع صدر اعظم بجا نشانی تشریف فرما گردیدند از جانب جناب معظمت و نظام الملک تقدیم قربانی و پای انداز و یکس بطور شایسته بجا آمده و متعلقان ایشان در لوازم مدارک اسباب صنیعت و شرایط حد تکدار می گماشته اتمامات خود را ظاهر ساخته مورد تحسین و انتفاع گردیدند و اعلیحضرت شاهنشاهی بنا بر ادرار آنجا صرف فرموده بسیار بر وجود مبارک خوش گذشت و تا عصر ادرار آنجا تشریف داشتند بعد از صرف عصرانه و چای دو ساعت بغروب مانده مبارک مبارک که سلطانی و متمسکین عظمی با التی که والاعجلال مرا حبت فرمودند

که سجده عید نوروز سلطانی شرفیاب در بارگاهان شده بود در این اوقات از جانب سنی انجمن اقدس نمایان شاهنشاهی حضرت مهر طلعت مشایخه مرحمت گردیده و اذن مرحضی در روز یکشنبه گذشت از حضور مبارک حاصل نموده روانه مقر حکومت گردید

و همچنین عالیجا معرب انجمن خان چرخسی خان که در این اوقات حسب الامر اقدس نمایان بکومت خدمت سرافراز شد در روز یکشنبه مهر طلعت حکومت ولایت خدمت از جانب سنی انجمن ملوکانه بشارت به رحمت و شرفیاب حضور مهر طلعت گردیده اذن مرحضی حاصل و روانه محل مأمور شد

در این روزها که ایام ماه مبارک رمضان است عموم خلائق از علمای اعلام و سادات ذوی القربان

۱۷۶۹

و نوکر و رعیت یکی در ساجد و معابد بلوازم عبادت  
 و عبادت و دعا گوئی و آنست که سس با بون ساف  
 اشتغال دارند و هوای دارا بخلاف طهران نیز درین  
 اوان بجد الله کمال خوبی و اعدال را دارد و هنوز  
 اغلب مردم شبها در اطراف قنات میخوابند امینند که  
 ایشان را الله تا آخر ماه مبارک رمضان نیز هوا بهین  
 خوبی و عباد الله آسوده باشند

سایر ولایات

از ری بایجان ازینولاس درین هفت اجبار  
 استر آباد

از فرار یک در روزنامه استر آباد نوشته است  
 امور آنولایت قرین نظام کامل است و این  
 مراعت و کمال نظمی که مقرب الخاقان <sup>خلفه</sup> ظفر  
 ایلیخانی در میان طوایف ترکمانیه آن اطراف  
 و او بجات آنها داده است نهایت ایت <sup>درا</sup> کمال  
 حاصل است و کسی از او باش و اشهر اطراف  
 مزبور هر وقت حرکتی بخلاف حساب ندارد اما  
 استر آباد در عین اسودگی حتی بازن و بجه میان  
 آنها آمد و رفت نیامند از جمله اما نهاده و در  
 انظار او به ترکمان واقع بوده بقدری چنان  
 مرد و زن که بواسطه عدم امانت از منته سابق برین  
 امام رانده مزبور که آق امام مینامند فایزند  
 بودند در این اوقات رفته و شب را در او با  
 ترکمانان همان بوده اند کمال مهربانی و محبت از  
 ترکمانان نسبت با آنها عمل آمده روز دیگر با تقاضا

رفته اند و زیارت کرده در محبت نیز شب دیگر  
 ترکمانان آنها را مصیافت کرده و روز دیگر جمعی  
 از مرد و زن ترکمانان همراه آنها زیارت با بی لیا  
 که کفر بیخ اینطرف غلبه باش و زیارت آن نیز  
 سابقا برای ترکمانان معدوم نبود آمده اند و ششم  
 در خانه های غلبه شیه همان بوده صبح با و بجات خود  
 مراجعت کرده اند و ازین حسن مرادده که این اوقات  
 مابین ترکمانان و امالی آنجا اتفاق افتاده عموم امالی  
 طرفین کمال خرسند بر او دارند

دیگر نوشته اند که با بونی ارضیغه از سر طاق که در  
 فرسخی ادبه ترکمان واقع است سقوط شده بود  
 بعد از دو سه روز معلوم نموده بود که مال او در  
 ترکمانان است خود ضعف با بخار فقه و مبارکش خود را  
 برهنه دیده بود که در اینجا میچرد گرفته و میان ترکمانان  
 رفته مطالبه نمود و رشته او را کرده بود ترکمانان  
 حوزده لودند که ما خبر از آمد و رشته او نداریم و  
 روز است که این مال را دیدیم در اینجا پیدا شد  
 و میچرد و کسی نیز او را تصاحب نکرده است مع  
 ندی نو از خود با رشته آورده و بروی یا بون  
 بسته تسلیم ضعف مزبور نموده و او را معضی المرام  
 روانه کرده بودند

دیگر نوشته اند که توچان توقف استر آباد <sup>روزه</sup>  
 در میدان مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی  
 میباشند در روزی ده غمت مشق می کنند و <sup>سلطان</sup> حاجان  
 نهایت اهتمام در نظام امر آنها دارد

۱۷۷۰

و هم چنین فوج عرب ابوالجهمی لو اب جهان نور میرزا  
 همه روزه حاضر مشق گردیده با نهایت رسیدگی  
 و مراقبت صاحب منصبان و وقت آنها مشغول مشق  
 میباشند و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پشکار اول  
 اغلب روزها راجحه ترغیب و تشویق توپچی و  
 مشق میدان مشق آنها حاضر میشود بجهت آنکه  
 در این اوقات قدری تغییر هم رسانده است  
 جیره سرباز و توپچی آدمی بدار اختلاف مبارکه  
 صد و حکم از ادبای دولت علیه ارسال شد  
 بود و ولی عالیجاه میرزا اسمعیل خان جیره آنها را  
 نموده و از تجار قرض کرده دجیره آنها را راه انداخته  
 که رسیدن حکم اولیای دولت علیه و وصول  
 و موجب آن در عسرت نباشند  
 دیگر نوشته اند که چون حکام سابق قبل از آنکه  
 شالی و غیره بدست بیاید یا ت حواله میکردند  
 و رعایا بلا بد شده اجناس خود را بطور مستقیم  
 نازل پیش فروش میکردند و بدجیبی رعایا را  
 حکام بعبیت کران معسر کرده و وجه نقد از آنها طلب  
 می نمودند و این معنی باعث ضرر و خسارت رعایا  
 اغلبی بی پاشده و بجای دیگر متفرق گردیده بودند  
 درین سال عالیجاه مشارالیه قرارداد داده است که تا  
 رفع محصول و نیاری بر رعایا حواله نماید و در وقت  
 رفع محصول نیز رعایا بدی خود را آنچه نقد است  
 نقد و آنچه جنس است جنس بعینها کارسازی نمایند  
 این معنی سبب مزید خرسندی و سکر گذاری رعایا

شده اغلب آنها که متفرق شده بودند و بجهت تفرقه  
 آنها زراعات خالصه از نظم افتاده بود در این اوقات  
 معاودت با ما کن خود کرده اند و امور زراعات  
 آنها بسیار خوب منظم گردیده است و مقرب آنها  
 حقیق قسطنطنیه ایلیانی که بعد از تنبیه ترکمانان با عی  
 بجنورد رفته بود بجهت رضامندی از حسن سلوک عالیجاه  
 میرزا اسمعیل خان بارعایا و اهتمام در انجام خدمات  
 دیوانی از بجنورد خلعتی خوب بجهت او فرستاده و از  
 قراریکه نوشته بودند خود مقرب آنها قان ایلیانی  
 در رعیت و منعم ماه گذشته بنیاد داشته است که از  
 بجنورد با ستر ابا و معاودت نماید

### اصفهان

از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند لو  
 مستطاب هر اذنه و الا بتار حثمت الدوله حکم آن  
 اصفهان در انتظام امر ولایت و رفاه و سعادت  
 رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی کجا  
 نظام متوقف اصفهان و سایر نوکرهای دیوانی  
 اهتمامات کافی بعمل می آورند و دست تطاول  
 سارقین و او با شارسرقت و شرارت بجنگی  
 کوتاه گردیده و کسی قدرت حرکت خلاف حساب  
 ندارد و اگر اچنانا سرفقی اتفاق نیفتد اموا  
 مسروقه پیدا و بجا همش تسلیم می نمایند و سابق  
 سر او را عمل خود تنبیه میشود و عسوم ایلی اصفهان  
 در کمال فراغت و آسودگی بدعا کوفی ذات قدر  
 هایون شایسته اشتغال دارند

۱۷۷۱

دیگر از هزار بکه نوشته اند اما سال بجهه کثر است  
 در رودخانه را بنده رود چندیست که سیلاب  
 جریان دارد و با غلبه عمارات و طوابعین  
 زراعت که در اطراف رودخانه منور بود  
 همسرسیده قبل از عهد نوز و زمان این اوقات  
 بهمان طور سیل امتداد یافت و آب رودخانه  
 طغیان داشته است ولی درین روزها قدری  
 سیلاب کمتر شده و مردم تعمیر باغات و  
 طوابعین و غیره که خرابی بهم رسانده بودند  
 و نواب مستطاب ختمه الدوله حکمران اصفهان  
 کماشکان این تعیین نموده و فرستاده اند که  
 خرابیهای باغات و زراعات و طوابعین را  
 دیوانی و رعیتی بادقت باز دید و مشخص نمایند  
 و بعضی نواب بعضی الیه برسانند تا آنچه محتاج  
 لازمه آنها باشد داده و آنچه را که کمالی این کلیه را  
 بر وجه و ولایات جاری شود

**خراسان**

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند  
 در این اوقات کمال فراوانی و ارزانی در اولاد  
 حاصل است و مقرب الخاقان قوام الدوله در  
 غیاب نواب مستطاب ختمه الدوله حکمران  
 خراسان نهایت اهتمام و دقت در انجام  
 خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و حصول  
 آسودگی رعایا و برابری در همه روزه مشغول

سبکی و ایضاً و مطالب رعایا بوده و با متیون  
 آنجا با مویر محاسبه ولایتی می پردازد

**حمت**

از فراریکه در روزنامه حمت نوشته اند امور  
 ولایت از هر جهت قرین انتظام و انضباط است و  
 کمال فراوانی و ارزانی دامت در آنجا حاصل است  
 عالیجاه مقرب الخاقان چرخ غنسی خان که از دربار  
 ماهون سگکومت آنجا سفر کرده عالیجاه میرزا  
 و لیجان سپر خود را قبل از ورود بولایت منور فرستاده  
 بود از فراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند بسیار  
 بعد از آنکه با آنجا وارد گردیده است امانی و عیان  
 و کدخدایان شهر و مباحثین دیوانی را خواسته  
 و هر یک را بعل و کار خود مستقل و برقرار داشته  
 امور شهر و محلات را کمال انتظام داده و گرفتار  
 مستحقین با انجام خدمات محوله بخود مشغول و  
 و شہارت اگر اچنانا اتفاق بیفتد مرکب است  
 آمده تبیسه و تادیب میشود و همچنین در انتظام امر  
 طرق و سوارع قدغن اکیده کرده و فراسور آنها مجاز  
 راهها و محارست عابرین و مسرودین می پردازد  
 با بکله عموم امانی آنجا را بچوطف و لیای دولت علیه  
 امیدواری حاصل شده بگونی آفرین یون مشغولند

**سمنان و عراق**

این ولایات نیز درین نطقه اخباری نبود

**فارس**

از فراریکه در روزنامه فارس نوشته اند

۱۷۷۲

استطاب شاهزاده والا تبار مومند الدوله حکم  
مملکت فارس کمال اتهام در ان نظام امر ولایت و  
رفاه و آسودگی نوکر و رعیت دارند و اگر از کسی  
خلاف حساب و شراقتی ناشی و صادر بشود  
نموده مقصر را و احوال عقیر تنبیه بنمایند

از فراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند  
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک که با تنظیم امور  
صفحات بندر ابوشهر مأمور بود در اوایل ماه حبس  
با عالیجاه جعفر قلیخان یا ورسید نفر از سر بازا  
جمعی مقرب انخاقان مصطفی قلیخان میر نیچو وارد  
انجا شده و عالیجاه میر حسنعلی خان دریا بکی و  
حاکم ابوشهر و سایر املی داعیان و معارف انجا  
لوازم استقبال و توقیر و احترام را نسبت معرب انخاقان  
مشا ر الیه لعل آورده اند و مشا ر الیه نیز لوازم  
محبت را نسبت بمعرب انخاقان معرب انخاقان

قرقون

از فراریکه در روزنامه قرقون نوشته اند امور ولایت  
از اتهامات نواب استطاب شاهزاده والا تبار عبدالصمد میرزا  
حکمران انجا حسن مراقبت معرب انخاقان حاجی حسنعلیخان  
پیکار در کمال انظام و امر شهر و محلات و طرق  
و سواران انجا نهایت الضباط را دارد

قسم و کاشان ازین ولایات نیز درین  
بنفقه اخباری بنود  
کردستان

از فراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند

الولایت درین انظام و انضباط و عموم املی در غایب  
در سکنه انجا بدعا کونی دانت اقدس سالیون  
استغال دارند و از فراریکه نوشته اند درین  
باران و برف زیاد در ولایت آمده است بطوریکه  
تا چند وقت عبور و مرور توأخل و عابرین متعذر بوده  
حتی در سرحد جوار رود که تا این ایام کسی نجای  
که برف آمده باشد ثبوتی برف آمده بوده است  
که راه تردد مردم از کوچ و محمد سببه شده از با  
با هما نجای یکدیگر عبور و مرور مسیکرده اند ولی  
این روزها قدری برف کم شده و راهها باز کرده  
مردم از طرق و شوارع آمد و رفت بنمایند

دیگر از فراریکه از جوار رود نوشته بودند در شب  
دویم شهر جادی الشانی تخمیناً چهار ساعت ارتب  
گذشته خانه ملا حسن نامی از املی انجا لرزه وقوع  
یا قه مشا ر الیه با عیال و اطفال خود از خانه بگریز  
دویده اند و محض برون آمدن آنها جمیع اطرافها  
دیوارهای خانه منور خراب گردیده است اگر چه  
سجود آنها آسبیبی نرسیده ولی آنچه سبب انباشت  
که داشته اند کلاً در زیر خرابی معدوم و نابودند  
و چیزی بدست نیامده است و صبح که معلوم شده  
زلزله منحصر بهمان خانه منور بوده و در هیچ جا رز  
خانههای جوار رود زلزله اتفاق نیفتاده است  
کردستان و کرمانشاهان و کرمان و  
گیلان و مازندران و ملایر و همدان  
و همدان ازین ولایات نیز درین بنفقه اخباری بنود

۱۷۷۳

### اجبار دول خارجه

از فرایم که در روزنامه های فرانکستان نوشته اند  
 در این اوقات زوجه امپراطور ناپلیان فرانس است  
 بود از جانب المانی پاریس بجهت تقدیم هدیه پادشاهی  
 ابتدا شده و کهواره مزبور را بر کلب قالی ساخته اند  
 تمام از نقره و بسیار خوب منسج شده و در گوشه های  
 آن دو دیرک که در یکی از آن دیرکها صورت مرغ  
 که علامت دولت فرانسه است و پرده کهواره را  
 بدین گرفته تصنیع نموده اند و وجهی که در آن ضرب  
 شده معادل بیت هزار تومان پول ایران است و  
 کهواره که در ایام ناپلیان بزرگ مشهور که عمومی این  
 ناپلیان است برای پسر او ساخته بودند سکین تر  
 و بهتر ساخته شده است و از فرار روزنامه دیگر که  
 در ماه رجب گذشته در شماره اول ماه بجهت امپراطور  
 ناپلیان از زوجه مزبور به پسرش قدم بعرضه شده اند  
 و برای تشکر اجرای شلیک نموده صد و یک تیر توت  
 انداختند و از فرار روزنامه بق که نوشته بودند  
 پای رومه که پیشوای مذهب کتولیک عیسویت است  
 داشته که بجهت اسم گذاشتن پسر مزبور پسر است

دیگر نوشته اند که کتبی که فضی و شعری قدیم فرانس  
 در مواد ملک و ملت تالیف تنظیم کرده بود بعضی  
 متروک و اوراق و در گوشه های کتابخانه کهنه و  
 با عدم بوده است و در این اوقات از جانب امپراطور  
 ناپلیان فرانس حکم کرده است که نسخ آنهارا

تجدید و تبارکی طبع و تمثیل و به مالک و نویسنده  
 نمایند که عموم مردم از فوائد اجبار و فصاحت و  
 مسطورات سخا را بخواهند بجا بیاورند  
 دیگر نوشته اند که از وکلای دولت اسپانیول  
 مارشال او دین نام با اورنس نامی که از اجزای مجلس  
 گذشته از مذاکرات قونستوسون بعضی قبل و قال  
 گذارت آمیز روی داده و یکدیگر را بچنگ روبرو که با  
 طپانچه عسیره می کنند و جنگ دو یلو و دُول میکنند  
 تکلیف کرده اند چون اینکه جنگ با این مامورین دولت  
 ممنوع و از جانب دولت نمی است باین ملاحظه  
 از ماموریت خود استغفا کرده اند که اقدام بچنگ  
 از جانب دولت اسپانیول استغفای اورنس  
 قبول و استغفای مارشال او دین قبول نشده است  
 برادر مارشال مزبور که قائم مقام ایالتی از دولت  
 مزبور بوده است از ماموریت خود استغفا و بدر  
 پای تخت اسپانیول آمده است که بجای برادر خود  
 بچنگ دُول اقدام نماید ولی هنوز خبر نرسیده است  
 که جنگ طرفین بچه نوع اجرا شده باشد

دیگر نوشته اند که از جانب دولت اسپانیول  
 در این اوقات حکم شده است که از شهر مدرد که  
 پای تخت آنجاست تا شهر سرفوسس که صد و  
 ساعت مسافت دارد راه آهنی ساخته شود و  
 نیز حد بقرافان فرانکستان اعلام کرده از انگلیس  
 فرانس یک قومپانیه تعمیر ساختن راه مزبور کرده است  
 از این قرار که وجهی که در ساختن راه مزبور مصرف  
 میکند

در سالی صد و پنج منافع آن عاید او بشود

دیگر نوشته اند که رئیس دولت جمهوری میکی دینا  
شمالی که چهار سال چهار سال عوض می شود در این  
اوقات که وعده ریاست رئیس سابق <sup>بالتفصیل</sup> قریب  
سجده انتخاب رئیس تازه مجلسی در آنجا منعقد گردد  
و تا بحال صد و شش دفعه قرعه کشیده اند سه  
ریاست یک شخص را طلب شده اند و مابقی  
اعلی آنجا هنوز ایشان متفق نگشته و تاکنون  
رئیس جدید سجده آن دولت معین نشده است

دیگر نوشته اند که در چهار خانه لندن به سال  
از صد ملیان که دولت کرو را متجاوز روزنامه  
کارت و سایر مکاتیب وارد و خارج میشود  
با وجود این نوشتهجات زیاد هیچوجه سهو و اشتباه  
سجده مباشرین و علماء جات آنجا اتفاق نمی افتد و  
اینمغنی محل تعجب برین است و پوست خانه خود کند  
مانند یک قلعه شده از در پوست خانه که داخل  
میشوند و الانی بسیار دراز است و در دو طرف  
آن سوراخها و کنجه با ترتیب حروف تہجی با طرفین  
ولایات ساخته شده کارت و محررات سایر  
در طرف و گیر امانات و اده میشود و بهر روزی  
دو دفعه صبح و شام مکاتیب و امانات پوسته  
اخراج و بجا پارها تسلیم میگردد و صاحب جمع  
پوست خانه قیمت هزار نفر ابواجیبی وارد و در پوست  
بتنهائی هزار و صد و پنجاه نفر و در میان محلات

چته مکاتیب گرفتن پانصد نفر و سجده رساندن آنرا

کارت هزار و چهار صد نفر در کارند و بهر روزی  
صد و پنجاه هزار روزنامه کارت با آنجا وارد میگردد  
و سجده سهولت از طرف پوست خانه بکارت آنها  
عراجهای مخصوص ارسال و پوست خانه آنها را حمل  
و نقل مینمایند و شش ساعت از دست ساعت رفتن  
پوست خانه بسته می شود اگر یک ثانیه از آن برون  
بگذرد و دیگر هر کس مکاتیب بیاورد از هر کس باشد  
قبول نمیکرد و تا وقتی که باز پوست خانه کشود بشود  
و آنچه از کارت و مکاتیب که بوقت می آورند پانصد

نفر معین این کارند که عنوان آنها را آنجا اند و مال  
هر مملکتی معین شده ترتیب در مکاتیب خود گذارند  
شود و آنچه از مکاتیب را که خطوط غریبه است و  
اشخاص عنوان آنها را نمینویسند آنجا اند بمعلم  
که با آن خطوط عالم است داده میشود و معرفت آن  
معلم تفریق می شود و مکاتیبی که تفریق نمیکرد در  
سببها وضع شده به توسط و ابورا بمحل خود  
نقل میشود و سجده پوست خانه در چند جا خرج اناس  
وضع و سیم آهن سجده اجبار کشیده شده که نظر  
و مباشرین پوست خانه از جای خود حرکت بگرد  
بیکدیگر اجبار میدهند و سجده اینکه اخذ اجرت بکارت  
در پوست خانه بهر روز ممکن نمی شود کاغذهای چهار  
بشکل مهر در پوست خانه چاپ شده که قیمت هر یک اجرت  
یک پوسته است آنها بیع و فروخت می شود که فی  
همان قیمت مهر اجرت پوسته است و عاید پوست خانه

میکرد و هر کس از آن امر خزینه بروی پوسته خود می چسپاند و لبند و فهای پوسته که در میان محله است وضع می کنند و از اینجا چاهها و عملیات پوست خانه آمده میزند و اگر صاحب مکاتب بیشتر از عدد معین مکاتب در پوسته گذاشته و این هر تعرفه را چسبانده باشند آن مکاتب بصاحبش رفته و اجرت آن دوسال معمول حکما گرفته میشود اجرت پوسته در شانزده سال قبل ازین نسبت بقرب و بعد مسافت از سه عباسی تا شانزده عباسی و مدخل آن در سال دو میان که چهار کرویر لیر پول آن ولایت است بود و این اوقات مکاتب و غیره بهر جا که برود حوا و دور باشد یا نزدیک دو شاهی از اجرت بلیق تزل کرده و بسبب کم شدن اجرت بطوری که و غیره زیاد کرده است که مدخل آن چند سیاه زیاد تر از آن ایام شده است و یک در سالی تخمیناً سه چهار هزار مکاتب بی صاحب در پوست خانه میماند در صورتیکه تا یکجا صاحبش پیدا نشود بازگرد میجو اند و با یکس که آن مکاتب را نوشته باشد امانتی اگر در آن باشد رد می کنند و اگر یکس هم که آن کاغذ را نوشته است پیدا نشود پوست خانه رفته تا ده سال حال طور در پوست خانه میماند بعد از ده سال امانات آنها در پوست خانه وضع شده و آن مکاتب را می سوزانند و از امانات اینگونه مکاتب که تا بحال در پوست خایمبوی است

جمع کرده جریب دو و گرد و چهار صد هزار تومان شده است و یک در روزنامه اسلامبول نوشته اند که اکثر کشتیهای تجارتمی چند وقت پیش ازین یک کشتی آذوقه بارگیری شده بطرف اسلامبول می آمده است و نزدیک جزیره رودس دریا طوفانی شده و ملاطم امواج کشتی را فرو برده و غرق کرده است بیت و یک نفر از امانالی آن کشتی با آذوقه که او بوده است هلاک و بعضی تلف در آمده و از کشتیهای تجارتمی فرانسه نیز یک کشتی در اینجا نزدیک نرق شدن بوده است اهل کشتی و بحال احوال و احوال کشتی را با دیر کهای او بد بریایر کشته و کشتی را سبک کرده جزیره رودس رسیده و خود بسلامت حلجات رسیده اند

و هم چنین در بغا زجر سفید یک کشتی نخلین با یک کشتی فلنگ تعلقه سلطانیه میکند رفته است بمحل قوم برونی که رسیده اند و آن جین در دریا طوفان روی داده کشتی فلنگ غرق شده و کشتی نخلین نیز قدری شکستگی و خرابی بهم برده است و یک در اخبار فرنگستان نوشته اند که امپراطور استریم در حجاز را از آن مکتبهای تحصیل جدید نموده و درین ضمن دوازده مکتب سجه اطفال که یازده مکتب آن برای پسران و یک مکتب برای دختران است ساخته و سجه تعلیم آنها معلوم از بهر علی و بهر فنی معین و در روزنامه آن ولایت اعلام کرده است

۱۷۷۶



# روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه نهم شهر مبارک مطابق ابوالوئی ۱۲۷۲

مزهویت و عقاید بشر

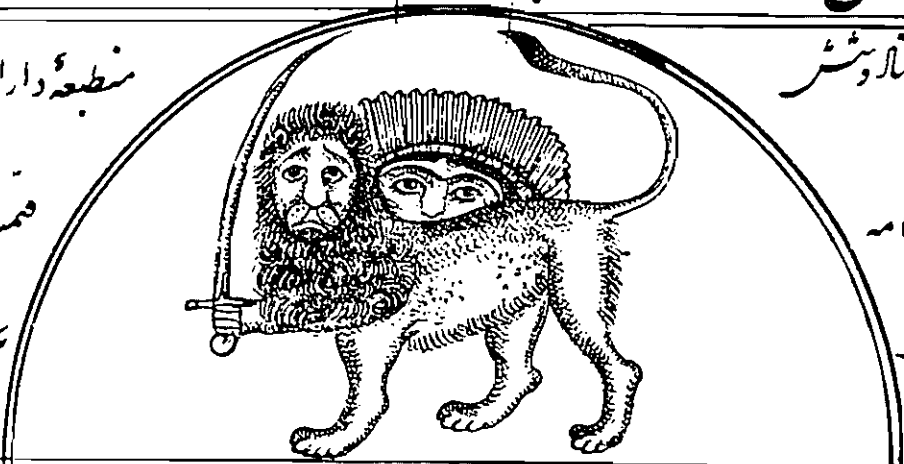
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شهر

هر خط پنج شهر



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در این اوقات ماه مبارک رمضان چنانچه در روز گذشته مقرر گردید امنای دولت علیه و مقربان حضرت کزدون بطسینه و سایر جاگران با هیون روزگار از التزام خدمت در بخدمت و بجهت تقدیم طاعات و عبادات در مساجد و معابد مخصوصاً و شبهارا هر یک از باشیان و بزرگان در سبزه در منزلی که در دربار هیون دارند بقرار یک ساعت یا بیشتر بکارهای دیوانی و انجام خدمات محوله بخدمت دارند از جمله جناب اشرف ارفع محترم صدر اعظم و جناب نظام الملک و امیرالامراء العظام سردار کل و سایر باشیان و صاحب منصبان نظام تا نزد سحر بانظام امور محوله بخدمت میسر دارند و تاکنون که اوایل عشرتانی ماه مبارک است هوا بجا آمد در بهار خوبی و اعدال گذشته و موسم خوبی بهار است در این هفته گذشته نیز که در شب باران بسیار

بموقع آمده کمال ذراوانی و ارزانی او هرگز نغمتی و نورانی و برای روزه داران نهایت رفاه و حورسندی شکرگذاری حاصل و بدعای وجود فایض الحود و دعا اشتغال دارند

چون محاسن فدویت و جان فشانی و مراتب خدمت و کاروانی مقرب انخاقان چرخانی خان حاکم خسته در خاک پای مبارک بدرجه شهود و ظهور رسیده سرکار علیحضرت قدر قدرت شاهی کیلعه از مرتب سیم میرنجه کی در حق او رحمت و عنایت فرمودند

نظر با اتهامات مقرب انخاقان سردار انجان در انجام خدمات مرجوعه بخود که مراتب صداقت و صدق خود را مینماید و ملحوظ خاطر اقدس هیون شاهی و امنای دولت علیه داشته درین اوقات شایسته شمول رحمت آمده از جانب شاهی الحوائج ملوکانه یک بجهت ترمیم بافتار او رحمت کرد

۱۷۷۷

### آذربایجان

از فرار روزنامه شهر که در سفته قتل از ماه مبارک  
 رمضان قتل داده شده بود محمد علی نامی محلاتی که در  
 اصفهان در زمان حکومت عالیجاه مقرب انجاقان  
 چرخسلیجان مرتکب سرقت شده و یک دست اوقلع  
 گردیده بود از آنجا بطه ان آمده باز دزدی کرده  
 و کوشش او را بحکم نواب مستطاب بزرگوار و آلب  
 ار دشر میرزا حکمران دارالخلافه بریده بودند در آن  
 اوقات مجدداً دزدی کرده دستگیر شده بحکم  
 نواب معززی الیه دست دیکرش را نیز قطع و در  
 بازارها گردانده از شهر دارالخلافه اخراج و اتمام  
 گرفته شد که دیگر بار انخلافه نیاید

و همین حیدر نامی اصفهانی سابقاً دزدی کرده و  
 سیاست در آمده کوشش برین شده بود و باز در  
 اوقات مرتکب سرقت شده یکدشش مقطوع و  
 از بودن در دارالخلافه شده اخراج بله گردیده  
 و نیز بعضی از او باش و ارازل از قبیل شکر و جبار  
 و دلاکی با و نفر دیکر شرب و شرارت کرده  
 هرزگی شده بودند آنها را گرفته بمیدان ارک آوردند  
 و حسب حکم نواب معززی الیه از هر یک بتبیه تلبیه عمل آمد

عالیجاه حاجی میرزا تقی که خدا در پید کردن مالی که از  
 خانه شخصی سرقت برده بودند اتهام نموده حدس  
 خاطر امنای دولت علیه افتاد لهذا بخلعت طلعت  
 بایون مباحی سرافراز گردید

سایر ولایات

از فرار یک در روزنامه آذربایجان نوشته اند  
 امور آن ولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب  
 حکمران آذربایجان در نهایت انتظام است و سرقت  
 و شرارت کمتر اتفاق می افتد و اگر احیاناً سرقت و  
 شرارتی بشود زود در مقام موخذه و تمبیه برمی آید  
 از جمله علی قلی نامی شیپورچی همجین نامی بلال کشته بود  
 او را گرفته آوردند و بحکم نواب معززی الیه در میدان  
 دیوانخانه تعصا ص رسانیدند و همین پاشا نامی از  
 الواط آنجا شرب نموده و با قضای مستی مرتکب سرقت  
 گردیده نصیر نامی رگشته و فرار کرده بود نواب معززی  
 یک نفر جا مار با یک نفر آدم عالیجاه حاجی افغان  
 که خدا مأمور و مقرر داشتند که قاتل را در هر کجا  
 حکما بدست آورد بجز نواب معززی الیه بیاید

دیکر نوشته اند که شخصی اخوند که در سگ ارباب عالم  
 در محله سینه ساکن بود با برادر زن خود کفکوی  
 محاسبه در میان داشته شب او را بتدویر و بد  
 سخته خود برده و در آنجا بزیر چوب انداخته حدس  
 چوب زده بود که هلاک شده مراتب عرض نواب معززی  
 رسیده فرستادند طای می بر بود را آوردند و حکم  
 بحبس او نمودند تا بعد حکم و بطریق معطاع بشود

سایر چاکران دیوانی که در آذربایجان اند از فرار مسطور  
 در انجام خدات محوله بحدو نهایت اتهام را بعجل می آورند  
 خصوصاً مقرب انجاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر مهام

۱۷۷۸

خارج که با کمال معقولیت و حسن سلوک خدمات  
 مرجوعه سجد را منظم و با قوتسولها و کارکنان آن  
 متجا به بطریق محبت و یکانی رفتار می نماید و همچنین  
 مقرب انجمنان محمد رضا خان بیکر بسکی در نظم امور  
 شهر و محلات نهایت مراقبت و رسیدگی را دارد  
 دیگر نوشته اند که بواسطه برف و کولاک زیاد که  
 در آذربایجان آمد ایلات آنجا کلاً کوسفندان خود را  
 چه خود کشته اند و چه سر مالک کرده است و این  
 جهت روغن و پنیر و شیر در این اوقات گران و  
 کمیاب است ولی سایر اجناس و ماکولات از هر  
 چیزی نهایت وفور را دارد و گندم خروار هزار مثقال  
 در سه تومان و هفت هزار و پانصد و جو بهمان  
 و سایر اجناس باین منظمه تغییر دارد  
 استر اباد و واسط اباد و صفا  
 ازین ولایات درین سینه اخباری بود  
 بر و خبر و  
 از قرائیکه در روزنامه بر وجه نوشته اند بعد از  
 ده دوازده روز از عهد تاسی و چشم باران بآن  
 ولایت نیامده و چون اغلب زراعت آن ولایت در  
 نیامدن باران تا آن موسم باعث اضطراب رعایا  
 و زراعت کاران شده و بعضی از زراعت در نظم  
 عدم باران زرد شده و صاحبان آن محصول  
 مایوس بودند تا درسی ششم عبد که با اصطلاح زراعت  
 فنش میگویند از تقضات باری تعالی یکی شبانه روز

باران کاملی آمد جمیع اطلال و صحاری و زراعت دکن  
 سیراب و رفع تشویش امالی آنجا گردیده زاید الوصف  
 خرسند شدند و امیدوار بودند که در چشم و  
 و پنجاه و ششم از عهد نیز که نوبت بارندگیت باز  
 بارندگی خوب شود  
 دیگر نوشته اند که ایلات لرستان در سالی دود فح  
 بنای سهرقت و تعدی میکند اشتد یکی در زمان حاکم  
 بکر میرات و یکی در ورودیه بیلاقات درین سال  
 اکبر میرزا چنان مراقبت در نظم طرق و شوارع آن صح  
 دارند که کسی از ایلات مزبور جرئت برزگی و تعدی  
 نکرده است مگر حکام عبور آنها دور رس یا بواز آسپا  
 سهرقت رفته بود مراتب بعضی نواب معزی آسپه  
 چند نفر سوارا مأمور کردند که بمیان کل طوالیف مزبور  
 رفته تفحص نمایند و ما لهای مسروق را پیدا کنند و  
 پیدا شد از هر طایفه تو شمال الطایفه را برداشته  
 بیاورند ما مورین رفته و سه چهار روز در تفحص بودند  
 و طوالیف مزبور سه چهارم وی قیمت یا بویار  
 داده بودند که محصلین مر ا حبت نمایند قبول نکرده بودند  
 تا آنکه مالها را با اسباب شبانه آورده در منزل محصلین  
 را نگارده بودند آورده بعد شش سلیم کردند و دو سوم  
 فقره خورده در زدی نیز که پاره او باشد و جهال  
 کرده بودند دستگیر شده و مورد مواخذه و سزا  
 گردیدند بعد از آن مدت ده پانزده روز که ایلات  
 مزبور در آن حول و حوش بودند از احدی از آنجا  
 خلاص حجابی ناشی و صادر نشد

۱۷۷۹

بظام و خراسان و حمت و سمنان  
و عراق این ولایات نیز اجباری بود

### فارس

از فراری که در روزنامه فارس نوشته اند امور  
الولایت احسن مراقبت نواب استطاب برادر  
والا تبار مؤید الله له حکمران مملکت فارس  
انتظام است و در انجام خدمات دیوانی و قضا  
حال رعایا و برابری است تمام کامل داشته جوید  
بعراض ضعیف غوررسی نماید و در انتظام امر  
و طرق و سوارع اولایت قدغن آید بهیچ حکام جزو  
مباشترین و سخطین و قواسو را نجا کرده اند که در  
در حد و مان هیچک اتفاق نیفتد و اگر سرقت و تفرقه  
واقع شود در د مقصر را حکم برسد و زند که مورد  
مواخذ و سب است شود و همچنین در انضباط شه  
و محلات قدغن منع شده است که داروغه و کدخدایان  
کمال مواظبت را داشته باشد که خلاف حسابی از  
کسی ناشی و صادر نشود و شرب و شرارتی اتفاق  
نیفتد

۱۷۸۰

و بعضی روزها نیز مشق شیک و تیراندازی میمانند  
و از جانب صاحب منصبان مراقبت تمام در مشق و  
انتظام امر آنها بعمل می آید و مقرب انخاقان حاجی قوام  
نیز بجهت تسویق و ترغیب توپچی و سرباز بعضی روزها  
بمیدان مشق آنها حاضر میگردد

دیگر نوشته اند که آب انبار جدید لهستانی بوشهر که  
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک در سال گذشته  
بانی آن شده بود درین سال تا نصف آن از آب  
باران برگر دیده مقرب انخاقان ش را لیه بعد از  
درود با تولایت بسر آب باران بود رفته فرار داد که  
نصف دیگر از آب شیرین آورده بریزند و برکات  
سقایان را خواسته از فرار هزار بار الاغی بهشت  
وجه با نجا داد که بقدر چهار ده هزار بار آب که لازم  
آورده آب انبار را پر نمایند که در تابستان ساکن و عا  
الولایت این رکذ در رفاء باشند عموم ای اولایت  
که در سنو آه سابق از آب قدری عسرت در تابستان  
داشتند از این معنی زیاد مشوف و خورسند و دیگر

دات قدس طالبون شاهاهی میباشند  
دیگر نوشته بودند که عالیجناب میرزا حسنخان در  
و حاکم بوشهر در انتظام امر اولایت و انجام خدمات  
و فرمایشات دیوانی حسن سلوک بانو کر و رعیت  
اتهام را دارد و یکی از او رضامندی تمام دارند  
بچنین صاحب منصبان نظام متوقف اولایت در  
نهایت معقولیت با امانی انجا رفتار می کنند و زیاد  
مراقبت اند که خلافی از احاد نظام ظاهر نشود

از فراری که در روزنامه بندر بوشهر نوشته اند  
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک که بنظم امور  
ما مور بود بعد از ورود بانجا کمال انتظام در کارها  
انجا داده و نوکر و رعیت در عین اسودگی و فرحت  
هر کس بکار خود مشغول و از کسی خلاف قاعده بظهور  
نمیرسد نوکر نظام از توپچی و سرباز که در انجا  
همه روزه بمیدان مشق حاضر نشد مسؤل مشق

### قره‌ین و قس و کاشان و کردستان و کر و کس

از نیولایات نیز قره‌ین بقعه اخباری بود  
کرمان

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند انان  
انولایت در کمال امانت و آسودگی بدعا کوفی ذات  
افسوس بهایون شاهنشاهی مشول و امیرالامرا  
سپهدار حکمران کرمان با طریقه عیت داری در  
میشی سلوک در قفا ر شایسته با انولایت سلوک  
و در انتظام امور ولایت و حصول رفاه و آسایش  
و امانت طرف و شوارع نهایت اهتمام و رسیدگی  
مینماید و قراول و مستحفظ در قراول خانه و دهنه  
راهها که مخوف و محل عبور قطع الطریق و اشراط  
همه جا تحفظ و حرمت مشول در راهها امن و عابری  
امین از سوس عبور و مرور مینماید چنانچه در این  
اوقات زواری که از ارض قدس مراجعت کرده  
بودند بسیار اظهار شکر گذاری از امانت راهها  
و هم در این اوقات با رجمی زوار از انولایت عارم  
ارض قدس شده اند با اینکه قراول و مستحفظ  
در همه جا است مخصوصا حاجی بیک سخی با جمعی که سخی  
مانور بد رفه روا شده آنها را از اماکن مخوف  
سالم گذرانده و بمنزل امن رسانده قبض و حصول  
و رضامندی گرفته مراجعت کرده اند همچنین در نظم  
امور بلده و بلوک و دفع و منع سارق و شریر  
اکیه همه حال و مباشرین و که خدایان شده است که

مراقبت را معمول دارند و اگر مالی لبرقت برود زود  
پیدا شده بصاحبش تسلیم و سارق بمقام تبیه و سبابت  
می آید از جمله خانه حاجی فتحعلی نام شالباغ را در زود  
سوراخ کرده و یک طاقه شال لبرقت برده بود که در  
بعض سپهدار رسیده پنجاه تومان قیمت شال او را  
از خود نقد تسلیم نموده و از که خدایان شهر التزام  
گرفت که سارق را در هر کجا با حکم گرفته بیاورد بعد از  
چند روز شخص دزد را با شال و تمامی اموال مسروقه که  
مربور در مدت دولت از جا بھای و یکروز دیده بود  
در بلوک کوپایه دست آورده حاضر ساختند و  
صاحبان اموال هر یک آمده نشانی مال خود را داده  
تصاحب نمودند و بعد از بسته داد اموال مسروقه  
سارق با دو نفر دیگر که دستیار او بود دیگر قطع بد  
دیگری بقطع پی و دیگری بهار سیاست شده اخراج  
ملد کردیدند

### کرمانشاهان

از فراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
استطاب عمادالدوله حکمران انولایت سعی و اافی و جمد  
کافی در نظم و ولایت و آسودگی نوکرو رعیت دارند  
و بسبب که خدایان و مباشرین شهر و حوالی قدغن کرده اند  
که جزئی و کلی امور اتفاقه را همه روزه روزنامه کرده اند  
بند نواب معزنی ایله بیاورند که عورری کل در هر مواد  
شو و جسم چنین در کار نوکر انولایت از نظام و غیر نظام  
کمال رسیدگی مینماید فوج رنگه را مقرر و اعجاب میرزا علی اکبر  
سان ببیند که مواجب آنها را پرداخته محض نمایند

۱۷۸۱

دیگر نوشته بودند که بعد از آن بارندگیهای شدید  
 که رشتان در صفحات کرمانشاهان و آن اطراف شد  
 و در روزنامههای سابق نوشته شد تا این اوقات که  
 موسم بهار و بارانش بجهت زراعت نفع است بارندگی  
 درستی نشده بود و مردم فی الجمله تسویشی داشتند تا  
 در بیستم ماه شعبان باران کامل بسیار نافع در ایلات  
 آمد و زیاده باعث شکر مردم گردید بجهت آنکه  
 فرادان و ارزانت کندم حر واری بازده بر بار  
 تا نه هزار بجهت خوبی و پستی فرخنده میشود و سایر  
 نیز این نسبت معتد و فرادان است

**گیلان**

از و آریکه در روزنامه گیلان نوشته بودند امیر  
 مقرب انخافان عمید الملک والی گیلان در بندهای  
 شعبان وارد رشت گردیده و اعیان و انالی انول  
 لازم استقبال و توفیر و احترام را بعلل آورده اند  
 و آنها را بعواطف و لیاپی دولت علیه حسن سلوک  
 و رفتار خود امید واری تمام داده و عسوم خلق انول  
 و ضیعا شرفا بقا بدعا کونی وجود فانیس انجود اهد  
 شامشاهی صد بلند کرده اند و بعد از ورود بانول  
 همه روزه با بنظام امور ولایتی و انجام خدمات دیوان  
 و عرایض مردم و رفاه حال رعایا از روی د  
 و اهتمام عوررسی کامل مینماید خصوصاً در رفع اجحاف  
 خند که در شوارع بهم رسیده و بمرد و معمول دسبب  
 آزار و اذیت عامه مردم و عابرین شده بود

قدغن آکید بهمه مباشرین کرده و از مستاجرین شوی  
 کلاً نوشته بقید التزام گرفته است که از قرار معمولی  
 قدیم حبه و دیناری تخلف نمایند و آنچه جدید  
 برقرار شده بکلی موقوف و متروک دارند و بجهت  
 رفع و ترک اجحافات جدید و حصول دعا کونی  
 سه هزار و چهار صد تومان با جارات سالیانه تخفیف  
 داده و از هر یک از مستاجرین التزام گرفت  
 که نسبت بر رعایا و دقایق و عسوم متر دین  
 کمال خوش سلوکی را بعلل بسیار دارند چنانچه احد  
 از رعایا یا عابرین از آنها در مقام شکایت برایت  
 مورد تنبیه و سیات بوده باشند اما لی اولاً

ازین نغمه زاید الوصف شکر و دعا گو و با  
 نهایت دلگرمی و امید واری هر سر بکار خود  
 مشغول و از احدی نسبت بدگیری هیچوجه تعدی  
 و خلاف حسابی واقع نمی شود با بجهت امور انول  
 از هر حیثیت و هر جهت قرین انتظام و انضباط کامل  
 و اکثر اوقات امیر الامرا العظام مقرب انخافان  
 مصروف انجام خدمات و فرمایشات دولتی و  
 رفاه حال نوکر و رعیت و رسیدگی بعرایض  
 و حصول دعای حسیه جهت دات اقدس همایون  
 اعلیحضرت قوی شوکت شامشاهی خلد الله ملکه و  
 و افاض علی العالمین بره و حسانه پناه دگال سودگی بر  
 الهی انجام حاصل است

مازندران و ملایر و همدان  
 و یزدان و ایلات خنجر درین مقدمه جاری نبود



انجا حلو لی مذهب اند و حیوانی را که سفید یکت بوده و هیچ نقطه سیاهی در جلد او نباشد پرش میکنند و اینر نمونه گرفته اند از اینکه انسان باید کب صفاموده دروش از ظلت صافی و کجالت نور است پیوسته باشد و باین خیال حیوانات سفید پوست پرورش داده پرشش می کنند و گروهبی از انظار پرشش فیل سفید و بزبرک که از نقطه سیاهی صاف و پاک و از او بزبرک حیوانی میت عادت کرده اند و اعتقاد دارند که روح پادشاهی در جسم این حیوان حلول کرده و کلا و خدمه که سجه پادشاهان برای این فیل برقرار و توقیر و تعظیم سلاطین را در این او معمول میدارند در در اجتماع عمیش عامه این فیل را پادشاهان برابر میدانند جامه بوس او از همه ممتاز و حاجی سجا بهرات بر سر او نصب میکنند و در رکب او بزبرک و کوه کلبه و جان شاور می کنند و حیوه او را از دیگرانی عالم می شمارند و با او را با حی جان خود بدل می کنند و در وقت بحالت فانیزه داری حکمداران او را قتل و اعدام و ذکوردنات است به باس ماتم و در چهار سوق و بازار کریسان خود را چاک بنا نهادند و کین در حش اینگز در عکسینیکه یکدیگر معاوت می نمایند و ابسم این فیل را بنامند و عمارتی طوکانه شمن بر بیوت و جوار و خدم و مصاحبان امور کار و اس سلطنت برای او ترتیب داده و او را مانند پادشاهان می برند و هر روزه برای او مشک و عسبر بودی او نثار و یکسودن حشر بروی او تعلیقات طبعی بل می آید و هر کس همین ایله ماکولات و مشروبانش تنزل کند جنبه نیشکر فزادان آورده و پیش او می رسد و حرکات حیوانیه او را افعال دست بر سینه عرض تضرع و استعجال

۱۷۸۴

میما چون وقت پیش ازین یک گشتی از نیک دنیا که بطرف هندوستان بود در آن زدیکها غرق و االی او تلف شده بود و مذکر یکی از آنها شده امان و خیزان بشهر سیام افتاده و در انجا خود را بصورت ظاهر کرده بعد از چندی او را بچکیم باگیری فیل بزبور برقرار کردند و از ده سال باسقامت مزاج فیل مداومت می نمود صاحب خانه و ثروت و نفوذ و فراوان گردیده بخیال وطن مالوف قفا بیرون خود را معتد میدید و زیاده پیر شدن فیل را نیز نهیده اراده کرده بود که فیل را سوم و هلاک نماید خود مختلص شود گفته بود که بزبرک استراج فیل انحراف طاری شد باطنه او با تخمیف داد و تریاک زیاد داخل غذای او کرده بود و فیل بعد از خوردن قصد طیب را یافت و او را بخرطوم در زیر قوایم خود گرفته هلاک کرده و خود نیز بدین حال بود درین بین خدم و چشم داخل شده و فیل نیز از سر تریاک قدری آید آمده اما جان او قاتل مرده بود و بزبرک الی انجا خوش انتقال نمود و در با تعلیقات بسیار بر دست بر او مخصوص من کرده و حسب طیب استراج فیل انداخته چشمانه روز طوارم تغزیه داری فیل برداشته و طیب را نیز کشته بدش منحنی گرداند از قوایم معلوم میشود نسبت بدش منحنی فیل عرش نیز طولی بسیار و سیام فیل سابق بعد پانزده سال سید و این نام سنه هزار و دویست و هفتاد و دو در اوایل شهر جدای الادل بزبرک قالب عوض کرده که اسم و گبر او جبرین حاضر شده بخورات زیاد پیش حبه او کشید او را بمقبره اصال مقبره را از خود و بر ممالا مال کرده و بزبرکان آن ملت مدبر او کشته و در گوشه پای او حکم ان باطل است قائم شد طوارم لوجه و تغزیه داری پرده چشم بعد از انجا حجت کرده بطریقیکه مرقوم شد چشمانه روز تغزیه داری کرده اند و این فیل در روزنامه ها مندان نوشته شد و بعضی متسنده فیل دیگر پیدا کرده

سجای او نصب ناسند



# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه نهمه شصت و سه مبارک رمضان المبارک مطابق بیست و سه ۱۲۷۲

روزه حیات بقوله بخت

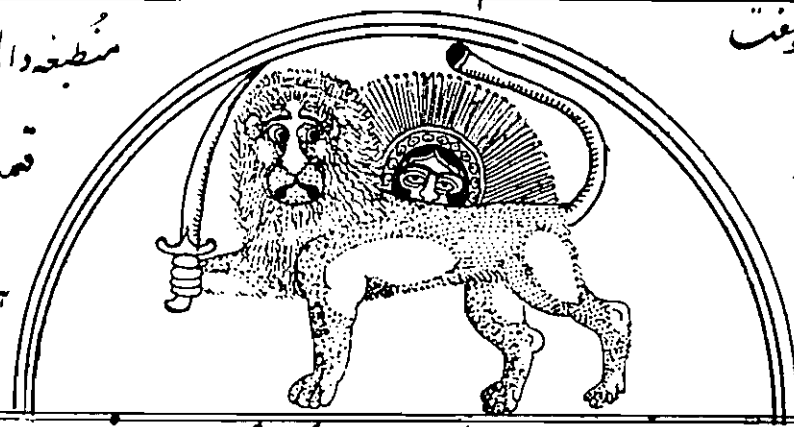
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شبر

هر خط پنج شبر



## اجبار و احسانه مالک محروم پادشاهی

### دارالخلافه طهران

در این روزها بقرار استمرار هر ساله میدان چرخه جلوسختگی را این سببی کرده بعلاوه دکا کین بود که همه در اینجا است سایر کسبه و اصناف چادرها و ابل صنعت و حرفه صنایع خود را آورده در اینجا چیده اند چون این قانون از عهد خاقان مغفور پادشاه خلد از امگاه البسمه به حلال النور در دارالخلافه مبارک معمول و در ماه مبارک رمضان کسبه و اصناف صنایع جمع گشته با صنایع خود را معرض بیع در می آورند هم مشغولیتی برای روزه داران که نقایص صنعت عیش چندان با آنها نماید و هم بازار داد و ستد کسبه گرم و منتفع میشوند با بقا جلوسان مسجد و بعد از آن سخن اما مراده زید یکد سال این اساس چیده می شد در این اوقات که دو سال است میدان جدید حسب الامر آفیس هایون شاهی صنایع ایام سلطنته عن التسنای ساخته شده است چون

بجب دست فضا و سگوه بنا بهتر و در پختن نیز نزدیک است کسبه و اصناف در میدان مر بورد دکا کین ترتیب داده داد و ستد می کنند و ایام ملی نیز بعد از ادای صلوته و فرغت از عبادت بجهت تعرج و مشغولی میدان مر بورد آمد تا حوالی اوقات را مشغول دارند از آنجا که مراتب کفایت و درایت عالیجا بهر محمد ابراهیم خان یزدی در کاشان مشهود رای ادلیای دولت علیه گشته بود لهذا این خدمت حکومت خوار و کلیایگان بعهده کفایت و اهتمام او مفوض و محول داشته فرمان همه لمعان هایون شرف صدور یافت و خلعت هدایت مرحمت شد لکن این ایام مستبر که ماه مبارک رمضان بجهت احترام این ایام توقف در دارالخلافه نموده بعد از ماه مبارک رمضان بقر حکومت خود خواهد رفت

۱۷۸۵

### سایر ولایات

ادریباجان از قراریکه در روزنامه ادریا  
نوشته اند امور انولایت قرین انتظام و انضباط  
و نواب مستطابش هر اذنه و الایتهار لرضه الدوله  
حکمران آدریباجان کمال مراقبت را در امور لوگو کرد  
و انجام خدمات دیوانی و روانه کردن نوکر نظام  
و غیره مامور بدربارها لون دارند و کل حکام حرد  
و چاکران دیوانی حسب احکام نواب معسزی الیه هر  
در سر خدمت و محل ماموریت خود لضبیط و ربط  
ابوابجمعی خود مشغول و مشغوم مالی و رعایای ادریا  
در عین آسودگی و فراغت بدعا کونی دات اندیش  
همایون شایستهی اشتغال دارند و امور طرق و سوا  
مضبیط و مستحفظ و قراسوران در راهها محاط  
و محارست مشغول و عابرین و مترددین نجاط جمعی

عمور و مرورینمایند

### استر اباد و استر اباد و صهما

ازین ولایات درین بقعه اخباری نبود

### بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند بجهت  
بارندگی زیاد که چند وقت پیش ازین در آنجا شد  
بود در حصار قدیم دور شهر حرانی بسیار روی  
و امر کرک فی الحمله بی نظم شده بود که مردم بار  
از راه و رخنهها شهر آورده و از کرک میکریزاندند  
نواب اکبر میرزا نایب الحکومه بروجرد عجله سر با  
فوج خدا بند لورا در بند شهر بجهت رفع تعلق این

اشخاص و حماقت دزدان از سرقت و شرارت قراول  
گذاشته اند و قرار داده اند که بعد از ورود نواب  
مستطابش هر اذنه و الایتهار حشام الدوله حکمران  
بروجرد و لرستان و عربستان و خنساری حصار حیدر  
باذن و اجازت نواب معسزی لیه در دوشهر  
بکشد

دیگر نوشته اند که در این اوقات زنی در بروجرد  
پیدا شده بخانههای مردم آمد و شد میکرد و  
در بعضی جاها مثل خانههای بزرگان و خوین که در  
دار اختلافه معترف اند اظهار اعتبار مینمود که همرا  
در طهران قدر و جاه حاصل است و بخانههای خوین  
بزرگان آنجا راه دارم و بخانههای تجار که میرفت  
خود را مقدمه مینمود و بنماز و اوراد مشغول میشد  
و درین ضمن هر جا که فرصت میکرد مینویست

سبقت میبرد و اسباب زیاد ببرد و از قبیل ستر  
نقره و مسینه آلات و غیره از خانههای مردم دزد  
بود در این اوقات که صاحبان اموال سر و قد  
لغرض بودند مشارالیها دستگیر شده و اسباب مردم  
در نزد او بروز کرد آنها را دریافت و صاحبان  
تسلیم کرده چون سارقان مزبور به استیانی نودند  
نواب اکبر میرزا اورا بعاجله میرزا کریم خان کدخدای

### بسطام و خراسان

ازین ولایات نیز درین بقعه اخباری نبود  
حمه

از قراریکه در روزنامه حتمه نوشته اند چون  
 مهال نسبت با لهای دیگر غله در آنجا قدری  
 بقدر داشت و جماعت خبازان کم می بختند و مردم  
 خصوصاً عبا ازین محسبه کمی در عسرت بودند لاجاه  
 میرزا ولیخان نایب الحکومه پس از استحضار بر  
 این معنی قرار گذاشته از صاحبان غله آورد و گندم  
 خریداری کرده بنه خبازان تقسیم نمود و قدغن کرد  
 که اگر یک دکان خبازی بعد ازین سببه باشد  
 باینان کم بپرد یا کران بفرود شد مورد جریمه و  
 باشد و بعد ازین قرار داده و رسیدن غله بنا بود  
 بالفصل در همه دکانین خبازی نان هر روز فراوان  
 و عربا و عجزه و ساکنین از این معنی زیاده راضی  
 شاکر میباشند

دیکر نوشته اند که احمد نامی زنجانی که سابقاً نیز  
 بدزدی و سرارت مشهور بود در این اوقات  
 سرقت کرده دار و فقه شهر او را پیدا و دسیکله  
 بنزد عالیجاه میرزا ولیخان آورد الاغ را بهش برد  
 و سارق را تمبیه مصبوط نموده بعد از مهار کردن  
 دور کوچهها و بازارها اخراج بله نموده حسب احکم  
 از آنجا بیرون کردند

دیکر نوشته اند که در ماه گذشته شخصی جوپان  
 بنزد داروغه آمده مذکور داشته بود که نقشی در صحرا  
 دیدم که او را مقتول کرده اند داروغه مراتب را  
 لیا لجا نایب الحکومه اظهار نمود فرستاد جنایه  
 مقتول را آوردند مردم او را شناختند که از اهل آنجا

ولی قاتل او معلوم نشد کسبت لجا مشا را لیه آدم  
 بتفحص کماشته و بکده خدایان و غیره سفارش و اتهام  
 نموده است که قاتل را پیدا نمایند تا در بارها باین  
 عرض آنچه حکم شود در باره معمول دارد  
 دیکر نوشته اند که لجا مشا را لیه در رسیدگی با امور  
 و قطع و فصل مطالبات و دعاوی مردم و احقاق  
 حق کمال دقت را بعمل می آورد و اتهام در روز گذشت  
 دارد و طلبی که مردم از یکدیگر دارند و عارض می شوند  
 اگر مال این ایام است بعد از ثبوت حکما آدم میکارند که  
 وصول و طلب کار عاید سازد چنانکه شخصی بزاد عارض  
 شد که از بزازی دیگر که در خارج شهر است شازده  
 تومان بوجب تمسک شرعی طلب دارم و مشا را لیه در  
 ادای آن حال مدتی بخیال است که میاطله دفع الی  
 بنمایند فرستاده او را بشهر حاضر کردند بعد ازین  
 مدتی علیه خواه را از او گرفته صاحب خواه عاید ساخت  
 خواه شاکر و دعا گو از آنجا بیرون آمد و اگر طلب است  
 مطلقاً آن رجوع نمی کند و مدتی را جواب میگوید

س ا و

از قراریکه در روزنامه ساوه نوشته اند در جماعت  
 این ماه ناکاه هوا بر شده و رعد و برق و باران  
 شدید شروع کرده چنانچه در نیم ساعت سیل عظیم  
 بر راه افتاد و باده و باغات آن اطراف خرابی  
 زیاد رسانده بطوری رود سیل فرو گرفت که کس  
 خاشاک در زمین بود و خندق خود و عیان اطفال را بردند دیگر  
 اسباب بردن نشد بعد یکصد پنجاه باب خانه در خود ساوه

۱۷۸۷

آنجا محفوظ بماند

دیگر از قواریکه نوشته اند در بلوکات خنج و جز  
مگر که بسیار درستی که با اندازه تخم مرغی بوداده  
دپاره از حیوانات و محصول انجا را تلف و ضایع

موزه است

دیگر نوشته اند که شش هارده توپ و چهاره که  
از دربارهای یون مسه اه عالیجا جعفر قلینجان  
تو پنجاه مامور گردیده بود در این اوقات و از  
شیراز گردیده و در روز و روز نواب موید اول  
اهل نظام متوقف شیراز را با استقبال و ستاده  
و آنجا را بنویسند شیراز وارد کرده اند

و همچنین در روز و روز و در سایر اوقات  
جمع صاحب منصبان و افاضی را که در شیراز  
بوده اند نواب معزی لیه با استقبال و ستاده  
و با کمال اعزاز و احترام وارد کرده اند و نواب  
خود نیز بعد از ورود و ملاحظه آنها رفته و با حاد  
افراد سر باران و صاحب منصبان آنها رسیدگی  
نمودند و کمال تحسین و توارش را کردند

دیگر نوشته بودند که شخص قادی را اسک دیوانه گردید  
چون بغاوتی که باید برود بمشهد ام آبی و رخت و با  
خود را گذاشته مر حجت نماید عمل کرده بود در این  
اوقات بهان مرض فوت شد  
قرن وین و قسم و کاشان و کرد  
و کروکس

از این ولایات نیز در این نفع اخباری بود

خراب شده و روز بعد از سیل که اینقدر خانه دیدند  
که خراب شده است بسیار خانه نیز از سیلاب  
بوده است که آنها را هم گمان میکردند که خراب  
شد

سنان و عراق ازین ولایات نیز

این نفع اخباری نبود فارس از  
در روزنامه فارس نوشته اند امور انولایت  
از بهر حجت فقطم و نواب مستطاب شیراز  
والا تبار موید الدوله حکم آن مملکت فارس  
نهایت مراقبت را در انتظام امر ولایت و رفقا  
حال رعایا و برابرا بعل می آورند و رعایا مردم  
فقا و عجزه خود بنفست رسیدگی می نمایند و خبری

و کلی امورات از روی دقت غوررسی مینمایند  
و در باب نظم طرق و شوارع اهتمام زیاد نموده اند  
و راهها کمال آسودگی را دارد و قاسوران و مستحفظ  
همه جا بحفظ و حر است مشغول و عابرین و متردین  
آسود خاطر عبور و مرور مینمایند

دیگر نوشته اند که در بلوکات فارس و حول  
شیراز امسال سجد الله انار مانع که چند سال  
در فارس می آمد در هیچ جا ظاهر نیست مگر در بلوکات  
وفت و سر و ستان قدری که مانع بیرون آمدن  
نواب مستطاب موید الدوله بجز دستماع حکم کرده  
و محصل فرستادند که اهل بلوکات را بجمعیت کرده  
انها را تا مال و پر در بریاورده و بیرون بیاورده  
جمع کرده و تلف نمایند که انرا حاصل از ضرر

### کرمانشاهان

از فرار که در روزنامه کرمانشاهان نوشته بود  
 ضعیف سارقان زبان که خدا ابو القاسم که خدا  
 محذوفین آباد آمد بعد چهل پنجاه تومان جنس از نواز  
 گرفته بود و شخص برار مطالبه وجه اجناس را از خدا  
 میبویر و او ابا کرده بود که من اسلحه طلوع میدم  
 و کیرا پیش تو نفرستاده ام ولی پیدا کردن آن  
 در دمه من است و در مقام تفحص سارق برآمد  
 روز رنی را دیده بود که بخانه رفت و بعد از لحظه  
 باباس و چادر مبدل بیرون آمد او را گرفته فرستاد  
 برار را آوردند معلوم شده بود که همان سارق  
 اموال سر و قوازا و کاما بعینها استرداد و بعضا  
 تسلیم کردید از فرار که نوشته بود ضعیف میبویر  
 خالی از جنونی بوده است

دیکر نوشته بودند که ضعیف طفل دوسه ماهه داشته  
 شبی طفل گریه و بیایی زیاد کرده بود مادرش  
 قدری تریاک بخورد او داده بود که آرام بگیرد و  
 با سراجت بنجواب چنان خوابیده بود که دیگر بیدار  
 نشد

### کرمان

از فرار که در روزنامه کرمان نوشته بودند در  
 سیزده عید جماعتی از شاهان و سیر کسبه بر  
 تفتیح بیرون شهر رفته بودند درین بین با دست  
 بنای دزدان گذاشته و هواری تار یک و اینها را  
 از هم متفرق کرده بود نزدیک غروب که هواری

شده و یکدیگر را پیدا کرده بودند پسری شاکر دشت  
 که سبب دوازده سال بود غایب دیدند و شب نیز  
 بخانه نیامد در مقام تفحص او برآمد بعد از دوسه روز  
 معلوم شده بود که شدت باد و غبار و تاریکی بود  
 او را بچاهی از چاههای قنوات انداخته دلاک گرفتند

### کسیلان

از فرار که در روزنامه کسیلان نوشته اند امیرالاعظم  
 عمید الملک والی کسیلان بعد از ورود با تولا سید در  
 تحصیل موجبات سودگی و رفاه حال رعایا در  
 هر گونه تعلبات و حصول دعا کوفی بجهت دانت آمدن  
 همایون شاهنشاهی صان الیدایم سلطنته عن لیساهی  
 اهتمام را معمول میدارد از جمله در این اوقات امیر  
 دور رسیده و کم وزن در میان مردم سپار شده و  
 موجب ضرر و خسارت ارباب معاطات شده بود

قدغن اید نمود که آنچه اشرفی که زیاده از یک کدم  
 کسر داشته باشد جماعت صراف بر حسب التزام خود  
 جمع نموده و بضر آنجانه بدهند که شکره جدید تمام  
 عیار مشکوک نمایند که بدریج این پولهای کسری  
 از میان مردم برداشته شود و نیز که در بیان و شهادت  
 بلوکات در عقود و مناکحات مبالغه کراف تعدد  
 از رعایا و دافین با اسم تعارف اخذ میکردند  
 خصوص التزام از که خدا ایمان و ریش سفیدان گرفتند  
 که بعد ازین این قاعده متروک و موقوف باشد  
 و باین رسم اگر از رعایا دایم چیزی بکنند موزمونه با طایر  
 و همدان و نیز در این دلیات نیز اجاری نبود

۱۷۸۹

در این اوقات که ولیعهد امپراطور فرانسه متولد شد  
 از جانب امپراطور برسم تشکر و میمنت قدم و  
 جرایم و قبایح معده وین بخشیده شده باز ماندگان  
 آنها را اذن داده و اعلام کرده اند که هر کس بوطن  
 خود مراجعت نماید

و همین از اصول و قانون قدیمه دول اور و با  
 که وجه مسکوگ را در یکطرف صورت پادشاه آن  
 دولت و در طرف دیگرش در کنار رسم و در  
 وسط بگذرد و اوج باشد که میزند در ایام این جمهوری  
 آخر فرانسه و جوئی بهان قانون باصورت دختر  
 حسب احکام جمهوری در فرانسه سکه زدند و آن  
 تا این اوقات در آنولایت رواج بود و داد و

میشد امپراطور فرانسه بعد از تولد ولیعهد حکم کرده  
 که از مسکوکات موقوف متر و ک باشد و همه  
 جمع کرده نصف آنجا نه بریزد که آب کرده سکه جدید  
 نماید و مأمورین دولان حسب احکام امپراطور در کارند  
 که آن مسکوکات که باصورت دختر رسم از میان مردم جمع کرده اند

دیگر نوشته اند که از دختران پادشاه انگلیس یکجدا  
 رشد و کمال رسیده و حکمداران المانیا هر یک  
 تنهای موصلت و تزویج او را بجهت پسر خود کرده و  
 هر کدام علاقه ارسال رسل و رسائل با تظلمات و  
 نموده اند پسر و ولیعهد پادشاه دولت پروسی نیز  
 که در عنفوان جوانی است چندین شش ازین بیاحت  
 لندن رفته و چند وقت اقامت نموده بدولت  
 پروس مراجعت کرده بود در این اوقات مشایر

از فرانسه که در روزنامه های خارجه نوشته بودند  
 چون بقاعده مذهب عیسوی طفلی که متولد میشود مردی  
 و زنی وکیل او میشوند و این و کالت را واقفیت میکنند  
 در این اوقات که بجهت امپراطور فرانسه پسر بی

سود که داشته و بنا بپایان موسوم گردیده است از  
 جمله دگور پاپای رومه که بزرگ و پیشوای ملت کتول  
 عیسوی است و از خجاناتش زوجه پادشاه اسوچ  
 او شده اند و امپراطور فرانسه و زوجه اش  
 لهذا فرار داده اند که درین سال هر طفلی که در فرانسه  
 متولد شود از عالی یا ادانی واقفیت یعنی کسب او باشد  
 و نیز نوشته اند که در اوقات جمهوری آخر فرانسه

لوی فیلب که لوی ناپلیان رئیس جمهوری و بعد از آن  
 بهم خورده لوی ناپلیان با امپراطوری فرانسه تخصیص  
 بعضی اجزای جمهوری و کبرای ملت که با امپراطور مخالفت  
 کرده و امپراطوری او را تصدیق نکرده و قول نگذاشته  
 حکم باخراج آنها شده آنها را از خاک فرانسه براندازند

کردند در این اوقات اشخاص مزبور تصدیق نامه پسر  
 لوی ناپلیان را قول گذاشته و تمنای معاودت  
 بولایت فرانسه کرده اند از آنها هر کس که تصدیق  
 نامه مزبور را امر کرده و قول کشیده است امپراطور  
 فرانسه اذن داده است که بوطن خود معاودت  
 نماید و هر کس تصدیق نامه امپراطوری را مصدق  
 اذن معاودت ندارد و هم چنین در احتیال مزبور  
 بعضی معترضین بعضی هلاکت و اندام درآمده بودند

۱۷۹۰

۷

مجدد اعازم لندن شده اس از فراری روزی که در لندن  
می نویسند که با منظورش این سفر اراده موافقت  
با کرمه مزبور باشد  
دیگر نوشته اند که مابین دولتین استریه و سارین  
سابقا سببه بعضی مواد برودنی روی داده و همچنان  
طرفین از محل مأموریت کشیده شده و بدولت خود  
پیوسته بودند در این اوقات مابین دولتین  
برودنی نمانده و رفع کردت از جانبش شده  
ایچیان طرفین کافی سابق مأموریت خود برقرار  
و روانه محل مأموریت می شوند

دیگر نوشته اند که سببه اختلافات چند سال قبل  
در دولت استریه اتفاق افتاد از زمانی که  
و لبارو یا بعضی کسان که مصدر اسلوب شده بودند  
بعد از تسلط و استقلال امپراطور استریه بجای آنکه او را  
وزار کردند و از جانب امپراطور استریه حکم ضبط  
اطلاک آنها شده و در ضبط دیوان بود در این اوقات  
از زمانی که بعضی کسان مایل معاودت با دولت  
خود شده با امپراطور استریه عرض حال نموده و  
نوشته است دعای اذن معاودت کرده اند و از  
جانب امپراطور نیز حکم شده است که دیوانیان  
اطلاک آن اشخاص را سجدشان و اگر اندک  
در اوطان و اماکن خود ساکن شوند

دیگر نوشته بودند که از زمانی که جزو ولایت  
انجلس است شخصی سدر نام بعضی اوقات در پایتخت  
لندن توقف نموده است و از هر قسم کاغذ کتاس

که بجای پول در انبار و اچ است بقدر هفت کرد  
طلا بی ساخته و کسی هم تقصیر دلو بدجهه ایسکه بسیار  
با سکتس دیوان و ملی تفاوت ساخته بود و این  
پسگنا سهارا کلا با انبار و غیره معاود داد دست کرد  
آخر معدوف معتبره شده از جمله اجزای مجلس ملت  
انتخاب شده بود باین منب که رسید باین خیال افتاد  
که عاقبت برده از روی کار من برداشته خواهد شد  
و دیوانیان تقویت را خواهند فهمید و کار من خراب  
خواهد شد باین خیال و ائمه او قوت گرفته و بهلا  
خود را ضعیف کرده خود را بملک نموده است و از  
بیت و پنج سال قبل تا این ایام مستول این عمل بود  
و مانند او در قلابی کری ماهری تا این ایام دیده

دیگر در روزنامه جریده امحوادث نوشته اند که از حاکم  
انجلس در محلی کسی نام یک شخصی در جوانی خود در حال  
کرده و باین رسم و خیال در خواجگاه خوابیده و کاف  
نار آن کشیده هیچ از اطاق خود بیرون نمی آمد و خود  
خود را بدت محافظت میکرد و تا چهل و نه سال باین  
منوال گذرانده که هیچ از خواجگاه خود بیرون نیامد  
همیشه میگفت که بچه در سگم من است تا بس بنفاد سال  
که رسید چند وقت پیش ازین فوت شده و در این  
از گوشه انزوا مانند بیمار ان بیرون نیامد

تعب است  
دیگر نوشته اند که از اعضای مجلس انجبا و صلندان  
پرتسیه شخصی با وکیل ضبطیه دولت مزبور سببه بعضی

۱۷۹۱

کفتو با رنجش خاطر و عداوت بهم رسانده یکدیگر را بجنگ  
 دُول که جنگ روبرو با طپانچه و غیره است دعوت کرده  
 یکی از مقربان دولت پرورسته نیز این کیفیت را شده  
 کرده بر قدر خواسته بود و مابین آنها التیام بدیده  
 با صلاح بگذرانند فایده مکرده طرفین میدان جنگ  
 آمده بعد از ترتیب رسومی که در جنگ دُول و آن  
 طپانچه بکدیگر خالی کرده و کین صبیطه مضروب و  
 شده بود آن شخص مقرب نیز که میخواست صلاح این  
 از خشم اینکه چرا در کار اینها اجمال کردم یا چرا توسط  
 مرقبول مکررند و فرط طپانچه خود را بسینه خود خالی کرد  
 و هلاک شده است

نموده اخذ معلوماً تمسک کرد و غالباً سکوت محض بود  
 و هیچ صدائی از او بیرون نمی آمد و هر دو سه روز  
 یکدفعه از اطاق خود بیرون می آمدند تا یکان او این  
 معنی کمال لشکر و رضامندی از او داشتند خدی  
 باینطور بود تا اینکه مدت یکماه کسی او را ندید که از منزل  
 خود بیرون بیاید تا یکان بگریه افتادند که این شخص  
 تا یکماه در اطاق حکوم زلست نموده بایستاید در  
 بیرونها چون غریب و نابلد این ولایت است بقرطه  
 افتاده و هلاک شده باشد که از شنیدن این صیغیه  
 کرده ضابطان رفته در اطاق او را که از اندر  
 سبته بود و کسوده دیده بودند که کتا بهار او را طرف  
 خود چیده و مشغول مطالعه بوده است از شدت مطالعه  
 مضرف باکل و شرب نشده تا در گذشته است  
 جازه او را با اعزاز و احترام برداشته و دفن کرده اند  
 مضمون انجمن قون در حق بعضی بلها ماصدق بهم رسانده  
 ولی با دصف کرسی کسی تا دم بردن از شدت مشغول  
 بچاصل غذا نخورد تا هلاک شود تا کنون دیده نشده

دیکر نوشته اند که از امانی غلطه اسلامبول شخصی  
 شان تیمونی نام بطن تاریخ و نجوم و انواع علوم نام  
 داشت ولی صاحب سلیقه و ذهن مستقیم نبود و از اینکه  
 با کینت و بصاعت بود همیشه جمع کردن کتب مستوفه  
 اقدام مینمود و جایحانی را که دیده بود تا تاریخ لغوی  
 مشتمل بر جود و زواید بسیار که خارج از قاعده تاریخ  
 بود مینوشت و باین جهت اظهار مفاخرت و مباها  
 مینمود مثلاً اسلامبول را تعریف کرده که در فلان  
 محل فلان چیز هست در فلان چیز نیست با جمله مشابه  
 چند وقت پیش ازین بهار پس پای تخت و این  
 عنایت کرده پس از وصول با تجاور یک کوجه از  
 چهارم عمارات یک طاقی اعلی کرایه کرده و کتب خود را  
 در چهار گوشه اطاق ترتیب تا دم طاق چیده و خود  
 بمطالعه کتب مرنور مشغول بود و گاهی مجلس متعلمین

دیکر در روزنامه جریده احداث نوشته اند که در این اوقات ارگشهای  
 تجارتی یکی دنیا کشتی شرع دار بزرگ ارگشتی سه باره در آرزو  
 چهار دیرک داشت آمده کرد مانع سرای لنگر انداخته است  
 و باین طبعی کشتی تا حال در روی دریا دیده شده  
 و مردم جهت تماشای کشتی مرنور با بخار رفته و از جباب  
 و درازی آن کشتی تعجب داشته و تعریف زیاد مینمودند

۱۷۹۲

س



روزنامه قایق آفتابستان پنجشنبه بیست و نهم شهریور المبارک سلطنت الوعالی

نزهت وین بنگالوست

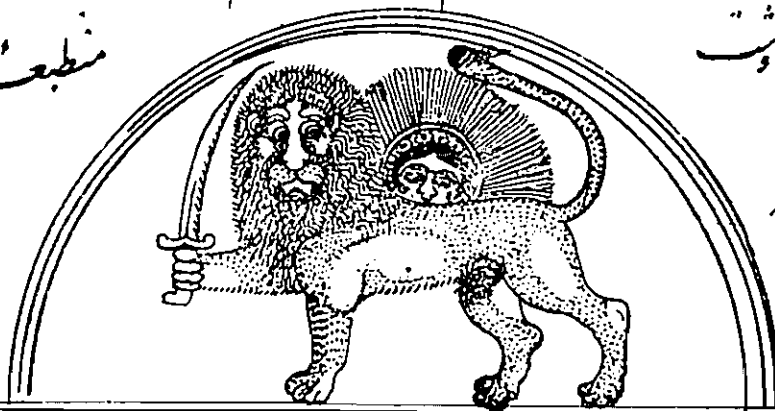
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت عیال

هر نسخه ده شمر

هر طریح شمر



اجبار و احساند مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه بیست و نهم شهریور المبارک سلطنت الوعالی  
شاهنشاهی تبریز و تماشای میدان جادو  
که کتب و اصناف متعه و بلورات و نفایس  
چیده بودند تشریف فرما گردیده جناب شرف  
امجد رفیع صدر اعظم و بعضی ارباب خواص مقربان  
حضرت کردون بطریق سینه نیز شرفیاب حضور  
مبارک بودند و بقدر یک ساعت در اینجا تفریح  
و تماشای فرموده اشیا غریبه و صنایع و نقاش  
بدریجه که در دکاکین و حجرات چیده بودند بعضی  
عرض حضور مبارک در آوردند بعضی از آنها که  
خاطر ملوکانه گردید فرمایش باقیاع آنها فرمودند  
و اصناف و کسبه از زیارت وجود فالین و  
جایون شاهنشاهی که عنده مقاصد آنها بود در ابد  
خرم و نرسندی بهم رسانده تقدیم شکر گذار  
نمودند و علاوه بر آن از اشیا غریبه که پسند

ملوکانه گردید و فرمودند اتباع شود اصناف فرمودند  
منتفع و بهره یاب شدند و بعد از تفریح و تماشای  
حجرات و این بندیهایی کسبه معاودت مبارک  
مبارک که سلطانی فرمودند  
از غرایب اتفاقات و عجایب مواصله که در هیئت  
در روزنامه شهر دارالخلافه نوشته شده بود طفلی  
متولد شده که سه سر داشته است یک سر آن  
بصورت معارف انسانی همه چیزشن بجای خود دست  
مگر یک چشم داشت که جای چشم بود بی تخم چشم و  
و ندان داشت در زبانی کوچک و زیر مثل زبان  
حرف و سردیگر بقدر نارنج بزرگی بود موی سرد است  
ولی آمار و علامتی دیگرند است و سر سیم بقدر  
قراباغی لی آمار و علامت دستهایش پیچیده است  
و پایش نیز پیچیده در دستها چهار ده انگشت  
الت رجولیت داشت ولی خصین داشت ممر گوش  
سوراخ کوچکی بود آوازش مانند آواز جوجه مرغ

۱۷۹۳

بیت و چهار ساعت زنده بود بعد فوت شد حکام  
تولد قابله دست بدان او انداخته بود که او را از رحم  
بیرین بکش از تیزی دندان او دست قابله خنم  
شده بود

حود را متوجه مستند که از جهال و او باش خودشان  
یا از خارج سهرقت و شرارتی سر نزنند و عیان  
و مترددین مطمن و اسوده خاطر عبور و میرودند

سایر ولایات  
اوربا یجان و آبر آباد و اسدا  
و اصفهان ازین ولایات درین هفت  
اخباری نبود

خراسان و حمت و سمنان و  
شاهرو و و عراق ازین ولایات  
نیز درین هفت اخباری نبود

بروجرد

فارس

از فرار یک در روزنامه بروجرد نوشته اند  
کمال انظم و اذیت در اینجا حاصل است و توت  
اکبر میرزا نایب الحکومه اینجا اتهام کامل در نظم  
ولایت و انجام خدمات دیوانی و اسودگی  
دارد و رسوم اهالی در عیاد و سکنه آن سال  
بر عای دات اقدس مایون اشتغال دارند  
غله و ازان قسم اخباری از فرار یک نوشته بود  
در ماه شعبان تبرستان قدری روتبرقی بوده  
ولی بعد از بارندگی آن اوقات که بسیار باران  
و موبق بود دیگر نریخ غله بالا رفت بلکه روتبرق  
و اینمغنی سبب مزید شکر و خرسندی عموم رعایا  
و اهالی انولایت گردید دیگر امر ایلات انولایت  
از حسن مراقبت نواب معتمدی الیه نظم کامل دارند  
اگر چه حکم مستحفظ و قواسوران سحر است معیار  
مشغولند ولی خود طوالیف مبرور نیز هر طایفه از  
خودشان آدهما گذاشته و طرق و سوارسخت

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند  
بهار سال بجه الله بارانهای نافع بسیار خوب  
بلوکات و کرمیات فارس آمد سبب خوشی  
عموم اهالی فارس گردید و زراعات از اغلب  
اوقات که اکثر سالها روی میداد تا بیستم شعبان  
که وقت دروغه پاره کرمیات است مصون و محفوظ  
بوده و امید کلی داشته اند که انوار الله سبحانی  
واقعی زسد دیگر نوشته بودند که بعد از عید نوروز  
که اول بهار و هنگام حرکت ایلات قفقازی و غیره  
سبب مصلقات بود عالیجاه معرب انخافان علیها  
ایلیاتی مراقبت تمام در انظم ایلات لعل آورده  
با کمال نظم و حسن سلوک از حدود و سامان  
خود گذشته اند و از احدی حرکت خلافی ناست  
و صادر گردیده است و اهالی دات و صاحبان  
اطلاک و زراعات نهایت رضامند و از آنها آرزو  
دیکر نوشته اند که لو آب استلاب شاهزاده و  
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس در نظم  
جمهور و اذیت طرق و معابر نزدیک و دور و رفا

۱۷۹۴

حال رعایا و برابری اتهامات کافی بعل می آورند  
 حکام جزو و مباشرین و کارگذاران دیوانی  
 حساب حکم لوایب معری الیه بانجام خدمات محوله بخود  
 مشغول و نوکران امور ساخوی سرحدات و بنا  
 هر یک در سرکار و خدمت خود مراقب میباشند  
 از جمله عالیجاه باقرخان سنگستانی بالعیلی الوالی  
 که ما مورس خلو بند رعایس بود با اینکه بعضی از  
 تعقیبهای او در لیس بوده اند نهایت خدمتگذار  
 نموده و لوایب شاهزاده سونیدالدوله نهایت  
 رضامندی را از او داشته اند و همچنین توحیحی  
 و سر بار ما مؤره در هر جا با کمال نظام حسن سلوک  
 بوده اند و کسی شکایتی از آنها نداشته است  
 قروین و قس و کاشان و کرمان  
 و کروس و کرمان و کرمانشاهان  
 این ولایات نیز درین نفعه اجباری بود

### کسیان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند  
 عمید الملک والی کیلان بعد از انتظام امر اولاد  
 و قرار کار رعایا و مباشرین والی بلده و بلوکات  
 در سیم ماه رمضان المبارک بانزلی رفته و بعد از  
 ورود بانجا در روز توقف نموده و احاد و افراد  
 ساخو انجرا از توحیح و سر بار و قور خانی خواست  
 و بدقت رسیدگی نموده و نوازش و انعام بنا  
 نموده آنها را دلگرم خدمتگذاری کرده است و به  
 باستانها و قورخانه انجا رسیدگی کامل نموده

اسیچ وجه و اسباب که بجهت تعمیر و تدارک آنها  
 لازم بوده است سرانجام نموده و امور انجرا را  
 از هر جهت منظم داشته مراجعت برت کرده  
 دیگر نوشته که شخصی از سارقین مشهور کیلان  
 که بکرات گرفتار شده و متخلص گردیده بود در  
 این اوقات باز سرقت کرده و دستگیر گردید  
 چون سابقا اهل شهر و دماقین هر چه دزد گرفته  
 می آوردند و جهت استخلاص خود اقرار میکرد  
 می بست که فلان کس فلان مبلغ از من گرفته است  
 و فلان نخواه را که سرقت کرده ام بفلان کس داد  
 و کارگذاران حکام سابق بعضی که مداخل خود را  
 بودند و مطلقا احقاق حق منظورشان نبود حرف  
 سارق را قبول و بدون پرسش و تحقیق و جوه قلمداد  
 او را حکماً از آن اشخاص گرفته و دزد را را میگردند  
 این فقره نیز خسته از مداخلات آنها شده اگر مال  
 کسی بفرقت میرفت از پرسش اینکه بچاره دیگر گرفتار  
 خسارت نشود اقدام بگرفتن سارق نمیشود این  
 نیز که دستگیر شده بود خواست بقرار سابق تمت  
 بد بیکران بزند امیر الامرا لفظ عمید الملک اقول  
 کاذبه اورا مسموع نداشته بعد از غوررسی و  
 سرقت او سیاسی که شالسته عمل او بود نمود تا  
 دیگری بعد ازین مرتب سرقت نشود

ما زندان و ملایر و نهان و نهان  
 و نیز ولایات نیز درین نفعه اجباری بود

۱۷۹۵

### اجار و ول خارجه

از فرار که در روزنامه های دول خارجه نوشته اند  
در همه ممالک روی زمین در چیزهایی که خرید و  
فروش میشود بسیار ثقل و حمید بکار میروند  
آنچه ماکولات و مشروبات متعلق است تقدیر  
آن غیر آن جنس با مخلوط شده بعضی اصناف  
بی انصاف بجهت کمترین کسب کار و تحصیل منافع بسیار  
هر چه میخیزند مخلوط بچیز دیگر کرده و چند سالی  
آن قیمت که خریدند اند بفرش میسازند و  
در حق عموم مردم بسیار ضرر است دارد و لکن در  
دولت انگلیس و دولت فرانسه هر یک مخصوصاً  
بجهت تشخیص بی عیب بودن ماکولات و مشروبات  
از اجزای دیگر معین کرده اند میباید حیوانات  
و آرد شده آنها و از مشروبات رنگ کرده آنها  
و غیره بمرکز مأمورین مجلس مریز لورد ایزد  
در بازارها و کوچه ها فروخته شود و مأمورین  
از این اشیاء را بتمام تجربه و امتحان رسانده بعد  
حاطر جمعی و تشخیص خوب و بد آن بفروش  
اولاً در میان گوید بینا سواهی خاک که جزء غلظت  
از هر جوره چیزهای دیگر میگویند و در محوم و بعضی  
جایها حیواناتی که مردار شده اند لاشه آنها را  
آورده کوششان را داخل محوم ماکول میسازند  
و در میان نان تقدیر صد و ده اشیاء دیگر ضم  
میکنند انواع چائی که از چین سایر ولایات  
می آورند از نصف ریال تر طرفهای خود ردی گوئی

که آنها را رنگ کرده و رنگ آنها را با رنگ چای  
مطابق نموده مخلوط می کنند و بفروش میسازند  
حتی در خود ولایت چین نیز این حمید را بکار میبرند  
و در میان قهوه حیوانات دیگر از قبیل سنج و غیره  
که نسبت بقهوه ارزان است داخل می کنند و در  
میان شکر مکی که سفید است و با شکر شایت دارد  
داخل میسازند و بشکر رنگ کرده چیزی که بتواند  
اعم از آنکه آن چیز سمیت داشته یا نداشته باشد  
مخلوط میسازند و در میان مکررات القدر آب و  
میسازند که چیزی که در او نمیند آب انکور است و با  
ضرر بسیار بوجود و ابدان مردم می شود سر که اعلا  
بسیار خوب عبارت شده است از شراب و آب  
و تیزاب و سایر چیزها نیز ازین قبیل قیاس می شود  
حال در انگلیس فرانسه این فرار داده اند که رنگ  
ثقل از ماکولات و مشروبات بود و سایر  
اور و پانیز در پی این مطلب خواهند بود  
دیگر نوشته اند که امپراطور فرانسه بجهت الترام حد  
خود و عیال خود که سفر آحضراً باشند صد نفر تا بین  
سی و هشت نفر از بزرگ و کوچک ضابطان عسکر خاص  
تخصیص داده اینها لغایت جوانان بلند قامت و  
نایاب و مسه بیک قد میسازند و نفقات آنها بجهت  
بشکل خدم درآمده اند هر یک یک نفر خدمتکار  
دارند و در وقت سفر و مسافرت جیره سایرین  
با آنها جیره داده میشود  
دیگر نوشته اند که مابین دولت انگلیس و حکومت

۱۷۹۶

کاس درین روز معاہدہ تجاری قرار داده شد  
و احتتام معاہدہ مزبور مبنی بر منفعت تجار طرفین است

و لو مبارک دیا و ایتالیا قرار بود ساخته شود قوتی  
روزش شد مشهور لغت و وجه مخارج آنرا کرده است  
و در این اوقات در کار ساختن میباشند

دیگر نوشته اند که در ایام عید سلطانی در شهر

دیگر نوشته بودند که از یهودیان استان یکی چند

یوزغاد بطوری طوفان شده بود و برف ریاض

وقت پیش ازین در اسلامبول تجارت و داد و ستد

آمد که کسی از خانه قدرت بیرون آمدن نداشت

میکرد و با عیال خود قیام نمود سه دفعه ناگهان

و کاکین جنابری عمیره همه بسته شده بود کسان

او سوخته و لو بر طه افلاس گرفتار گردیده درین

معمرد سال و صد ساله اسکنون برف و طوفان

بین دو نفر پیرمای او بفرقت شده مستغرق اللم

در آنجا ندیده بودند سهل است از آباد اسلاف

و فکر زیاد شد قروضی که تجارت داشت تعدد و رش

خود نیز شنیده بوده اند که اسکنون برف و برف

شود که اداناید از یکی از تجار قدرتی اموال و پان

در آنجا اتفاق افتاده باشد ولی نوشته اند

گرفته و پخال پیش ازین بطرف دارنه رفته بود

که این برودت زود رفع شود در اندک وقت

هو اطلایم کردید

۱۷۹۷

و همچنین در طوفانی که چند وقت قبل ازین در بجز

چند آنکه بتفحص او بر آمدند اثری نیافتند تا درین

شده بود خسارت زیاد بکشتیها رساند است

اوقات معلوم شده است که یهودی مزبور درین

از جمله در طرف کوستجه پازده و نوکشتی

ایام اجتماع عساکر دول اربعه در سیواشپول

سیاهی افتاده بعضی بایله شکسته و تلف شد

مبارد و های آنجا رفته و داد و ستد و معاملات

و بعضی خرابی زیاد بهم رسانده خسارت زیاد

کرده و خیلی منفعت حاصل نموده در این روزها

عاید روزگار تجارت کرده سجار افلاق بجهت این

با اسلامبول مراجعت کرده است و قروضی که تجارت

صخره سخا جمع کرده بسمت قلاص می آورده اند

داشت کلاً ادا نموده بعد در مقام ادای منافع

دیگر نوشته اند که پادشاه بلجیقا در دویم ماه

در یون برآمده بعضی از تجار منافع خود را قبول و

از مفر حکومت خود حرکت کرده و روانه لندن

در یافت کرده و بعضی دیگر با و بخشیده و او را

شده است  
دیگر نوشته اند که راه آهنی که بطرف وندیک

درستی و صداقت یهودی مزبور کمال تعجب را

دعا مند

<p>دیکر نوشته اند که در دولت انگلیس سبب معاش فقرا و مردمان بی نصابت در لندن سی و دو هزار و دو سبب و سی و دو نفر اصحاب بی پول شده اند و پنج پیمان اصحاب خیرات دیگر که هر کدام در عرض سال یک لیر اجمعه مخارج فقرا<sup>اعظا</sup> نمانند لغت کرده اند درین صورت امور معاش فقرای آنجا بکمال خوبی انتظام یافته و درسته از قید سؤال و یکدیگی شده اند</p>	<p>دیکر نوشته اند که در اوایل سجان در آدرنه از دکان شخص جلاچی قضا، آتش ظهور کرده و بواسطه چون شدت طوفانی بوده و باد شدید میوزیده چهار ساعت امتداد یافته دولت و چهل باب دکان و پنج باب کاروانسرای بزرگ و سی و کاروانسرای کوچک و یک انبار آرد و دکان اطراف انبار مزبور و هشت بیخانه کلا سوخته است تا بعد آتش را خاموش کرده اند</p>
<p>دیکر نوشته اند که در این اوقات سبب شکالی در این اوقات سبب ریاضت کردن کشتیهای دولت مزبور مجلسی منعقد و وجهی معین<sup>بسی</sup> صرف نموده بنا گذاشته اند و در پیشانی باز</p>	<p>دیکر نوشته اند که سبب کاغذ ارگن پنبه و کتان ساخته می شد حال یکی از معلمین علم کاغذ سازی در انگلیس اختراعی کرده است که ساختن کاغذ منحصراً بکنه نباشد بلکه از هر گونه نباتات ساخته شود و علامت هم کاغذ از تنهایی که در کوهستان میردیند لعجل می آید و بعد ازین از طرف دولتیا علمجات مخصوص سبب جمع کردن نباتات برای ساختن کاغذ مشخص خواهد شد</p>
<p>دیکر نوشته اند که منافع محسنات راه آهن در دول فرانسه ظهور نام دارد و در این اوقات دولت با ویرانمانند راههای از شهرهای بزرگ بیکدیگر ساخته است از قبیل مکتب خود اراده کرده که از دو وجه صرف وجه خارج آن بقوم بیانی که در طلب کارهای بیشتر از هر فرد صد و چهار منفعت اعلان کرده است که بدو</p>	<p>دیکر نوشته اند که سبب و لیعهد امپراطور دولت فرانسه که در این ایام متولد گردیده است از جانب دولت اسپانیا بیک قطعه نشانها معتبر دولت مزبور مصوب با موری مخصوص پای تحت فرانسه ارسال شده است</p>
<p>دیکر نوشته اند که در مقرر حکومت پارمه که در ایتالیا واقع است یکی از وکلای پوپس را که در کوهها بخت و حراست مشغول بوده است در کوه چشیده بودند و قاتل او معلوم نبود</p>	<p>دیکر نوشته اند که در مقرر حکومت پارمه که در ایتالیا واقع است یکی از وکلای پوپس را که در کوهها بخت و حراست مشغول بوده است در کوه چشیده بودند و قاتل او معلوم نبود</p>

۱۷۹۸

# روزنامه فایده آفاقیت پنجشنبه عذره اشوال المکرّم مطابق سال لوی ۱۲۷۲

روزنامه فایده آفاقیت

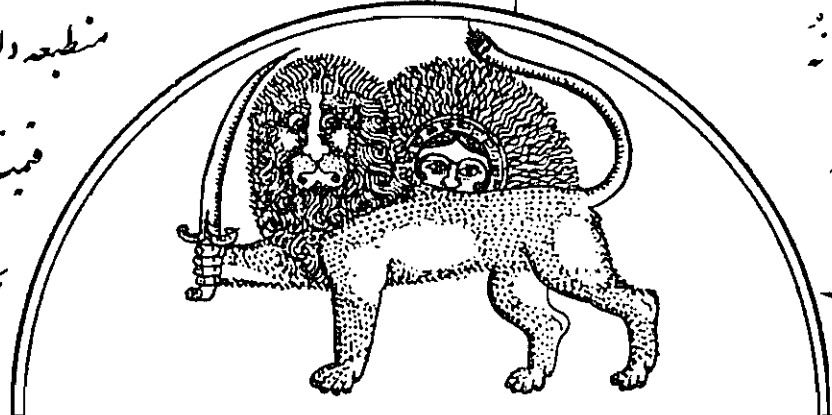
قیمت روزنامه

پنجشنبه

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط یک خط



## اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاه

**دارالخلافه طهران**

بظهور و فورم رسم خاطر اقدس ها یون  
 صان الله ایام سلطنته عن التماهی در حق جناب  
 اشرف ارفع صدر اعظم در روز یکشنبه گذشته  
 بیایع نظامیت متعلق جناب معظّم که بحسب طرح و  
 و روح و صفات ممتاز و درین فصل بهار کمال حرمتی  
 زینت دارد تشریف فرما گردیدند از جانب  
 معظّم و جناب نظام الملک لوازم قربانیهایی  
 و پاندا از بطور شایسته بعل آمده افطار و سحور  
 در آنجا صرف فرمودند بعد از افطار که بعضی از  
 عظام نیز شرفیاب حضور مبارک بودند اساس جشن  
 و آسبازی بطرح تازه و کتیب که معین و نمکی خسته  
 بودند در حضور مظهر ظهور روشنی افزای مجلس  
 گردیده و بسیار مطبوع و مستحسن خاطر ملوک و افاضه  
 متعلقان جناب معظّم لازم تقدیم خدمت کرداری  
 آمده مورد تحسین و التفات حسروانی گردیدند

چون بر وجودها لون زیاد الوصف خورشید  
 شب دیگر را نیز درها بنجا عزیمت توقف فرمودند  
 ایام ماه مبارک صیام بخیر و خرمی با تمام رسید  
 جمعیت دارالخلافه طهران سجه حصول امت و غنای  
 عامه مردم و کثرت معاملات روز بروز در ترزاید  
 و از اطراف مالک محروسه اهل حرفه و صنعت و غیره  
 به دارالخلافه آمده توطن مینمایند بدینجهت سال بسالی  
 عباد و سلین در مساجد و معابد بیشتر است چنانچه  
 در مساجد و صلوات جماعت و مجالس و عطا از سالها  
 دیگر زیاده تر جمعیت عبادت کاران و دعاگویان  
 میشود

نظر بقابلیت شایستگی عالیجاه مرئوسی قلیخان و دعا  
 مقرب الخاقان محمد سمعیل خان نوری و اتهامات او  
 در انجام خدمات محوله بنحو در این اوقات موافق  
 حکم نظامی منصب شکرکی سرافراز گردید

۱۷۹۹

سارولایات  
ادریاجان و اشترآباد و اسدیا  
واصفهان و برجرود و سلطام و خراسان  
و خرم و سمنان ازین ولایات در این  
اجزای بنود

عراق از قراریکه در روزنامه عراق  
مقرب انخاقان میرزا حسن خان که از دربار پهلوی  
مقر حکومت معاددت نمود بعد از ورود با شجاع  
انتظام امور ولایتی و نظم دلت خالصه اهتمام کامل  
موزده است چون سال بجهت بارندگی زیاد و خرابی  
سبب بعضی رعایای خالصجات و غیره متفرق شده  
و بجای دیگر فرستاده اند آنها را و تساهل و تخفیف

و در معاش اطمینان و خاطر جمعی داده با وطن  
و اماکن خود مراجعت کرده مشغول عیسی خود هستند  
و که خدایان و رعایای کل بلوک عراق را از کرا  
و فرمان و شراه و خلیجستان سلطان آباد بجهت قرار

داد و ستد بده استه خواسته و مالی بلوک متوال  
می آیند و با امور هر فرقه رسیدگی کامل نموده نایب  
معین و بدی رعایا مشخص قدغن آکیده شود که کسی دینار  
زیاده از رعایا مطالبه نماید و به کمی مقصی المرام و

و عاگو با امید و آری تمام مراجعت بجانهای خود نمینمایند  
و بجهت بودن ما چه سیام شهباز العذار افطار تاسا  
نیچ و نشسته با امور ولایت و رعیت رسیدگی می نماید  
و محض حصول دعای خیر جهت ذات اقدس بجا یون  
شاهنشاهی شهبای ماه مبارک را استمرا ششی

بچاه شصت من برنج مخصوص فترا و اهل استحقاق  
طبخ نموده اطعام مساکین می شود دیگر نوشته بود  
که پل دیرآباد که معبر قوافل و زوار و از بناهای  
شاه عباس صفوی انارالد بر پایه است در این  
سال بجهت شدت سیل خراب و کارها برین صعب و

مشکل شده بود مقرب انخاقان مشا را لیه معمار  
بنا و عمارت معین کرده روانه نمود که بزودی  
پل مزبور را محکم و مضبوط سازد که از برای زوار و  
قوافل معطلی حاصل نشود و با الفعین و عمارت در آنجا مشغول  
می باشد چون پل مزبور محسب عام و عبور زوار و قوافل  
اعلیب ممالک محروسه از آنجا است ساختن آن الزم بود

مزید دعا کونی عامه برین آ  
فارس و قزوین و قم و بکان  
و کردستان و گروس و کرمان  
از این ولایات نیز درین مقدمه خبری بنود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند نهایت  
افیت و انتظام در انولایت حاصل است و رعایا  
و بریا آسوده خاطر بدعای وجود مبارک علی حضرت  
اقدس بجا یون شاهنشاهی مشغول اند و امیر الامرا را

سپهدار در نظم ولایت و غوررسی امور رعیت و  
خدمات دیوانی زیاده اهتمام دارد و کار طریق  
سوارع منظم و با کمال افیت عبور و مرور میشود  
چنانچه هر سال رسم انولایت بوده است که یکدفعه  
در بهار و یکدفعه در پاییز زوار آنجا روانه ارض اند

۱۸۰۰



میشوند اما سبب اینست طرق و سوارخ در  
اوایل بهار در دفعه جمعیت از زراعت معطل شده و  
ارض فیض بنیان گردیدند  
و دیگر نوشته اند که عالیجا امامعلی خان میرتب  
انتظام بلوچستان است در آن صفت کمال تسلط  
و اقتدار دارد چون سرحد داران سابق که ما  
انجامی شدند بجهت جلب نفع خودشان کارشان  
چندان شرف نداشت عالیجا مشارالیه مقتضای  
کمال معقولیت و کاردانی خود و سفارشات امیرالاکابر  
سپه دار پیشرفت خدمت و نیکنامی دولت را  
بر جلب منفعت تقدیم داده و امر اردو و باش اولیا  
که معتاد بهزرگی و شتابند در مقام اطاعت و تعقیب  
در آورده کسی قدرت تعدتی و قلب ندارد از جمله  
قلعه کس سیزده نفر زن و طفل عوض بدی دیوانی خود  
آورده بودند بعد تحقیق معلوم شد بود که اینها  
از جای دیگر اسیر کرده و بجوض مالیات آورده اند  
عالیجا مشارالیه ان سیزده نفر اسیر را داده  
برده با و طمان خود برسانند و امانی منبوره را بان  
عمل مذموم توپنج و محصل کاشته مالیات دیوانی را  
دریافت و غدرش کرده بود که امانی هر یک از قلعجات  
آن سرحد اگر از یکدیگر اسیر بگیرند مورد مواخذة  
باشند  
و دیگر نوشته اند که تا یکجا بعد از عهد در آن ولایت  
بارندگی نشده است و بمزارع خالصه و اربابی از  
بی بی فی الحکله ضرر رسیده و امانی اولایت قدرکی

داشته اند و بعد از یک ماه از عهد هوارا بشدتی سرد  
کرده بود که سرد درختی باغات را با تمام سرما زد  
ضایع نمود  
و دیگر تعبیر اجناس کرمان را نوشته اند که سوای برنج  
و روغن که فی الحکله کران بود سایر چیزها فزادان  
از زراعت و عبور قوافل و زوار با سودکی می شود

**کسلان**  
از نیولایت نیز درین هفتة احب ری رسیده است

**مازندران**  
از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند  
نواب هزارده و الا تبار لطف الله میرزا و میرزا  
میرزا اسد الله وزیر که بجهت باز دیدن طایفه  
عبد الملکی و رساندن موجب و رسیدگی بقلعجات  
و جاهائی که برای آنها ساخته شده رفته بودند  
و رود با بنجان نظم تمام در میان این منور داده و سان  
لوکر آنها را دیده مواجبشان را نفر بنفر در حضور  
دادند و به نرواب و قلعجات و زراعت آنها  
رسیدی نموده آنچه لازم زراعت داشتند از بند  
و عوامل سایر مصالح الا ملاک قدغن نمودند برای  
آنها تا ارک شده با کمال فراغت و اسودگی  
عمیسی زراعت میباشند

**طایر و نهان و نهان و نهان و**  
سیر و  
ازین ولایات منیر درین هفتة اخباری

۱۸۰۱

### اخبار دول خارجه

از قرار که در روزنامه های دول خارجه نوشته اند  
 و در جزایر مملکت میان که در سمت شرقی چین واقع است  
 جزیره نیقون نام که بقدر سه کمر در خلق وارد  
 مقرر حکومت آن که بشهرید و مشهور و حاوی مستعد  
 هزار خلق است در ماه کانون اول فرنگی در شب  
 با زوهم بوقت نصف شب زلزله عظیمی وقوع  
 یافته صد هزار خانه و پنجاه و چهار عبادت خانه و  
 کتب خانهای متعدد و عمارات دارالحکومه و یک  
 کتابخانه که صد و پنجاه و چهار هزار کتاب در آن  
 با لکه خراب گردید است و در سنگام زلزله  
 بعضی جایهای زمین دهان باز نموده و باره از عمارات  
 و خانه های مبرور یکجا زمین فرو رفته است و بعضی دیگر  
 سببه آتشی که ظهور کرده است کلا سوت و محو شده  
 و اغلب اهالی شهر تلف گردیده اند مگر بعضی اشخاص  
 که پیش ازین حرکت شده چند دقیقه که زمین حرکت  
 خرابی کرده بود احتیاط کرده چادرها در صحرا زد  
 سنگنی گرفته بودند خلاص شده اند و سببه زو رنجار  
 زیر زمین که از زیر دریا زور آورده و آب دریا را  
 بجای های دیگر با شید است اغلب اراضی آن  
 مملکت را آب گرفته و خرابی زیاد رسانده است  
 و از متزلزل شدن زمین آنجا بکرات آنچه معلوم  
 گردیده است معدن کوگرد آنجا حلیان نموده از  
 اهالی مرقومه که باطمینان خاطر ساکن بوده اند سببه  
 فوران آب بقدر دو هزار کشتی و زورق سگسته

و تلف شده و نیز ماهی بسیار بعد از کشیده شدن  
 آب بدریا و خشکی مانده و صید کرده بودند و از  
 کثرت زلزله در آن ولایت که بکرات شده است آنجا  
 مقرر زلزله میاید گفت و سببه بعد مسافتش میان  
 ولایات بعضی تفصیل احوال آنها از تواریخ صحیح  
 مسطور میگردد و شهرید و نام مذکور که مقرر حکومت  
 جزیره نیقون و ذکر آن گذشت از اینکه مملکتی بزرگ است  
 در سبط مقالات معلوم میشود اطراف آن مسافت  
 متسع است و کوههای آنجا بسیار وسیع و مشتمل به  
 باغچهها و بناهای آنجا یک مرتبه و پست و در یک خانه  
 بیش از یک نفر عیال سکنی نمی کند و حکام آنجا را قلوب  
 میگویند و دارالحکومه آنجا عمارت بزرگ که پنج عت  
 مسافت دوراوست و در میان آن شهر است و اطراف  
 بلده محصور و دیوار محاط و از عمارت حکمران خاص  
 و عوام اهالی و سکنه در عبور رعایت شرایط ادب  
 بینمایند و در شهر مبرور در هر محله سببه و در نفر یک کفر  
 نصب شده و این ده نفر ابوجهب یک ده باشی و این  
 ابوجهب یوز باشی و یوز باشیان در زیر حکم یک با  
 و یک باشیان ابوجهب امیر تومان و بهین نسبت  
 تا سکه آن سپرده اند و باین جهت چیزی نامعلوم در آنجا  
 نیست با سببه از احوالات غریبه جزیره بیان گذار  
 زلزله این اوقات کیفیت عظیم است و خسارت و ضرر  
 زیاد با اهالی آنجا رسانده است  
 دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در نزدیکی  
 مسجد جامع شریف که از بناهای سلطان احمد خان

۱۸۰۲

سیدنی است که ات میدانی مشهور است و این اسم میباشند  
 و سکنی در میدان مزبور نصب است جهت پیدا کردن  
 تاریخ سنگ مزبور بنای کندن زیر از آن گذشته  
 اول زیر میلی را که از مس مصنوع و بر یک چیده هم  
 بالا برده اند کوزه بقدر یک قلاج و نصف که تخمیناً  
 دوزخ باشد یک لوح پیدا شد بعد از آن زیر سنگ  
 مزبور را کندن یک لوح مربع شکل پیدا شده در  
 اطرافش خطوط بعبارت رومی بود که معلوم شد  
 سنگ مزبور را از مصر آورده اند و در تاریخ هزار  
 پانصد سال قبل ازین ایام در عهد تو لود و سوس  
 نام پادشاه آنوقت مضمون کرده دیده حتی پادشاه  
 مزبور آن سنگ را در مدت سی و دو روز نصب  
 کرده بود نوشته بودند و میدان مذکور در آن  
 ایام یک میدان وسیعی بوده و باب و عرابه مخصوص  
 داشته است و بان سبب آت میدانی شته  
 یافته بعد از زمان فاتح با طرف میدان مذکور یک  
 چند بنای دیوانی و بعد از آن مسجد جامع ساخته  
 و پائین سنگ مزبور بر روی بقدر دوزخ در زیرین  
 مانده در این اوقات که تاریخ پیدا شد برای پیدا  
 کردن آثارهای قدیم بنای حفر خندقی گذاشتند  
 هیچگونه آثاری پیدا نشد خندق را باز بر کردند  
 همیشه با طرف لوح سنگ مزبور از جانب سلطنت  
 سینه پنجه آهن وضع میشود و بغیر ازین سنگ سابقاً  
 سکنی دیگر تقلید نموده وضع کرده و اطرافش را  
 بنجاسس تصنع نموده بودند و نحاس آن برور فرغ

و جایهای خالی آن تبیین نموده و تجمه بیرون آوردند  
 تاریخ سنگ مزبور در این اوقات از جانب سلطان  
 سنجهر آن اقدام شده و در آثاری کندن زیر سنگ  
 تخمین از زمان اسکندر از نقره دو عدد و از مس  
 هفت عدد و ظرف پیدا شد  
 دیگر نوشته اند که در ولایت نخلی بالفعل با نرود  
 هزار چایار خانه موجود است در سال گذشته  
 چهارصد و پنجاه میان مکاتب که هصد کرد و باشد  
 ازین چایار خانه فرستاده شده و اجرت چایار  
 این مکاتب پانصد و پنجاه هزار یک که تخمیناً یازده  
 کروپول این ولایت باشد حاصل کرده و این غیر از  
 اجرت روزنامه سایر اوراق است  
 دیگر در باب راه سیم و چرخ صاعقه که سببه اخبار و  
 متداول کرده دیده است نوشته اند که این کیفیت از  
 محسنات عالم دیک ماده برق توام است که در یک  
 طرفه العین ازین سر زمین بان سر زمین خبر میرسانند  
 درین اوقات از بعضی جایها بیکدیگر که این سیمها  
 شده عادتاً از هر طرف باریها از قبیل شطرنج و لاتاری  
 و غیره نیز وقوع یافته و اخبار میشود از اهالی کندن  
 کسانی که مراقب بازی شطرنج دارند با چرخ صاعقه از  
 راه دریا خشکی پاره مهر کس که طالب باشد و غیر  
 بازی آنها بشود اخبار کرده اند در جانی که تالینان  
 بیت و پنج میل مسافت دارد در سر راه چرخ صاعقه  
 آمده بازی شطرنج چیده و با هر یفها که میچکاه یکدیگر را  
 بازی شطرنج خوب نموده و این که از شش سبیر هم که

۱۸۰۳

انگلیس و از راه سیم که بفرانسه محد و دایست  
 کرده درین روزها در هر طرف باین گونه کارها  
 و سوای این تشخیص ساعت اوقات شب و روز را از  
 ولایات دور و تعیین آن در بر ولایتی سبب قریب  
 باین اسباب در کمال زودی و آسانی معلوم میشود  
 با بجهت مانند منجمین که گرفتن آفتاب و ماه و اجزای  
 فلیکه و وقت و زمان و اختلاف هوا و شدت و لطافت  
 آن را خبر میدهند مگر این را هر چه صاعقه نیز  
 میتوانند خبر دهند که درین دقیقه و درین ثانیه  
 هوای فلان مکان چنین و چنان است و باین احوال  
 خبر عامه مردم با وصف بعد سافت از احوال یکدیگر  
 خبر دار و رفته رفته با بنجامین که دوستانی که از  
 دیدار یکدیگر سبب بعد سافت متعذرند صحبت و کلام  
 نمایند و همیشه از احوال یکدیگر با خبر باشند  
 دیگر نوشته اند که درین اوقات خبری نبود نام  
 از اهل صنایع فانوسی بزرگ بجهت روشنائی مجاری  
 کشتیها در دریای اسلامبول که شبها راه را کم  
 و بسنگ و سیاهی بخورند ساخته است فانوس  
 زور و روشنائی بیت و پنجره چراغ دارد و  
 حیثی سافت کشتیها در دریا بر روشنائی او عبور  
 و مرور کرده بمقصد میرسند  
 دیگر نوشته اند که سپری از حکمرانان المانیا که پسر  
 البطرشوی بر پادشاه انگلیس منسوب است و هولن لوج  
 موسوم در این اوقات بقصد اینکه در سبک کردن نظام  
 انگلیس منسک بشود حسب الاستدعای خود بدین

از جانب دولت منور با و التفات شده و  
 بزرگی دسته از نظام سحریه با و داده شده است  
 دیگر نوشته اند که در سمت شمال فرانس در  
 قلعه نام در فوج بیت و ختم محافظ خالوی یک سرباز  
 چاوش و چو قد فرانس و شدت ممک و صاحب  
 لغو و فراوان بود چند وقت پیش ازین وقت شد  
 هفتاد و پنجاه هزار فرانکه پول اولایت وجه نقد او بوده  
 چون وارثی دیگر سوای چاوش و دشش عسکر نبود  
 نداشت اموال او با تمام انتقال بان چاوش  
 یافت  
 دیگر نوشته اند که راه سیم صاعقه که از اسلامبول  
 تا شمشی و ادرنه امتد شده اخبار آن تا کنون بزبان  
 فرانس بود بعد ازین بجهت سهولت کار تجارت اسلام  
 و ارامنه که زبان فرانس نمیدانند از جانب سلطان  
 حکم شده است که بزبان ترکی حروف مقطعه بجا  
 ترتیب در سه سیمها نصب کرده تبری نیز اخبار  
 مطالب نمایند و این گزارش را بتجار اعلام کرده اند  
 که هر کس بزبان ترکی مطلبی از اسلامبول با درنه  
 و شمشی بخواهد اخبار نماید بچرخ صاعقه رفته مطلب  
 خود را بپاشترین آن قلمداد کند

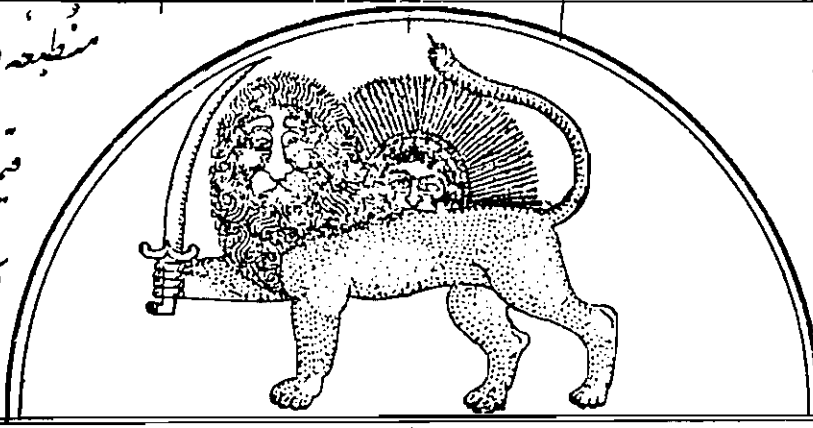
۱۸۰۴

روزنامه قایم القایه تایخ پوپم پنجمه سهر سوال المکررم بق اللومی سل ۱۲۷۲

روز یکشنبه

قیمت روزنامه

هر نسخه دینار



منطبعة دار الخلاقه طهران

قیمت اعلانات

هر خط دینار

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دار الخلاقه طهران

در روز پنجمه گذشته که روز عید سعید فطر و انقضاء ایام ماه مبارک صیام بود بقانون اعیان معظمه علییه اعلیحضرت قدس بایون شاهنشاهی خلد الله علیه سلطان به تالار دیوانخانه بزرگ تشریف فرما گردیده بوجوه و فایض ایجو ده بایون زین و زینت بخود و سلام عام بوجوه و جناب جلالت آفتاب شرف و خشم عظیم شاهزادگان عظام و یر مقربان حضرت کردون بسطت و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین کرام و چاکران در بار بایون و بقدر کنجایش دیوانخانه مبارکه از احاد توپچی و سیر باز با کمال شکوه و آراستگی انعقاد یافته بر یک در تریب و مقام خود در قیام حضور هر ظهور گردیدند و اجرای شلیک توپ و زینت شده عالیجا خطیب باشی ادا ای خطبه بیع بنام اقدس بایون و احتتام بدعای غم و دولت اید مقرون نموده بقصد عالیجا میرزا محمد علیخان شمس الشعرا فیضه قرآکه در تریب

و مدح اعلیحضرت قدس بایون شاهنشاهی منطوقه کرده بود معروض پیشگاه حضور با هر انور داشته مورد تحسین و التفات ملوکانه گردیده پس از عمل اند ترقیات معموله اعیان بزرگ سلام عام مقصی گردید  
چون معتاد در بار سپهر احتشام مقرب الخاقان فایم سخن گفت و کار دانی و فرط مراقبت در خدمت دیوانی خصوصاً در انتظام امور آذربایجان خاطر اقدس بایون شاهنشاهی و امنای دولت علییه را از خود خوشنود داشته بود درین اوقات که از دربار معد لمدار اذن مراجعت با در بایجان حاصل می نمود نظر بطور و غور ماحسم ملوکانه در باره مقرب الخاقان فایم از جانب سنی ایجو انب اقدس ملوکانه یک حلقه الماس گر اینها و یک ثوب جبه ترمه خوشگلین از بلوس خانه خاص در حق او حجت گردیده و در روز چهارم شوال بیع نگارستان بایجان نموده روانه آذربایجان

۱۸۰۵

چون مقرب انخاقان فرخ خان صمد و در حقیقت  
 بحسب جوهر ذاتی و قابلیت و استعداد روز  
 اقدام خدمتگذاری برتر و بیشتر و بر مدارج و معارج  
 مناصب و مراتب از همگان دستگیر و بندگی فراتر  
 و بیشتر یازیده و بسبب ظهور کیمیا و شایستگی و  
 و فور ارادت و خدمتگذاری در جبهه آخری مورد  
 عنایات ملوکانه و مستوجب مناصب ارجند گردیده الی  
 یومنا هذا مناصب مناسب سرفراز و از عهده هرگونه خدمت  
 لایا و محمول و مرجوع گردید با کمال کفایت و وفایت  
 برآمد. خاطر اقدس ملوکانه را از خود خرسند و  
 امثال و اقربان بر بخت چند اعیان یافت در این اوقات  
 که محاسن خدمتگذاری مقرب انخاقان مشارالیه در پیشگاه  
 حضور با هر انوار کمال ظهور بهر سنده نظر عنایت با عطا  
 مدارج و ارتفاع مراتب او فرمود و بقیع جلیل این  
 موافق فرمان خورشید المعان مبارک مزین بدستخط  
 هایون سرفراز و با عطای یک قطعه نشان مخصوص  
 بی مثال اقدس ملوکانه و تکلیف بالماس عزاء عبارت  
 یافت

مقرب انخاقان عین الملک در اوقات ماه مبارک  
 رمضان بجهت مراقبت و مواظبت افطار و سحور خاطر  
 ملوکانه را خرسند و مسرور داشته مستوجب شمول رحمت  
 آمده بود لهذا بجهت فرید مباحات و مفاخرت مشایخ  
 یک ثوب جبهه ترمه از طبعوس خاص بن مبارک با  
 مرحمت گردید

عالیجاه سررأسین سررشته دار قورخانه مبارک که در  
 انجام خدمات محوله بخود و مدارک و ارسال قورخانه  
 بسبب خدمات خاطر امنای دولت علیه را از خود نشنود  
 داشته لهذا درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه بر  
 خلعت از جانب سنی انجوانب اقدس هایون با  
 مرحمت شد

بعد از آنکه اولیای دولت علیه مقرب الحضره انخاقان  
 میرزا حسین خان کار برد از سابق دولت علیه مقیم  
 مبعوثی را بدربار شوکتهدار احضار فرمودند عالیجاه مجد  
 سه راه میرزا صادق که در کار پردازخانه انجوانب  
 او اقامت داشت در سرپرستی معتمد دولت علیه در  
 کارهای انجمن و تقاضای لوازم و وظائف مأموریت خود  
 آثار اتهام و مواظبت و قاعده دانی و درایت را  
 در پیشگاه اقدس هایون اعلی منصبه ظهور رسانید مشمول  
 مرحام ملوکانه آید با عطای لقب خانی و نشان درجه  
 سیم شهنشکی و موهبت منصب نیابت اول کار پردازخانه  
 انجانب بر حسب فرامین رحمت این سرفراز گردید

مراتب مراقبت و خدمتگذاری و مواظبت و صدق شعار  
 عالیجاه میرزا احمد شنی سفارت دولت علیه مقیم سلاسل  
 که مقرب الحضره انخاقان سیمه حاجی میرزا احمد خان مصیحا  
 انجانب عرض اولیای دولت علیه رسانید مورد الطاف  
 خسر و انی گردیده بر حسب فرمان هایون با فرودن  
 پنجاه تومان بر مواجب سابق او سرفراز آمد

نظر کمال توجه باطن و فرو محبت قلبی جناب جلالت ماس

۱۸۰۶

شرف ارفع المحسن صدر عظیم در باره معتمد  
 سپهر حشم مقرب الخاقان در مقام بعد از نیا  
 احیای ماه مبارک رمضان شبی مخصوصاً بمنزل مقرب  
 مثالیه محض مباحات و سرافرازی او تشریف فرما  
 گردیده و لوازم تکلفات و تدارک صنایع متنوع  
 بعل آمده افطار و سحور را در آنجا صرف نموده و تا صبح  
 در آنجا تشریف داشتند

**سایر ولایات**  
 در بایجان و استرآباد و اصفهان و  
 اصفهان و بروج و سلطام  
 ازین ولایات درین نعت اخباری نبود  
**خراسان** از قراریکه در روزنامه خراسان  
 نوشته اند امور انولایت قرین انتظام و انضباط  
 و کمال ارزانی و فراوانی در آنجا حاصل است و  
 رعایا و برابرا سوده خاطر بدعای دات اندس  
 بایون شایستی استتعال دارند و امری که منافی  
 نظم و قاعده با وقوع نمی یابد

و بیکر نوشته اند که عالیجاه یزدان و نوریان برادر  
 مقرب الخاقان سام خان الیجانی امور سرحد  
 و آن صفحیات را بسیار منظم و مضبوط دارد  
 و دست تظاول طایفه ضاله ترکمان بکلی از آن  
 و سامان مقطوع است با اینکه جمعیت قشون جنوب  
 به راه مقرب الخاقان الیجانی با مؤرخ خدمت اند ما  
 عالیجاه و مشارالیه مقصدش تصدق سوار مکتب  
 پانصد نفر لکچری و ششایچی مستعدا داده نسبت قوشنا

و دولت آباد فرستاده است که مشغول حفظ و  
 حراست و قراولی آن صفحیات باشند و باین  
 جهت طایفه ضاله ترکمان از تاخت و تاز آنجا ممنوع  
 و کسی از آنجا قدرت تعدی و خلاف حساب ندارد  
**خم و سمنان و شاهر و**  
 ازین ولایات نیز درین نعت اخباری نبود

**عراق**  
 از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند  
 در ماه مبارک رمضان در فراهان تکرک  
 شدیدی آمده است و قنوت اسخران  
 نظام آباد را با بلغم خراب کرده و کل زراعت  
 چند مرزعه را ضایع نموده و سیل نیز آمد چنان  
 خانه و باغ از سخران بکلی خراب نموده و بعد  
 بکشد و پنجاه ریس کوسفند را در صحرا تکرک کشته  
 و یکصد ریس قاطر و چند ریس الاغ را اسیر کرده  
 و تلف کرده است

**فارس و قزوین** ازین ولایات نیز  
 در این نعت اخباری نبود

**قزوین**  
 از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولایت  
 از هر جهت منظم و مضبوط است و عالیجاه  
 زین العابدین پیکار آنجا در غیاب مقرب الخاقان  
 و ذوالفقار خان که در دار الخلافه طهران است کمال  
 مراقبت و رسیدگی بامور ولایتی و داد و ستد  
 دلیوانی و عرایض رعایا و برابرا مینماید

۱۸۰۷

دیگر در روزنامه قم نوشته اند که در شب نوزدهم  
 ماه مبارک رمضان بکشد بقعه تبرک حضرت معصومه  
 علیها آلاف الشان والتمجید بعد از ظهر نور باران شد  
 که جمیع خدمه و سایر مردم مشاهده نمودند  
 و صلوات بر جناب ختم رس و امدی سبل رسول  
 صلی الله علیه و آله الطیبین میفرستادند و در بعضی  
 در آن مشهد تبرک و بعضی اماکن مشرف مشهودین  
 نبوی گردیده چنانکه هم در بقعه تبرک حضرت معصومه  
 چند سال پیش ازین باز نور باران شده مشهود  
 نقل امامی آنجا گردیده و درین روزنامهها نیز نوشته

**مخاوند**  
 از قراریکه در روزنامهها و ند نوشته بودیم  
 مقرب آنجا و آن محمد رحیم خان نسیمی باشی و حاکم آنها و ند  
 در اوایل ماه مبارک رمضان وارد آنجا گردیده  
 و رسیدگی کامل با امور رعایا و وصول بقایای نظم  
 ها بصحاست نموده و امور انولایت را بهر جهت تنظیم  
 داده و سواره خزل را که احضار رکاب نصرت  
 شده بودند در او اسط ماه مبارک سان آنها را  
 بدقت دیده آنچه بی اسب و یراق و اوضاع بود  
 اهتمام در تدارک اسب و یراق و سایر طرذومات  
 آنها نموده که بعد از انجام تهیه آنها روانه دربار  
 معدلت مدارشان نماید

دیگر از قراریکه نوشته اند در انولایت کمال خاوا  
 و وزیر هر کوزه نعتی است از جمله کدوم خرداری است  
 که هزار دینار و جو یکتومان و نان یکین پنچ هی و گو  
 و پیر شور یکین هزار دینار و برنج یکین چهار عجباسی  
 و عن یک من و وریال و کلاه خرداری شش هزار  
 پانصد و بیاد سایر اجناس و ماکولات ماین  
 منظمه متعمر و کمال و وزیر دارد با اینکه ولایت  
 مر نور محل عبور اغلب عابریین و متر دین از حالک  
 محروم بیکدیگر است بجهت الله سخته آنها و هیچ یک  
 از آذوقه و ماکولات معطی حاصل نمی شود و این  
 رکذ رکال سکرانه را دارند

دیگر نوشته اند که در ایام بهار بعضی بارندگی در  
 انولایت شد که پیران معمر اینگونه بارندگی ماکون  
 در انولایت مشاهده نگزده بودند و حاصل انولایت  
 سبب و فور بارندگی بجهت الله بسیار خوب آمده  
 و زارعین و صاحبان الماک از تمنی کمال مسرت  
 و شکر گذاری داشته اند  
 دیگر نوشته اند که در شب دوازدهم ماه مبارک  
 رمضان نیم ساعت بصبح مانده زلزله عظیمی در آنجا  
 وقوع یافته و زمین حرکت بسیار شدیدی کرد مردم  
 تشویش خرابی انبیه و اتلاف نفوس زیاد داشتند  
 ولی بجهت الله خرابی بجائی و صدمه کسی وارد نیامد  
 همسدان و نیزه ازین ولایات نیز خرابی  
 درین هفته نبود

۱۸۰۸

**کاشان و کردستان و کروس**  
**و کرمانشاهان و کرمان و مازندران**  
 و ملایر ازین ولایات نیز در این هفته اجباری نبود

درین هفته نبود



### اجبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه های دول خارجه نوشته  
 چند وقت قبل ازین موافق روزنامه های وکتان  
 حکمای المانیا حکم کرده بودند که در ماه آینده  
 فزنی ستاره دناله در ظاهر خواهد شد لکن این  
 نجوم و هیات مالک مجلس ناپولی ستاره روز  
 نوشته اند که در چهار سال بعد ازین ظاهر خواهد  
 و در اغتوس آینده تکذیب کرده اند که ظاهر  
 سخاوت کردید این ستاره دناله در هر که ظاهر  
 خواهد کردید چهار صد سال قبل ازین ظاهر کرد  
 بسیار کس بسبب ظهور آن ستاره حکمت منجیات  
 کرده بودند در آنوقت بادشاه المانیا که  
 پنجم مشهور و مملکت اسپانول را ضبط کرده  
 در پای تخت اسپانول لوای استقلال خواست  
 بود ظاهر شدن ستاره مذکور را دلیل انهدام  
 بنیان جاه و جلال و انهای سلطنت و استقلال  
 خود دانسته تارک تاج و تخت و سلطنت کرده  
 بیک کلیسایی در آمده طریقه رهبانان پیش گرفت  
 و جنیبلک نیز توهمات زیاد کرده بودند  
 این ستاره با این دفعه که ظاهر بشود پنج دفعه مشهور  
 شدن آن را منجین روزگار گفته اند و اینکه در  
 اغتوس ظاهر شدن او را گفته است از منجین  
 موسی بولوم نام شخصی با مرده سال قبل ازین  
 و صرف افکار و متنج انواع کتاب نموده پیدا  
 کرده است نوشته اند که در زمان شکر پنجم که ظاهر

شد مشارایه با بنیان قضا و قدر مرتب  
 سجد جنون رسیده تارک ملک و سلطنت کرد  
 درین نوبت که منجم مذکور حرف افکار کرده و وقت  
 ظهور آنرا خبر داده است اگر در آنوقت ظاهر شود  
 حال آن منجم خدا میداند چگونه خواهد بود با بجه که  
 از منجین ایران بیگرسی وقت ظهور ستاره مذکور را  
 استخراج کرده و مشخص نموده باشد در این روز  
 مسکوک در دسترس عبارت از سبب یا میزان است  
 دیگر نوشته اند که قشون دولت انگلیس که در  
 بودند سان کلیه دادند و میدان حرکت قشون  
 در دست مرکزی که وسط سلبیا و حیدر آباد  
 اگر چه همه قشون شب را نور خیزند اشک و گلی  
 هنگام طلوع صبح همه حاضر بودند و در ساعت  
 کل قشون در این محل حضور پیدا کردند و در وقت  
 ظهر توب اخبار کشتی شش سلطان بجه آمدن بجا  
 و کریم قشون مذکور انداخته شده صدر اعظم  
 و کتبان پاشا و وزیر قشون سحری و وزیر امور خارجه  
 و عثمان پاشا و سرکردگان و سپه داران و اهل  
 دول خارجه همه در خدمت سلطان بودند و یکده  
 از فوج خاصه سلطان با اسباب موزیکان مقابل  
 قشون ایستاده و سلطان با انگ موزیکان جلو  
 قشون مذکور رفته و قشون با اولی سبب سلطان  
 و کله انگلیس صدا بلند کردند بعد از آن همه قشون که  
 تدریج حرکت میکردند توپخانه سواره و توپخانه  
 افواج مختلفه سودا لاند و انگلیس و سینه که جز قشون

۱۸۰۹

نخلیس است و فوج پولاک و غیره بعد از آنکه مشق  
 و حرکت خودشان را تمام کردند سوار نظام روبرو  
 سلطان مشق نمودند حرکات جمله قشون در نظر سلطان  
 بسیار سخن نموده بعد از آن بچاوری که مخصوصاً  
 بودند تشریف فرما شده توصیف زیاده از مرزده  
 و سر کرده فوج نموده با آنها نوازش و التماس  
 فرمودند و مکالمات سلطان با سرکردهگان بلور  
 بزبان فرانسوی بود بسیار تعجب داشت از فوج  
 بدینست که در مدت فیل چگونه در حرکات و  
 نظامی ورزیده و ما بر شد تا از اول ورود سلطان  
 و مشق افواج و سوار نظام تا آنوقت ساعت  
 کشیده بود و نگاه توپ حرکت خالی کردند و سلطان  
 بمقر سلطنت روانه شدند و از اهل اسمابول بپاش  
 آنجا جمعیت زیاد آمده بودند بعد از مراجعت سلطان  
 سرکرده نخلیس سرکردهگان و بزرگان و معاينه  
 عهد و راضیافتی سکین نمودند

دیگر در روزنامه ماه شجان نوشته بودند که در  
 در میدان قورقور یعنی دره اسپهای منتخب وزند قشون  
 نخلیس را که توانا بودند قوشه نموده یک میل نیم  
 رفتن و یک میل و نیم آمدن که در باب و ایات هر یک  
 مدت نیم ساعت باشد دو اند در راه یک ساعتی را  
 در شش دقیقه قطع کردند آنها مشاهده شده  
 این اسپها از بسیار وقت بجا ریفخاوه اند که  
 اسب دو اینها و بجهت میل بودنشان از فوج  
 خود امیاری کلی دارند و سایر سپاهان مستعد است که با

آنجا بتوانند بدوند میدان اسب دو انی را از  
 دو طرف رسان می کشند و بالنصب بر قهاری  
 سرخ حدوداً از اینها میدهند و کسانی که تماشا  
 و بر بیرون رسانها که کشیده اند جمع می شوند  
 و چاک سواران این اسپها لوزن سی پشت  
 اوقیه که تخمنا ده من چیزی کم باشد بیشتر نباید  
 و بسیار نازک اندام و بجهت اینکه در وزن تمام  
 تفاوت نداشته باشند هر کدام که در قیان  
 سی و پنج یا سی و شش اوقیه در بیانند که آنها را  
 تاسی پشت اوقیه اسباب دیگر اضافه می کنند  
 و می بندند که وزن همه مساوی باشد و مشق  
 بسیار سرخ پس روز دوسا بر الوان کشیده  
 نه اسب با هم قوشه کرده یکبار حرکت کردند و دیگر  
 بنای زدن که استند از دو طرف و اسپها همچو  
 برق عاطف بیگ و ما ز آه تا حد نهم یا است  
 راهی که شخص شدند و در مراجعت با آنجا که نوشته  
 کرده اند این یک ساعت راه را در طرف مدت  
 شش دقیقه طی کردند و پیش و پس بودن اسپها  
 از یکدیگر زیاد تر از دوسه و جب نبود و آنکه  
 پیش از همه آمده بود و آنها تو میک درین دولت علیه نیز  
 معمول است و حه اول را که زیاد تر بود برداشت  
 و بعد از آن وجه کمتر از آن را تیرتیب و این دست  
 و دو که دولنده بودند بعد از این چند دست دیگر  
 خوشه کرده دو اند که تفصیل آنها را بر نوشته اولی  
 ناین روزنامه باشد

۱۸۱۰

روزنامه قایم القیوت پنج یوم پنجم شوال المکرّم بن الومی سیل ۱۲۷۲

نزهت و شادیک

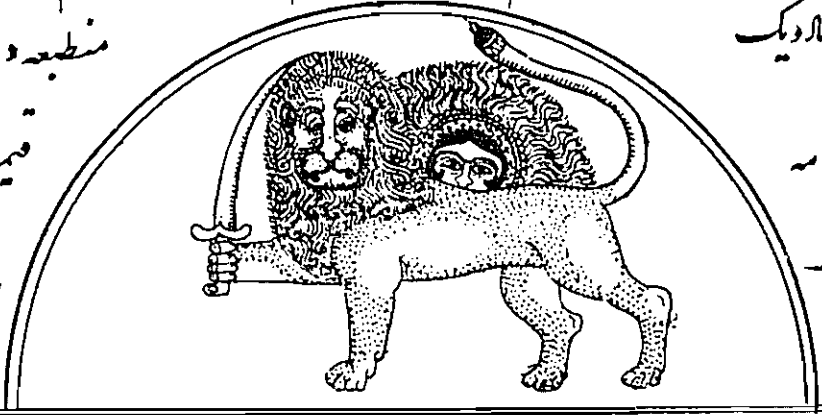
منطبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

برسوخه شبر

هر خط پنج شبر



اخبار و احداث ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران باقتضای  
 موسم تابستان فی الجمله گرم شده و بیاید قایت  
 شمیران مطبوع و سخن خاطر اقدس همایون شاهنشاهی  
 خلد الله ملکه و سلطانه بود حسب الامر مشیانه و تدارک  
 بییداق نیوران که بعد وقت بار و لطافت هوا  
 مستغنی از شرح و بیان است فرستاده شده عمارة  
 سلطانی انجار ازب و صفا دادند و در روز پنجشنبه  
 هشتم شوال اعلیحضرت اقدس همایون بالسلوک  
 و الاجال تشریف فرمائی نیوران گردیدند و بعد  
 از دوام از خواص خدمت چشم فرم موکب سیروری کتب  
 بوده امنای دولت علیه و مقربان حضرت کرده  
 ببط سینه بقدر معهود هر یک در اکنه و حمام خود  
 منزل نمودند جناب جلالت تالیف و تحریف و تحریف  
 بجهت انجام بعضی مهات دیوانی یکد و روز بعد از حرکت  
 موکب همایون در باغ نظامیه توقف نمودند و در شب

جمعه بمنزل معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان  
 قایم مقام که بنکارستان نقل مکان کرده است لطف  
 برده شب در آنجا ماندند و لوازم خدمتگذاری و تکلیفات  
 صیافت از جانب مقرب انخاقان مش را به بعجل آمد  
 مطالب و مستدعیات او را با بخلج مقرون داشتند  
 و مقرر شد که روز دوشنبه روانه آذربایجان شود  
 و جناب معظم بعد از فیصل امور و انجام مهات دیوانی  
 در روز شنبه بار دوی نیوران پیوسته شرفیاب  
 حضور مهر ظهور همایون گردیدند  
 چون معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان قایم مقام  
 اقدس طوکانه را از ظهور کفایت و کار دانی و اهتمام  
 در انجام خدمات دیوانی خوشنود داشته بود  
 در این اوقات که مشمول عواطف حسروانی گشت از  
 دربار همایون اذن مرخصی حاصل نمود که با وزیر کجا  
 معاودت نماید مجدداً بطور عنایتی دیگر رحمت او را  
 زیاده فرموده با عطا ی کمال نشان مرتبه جلیل مهر لوف

۱۸۱۱

رنت ادا اعتدایا قبه بین الامثال والاقران قرین  
سرافزاری و مبادات آمد

عالیجاه حسین بیک باور قورخانه آذربایجان چون  
در نظم امور قورخانه اشجا و انجام خدمات محوله بخود  
سعی و اهتمام نموده بود در این اوقات منصب  
مهرنگی قورخانه مبارک سرافزار گردید

### سایر ولایات

افزربایجان اجباری این ولایت درین  
بوده

### استراباد

از قرار روزنامه استراباد که در دویم این ماه  
نوشته بودند مقرب انخاقان جعفرقلیخان ایلمانی  
که بعد از تنبیه اشرا رگه بجنورد رفته بود هنوز  
باستراباد نگردیده است ولی برب قرار مانی که در  
نظم امور ولایت داده و کمال مراقبت و مواظبت که  
عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار در غیاب مقرب انخاقان  
مشارالیه دارد امور اشجا از هر جهت منظم و مضبوط  
و رعایا و دماقین و امالی بلده و بلوک در نهایت سعادت  
مشغول دعا کوئی وقت اقدس همایون شایسته  
پباشند و از وقت رفتن مقرب انخاقان ایلمانی از  
استراباد تا کنون از اسیر مانی که از ازمینه سابق در  
میان طوایف ترکمان بود بقدری نفع آرد و تسلیم  
عالیجاه میرزا اسمعیل خان کرده اند و باز هم متوالیاً  
خود طوایف ترکمان آنچه اسیر که از راه دریای خلیج  
بودند آورده عالیجاه مشارالیه می سپارند و

قرین امتیاز و اختصاص فرمودند

نواب مستطاب هزاره و الاسب رار د شیر مهورا  
و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر در انتظام امور اشجا  
استقامت تبلیغ بعضی امور و کلا که خدایان و سایر  
دیوانی که در دار اشجا منصب رک توقف دارند حکم  
نواب هزاره امر شهر و محلات را در کمال نظم دارند  
و کسی قدرت سرقت و دهرزگی و شرب و شرارت ندارد  
قراوینی نامضبوط و قراول و کرمه بخطر و حرمت  
مشغول و چشمین امور قورخانه و جبهه خانه و سایر  
با تمام صاحب منصبان نظام و جاگران دیوان  
منظم و مضبوط و اصناف کارخانجات همه  
در سرکار و خدمت خود میباشند و نهایت  
در کارهای اشجائی

### امورات قشونی

افواج قاهره نظام از لوتچی و زینورچی و سرباز  
بقرار استمرار در میدان ارک و میدان حاج  
شهر همه روز مشغول مشقتند و صاحب منصبان  
و محلیین کمال دقت و اهتمام در تعلیم مشق و قواعد  
نظامی دارند

نظر بجاسن خدمتگذاری و شایستگی مقرب انخاقان  
جعفرقلیخان قاجار سرباق افواج مراغه که خاطر اهد  
همایون شایسته و امنای دولت جاوید مدت  
علیه را از طرز خدمتگذاری خود خرسند و میسرور  
داشته مستوجب مرحمت ملوکانه آمده در این اوقات  
منصب جلیل میرنچگی با رعایت گردیده بدین  
مست

۱۸۱۲

و عالیجاه مشایخ را لیه در انتظام امر قورخانه و توشخانه  
 آنجا ریاده ساعی پل باشد چنانچه باروت که بوشخانه  
 و سنجار بجهت تجدید باروت که از رطوبت خراب شده  
 و مرمت سایر اسباب قورخانه مشخص و بکار انداخته  
 و وجه مخارج آنها را داده اغلب روزها خود رفته  
 بکار آنها رسیدگی مینماید و نیز برای موجب توجیه  
 متوقف آنجا چون قرار شده است که تاریخ محمول  
 بر عایا حواله نشود و تنخواهی بقدر مقصد تومان قرض  
 و توجیه آن کار سازی کرده است که در عسرت بنا  
 و با سود کی از عهده مراقبت خدمات موجود است  
 و بیکر نوشته اند که بعد از تمسیه اشراک ترکان که در  
 اکل بعل آمد و مقرب الخاقان جعفر قلیخان الیخان فی  
 بجنورد رفت عالیجاهان میرزا علی محمد ستوفی استرآباد  
 و اسماعیل بیگ دلو بجهت وصول و حصول مالیات  
 طالبان کوکلان و بیوت فرستاده تمامی طالیف مزبور  
 در مقام خدمتگذاری و انقیاد و از همه اوجبات و جوه  
 مالیات بدی خود را آورده تسلیم مینمایند در این اوقات  
 خبر به بجنورد رسیده بود که سوار گت جمعیتی گرد کرده  
 عزم تاخت و تازیمت سملقان و مانزار دارند و قورخانه  
 مشایخ بعضی استماع آدم بمانه و سملقان فرستاده  
 سواره و پیاده آنجا را جمع و متحد نموده و خود نیز  
 از بجنورد بکته و با اتفاق نواب جهان سوز میرزا و مصطفی قلیخان  
 و باقرخان چکنی و سواره اگراد و غیره در چکنی  
 اردو زده سواره و قراول بر پنج راه که معبر سواره

ترکان که مختصر با نه است بجز کیری و ستاد که معلوم  
 نماید از کدام راه می آیند تا بمقابل آنها ستاد برآید  
 رفته بعد از تقصیر مراحت نمودند و از هیچ یک  
 از آن راهها آمدن سوار گت هنوز معلوم نشده بود  
 الیخان فی هم از چمن مزبور کوچیده در سیلاقی که در کوه خنی  
 همان چمن است اردو زده چند روز بنای توقف  
 و رسیدن مزبور داشت که از اراده و حرکت آنها  
 خبر صریحی مشخص و مقتضای هوای کار و رویه آگاهی  
 با آنجا رفتار نماید  
 استرآباد و اصفهان و سرو چرو  
 و بسطام و خراسان و چمن  
 ولایات نیز اخباری درین هفته بنود  
 دارالمرکز مازندران  
 از قرا که در روزنامه مازندران نوشته اند کمال  
 اهیت و آسودگی بجهت مالی و سکنه آولات صحت  
 و رعایا و برابری در عین فراغت و رفاه بدعای بقا و سلامت  
 وجود فایض ایجاد همایون و از دیاد جاه و سوکت دولت  
 ابر معرون میباشد لوات شاهراده لطف الهیه  
 در اوایل ماه مبارک رمضان به بلده بار فرود  
 رفته بامور آنجا رسیدگی نموده و کارهای آنجا را تنظیم  
 کرده در نهم ماه مزبور بلده ساری مرحت نمود  
 و بکار نو گرد عیت بدقت رسیدگی می نماید و عموم  
 مالی آولات کمال رضامندی از حسن سلوک و غورری  
 نواب معسزی الهیه و مقرب الخاقان میرزا استر  
 پیشکار آولات دارند

۱۸۱۳

دیگر نوشته اند که در بیت و دویم ماه مبارک رمضان  
قبل از ظهر زلزله شدیدی در آن ولایت وقوع یافت

فوج و سواره با یک عراده لوت در سرحد باب  
ساخته باشند

ولی سجد الخرابی و اذیتی نرساند  
دیگر از قرار یک تعبیر اجناس ما زندان را کوه  
نان یکین ده شاهی و برنج یکین هفت شاهی و سیب  
و روغن یک من سه هزار و گوشت یک من چهار  
ه و قدرسی و جوهری یکین پنجاه و شش هزار و سیصد  
ماکولات باین قرار مشتمل است

دیگر نوشته اند که در فضل چهار بارندگی زیاده در  
صفحات کرامت ثامن و آن اطراف شده بعد از  
آنکه هوای اعتدال بهم رسد چند وقت بارندگی  
گردد و تا در سیزدهم ماه مبارک رمضان بارندگی  
بارندگی را که است و در دامن لوه قوره تو که نزد  
اسبیره و آن است و مزارع تیله کوه و بعضی از  
بلوک زهاب تکرگی باریده بوده است که از قرار  
مذکور هر دانه آن بقدر نارنجی کوچک بوده است  
قریب صد و بیست روس کوسفند و نه روس  
کا و دو روس ماویان این نگرک تلف گردیده  
و طیور صحرائی از هر قبیل بسیار کشته شده بود  
و بزراعات آنجا نیز این نگرک ضرر رسیده است  
و هم در آن اوقات تکرگی بحد پارچه مرده و بکده  
از بلوک هر سه باریده و حیوانی ضرر بجای آنجا  
رسانده بود

سمنان و شاهرود و عسراق  
و فارس و قزوین و قوچان  
و کردستان ازین ولایات نیز  
درین هفته اخباری بنمود  
کرامت ثامن

از قرار یک در روزنامه کرامت ثامن نوشته اند  
آن ولایت از هر حیث قرین انتظام و انضباط است  
و نواب مستطاب بشاهزاده والا تبار عماد الدوله  
حکمران آن ولایت در رفاه و آسودگی رعیت و نظم  
طرق و سوارع اتعامات کافیه معمول میدارند و در  
منازل عرض راه عسبات عالیات در همه جا  
حسب احکام نواب مغزی بسیه مستحفظ و قراسور آن  
مستحفظ و حر است راهها مشغول و زوار و قافله آسوده  
عبور و مرور مینمایند از جمله یکدسته سرباز و یکدسته  
سواره در قصر شیرین و یکدسته سرباز در  
پل زهاب گذاشته شده و از سربازان الی غایب  
عابرین را صحیحاً و سالمانه منزل میرسانند و باقی

دیگر از قرار یک زرخ اجناس و ماکولات کرامت  
نوشته اند و در این اوقات کدوم خرواری کبکونان  
و جو خرواری پنجاه و روغن یک من سی و پنج شاهی  
و برنج یک من پانزده شاهی و گوشت سه تن  
و نان سه شاهی و سایر اجناس نیز باین  
تعبیر وارد و فرموده است

کرامان و کمر و کس ازین ولایات نیز  
در این هفته اخباری بنمود

۲۱۱

۱۸۱۴

کلیاگان و خواب ر

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند  
 عالیجاه میرحسن خان نایب الحکیم استیجاب خواب ر که  
 وارد شده الهامی واعیان انجا اورا اعزاز و استیصال  
 نموده اند و مشارالیه سم لجاز و رود رسیدگی  
 کامل با مهور رعایا کرده بعضی رعایای دلمات کلیاگان  
 و خرافت که سبب خرابی سیل و خسارتهای دیگر  
 بی سامان و بخراب متوقف و پشیمان شده بودند  
 آنها را امید و اوی داده و بادطمان و امان کن خواب  
 راحت کرده مشغول عیسی در زراعت پناه شدند  
 و دیگر نوشته اند که چند نفره در زوی در انجا نشاند  
 بود که بعضی از سارقین معلوم و اخذ اشیاء مسروقه  
 مشکل و بعضی غیب معلوم و مجمل مانده بود عالیجاه پش ر لیه  
 بعد از ورود تمامی سارقین را به دست آورد و اموال  
 مسروقه را از آنها مسترد و بصاحبان اموال تسلیم  
 و وزدان را تمبیه مضبوط نمود و است و الهامی انجا  
 از حسن سلوک مشارالیه و رسیدگی با مهور کمال  
 رضامندی را دارند

گیلان و لرستان و طایر و  
 هاناوند و همدان و یزدان  
 ولایت سیردرین هفت اجباری بنود

احبار و دول خارجه

در روزنامه های سابق نوشته بودند که دولت  
 انگلیس بت و پنجه از قشون بحری و یکصد و ده فرزند  
 لشتی حبسکی سبجه هات سجزیه خبر کرده است که حاضر

شده سان بدیند از فرار روزنامه طمس کرده  
 این روزنامه رسید سان قشون بحری و کشتیهای  
 جنگی در پورتموش دیده شده قریب یکصد هزار  
 خلق سبجه تا شام جمع شده بودند بطوریکه گرایه یک  
 در یک شب معادل سی هفت تومان پول اینولایت  
 رسیده بود و در ساعت شصت جمع عمارات نفع  
 و کلیساها و ناقوس خانها و بالای منارها و جاما  
 دیگر که در یادیده می شد مملو از مردم بود پادشاه  
 انگلیس خبده قیبه لظهر مانده وارد آنجا شد و در عمارت  
 سر راه آهن سرداران قشون بحری با شرفیات  
 و شکت زیاده بحضور ملکه آمدند و بعد از آن ملکه  
 کبکیتی مخصوص خود که پاجت مشهور است نشسته در میان  
 کشتیهای جنگی که در شوق و حرکت بودند عبور  
 و تفریح آنها را می نمود

و دیگر در روزنامه مورخه ۲۳ ماه اوریل از طلب  
 نوشته بودند که امرغری در ۱۲ ماه منور در شهر  
 ماراش وقوع یافت تقصیصش اینکه در شهر ماراش  
 موسیو کارمانی قونسول دولت انگلیس با قاضی  
 شهر منور در باب پول بکشی نموده و قاضی چنان  
 و انمود کرده که قونسول با و یا بدین و ندیب او  
 محش داده است با جمله مسجد رفته و اصناف  
 و کسبه شهر را جمع نموده بعد از نماز ظهر مردم را  
 شده و با او اتفاق کرده بخانه و کین انگلیس هجوم  
 شدند و بعد از بی احترامی زیاد بیرق او را انداختند  
 و چند تیر لنگه بطرف او خالی کردند و خانه را

۱۸۱۵

زیر و زبر نموده تاراج کرده و آتش زدند  
و خودش بعله آتش نسیخته وزن و اطفاش  
با یکدیگر میخیزمت سخته و تلف گردیده بودند

بود که در بیار خانه تقسیم شود و صاحب  
قشون فرانس از این معنی که دلیل احترام و موالات  
بسیار مسرور و شاد گردیده است

دیگر نوشته اند که قشون سواره فوج عثمانی که  
در نظام انگلیس تعلیم یافته بودند در بو یک جنگی در  
حضور محمد شهب پاشا سان دادند و حرکات  
انها بسیار مستحسن و موافق مشق انگلیسی ب تعلیم گرفته  
بودند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از  
مستندان ارباب ب قلم از دربار عثمانی ده نفر  
بسیار بسبب ای سخت و زان و د نفر بونه پای  
استریه و لندن بای سخت انگلیس برای تحصیل علوم  
نظامیه و غیره در این اوقات مأمور و آنها که بسیار  
عازم بوده اند کشتی بخار چاری فرانس نوشته  
بسمت ارسلیار روانه شده

دیگر از قرائیکه در روزنامه های خارجه نوشته اند  
دریاچه دندیک تنک و پاره جابه های او قطعه قطعه  
جزیره شده است اگر چه سابقا یک لکرگاه بوده  
در آنجا بود اما از خیلی وقت قبل ازین تا حال در  
باد شده با بجهت بخاری نزدیک و مانند باقی  
شده است در این اوقات از جانب دولت  
استریه لکرگاه و مذک را بطرز ترسیده تعمیر  
می نمایند و یک کشتی بخار بجهت عبور و مرور گردیده  
دولت اسب دارد ساخته و بدریاچه مینورده است

دیگر نوشته اند که از کشتیهای انگلیس و مالک  
مجمعه سیکی دنیا چند ی پیش ازین چهارصد با صد  
حیوان باریکیر حمل نموده با سلا بول آمد و حوادث  
کرده و د کشتی بخار جیم انگلیس که چهارصد نفر  
ادم در میانش بوده است در ماه رجب بیکی  
رفته اند و تا کنون خبری از آنها نیامده است  
اینکه شاید غرق و تلف شده باشند بجهت نقص  
کشتیهای مینور چند کشتی از طرف دولت انگلیس  
و جمهوریه سیکی دنیا تعیین و ارسال شده است

دیگر نوشته اند که در میان قشون فرانس که در  
اسلامبول بودند ناخوشی تب حمی عارض شده  
و بیار خانه پر از مریض گردیده و بسیاری از آنها  
بیم ازین ناخوشی تلف شده اند بعد از آنکه ولی  
والی گردید از ناخوشی آنها خبردار شده بود چهل و نه  
صندوق لیموه پور تو قال برای آنها فرستاده

دیگر نوشته اند که در میان قشون فرانس که در  
اسلامبول بودند ناخوشی تب حمی عارض شده  
و بیار خانه پر از مریض گردیده و بسیاری از آنها  
بیم ازین ناخوشی تلف شده اند بعد از آنکه ولی  
والی گردید از ناخوشی آنها خبردار شده بود چهل و نه  
صندوق لیموه پور تو قال برای آنها فرستاده

۱۸۱۶



روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیست و دوم شهریور سال ۱۲۷۲

مژده بیت پستادودو

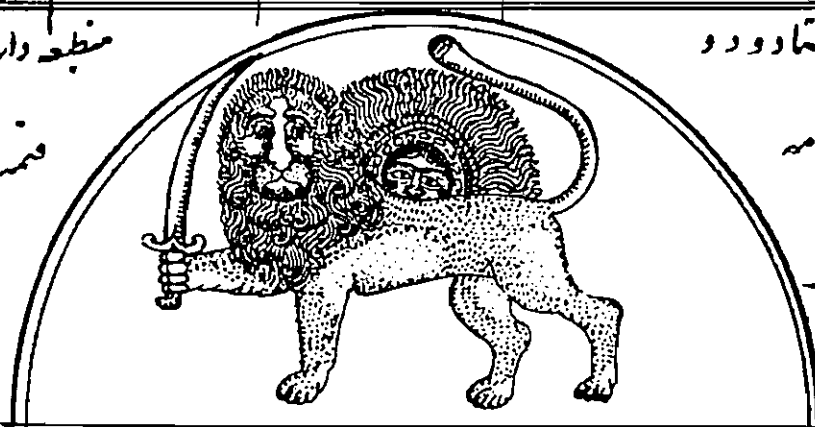
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهر

برخط پست بر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بجایون

اعلیحضرت اقدس بجایون شاهی صان الایام سلطنته عن التتاهی در سیلاق نیوران تشریف دارند و امنای دولت علییه و مقربان حضرت کردون بسط سینه و سایر خدم و حشم بخدمت محوله بنحو اقدام داشته اهل سلام هر روزه شرفیاب حضور مهر ظهور خسر وانی میگردند و نظر بنحو بی هوا و صفا اطراف بعضی روزها را خاطر اقدس ملوکانه مایل گشت و تفریح شده سوار میشوند و منزهات تفریح و تماشای میفرمایند

سرینکی سرافراز فرموده و فرمان مبارک شرف صدور یافت

عالیجاه نتیجه الامراء العظام سردار سلطانعلی خان مظفرالدوله سپهر محوم سردار کهندل خان حاکم قندهار که سابقا برکاتب مبارک آمده بود اجازت از تفریحات و سوسلوک امیر دوستمحمد خان اولاد سردار کهندل خان مرحوم متواری و فراری شدند و آنچه داشتند از آنها گرفتند او را بجانب ایندولت آورده با استظهار و امیدواری تمام بجانب دربار شوکتدار بجایون برادرش سردار عبدالدهقان و جمعی از خوانین اچکزانی خانه و کوچه و از جانب سنی الجوانب بجایون خلفت بجهت او مرشد و امر و مقرر فرمودند که در خراسان جاد مسکن شایسته بجهت خود و عیالتان مقرر دارند و از نفقه و جنس بجهت اخراجاتان مرحت فرمودند که در ظل دولت ابدت با بودگی بسر برند

۱۸۱۷

### دارالخلافه طهران

در این اوقات که موکب فیروزی کوکب عالمی در دنیاوران تشریف دارند امور دارالخلافه طهران بحسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب شاهزاده والا بتبارار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر منظم است خرد و زاست که هوای دارالخلافه طهران بمقتضای فصل قدری گرم شده گاهی باد گرمی میوزد و بعضی ارضینی کاری چنار و غیره را باد گرم فی الجمله نابود کرده است

ذاعت و آسودگی بجهت عموم مالی اتولایت حاصل است و نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار میرزا الدوله حکمران فارس بحسن مراقبت و رعیت داری امور اتولایت را همه جهه منظم دارند و مقرب الخاقان شجاع الملک و شیر الملک در نظم امور توکر و رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کافی بعمل می آورند و درین سال محصول اغلب بلوکات که سالهای سابق بسبب بلخ خوارگی و غیره تلف می شد سجد الله محفوظ ازین فاجعه مانده در عایا و صاحبان املاک ازین معنی نهایت شکر گذار را دارند

در یوم شنبه ۱۳ شهریور چهار نفر از الوالد کرمانشاهی در بیرون دروازه محمدیه مدعی نمودند که آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده اردشیر میرزا آوردند و اسباب مسروقہ از آنها مسترد شده لصاحبانش تسلیم و آنها را حسب الحکم نواب معزی الیه تمسبه مضبوط نموده و چهار کرده در بازار کرمانشاه اخراج گردیدند و التزم گرفته شد که دیگر بشهر طهران نیایند

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا که احضار شیراز شده بود وارد کرده و چند روز بمجاسبات او رسیدگی شده نواب مستطاب میرزا فرار گذاشتند که بعد از فراغ از محاسبه در دویم سوال روانه در باب محمدتهدار عالمی شود و نواب حلال الدین میرزا را بنیابت نواب عبدالباقی میرزا موصوب نموده با یکصد نفر سواره شامسون روانه خطه لاریز

سایر ولایات آذربایجان و استرآباد و اسدآباد و اصفهان و بروجرد و سلطام و خراسان و خوزستان و کلپایگان و سمنان و عراق ازین ولایات درین نغمه اجباری نبود

دیگر نوشته اند که عالیجاه لطفعلی خان سرتیب که با سربازان فوج ایلات قشقائی چندی بود مأمور خدمت کوه کلویه بود در این اوقات نواب شاهزاده مؤید الدوله او را از مأموریت آنجا خوانسته و عالیجاه علیجان سرکرده سواره شامسون را حلقه داده با چهار صد نفر سواره شامسون ابواب جمعی او مأمور کوگیسلویه کرده روانه نمودند

### فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند کمال

که مشول نظم امور اتولایت باشد

۱۸۱۸

دیگر نوشته اند که حاتم خان نام از طایفه نفر که از حمله سارقین مشهور و سالها بدزدی و قطع طرق و اذیت عابرین و مترددین میبادرت می نمود و حکام سابق هر چه میخواستند او را بدست میآوردند میر می شد و در این اوقات نواب مستطاب بموید الدوله اورا از مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی حکم خواستند و مقرب الخاقان مشارالمیه نیز اورا فرستاده گرفتند و خدمت نواب معری امیه فرستاده چون ریاض مصدر سرفت و شہارت و سگک دما شده بود لهذا اورا در نظام سیاست نموده بزیرای عمل خود رسانید

دیگر نوشته اند که در این اوقات فیما بین جماعتی و قشائی و الوار که کسلویه نزاعی واقع شده و جماعتی بختیاری جمعیتی کرده بودند که بر سر طایفه قشائی و الوار که کسلویه بیا بند چون این چشم قشائی در سرحد فیما بین این دو طایفه نشسته اند و اگر میان دو طایفه نزاع بشود حرات باین چشم قشائی میرسد لهذا نواب مستطاب بموید الدوله حکم نمود که مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی از فرور آباد کوچیده بزودی باین سرحد برود و بطرز که خدا مابین آنها را اصلاح و التیام بدهد که رفع منازعه طرفین شده است

دیگر نوشته بودند که قورخانه شیراز چون کوهک و محضر بود و فضای شایسته و بیوتات حکم بجهت آنست و غیره نداشت نوابش براده موید الدوله محلی بنا به جهت قورخانه معین نموده مقرب الخاقان محمد قلیخان

شجاع الملک مقرر و استند که با تمام برساند و مقرب الخاقان مشارالمیه نیز بنا و عهده زیاد بکار عمارت قورخانه فروراند اخته از روی جد و استقام مشغول بنانی میباشند و مقرب قورخانه بسیار خوب است و محکم مثل بر بیوتات حکم در اینجا ساخته خواهد شد

دیگر نوشته اند که نوابش براده موید الدوله در ایام ماه مبارک رمضان هم بجهت ظهور القات نسبت بپوچی و سرباز و رسم برای حصول دعای خیر بجهت وجود قیام اقدس طایون شامی فرار دادند که بکل فرار اول و مستحفظ پوچی و سرباز که در درب خانه وارک هستند و فقر او بینوایان که عا کرد عا میباشند اظفار و سحر از کارخانه نواب معری لیس داده شود و تا آخر ماه مبارک مستمدا هستند

دیگر نوشته بودند که در ۲۴ رمضان دو نفر جوان بسن پانزده و شانزده ساله مسجد فرستاد برای منبر و عطا حاجی ملا محمد شیمار باستماع موعظه نشستند و موعظه هم در ذکر فضایل و محامد جناب مولای میثاق امیر المومنین علی علیه السلام بود بعد از انقضای مجلس موعظه آن دو جوان با هم در صحن مسجد سیر میکردند و یکی از آن بنیان اظهار و فور ارادت و فرط عقده نسبت بجناب امیر المومنین می نمود و نفس گفت اگر راست میگویدی سر خود را در راه جناب امیر المومنین علی علیه السلام بده او نیز فرزند بود تا مل چاقوئی از جیب خود در آورده لقبوت تمام کلوی خود کشیده و برید و چندان کشاکش داد که دستش از قوت افتاد

۱۸۱۹

از پای در آمد خوشان و کنام قطع شد اورا برود  
 در تراج حاضر کردند که شاید بخیه نماید و خوب شود  
 ولی کار از معایج گذشته بود و بخیه و مرم فایده  
 نکرده بعد از دو روز در گذشت

دیگر از قرار یک در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند  
 معرب انخان حاجی قوام الملک امور اتولایت را  
 انتظام کامل داده و از اتهامات عالیجاه محبوس  
 میرزا حسنعلی خان دریا بکی و حاکم بو شهر نهایت  
 امانت و انتظام در اتولایت حاصل است و هر  
 از چاکران دیوانی که مامور توقف انجا هستند  
 کار و خدمت خود سعی و براهت و انجام حدها  
 محو له بخود مشغول میباشند توپچی و سرباز متوقف  
 انجا را در ماه مبارک رمضان از مشق معاف  
 کرده بوده اند و امالی انجا در مساجد و معابد عبادت  
 دانستند شایسته است

هم در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند که در  
 ولو در بلوک دشتی باران غلیظی آمد که همچنان بارید  
 باین شدت در اتولایت بخاطر نه است است  
 انجا که از سامان زیارت و پرود خون بدریایه  
 از شدت بارندگی طغیان سخت کرد بطوریکه از  
 هر طرف رودخانه تخمینا یکفرسخ زمین را سیلاب  
 فرا گرفت و راه و دانی که در کنار رود فرود بود  
 همه را سیلاب حراب کرد و آنچه دو آب و غنایم  
 در بیابان سخت و از کف اصل رودخانه تخمینا بیست  
 بیج زرع آب بالا آمد بود اگر چه حاصل اطراف

رودخانه را از هر طرف بقدر کفوح که سیلاب بود  
 تلف نمود ولی بعد از رفع بارندگی و سیلاب بان  
 زمینها را حاصل دیگر از قبیل بنه و هندوانه و خربزه  
 کاشتند و بسیار خوب بلبل آمد و بجهت آمدن سیلاب کلین  
 خارج را بان زمینها تا ده سال غله در ان زمین  
 خوب بلبل می آید و در آنجا که رودخانه بدریا میرزد  
 دهی زیر رود نام از بلوک برود خون در آنجا واقع است  
 چون از سه طرف آب رودخانه طغیان کرده و بطرف  
 نیز دریا بود و خوش صحرایی خود را بر سر تلی مرتفع که در  
 نزدیک ده منور است کشیده بودند تخمینا بعد از  
 آه و دخر کوشش و کار بودند و از دشت سیلاب  
 بیکدیگر تعرض نمیرسانند بعد اهل آنجا مطلع شدند  
 تمامی آنها را صید کردند و در سامان هم و زیر و باغها  
 که سر آب رودخانه است تخمینا ده هزار اصله نخل و سی  
 چهل خالوار را باد و آب بکلی سیلاب تلف نمود که از  
 از آنها معلوم نکردید و هم دهی از دشتی برستان  
 نام که در کفیر سخی بندر کنکان واقع است حوزی دارد  
 که آب از آن خورد بریا میرود با اینکه ده منور نیم فرسخ  
 از خورد دور است آب خور چنان طغیان کرد که قلعه و سیلاب  
 خانه محکم را که از سنگ و گل ساخته بودند خراب نمود  
 چون روز روشن بود که این حادثه در گرفت بمقتضای  
 اهل آنجا تو هستند که فقط عیال و اطفال خود را بگوشه  
 از آن مهلکه جان بدر بردند و اموال و اثاث اهل آنها  
 بکلی تلف شد بطوریکه اثری از قلعه و ده باقی نماند  
 در این اوقات حیدر خان ضابط انجا اتهامی دارد

۱۸۲۰

که ده فروردین در آبدی در آورد و لی خسارت نیاید  
با مالی آنجا ولد دهند است

دیگر نوشته که مقرب انجان خان حاجی توأم الملک بجهت  
حصول دعای سلامتی وجود فایض انجو و اقدس  
جلایون شایسته فرمای لب شهر را گفت کلاً چهار برج  
حاضر کرده و آنها را بلبوس داده همگی بلوازم دعا  
اقدام نمودند

### قرون

از فرار یک در روزنامه قرون نوشته اند امور  
انولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاد  
والا تبار عبد الصمد میرزا و رسیدگی مقرب انجان خان  
حاجی سنعلیخان پیشکار قرین انتظام و انضباط است  
و االی انولایت در عین رفاه و آسودگی بدعا  
از دیاد عسرو دولت و شوکت اقدس عالیون  
شایستهی رطب لسان میباشند و مقرب انجان خان  
حاجی سنعلیخان ایام ماه مبارک رمضان را  
قدغن نمود که با شرفین مطالبه بالیات ارزهایا  
و حواله الهاتی نمایند که آسوده خاطر بلوازم  
طاعات و عبادات اقدام نمایند و رعایا این  
مرحله کمال شکر گذار بر او داشته اند

دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه رمضان المبارک  
بعد از ظهر قریب دو ساعت تکرک بسیار شد بد  
آنکه از دلت و بلوکات هنوز خبری نرسیده بود  
که تکرک در آنجا چکرده باشد ولی باغات دور  
شهر که معلوم بود کجا بیش میو جانش از تکرک خراب

و تلف گردیده است و کمان داشتند که بلوکات  
و دلت نیز از تکرک خسارت رسیده باشد

دیگر نوشته بودند که امور شهر و محلات قرون در  
کمال نظم است و دزدی و سرقت بسیار کم اتفاق  
می افتد بلکه در این اوقات نوعی استقامت درین باب  
شده و کزومه و سنجین مراقبت بعمل می آورند که در شهر  
مطلقاً دزدی نمی شود و همچنین امور طرق و شوارع  
بسیار مضبوط و فراسوران دستخط در همه راهها  
سجظ و حر است مشغول و عابرین دست و دین پاینها  
آسودگی عبور و مرور می نمایند

قسم و کاشان و کردستان و کرمان  
و کرمانشاهان و کزووس این ولایات  
نیز درین نسخه اخباری بود

### کیلان

از فرار یک در روزنامه کیلان نوشته بودند چیزی  
بود که در آنجا ناخوشی و باروز کرده بود این اوقات  
اسمعتند از تفصلات خداوندی رفع شده از اکثر  
جایهای آنجا که ناخوشی و قوع یافته بود رفع شده  
مثل این است که هیچ نباشد

دیگر نوشته بودند که امور انولایت از حسن مراقبت  
دعوررسی و استقامت امیر الامراء العظام عمید الملک  
قرین انضباط و انتظام است و هر روزه از صبح  
الی ساعت از شب رفته در معر حکومت نشسته  
هر کس را عرضی و مطلبی بوده باشد بلا مانع خود  
آده عرض نمایند و بعضی او رسیدگی شد موافق عدالت

۱۸۲۱

و انصاف حکم آن می شود و عموم امالی آن ولایت  
 کمال شکر گذار بر او دارند و در رفع بعضی بدعتها و  
 که در ازمنه سابقه بمورد در آن ولایت متداول  
 شده بود نهایت اتهام میشود با اینکه این در آن  
 ولایت از منته مالک محرد سه ارزانه است بجهت  
 پیکش و تمبلاقی که بصف نعل بند رسم کرده بودند  
 نعل بندی سواری دو هزار و بیشتر قرار شده بود  
 درین باب قدغن اکید شد که تعارفات اتباع  
 حکومتی که از سابق متداول رسیده بالمره موقوف  
 و متروک باشد و کئی بیچ اسم و رسم دنیا  
 از صنف مزبور نگیرد و از صنف مزبور نیز الام  
 گرفته شد که دستی چینی نعل نمایند و ازین قرار  
 تخلف ننمایند و همچنین در سنگ اوزان رشت  
 اختلافات فاحش بهم رسیده بوده که سه ارزانه  
 قلب اجناس را بسنگ زیاده میخیزد و سنگ  
 میفرستند درین باب نیز قدغن شده سنگ  
 این بوزن تمام ساخته و مهر نموده بجای کسی  
 داده شد که بغیر از آن سنگها داد و ستد ننماید  
 و اگر بسنگهای دیگر داد و ستد نمایند مورد  
 مواخذة باشند و همین قمار بازی را که پیشتر  
 سابق و جرمنافع او را نقد و جرم میداشتند بکلی  
 موقوف کرده و قدغن شد که احدی مرکب  
 عمل قمار بازی نشود دیگر در شهر آخر ماه رمضان  
 یک نفر وزیرد عظام علی نام که از سارقین مشهور بود  
 و مدتها در محال کسبیلان لبرقت اقدام داشت

و علاوه بر فعل شیخ سرت در مقام عمل قبیح سعیتی  
 نسبت بال و عیال بر جای آوردن قین بر جی آمد  
 دستگیر شده بنزد امیر الامراء اعظام عمید الملک  
 آوردند بعد از تحقیق و اثبات قباچ اعمال او او را  
 سیاحت شالیه کرده و در بازارها گردانند  
 و شر او را از سر اهل آنجا رفع نموده همه مردم از  
 اینر حسد کمال شکر گذاری اقدام نمودند و نیز سارق  
 سارق دیگر اسبی در زیدیه بودند آنهار را نیز  
 کردند اسب سر و قد از آنهار دریافت و بعضی  
 تسلیم و آنها را تمبیه مضبوط نموده حسب احکام مجوس  
 باجمعه امیر الامراء اعظام مشارالیه نظر معقولیت خود  
 و اقتال حکم و استرضای خاطر اقدس عالیون  
 امالی آنجا را بحسن سلوک شاکر و مسرور و اغلب  
 اوقات خود را در انتظام امور ولایت و اسودگی  
 توکرو رعیت مصروف دارد و با کمال کفایت و  
 غوررسی در کارها دست تطاول شرار و سارقین را  
 از سر عجزه و نکالین کوتاه کرده بهیچوجه کسی قدرت  
 تعدی و حرکت خلاف حساب ندارد و رعایا  
 بر ایما اسوده خاطر بدعای بقای وجود فانی وجود  
 بجایون و از دیاد شوکت و دولت ابد مفزون  
 اشتغال دارند  
 ما زنده ران و طایر و پشاورند و بهمان  
 و نیز و ازین ولایات نیز درین صفت اخبار  
 بنود

۱۸۲۲

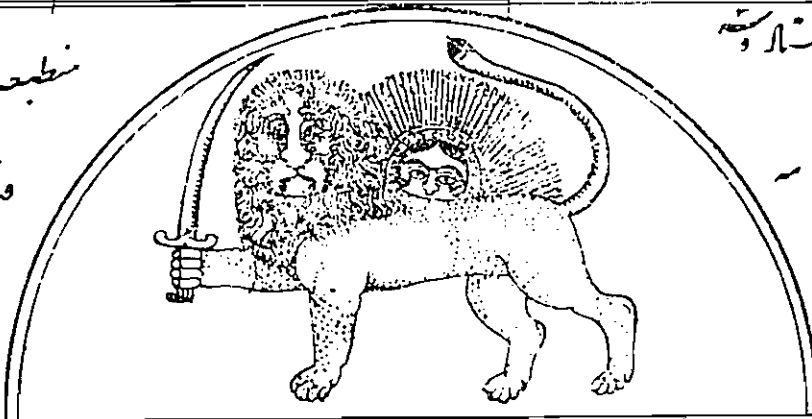
روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۶

نزد دولت و شاهنشاهی

منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطری



قیمت روزنامه

هر نسخه دینار

اجبار و اسلمه مالک محروم پادشاهی

ارووی هایون

اعلیحضرت قوی شوکت شاهساهی در سلاطین و ان تشریف دارند و در این اوقات که موسم گرمای تابستان است هوای نیوران نسبت بایر جاکمال برودت و صفاراد از هر گونه میوه و از ان و ارزانت و بر وجود فایض انجو دهایون بسیار خوش میکند و در روز دوشنبه گذشته بجات کاشانک ملکی جناب نظام الملک که در جنب نیوران و بحسب صفا نهایت امتیاز دارد بصفای جناب نظام الملک تشریف فرما گردیده و از جانب جناب معزی آواز مپیکس و پای انداز و قربانی بعل آمده مرا خدمتگاری او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده هزار را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آنجا تشریف داشته بعد از صرف عصرانه و چای بجات نیوران مهاودت فرمودند

چون مقرب انجانان محسود خان قراکوزلو مراتب صداقت و ارادت خود را در راه خدمت دولت ظاهر و بر خدمتی که ما مورشد انان کفایت و کار دانی از او مشهود گردید علی الخصوص در امور سفر بطریق که موافق اراده علمیه هایون در استحکام میانی دولتین ایران در وسوسه سعی و انی و جهد کافی مضایقت نمود درینوقت که حسب الامر احضار رکات مبارک گردید در از خدمات مشارالیه منصب میرمنجکی که از اجدد مناصب این دولت علیه است محبت و فرمان مهر لعلان هایون شرف حد دریافت با عطای خلعت آفتاب طلعت مبارک منقح گردید

۱۸۲۳

خدمت بود محض رحمت ملوکانه عالیجاه مشایخ  
جلیل سربسکی توپخانه مبارکه حسب فرمان جهان نظام  
سرافراز و کلمات قدس شال ترمه نیز با و خلعت حمیت

### دارالخلافه طهران

نهایت انتظام و امنیت و وفور هر گونه نعمت در دارالخلافه  
طهران حاصل است و چاکران در برابر بانیون  
دارالخلافه مبارکه هر یک در انجام خدمات محمل  
سجود مشغول و مراقب انجام خدمات و عهده دار  
مباشند و کسی قدرت حرکت خلاف حساب ندارد  
و اگر احیاناً کسی مرتکب سرارت و هرزگی و سرقت  
شود در مقام مواخذه و تنبیه برمی آید از جمله چند  
نفر درین روزها مرتکب سرقت و شرب شد  
آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده  
والا تبار در شیرمیرزا حکمران دارالخلافه آوردند  
حسب احکام نواب معزی البیه و اخوان نصیر هر یک  
تنبیه شدند

درین روزها اخوند ملا کاظم که از جمله قهقها و مجتهدین  
دارالخلافه مبارکه بود داعی حق را البیگانه  
گفته بجزار حمت از دی پیوست و جنازه او را  
با نهایت احترام برداشته الهالی شهر و ضعیفان  
بتشیع جنازه حاضر شد و مجلس فاسخه او در مسجد  
شاه گذاشته علمای اعلام و سادات ذوی  
واعیان و اشراف و الهالی دارالخلافه تاسه روز  
بمجلس تسبیح و تکریم و عزادان مجلس تسبیح را چیدند

### سایر ولایات

آذربایجان و استرآباد و سواد  
و اصفهان و بروجرد و سلطانی و سمنان  
ازین ولایات درین هفته اجاری نبود

### حمیت

از قمریکه در روزنامه حمیت نوشته اند عالیجاه  
چراغعلی خان در پانزدهم ماه مبارک رمضان وارد  
انجام شده و اعیان و اشراف و عسکرمه الهالی  
لوازم استقبال را بعل آورده اند و مقربان  
مشایخ را به بعد از ورود الهالی انجمن را با طیف ادب  
دولت جاوید مدت علیه امیدواری کامل دادند  
همگی شادمان و مسرور بدعای بقای وجود فانی  
اقدس بانیان و از دیاد شوک دولت امیر

### اقدام نموده اند

و یکنو نوشته اند که از استقامت و مراقبت مبر  
چراغعلی خان نهایت انتظام در امور آن ولایت  
و دست تطاول اشرار بکلی کوتاه شده کسی قدرت  
حرکت خلاف حساب ندارد حضوراً طوائف شاهان  
که سابقاً سرقت و هرزگی و ابلهانه را از دست میکردند  
در این اوقات مطلقاً از آنها بی نی ظاهری شود  
و الهالی حمیت ازین محصله کمال شکر گذار بر او  
و امور طرق و شوارع منظم و مضبوط و عابرین  
و مترددین در نهایت آسودگی عبور و مرور می نمایند  
از بابت حاصل قدری تسلیش سببه الهالی حمیت  
حاصل بوده است ولی در ماه مبارک رمضان باره  
کامل شده و رفع تسلیش الهالی انجام گرفته است

۱۸۲۴



و مقرب الخاقان مشاریه ایام ماه مبارک  
 رمضان را سببه حصول دعا کوفی قدغن کرده بود  
 که سببش این است که مایات حواله و اطلاق بنام  
 تار حایا اسوده خاطر در مساجد و معابد بوظایف  
 طاعات و دعا کوفی اقدام نمایند که قدری کن  
 و کم یاب بوده است عالیجاه میرزا ولیخان <sup>بنا</sup> حکیم  
 قبل از ورود و حاکم ریاده از پانصد هزار غله از  
 کافی که غله انبار کرده بوده اند گرفته سجاغت  
 چهار داده و سخاوت از از خبازان تعیین وقت  
 دریافت و لصاحبان غله تسلیم نموده و بعد حکم کرده  
 جابر کشیده اند که هر کس بخواد در خانه نان بزند و  
 بیاد در در سر کوچه بفرستد مادون است و کسی  
 مخالفت نخواد نمود درین بین از تفضلات الهی  
 بارندگی خوب و بموقع نیز که شده است نرخ  
 غله تنزل کرده و ارزان شده و با الفل نمان  
 و خوردار و فقرا و غریبا ازین معنی اسوده خاطر  
 دیگر نوشته بودند که بعضی اشخاص سخاوت از مردم  
 گرفته بودند و در ادای آن تعلل می نمودند و  
 مجادیر می شدند در این اوقات که فهمیدند که  
 مقرب الخاقان مشاریه در احقاق حق وقت تمام  
 تمام دارد دیده کاران بدون عذر و دفع الوقت  
 طلب مردم را کار سازی می کنند و کسی طلب  
 حساب با کسی نمی تواند رفت ر بکند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا محمد علی در شب وارد

ماه مبارک رمضان در خانه شخصی مهمان بوده است  
 وقتی که سبب از خود مباحث کرده بود دیده بود که  
 در دوسه اسب او را در طویله زمین کرده اند که سبب  
 سارقین و از احتیاط کرده بودند مشاریه  
 عالیجاه میرزا ولیخان اظهار داشته و بداروغه  
 قدغن شده بود که حکما دزد را پیدا نماید بعد از  
 دو روز یک نفر از آنها دستگیر گردیده معلوم شد  
 بود که از حمله قاتلین حسین بیک آردل است که سخاوت  
 اسی نیز سرقت کرده بگیرد او را محبوس نمود  
 و مراتب را با منای دولت علیه معروض داشته  
 تا بد آنچه حکم از دربارهایون صادر شود معمول دارد  
 خوانش و کلیایکان و سمنان و عراق  
 ازین ولایات نیز درین معنی خبری بنود

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور  
 انولایت اخسن مراقبت نواب مستطاب مؤید  
 قرین انتظام است حسب الحکم نواب معزی ایبه مقرب الخاقان  
 مصطفی قلیخان میرنجه با پنجاه توبه یکبارده چهاره  
 و توپچی و قورخانچی و دو فوج فدوی قراکوزلو  
 با مور انتظام صفحات لار کرده در بیستم ماه  
 شعبان از شیراز حرکت و در یازدهم ماه  
 مبارک رمضان وارد خطه لار کرده دیده و آورده  
 روزه ایلی آنجا لوازم استقبال را بعل آورده اند  
 و بعد از تنظیم امور آن صفحات در بیستم ماه فروردین  
 از آنجا حرکت داده وارد شهر لار کرده است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفر قلیخان سرنگ  
 توپخانه مبارکه باز دید توپخانه ابوالجهمی خود را بجا  
 ورود و بخت لار نموده با اینکه در راههای آنجا  
 کتلهها و گردنهای معتد سخت واقع و عبور توپ  
 از آنجا با کمال صعوبت را وارد توپچیان سعی  
 و اهتمام زیاد نموده و توپچیان را بی عیب و نقص از  
 عقبات سخت گذرانده و مقصد رسانده بودند  
 و اسبان توپخانه نیز در کمال فریبی و دماغ بودند  
 و توپچیان را با نهایت خوشوقتی و دلگرمی و انتظام  
 وارد خط لار نموده و امور آنها را از هر بخت نظم داشته  
 عالیجاه مقرب انخاقان مصطفی قلیخان سرنجه آنها را زودتر  
 رضامندی از نظم و کار دانی عالیجاه مشارالیه  
 و حسن سلوک توپچیان ابوالجهمی او نموده است  
 و همچنین عالیجاه علیعلیخان سرنگ فوج خرقانی از آنکه  
 نوشته بودند در ایام توقف در خط لار فوج خود را  
 با کمال نظم داشته و خدمات محوله بخود را با کمال  
 خوبی و معقولیت با انجام رسانده و انانی آنجا از حسن  
 سلوک مشارالیه و نظم سربازان ابوالجهمی او بسیار  
 رضامندی داشته اند و مقرب انخاقان مصطفی قلیخان  
 سرنجه فوج عالیجاه مشارالیه رسان دیده و بدقت  
 رسیدگی نموده و انتظام و اراستگی تمام داشته اند  
 و از حسن خدمتگذاری و مراقبت عالیجاه علیعلیخان  
 بسیار عیب و نقصی در کار فوج مزبور نبوده و  
 فتمهای رضامندی از او داشته اند  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مصطفی قلیخان

میرنجه بعد از ورود و بخت لار انالی و اخیان آنجا را  
 بعد از اطفاف اولیای دولت جاوید مدت علیله لاکرمی  
 و امیدواری تمام داده و عمال و مباحثین  
 صفحه جات مزبور را احضار کرده و قرار داده و  
 وصول و حصول مالیات دیوانی را بطوریکه  
 رعایا در رفاه باشند داده و عسوم رعایا  
 آنجا با کمال خرسندی و دلگرمی مشغول عمیستی خود  
 و دعاگوئی ذات اقدس بیا یون شاهنشاهی  
 و افواج قاهره متوقف آنجا را با انتظام تمام  
 انجام خدمات محوله بخود دارد و هر روزه در  
 دیوانخانه نشسته و بعد از این مطالب مردم وقت  
 و غوررسی کامل مینماید و در ایام ماه مبارک صیام  
 از سه ساعت از ظهر گذشته الی طلوع فجر اوقات  
 خود را مصروف رسیدگی امور ولایت و انتظام  
 امر نوکر در رعیت داشته و بحسن کفایت و کار دانی  
 و سلوک و مهر بانی انالی آنجا را خرسندی و سرور  
 وارد و کسیر قدرت شرارت و بزرگی و عدالت  
 و خلاف حساب نسبت بد بگیری نیست و از  
 هر کوزا ذوقه و اجناس ناکولات و غیره در آنجا  
 فراوان است که غله که اسال بجهت کم آمدن باران  
 در آن ولایت فی الجمله تغییر داشته است و مقرب  
 انخاقان میرنجه اوم و دو اب معین کرده و روانه نموده است  
 که عند ابتیاع و بخت لار عمل و نقل نمایند که  
 سیورسات نوکر متوقف آنجا آمده باشد  
 و عسرت نمانند

۱۸۲۶

### اجازت دول خارجی

از قراریکه در روزنامه خارجی نوشته اند از نظر  
 زادگان دولت پورتو کال شخصی که نفوذ و املاک  
 او بسیار و حساب و شمار منی آمد اغلب اوقات خود  
 وقف سیاحت نموده و از آنجا که در دنیا عمر  
 آدم بیکار رود میگذرد مشارالیه در مسکاتین  
 عمرش بدرجه کمال از زندگانی دلننگ شده  
 بفرزاهم آوردن اوضاع هلاک کردن خود افتاد  
 باین خیال خویش برده بود در عالم خواب  
 بود که پیری را بب روی او آمد و گفت که تو  
 خود را تلف خواهی نمود و لکن صبحگاه از در خانه که  
 بیرون میروی زنی که بتو است می آید او را ترویج  
 میکنی که رانی تو از بلای هلاکت باین واسطه مقرر  
 مشارالیه بیدار شده و عفتش برش آید  
 در ب خانه را کشد و با طرف و جوانب نگریند  
 زنی بصورت که ایان در لباس مندرس و  
 که کودکی سه ساله همراه داشت باور و برد  
 آمد گویا ملاحظه خواهی که دیده بود مکررین او را  
 هلاکت خود دانسته بفرکت فرورفت و ضعیف  
 مزبور بر رسم کدی و سنوال پیش آمده چیزی  
 خواست آن شخص پرسید که پدر این کودک که  
 همراه داری کیت و در کجاست و چون جواب  
 درستی نشد بر طبعش کران آمده فکرش زیاد  
 شد بلاخره دست کودک را گرفت و ضعیف  
 سخته خود تکلف نموده و بعد از بردن او بخانه

سخت ز زبا با طغش شست و شوداده و لباس  
 فاخر با نخا پوشانده از زن چون ما پاره بسیار  
 خوش کل بنظر او جلوه کرده او را برای خود عقد  
 و با اوصاع نام عروس نموده از نظر کشتن خود خلاص  
 یافت و بعد از آن رانا برای قرال فرستاد  
 بود که شاه معلوم نماید کیت کسی او را شاخته  
 و از حرکات بی تربیت کودک که از ادکی او استنباط  
 با بچه مشارالیه اینگونه خواب دیدن و ترویج گدا  
 سبب رفع خیال طغش شدن مقام تعجب است  
 در هر صورت اختر طالع آن زن از برج دولت  
 طلوع کرده با فقر و فاقه که شبها در کفنها سر میرد  
 حال صاحب عمارت عالی و قصور مرغوب کرده  
 عیالی بزرگ معتبر شده است  
 دیگر نوشته اند که در ایام بیت و پنجال پیش این  
 که قرال دولت اسپانیول فوت شد وصیت  
 کرده بود که دخترش بجای قرال باشد و حال  
 اینکه موافق قانون دولت اسپانیول سلطنت  
 معمول بود در آن اوقات بهین سبب اختلاف  
 دولت مزبور روی داده بلاخره مشارالیه  
 غلبه و استیلا یافته بقرالت اسپانیول  
 گردید و بعضی از ذول یورپ قرالت او را  
 تصدیق کرده و بعضی دیگر تصدیق نموده بودند  
 از جمله امده اطور سابق دولت روس قرالت  
 او را تصدیق کرده بود در این اوقات که مصفا  
 دول در احوال حاضره منعقد شد درین بمن  
 طر

۱۸۲۷

روس قرابت مکه اسپانیول را نیز تقدیر نمود  
و نامه مخصوص رسال داشته است

دیگر نوشته اند که از کوههای سوزنده سنک  
کداخته که منجم میشود و بزبان فرنگی و لغاتین میگویند  
پس ازین در حالت کد اختکی مثل شیش چیر نمصر فی  
بود در این اوقات یکی از منرمندان انگلیس

ادقوق نام سنک مزبور را با اجزائی بسو  
آب کرده و سنگی اعلا از ان حاصل نموده و بهر  
کاری می آید و بروی او چیزهای نفیس گذاشته  
میشود و این کد ارشش بفرانس و سیکلی دنیا  
سوده و بجاصل کردن این نوع سنک قومبا

مخصوص ترتیب داده اند و در بعضی جاها از  
سنک بقدر پنجاه خانه بنا کرده اند و بروی  
سنگهای مزبور نقوش و تصنیفی که میشود بسیار  
ظریف و خوب منظر می آید و قیمت نیز ارزانه تر گاه  
میشود

دیگر نوشته اند که از دولت فحیمه روسیه  
سفیر دوم و مدخص مجلس مکالمه پاریس جناب  
بره لوف بجهت دادن بیان نامه رسیده فوت  
امپراطور سابق روسیه و جلوس امپراطور  
دولت مزبور در عرته ماه گذشته شعبان بطرف

لندن عازم شده است  
و همچنین بجهت تجدید حقوق دوستی و مصافحات  
ما بین دولتمسین فرانس و روس از جانب امپراطور  
روسیه علیک اندزد و دوم ما مور و مدخص مجلس

مکالمه پاریس جناب قونت اولوقت در اختتام  
مجلس مزبور نامه رسیده جلوس امپراطور روس  
و تهنیت تولد و لعید دولت فرانسه ناپلیان  
سیم را تبریک نامه خدمت امپراطور فرانس  
داده و مهابنی مخالفت و و داد دولتمسین را  
موتگد نموده است

دیگر نوشته اند که بجهت ساختن راه آهن و  
بعضی عمارات دیگر در مملکت نور تو قال قرال نخا  
سه هزار طمان لیرا که لول آنولایت است قرض  
کرده و مسنغ مزبور را قرار داده که بمباشرن  
راههای مزبور تسلیم شود که مشول ساختن باشند

دیگر نوشته اند که از واورمانی که در نهای فرانس  
کار میکنند و نهای مزبور را نخبه میمانند یک واپور  
در مسکامی که سالها با سلا مسول می آید در محاذی  
دماغه سرای بیک و الوور بزرگ منسب بجهت توج  
آب خورده ساخته و غرق گردید گمرا اکیست واپور

دیگر طلب کرده بجهت تردد در نهر طونه در راه  
گذشته شعبان بطرف و ارنه ارسال شده  
و واپور مزبور از وسط مالک فرانس حرکت  
و بوسط مالک منس عبور و مرور او معین گردیده است

مع

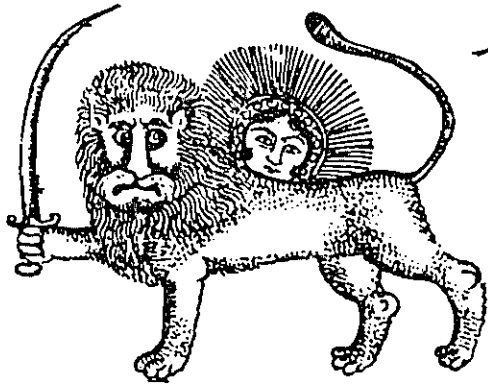
۱۸۲۸

روزنامه فایح الفایح تبایح یوم بیستم شهر رجبه الحرام مطابق سال لومی سنه ۱۲۷۲

مزه ویت و شاد و چهار

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی



منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج شاهی

### اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

#### اردوی بهایون

مؤکب سیروزی کوکب اعلی حضرت اقدس بهایون  
 شاهنشاهی تشریف فرمای نیادوران میشنا و بر خود  
 فایض اجمود بهایون بسیار خوش میگذروا منافی  
 دولت علیه و مقربان حضرت گردون بسطت سینه  
 و سایر چاکران در بار بهایون هر یک با انجام صدا  
 محوله بنجد مشغول و اهل سلام همه روزه شیرین  
 حضور با هر نور میگردند و در این اوقات که شد  
 گرمای تابستان است هوای سیاق نیادوران کمال بود  
 و صفارا دار و علی الخصوص عمارت مبارکه سلطانی که  
 مثل برانهار و اشجار و قصور و بیوتات با این  
 و مطبوع و سخن خاطر ملوکانه و حجب عد و سب ما  
 و لطافت هوا امتیاز تمام دارد

عنایت خاطر اقدس بهایون شاهنشاهی در باره  
 نواب معزی الیه درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه  
 زرد آبی حاشیه نوباب معزی الیه رحمت فرمودند و  
 بجهت ظهور کفایت و کاروانی مقرب انخاقان سیراموسی  
 وزیر دارالخلافه الباهر عصالی مرصع بجا اهریز مقرب انخاقان  
 مشار الیه التفات فرمودند

چون مراتب حسن کفایت و اتهامات نواب مستطاب  
 و الا بتا رموید الدوله حکمران مملکت فارس در نظام  
 اتولایت و انضباط بندر عباسی و سایر بنا در فارس  
 مشهود خاطر اقدس بهایون شاهنشاهی گردید در این  
 اوقات یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی بجا  
 ملوکانه بجهت مزید مفاخرت و مهابات نواب معزی  
 رحمت و ارسال گردید

نظر بطور قابلیت و شایستگی عالیجاه علی آقانیب اجمود  
 در این اوقات بموجب حکم نظامی منصب سرافراز گردید

۱۸۲۹

از قراری که حکام و مباشرین ولایات نوشته اند  
 عالیجاه اسمعیل خان چاچری باشی درین اوقات  
 منازل را اسبهای تازه خوب خریداری نموده و  
 و چاچرخا را منظم داشته که از برای هیچک  
 از مژدین معطلی حاصل نشود و منی شود چنانکه درین  
 روزها چاچری از اصفهان دو روز و نصف آمد و چاچ  
 کراتان سه روزه و راه خراسان با اینکه از جانب  
 دیوان حکم شده است شش اسب بسته شود و مژد  
 مأمورین دولتی شش هفت اسب برداشته اند و چاچ  
 که از آن طرف دین طرف می آمد و در اسب بسته  
 و در یک منزل بهدیکه بر خورده اند که در یک مرتبه  
 ده اسب در ذاب و ایاب از یک منزل برداشته  
 میشد و برای هیچک معطلی حاصل نشد بهمکی را اسب  
 داده روانه مقصد نموده اند بدون حالت معطلی علی  
 نظر بحسن خدات عالیجاه چاچری باشی و کمال حمت  
 ملوکانه در باره مشا رالیه که خاطر اولیای دولت  
 قاهره را از حسن خدمات خود ماضی داشته در این  
 اوقات یکطاق شال ترمه و یک ثوب قبای ری  
 برسم خلعت بعالیجاه مشا رالیه رحمت شد که برجم  
 ملوکانه امیدوار بوده روز بروز بحسن خدمتکاری خود  
 بیفزاید  
 و از اختلاف طهران  
 امور و از اختلاف مبارکه از هر جهت منضبط  
 سرعت و شرات کمراتفاق می افتد از جهه و درین  
 قافله حرامان می آمد است و در این بعضی حال آنها را

۱۸۳۰

جماعت زر که مرقت کرده بودند در محال شهریار  
 دزد و مار گرفته آوردند حسب حکم نواب مستطاب  
 شاهزاده و الا بتارار د شیر میرزا احکمان دار اختلاف  
 طهران و توابع اموال مسروقه دریافت و حبس  
 تسلیم و دزدان تنبیه بزم شد  
 عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان همه وقت در  
 عمارت ارک جناب شرف ارفع صدر عظم مشغول  
 رسیدگی با مورات نظام و خدمات محوله بنحو همیشه  
 و عالیجاه علی آقای نایب اجودان باشی را که تازه بنشین  
 شده در اطاق نظام کده داشته است که قراولان  
 عمارت مبارکه سلطانی را رسیدگی نماید و عالیجاه  
 عباس آقای نایب اجودان باشی بقراول خانها  
 شهر کده داشته با مورات قراولخانها رسیدگی می نماید و بعضی  
 شبها بقراول خانها سرکشی می کند و سر بازار قراولخانها  
 با کمال نظم مشغول قراولی خود هستند تو سبحان و  
 افواج قاهره متوقفین دار اختلاف بواسطه گرمی هوا  
 از مشق مرض میباشند لکن صاحب منصبان افواج  
 قاهره که بجهت مشق احضار رکاب مبارک شده اند عالیجاه  
 رضی قلبان سرمنک یک عت قبل از طلوع آفتاب  
 آنها را در میدان مشق حاضر کرده دو ساعت مشق مید  
 و هر یک از معلمین و متعلمین مدرسه دار الفنون همه وقت  
 بقراولان در مدرسه مشغول تعلیم و تعلم هستند  
 سایر ولایات  
 و در بایجان و استرآباد و اسداباد  
 ازین ولایات جناب می رسیده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال است  
 و انتظام از حسن اقب و اهتمام نواب مستطاب  
 و الا بتاحتمت الدوله حکمران اصفهان در آن ولایت  
 حاصل است و نواب معزى الیه هر روز از  
 آفتاب الی یک ساعت از شب گذشته در عمارت حسن  
 می نشینند و هر کس از اعلی و ادانی عرضی و مطلبی داشته  
 باشد بدون مانعت و مزاحمت حاجب و دربان  
 عرض خود را می نماید و بر وفق عدالت امر او فیصل می  
 ور عایا و برابا و رعین آسودگی بدعای دوام عمر و  
 شوکت و دولت اعلیحضرت قوی شوکت شاهی  
 خلد الله ملکه و سلطان مشغول میباشند و عالیجاه  
 زکی پیشکام حسب الحکم نواب شاهزاده همه روزه باستوفی  
 اصفهان در دفترخانه نشسته مشغول محاسبات و معاملات  
 و داد و ستد مالیات میباشند و هم چنین امور محلات  
 منظم و مضبوط و مستحفظین بحفظ و حرمت مشغول  
 و سرقت و خلافات کمتر وقوع می یابد  
 فوج ابوالجیحی عالیجاه نصرالله خان سرکشی همه روزه  
 در میدان نقش جهان مشغول مشق میباشند و عالیجاه  
 کمال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارد و کسی از  
 سربازان بجز قدرت حرکت خلاف حساب ندارد و اگر  
 بندرت یکی مرتکب شرارتی بشود تنبیه نظامی مضبوط  
 میشود و فوج ابوالجیحی عالیجاه ابوالقاسم خان سرکشی  
 اصفهانی هر قدر حاضر شده اند در میدان همه روزه  
 مشغول مشق میباشند و کمال نظم را دارند و صاحب  
 نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آورند

دیگر نوشته اند که چند نفر از اشرار و مفسدين كروان  
 که با نوره علیخان ضابط آنجا عداوت قدیم داشتند  
 در این اوقات زیاده مصدر شرارت و فساد شدند  
 و در جبال و صحاری متواری شده بقطع طرق و سب  
 اموال و سنگ دام عابرین و مترددین مشغول بودند  
 و گاهی نیز بقبار و آبا دیهای آن اطراف دست انداز  
 میکردند مراتب بعض نواب حتمت الدوله رسیده  
 چند نفر اعلام بگرفتن آنها مامور نمودند علما مان آنها را  
 در باغی یافته و زوان در آن باغ محصور و بنای تیراندازی  
 وزد و خورد که داشته بالاخره علما مان آنها را که چنانچه  
 نفر بودند مقتول و سرشانرا از سرهالی آنجا رفع  
 کرده بودند

۱۸۳۱

دیگر نوشته اند که قراونخانه های طرق را آنچه متعلق  
 سجاک اصفهان است نواب شاهزاده از هر طرف  
 مضبوط کرده و سواره و مستحفظ سجه حفظ و حراست  
 گذاشته و عابرین و مترددین باسودگی و اطمینان  
 از آنجا عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که چند روز است حسب الحکم نواب  
 حتمت الدوله بناد عمده بعمارات دیوانی و میدان  
 نقش جهان گذاشته مشغول تعمیر خرابیهای آنجا  
 میباشند

دیگر نوشته اند که فوج محال اربعه اصفهان را نواب  
 شاهزاده احضار نمودند که بموجب آنها رسیدگی نماید  
 و قرار دادند که از اول ماه دیقعه مواجب آنها را خود  
 بدست خود بآنها بدهند که تدارک خود را دیده رواه  
 بیا یون شوند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند نواب  
 مستطاب شاهزاده والا تاجتاشام الدوله حکمران  
 بروجرد و بختیاری و عربستان و لرستان و غیره  
 ماه شوال از عربستان وارو بروجرد شده اند  
 و بعد از ورود بنای رسیدگی بامور لرستان گذاشته  
 و توشمالان و ریش سفیدان طوائف لرستانی کلاً  
 با کمال امیدواری خدمت نواب معزری الیه آمده  
 چون از سوسلوک و رفقار میرزا عبدالحسین مستطاب  
 خود شاکمی بودند نواب معزری الیه او را غفل نمودند  
 و عالیجاه میرزا علی را که بحسن سلوک معروف و الهامی  
 طالب او بودند به پیشکاری نواب جلال الدین میرزا  
 منصوب و همراه توشمالان فروروزانه نمودند و  
 الهامی لرستان ازین مرحله کمال مسرت و شکر گذار  
 اظهار نموده بد لکرمی و امیدواری تمام روزانه لرستان  
 شدند و نواب معزری الیه بانظام امور هر دو بالاگرفتند  
 پرداخته قرار کارهای انجمن بطوری دادند که همگی  
 آسوده باشند و نسبت بیکدیگر تعهدی نهند  
 دیگر نوشته اند که خلعت آفتاب طلعت که از جانب  
 سرکار اقدس هالیون شاهنشاهی بجهت نواب مستطاب  
 جتاشام الدوله مرحمت و در سال شده بود درین  
 ماه شوال بانجارتو وصول افکنده نواب معزری الیه  
 استقبال و توقیر و احترام خلعت هالیون را بپوشید  
 در باغ شاه ریب برود و شش افتخار و مباحث  
 ساخته انعقاد سلام و صرف شربت و شیرینی نمودند

۱۸۳۲

و اهل سلام بدعای بقای وجود فایض بجد هالیون و  
 از دیاد شوکت دولت روز افزون مبادرت نموده

دیگر نوشته اند که ناخوشی مطبوعه و محرقه در بروجرد  
 زیاد بود و آنچه ناخوشی می شنید اغلب بهان ناخوشی  
 فوت میکردند درین اوقات تخفیف کلی بهم رسانیدند  
 ولی هنوز بلامه رفع نشده است

دیگر نوشته اند که در بیت و دو تیم ماه شوال  
 مجتهد العصر آقای میرزا محمود و چند نفر دیگر از علماء و صوفی  
 سایر مردم که قریب پنجاه نفر بودند بجزم ریاست  
 عبات عالیات از بروجرد روانه گردیدند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند که  
 نهایت امیت و وفور هرگونه نعمت در آن ولایت حاصل  
 و حاصل خوب بعل آمده است مگر زراعات دیم گاه  
 که بجهت کم آمدن باران قدری نسبت بآلهای دیگر  
 کمتر بعل آمده است ولی سایر زراعات خیلی خوب شده  
 و این اوقات در کار دروغه میباشند و فائز  
 زیاد کاشته اند و بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است  
 دیگر امور قراونخانهها بسیار مضبوط و منظم است  
 و قراونخانههای ارض اقدس بسبب فوج قزوین  
 سپرده است و مشارالیه بایاورهای خود شبها  
 و در محلات و قراول خانها گردش نموده لازمه  
 حفظ و حراست را بعل می آورده و باین واسطه  
 کم اتفاق می افتد



دیگر از قرار یک تسعیر اجناس از صافدس را  
نوشته بودند بقرار مسطور ذیل است

کنم	یکجوار	پانزده هزار	۰۰۰۰
جو	یکجوار	پانزده هزار	۰۰۰۰
نان	یکعباسی		۰۰۱
گوشت	یکین	چهار عباسی	۰۰۰
برنج	یکین	یکهزار دینار	۰۰۰
پنیر شور	یکین	یکهزار دینار	۰۰۰
قدیری	یکین	پنجاه هزار	۰۰۰۰
بنات	یکین	چهار هزار و پانصد	۰۰۰۰
شکر سفید	یکین	چهار هزار	۰۰۰۰
شیره خوب	یکین	هزار دینار	۰۰۰
روغن	یکین	دو هزار و پانصد	۰۰۰۰
فلفل	یکین	هشت هزار	۰۰۰۰

و خوانین و چاکران دیوانی با استقبال خلعت تا بون  
شاقه لوازم توقیر و احترام را بعل آورده در  
قلعه حاجی کریم زین پیکر مفاخرت و مباحث  
خود نموده صرف شربت و شیرینی و اجرایی  
سلک توپ کرده و شب نیز اسبش پائی  
فراهم آورده ملو از م حش و شادمانی بر ختم

دیگر نوشته اند که کاشته عالیجاه مقرب انجان  
این شکر که حاصل تنخواه مواجب سرباز و صاحب  
فوج خلیج سده متوقف کرمانشاهان بود بانجام  
دارد که دیده نواب شاهزاده عمادالدوله عالیجاه  
میرزا علی اکبر شکر نویس مقرر داشتند که فوج  
در باغ حاضر ساخته و سان دیده تنخواه آنها را  
تغریف عاید و طومار پامهر گرفته تسلیم کاشته  
این شکر نمود

و پنجمین عالیجاه پیشین صاحب که از دربارها بون  
ما مور کرمانشاهان بود که در آنجا مشغول مشق و  
تعلیم سربازان متوقف کرمانشاهان باشد  
و از آنجا که دیده و عالیجاه جان مجذبان سرباز  
فوج خلیج سرباز خود را حاضر کرده همه روزه در میدان  
مشغول مشق هستند و عالیجاه مش را البه کمال اهتمام  
در مشق و تعلیم آنها می نماید و توپچیان متوقف کرمانشاه  
نیز همه روزه در کار مشق اند و عالیجاه فوج السد بسک  
یا توپخانه اهتمام در نظام آنها دارد و کروس کرمان گیلان و  
مازندران و طایر و شام و بکند و این ولایات نیز بجزایر

حمه و خوات رو کلیا بجان و سمنان  
و شاهرود و عراق و فارس و  
قزوین و قم و کاشان و کردستان  
این ولایات نیز در این هفته اجباری بنویسند  
کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند  
خلعت مهر طلعت هاون که از دربار جهانداران  
سجده نواب مستطاب شاهزاده و الایب عمادالدوله  
حکمران کرمانشاهان مرحمت شده بود بوصول  
نواب میرزا الیه با اتفاق اعیان و اشراف ولایت

### اجبار دول خارج

در این اوقات که در دول پور و پور و مصاحبه کل و استحصال آسایش دانی بجهت رسوم اهل بیست از اهل ایطالیای بعضی اشخاص که با عداوت اختلال برت و سبقت و قطع طرق مبادرت نموده و چنانی آنها از حد تجاوز کرده سکنه بلاد بیشتر از دست تطاول و شرارت اینگونه اشخاص در مزارت مستند اصلاح این مقدمه نیز از جمله لوازم صلحنا مه محسوب میشود. در پارلمنتوی انگلیس سر و کین دولت فربور با این رسم اعلان نموده است که اکنون اعتناش ایطالیای از حد افزون و از مقوله طاعنی و باغی در روم از طوق بیرون شده اند از جانب دولت انگلیس این سند در دست است و بجهت اصلاح انحصار ف تدابیر و سعی از لوازم نماید چونکه اینگونه اختلال فوق العاد ایطالیای در حق سکنه بلاد و قری فقر حال و ضرر و مایهت کونا باعث شده است در اختتام کلمات مذکوره از طرف اجزای مجلس با تفاق آرا بجهت ادخال این مطلب در وایزه اصلاح تعهد و جوه و تدارک سباب لازمه آنرا نموده اند و دولت فرانسه نیز درین باب تعهد صرف همت نموده و مجلس مذاکره درین خصوص باختم شده است

۱۸۳۴

که تازه تبصره دولت انگلیس آمده است برویند از اینها بقدر حد و بچاه نفر که بجهت امور لازمه در کون و وطن خود ناگزیر بودند در ولایت خود توقف خستیا کرده اند و باقی کلاً داوطلب شده و با کمال سعف و اطمینان وجه فربور را گرفته و عازم محل مایهت گردیده اند

دیگر نوشته اند که پادشاه انگلیس در او اخر ماه مایس فرنگی با همسرای کشتیهای احتیاط بجهت کشت و سیاحت دریای افریقه بجزیره ماده راه دشته است

دیگر نوشته اند که بجهت مصاحبه دول لور و در احوال حاضره اغلب دول و قوالهای فرنگستان مقام دوستی و مصافحات با یکدیگر بر آمده بعضی از آنها چنانچه در روزنامههای سابقه نوشته شده است پیدین امپراطور فرانسه آمده اند از جمله پادشاه و ارمنورق که از همه پادشاهان فرنگستان پیر تر و سلطنت بیشتر کرده است در این اوقات پیدین امپراطور فرانسه آمده و از جانب امپراطور لوارم اعزاز و احترام دربارش را بیهیج آمده است

دیگر نوشته اند که در شهرت ولایت انگلیس در بزر و او و سکی و سانی بروی سر بنک خود پشاده و مخالف نموده بود جانوقت تو پخانه و سبب زامور کرد که که اعتناش آنها را رفع نمایند

دیگر نوشته اند که بقدر بجز ارفسون انگلیس که از ایطالیای گرفته شده در ماله متوقف بودند بعد از فرمایش به یک از آنها نهاد و بیچ لیر پول آنولایت اعلان کردند بهند که با حلوی و محافظت مملکت عود نمند و

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه چهارم شهر ذی قعدة الحرام مطابق سال لوی سن ۱۲۷۲

نزهت و استراحت و پنج

منطبعة دار اکتاد طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج مر



قیمت روزنامه

هر نسخه ده

### اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

**اردوی همایون**  
 در او بط مودت و دوستی که فیما بین دوین است  
 و فرات از قدیم الا بام حاصل بود این اوقات بواسطه  
 و نشاندن سفیر مخصوص از جانب اندولت بیبه بدین  
 دولت علیه و انعقاد عهدنامه مابین دولتین سمت  
 استحکام و استقامت یافته است و طرفین با طهارت و  
 کمال مودت و یگانگی نسبت یکدیگر بطور شایسته قیام  
 اقدام دارند این روزها علیحضرت کیوان رفیع امیر  
 ممالک فرانس بنا بقواعد متداوله مابین سلاطین با  
 دول یورپ که معتبرترین نشانیهای دولت است  
 که دلیل کمال مواجعت و موالات است یکدیگر را  
 میانیند اعظم نشانیهای دولت خودشان را از درجه  
 اول لژیون دوز مرصع بالباس با جامیل و لوازم  
 بانضمام نامه مهر علامه نزد جناب جلالت تاب سبولور  
 وزیر مختار و ایلمچی مخصوص دولت بیته فرانس مقیم  
 دولت علیه ارسال جناب معزنی الیه را مأمور بفرستادن  
 آن بانجن حضور سرکار علیحضرت اقدس همایون

شاهشاهی داشتند و باین واسطه دلیل واضح بر  
 استحکام تعلیم دوستی و یگانگی مابین دولتین  
 ایران و فرانس اقامه نمودند بعد از آنکه جناب سفیر  
 معزنی الیه را اطلاع از مراتب دادند اولیای دولت  
 علیه نیز نظر با اتحاد دولتین روز پنجشنبه گذشته بمقت  
 ماه ذی قعدة در قصر همایون میلای نیاداران قرار  
 شرفیابی جناب معزنی الیه بمجلس حضور همایون و ابلاغ  
 علامت دوستی و یگانگی علیحضرت امیر اطوری تقدیم  
 شرایط احترامات لازمه را از اینقرار معین داشتند  
 که عالیجاه مقرب الحضره انخاقانیه محمد حسن خان نایب  
 ایشیک آفاسی باشی مأمور از جانب سنی بجواب همایون  
 بابت نفر غلام از غلامان خاصه پادشاهی و ده نفر  
 از فرزان درباری بمنزل سفارت آندولت بیته  
 رفته جناب معزنی الیه را با عالیجاه مجد استراحت  
 لژن نایب سفارت که مخصوصاً از پاریس حاصل  
 شده بود و اجزای سفارت بحضور اقدس همایون  
 دعوت نمود و ایشان را در کمال احترام در ساعت  
 معین

۱۸۳۵

بکشیکخانه هایون پادشاهی که قبل از وقت برای آرام  
 و استراحت ایشان مهیا شده بود و در وقت  
 مخصوص احترام این روز و سفارت آن دولت جمعیت از  
 اجساد معتبرین چاکران دربارهایون بالیا سپها  
 رسی در کشیکخانه مبارکه جناب معزی الیه را پذیرفتند  
 بعد از آرام و استراحت بحضور اقدس هایون شاهنشاهی  
 اجبار و در حالتیکه سرکار علیحضرت قوی شوکت  
 شاهنشاهی طبعش بلباسی که در چنین روزها رسم است  
 بودند و از شاهزادگان عظام نواب اردشیر میرزا  
 حکمران دارالخلافه و نواب علیقلی میرزا اعضاد السلطنه  
 و نواب احمد میرزا و نواب المیرزا میرزا هر که در آن  
 ایشان یکی از اسباب جواهر خزانه پادشاهی را از پیش  
 سپر مرصع و غیره که در سلامهای بزرگ رسم است  
 حامل و واقف حضور اقدس بودند و از اجده چاکران  
 دربارهایون جنابان جلالت آبان نظام الملک و  
 وزیر امور خارجه بالباس درباری و شان و مقام  
 در پیشگاه اقدس حضور داشتند و در منظره هایون  
 سلامی خاص از یوربا ایشان و غلامان خدمت بطریقه  
 منعقد شده نواب ایلیچانی قاجار و مقرب خان کاشانی  
 هر یک در مقام مخصوص خود شرف اند و حضور با هر انوار  
 جناب مستسری الیه مقرب خان محمد ناصر خان شکیب  
 باشی دربارهایون شرف اند و حضور با هر انوار  
 جناب وزیر مختار در کمال آداب و قاعده دانی میبود  
 خود را بعد از شرفیابی باینطور بعضی رسانید که سبب

۱۸۳۶

بنا موریت عمده از جانب علیحضرت امپراطوری نامور  
 این دولت علیه شده و آن این است که چون بروابط  
 دوستی با این دولتین سرحد کمال است علیحضرت  
 امپراطوری سببه اظهار دلیل مجدد و برای کمال اتحاد و دوستی  
 نشان درجه اول دولت خود مرصع بالباس موسوم  
 بلژن دُزر را برای علیحضرت پادشاهی فرستاده و  
 ناموریت داده اند که بلا واسطه ابلاغ نامیم بعد از  
 پادشاهی جناب معزی الیه را با عالیجاه مجد است  
 سبب نشان که نامه مهر علامه و نشان علیحضرت امپراطور  
 فرانسه را در میان سینی طلا گذاشته و در دست گرفته  
 پشتر خواسته نامه و نشان را بدست هایون گرفته  
 و مایثات طوکانه که سر او در چنین مقام و شایسته  
 مالک است بلفظ دربار تقیر فرستاده و در  
 دوستی خود شاهزادگان با علیحضرت امپراطور فرستاده  
 بواسطه چنان مایثات پذیر تجدد و محکم فرمودند  
 بعد از طی مکالمات جناب مستسری الیه و صاحب منصب  
 حامل نشان بهمان ترتیب و احترامات بمنزل جناب  
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم رفت ساعتی نشستند و  
 لازم مکرم و احترام در حق ایشان بعمل آمد بمنزل  
 سفارت مراجعت نمودند  
 چون صفحات دماوند و فیروزکوه در این اوقات  
 بسبب خوبی آب و هوا و شکارگاههای خوب  
 آب گرم نافع مستحسن و مطبوع خاطر اقدس هایون  
 سرکار علیحضرت شاهنشاهی گردید مایل بقصر و

←

گشت آن صفی ت شدند در روز دوشنبه یازدهم  
 سوکب فیروزی کوکب جایون از سیلاق نیوران  
 با قلی از خواص و مقربان حضرت گردون بلبت  
 و بقدر لزوم از سایر خدمت و چشم بخت و ما  
 حرکت فرمودند و چون از خادمان حرم و سایر  
 نوکر چشم کماکان در سیلاق نیوران و سایر  
 دهات شیران فرمایش شد که توقف داشته باشند  
 لهذا امر و مقرر فرمودند که عالیجاه محبت و بخت  
 مقرب الخاقان محمد ابراهیمی ن سر تیب در غیاب  
 سوکب جایون مشغول نظم اردو بوده در انتظام و  
 انضباط امور محوله مراتب اینکامات خود را مشهود  
 دارد و چادر پوشش بزرگ در درب خانه زده  
 شود که مقرب الخاقان مشارالیه ویرنو کر باب که  
 در آنجا هستند روزانه حاضر شده و همه روز نشینند  
 نظام و انضباط امیرانامات من حیث المجموع  
 محول بعالیجاه مشارالیه بوده و قراول خادمان  
 حرم میباید در اطاعت او باشند از نوکر باب که  
 در شیرانامات باشد از عالی و ادانی از نظام و  
 اگر خلاف قاعده اگر کسی سر بزند احتیاط نبیه و تادیب  
 آنها با عالیجاه مشارالیه است در غیاب سوکب جایون  
 در کل امور شیرانامات تسلط تام حکومتی سوا بی مرتب است  
 بعالیجاه مشارالیه داده شده که در انتظام و انضباط مقتدر  
 باشد و اگر کسی خلاف او را نماید مورد مواخذه خواهد  
 شد مقرب الخاقان میرزا علی نقی آقا شریف سید در  
 اندرون است باید تمام اعیان اطاعت او را نماید

۱۵

و اوسم از احوالات اتفاقیه اندرونها و نواب است  
 شاهزاده اعظم و لیدم مقرب الخاقان محمد ابراهیمی  
 اطلاع بدید  
 چون از قدیم فیما بین دولتین و منی گنشین ایران  
 و فرانسس رسم مراد و ملت برقرار و با مقتضای  
 وقت سفر از جانب دولتین قوی گنشین بدر بار جانین  
 مامور میگردد و درین عهد فیروزی مهد نیز خانبخت  
 سیو بوره وزیر مختار و ایچی مخصوص اندولت بهیه  
 از جانب سنی ابواب علیحضرت امیر اطراف  
 مامور در بار این دولت علیه گردید و این دوستی  
 مراد و قدیم با انعقاد معاهده دوستی و تجارتی فیما بین  
 این دو دولت قوی گنشت سمیت است حکام پذیرفت  
 بر حسب اراده علیه جایون بجهت مزید دوستی و ملت  
 جناب جلالت آبا بن الملک فرخ خان هندو قدا را  
 با وصف ایچی کری کبیر از طرف قرین شرف علیحضرت  
 اقدس جایون شاهنشاهی خلد الله سلطانه بانامه  
 جایون مامور بدر بار آن دولت فحیمه گردیده  
 دوشنبه ۱۱ از دربار جایون خورشید خانم صوب مقصد  
 و نیز ماموریت مخصوصه و جداگانه با داده که بدر بار  
 دولت قوشوکت عثمانیه روانه شده و  
 ابلاغ نامه مقرر علامه جایون از جانب سنی  
 علیحضرت اقدس شهر یاری با علیحضرت  
 کیوان رفعت سلطان دام سلطانه نموده  
 مکتوبات خاطر جایون را که شفاه نجیب ایچی کبیر القاشده است

۱۸۳۷

بلا واسطه با سخن حضور علیحضوره تسلیم نماید و بدین واسطه مبانی دوستی و یکپارگی که بین این دو ملت برقرار و استوار بود بیشتر استحکام و استوار پذیرد  
 چون مقرب انخاقان ذوالفقار خان حاکم قلم و در انجام خدمت دیوانی و رفاه حال رعایا مراتب خدمتگذاری و حسن اتمامات خود را مشهود و منظور اقدس پادشاهان شاهنشاهی و انمای دولت علییه شایسته و سراوار رحمت ملوکانه آید در این اوقات بمنصب جلیل و شغل نبین استیفا از فرمان فرما مبارک سرفراز گردید  
 چون عالیجاه مقرب انخاقان مظهر علیجان بیجاغ همواره اوقات از محاسن خدمات خود در امور لوگ فاس و انتظام بنادر انجا خصوصاً بندر عباسی که تفصیل آن در روزنامه های آینده نوشته خواهد و وصول و ابصال قطبالیات دیوانی خاطر اقدس پادشاهان شاهنشاهی و انمای دولت علییه را از خود را خوشنود داشته مستوجب رحمتی مجدد آید لهذا در این اوقات یک قطعه نشان از درجه اول میرکلی مقرب انخاقان مشارالیه عنایت گردیده و فرمان مهملجان مبارک هم درین باب شرف صدور یافت  
 چون مقرب انخاقان عیسی خان بیکر سنی قاجار بصفت حسن کفایت در انجام خدمات دیوانی معروف اقدس پادشاهان شاهنشاهی و انمای دولت علییه را خدمتگذاری و عیبت داری او وثوق و اعتماد تمام است

۱۸۳۸

لهذا در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه را بجهت ملایر و تالیف کان بموجب فرمان مهملجان مبارک سرفراز و از جانب سنی انجوان ملوکانه یک ثوب جنبه ترمنه و در زنجیره با دخلت حکومت رحمت گردیده این روزگار روانه مقصد میشود  
 چون عالیجاهان حاجی محمد حسین و میرزا احمد امین بیجاغ قزوینی و سایر برادران و مشو بان ایشان که از جنبه معتبر این دولت علییه میباشند و در اکثری از بلاد ممالک محروسه و در بعضی از بلاد خارجه عامل و شریک و عداقه دارند و داد و ستد میاوره از جانب دنیا دولت علییه خدمات که با آنها رجوع شده و فرمایشات میباشند چنانچه باید و بد از عهده برمی آید و اولیای دولت علییه نیز ایشان را دائم مفتخر و سرفراز نموده و میفرمایند لهذا در این اوقات نیز حسب الاشاره العلییه و وظایف شال کشمیری عالیجاهان مشارالیه محض از راه رحمت خلعت التفات و عنایت گردیده و فرمان مهملجان مبارک سرفراز ایشان صادر شد که مایه افتخار آنها شده و بر مراتب اعتبارشان بیفزاید و با کمال امیدواری بشال تجارت و عیبتی خود پردازند  
 عالیجاه مقرب انخاقان زین العابدین خان کروس که مدتی در دیارهای این بود در این اوقات از آن مرضی حاصل نموده و محض رحمت ملوکانه یک ثوب کلبه از طوس بن مبارک بجهت مبارک او مرحوم گردیده و بیجاغ علیرضا خان پسر او بموجب فرمان مبارک بنیابت حکومت کروس سرفراز و مواجب در حق او رحمت گردید  
 و انخلاقه طهران  
 بحمد کمال امانت در دار انخلاقه حاصل است و خاری تا روز نیست که در روزنامه نوشته شود

سایر ولایات  
از بایجان آیین ولایت درین معنی اجاب

استرآباد  
از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند

کامل در امور آن ولایت حاصل است و رعایا و  
در کمال سودگی به عا کونی ذات اقدس بایجان  
شاهنشاهی اشتغال دارند و امور طوائف کوکلان  
و میوت احسن مراقبت مقرب الخاقان جعفر قلیخان

ایلخانی در عین انتظام است عالیجاه امیر کونیه خان  
خواهرزاده خود را درین روزها دروغه طایفه  
میوت کرده و بمیان طایفه مزبوره فرستاده  
دار و ستد مالیات دیوانی میباشد و طایفه

کمال خدمتگذار بر اینینند کرده و فرقه از آنها که  
در کنار دریا میباشد کماهی جهال آنها مرتکب هر  
بنابر عادتی که طبیعی آن وحشی خصلان است میبودند

بعد از آنکه ریش سفیدان آنها مطلع میشوند از خوف خود  
مقرب الخاقان ایلخانی در مقام اعداد برآمده رفیع  
از جمله درین روزها دو نفر توپچی را بایک نفر کرد محله  
که عوض امورین قلعه سلطان آباد میرفتند در راه گرفته

در برده بودند عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیکار استرآباد  
پس از استحضار از بابت تمام محبت شرجی ریش سفیدان  
طایفه مزبور نوشته مصحوب کلانتر استرآباد و  
نموده بود بوصول نوشته و ورود کلمات آن سعالان  
اطهار خجری و ندامت و برکتین این عمل اسرار و ملا

مموده هر سه نفر را آورده در استرآباد تسلیم نموده  
مرحبت کردند

دیکر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلخانی  
این اوقات از بخجورد عا استرآباد بود درین بین

خبر رسیده بود که ترکمانان که سمت قلعه را نمرم  
تاخت متوجه اند مقرب الخاقان مشا را لیه با سواره  
که همراه داشته است بجلوگیری سواره گرفته  
و هنوز خبری رسید است که با آنها چکرده باشد

دیکر نوشته اند که در اوقاتی که مقرب الخاقان  
در بیرون بخجورد وارد روزه بود بهری قوی بیکل  
نمایان شده خود پیاده متوجه او شده درین بین  
یکی از غلامان اسب حاضر کرده سوار شده و بنزدیک

بهر که رسیده بود تفنگ باو خالی کرده همان تیر  
اول کار کرده و بهر طاک شده لاشه او را با  
دیکر نوشته اند که امسال بجهت کم آمدن باران  
حاصل استرآباد چون اغلب شلتوک کاری است و

آب ریاض لازم دارد مانند سالهای دیگر نیامده است  
رعایا از بمعنی فی انجمله پریشان خاطر بوده اند عالیجاه  
میرزا اسمعیل خان خودش چند روز سبزه باستان  
خالصه رفقه و ارسی و اهتمام در امور زراعت و

فلاحت آنها نموده رعایا و زارعین را دلگرمی داد  
و قنوات خالصه اقرار داد نتیجه غایت که آب  
ریاض بشود و امور آنها را مرتب نمود

۱۸۳۹

### اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند بواسطه  
 مستطاب حمت الدوله حکمران اصفهان درین  
 اوقات چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته  
 در باب تعمیر عمارات دیوانی آنجا اتمام نموده  
 از جمله عمارت علی قاپی چون معظم عمارت است  
 شکستگی در تالار او بهم رسیده بود تعمیر از اول  
 دانسته آلات و ادوات تعمیر از مقرر داشتند  
 که فراهم آورده با کمال استحکام بازند  
 سایر عمارات دیوانی نیز هرکجا تعمیر لازم و است  
 حسب احکام نواب معزی الیه بنا و عمه انداخته درگاه  
 تعمیر میباشند و سرایداران و باغبانان را بجهت  
 خواسته و بان و مقرری و مرسومات آنجا  
 نموده و در حفظ عمارات و باغات و غرس آنجا  
 تاکیدات آگیده نمودند و بهم چنین در تنقیه مادیها  
 و نظم زراعات خالصه و غیره بمباشترین محل  
 قدغن بلع نمودند و از قراریکه در روزنامه اصفهان  
 نوشته اند امسال آب زاینده رود چینی بیشتر از  
 سالهای دیگر است اگرچه در وقت طغیان خرابی  
 بزراعات و طواصین اطراف رسانده بود ولی  
 این اوقات که آب زیاد مطلوب است نموده  
 و نذر آب است و بعضی از نهرها که سالهای دیگر  
 درین موسم نشان مقطوع می شد و امالی آنجا  
 عسرت از کم آبی می کشیدند امسال از وفور آب کمال  
 خرسندی و تشکر را دارند

۱۸۴۰

دیگر نوشته اند که در شب بیست و هشتم ماه رمضان  
 محسن نام ولد محمد علی باغ بد رانی که بسین سجده  
 ساله بود سجنانه محمد حسین نامی عطا رهمان بود و بی  
 دیگر نیز در آن معانی بوده اند صبح آنجوان از آنخانه  
 دیوانه بیرون آمده و معلوم نبود که در غذا چه کار  
 برده اند بعضی میگویند که بیج تفت که علفی است مشهور  
 و سجز و برکس بدهند دیوانه می شود با و خوراندند  
 مراتب بعضی نواب مستطاب حمت الدوله که سینه  
 و ستاند آن شخص عطار را که صاحب خانه بود با  
 همان آورده حکم بحبس آنها نمودند تا بعد از تحقیق  
 بمقتضای عدالت حکم آنها را بفرمایند  
 دیگر نوشته اند که شخصی از اهل کاشان در این اوقات  
 روز سجنانهای مردم میبرد و دزدی میکرده است  
 و از خانه های متعدد اموال و اسباب سرقت کرده  
 و کسی پی بعل او نبرده بود صاحبان مال عارض شده  
 و نواب معزی الیه قدغن آگیده مبار و غنه و کد خدایان  
 نمودند که حکم باید ویزد را بدست بیاورند آنها نیز  
 سجد در مقام تقصیر و بخش بر آمده بعد از دور و دور  
 با اسبابی که تازه سرقت کرده بود دستگیر کرده است  
 نواب معزی الیه آوردند اسباب و اموالی که مورد  
 خانهای مردم برده بود از او استرداد و بصاحب  
 اموال تسلیم کردید و خود او را محبوس نمودند تا بعد  
 اگر اسباب سرقت از او برور کند دریافت  
 کرده بصاحبش رد نمایند بعد از آن او را بفرستند  
 خود برسانند



بر وجه و بسطام و خراسان و حرم و  
خونار و کلیان و سمنان و عراق  
و فارس و قزوین و قمش و کاشان  
و کرمان و کرمان و کرمان و کرمان  
و کرمان ازین ولایات نیز درین بنفقه اخبار  
نمود

**کلیان**

از قراریکه در روزنامه کلیان نوشته اند امور  
من حیث المجموع قرین انتظام و انضباط است و سخته  
هرگونه نعمتی و افزا در آن است و تمام رعایا بکلی  
دلت اقدس همایون شاهنشاهی و کسب و کار خود  
شغول میباشد در سال گذشته نظر بعضی حواری  
در فضل نوغان تجارت و داد و ستد ابریشم  
قدری کسر گشته و برای خریداری ابریشم تا جرم  
کم آمده بود امسال نوغان بسیار خوب آمده و خریداری  
ابریشم نیز از هر طرف زیاد آمده اند و در نهایت  
اسودگی مشغول خرید و فروش ابریشم هستند و  
منظومه امسال از پار سال ده یک بلکه ده دو ترقی  
دارد و مکان هست که برای اربابان در رعایا منفعت

**بیشتر عاید بشود**

دیکر نوشته اند که خلایع افتاب شعاع نور وری که  
امیر الامراء اعظام مقرب انخاقان عمید الملک حاکم کلیان  
و عمال و اعیان ولایت از دربار شوکتد ارشاد  
رحمت و مصحوب فرخ بیک تغلدار الفا شده بود  
باجا پرتو وصول انگند مقرب انخاقان را

با اعیان و اشراف و عسوم انالی لوازم استقبال  
و توقیر و احترام را تا محل خلعت پوشان خاخ  
شهرت بعل آورده خلایع خوشید شعاع هابون  
ریب برود و شش مناخرت و مباحات خود

ساخته با نهایت مسرت بدعای وجود فایس  
اقدس همایون شاهنشاهی قدام نموده

دیکر نوشته اند که در سبت و هفتم ماه سوال  
سپرد ازلی بجهت انجام و منتظم امور انجام  
و استاد محمد تقی معار را که از دربار همایون

بازدید و بر آوردن ثانی باستان و عمارات  
آن سرحد بود و نفر نویسنده بسیار دیگر  
مرئوس گذشته و کمال دقت و رسیدگی نمود

صورت بازدید آنها را نوشته آوردند که در بار  
همایون روانه نماید و در انجام اسباب و آلات  
صوریه بجهت حمل و نقل کارخانجات که از حاجی ترخان

می آورند اهتمام وافی بعل آورده موازی و وسیع  
فروند که حاجی علی حساب معرود است گرایه نمودند و جم  
گرایه را نیز پیش دادند که بشکام رسیدن بسیار کارخانجات

بدون معطلی حمل و نقل نمایند و چند فروند لاکه که بجهت  
حمل و نقل سیلاب بر رک باید ساخته شود چهار فروند  
با تمام رسیده و آنچه نیز باقی مانده قریب با تمام  
مانند ران و طایر و نهان و نهان و نهان

ازین ولایات نیز در این بنفقه اخبار  
نمود

۱۸۴۱

یزد

از فراری که در روزنامه یزد نوشته اند نهایت  
 امانت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عا  
 و بر ایام بدعای وجود فایض انجود اقدس جایوت  
 شاهشاهی اشغال دارند و مقرب انخاقان  
 نایب الحکومه کمال اتمام در انتظام امر ولایت و  
 رفاه و آسودگی رعیت دارد عالیجا میرزا شفیع  
 در هفتم ماه مبارک رمضان وارد یزد گردیده  
 و بهات دیوانی و محاسبات ولایتی مشغول است  
 و مقرب انخاقان نایب الحکومه با حضار عمال و سایر  
 و که خدا این بلوکات آدم فرستاده است که نگلی  
 با اسناد دیوانی بیزد آمده حساب سنه ماضیه  
 بر دارند

۱۸۴۲

دیگر در روزنامه قصبه عقد نوشته بودند که در راه  
 فیما بین زوشن و خاک اصفهان تخمینا هفتصد نفر  
 شته ما بجا کو و خزانه از کمر میرات عبور میکرده  
 سی سوار بختیاری بجزم دردی بپس راه آنها آمده  
 و بنای زرد و خورد را گذاشته بودند اهل زوشن  
 خبردار شده بآباد قافله فرستاد و نفرات بختیاری  
 به تیر کوله رزده بودند در زدن بختیاری چون صف  
 در جنگ ندیدند همین قدر کرده بودند که دو نفر نفوذ  
 خود را بر داشته و در کمال خدلان خواری فراری  
 شده بودند و هم در روزنامه منته و مکر نوشته بود  
 که کاروانی از یزد بقرظین میرفت شش فرسخ اعقاد  
 گذشته هفت نفر سوار بختیاری بپس راه آنها آمدند

با هم بنای دعوار گذاشته بودند درین بین از  
 صدای تفنگ اهل آبادی آن نزدیک خبردار شده  
 بآباد کاروان رفته ولی تا وصول آنها و زدن  
 دو بار قماش از کاروان برده بودند بعد از آنکه  
 دیدند امداد بکاروان رسید همان دو بار قماش  
 اکتفا کرده و برده بودند شبانی در راه دزدان  
 دیده و شناخته بودند زین نامی بوده است از  
 متعلقان کنجلی خان بختیاری باد و سپر و دو برادر  
 رانده که در فغان اصفهان ساکن اند این روزها که  
 نواب حمت الدوله حکمران اصفهان کنجلی خان را  
 که مشغول سیرت و فساد بود گرفته اند این اشخاص  
 که منوبان او هستند بکوهها فراری شده و بطریق  
 مشغولند مقرب انخاقان نایب الحکومه یزد بعد از  
 استحضار باین گذارش عرضیه خدمت نواب  
 حمت الدوله نوشت که رفع آنها را نیز بنمایند و  
 از خود هم سوار بان راهها مانور نمود که محافظت قافله  
 و مترددین را کرده باشند

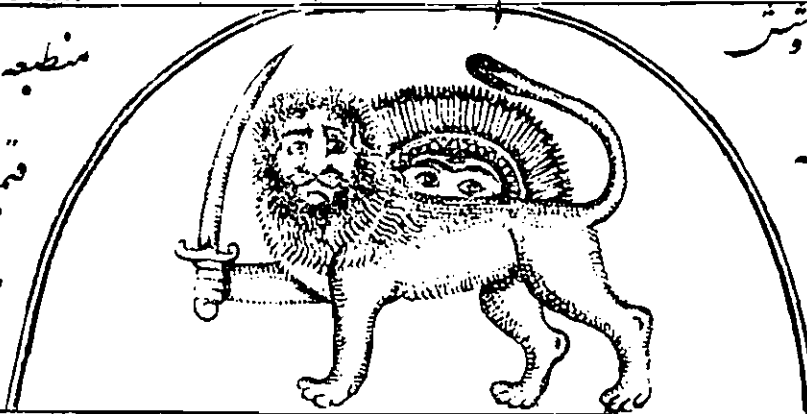
دیگر نوشته اند که بعضی از کسب و اصناف یزد  
 که از راه تغلب سبک کم چیز میفرستند مقرب انخاقان  
 نایب الحکومه یزد آنها را تنبیه مضبوط کرده و داد  
 سنگ این بعیار درست ساخته مهر نمودند و بکسب  
 دادند و قدغن شد که اگر بعد ازین بغیر از ان  
 چیزی بفروشند مورد مواخذة و جریمه و سب است  
 باشند و از اینر حله الهی یزد ریاده شاکر گردید  
 به عاکوئی اقدام و آسود خاطر شدند

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور قمری ۱۲۷۲

نزهت و اشتیاق و شکر

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهی



منطبه دارانخانه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی شاهی

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### اردوی همایون

مؤکب سیروزی کوکب سرکار علیحضرت آقدس همایون  
شاهنشاهی که از میدان نیوران شریف فرمای صفحات  
دماوند شدند در یوم عاظمی قعه درامیج و میان  
کره دماوند نزول اجبال فرموده اند و بر وجود فایض  
همایون بجهت بسیار خوش میگذرد و هوای آن صفحات  
دو برودت و خرمی که درین موسم مطلوب است متغنی از  
توصیف بیان است و از فراری که چای را از تلمین بار و  
همایون وارد شده و صورت تشریفات و احتراماتی که  
از جانب کارگذاران دولت بهیه رسیده از نکام حرکت  
از دار السلطنه بطریق الی و در دوازده روز تفریق  
سفارت کبری معمول افتاده و با ولیای دولت علیه  
معروض داشته بودند از این امر است که درین روزنامه

مسطور میگردد

روز حرکت از پطر بورغ جناب سیوسینا و بن معاون  
خارج و جناب نیولیموف ناظم امور خارجه ایستاده  
اجزای وزارت امور خارجه و بیکریکی شهر پطر بورغ که از

بزرگان دولت روسیه و جنرال اجودانت با شکر  
حساب با جمیع اجزا و صاحبان دایره خورشان  
در عمارت متعلقه سفارت کبری حاضر شده و یکفوج سوار  
زادرم که سواره حساب هستند و بغیر از علیحضرت  
امپراطور و خانواده سلطنت برای احدی حاضر نشدند مقابل  
عمارت صف کشیده بودند و کالسکه مخصوص علیحضرت  
هم برای جناب جلالتاب عمده الامراء العظام سیف الملک  
ایچی کبیر دولت علیه و کالسکه دولتی دیگر بجهت اجرای ع  
کبری حاضر کرده بودند پس از انقضای مراسم در بان وودا  
با جناب سیوسینا و بن کالسکه امپراطوری نشسته روانه  
این شدند فوج سواره نیز بعد از ادای احترامات نظایه  
و وقت شدتستی از پیش فستی از عقب ابهر راه این کمال  
توقیر و احترام سفارت کبری را رسانیدند جمعی از خیرالهاکی  
و بیکریکی و رئیس اجزای وزارت امور خارجه تا  
راه آهنت بعت نمودند و یکفوج سوار هم در سر راه این باب  
و موریکان حاضر کرده بودند با بیدق و شمیر و موریکان  
احترامات نظایه بعل آورده سلام زدند و کالسکه بخاری که

۱۸۴۳

کتابخانه

کتابخانه

مخصوصاً علیحضرت امیر اطور و خانواده سلطنت است  
 سبب جناب معزنی الیه و بجهت اتباع سفارت کاسکهای  
 دیگر حاضر بودند و سرینک مهندس که مباحث تعمیرات  
 راه آهن است آده از جانب علیحضرت امیر اطوری با  
 مأموریت خود را نمود که تا مسقوباید داخل اتباع سفارت  
 بوده مواظب کاسک نجاشی از پطربو ریح الی مسقود جمع  
 منزل عرض راه که کاسک نجاشی یکت میکند یک نفر  
 با شیرینی حاضر بود و هر چه سباز فر اول بود حاضر باش  
 باطن و موزیکان احترام نظامی می نمودند همگام و مسقوب  
 بیکر کی شد و ریس کل احتساب که هر دو جنرال معتبری  
 با اکثری از جنرالها و اشراف شهر مسقوب با لباس سبی  
 همایون تمام در سر راه آهن حاضر بوده در ششم  
 بعجل آورده فوج سواره ران درم نیز که در بیرون  
 صف کشیده بودند پس از آنکه جناب معزنی الیه سوار  
 کاسک مخصوصی که فرما فرمای مسقوفستاده بودند  
 احترام نظامی بعجل آورده با کمال انتظام در اطراف کاسک  
 روانه شدند کینبار ابالتکی که یکی از اکابر دینس دیوان  
 و علامت پیچمت خاصه حضور علیحضرت امیر اطور است که بنا  
 میگویند از جانب علیحضرت امیر اطوری مأمور بهاندار  
 سفارت کبری در ایام توقف مسقوبود در سر راه آهن  
 حاضر شده تبلیغ مأموریت خود را کرد و همچنین سبکی که  
 اجودان و فرمانفرمای مسقوبود از جانب جناب معزنی الیه  
 مأمور بهانداری بود آمد تبلیغ مأموریت از جانب جناب  
 فرمانفرمانود و تهیت ورود کفت بعد از آن روایت شد  
 در جمیع قراونجاها که در هر سفارت کبری بود قراولها  
 دو مقابل کرده احترامات نظامی معمول میداشتند و در

معا بر و کو چها عموم مردم از دحام کرده کلاهای خود را  
 برداشته ایستاده بودند در مقابل درب عمارت که منزل  
 سفارت کبری و بهترین عمارات مسقوبود و یکفوج سربازان  
 افواج خاصه با بیدق و موزیکان حاضر کرده بودند فرما  
 آن ادای احترامات نظامیه با بیدق و ششیر و موزیکان  
 نموده را بورت داده پس از آن جمیع سر کردها و بزرگان  
 و روسای دیوانها با لباس سبی در درب عمارت  
 مراسم پذیرائی بعجل آوردند روز دیگر جناب معزنی الیه با  
 اجزای سفارت جناب فرمانفرما و اطافات نمودند در  
 عمارت جناب فرمانفرما جمیع سرداران و جنرالها و ضا  
 از ارباب ششیر و قلم بکی با لباس سبی حاضر بودند  
 از درب عمارت و پله و او طاقها تا زال بزرگ که در  
 شان و منصب از دو طرف صف کشیده و ایستاده  
 تعظیم و احترام و پذیرائی معمول میشدند و جناب  
 بلچی کبیر نیز بهر یک علی قدر مراتب اظهار محبت و مهریائی  
 خود فرما فرما در رفتن و مراجعت تا سر بله استقبال و  
 شایسته کردند بعد از مراجعت بمنزل بلا فاصله جناب  
 با همان لباس و با همه سر کردهای بزرگ آمده باز دید  
 بعجل آوردند در ایام توقف مسقوبود و معانی بال سکین  
 فرمانفرما سبجه جناب معزنی الیه ترتیب دادند از تجار معتبر  
 که صاحب کارخانه بودند و از جانب علیحضرت امیر اطور  
 حکم شده بود که کارخانههای بزرگ را جناب معزنی الیه  
 بنامند بجهت تاشای کارخانه چند معانی سکین ترتیب دادند  
 و در هر یک از کارخانهها از متاع همان کارخانه پیشکش  
 سبجه علیحضرت اقدس شهبازی و معارف برای جناب  
 معزنی الیه حاضر کرده بودند و بجهت احتراماتی که در مراجعت

۱۸۴۴

سفارت کبری محمول میشود میتوان گفت که زیاده بر آن  
 متوقع نیست و در دوستی دولتین چسبیری فروگذار نمی باشد  
 هنگام حرکت از سقوط نیز فرمانها خود با جمیع جنرالها و در  
 ولایت بمنزل جناب الیچی کبیر آمده و دایع نمودند و با همان  
 احترامات روز و در اکثری از جنرالها و بزرگان تا بفرمان  
 شهرت بعت نمودند بکنف اجودان فرمانفرما با حکام نو  
 و بلوکات عرض راه تا انتهای خاک مسقود اول خاک  
 طول کسراه بودند و در هر منزل لازم میزبانی بعمل آوردند  
 و در جمیع منازل بزرگ لیت خانه تا پشت خانه دیگر  
 بود و اول خاک طولایک نفر اجودان حاکم با حکام  
 بلوکات عرض راه آمده تا ورود طولاد در منازل لوام  
 میزبانی مرعی کردند و این قاعده در جمیع شهرهای  
 تقلیس محمول بود در شهرهای عرض راه که عبارت از  
 و وارونژ و توچرکس و استا و راپول باشد حاکم  
 ولایت و جنرالهای بزرگ بانجا و رودسای هر شهر  
 علاوه بر احترامات خارج العاده در دخول و خروج  
 آنجا استقبال و شایعت نمودند و در هر شهر مهمانی با آن  
 ترتیب دادند با آنکه وقت تاشا خانه که درستان است  
 منقضی شده بود محض ورود سفارت کبری تاشا خانه  
 ترتیب داده بودند و در هر شهر در حین ورود آنجا  
 فرج سواره شان درم در بیرون شهر با حکام و سایرین  
 صف می کشیدند و در مقابل درب منزل هر چه از قشون  
 در شهر حاضر بود از پیاده و سواره و توپچی با بیدق  
 و موزیکان با خنرال و سربنک حاضر شده حتام  
 محمول میشدند و با بیدق و شمشیر تعظیم کرده سلام میدادند  
 و روزنامه و راپورت شهر و قشون را مبر کرده و در

احساب بجناب جلالت آتیب الیچی کبیر میدادند و در منزل  
 عرض راه هر جا که نشون بود حاضر میکردند و با بیدق  
 موزیکان احترام نظامی بعمل می آوردند و در قفقاز  
 در حقیقت مثل سایر شهرها آباد نیست بلکه شهر کوچک  
 نظامی است که سکنه این کلاً سرباز و توپچی و قزاق  
 در شهر مزبور حاکم شهر و هر چه صاحب منصب بود  
 استقبال کرده هر چه از نظام در شهر موجود بود در  
 مقابل عمارت با بیدق و موزیکان حاضر شده بود  
 و احترام نظامی محمول شدند سردار بزرگی که سالها  
 عا کر آن سامان است در چند فرسخی و لا و قفقاز در  
 اردو مشغول تبه و فرستادن قشون بود در لکنیه  
 محض ملاقات جناب معزی ایله آمده با لباس سبی  
 دیدن نمود و جناب معزی ایله هم عصر آنروز مبارزه  
 رفتند و هنگام حرکت از ولا و قفقاز هر چه قشون از  
 پیاده و سواره و توپچی در شهر بود در مقابل منزل  
 سفارت که میدان وسیعی بود با بیدق و موزیکان  
 حاضر شده همان سردار سابق اندک کرده مشق نمودند  
 و سبکت د فیلد از پیش جناب معزی ایله گذشته و  
 سردار خود نیز محض دوستی و اشنائیت مانند سایر  
 صاحب منصبان حالت تعظیم داشتند و جناب معزی  
 هم بمیان قشون آمده انجا در هر بانی همه آنها نمودند  
 جمیع شهرها علاوه بر مرد با نیهای دیگر در باغهای شهر  
 سبکت کرده دش مردم ساخته اند چه اغان نموده موزیکان  
 حاضر کرده کا و مردم از زن و مرد حاضر میشدند  
 و بجای شهر آمد جناب معزی ایله را تاجاشای باغ  
 و اجتماع مردم میبردند علاوه بر احترامات محمول شهر

۱۸۴۵

در شهر نوچکس و استوار پول و تخلص اجزای  
 شلیک توپ کرده بیت یک تیر توپ انداخته  
 شد از استوار پول الی تخلص بجهت احتیاطی که از  
 جماعت لگزیه دارند در هر پشت خانه بقدر سیصد  
 سواره قراق حاضر بودند که عوضی شدند با شکر  
 و صاحب منصبان خود از طرفین کاسکهای آمدند و  
 نفر قراق با شمشیر منهد در دو طرف کاسک جناب  
 ایلچی کسیر بودند و در هنگام عبور کوه قفقاز علاوه بر شکر  
 منهد سس و صاحب منصبان او که مواظب تفسیر راهها  
 چند نفر سرباز و صاحب منصب دیگر با حاکم آن نواحی  
 و ضباط بلوکات در سیر راه حاضر بودند تا تخلص  
 مواظب کاسک جناب معسری ایله میشدند و در  
 و فرار یکی پیاده می شدند با سواره بطوری کاسک را  
 حرکت می دادند که گویا در سر دست می آوردند در  
 یک منزلی تخلص اجودان جناب جانشین آمدند  
 و رود گفته روز و در تخلص در یک فرسخی شهر از  
 سرداران و سپه داران و اکابر ولایت با فوج  
 شان درم و سواره که خود جانشین بعد از سفر فار  
 ترتیب داده که مخصوص خود جناب معسری ایله می  
 با صاحب منصبان خود رسیده پذیرائی نمودند و  
 خبر آنها و سرداران سواره در اطراف کاسک کسیر  
 و عموم مردم شهر از زن و مرد با طبل و علم پیرون  
 بودند هر متی از مسلمان و عیسوی و یهودی دست جدا  
 ترتیب داده بودند رعایای دولت علیته ایران نیز  
 با مقرب الخاقان میرزا محمد حسین خان قونسل خبرال

دولت علیه استقبال نموده بودند رعایای دولت  
 علیه با میر سلیمان از بکنر سنجی شهر کشتن قربانی و اطباء  
 شادمانی شروع نمودند تا باغی که در نیم فرسخی شهر است  
 چهل ریس کوسفند و بکیر بس کاس و قربانی کردند در  
 باغ هم جناب جنرال لیلی مباشر امور خراج با جمعی از  
 و بیکریکی در روی شهر استقبال گنجانی و میوه و شیرینی  
 حاضر کرده بودند در آنجا پیاده شده بعد از صرف  
 عصر از اجودان جناب جانشین آمده از جناب جناب  
 معسری ایله تهنیت درود گفت و کاسک مخصوص خود را  
 که بصحبت اجودان منور برای جناب ایلچی کسیر و چند  
 کاسک دیگر بجهت اجزای سفارت سبری فرستاده بود  
 سوار شده روانه شهر شدند بقدری از دهام شده  
 بود که در حوالی باغ پشت باغی که بقدر شصت نفوس  
 در بالای آن بودند خراب شده احدی تنه با حدی ایستاد  
 فوج سواره شان درم در پیش رو سواره جناب جانشین  
 از عقب بزرگان و صاحب منصبان سواره در اطراف  
 کاسک جناب معسری ایله بودند تا وارد شهر شدند  
 در هنگام ورود چنانکه سمت ذکر یافت بیت دیگری  
 توپ از قلعه تخلص انداخته شد و عمارت جناب  
 کمینیا ز بهبه دف که بهترین عمارات تخلص و در کنار  
 رودخانه کرد واقع است و بجهت ورود جناب معسری ایله  
 خالی کرده بودند پیاده شدند در میدان مقابل عمارت  
 یکفوج سرباز از افواج خاصه با بیدق و مورنیگان صف  
 نظامی کشیده با همه صاحب منصبان که در قشون  
 تخلص با مورد با فرمانده قشون تخلص که خبرال مقبر

۱۸۴۶

و بالباس بسی در سر فوج ایستاده و فرمان حراست  
نظامیه میداد و بایده و تمشیر و مورنگان احتیاطاً لعل  
آورده سلام زدند و راپورت قشون را داده  
صاحبان را معرفی نمود در دربار عمارت جنرال  
لورسلوف که پارسال برسم سفارت بدو اعزام  
آمده مرعیت نمود با چند جنرال دیگر هم رسوم  
دیوانی آنها ایستاده بودند مراسم پذیرائی معمول  
داشتند بعد از ورود و اطاق یک نفر اجودان جناب  
جانشین با شیرینی و چند کله ان کل آمده از جانب جناب  
معزی ایله تمیت ورود و گفت و زادی آن روز جنرال  
لیلی با قلمی یکی آمده و اجودان جناب جانشین کالکه  
مخصص جناب معزی ایله را آورده بابت نفر سواده  
مخصوص که در دید و باز دید رسیده همراه کالکه  
جناب معزی ایله میروند حاضر نمودند جناب جانشین  
با جمیع اجزای سفارت و جنرال لیلی و سایرین ملاقات  
جناب جانشین رفتند در دربار عمارت جانشین  
شهر با چند نفر از صاحب مضبان بزرگ ایستاده بودند  
از سر پله تا اطاق خیم که محل ملاقات بود و بابت  
جمعه سرداران و جنرالها و رؤسای ولایت و صاحبان  
از اهل شیر و قلم بالباس بسی از دو طرف صف  
ایستاده بودند و در هنگام عبور المی کبیر تعظیم می نمودند  
در اطاق دو تیم جناب کینیا ز بهید و ف استقبال کرد  
در اطاق چهارم جناب جانشین خود استقبال کرده و ملاقات  
نیم رفتند جناب جانشین سرداران و جنرالهای بزرگ  
معرفی کردند و جناب المی کبیر هم اتباع سفارت را

معرفی نمودند بعد از صرف شیرینی و چای و سایر  
ملزومات مجلسی برخواستند جناب جانشین تا سینه  
جناب معزی ایله را بعت کرد و گفت جلاله که شما  
دیدم هر قدمی که با شما بر میدارم غنیمت می شمارم  
بیکریکی شهر با چند نفر از جنرالها جناب معزی ایله را  
تا کالکه شایعیت نمودند جنرال لیلی با اجودان جناب  
جانشین جناب معزی ایله را تا منزل سراسی کردند  
بعد از ورود منزل جناب جانشین بلافاصله با جناب  
کینیا ز بهید و ف و جمیع سرداران و جنرالها بیرون  
جناب معزی ایله آمدند بعد از صرف چای و گذشتن  
سایر لوازم در بانی مرعیت نمودند روز دیگر جناب  
بباز دید جناب کینیا ز بهید و ف و امیر نظام عا که  
ققازیه و جنرال لورسلوف و جنرال لیلی رفتند روز  
چهارم جناب جانشین هتیه دهانی بزرگی دید جناب معزی  
و اتباع سفارت را دعوت نمود جمیع سرکردهگان در  
اعاظم و عسوم صاحب مضبان از ارباب شیر و قند در  
دهانی منزل حضور داشتند جناب جانشین جناب معزی  
مقدم بر خود نشاندند بعد از صرف غذا بمنزل مراجعت  
نمودند  
موجب اخباری که در ثانی از اردوی عابون رسید  
روز یکشنبه مقدمه خاطر آهه سس ملوکانه میل  
و سواری فرموده بکنار دریا چ که در نزدیکی اردوی  
عابون در میان کوه واقع است تشریف فرما شدند  
و جناب بلال تائب شرف انجمن که م صدر اعظم انجمن  
نیز با جمعی از چاکران دیوانی در آن روز مقیم کتاب  
عابون بودند و بعد از صرف نهار نزدیکی لغزوب

۱۸۴۷

مرحمت بار و فرمودند در آرزو از تماشای آن  
 دریاچه و هوای آنجا که مکنوع طراوتی داشته است برود  
 مبارک بسیار خوش گذشت و روز سه شنبه نوزدهم  
 سرکار عالی حضرت شاهنشاهی مجدداً تماشای دریاچه  
 تشریف برده و بنا بر او را آنجا صرف نموده تا عصر  
 تشریف داشتند و بعد از صرف عصرانه و چای

بارد و فرمودند  
 اردوی بیاوران و صفحای سمران که سپرده

مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سر تپ است کمال  
 نظم را دارد و مقرب انخاقان شارالبه و سایر  
 دیوانی هر یک مراقب و مواظب کار و خدمت خود  
 میباشند چند روز قبل ازین نزاعی در تشریح انفا  
 افتاده بود مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان خود  
 حسب الحکم سوار شده با نجارت و رسیدگی نمود  
 بعضی را که مرتکب شرارت شده و مقصر بود تذکره  
 نادیب بزرگ نمود

دار انخلاق طهران

هوای دار انخلاق طهران نسبت بهفته های سابق  
 گرمتر است ولی ناخوشیهای متفرقه بسیار کم  
 و ناخوشی مشهور و باب بسیار کم میباشد بطوریکه بعضی  
 روزها هیچ بروز نمی کند بعضی روزها یک نفر ناد  
 نفر از غریبا که پرستاری ندارند از هرزه خوراکی  
 باین مرض تلف میشوند دیگر بجهت کمال منتظام  
 و در دار انخلاق حاصل است و هر چیزی فراوان و از  
 خصوصاً میوهجات و حبوبات و کجوم نهایت و فوراً

دار بطوریکه هیچ سال در این موسم اینگونه نزل  
 و ارزانی در دار انخلاق حاصل نبوده و اهالی و قاطبه  
 سکنه دار انخلاق از وضع و شرف و کمال اسودگی  
 و فراغت مدعا کونی ذات اقدس جمایون شاهنشاهی  
 اقدام دارند در حوال و حوش شهر چند نفر از اعیان  
 و متفرقه مشغول زدنی و هرزگی بودند فراسواریهای  
 آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب بزرگوار  
 اردو شیرمیرزا حکمران دار انخلاق آورده جب الحکم تنبیه

شدند  
 دیگر نوکر عالیجا به بیکر صاحب صاحب سفارت دولت  
 روس کینه از قهای خود را شب در زر کند منزل خود  
 همان کرده بود شبانه پسر همان برخواست بکینه  
 اسباب از عالیجا بیکر صاحب زدید بطهران آورده  
 و بدستان خود سپرده خود فواری و پنهان شده بود  
 عالیجا بیکر صاحب پس از حضور مراتب اظهار داشته  
 عالیجا زکینان که خدا حسب الحکم در مقام تفحص برآید  
 بدون کسر و نقصان ارکان آن پسر به تصرف رساند

عالیجا بیکر صاحب داده قضی رسید گرفت  
 از تاثیر تربیت عمدت جمایون و دولت روز افزون شکر کرد  
 مدرسه دارالفنون اغلب در فن خود مهارت کامل حاصل کرده اند  
 از جمله حاجی میرزا محمد علی جراح نام که عمل یدر در نزد مقرب انخاقان  
 حکیم پولاد حکیم باشی تحصیل کرد از فطرت و مراقبت مهارت تمام  
 بهم رسانده اعمال به از دست او بخوبی جاری می شود از جمله این روز  
 سنگ مشایخ نوه عالیجا ضاقلینان لادباشی را بی عیب و نقص  
 بیرون آورد و یک نفر ضعیف استقامت داشت تشریح به پهلوی  
 آورده پنج شش من آب از جای نیشتر من دفع شده حال

بناچار بود و مواظب است

۱۸۴۸



### سایر ولایات

آذربایجان از قراریکه در روزنامه تبیین  
 نوشته اند خلعت مهر طلعت هایون که بجهت نواب  
 مستطاب بنزاده والایان نصره الدوله حکمران  
 آذربایجان حرمشده بود بانجا پر تو وصول <sup>نکنند</sup>  
 در بیست و دویم ماه سوال نواب معزی الیه لوازم  
 استقبال و توقیر و احترام خلعت خورشید طلعت را  
 بعل آورده در باغ شمال خلعت پون کرده صرف  
 شربت و شیرینی و اجرایی شیلیک نمود و او  
 خطبه بنام اقدس هایون و ختام بدعای از دما  
 دولت و شوکت ابد مقرون نموده سلام منقضی کرد

و یکم نوشته اند که امسال در صفحت آذربایجان  
 قدری غله گران بود و مردم تشویش داشتند و  
 از نفعات الهی بارانهای بر نفعت در موسم  
 باطراف و جوانب باریده رفعتش خلعت  
 و با فعل غله در آنجا فراوان واردا

دیکر نوشته اند که فوج اردبیل و مشکین ابوالجمع <sup>لجاء</sup>  
 حسنعلی خان سرمنگ در بیرون شهر تبریز چارده  
 مشغول مشقتند و منتظر حکم میباشند همچون  
 فوج قزاقه داعی ابوالجمع عالیجاه مقرب الخاقان <sup>قلنجان</sup>  
 میرنجه در تبریز منتظر ورود حکم از دربار هایون  
 و فوج خومی ابوالجمع عالیجاه ابراهیم آقای سیرپ  
 ماکونی در قزاقول خانهای شهر مشغول فرادلی و حفظ  
 و خرامت میباشند

### استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند کمال امت  
 و انتظام در آنولایت حاصل در عایاد و برایا در عین  
 فراغت و آسودگی بر عبتی و کسب و کار خود و دعاگو  
 و ات اقدس هایون شایسته ای اشتغال دارند  
 و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیکار استرآباد نهایت  
 وقت و رسیدگی در نظم ولایت و رفاه و آسودگی  
 رعیت وارد و با الهی آنولایت از اعلی داد الهی <sup>نظر</sup>

محبت و در بابی سلوک مینماید  
 دیکر نوشته اند که خلعت خورشید طلعت هایون  
 که بجهت عالیجاه میرزا اسمعیل خان حرمشده بود  
 در عزه ذیقعد الاحرام پر تو وصول بانجا افکنده <sup>لجاء</sup>  
 مشارالیه لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعل  
 آورده خلعت هایون را زین برود و دوش افتخار  
 و مباحات خود نمود

دیکر نوشته اند که دو نفر طفل کی بسن دو و سه سال و یک  
 کوچک از قریه امیر محله بیرون شده از پی علف رفته بودند  
 در راه چند نفر از اشرار و قطاع الطریق ترکمان بانها برخورد  
 و هر دو را گرفته باو بخود برده بودند در آنجا طفلان را  
 فرصت کرده اسبی سوار شده و طفل دیکر را تبرک خود  
 کشیده فرار نموده بودند درین بین باوین دیکر رسید  
 ترکمانان آن او با سب گرفته و طفلهارا رها کرده بودند  
 طفلان پیاده براه افتاده در راه تشکی بانها غلبه  
 بسرچاهی رسیده بودند بند زیر جامهای خود را بهم  
 بسته و زیر جامها را بچاه فرود برده و بالا کشیده فشرده

۱۸۳۹

است از خورده رفیع عطش خود را کرده و براه افتاده  
 بودند باز در راه شد تشنه شده بودند و آن  
 طفل کوچکی از تشنگی هلاک شده بود آن یکی دیگر منزل  
 رسیده آن را و را خبر کرده بود رفته در صحرائی که  
 نفس طفل را پیدا کرده بمنزل آورده و دفن نموده بود  
 و دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلبنی اینجانی  
 بعد از تبسبه ترکمانان با عقیقه بجنورد رفته و قرار داد  
 بود که چند نفر از ریش سفیدان آنها بجنورد آمده  
 اسیر که در میان آنها هفت و نه و آنچه اسیر نیز که  
 اینجانی از آنها گرفته است در نماید و گری میخسبند  
 چنانچه طایفه موت و کولکان این وعیت مستند آنها  
 باشند و تاخت و تاز و هرزگی را موقوف نمایند  
 تا رعایای آن صفی تاسوده خاطر باشند چندی  
 فقط آنها بود که آمده بقرار مذکور از خود را بگذرانند  
 در هفتم ماه شوال خبر رسیده بود که باز ترکمانان  
 تکه بنای هرزگی و خیال خود سری دارند و در محل فرق  
 که صحرائی است پر آب و علف جمعیتی فرسب آورده  
 اراده چپاول صفی تخرسان را دارند و از  
 قرار مذکور بقدر دوازده هزار سوار جمع شده بودند  
 مقرب الخاقان اینجانی بعد از استماع این خبر آدم بر  
 راه و گذرگاههای آنها همه جابجاولی فرستاده که  
 آن آنها از هر طرف محقق شود خبر بر بند که بمقابل  
 شتاب و چند نفر بر میان طایفه کولکان فرستاد

۱۸۵۰

سواره آنها را احضار کرده بود که برسیدن خبر بک  
 از وقت پانزده روزه خود را برداشته در جلگه تاز  
 که در دو فرسخی بجنورد است بار دو ملحق شوند عالجاء  
 باقرخان سرتیپ سواره چکنی زیاده طالب شد گدا  
 دوست نفر از سواره او که اسبهای خود را در آلاغ  
 بچراگداشته و فریب کرده بودند احضار نمود و دست  
 نفر دیگر که در استر اباد بودند آنها را نیز خوانسته بود  
 نامه مقرب الخاقان اینجانی گفته بود که آنها دورند و با  
 نخواهند رسید با همت جمعیت که موجود است با قبایل  
 بیرون ال شاهای جمعیت تکه را اگر میت هزار نیز  
 باشند از پیش بر میدارم و در روز نوزدهم شوال  
 با سواره و استعدادی که داشت روانه مانده شد  
 که اگر ترکمانان که آمدنی باشند بجنگ آنها برود و اگر  
 نیایند بچمن کانی پوش آمده در آنجا توقف نماید تا  
 برودت هوا و منظور از آمدن بکامپوش آن است که به  
 استر اباد بجنورد هر دو نزدیک باشد و نیز چون چمن  
 مشون آب و علف فراوان است اسبهای خود را  
 فریب نموده مستعد کار باشند  
 و دیگر نوشته اند که در صحرائی کولکان تل خاکی در لب  
 آب کرکان واقع است آب بهلوی او را شسته کالبه  
 قوی بکل نمودار کردید از قرار مذکور از سوراخ اسخو  
 که شش یک آدم تنومند میگردد علیقلی سلطان نام  
 سلطان فوج فدرسک با چند نفر از اهل بزان محل  
 فدرسک تماشا رفته و یک دزدان او را آورده بودند  
 که بقدر یک من نیم بر وزن داشته است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیست و هشتم شهریور سنه ۱۲۸۱

منطبه دار الخلاء طهران

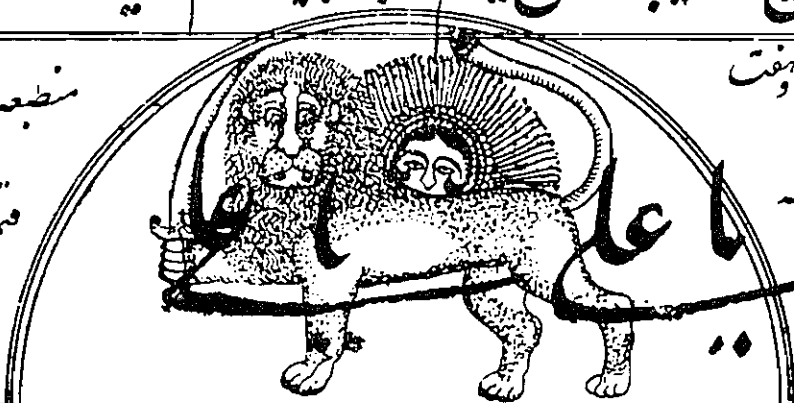
نزهت و استراحت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خطی شش

هر نسخه ده



اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

ارووی همایون

بموجب اجباری که در سبت و یکم این ماه از اردوی  
همایون سید اعلیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی  
در همان چمن چمن و کنار رودخانه نواحی مایه  
اعمال دماوند نزول اجلاس دارند و بجهت خوبی  
آب و هوای آنجا که مطبوع و سخن خاطر ملوکانه  
افتاد است تا آخر این ماه عزیمت توقف در آنجا  
دارند بعد از آن تشریف فرمائی فرمودند که از آنجا  
معاودت ببارد و بی نیادران خواهند فرمودند  
وقتی که اعلیحضرت امپراطور دولت فرانس میخواستند  
انظار علامت کمال دوستی خودشان را بر  
مکمل بالباس از مرتبه اول را برای سرکار  
اعلیحضرت شاهنشاهی خلد الله سلطانه بهر ایراد  
دارند چنانکه تفصیل آن در ضمن روزنامه منفعت  
گذشته قلمی شد باقتضای کمال دوستی و حسن  
ایران و فرانس چنان شایسته دیدند که نسبت  
بجناب شرف ارفع صدر اعظم دولت عالیتر

که در استحکام بنای مودت دو لیسین مرتب خیر خوا  
و حسن نیت بتقدیم رسانیده اند بطرز خاص و بسی  
از خوشنودی خاطر همایون اقامه نمایند و همچنین از  
جناب جلالت مآب نظام الملک نیز که صدق عقیدت  
و پاکی طویبتشان نسبت بهر دو دولت درجه  
کمال دارد تققدی فرموده باشند که در  
نشان دین لژیون د'نریکی از درجه اول برآ  
جناب شرف ارفع و دیگری از مرتبه ستم بجهت  
جلالت مآب نظام الملک لصحابت عالیجاه محبت  
سیولژن که حامل نشان برای سرکار اعلیحضرت  
اقدس همایون بود ارسال و عنایت فرموده بود  
جناب جلالت مآب سیولژن و وزیر مختار دولت  
فرانسه و عالیجاه محبت سیولژن مآب  
سفارت فرمادی آن روز که بجهت ابلاغ نشان اعلیحضرت  
شاهنشاهی شرفیاب حضور اقدس شدند کمال  
مودت و دوستی بمنزل جناب شرف ارفع آمده  
هر دو نشان را بتوقیر تام بجناب صدارت پناهی

۱۸۵۱

جناب نظام الملک ابلاغ داشتند ایشان لوازم  
 تعظیم و تکریم از دلیل نقداً خاص علیحضرت  
 امیر طووزی بعل آوردند و همچنین چون عالیجا پسر  
 میرزا نجاس خان مشی اول وزارت امور خارجه و عیال  
 فطانت سره میرزا ملک خان مترجم مخصوص دولت  
 علیه در انعقاد عهدنامه مبارکه مابین دوین سنتین لوازم  
 سعی و جهد را در عهدشکداری بعل آورده بودند برای  
 هر یک از آنها نیز نشانی از درجه پنجم لژیون در  
 از جانب علیحضرت امیر طووزی اعطا و عنایت  
 بود جناب وزیر مختار در میان بلین جناب ارفع  
 به شرف امج تسلیم نمودند و آن مجلس بشه ایط موات  
 و یکاکی مابین ایشان و جناب وزیر مختار ختم شده  
 ما حرام تمام مراجعت بمنزل سفارت نمودند انگونه  
 رسوم و آداب و لیل واضح است که مابین دو  
 شوکت دستگاه و اولیای دو زمین کمان کجوتی و کجکی  
 حاصل است و روز بروز این معنی از حسن نیت امنی  
 دو دولت درازد یاد خواهد بود  
 اردوی نیاوران کمال نظم را دار و مقرب انجان  
 محمد ابراهیم خان سزب قزاق اول واردی از سزب  
 و توپچی و رادوی نواب سزب مطاب بنزاده اعظم  
 و بعد دولت علیه و خادمان حرم و هر جا که لازم است  
 گذاشته بجز است و قزاق اولی مشولند و خود مقرب انجان  
 مشا را اله نیز شهبارا تا نزد یک صبح در گردش  
 بقرا و لیا میا و نهایت اهتمام در نظم تمام شهبانان  
 و سواره قزاقان در راهها گذاشته اگر سرفقی اف

بیتد سارق دستگیر شده تبسیه می شود از جمله در  
 کاشانک از خانه عالیجا پسر احمدی مستوفی آبی  
 و اسبابی سرقت شده بود یکساعت بصبح مانده  
 همان دزد را در زیر رستم آباد قزاقان گرفته با  
 سر وقت نزد مقرب انجان خان مشا را اله آورده بودند  
 وقتی که کاشان عالیجا پسر احمدی بجهت اجبار این سر  
 آمده بودند اشیا سر وقت بدون کسر و نقصان از  
 دزد مسترد شده و موجود بود تسلیم مشا را اله  
 قبض رسیدگی دریافت گردید در شهر شری داشت  
 که در اردوی نیاوران ناخوشی و با است بهد از  
 تحقیق آنچه معلوم شد دو سه نفر از خارج ناخوش بود  
 با آنجا رفته بوده اند فوت شده اند و با بعضی  
 هیچک از دهات شیران بکماله ناخوشی نیت

و از اختلاف طهران

کمال نیت و انتظام در دار الخلافه مبارکه حاصل است  
 و هرگونه چیز فراوان و ارزانت هو این در این روز  
 که باد خشک دزد زده است تفاوتی کرده اصول  
 حرارت شکسته و با عدال آورده است ناخوشی  
 بقراریکه در روزنامه مفعله گذشته هم نوشته شده بسیار  
 کم ظهور دارد بعضی روزها در مسج یک از محلات خیری  
 نواب سزب بنزاده و ابارار دیشیر میرزا حکمران  
 و مقرب انجان خان سزب اموی کمال اهتمام در انتظام امور انجان  
 دارند و عالیجا همان کلانتر و که خدیان در سرکار و خدمت خود  
 مراقبت و عمده الامراء العظام محمد خان میر تومان و امور نظام  
 و نظم قزاقان ارک و شهر سایر امور محو که خود مراقبت تمام دارند

۱۸۵۲

موسیو شهبه طبیب معلّم مدرسه دارالفنون دستوری  
بجهت ناخوشی و بانوشته و آن این است که در این  
روز نامه مطور میکرد

چون مذکور شد که در بعضی از بلاد ایران مرض با  
بطور رسیده و در طهران نیز همین مرض مذکور میشود  
بعد از تحقیق معلوم شد که عمومی میباشد بلکه اکثر بوی

افراط در اغذیه و میوهجات زیاد و نقل یافت میشود  
لذا لازم آمد که تدبیری لایق که تجربه رسیده نوشته  
شود تا اینکه عامه حلق تدبیر مذکور را دانسته چاره  
دارند بلکه نشاء الله تعالی بواسطه همین خبری تدبیر

مرض گردد و تدابیر و محالجات دید لازم نشود و اگر  
بالمه رفع مرض نماید اقلاسکین میدهد و تفصیل او  
ازین قرار است چون ابداً علامات قی و اسهال

بهم رسیده از پانزده تا بیست مثقال روغن کرچک  
بدون آب در ظرفی که با آب بسته باشد که قدری  
باطوب باشد تا اینکه آلوده بروغن مذکور نگردد و در  
در اگر شمی که بعد از یک ساعت در معده وجع شدیدی

در معده بهم میرسد در آنوقت پنج مثقال نظام  
در صد مثقال آب نیم گرم مخلوط کرده حقه نمایند و اگر  
سکین نمودنم و بفاصله ساعتی دیگر حقه دیگر بستر  
مذکور نمایند که نشاء الله تعالی تسکین کلی خواهد نمود

بایجاه عبدالحسین خان پسر مقرب الخاقان حاجب الدوله  
ز شاگرد های پیاده نظام و درس زبان مدرسه  
دارالفنون میباشد و مشق پیاده نظام را از

کمال رسانده و مستحق القات و قابل رجوع خدمت  
شده است از راه رحمت در باره او و توثیق سابق  
شاگرد های مدرسه بنصب سر بنکی خارج از فوج  
و یکصد تومان بر موجب سابق او افزوده

### تسع اجناس دارالخلافه

کندم یکخوار دو تومان شش هزار  
برنج غنبرو چهار من دوریال احد  
برنج رسی چهار من دو هزار  
روغن چهار من یازده هزار  
گوشت یک من هزار دینار

نان یک من پنج شاهی  
پیرسور چهار من شش هزار  
شع یک من دوریال احد  
پیه که اخته یک من دو هزار و یکجاسی

قذارسی یک من شش هزار  
قذیزی یک من چهار هزار و یکجاسی  
شکر یک من سه هزار یکجاسی  
بنات یک من چهار هزار و یکجاسی

طالبی و کرک چهل من دوریال احد  
هندوانه چهل من سه هزار  
الکور بیست من سه هزار و یکجاسی  
ذغال یکخوار هجده هزار و یکجاسی

همه یکخوار نه هزار  
جو یکخوار ده ریال  
کاه یکخوار چهار هزار و یکجاسی

۱۸۵۳

### سایر ولایات

اوردن با بجان از فراریکه در روزنامه ذرا  
 نوشته اند جناب جلالت اب عمده الامراء العظام  
 ایچی کبیر دولت علیه که از دار السلطنه بطرز نوری بدو  
 تعلیم با اجزای سفارت آمده بودند از تعلیم مزین  
 کرده از راه خد افرین رود اس می آیند نواب  
 شاهزاده و الاتنا حضرت الدوله حکمران آذربایجان  
 حکم کردند که دو دسته سرباز از فوج مقرب انخاقان  
 جعفر قلیخان میرنجه مرانعه و دو دسته از فوج ششم  
 ابوالفتح عالیچاه محمد باقرخان سرهنگ بادو  
 سواره با استقبال جناب معسری ایله رفتند و  
 حسین باظر خود را نیز بجهت تدارک ارمغان نمودند  
 و روانه داشتند

و یکبار از فراریکه نوشته تجار تبریز درین روزنامه  
 معتمد در بار سهراب حشم مقرب انخاقان قائم مقام  
 در دهم این ماه وارد خلعت پوشان شده و از  
 جانب نواب استیضاب حضرت الدوله اشخاص مخصوص  
 با استقبال آمده واعیان واعظم و خوانین و صاحبان  
 نظام نیز لوازم استقبال را بعل آورده اند و روز  
 یازدهم از خلعت پوشان حرکت کرده و در نزدیکی  
 تبریز باغ مرحوم کفعلی خان دهنلی منزل کرده و بجهت  
 خوبی آب و هوای استراحتی در همان باغ توقف  
 خواهد داشت

### اسرآباد و اسداباد

ازین ولایات در این مهله اخباری نبود

### اصفهان

از فراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند خلعت  
 خورشید طلعت بایون شاهنشاهی که بجهت نواب  
 حشمت الدوله حکمران اصفهان مرحمت شده بود  
 در بیست و نهم ماه شوال بانجا برتو و وصول گفنده  
 نواب معزی ایله با اعظم و خوانین واعیان لوازم  
 استقبال و توقیر و احترام خلعت مهر طلعت بایون  
 بعل آورده در باغ قوشخانه ریب برود و شش  
 و مباحث خود نموده اجزای شلیک توپ و صفر  
 شربت و شیرینی کرده ادای خطبه بنام اوست  
 بایون و اختتام مدعای از یاد خسرو دولت  
 ابد مقرون گردیده جمیع اعظم واعیان را در همان  
 باغ بنها صیافت کردند و طرف عصر بجا رت شهر  
 معاد دت نمودند

دیگر نوشته بودند که در این ایام دو مرتبه امار  
 رعد و صاعقه در اصفهان ظاهر شده باینطور که  
 یکشب بدون اینکه ابری ظاهر بشد باروشنی تابید که  
 تمام شهر روشن و منور گردید ولی زیاده بر چینی  
 معلوم نشد بعد از دو سه روز طرف عصر صدای  
 مینبی مثل آواز توپ در آسمان ظاهر شد بعد از آن  
 روشنی مثل شعله آتش بزرگ که بسیاری از اهل  
 شهر دیدند عیان گردید و ذای آن روز رعایای  
 سه و بی شهر آمده حکایت نمودند که این روشنی  
 سه پارچه شد و پارچه آن بزین فرو رفت که از  
 آب نیز گذشته اثری از آنها ظاهر نیست و یکپارچه آن

۱۸۵۴

بصه رود و زرع بر زمین فرورفته بود بعد از آنکه بیرون  
آوردند پارچه سنگی بوزن دو من شاه که چهار  
تبریز باشد بود و نصف آنرا بجهت تماشای مصحح چاپ  
بر بارهایون فرستادند که بنظر او لیبای دولت

علیه برسد

پروچرو و نجات ماری ازین ولایات  
نیز اخباری نبود

بطام از قراریکه در روزنامه بطام لوط  
عالیجاه جانمحمد خان حاکم بطام و شاه برود در  
امر ولایت و رفاه و آسودگی رعایا و امنیت  
و شوارع انجمن زیاد و اهتمام دارد و با اینکه در  
این اوقات کمال امنیت در راههای انجمن  
بازر و آرد و متمرکدین و نامورین دیوان که از آنجا  
آمد و رفت مینماید سواره و تفنگچی همراه کرده  
از منازل که سابقا مخوف بود میگذرانند

### خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بود  
علامه ضابیک مروی و صفک ترکمان و خان  
هزاره را مقرب انجمن قوام الدوله برای فتح  
شهرات اشهر ترکمانان سرخس بخراسان فرستاده  
بود که اسرا را که از خراسان برده اند روانه نماید  
بعد از ورود مشارالیم ترکمانان انجمن جمع شده  
پنجاه و دو نفر اسیر که موجود بود با ولد محمد ابراهیم  
تیم خان سوار کرده بودند که آورده بارض اقدس  
وارد نمود و علامه رضا خان از سرخس نوشته بود که

قدری از اسرا در قریب بمسند و سپه اراض خانرا  
فرستادیم که آنها را بیاورند و قرار شد که یک  
دیگر اراض خان بارض اقدس آمد و عوض اراض  
در مشهد بماند و خود اراض خان بخراسان برود که  
هر چه اسیر در آنجا مانده باشد جمع آوری کرد  
بارض اقدس بیاورد

دیگر نوشته اند که دولت نفوسواره سرخس با  
یکصد نفر از ریش سفیدان آنها بار دوی نوا  
مستطاب شاهزاده و الا تاج حاکم سلطه حکام  
مملکت خراسان هستند که ملزم رکاب نواب  
معزی لیه بوده مشغول جنگند اری باشند

خمسه و خوانسار و کلیکان و سمنان  
و عراق و فارس و قزوین و  
و کاشان ازین ولایات نیز  
در این هفته اخباری نبود

### کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند  
فرمان مهلمعان و خلعت خورشید طلعت همان  
که بافتخار و مهابت مقرب انجمن قوام الدوله کرد  
شرف صد دریافت و رحمت گردیده بود در  
بیت و سیم ماه رمضان المبارک با انجمن پرورد  
افکنده مقرب انجمن قوام الدوله با هم اعیان و  
اشراف و نامالی انجمن خلعت پوشان با استقبال  
شافت و لوازم توجیه و احترام را بعلی آورده  
هایون را زین برود و شش مفاخرت و مهابت

خود نموده صرف شربت و شیرینی کرده مراد  
 نمود و روز دیگر جمیع امانی ولایت را در مسجد  
 جمع نموده فرمان مایون را که مبنی بر انظار مراد  
 طوکانه در باره مقرب انخاقان مشارالیه و امانی  
 ولایت بود داد در بالای منبر قرائت نمودند  
 همه امانی و سکنه آنجا کمال خوشندی و امیدوار  
 بعواطف اولیای دولت جاوید مدت علیهم  
 بعد عاکونی وجود فایض بحد سرکار آمد سالیان  
 شاهنشاهی رطب اللسان گردیده در سر حد  
 آنجا نهایت امنیت حاصل آمد اشخاص مفیده  
 جو و مسکانه طلب سر بز و ایامی خمبول کشیدند

دیکر نوشته اند که در این اوقات پنجفر از امانی  
 ارومیه بجهت معامله داد و ستد بقصه بسندج آمد  
 بودند و جی که همسراه داشتند هم ریال مسکوک  
 بکه دار سلطنه تبریز بود قدری از آن ریالها  
 بازار برده بودند که خرید نمایند چند دان از آنها  
 بدست صرافی افتاده دیده بودند همه قلبی است  
 بزد مقرب انخاقان و امانی آورده و ستاد صاحبان  
 تجاره را آوردند اول بمقام انکار در آمده بودند که  
 این ریالها از نایب بعد از تهید اقرار کردند که  
 از این جور ریال مسند یکصد و بیست و شش تومان  
 و در دست داریم و از تبریز آورده ایم که در آنجا خرید  
 نایب مقرب انخاقان مشارالیه حکم بجس آنها نموده  
 یا شاید یک نایب تو بچانه مستدعی شده بود که آنها

بدست او سپارند و در تو بچانه آنجا نگاهداری نماید  
 تا مراتب در بار معدلت مد اعرض شده بد آنجا  
 حکم اولیای دولت علیه در باره آنها صادر شود  
 معمول آید مقارن اینحال نوشته از تجار و طرفان  
 همدان بصراف و تجار کردستان رسید که زیاده از  
 هزار تومان ریال قلب بکه تبریز در همدان پیدا  
 و عامل آن معلوم نیست خبر دار باشید اگر بانجا  
 ازین پولها بیایند صاحب آنرا بگیرد معلوم  
 کنید که از کجا و چه جا این عمل فتلابی ظاهر شده است

دیکر نوشته اند که در زده اسنه از ابتدای حمل  
 تا پانزدهم شهر رمضان المبارک در آن ولایت  
 بارندگی شده و بارانهای نافع بسیار خوب  
 بموقع در مزارع و مراتع و صحاری آمده همیشه  
 پر آب و کوه و دشت سبز و حرم و حاصل آنجا  
 خیلی بهتر از سالهای دیکر لعل آمده است ولی از  
 جواز و نوشته بودند که در دوازدهم ماه رمضان  
 مگر کی در آنجا آمد که به مرغ صحرائی و خانگی که خورد  
 تلف کرد بقدر ربع ساعت امتداد یافته بود امانی  
 آنجا همه بجانها و بخیولها کورنجه بودند که از تکرک  
 نه میزند باغات و سردختی خرابی بسیار شدند  
 و از قرار یک نوشته بودند دانهای تکرک از کردگان  
 بزرگتر و بقدر بیضه مرغی و کوه چکتر بود است

۱۸۵۶



روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ماه ۱۲۷۲

نزهت و تفریح

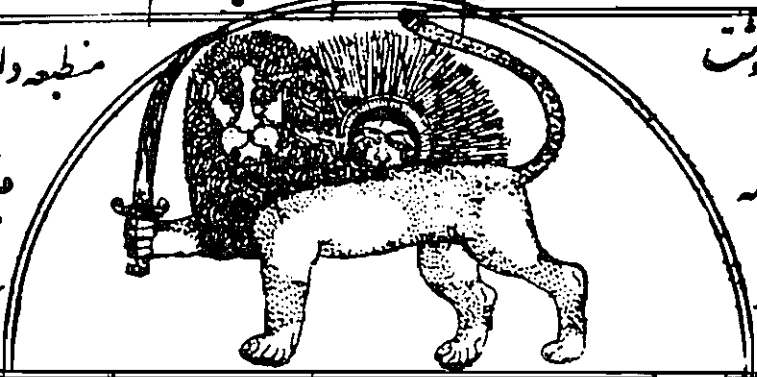
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهر

هر خط پنج شاهر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هاپون

از فراری که از اردوی هاپون نوشته اند موبک فریروز  
 گوکب اعلیحضرت شاهنشاهی در دویم ماه شهریور  
 بسمت شهر دماوند تفریح و تماشای انجام گرفت  
 و در آن سیاق که توقف داشتند بر وجود فایض  
 هاپون بسیار خوش گذشت و غذای بسیار  
 لطافت هوای آنجا زیاده مقبول و سخن خاطر طویکا  
 افتاده است چندی در اطراف شهر دماوند و آن  
 صحیفه تفریح داشته عید قربان را در کنار رود  
 شهر دماوند منقضی میفرمایند و در شانزدهم شهریور  
 بالشوکه و الاقبال باردوی نیاوران نزول اجلال  
 خواهند فرمود  
 اردوی نیاوران از فراری که نوشته اند در کمال  
 و امور قراول و مستحفظ و قراوران احسن مراقبت  
 و اهتمام مقرب الخاقان محمد برهم خان سر تپ  
 و مضبوط و سایر جاگران در بار هاپون هر یک  
 بلخام خدمت متوجه بخود مشغول میباشند فوج

دشکین جمعی عالیجاه سفلی خان سر تنک در روز  
 بیت و نهم ماه ذی قعدة در آنجا مشغول شلیک  
 کرده اند و نواب مستطاب شاهزاده اعظم و اطاب  
 ولیعهد و دولت جاوید مدت علیه تجبه تاشای شقی  
 آنها بیالای بندی تشریف فرما گردیده و سر بار  
 منور در حضور نواب محترم امیر در کمال شکوه  
 و آراستگی مشغول شلیک نموده مورد تحسین گردیدند  
 چون عالیجاه میرزا ابوالقاسم ولد عالیجاه مقرب  
 میرزا محمد علی مستوفی در شغل منشیگری وزارت امور  
 خارجه مراتب قابلیت و استعداد خود را مشهود  
 خاطر انسانی دولت علیه داشته بود لکن در وقت  
 توقف موبک هاپون در نیاوران که بهر اعیان جناب  
 جلالت مآب ایلی کبیر دولت علیه ایران نامور  
 در بار دولت فخر فرست گردید انسانی دولت قاهر  
 حسب الاشارة العلیه اورا لقب جلیل خانی سرافراز  
 و مبلغ یکصد تومان نیز بموجب بق او افزودند

۱۸۵۷

### دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه طهران از هر جهت منظم و قواعدها  
 قراولخانه مضبوط و عسوم امالی دارالخلافه بدعا  
 از دیاد شوکت و دولت ابد مقرون شایسته است  
 دارند نواب مستطاب هزاره هفتم و الایستار در  
 حکمران دارالخلافه و محنت الامراء العظام <sup>شهر</sup> خان میرزا  
 و مقرب الخاقان میرزا موسی و ریز بر یک در این وقت  
 در ب خانه که منزل دارند همه روزه تا نزدیک  
 آفتاب نشسته بامور رعیت و نوکر رسیدگی می نمایند  
 چون بجهت وقوع ناخوشی و نزدیک بودن ماه محرم  
 مردم شهر اغلب بجزیه واری مشغولند و در خانهها  
 شبها مرثیه خوانی می کنند لهذا قراولان را که  
 و شهر در حفظ و حراست محلات و غیره ریادتر  
 از سابق مراقب و مواظب هستند که خلاف حسابی  
 از کسی ناشی و صادر نشود

ز و از بخاراتی در صد و اباد بار غایب نزارع کرده  
 و مرکب قتل شده بودند مراتب بعضی نواب  
 مستطاب هزاره و الایستار و شیر میرزا  
 فرستادند همه را بدار الخلافه مبارکه که حاضر گردند  
 بعد از تحقیق و غوررسی بجز یک نفر که قاتل بود  
 و یک تاجر که خودش در دارالخلافه ماندنی شد  
 سایرین را مرخص نموده و آنچه اموال و اسباب  
 از آنها گرفته بود بجهت حکم بانها رد نموده و  
 بر آن خجسته راه نیز بانها داده شد که باسودگی  
 و مقصد در روند

۱۸۵۸

دیگر منکام آمدن مقرب الخاقان حاجی میرزا  
 و بیز مهم خارج از او را بایجان در نزدیکی منزل کرج  
 بگرفتس قاطر بنه او مفقود شده بود و قاسورانها  
 پیدا کرده آورده تسلیم نمودند

چون افواج متوقف دارالخلافه مبارکه و متعین  
 دارالعقون دمشق و تحصیل کامل شده این اوقات

و متعین برخص شدند  
 نظر بطور رحمت توکانه در باره مقرب الخاقان میرزا  
 محمد زمان در این اوقات بمصب مجلس امارت دیوان  
 مبارکه که سه افروز خلعت مهر طلعت همایون دراز  
 سبب مزبور باو رعیت گردیده در روز سه شنبه سیم  
 شهر ذیحجه احرام در چهار دیو الخانه مبارکه اردوی  
 جمعی از شاهزادگان عظام و مقربان در باره سپهر  
 بهینت منصب مزبور حضور بهم رسانده خلعت  
 رنوب برود و شش افتخار و عهتباد نمود و فرمان قضای  
 که درین باب شرف صد دریافت بود در آن مجلس  
 شده صرف شربت و شیرینی و لوازم تمینت  
 بعل آمده بعد از انقضای مجلس مقرب الخاقان مبارک  
 با اتفاق نواب سان میرزا الله باشی نواب مستطاب  
 شاهزاده اعظم و بعد دولت جاویدت علیه  
 و جمعی دیگر از اهل مجلس شرفیاب خدمت نواب  
 معظم الیه شدند

سایر ولایات  
 اوربا بایجان و استرآباد و اسباب  
 ازین ولایات درین هفت اخباری نبود

اصفهان

از فرایکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال است  
 و انتظام در انولایت حاصل است و نواب استطاب  
 شاهزاده و الایب حاکمیت الدوله حکمران اصفهان در  
 نظم ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت نهایت مراقبت  
 و اهتمام را دارند و افواج متوقف اصفهان همه روز  
 در میدان مشق حاضر شده مشغول مشق میباشند  
 بروجرد و عربستان و بطام و شادرو  
 و خراسان و حمت و خوار و کلکان  
 این ولایات نیز درین مهته اجباری نبود

و آرا المزمع از مدیران از فرایکه در روزنامه  
 مازندران نوشته اند امور انولایت احسن وقت  
 نواب استطاب لطف الله میرزا و مقرب الخاقان  
 میرزا اسد الله وزیر قرین انتظام و انضباط است  
 و امر کارخانه شکر ریزی و قد سازی دولتی  
 منظم است و استاد و عمده کارخانه مزبور در کارند  
 و عیب و نقصی در امر آنها نیست و درین اوقات  
 که محل یورت طایفه عبدالملکی در امیرآباد حسین آباد  
 مشخص گردیده و قلعیات و نهر آب و محل زراعت  
 آنها درست و معین گردیده آسوده خاطر بامر رعیت  
 و رعیتی خود مشغولند نواب استطاب شاهزاده  
 و مقرب الخاقان وزیر آدم فرستادند که بقیة  
 مزبور را که در بلوکات با فرودش و سایر  
 جایجا متفرق بودند کو جانده با امیرآباد حسین آباد  
 بربند که مانند سایرین در آنجا مشغول رعیتی

سمنان و عراق و فارس و قزوین

و قسم و کاشان ازین ولایات نیز  
 در این مهته اجباری نبود

کردستان

از فرایکه در روزنامه کردستان نوشته اند  
 ایل جاف که در سال قبل سکام مراجعت از کریم  
 بییدقات کردستان سرایلان آنها چند نفر از  
 سپه و برادر و منوبان خود برسم گروی بنزد  
 مقرب الخاقان والی کردستان فرستاد بودند  
 و بدین واسطه دست تعدی اشرا ایل مزبور از قضا  
 کردستان کوتاه بود اما سال جدید است که وارد  
 سرحد کردستان شده اند هنوز گروی خود را  
 نفرستاده اند و اشرا آنها بنای تعدی و بیجا بی  
 گذاشته و بجا برین دست و پند و دین دست اندازی  
 می کنند از جمله چند نفر را برهنه کرده بودند آنها از  
 جاف فرار کرده بنزد مقرب الخاقان والی آمده است  
 تعدیات ایل مزبور را اظهار داشتند مشایخ  
 نیز آدمی از خود بنزد سرایلان فرستاده کاغذی  
 مبنی بر ضرب بآنها نوشت از فرایکه جواب نوشته  
 بودند اظهار اطاعت و انقیاد و بخیبری ازین مقدمه  
 کرده و تعهد نموده بودند که گروی خود را بقرار معهود  
 بفرستند و آنچه هم اشرا و قطاع الطریق آنها از عابری  
 و مشردین گرفته اند از آنها مسترد کرده بفرستند  
 گروسم و کرمانشاهان ازین ولایات  
 نیز درین مهته اجباری نبود

۱۸۵۹

### کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند از حسن  
 مراقبت و اهتمام امیرالامرا العظام سپهبد ارجمند کرمان  
 کمال انتظام و انضباط در امور ولایت حاصل است  
 در عایا و برایا اسوده خاطر به عا کونی دات است  
 بجایون شایسته استعان دارند و بجهت مزید  
 حصول دعا کونی قاریات را امیرالامرا العظام  
 مشارالیه اینطور داده است که تا رفع محصول بر عا  
 حواله و اطلاق بیچوجه نشود که با شود کی بعد از  
 رفع محصول از عهده ادای مثال دیوانی شوند  
 برآیند و عالیجا سه لار را از جانب خود قرار  
 داده است که در دیوانخانه آنجا هر روز نشسته  
 بفرایض و مطالب مردم رسیدگی نموده مطالب  
 آنها را معروض دارد تا بر وفق عدالت فصلت  
 و عالیجا معرب انخافان میرزا محمد مستوفی پیکار  
 کرمان همه روزه با مستوفیان آنجا در نشست  
 بامر معاملات و محاسبات از روی دقت رسیدگی  
 مینماید و انضباط و مباشرین و که خدایان را  
 منظم داشته کسی قدرت تعدی و خلاف  
 ندارد

شایسته معاودت بکر میرات صفیات بلوچستان  
 نموده مشغول انتظام و انضباط امور آن سالک  
 در رفع شرارت شراری بلوچیه باشند  
 دیگر از قرار یک تسعیر اجناس کرمان را در روز  
 آنجا نوشته بودند بقرار مسطور ذیل در این اوقات

#### مترات

کندم اعلا	یکجودار	دو تومان و ششصد
کندم وسط	یکجودار	دو تومان و چهارصد
یکجودار	سیزده هزار	۵۰۰
یک من	سه هزار	۶۰۰
یک من	هزار دینار	۷۰۰
یک من	مشتصد	۸۰۰
یک من	پانصد دینار	۹۰۰
یک من	یکریال	۱۰۰۰
یک من	پنج شاهی	۱۱۰۰
سه من نیم	یک هزار دینار	۱۲۰۰
یک من	هفت هزار	۱۳۰۰
یک من	چهار هزار	۱۴۰۰
یک من	سه هزار	۱۵۰۰

دیگر نوشته اند که جمال نام بهار لکه از خاک فارس و  
 مدتی در خاک کرمان کن و شرارت مشغول بود امیرالامرا  
 سپهبد اراد دستگیر نموده با برهیم بیک دیکل  
 و شش نفر از دلی سپرده روانه در بار معدلت  
 بجایون نمود

۱۸۶۰

تاریخ ایوم که پنجمین شهر حال است روزنامه  
از اردوی مایون رسید بقراریست که نوشته شد  
از قرار نوشته مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیانی  
خبر از بخجورد رسید بود که طوایف که اجماع کرده  
بجزم خرابی و ماحت و تا زار بیرون آمده اند لکن  
مش رایله که اراده آمدن است آباد داشت فسخ این  
نمود با سواره که داشت روانه راز شد بود بعد از  
ورود بر از معلوم شده بود که امالی که در چمن قوروق  
که مابین همین و درون واقع است کلاً اجماع و اتفاق  
کرده بضمیمه و از قوشخانه بابل که خبر داده بودند که ایلیانی  
سواره کوکلان و سواره و پیاده مشا در لور اجمع کرده  
ببر راه شامی آید بعد از وصول این خبر بزرگان این  
موقوف نمودند ولی از سه چهار هزار جمعیتی که در آنجا  
بودند پانصدش صد نفر بخت دره جزیره بیستی  
دره جزیری را دستگیر کرده مراجعت نموده بودند چون  
نخورد جانی است نزدیک بانگ هم بولایت و هم بکه  
رفت و آمد داشتند و فرقه شدند فرقه را غلبه  
و فرقه مایل باین سمت گردید و فرقه ثانی کاغذی بایلیانی  
براز و ستادند که شایبایند ما بخور را بتصرف شامیم  
و خود نیز کوچ مینمایم بنا بر این مقرب الخاقان مشایبه  
از راز با جمعیتی که همراه داشت روانه نخورد شده فرقه  
اول آدم بقوروق نیز که فرستاده بودند که ایلیانی بزرگ  
ما می آید شایبایند ما بخور را بتصرف شامیم چون  
سفت ایلیانی نزدیک بود که در شتر باد و دست بزرگ

که با اصطلاح آنها مگر بنامند آمده نخورد را متصرف  
و از فرقه که مایل ایلیانی بودند پنج دومی گرفته بودند  
ایلیانی نیز ازین سمت بخجورد آمدن که با طینان خاطر  
طلوع صبح که بانجا رسیده بود دره بود کسی از آنها  
پیش بنا بد سهل است از برج و باره بنای تفنگ اندازی  
که استند مقرب الخاقان مش رایله کرده با استعداد فایده  
حرکت نکرده بود لکن مراجعت راشاق و ناگوار است و رعیت  
ورود آنها ز سنگ بستن نموده آنچه گذر و مبر و کوه و کمری که  
سرکوب بود تا ما را گرفته راه چاره از چار سو بانها بسته بود  
یکروز در یک شب لایق قطع از طرفین بمقتله و مجاوله عمل آمده  
روز دیگر از دهنه باین سر نخورد که متصل بانگ است اسباب  
و شورش برخواست معلوم شده بود که مجدداً از آنکه  
و پیاده زیاری با باد نخوری آمده اند شب و روز از  
علی الاتصال بجدال مبادرت نموده روز ششم فراوانی که در سر  
گذاشته بود خبر آورد که از سمت بالای کوه سوار انجومی از  
که آمده سرکوب داب در راه هر را گرفته اند از طرف دیگر نیز سوار  
در پیاده که از دهنه باین نخورد آمده بود با مگر جمعیت نخوری  
از جانب زور آورنده تشحرب بر افروختند و از سمت بالا  
سوارانوه که ظاهر و نمودار و عرصه بر کفر فریزی اثر تک شده  
انداخت که دستان از کار و کارشان از دست برود ولی  
مش رایله دل دیگر کون کرده متوکل علی جمعیت خود را در  
افتمتی بنواب جهاننور میرا سپرده عالیجان محمد خان  
و مرتضی قیسان سرتنگ و محمد جمیم خان و محمد قلیخان و شیر محمد خان  
بریک در سگری گذاشته دهنه مقرب الخاقان مش رایله دیگر را  
سپاه علیخان برداشت بطرف سواری که سمت بالای سر گرفته

۱۸۶۱

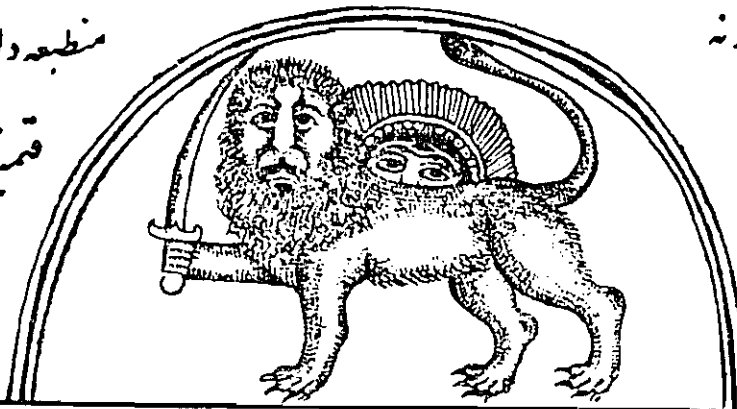
شفاقه شکامستیز و او برزاکرم کرده بعون غایت الهی و  
 اقبال بیروال شاهاهی جمعیت آنها را ایش بر دو شکست  
 فاحش با نهاد داده بهادران صف شکن و کردان مردان کن  
 چهار فرسخ آنها را تعاقب کرده بسیاری از آنها طعم شیر آب  
 نمک صاعقه بار کرده از ظهور نظر و انهرام آن کرده خبره  
 نواب جهانسوز میرزا و سایرین نیز که با قلعه کبان مشغول کیر  
 بودند مستظرف و جری کشته بادی قوی زور او کرده با  
 آنها را از سکر کز زانده و در قلعه محصور و سواره آنها را  
 شکست فاحش داده جمعی را مقتول و بقیه را مخدول و لا  
 از دهنه نخویرون کرده تا داشت ملک تعاقب نموده  
 و مظفر با سر و ایرم حجت نموده سه روز دیگر نیز در مشغول  
 توقف کرده بودند چون سرب و بار و ط و آذوقه و لشکر  
 تمام شده و قلعه نخور نیز در جای سخت واقع و گرفتن آن بی  
 مشکل بود مقرب الخاقان مثالیه مصلحت در امر حجت دید  
 جنگ سر و سیر و اسب از پانصد تنج و ز بدت عسکر منصور  
 افتاده و سی چهل نفر نیز ازین طرف مقتول و زخمی شده  
 و در از این فتح و جلالت مقرب الخاقان را لیه از جانب  
 سنی ایجاب ملوکانه یک قبضه شمشیر مرصع بسیار خوب بجهت  
 مرحمت و انفاذ گردید  
 دیگر از قزاقیکه امیر الامراء العظام مقرب الخاقان سپهبد حکمران کرمان  
 محمد شاه خان سی که در صیغه بلوچستان بل ویر و مکنای محکم مستظرف بود  
 و بواسطه استحکام قلعه سب و گرمی هوای آنجا بچو قشون دولتی تبعه  
 دست فدی بود و قلعه سب قلعه است محکم که نوشته بود بدست  
 خست عرض یوارتبه و سی و در دوزخ ارتفاع دارد که میت روح  
 دارد و در دوزخ از خاک زربلا و محمد خان سی بنام در شاه

پیش با استحکام قلعه مخرو بوده چنانکه ز خدمت دولت رو کردان بود  
 خدی قبل بر این حب الامر مقرب الخاقان را لیه ایجاب کبابی  
 سیرت فواج کرمانی را با قشون کرمانی و خلیه عمره با مو بلوچستان کرده  
 خان هم شخص بجهت با قشون دولتی از در مخالفت و مخالفت را زده بود  
 روز و نه شب عالیجا پش را با قشون بوجهی شغل جنگ جلال حرب  
 بوده در روز ۲۳ ماه شوال بیاری الهی بیروی بخت بلند عسکت  
 شاهاهی بضر بوب عدد کوب یک به قلعه را کوبید و لقب از  
 برج برده اش زنده ظهور زده قلعه را سترو محمد شاه خان را بنام در شاه  
 پیش چینی که داشت سب کرده و جمعی از عیالی بلون که در آنجا کفر  
 بودند همه از خص کرده آنکه نوکر و اتباع او را شرا بلوچیه بودند معتقد  
 مجوس گناشته اند و کسانی هم که در دعوا و پورش کشته شده بودند  
 نظر با سندهای بزرگان بلوچستان آنها را مکر کرده اند و او را از قشون  
 کابنده و ازین رکنه را ویلای دولت علیه از آنها ناراضی و سحر  
 و میخوانند این قاعده یکیک که در نمازعات و محاربات  
 بود که کشته و مقتولین را سر میرند موقوف دارند  
 روز و نه شب دوم این ماه که موبک فرزوری کوب کاب یون از بلوچ  
 بودند شریف فرما کردند از غرایب این بود که در عرض او در میان  
 بود که از زیران یک رود میگذشت و برف مثل پل بود و بعد  
 قدم راه و بطوری بود که در قلب الاماستان قریب هزار نفر با  
 که قطره کاب ایون بودند از روی آن پل برف گذشتند و اصدا  
 مطلقا تغییری بحالت آن راه نیافت و محکمتر از پلهای سکی  
 اجری بود و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی محض شاه زبران  
 پل شریف برده در کنار آن رود آب قوه و قین میل  
 سوار شدند

۱۸۶۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۷۲ هجری قمری مطبوعه در اختلاف طهران

منبعه دار اختلاف طهران  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شاهی



نزهت و شادونه  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شاهی

### اجبار و اخذ مالک محروم پادشاهی

#### ارووی هایون

موجب فیروزگی گوئی شایسته ای که امکان در دماوند  
تشریف دارند و هوای اینجا مطبوع و مستحسن خاطر ملوکانه  
میباشد

چون با قضای رای عدالت پیرای هایون مقرر است  
که خدمات عمده و جهات مهمه بعد از قابلیت و استعداد  
اشخاصی از چاکران غنیه علیه مفوض گردید که در تمام  
عبودیت و امر اسم خلوصیت بدرجه علیا و مرتبه تصویبی  
رسیده باشند که نه آن خدمت مهمل ماند و نه موز

زحمات کتی مجلس آید از جمله مقرب انخاقان پادشاهان  
پیشخدمت خاصه هایون است که در رسانیدن تحواری  
قشون نصرت نمون و باز دیدن قورخانه مبارکه که از خدمت  
عمده و زحمات مفصله است حسب الامر با و ما بوسه  
مخصوصه داده شده بود بطوریکه منظور نظر هایون  
بود از عهده خدمت بطور اکل برآمد و خاطر مرحمت  
منظا هر هایون را قرین رضا و خوشسندی داشت

لهذا بموجب صد و فرمان مهر لجان مبارک و اعطای  
خلعت آفتاب طلعت بلقب نبیل این صره قشون  
نصرت نمون نظام و غیر نظام مقفح و مسرافراز و مقرر گردید  
که بعد ازین کل تحواریه مواجب و سیورسات و سایر  
که بعموم قشون ظفر نمون مرحمت میشود نقیرا قطمیر باطله  
عالیجاه اشار الیه بوده باشد و پس ازین بدخبت و  
استحصار او را درین باب محل اعتنا و اعتبار و انند  
او را باین لقب نبیل مجالب و احترام او را باندازه  
این عنایت رعایت نمایند

چون عالیجاه مقرب انخاقان میرزا محمد تقی سپهر مستوفی  
در تقدیم خدمات در باره خلعت مدار و تنقیح محاسبات  
دیوان مساعی جمیده معمول داشته و کتاب تاریخ  
که شعراست بر احوال انبیا علیهم السلام و جمیع سلاطین  
روی زمین و عموم علما و حکما و بندگان دادیان  
تصنیف کرد که در هیچ دولت و مملکتی کنونی بدین سیاق  
محرر نیامده و قواعد شرفارسی را که از فزون مانده

۱۸۶۳

مسور مانده بود در تالیفی موسوم بر **براهین العجم**  
 بسیار است **مرحمت شانه** و التفات خدیو شاه شامل  
 حال او شده اور لقب **بتان الملک** فرمود  
 و بدین لقب رفیع و خطاب منسج بر قنار و اعزاز  
 واحترام او افزودند

عاجل **اللهم** ادخان افغان علیجائی که از سیستان برکات  
 مبارک علیحضرت شاهشاهی آمده بود شرفیاب  
 حضور با هر انور شده مورد نوازش و خلعت و انعام  
 گردیده و رحمت انصاف حاصل کرده معاودت  
 نمود

بموجب اخباری که مجدداً از اردوی هایون برسل  
 رسید در شب دهم این ماه که شب **عید سعید اضحی**  
 بود اس جراحانی دانش باری سنگین در حضور  
 موفور السور و علیحضرت اقدس هایون شایسته  
 و اہم آمده آنتب رابعیش و شادمانی که زان روز  
 عید سلام سطلانی انعقاد یافت جناب شرف امجد  
 ارفع صدر اعظم و سایر خواص و مقربان مترجم  
 رکاب نصرت امتاب شرفیاب حضور مہر پادشاهان  
 گردیده و جناب معظم با عطای جنبہ شمش و ارباب  
 و عضای مرتجع ابتیاز و خطابات مخصوص عنایت  
 ملوکایہ سمت اختصاص یافتند و بعد از سیک توپ و  
 خطبه بنام اقدس هایون و اختتام بدعای بقای  
 دولت و شوکت ابد مقرون سلام عید سعید اضحی  
 مستقنی گردید

مقرب انخافان حاجی میرزا محمد خان و پیردہام خاں

که بکفایت امور خا رجہ آذربایجان مامور و متوقف  
 دار استلطنہ تبریز بود و بر حسب امر قدر قدر ہیون  
 سبب بعضی امورات لازمه موقفاً احضار رکاب مبارک  
 شده بود این اوقات که دماوند محل نزول اجلال  
 موکب هایون بود برکات مستطاب مبارک مشرف  
 و شرف اند و حضور مہر طہور هایون گردیده بحال  
 مرحمت و عنایت نسبت با و بمذول و از خدا  
 مش رالیہ در ایام توقف تبریز منتهای رضامندی  
 از جانب سنی ایوانب هایون بعل آمد

دار اختلاف طهران و اردوی نیاروران  
 روز سہ شنبہ دہم که عید سعید اضحی و از اعیاد **معظم**  
 اسلام بود اول صبح نواب مستطاب شایسته ہزادہ والا **تبار**  
 او دشر میرزا حکمران دار اختلاف طهران و مقرب **انخافان**  
 میرزا موسی و ربرو عالیجاہان محمود خان کلانتر **العظام**  
 و کہ خدایان و ارباب نظام نصرت فرجام عمدہ الامرا  
 محمد خان امیر تومان و مقرب انخافان فغان آقا میرزا  
 توپخانہ مبارک و علینقی خان سر تپش و سایر اصحاب  
 منصبان نظام و غیر نظام و بعضی از ارباب قلم و حوائج  
 و خدم و معارف و لایب گل سوار شد بمصلای خارج  
 شہر کہ ہر سالہ شہر قربانی در آنجا شہر می شود حاضر شدند  
 و ابتدا خطبہ سلامتی وجود مسعود هایون در ان مکان خوان  
 شد بعد ذلک مقرب انخافان تہیہ الامرا العظام محمد **خان**  
 سپہ امیر الامرا العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی کہ خود  
 نیز منصب کشیکچی باشیکری نواب مستطاب شایسته ہزادہ **معظم**  
 انجم و لیعهد دولت ابد مدت علیہ فتح و مامور از جانب

۱۸۶۴



۳

نواب معظم بجهت شرف بانی آمد بود حسب آلاء  
 نواب مستطاب اردشیر میرزا شرف بانی را شکر کرد  
 و آنچه لوازم این کار بود از لواحقین تقاریر و شادمانی  
 در آن حین بجا آمد و بقانون معموله هر صنفی عضو از اعضا  
 شرف بانی را که مخصوص آنها بود بر گرفتند بعد با همان  
 اجتماع از مصلاهای مزبور روانه نیاوران که محل اقامت  
 نواب مستطاب نیراده اعظم و لیعهد دولت علیه بود  
 شدند ابتدا یکی اشخاصی که از شهر فرستاده بودند منزل  
 مقرب بمخاقان میرزا داد و خان نشسته آنچه از هر یک  
 عظام و امر او خوانین و ارباب قلم و اهل نظام هم  
 که در نیاوران بودند حاضر شدند و شربت صرف  
 نموده بنیات اجتماعی بسلام نواب مستطاب نیراده  
 اعظم و لیعهد فرستاده رسم تهنیت سجای آوردند  
 و در همان بین سلام که شکیبایی و زینب نوک در آنجا نشسته  
 از شهر هم هفتاد و تیر توب سلام انداختند و نواب  
 معظم بهر یک از شانیزادگان عظام و خدام در بر سر  
 احشام علی قدره ابراهیم لوازم التفات را بجا آوردند  
 شیرینی حرمت نمودند پس از آنکه سلام بنه اشخاصی که از  
 شهر فرستاده یا در آنجا بودند شیلان نهادند و  
 بعد ازین فرودات امانی شهر بر خدمت معاودت نمودند  
 و خدامی که در نیاوران بودند بر خدمت فرستادند  
 این عید سعید از جمله اعیاد معظم و متفق علیه است  
 سلام است جناب محبت بصاب چه را فدی شادمانی  
 دولت علیه عثمانی که در سیلابی شیران در قرب نیاوران  
 منزل داشت جهت جامعیت سلام و یاد دین علی شین از جانب

نواب مستطاب نیراده اعظم و لیعهد و خواهر کبری  
 و بیست و پنج روس که سفیر بانی مصحوب یک نفر  
 از نمایان بیشک آقاسی باشی روانه منزل ایشان  
 فرمودند بعد از آن عالیجاه مقرب الحفزه انخا قایمه  
 میرزا انقار خان نایب وزارت امور خارجه نیز بدین  
 معنی الیه و تهنیت روز عید منزل مشارالیه رفیق  
 میرزا عبدالوهاب خان نایب وزارت امور خارجه  
 نیز از جانب نواب مستطاب اردشیر میرزا حکمران  
 برسم تهنیت عید رفقه مقرب انخا قان میرزا موسی  
 دار انخا فزیر خود وقت عصر بدین جناب معنی الیه  
 رفقه مدتی با جناب در دفتر صحبت دوستانه و شفقت  
 بجهل آمد و مراجعت بشهر نمود  
 هوای طهران درین سال زیاده از سالهای سابقی کرم  
 ناخوشی معروف شدتی نذار و ناخوشیهای دیگر کم از  
 هر سال است و امور شهر و نواحی کمال انتظام دارد چنانچه  
 مرتب شرب و سرفه شده بود حسب احکام نواب مستطاب  
 تمیید شدند و همچنین فراموشی گریه های کافری با قرا  
 و سجان عالیجاه کنجیان نمانده بعضی اشخاص ادبی و بی ادب  
 بودند او دام گرفته حسب احکام نواب معنی الیه تمیید نمودند  
 دیگری از کرمها حوالی مسج کبه پولی در کوچه یافته بودند  
 عالیجاه زکنجان آورد و داد جا کشیدند حبش پیدا  
 شد نشانی کبه و پولی را داد بقدر میت توان  
 بود بدون کسر نقصان حبش تمیید نمودند  
 سایر ولایات آذربایجان و ایلات و بلاد  
 و اصفهان ازین ولایات در این معنی اخبار میدادند

۱۸۶۵

بروجرد و عربستان

از فراری که در روزنامه عربستان نوشته بودند  
 انولایت احسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب  
 شاهزاده والا بهار چشم امده و حکمران بروجرد  
 و نجیبیاری و عربستان و لرستان در کمال نظام  
 و انضباط است و در طرق و شوارع آنجا اینست  
 امنیت حاصل است درین اوقات فوج بهادران  
 تومان اول افواج قاهره را نواب معزنی الهی علی  
 محمده مامور فرمودند در ورود آنها عالیجا معزنی  
 آقا جان خان سر قیاب اتفاق عالیجا مجتهد حاجی  
 جابر خان حاکم محمده سوار گشته باشد هزار و سیکه  
 ساحل شطراک قراول و مستحفظ لازم داشت همه رفاقت  
 و ضابطه نظام سرباز و قراول گذاشته یکصد نفر سرباز  
 زبده با یک نفر سلطان قابل تیراوی معین کردند  
 از فراری که نوشته اند سرباز مرز بسیار با نظم و سکو  
 دارا سستی میباشند و با مالی آنجا حسن سلوک و وفا  
 هستند ولی هوای آنجا زیاده که مانت و باین واسطه  
 بعضی از سرباز و توپچی مرخص میباشند و مقرب آنجا  
 آقا جان خان سر قیاب با بنایکان یکان رسبکی  
 بنماید و در معالجه و مداوای آنها بسیار اهتمام دارد  
 و نواب مستطاب چشم امده و در مستحفظی فرستاده  
 بودند که سرباز مرزور زیاده از سه ماه در آنجا ساخو  
 نباشند و بعد از انقضای مدت مامور نوشته بشوند  
 و همچنین توپچیان ساخو آنجا نیز نوشته اند که اغلب  
 مرخص میباشند و شش هفت نفر نیز تلف شده اند

و عالیجاه حاجی جابر خان در انجام خدمات دیوانه  
 نهایت اهتمام را معمول میدارد و نوکری که از بوج  
 و عرب بجهت حفظ و حراست جزایر گرفته است چون  
 اهل ولایت اند و بلدیت دارند بسیار خوب  
 بکار خدمت می آیند و از اینکه باب و هوای انولایت  
 عادت دارند کمتر مریض می شوند و در حفظ و حرا  
 نهایت اهتمام را دارند  
 بطام و خراسان ازین ولایات درین  
 هفته اخباری نبود  
 ختم از فراری که در روزنامه ختم نوشته اند  
 امور انولایت از اتهامات مقرب آنجا خان جابر  
 در نهایت انتظام است و از طلوع آفتاب الی  
 از شب گذشته همه روزه در دیوانه نشسته اند  
 مردم رسبکی بنماید و رعایا و برابرا اسود و خفا  
 بدعا کونی ذات آفس هالیون شاهنشاهی شغال  
 و کسی قدرت حرکت خلاف و شرارت نسبت دیگر  
 ندارد و اگر اچنانا سرقت و شرارتی اتفاق بنفید مقام  
 رفع آن برآمده احقاق حق بنماید از جمله شخصی از رعایا  
 حتم آمده مذکور داشت که سی تومان پول نقد در  
 بعل و شتم و دور رس قاطر نیز بار کرده بکاسبی  
 میرفتم نزدیک غروب بنماین قره فشد رقلو خاک  
 خلخال و لهر کین خاک ختم رضا قلی مام لهر کین و جدا  
 و اسبیل نام فشد رقلو بر خورده اول قاطر را راز  
 من گرفتند بعد از ان بنم را کاه و بده پول را در آورند  
 و قسم کرده نفری ده تومان برداشته قاطر را راز

۱۸۶۶

۵

کرده فستند مقرب انخاقان مشارالیه و ستاده  
 رضاقلی نام را حاضر کردند و بطور ملائمت از او تحقیق نمودند  
 خود باقرار آمد و معلوم شد که عرض عارض مقرون  
 بصدق است اول ده تومان را که او دریافت کرده  
 بود از او سزاوار صاحب بخواجه تسلیم و او را بتیمه  
 نمود و بعد از آن بیست تومان دیگر را که آن دو نفر  
 بودند از خود نقد در همان مجلس بصاحب بخواجه داده  
 گذارش را بجایجا مقرب انخاقان میرباشم خان  
 حاکم خنجال نوشت که بخواجهی سه نفر سرفت کرده و  
 ده تومان قیمت برداشته بودند ده تومان از یکی  
 که اصل حتمه بود گرفته و او را بتیمه بفرمودم و  
 دیگر را که حد او بردی و اسمعیل که از رعایای خنجال  
 قیمت برده اند از کلبه خود بصاحب بخواجه داده ام  
 سخن خود رسیده و بیست تومان حال طلب من است  
 میاید آن دو نفر سارق را در آنجا گرفته یار و  
 ناینگه بخواجه مسروقه از آنها سزا شده تمبیه بشوند  
 وجه بزور و آنجا از آنها باز یافت و ارسال و خود  
 در آنجا تمبیه کامل بشوند

و شکوه شده و سایر جایها نیز قریب با تمام است  
 دیگر نوشته اند که لعلی لطف الله خان شایسون از  
 دارالخلافه بآبهره وارد رنجان شده دور و در آنجا  
 توقف نمود و بجهت راه انداختن سوار دستهای  
 بیان ایل خود رفت  
 دیگر نوشته اند که مذکور داشتند که یکصد و پنجاه تومان  
 پول تاجیر را از کازرو انسرای حاجی برات برده اند  
 و شخصی بکوفتی دیده بود که دالان دارخان کاروانسرا  
 فضل در ب حجره آن تاجر را دست میزد درینوقت  
 که بخواجه مر بور از آنجا سرفت شد آن شخص  
 برونده داده کریبان دالان و از راکر فتنه دالان  
 هم فورا چاقوئی از جیب خود بیرون آورده بر شکم  
 زد و دریده ها نوقت جراح بشتر آورده مشغول معالجه  
 شدند ولی معلوم نیست که خوب بشود یا بمیرد  
 دیگر نوشته اند که استاده تقی نام شیلاگر لعلی در  
 دست داشت درست میکرد غافل از اینکه لعلی  
 کلوله پر است ناکاد بدرفت شاکر دشت روبرو  
 او نشسته بود کلوله از زیر بغل شاکر در شده  
 دو سه نفر دیگر هم روبروی دهن لعلی بودند  
 کلوله از آنها هم بخیر که شدند همه بیچیز  
 و آسبسی فرسید  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان چراغعلیخان  
 بماشهرین و سر بلوکان حتمه را احضار کرده و

۱۸۶۷

بجهت هر یک مباحی سفر و قرار می معین کرده و عند  
 نمود که ریاده از مالیات و فروعات دیوانی اگر  
 حبه و دیناری از رعایا دریافت بکنند مورد  
 مواخذه و جریمه و توبیه سخت باشند و البتّه  
 مالیات و فروعات حسابی ابوجهی هر یک را اگر  
 بستمعل و عمل خودشان روانه نمود و بکل رعایا  
 نیز این معنی را اعلام و خاطر نشان کرد که اگر احدی  
 از مباحین چیزی ریاده از بدی دیوانی از  
 یکی از رعایا مطالبه کند آن رعیت در آنجا هیچ نگوید  
 و آمده مراتب را بمقرب انخافان مشارالیه  
 دارد تا سرامی تعدی آن مباشر را بطور شایسته  
 در کنارش بگذارد و عموم رعایای آنجا ازین حمله  
 شاکر و امیدوار بدعا کونی دات اقدس بجای  
 شاهنشاهی رطب اللسان قرین شکر گذاری و  
 امتنان میباشند و بعد ازین قرار داد  
 از مباشرین خربت و یارای اینکه با صدی از  
 رعایا تعدی و زیادتی بکنند ارد و همگی با رعایا  
 بانهایت حساب و حسن سلوک رفتار می نمایند  
 خوانسار و کلپایگان و سمنان و  
 عراق و فارس و قزوین و قزوستان  
 و کرمان و کرمانشاهان و کردستان  
 و کرس و کیلان و مازندران  
 و ملایر و نهاوند و همدان این دیار  
 نیز درین صفت اخباری بود

۱۸۶۸

بسر  
 از فرار بکه در روزنامه نیرد نوشته اند مقرب انخافان  
 محمد یوسف خان مرتب در انتظام امور ولایت  
 حال رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال مراعات  
 و اهتمام را دارد و رعایا آسوده خاطر عیسی خود و  
 دعا کونی دات اقدس بجایون شاهنشاهی شتعال  
 دارند و عالجه امیرزاد شفیع پیشکار آنجا با مرعی سبقت  
 و معاملات آنجا رسیدگی کامل دارد و که خدایا  
 هر ملوک را خواسته موافق نتیجه مالیات دیوانی  
 آنها را مشخص و حواله نموده که خودشان آورده  
 در شهر موافق قسط تحویل نمایند که دیگر محصل بجهت  
 اخذ مالیات بملوکات نرود و باعث ازیت و  
 ضرر رعایا و دما قین شود تا رعایا از تکلفات محصل  
 امین و آسوده خاطر با مرعی خود پرورند  
 دیگر نوشته اند که عالجه امیرزاد کوچک خان  
 همه روزه فوج ابوجهی خود را در میدان مشق حاضر  
 کرده مشق میدهد و کمال مراقبت را در مشق و انتظام  
 امر آنها دارد و امالی و ولایت هم نهایت رضایت  
 از حسن سلوک و رفتار سر بازمربور دارند  
 دیگر نوشته اند که امور شهر و محلات در کمال نظم  
 و سرعت و شرافت بسیار که اتفاق می افتد و کمی  
 قدرت حرکت خلاف و تعدی نسبت به بگری ندارند  
 و انواع اجناس و ماکولات از چیزی نسبت به لهای دیگر  
 فراوان و ارزان است

روزنامه قایم انقائیت پنج پویم خشمه نوزدهم شهر جمادی الثانی سنه ۱۲۷۲

مزه جیت ونحو

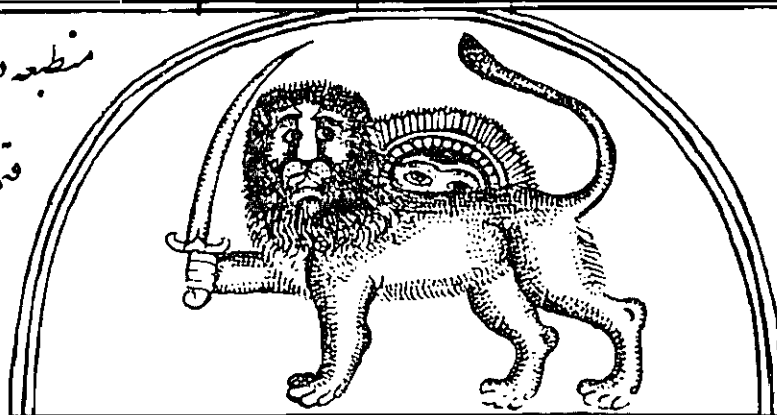
منطبه دار الخلفه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده بر

هر طریقه



اخبار دهنه ممالک روسه پادشاهی

ارووی هالیون

بموجب خبر اجمالی که از اردوی هالیون رسید  
فیروزی کوکب سرکار علیحضرت شانشاهی بنوردر  
سیلاق دماوند تشریف دارند و بر وجود مبارک بسیار  
خوش میکند و بجهت برودت و لطافت آب و هوای  
انجا که درین موسم مطلوب و مستحسن خاطر ملوک  
افتاده چندی در همان سیلاق دماوند تشریف  
خواهند داشت

در حق عالیجاه شاهی حمت گردید

نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا پسر نواب مستطاب  
حکمران فارس که احضار برکاب هالیون شده بود  
در این اوقات وارد اردوی هالیون و شرفیاب  
مبارک گردیده بجهت خدماتی که در بناد و کمریات صحای  
لارستان و غیره از او بطور رسیده بود مورد عنایت  
و نوازشات سرکار علیحضرت شانشاهی شده بکینوب  
جبه ترمه مخصوصی از مجلس خاص باو خلعت حمت  
گردید

چون عالیجاه میرزا حسین سرشته دار قود خانیجا  
در این اوقات که موکب هالیون از دار الخلفه  
حرکت سیلاقیات میوران و صفیات دماوند  
در انظام قورخانه و تمام نمودن حاصل کار کمال  
و مواظت را بعل آورده و در شب عید اضحی هم  
بسیار خوب تهیه نموده و در دماوند بحضور مبارک  
فرستاده و مستحسن و مول خاطر ملوک افتاد لهذا  
مخض عنایت در این اوقات یک ثوب جبه ترمه برسم  
خلعت

عالیجاهان میرزا صادق شکر نویس آذربایجان و  
شرف توپخانه آذربایجان که جبه تفریح حساب  
توپچیان آذربایجان احضار برکاب هالیون شده بود  
چول از عمده خدمات محوله بخود بخوبی و راست قلمی برآ  
بودند لهذا انکام مرخصی از رکاب مبارک بدینجهت خلعت  
اندر حمت گردید

عالیجاه میرزا صادق شاک ترمه طاقه  
عالیجاه میرزا احمد شاک کنگنه طاقه

۱۸۶۹

### اردوی نیاوران

در روز چهارشنبه مجیدم این ماه که روز عید غدیر بود  
نواب مستطاب هزاره والا تبار اردشیر میرزا حکمران  
دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه  
و سایر پیکران متوقف طهران و از سران نظام  
فرجام عمده الامراء العظام محمدخان امیرنومان و سایر  
میران پنجه و صاحب منصبان نظام و چاکران متوقف  
اردوی نیاوران از شاهزادگان عظام و ارباب علم  
و خوانین کلا بچادر پوش کشیکخانه نیاوران که سر  
مقرب الخاقان محمد ابراهیم خان است حاضرند  
از آنجا بسلام نواب مستطاب هزاره اعظم خمسم  
و بعد دولت جاویدت علیه فرستند مجلس سلاطین  
باشکوه و آراستگی تمام منعقد گردیده اجرائی  
بقرار معمول عیاد بعمل آمد و ادای خطبه بلع بنام جناب  
ولایت اب میرنومان و اختتام بدعای وجود  
قائمه بحد آفدس و از دیاد دولت و شوکت ابد  
اقران شده نواب معظم الیه بهدیک از اهل اسلام  
و اخویشان در تبت التفات فرموده پس از صرف  
شربت شیرینی مجلس سلام منقضی گردید و در  
روز پنجم اتحاده دولتین علیتین اسلام جناب مجید  
شاهزاده فرزند دولت علیه عثمانی با اتفاق عالیجه  
مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان  
نایب وزارت امور خارجه در همان چادر کشیکخانه  
حاضر شده بعد از صرف شربت شیرینی با اتفاق  
شرفیاب حضور نواب معظم الیه گردیده لوازم تهنیت

بعل آورده از جانب نواب معظم الیه کمال التفات  
بارد جناب شاهزاده فرزند دولت افتاده با نهایت  
مسرت بمنزل سفارت معاودت نمود  
در روز جمعه سیزدهم ذیحجه الحرام که روز عید مولود  
اعلی حضرت امیراطورد دولت فخریمه فرزند بود از جانب  
نواب مستطاب هزاره اعظم و بعد دولت خادم  
دست علیه چند خوانچه شیرینی بمنزل جناب جلالت  
الهی مختار دولت فخریمه فرستاد اسان شد و لوازم  
تهنیت و مبارکباد عید فرورد و مراسم مصافحت  
و مباحثی مواحدت دولتین را بطور شایسته بعمل  
آوردند

اردوی نیاوران از حسن مراقبت و موافقت مقرب الخاقان  
محمد ابراهیم خان سرب نظام کامل دارد و امور  
قراول واردی و مستحفظ و قراوران در همه جا  
منظم و مضبوط است و در نامی تهنیت انیت  
و انتظام حاصل و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد  
و مقرب الخاقان مشارالیه خود شیهارا تا نزد  
صبح در گردش است و تفریوهای دوره سرکشی  
کرده وقت تمام در امر کشیک و حفظ حرمت اردوی  
نیاوران دارد

### دارالخلافه طهران

نهایت انیت و انتظام در دارالخلافه مبارکها  
و نواب مستطاب هزاره والا تبار اردشیر میرزا  
و مقرب الخاقان میرزا موسی مراقبت و موافقت تمام  
در انتظام و اتفاق امور دارند و عالیجهان محمودخان

کلا نتر که خدایان حسب الحکم هر یک در سر کار و خدمت  
 خود مواظب و در حفظ شهر و محلات اهتمام زیاد دارند  
 و سرعت و شجاعت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر  
 بذرت سرعت و شجاعتی در شهر با خارج شهر  
 اتفاق بیفتد اموال مسروقه پیدا شده بصاحبش  
 تسلیم و دزد و شریر حسب الحکم نوابش هزاره تپه و  
 سیاست میشود امور نظام متوقف در آنجا و مابقی  
 از قراول دوره عمارت مبارکه ارک و قراولخانهها  
 شهر از اجتام عمده الامراء العظام محمد خان امیر توپان  
 با نهایت نظم است و بعموم امور نظامی دقت و  
 رسیدگی کامل دارد و سایر صاحب منصبان نظام  
 در نظم احاد و افراد ابو ایچمی خود از توپچی و سرباز  
 دقت و اهتمام دارند و از احدی از اهل نظام خلاف  
 قاعده ناشی و ضا در نمی شود  
 در روز چهارشنبه اگر روز عید غدیر بود بقانون  
 اعیان دیگر در دارالخلافه طهران اجرای شیک و پست  
 و نواختن نقاره خانه بعل آمد عمده الامراء العظام  
 محمد خان امیر توپان و سایر میرنجه صاحب منصبان  
 نظام و مقرب انجان میرزا موسی وزیر دارالخلافه  
 طهران و سایر چاکران دیوانی متوقف در آنجا  
 خدمت نواب مستطابش هزاره مخم و الالباب  
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران آمد شرفیاب  
 شدند و صرف شربت و شیرینی نموده تنبیه عید  
 سعید را بعل آورده از آنجا بالاتفاق چنانچه پیشتر  
 مابردوی نیادران بسلام نواب مستطابش هزاره تپه

و بعد دولت علیه فرستند  
 و هم چنین در روز جمعه سیزدهم دی ماه محرم که روز  
 عید مولود اعلیحضرت امیر اطرد دولت فخمیه فرستادند  
 بود از جانب نواب مستطابش هزاره تپه  
 اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه نیز چند خواججه  
 شیرینی بتزل جناب جلالت آاب وزیر مختار  
 دولت فخمیه فرستاده فرستاده شده و مقرب انجان  
 میرزا موسی وزیر دارالخلافه مبارکه بدین سبب  
 دولت مزبور فرستاده اسم تنبیه و مبارکباد  
 عید مولود را بعل آورد  
 سه نفر دزد در راهش هزاره عبد العظیم یک نفر  
 شیرازی را برهنه کرد شش تومان پول از بطن  
 او در آورده بودند مراتب لعرض نوابش هزاره  
 رسیدند فرستادند هر سه نفر را گرفته بحضور  
 آوردند و وجه مزبور در همان حضور از آنها مسترد  
 و بصاحبش تسلیم و دزدان حسب الله سیاست شدند  
 و مهار کرده در بازار گذاشتند. اخراج بطن نمودند  
 سایر ولایات  
 اذربایجان و استرآباد و اردبیل  
 و اصفهان و تبریز و بطنام  
 و خراسان و منته و خراسان  
 و گلستان و سمنان و عراق  
 سلطان آباد درین مهفت ازین  
 ولایات اخباری رسید

۱۸۷۱

فارس

از قرار یک در روز نامه بند را بوشهر نوشته اند  
 امور نولایت کمال انتظام را دارد و عالیجه مجتهد  
 در ریاسی و حاکم ابوشهر در نظم ولایت و رفاه حال  
 تجار و کسبه و رعیت و عسوم مالی آنجا از عالی  
 و ادانی نهایت مراقبت و اهتمام را بعمل می آورد و  
 آنجا از حسن سلوک و معتدلیت عالیجه پشایر را  
 رضامندی تمام دارند و آسوده خاطر کار و کسب  
 و دعا کوی ذات اقدس بها یون شایسته می شوند  
 و نظام نصرت فرجام متوقف آنجا در سر مشق و ضابط  
 محو لاجو در مراقبت و مواظبت کامل دارند و با مالی  
 بحسن سلوک رفتار می نمایند ولی نوشته اند که اسباب  
 هوای آنجا که متراب لهای دیگر است و باین سبب  
 اغلب اهل نظام مریض میباشند  
 دیگر نوشته اند که از ما نزده بدنه لب دریا که حسب  
 حکم اولیای دولت علیه مقرر شده بود ختم  
 هشت بدنه آن تا این اوقات با کمال استحکام با تمام  
 و بدنه نهم و دهم نیز در دست است که بدنه نهم جهان  
 در دست و قریب با تمام است و بدنه دهم را یکبار  
 از شالیده چیده بالا آورده اند که تا اوایل ماه  
 تمام خواهد شد بعد از آن تمام بدنه نهم و دهم بحکم  
 اولیای دولت قاهره در جای باستانی که عالیجه  
 عبدالمدخان ساخته بود و حالا خراب است با  
 جدید ساخته می شود و بعد از آن تمام باستانی  
 پنج بدنه دیگر خواهد بود

۱۸۷۷

دیگر نوشته اند که عالیجه مجتهد مسراه دریا یکی  
 حکم کرده که یکصد باب الحاق کبری از چوب و بوبر با  
 بنظام در آوردی عالیجه مجتهد علی بن سرتیب که در  
 خارج شهر است نسبت برج سجری از برای مسرابازان  
 فوج قزاقه داعی ابوالنجمن عالیجه پشایر را  
 و شروع بختن آنها نمودند قرار شد که روزی  
 ده و دوازده باب بزند که مسرابازان در آنها  
 زینت نمودند و نیز قرار داد که فقرا و غریبان که در شهر  
 خانه کبری دارند خانهای خود را کنده و برده و خارج  
 شهر که تخمینا پانصد قدم از بلده دور و در کناره دریا  
 سمت جنوب چهار برج واقع است بزنند که اهل شهر  
 از تسویش سوختن خانهای مزبور این باشند و اشخاص  
 مزبور در کارند خانهای خود را بیرون برده و میزنند  
 و منظور عالیجه پشایر این است که سواي آنها  
 نیز اشخاصی که خانهای کبری در شهر دارند اگر در رود  
 دارند خانه از سنگ گچ و گل بسازند و خانهای  
 کبری را موقوف بدارند و اگر مقدورشان نباشد  
 آنها نیز خانهای کبری خود را از سنگ کنده بهمان  
 مکان خارج شهر برده بزنند و در آنجا سکتی نمایند  
 روزها را بشهر آمده مشغول کسب و حرفه خود باشند  
 و شبها سنجانهای خود بردند که خانه کبری در شهر  
 مطلقا نباشد چون اغلب اوقات این خانهای  
 کبری تشریف میگرد و گذشته از آن باعث گشتن شهر  
 نیز میشود باین جهت سنجان موقوف نماید



### استرآباد

موجب اخباری که بتاریخ البوم از استرآباد رسیده  
 نهایت اهمیت در اولویت حاصل است خصوصاً  
 از وقتی که مقرب الخاقان جعفر قلینان ایلمحانی حکم  
 ثانی با ترکمانان که کرده و آنها را شکست فاحش  
 داد که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شد  
 طوق و شوارع آنجا بطوری امن شده است که  
 از ارض اقدس الی استرآباد یک نفره و دو نفر  
 بی وشت و دشت در کمال اطمینان و خاطر جمعی  
 و مرورینمایند و صحرای شاهرود که غالباً محل  
 و تاخت و تاز ترکمانان مزبور بود این اوقات  
 چنان امن شده است که اطفال و زنان شاهرود  
 و بطام آسوده خاطر بچیدن سنگس میروند  
 با بچه رعایا و بریایا و زوار و عابرین از جهت  
 طوق کمال مسرت و شکرگزاری دارند  
 دیگر نوشته اند که عالیجاه امیرکوند خان را که مقرب الخاقان  
 جعفر قلینان ایلمحانی بدار و علی طایفه میوت مشخص کرده  
 و ستاده بود مشرانیه نظم کالی در میان ایل  
 مزبور داده است بطوریکه کسی از آنها قدرت حرکت  
 خلاف ندارد و همگی در کمال خدمتگذاری در مقام  
 اطاعت و انقیاد میباشند از جمله ترکمانی صوفی نام  
 که واجب الحرمه میوت میباشد و نزد عالیجاه میرکوند  
 مذکور داشته بود که ترکمانان میوت مانند کوهکلا  
 هستند که هر چه بگویند تمکین نمایند عالیجاه را حکم  
 کرده بود که دست و پای او را بسته باب کرکان

بمیدارند بعد از آنکه جمعی مرد و زن بشفاعت برخواستند  
 بودند از آب انداختن او گذشته و حکم کرده بود  
 که از منزل خود بیرون نیاید چند روز نیز خائبن  
 بوده است که مطلقاً قدرت بیرون آمدن نداشته  
 تا آخر الامر رش سفیدان میوت پیشکش آورده و  
 شفاعت کشوند عالیجاه مشرانیه شفاعت آنها  
 قبول و اورا علق داده بود

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان وزیر  
 استرآباد در انتظام امور ولایت و انجام خدمات  
 دیوانی نهایت مراقبت و مواظبت را بعمل میآورد  
 و اهل ولایت از حسن سلوک و رفتار مشرانیه نهایت  
 رضامندیرا دارند و در اتمام و انجام سبب قرضات  
 و توپخانه آنجا لازم سعی و استقامت را معمول داشته  
 آنچه لازم بود از خود سخاوت داده با تمام رسانند و  
 با بعضی نقص و ناتمامی در سبب قرضخانه و توپخانه  
 استرآباد میت و بجاصل کار و مقوض سخاوت آنها  
 بوقت رسیدگی نموده ثبت آنها را برداشته که  
 بنزد اولیای دولت عنیه روانه نماید

دیگر نوشته اند که امسال هوای استرآباد بسیار  
 گرم شده است که پیران معتبر بخاطرند از آنکه  
 هیچ سالی باین گرمی نشده باشد چون امسال  
 بارندگی چنانکه بایست بشود در استرآباد نشانی  
 فتوای ورود و خاندانها شکست و از بعضی هم که آب  
 می آید بقدر نصف آنها سابق آب جاریست باین  
 امسال شالی کمتر از سابقهای دیگر است

۱۸۷۳

اجبار دول خارجه

چون چند هفته بود که مترجم اجبار دول خارجه  
بود و روزنامه های خارجه نیز که میرسد اجبار  
مناسب این روزنامه داشت لهذا درین چند  
از دول خارجه چیزی نوشته نمی شد

از قراریکه در روزنامه اجبار دول خارجه که درین  
هفته رسیده نوشته بودند که در شهر عمارت همه  
کلاب سینک شش گرفته جوهرات بسیار و اهل  
قیمتی و دیگر اسباب که آنجا سوخته و تافت شده  
و نشت نماید همه راجه بزور رسیده درین با  
حکم نموده است که از رعایا و جاگران و جوی فرج  
استطاعت هر یک بگیرند که تلافی این ضرر شود  
زمین داران نفری یک روپیه و از مبرداران نفری  
پنج روپیه و از نوکران پنج ماهیانه هر کدام  
گرفته شود و باین حساب تقریباً پنجاه لاکت روپیه  
عاید همه راجه میشود

دیگر نوشته اند که چون بنای ناقص راه آهن و  
براه انداختن کالک که بخار و در راه های بمبائی  
شهرهای هندوستان شد عوام الناس انجبار  
اعتقاد این بود که کالک بخار در ولایت رواج  
نخواهد گرفت مگر اینکه جمعی از اوسیان را در راه خدا  
قربانی نمایند و ازین واهمه بسیار خائف شده بود  
چنانکه اطفال و شاگردان را که بکت می رفتند پدر و مادر  
از رفتن بکت منع میکردند که مبادا آنها را از دیده  
سجده راه افکندن کالک بخار و در راه خدا قربانی کنند

چند ماه قبل این توهمات در پونه شده بود درین وقت  
در کامپولی که در پانین کتل موسوم بود واقع است  
و در اطراف آن بهین ترس و واهمه در میان مردم  
انجا بهم رسیده از مباشترین کالک بخار شدت  
محموز و گریزانند و بهین سبب انواع خبرهای بی با  
و دروغ محض در میان مردم شیوع یافته هرگاه  
طفلی یا مردی غایب شود و سبب غیبت معلوم  
نماید میکشند که او را گرفته برای قربانی کالک  
بخار برده اند و باین سبب عمده در آنجا برای کالک  
کردن در راه آهن بدست نمی آید

دیگر نوشته اند که درین اوقات شروع تردد کالک  
بخار از کلیانی تا کمپولی شده و مال و آدم حمل می نمایند  
روزی دو مرتبه از بمبائی تا کمپولی و از کمپولی تا بمبائی  
تردد می کند و دفعه اول هنگام صبح ساعت شش از بمبائی  
و ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه از تنانه و ساعت ده از کلیانی  
و ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه از نزل روانه و ساعت ۱۲ و ۱۵ دقیقه  
وارد کمپولی میشود و ساعت ۴ و ۵ دقیقه از نزل روانه  
و ساعت ۷ و ۱۵ دقیقه از کلیانی و ساعت ۱۰ و ۱۵ دقیقه از تنانه  
روان و ساعت ۱۳ و ۱۵ دقیقه وارد بمبائی میشود و دفعه دوم  
ساعت ۱۵ از بمبائی و ساعت ۱۸ و ۱۵ دقیقه از تنانه و ساعت ۲۰ و ۱۵ دقیقه  
کلیانی و ساعت ۲۳ و ۱۵ دقیقه از نزل روانه و ساعت ۲۶ و ۱۵ دقیقه  
وارد کمپولی میشود و ساعت ۲۹ و ۱۵ دقیقه از نزل  
و ساعت ۳۲ و ۱۵ دقیقه از کلیانی و ساعت ۳۵ و ۱۵ دقیقه  
از تنانه روانه و ساعت شش و نیم وارد بمبائی  
میشود

۱۸۷۴

روزنامه قایم القایات پنج شنبه بیستم شهریور سنه ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خطی بر



نزد حیرت و نفوذ یک

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شمر

### اجبار و اخذ مالک محرومش پادشاهی

#### ار دومی بیا یون

چون عالیجاه اصلان خان خرقانی مایور اول  
 تو پنجاه مبارکه سالهای سال است که در پنجاه  
 بصداقت خدمت کرده و در اسفار خراسان  
 و هرات و بندرات مراتب جلالت و شاد  
 خود را بطور رسانده و در همه اسفار زخم  
 کلوله برداشته بود و عسوم سرگرد کان  
 که در خراسان و هرات و بندرات مرتبه  
 بودند مراتب رشادت و شجاعت او را سوار  
 خدمت اولیای دولت علیه عرض کرده بودند  
 در این اوقات بموجب فرمان مهرلعان مبارک  
 بمنصب جلیل سرمنکی تو پنجاه مبارکه مقرر  
 گردیده و در از منصب مقرر یک طاقه شال  
 ترمه از صندوقخانه مبارکه در حق او خلعت  
 مرحمت گردید

موکب سیر دزی کوکب اعلیحضرت آقا سید  
 شاه شاهی که در بیلاق دماوند تشریف داشتند  
 در روز پنجشنبه نوزدهم و بیستم شهریور سنه  
 فرموده روز دیگر بمنزل کند تشریف فرما گردیدند  
 در آنجا توقف دارند و هنوز حرکت از آنجا معلوم  
 نیست کی بشود در توقف بیلاق دماوند بسیار  
 بر وجود مبارک اعلیحضرت شاه شاهی و جناب  
 امجد اشرف ارفع صدر اعظم و سایر خواص  
 و مقررین رکاب نصرت انتاب خوش گذشتند  
 و سجد الله کسی ناخوش شده است و از منزل  
 گذر جناب امجد ارفع صدر اعظم اذن مرحضی چند  
 روزه حاصل نموده اند که بقریه آنچه متعلقه بخود  
 رفت با مقرر آنجا رسیدگی کرده معاودت  
 بر رکاب نصرت انتاب نمایند

۱۸۷۵

<p>بسیار کم می شود و اگر بندرت دزدی در اردوی  نیاوران یا خارج آنجا اتفاق بیفتد چون فراول  و قراسوران در همه جای شمیران است دزد  بدست آمده اموال مسروقه مسترد و حبس  میشود از جمله ارباب اسم اتشی نام در شهر خانه حاجی  رحیم صراف را بریده بقدر دوست تو مان زحمت  زمانه و اسباب دیگر دزدیده بشیران برده بود  و در قصر محمدیه که خاقان غلده ایشان مبرور ساخته  پنهان کرده خودش با سه آباد متعلق مقرب انخاقان  معیر الممالک که در نزدیکی قصر مزبور است فرستاده  مستخطن خبر داشته و مقرب انخاقان محمد امیر است  اجبار کردند فرستاده مشارالیه را از اسد آباد  گرفته آوردند و نشانی اموال مسروقه را در آنجا  قصر مزبور که پنهان کرده بودند داده رفتند پس  آوردند و صاحب مال را از شهر فرستاده بار  نیاوران برده اموال مسروقه را بعینها تمام و  کمال تسلیم او نموده قبض رسیدگی گرفت و او را  محبوس کرده مراتب را با منای دولت علیه عرض  داشتند تا بدایحه حکم صادر شود معمول دارد و دزد  مزبور رفقای دیگر نیز داشته نشانی آنها را نیز  داده و مقرب انخاقان مشارالیه آدم کاشته است  بلکه آنها را نیز در دات شمیران بدست می آورند  با بجهت احسن مراقبت و وقت مشارالیه که خود  شهر را با اغلب فراول و مستخطن سرکشی می نماید  اردوی نیاوران و کامی دات شمیران در نهایت اتمت</p>	<p>بوجب خبر محمد که از اردوی جاپون رسید موب  فیروز می گوید اعلیحضرت شایسته که ازین وقت  و ماوند حرکت فرموده بمنزل کت آمده بودند از آنجا  نیز یکروز بجهت شکار و تفریح به سیاق آمده تشریف فرما  گردیده و معاودت بمنزل مزبور فرمودند و در روز  پنجشنبه بینه و ششم بقریه آنچه متعلق بجناب امجد  اشرف ارفع صدر عظم که بحساب و هوا و  صفا امتیاز تمام دارد تشریف فرما گردیده لوازم  قربانی و پاندا از و میکش از جانب جناب معظم  و متعلقان ایشان بعل آمده ذمه عاشور را در قریه  مزبور توقف خواهند فرمود تعزیه خوان و اسباب  تکیه بستن حسب الامر از دارالخلافه طهران با آنجا  که بموازیم تعزیه داری جناب ابا عبد الله الحسین علیهما  السلام بپردازند و درین ذمه عاشور کما در این بون جناب معظم  اردوی نیاوران بقرار یک از آنجا نوشته بود  در کمال نظم است سرکارات نواب مستظاف  شاهزاده عظم و الایثار و لعیهد دولت جاید  مدت علیه و خادمان سرادق جلالت بجهت  همه در نهایت صحت و خوش وقتی میباشند و  چاکران و دربار جاپون متوقف اردوی نیاوران  از خوانین و ارباب قسم و غیره هر یک در مقام  خدمت محوله بجز مراقب و مواظب هستند امور  فراول واردی و مستخطن و قراسوران از آنها  مراقبت مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان پسر  عظم و منصب و است و سرقت و سرارت</p>
---	--

۱۸۷۶

دارا اختلاف طهران

سجده کمال انتظام و امانت در دارا اختلاف میباشد که حاصل و هرگونه نعمتی نهایت و فوروارزانی دارد و هوای دارا اختلاف در این اوقات در عین اعتدال و خوبیت و از وقتی که صولت کرمانشکته و حرارت تسکین یافته است در ناخوشی مشهور و با هم تخفیف کلی حاصل شده و امید هست که انشاء الله عما قریب بجای رفع بشود و در این اوقات که دهمه عاشورا نزدیک است مردم در تکیا یا شوش تدارک اسباب تغذیه داری جناب سید شهنا علیہ الاف التحیة و لیشنا پیما شدند و علاوه بر این در محله اگر گذرگاه مبرک گذارشته مردم جمع شده دو ساعت ذکر مصیبت جناب سید الشهدا نمودند بر اسم تغذیه داری و دعا کونی ذات اقدس عالیون سرکار علی حضرت شایسته می بردارند و از اینکه هوا با عدال آمده و در دهمه عاشورا که اجتماع مردم در تکیا می شود از مشقت کرمانشکته کمال خوشوقتی را دارند

در شب بخت و سیم شش ساعت از شب گذشته صدای صاعقه مانند او از توبان هوا مسموع گردید و زیاد در آن چیزی معادوم نشد

از سایر محالک بخورد سیه چکدام درین بنفست اغیار نرسیده مگر از استرا با قدری اجبار بود که در

ظهران صوفی مسطور مسکرو د

چون دولت فرنگستان روز بروز در تسهیل امور و رفاه

حال عامه خلق صرف همت ینمانند در سمت جنوبی جزایر صحرائی کبیر که آنهم مانند صحرائی قبیاق و تانارستان وسیع العنصات از سکنه اطراف و لواحق که قافله بصحرای مزبور عبور و مرور ینمانند سجه کی آب سحری و صوبیت و در بعضی جاها تانار روز زوده روز قسطی نمینند آب نمیرسند و من القدم هر وقت قافله از آن صحرا عبور کرده است آدم و شتر بسیار بهلاکت رسیدند در این اوقات محض عن خیر و ثواب از جانب دولت فرانسه امورین مخصوص با آلات بر قوماند که در وقت متداول است و آرتزین ینمانند در صحرائی مزبور کجور حیا مبادرت نموده اند بقدر صد و شانزده قلاج که خور کردند آب گرمی مانند قوراجستن کرده بالا آمد و سحر کرده بودند که در دقیقه واحده سی هزار اوقیه که تخمها و دوازده هزار من آب باشد از چاه مزبور جستن کردند بزین جاری شده است و در همه منازل در آن صحرائی مزبور ازین چاهها با آلات آرتزین خورده اند که قواخل و عابرسپیل از آب سنگدستی و تشکی کشند فی الحقیقه این کار عمده و ثواب بزرگیت که در چنان صحرائی خشک بی آب که عینه اغلب قواخل و سیاح از تشکی بهلاکت میرسند و آنها هم که تلف نمیشدند مشقت و صعوبت تمام جان بر میدارند حال اینطور آب جاری شده و بعد از آن با آسانی و آسودگی از آنجا عبور و مرور می شود و ازین مرصده هم قافله در رفاه است و هم سکنه آن صحرا و لواحق منتفع میشوند

۱۸۷۷

### استرآباد

از فراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند  
سه نفر از انالی کارکنده که دو نفر آنها با هم بر  
بودند تفنگی برداشته بسزراعت رفتند  
در مراجعت برادرکو چکمه تفنگ را در دست داشت  
و در جلو بود مرغی دیده تفنگ را سردت کشیده  
بقر اول رفت که مرغ را بزند مرغ پرواز کرده  
اشیانه خود رفت تفنگ را بطرف اشیانه که  
دو نفرم از آن طرف می آمدند کشیده او از دور  
که خود را کنا بکشید تفنگ خالی می گنم آنها بخاطر  
در سید که مراح میکند اعتنا نکردند تا گاه تفنگ خالی  
شده برادر بزرگتر که پیش بود فوراً بفرسای چمبا  
کاری پلاک شد رخنه دانه ساچمه سم بان  
دیگر که عقب تر بود گرفته او نیز فریب موت است

دیگر نوشته اند که شیرمحمد نام قزاق تبرستان  
سابق پاره سباب از میرزا صادق محمدریبا  
سابق تحویل گرفته بود که در ساری بنجانه او برین  
و نرسانده بود در این اوقات مراتب بنوایب  
شاهزاده لطف الله میرزا حکمران مازندران  
محصل گماشتند که اسباب فرور را حکما تمام و  
از شیرمحمد فرور بدون کسر و نقصان گرفته بجا

میرزا صادق بدیند

دیگر نوشته اند که عالیجا حاجی رضای ساور  
بانو کر ابو ایچمی خود در بندر نیر متوقف اند و در تمام

خدمات محمول بخود کمال است تمام را بعل می آورد

دیگر نوشته اند که در سر پالیز شخصی در ستر  
خوابیده بود و یک نفر کو داری پالیز بان در  
پایین کشیک پالیز را می کشید شخصی که بالای تالار  
خوابیده بود شب بقبض حاجت پانین آمد گودا  
پالیز بان سیاهی او را دیده کمان کرد که گرازیست  
تفنگی نسبت او خالی کرده آن شخص فوراً پلاک شد

دیگر نوشته اند که میرزا ابابای سر کرده بلوچ سابقا  
داروفه استرآباد بود عالیجا میرزا اسمعیل خان  
پیکار استرآباد در سیکه فهمیده بود که مشا را ایلیا  
دزداد دستیار و در عمل سرفت شریک سارقین  
میاستد او را از دار و علی مغزول و آن شغل را دیگر  
محول کرده بود درین اوقات خانه گربنای آقاها

نام را بریده بودند مراتب را عالیجا میرزا اسمعیل  
اطهار داشته در مقام تفحص برآمده و در جزوه  
ادعهای خود سپرده بود که کمان من درین سرفت  
میرزا ابابادار و غنه سابق میرود جو یا باشید  
بر که از اموال مسروقه در نزد او بروز نماید آنها نیز  
در جزوه مراقب بودند تا بعد از چند روز پارچه از  
اسباب مسروقه در نزد او دیده او را گرفته نزد عالیجا  
میرزا اسمعیل خان آوردند اسباب مسروقه را

تمام دکمال از او دریافت کرده بصاحب مال  
تسليم نمود

۱۸۷۸

ناخوشی و با که چند سال است در ایران و بعضی  
ولایات روی زمین ظهور و بروز دارد و امسال در باره  
مالک و محروسه ایران و در دوازده ایالت طهران در  
هر جا که بروز کرد و بجهت آن چندین سالگی  
سابق نداشت درین باب اطباء فرنگستان  
و غیره دقتهای زیاد کرده اند حتی اطباء فرنگستان  
تشریح نموده اند بحسب اختلاف امرجه معاینه سلی برادر  
بلکه معاینات مختلف کرده اند بعضی مفید افتاده و بعضی  
مفید نیافته است و مسری بودن آنهم معلوم نیست و  
انقدر معلوم شده است که قوه و اهمه درین باب  
بسیار دخیل است و اغلب از واهمه فوت می شوند  
چنانچه در روزنامه های خارج نوشته بودند که  
وینست پای تخت دولت استریه شخصی مقصر را که  
بایت سیاست نمایند بجهت امتحان ناخوشی و با  
که آیا واهمه در او مدخلیت دارد یا نه خت خوابی  
که ناخوشش و بائی اصد و او خوابیده بودند  
کرده آن شخص را با آنجا برده گفتند که شخصی ناخوشی  
و با گرفته و درین خت خواب خوابیده بود و ساعت  
قبل ازین فوت شد تو حالا باید درین خت خواب  
سجایی ما کرد و با گرفتگی و مردی عوض سیاست تو  
و اگر نزدی از قتل تومی گذریم مثل رالیه در خت خواب  
مر بوز خوابیده فوراً و با گرفت بعد او را معاینه کردند  
و خوشه و از قتل او گذشته مدتی بجهت این  
کردند ازین فقره معلوم شد که قوه واهمه بسیار  
این ناخوشی مدخلیت دارد و مسری می باشد غریب تر از

این در مصر شخصی در اوقات و با فی در خواب دیده  
بود که یازده جنازه از خانه او بیرون خواهد رفت  
صبح خواب را بعبال خود تعریف کرد و سبوت ده نفر  
عبال اطفال او که در خانه او بودند مردند و تعیین کرد  
که با ذره می خود او خواهد بود شبانه با این نعمت  
که خواهد مرد میان رخت خواب رفت از کتبی  
که از قضیه خواب او خبر داشتند نفر در میان  
سفید در کلهای دیگر طمس شده خود را شبیه قاضی  
ارواح و دیگرین ساخته بخانه او درآمدند و با واران  
میب و خت اینک از او زداند که حاضر باش بخت  
است آمده ایم جانم را بگیریم بچاره خوف زیاد  
کرده از شدت واهمه هوس کردید در دزدان  
نیز اسبابی سرقت کرده آن شخص صبح هوش آمد  
از خانه پا بردن گذاشت یکی از آن در دزدان را که  
سفید پوش بود در جلو در مرده دید قدری بحال  
آمده عهش بر سرش آمده فهمید که آن سه نفر در دزدان  
بوده و اینکه یکی از آنها در اینجا مرده عدد یازده جنازه  
با تمام رسیده و این طبعیه از او رفع شده است  
خیالش قوت گرفت و ناخوشش شده سالم ماند  
و از تفرار معلوم کردید که آن ده نفر که قبل از آن  
فوت شده بودند از قوه خیال و واهمه واهمه  
خواب آمد بوده است که آن بچارگان را بخت  
و خوف انداخت همه مردند و خودش سلامت  
جان مدبر مرد

۱۸۷۹

اخبار دول خارج

فرانس از قراریکه در روزنامه فرانس  
 نوشته اند ولید علی حضرت امیر اطوری فرانس  
 که بنام پیمان سیم موسوم است در شکام طوب  
 اگر جالس تخت امیر اطوری بشود شرایط وکالت  
 او را با بنظر قرار داده اند که مشارالیه تا آن  
 بیجهه لکن نگردد بشخصه مباشر حکمرانی نمی شود بلکه  
 والده او اگر در حیات باشد وکالت مطلقه  
 و حکمرانی بعد از مشارالیه است و در حالتی که  
 والده او نیز در حیات نباشد از خانواده امیر  
 مشارالیه هر کس که تقدیم بر سایرین داشته باشد  
 وکالت امیر اطوری با و منقوض خواهد بود و در حال  
 حیات اعلیحضرت امیر اطوری بولید مشارالیه  
 نصب و تعیین وکیل مخصوص قابل درکار است  
 ولید مشارالیه در صورتیکه از پدر و مادر و  
 متعلقانش کسی یافت نشود بقراریکه مستأجری  
 می گنند معرفت اصل زادگان مجلس دولتی  
 اراده و نویسد یا اتفاق همه یک وکیل مطلق  
 نصب خواهد شد و تربیت ولید مشارالیه  
 در عهد والده محترم اوست و از طرف غیر بیرون  
 وقت مادام حیات والده اش با جرای بر  
 و تعلیم او کسی داخل نخواهد شد  
 دیگر نوشته اند که در دولت فرانس پول  
 که در زمان سلطنت لوی فیلیپ و زمان جمهوری  
 بود در این ایام اعلیحضرت امیر اطوری و اولاد

۱۸۸۰

تبدیل نموده بنام ولید نام پیمان سیم حکم کرده است  
 مسکه جدید بر بند  
 دیگر نوشته اند در این اوقات که مشون فرانس  
 تغییر و تبدیل دادند نمود و پنجاه و یکس از نظام  
 داخل مشون ردیف که با اصطلاح فرانس مستحفظ  
 و ساخود لایات اند نموده و مرخصی دادند که با  
 و اولاد خود بروند  
 دیگر نوشته اند که چند وقت پیش این سجنه مار  
 زیاده در فرانس زرخ ماکولات ترقی کرده و پنجاه  
 آذوقه از اسلامبول بان طرفها در اسلامبول  
 زرخ غله و سایر ماکولات بالارفته بود ولی چون از  
 بنا ورو ولایات دولت روستیه باز بقرار سابق  
 اذن گرفتن آذوقه واجناس حاصل شده است  
 کجا ن دادند که باز زرخ ماکولات در فرانس و  
 اسلامبول تنزل کرده بقرار اول  
 دیگر نوشته اند که در فرانس بجایانی که از آب  
 خرابی رسیده بود اعلیحضرت امیر اطوری نام پیمان ده  
 میان فرانسه سابقا عطا کرده بود در این اوقات  
 نیز مجدداً داده میان دیگر اعطا کرده است و این  
 کمال تقصد رعیت داری است که از اعلیحضرت امیر  
 بطور رسیده است و ضرری که از کثرت بارندگی  
 وقوع یافت با شخاصی که ضرر رسیده است  
 قوسیون مخصوصی که ترتیب داده اند تحمیل  
 هزار میان فرانسه بحال آورده اند  
 و همچنین سجنه تدارک ضرر بارندگی فرانس را زد دل



متحابه نیز باشا صکیه مضطرب احوال شده آ  
اقدام بدادن و جدا عانه کرده از جمله از مالک  
دولت روسیه نیز می نویسند که درین باب  
و جوی معین کرده و جمع می کنند

### انگلیس

از فرار یک در روزنامه انگلیس نوشته اند از  
مملکت کاناده که در سمت شمالی نیکی دنیا واقع  
در تصرف دولت انگلیس است بجهت شکر از صلح  
عمومی و مرضی عا که بمجال و اولطان خودشان  
و حصول آرامش بلاد و آسایش عباد عرضند  
بپادشاه انگلیس نوشته و استدعا کرده اند  
که پادشاه انگلیس برسم گشت و تفرج بولایت  
مرزبور تشریف ببرد و تدارک تشریف بردن او را  
بولایت مرزبور بقانون تعطیلات و احتراماتی که  
معمول است دیده اند

دیگر نوشته اند که سابقا ما بین دولت انگلیس و دو  
جمهوری نیکی دنیا فی اسجد برو دتی اتفاق افتاده  
طرفین قطع مرادده و مخا بره شده بود از ایام  
نیکی دنیا که در دین و ذنب انگلیس که بر او  
عیسوی باشد دستند و از کانی که نتیجه حصول  
و رواج تجارت اصلاح ذات البین را طالبند  
اهتمام در رفع بروزت مینمایند بموجب روزنامه  
که در این اوقات رسید است قرار شده است  
که سفیر دولت جمهوری نیکی دنیا که در لندن بود  
در محل خود کماکان ممکن باشد و از جانب دولت

انگلیس نیز بطرف جمهوری نیکی دنیا سفیری مقرر  
معین و ارسال که در اینجا کرده شده در اندک  
زمانی رفع مسافرت و کدورت فیما بین گردید  
کافی سابق در مقام مصافحت و مواعدهت  
خواهند آمد

دیگر نوشته اند که چون آسایش عمومیه او را  
منظور دولت انگلیس است و در هر طرفی که جلا  
روی بدهد در مقام اصلاح آن بر می آید از جمله  
درین اوقات در مملکت ایتالیا اختلال و اغتشاش  
رومی داده بود در مجلس مشورت دولت انگلیس  
درین خصوص گفتگوشده و یکی از اعظم مجلس  
مأمور بتفحص اختلال مملکت مرزبور نموده اند که بعد از  
تحقیق در مقام اصلاح آن بر آید

### نیکی دنیا

از قطعه شمالی نیکی دنیا که در جهت جنوبی پیش  
جمهوری یکسافا چند وقت پیش ازین از ایام  
اسپانیول خیلی اشخاص رفته توطن نموده و با  
واحد اینجا داخلت میکردند جمهوری مرزبور اشخاص  
مرقومه را از محال خود اخراج نمودند دولت اسپانیا  
از نیمنی رنجیده با جمهوری کسبفا در مقام معاشرت  
برآمده و کشتی جنگی با آنها فرستاده بنای عوا  
که امته بودند در این اوقات دولت مخیمه  
فرانس فیما بین آنها توسط نموده و رفع برودت

طرفین را خواهد کرد  
سایر دول و کسان

از مملکت روم که پای تخت پادشاه بزرگ مذموب  
 کتو یک عیسویت نوشته اند که احتمال آن مملکت  
 و فقه رفته زیاد شده و در دو قطاع الطریق طرز  
 با مالی انجام می رسد و آنها را پتوه آورده اند در  
 مشورت دولتین مجلس و فرانس سجه اصلا  
 آن مملکت مذکور شده بود در این اوقات پادشاه  
 مزبور برای ایتمارات متعدده اصلاح عمومی  
 نموده مذاکرات مخصوص منتهی کرده است  
 در دولت اسپانول سابقا سابقین راه آهنی که  
 یک طرف آن بشهر مدیستین می شود مبادرت کرده بود  
 در این اوقات سوای آن راه دوراه دیگر نیز بنا  
 گذاشته اند که بازند و اعلام کرده اند که هر  
 طالب ساختن راههای مزبور باشد بعهده او  
 واگذار نمایند  
 جناب غراند و قو میشل برادر اعلیحضرت امپراطور  
 روسیه که وکیل توپخانه است توپی بطرح تازه اخترا  
 کرده که تا حال این طرح در روسیه بدو سجه نموده  
 و تا شایکی از آن طرح بر اعلیحضرت امپراطور  
 فرانس و ستاده است  
 از دولت روسیه باموریت فوق العاده یک پچی  
 اقامت مملکت چین تعیین شده است  
 از مملکت چین نوشته اند که در سال گذشته که سزار  
 الهامی سجارا کرده بودند سیصد و شصت و دو وطن  
 و یک کرو نفوس تعلیم آمده بود از غرایب حالات مالی  
 این است که طفل در دین در اولویت تا نزد کشتن موش  
 عظیم

عیاشد و از طرف حکومت نیز چون فخر بلخ نمی شود  
 قاتلین نامعلوم اند و بسیار نفوس باینطور تلف شده  
 ازین قرار حد و مقتولین بثلث این سر شماری  
 خواهد بود  
 عثمانیه  
 از فراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند  
 اعلیحضرت سلطانی سجه جناب مرسل علییه سر کرده  
 قسطن دولت فرانس که در قیوم بود و این اوقات  
 وارد اسپانول شده است در ساحل ای بکلاش  
 ضیافتی سکین ترتیب داده از انهای دولت عثمانی  
 و سفرای دول متجا به و امرای عساکر دول معاونه  
 صد و پست نفر در محانی مزبور جمع آمده بود و قبل از  
 صرف طعام اول بحضور اعلیحضرت سلطانی شرفیافتند  
 و اعلیحضرت سلطان یک قطعه نشان مخصوص بر سر  
 القفات فرمودند و چون جناب جنرال قودریتون سر  
 قسطن مجلس منور وارد نشده بود سجه او نیز یک قطعه  
 از همان نشان مخصوص جناب لازدر و قلیف سفیر کبیر  
 دولت مجلس که حضور داشت القفات فرمودند بعد  
 از آن مجلس ضیافت رفته صرف طعام نمود و بمجلس  
 با کمال شادی و مسرت بمنازل خود معاودت کرد  
 بعد از آن ضیافت در سفارتخانه دولت مجلس نیز ضیافتی  
 ترتیب داده شد جناب جنرال قودریتون سر کرده قسطن  
 بهم رساند و جناب سفیر کبیر دولت مزبور نشان سلطان  
 باو عمت شده بود و تیدیم نمود در مثل سابق الذکر از اسپانول  
 حرکت و بطرف پاریس روانه گردید

۱۸۸۲

روزنامه قایم القایه پنج یوم بیستم شهر محرم سنه ۱۲۷۳ امطات سال لوی میل

منطقه دارالخلافه طهران

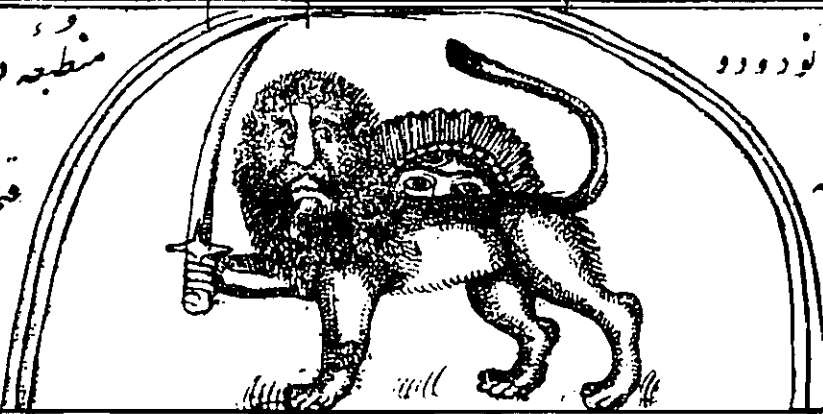
میزد و سب و نود و دو

قیمت روزنامه

هر نسخه ده

قیمت اعلامات

هر خطی بر



اجبار و احمد مالک محروسه پادشاهی

<p><b>دارالخلافه طهران</b></p> <p>از روز سه شنبه غزه شهر محرم محرام اهل دارالخلافه مبارکه از اعالی و ادوانی عینت و سپاهی بقاعده آسمان همه روزه مشغول تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه الاف التحیه و التناجیه باشند جمیع نکایا محلی برسم و قاعده سبته شده و ضعیف و شریف بلواری تعزیه داری و دعا کونی ذات اقدس بایون محترم شاهنشاهی مشغولند نواب مستطاب هزاره و اولاد ایشان در شیرمیرزا حکمران دارالخلافه طهران و بعضی از شاهزادگان که در شهر مستند و سایر امر او خواستار و صاحب منصبان متوقف دارالخلافه روزها اول صبح در اطاق نقاشخانه حاضر شوند و تعزیه میکنند</p> <p>عالیجاه محبت مسرا میرزا عبدالوهاب مستوفی کیلان که در رکاب مبارک بود در هنگام شرف نهادن موکب بایون در داماد فرزند مبارک و تعلیق جینی از ادبای دولت علیه رحمت شده که رفته مشغول</p>	<p><b>اردوی همایون</b></p> <p>چون یکبه دولتی در دنیا و در آن بجهت تعزیه داری جناب سید الشهدا علیه السلام فرمایش شده بود سبب خسته گردیده و با تمام رسید و هوا می نیاید و آن نیز در اوقات کمال اعتدال را بهم رسانده و سبب اندک ناخوشی و باد در آنجا اثری نیست و سایر روایات سیلابات نیز نه کنجایش آن داشت که همه جا کران موکب همایون بغراعت بتوانند تعزیه داری نمودند و در باره اخبار مبارکه که اینطور نزدیک بود لهندا محض رفاه حال عموم چاکران موکب همایون در این اوقات که مقدمه دهم عاشورا و ایام تعزیه داری بود از بیلابقات آنچه لوایان حرکت فرموده در روز و شب سینه سینه و بیچه اسحرام بمنزل نیاید و آن نزول اجلال فرمودند و از شهر اصحاب تعزیه و سبب تعزیه داری و بیلابقات و بلورالات بجهت بستن یکبه حب الامر نیاید و در این درین دهم عاشورا در آنجا بلواریم تعزیه داری اقدام نمودند</p>
--	---

۱۸۸۳

خدمتگذاری دیوان اعلی باشد و محض حمت  
یک ثوب جنبه ترمه کرمانی هم بر رسم خلعت از  
جانب سنی اجواب ملوکانه باد و مهتم کرد  
که مایه مزید امیدواری او باشد

نظر نجاسن خدمات مقرب الخاقان جا قوام  
در صفحات فارس خصه صا در انتظام امور  
ابوشهر که حب الامر اولیای دولت علیه با نجا  
رفته و امور انولایت را بطور شایسته نظم کامل  
داوه مراجعت بشیر از نمود مراتب کاروانی و کفایت  
او مقبول و مستحسن خاطر ملوکانه افتاده محض ظهور  
خبر و انی در باره مقرب الخاقان مش را الیه درین  
روز تا یک قطعه نشان تمثال پیتال جایون

بجهت مزید مبامات او حمت گردید  
عالیجاه جان و او دخان سرتیپ مشرحم اولی  
دولت علیه که باذن و اجازه اولیای دولت  
مرخص و بوینا رفته بود از طریق بطریق خود  
بفارت آیند دولت رساننده با سفارت گری  
عازم و راهی دربار دولت علیه گردیده سجاکی  
جایون مشرف و بلا حظ کمال عنایت یک طاقه  
ترمه بشیر الیه خلف حمت شد

سایر ولایات سرد  
اوزبایجان و استر آباد و ابد  
ازین ولایات اخباری درین مفعه نبود  
اصفهان

از فرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند

انولایت از هر جهت و هر حیثت قرین انتظام و  
انضباط است و عموم رعایا در عین فرحت  
بکار و کسب و زراعت و دعا گوئی ذات اقدس  
جایون شایسته اشتغال دارند و از حسن مرام  
نواب مستطاب هزاره و الایب حمت الدوله  
حکمران اصفهان کسی قدرت حرکت خلاف  
حساب ندارد و سرقت و شرارت بسیار  
بندرت اتفاق می افتد

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین ناخوشی تب  
عارض نواب هزاره حمت الدوله شده و عارضه  
تب روز بروز در تزیاید بود تا در این اوقات  
از تعضلات الهی و مداوا و معالجات اطباء رفع  
مرض گردیده بهبودی حاصل شد و تی چون  
ناخوشی طول کشیده و ضعف در مزاج باقی بود  
تجویز کردند که میلاقات رفته تغییر آب و هوا بد  
لینا درین اوقات سمت چهار مجال رفته اند که  
ده پانزده روز در آنجا بسر برده نشاء الله ضعف  
و نقابت بکلی رفع شده بشهر مراجعت نمایند

دیگر نوشته اند که سر بازار چهار مجال و فریدن که  
احضار در مار معدلت مدار جایون شده بود  
نواب حمت الدوله آنها را بشهر خواستند و حکم  
نواب معزی الیه حیره و بموجب آنها پرورش  
بدارک آنها هر چه دیده چون نوا معزی آید  
بجهت ناخوشی خود نوشتند سان آنها از آب

۱۸۸۴

مقرب انخافان نصرالدخان سرتیپ رهبر  
 داشتند که سان آنها را بدقت دیده آنها را  
 روانه در بارهایون نمودند و از جانب نواب  
 معزی ایگال لغات مصائب آن نهادند  
 و دیگر نوشته بودند که امیر قاین که از اعتبار عالی  
 مراجعت کرده و در عمارت الکوستان منزل  
 داشت چند روز قبل قلیل اسبابی از منزل نواب  
 بسرقت برده بودند مراتب بعرض نواب  
 حشمت الدوله رسید حسب حکم نواب معزی  
 داروغه و که خدایان در صد و نخص بر آید  
 و ز در ابدست آوردند و اسباب مسروقه  
 تا آما از او سزد و بصاحبش تسلیم شده  
 محبوس گردند تا بعد حکم آن بشود  
 دیگر نوشته اند که نواب حشمت الدوله در نظم  
 امور دیوانخانه و وجه خانه آنجا اهتمام کامل نمود  
 و علاوه بر اینکه عالیجاه حاجی محمد علیان سیر مرحوم  
 حاجی محمد حسین خان صدر اصغهان را دستور العمل  
 داده و در دیوانخانه گذاشته اند که بر این  
 مطالب مردم رسیدگی نماید خود کمال وقت  
 و غوررسی و ز انجام مطالب و عرایض فقرات و ضغنا  
 مینمایند و هم چنین امور وجه خانه را بسیار نظم  
 دارند و اصناف دستاوردان همه روزه  
 مشغول کاری میباشند  
 بروجر و عربستان این ولایات نیز

اخجاری درین هفته بود  
 بسطام و شاه رود

از قراریکه در روزنامه بسطام و شاه رود نوشته  
 عالیجاه قیجه انخوانین العظام جامعده خان حاکم آنجا  
 در انتظام امر ولایت و رفاه حال رعایا و نظم  
 و شوارع و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت  
 و مواظبت را بعمل می آورد و در جمده فوج عجب که با  
 خدمت خردان هستند عالیجاه مشارالیه خواه  
 محلی آنها را موجود نموده پرداخت و تنخواهی نیز که  
 از خزانه عامه بجهت آنها مرخص شده بود با آنچه  
 حاضر بودند رسانده و آنچه در بلوکات بودند  
 آدم فرستاده است که حاضر کرده تنخواه آنها را  
 برساند که تدارک خود را دیده روانه محل ماموریت  
 و هم چنین در باب قلعه مبارکه صدر آباد و سایر  
 قلعیات اهتمام نموده آنچه تنخواه و غیره لازم بود لیوم  
 در و دیوان جمع عالیجاه رضا قلجیان کرده روانه نمود  
 و بالفعل بنا و عمل معنی در صدر آباد و قلعیات دیگر  
 در کارند آب صدر آباد جاری و تمام آنجا قوت  
 با تمام است و هم چنین در قلعه زید رحام و آب آنجا  
 بنا کرده اند و در کار ساختن آنها میباشند در  
 قلات میاندشت نیز مثنی کار میگردون بجهت حد  
 خوشی بعضی سکنه و عمل آنجا متفرق شده اند بعد از رفع غلظت  
 بکار قلات انجام خواهد شد خراسان و سر و حجاب  
 و سمنان و عراق ازین ولایات نیز درین هفته اخبار

۱۸۸۵

### فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند  
 از اتهامات حسن مراقبت نواب  
 حکمران فارس کمال امیت و انظمام در  
 اولایت حاصل است و عمود امالی اولای  
 اسوده خاطر بدعای بقای وجود فایض  
 مایون و از دیو شوکت دولت است  
 استخالی دارند و نواب معزی الیه در  
 شهر شیراز اتهام کامل نموده اند  
 وقوع زلزله شیراز عمارات شیراز از  
 آثار آبدی نمائده بود و احسن اتهامات  
 نواب معزی الیه جمیع خانهها و بازارها  
 آلود و معمور گردید بطوریکه کویا شهری از نوبا  
 شده است از جمله مسجد و کس و ارک و پناه  
 از عمارات دیوانی که تا بحال خراب ماند بود  
 درین سال نواب معزی الیه قدغن کردند  
 که در کمال استحکام تعمیر شود مسجد و کس و پناه  
 مقرب انخاقان حاجی قوام الملک و تعمیر عمارات  
 ارک و عمارات دیوانی و سایر خانها را  
 عالیجاه میر حسن و تعمیر عمارات باغ تحت  
 قاجاریه را بعد از حاجی محمد حسین محمول داشتند  
 هر یک در انجام خدمت محوله بجز کمال سعی را در  
 و بیخیزین ساختن قورخانه که بعد از مقرب انخاقان  
 شجاع الملک محمول شده بود درین روزها  
 اتمام یافته و قورخانه بسیار حکم باشکوهی ساخته شد

۱۸۸۶

و این روزها قورخانه و اسباب قورخانه را با کمال  
 همت با قراول کشیده بقورخانه جدید نقل نمودند  
 و دیگر نوشته اند که خلعت طلعت شاهنشاهی که بجهت نواب  
 مستطاب مؤید الدوله حکمران فارس مرحمت شده  
 بود در این روزها با بنجا پر تو وصول گشته نواب  
 معزی الیه با جمیع اعظم و اعیان و خوانین و صاحب  
 با استقبال الی یکفرنج شافیه لوازم توقیر و احترام  
 اقباب طلعت را بعل آورده ریب برود و شش ماه  
 خود نمودند در باغ نو که در خارج شهر است مجلس  
 برپا داشته صرف شربت و شیرینی نمودند و مراسم

### مساجد کبک و شادمانی بعل آمد

و همچنین خلعت اقباب طلعت و نشان ایشان و حایل  
 میر پنجه کی که از جانب سنی انجوان ملوکانه بافتیارد  
 مساجد مقرب انخاقان مهر علیخان شجاع الملک  
 مرحمت شده بود در حین ورود لوازم استقبال  
 و توقیر و احترام را بعل آورده ریب برود و ش  
 و اویزه پیکر و اغوش مغفرت خود نموده مجلس  
 شیلان را آستین جمیع اعظم و اعیان و صاحب  
 حاضر شده صرف چایی و شربت و شیرینی نموده  
 گفتند

قزوین و قاسم و کاشان و کرد  
 و کرس و کرمانشاهان و کرمان  
 و کیلان و مازندران و طایر و نهاوند و  
 و یزد و ایزن و لایات نیز درین نعت اجباری

### اخبار دول خارجه

در مملکت فرانسه چنانچه در روزنامه هفته گذشته  
نیز نوشته شده است امسال بارندگی زیاد  
و طغیان آب ضرر فاحش با مالی آنجا رسانده است  
بجهت تدارک پریشانی اشخاصی که ازین مرحله متضرر  
و مضطرب الحال شده اند خود دولت فرانسه  
سایر دول متحابه و جوه سابقه جمع می کنند از جمله  
در لندن پای تخت انگلیس در اندک مدتی قریب  
صد هزار تومان خواه جمع کرده اند و هم چنین تجاری  
که در اسلامبول مستند صد هزار قروش که معاد  
دو هزار تومان است جمع کرده اند  
دیگر نوشته اند که از کثرت بارندگی که در وقت  
اتفاق افتاده است بابت شهری دولت مزبور  
نیز خرابی زیاد رسیده است بجهت کشف احوال  
امالی آنجا در این اوقات اعلیحضرت امپراطور  
از پای تخت پاریس حرکت و بان سمت غربت  
نموده اند

برای ساختن خانه ها در شهرهایی که از کثرت آب  
سختی شده است و حفظ نمودن خندق در اطراف  
انها از جانب دولت فحیمه فرانسه همسین  
تین شده یک قوسون مخصوص تکیل و تخصیص  
یافته است و قوسون مزبور از جانب دولت  
فرانسه بیت لیان فرانسه قرار شده است بند  
از جانب اعلیحضرت امپراطوری و حکام قلمرو با مالی

و سکنه بقضای حب وطن لطف و قوت که ظهور  
یافته مستغنی از توصیف و بیان است  
دیگر نوشته اند که از ولایت فرانسه در غوک  
تقریب که در حدود اسپانیول است در شانزده  
ماه شوال برف شدید باریده است که محصول  
و غیره کلا در زیر برف مانده و بجهت اینکه بی یخبندان  
و بی موسم برف آمد ضرر زیاد با مالی آنجا

دیگر نوشته اند که بجهت تدارک ضرری که با مالی  
از شدت بارندگی رسیده است از طرف دولت  
فرانسه صد هزار و از طرف امالی فرانسه چهل  
هزار امالی دولت انگلیس پانزده هزار پوند  
داده شده است و از استریم و بلر و سایر دینت  
در وسیع و سایر دول اور و پانز خنلی نخواج  
می شود بطل این وجوه بدولت تدارک که چنانچه  
که در پول ایران ما رسیده است

در روزنامه های سابق نوشته شده بود که کثرت  
بارندگی در فرانسه باینه و محصولات ضرر زیاد  
بموجب روزنامه که در این اوقات رسیده  
شده شدن آب آنچه معلوم شده است محصول  
ضرر چند آن نرسیده است فقط خرابی کلان  
و انبیه وارد آمده است

و نیز نوشته اند که بجهت اعانت با مالی فرانسه که ازین  
خرابی متضرر شده است سجد پادامی مصر نیز سی هزار پوند

۱۸۸۷

در دولت استرته از لخت بود صاحب املاک بود  
 یا داخل دایره اصناف شدن تاکنون از دولت  
 مزبور اذن و اجازت داده شده بود در این قاصت  
 اعلیحضرت امیر اطور استرته اذن داده است که مفت  
 بود نیز اگر بخوانند املاک بخرند و هر کدام هر صنعتی که  
 خواهند اختیار نمایند فقط داخل سکت نامی بود  
 شدن آنها منع است

از ملکه دولت اسپانیول بقدر صد و بیجا در ارمون  
 جواهرات سرقت شده بود و بعضی تنخاص را که کمان  
 این سرقت با آنها میرفت گرفته تحبس کرده بودند از  
 محبوبین یکی گفته بود که اگر مرا از سیاحت معاف داند  
 من جای آن جواهرات را که در جای دفن کرده اند و سایرین  
 که کدام اشخاص می باشند نشان و برور میدهم  
 بلکه مزبور نیز این شرط را از او قبول و او را از سیاحت  
 ایمن کردند جواهرات را در باغچه محبوس خانه دیزیر خاک  
 دفن کرده بود نشان داد تمامه در آورده اند سایرین  
 نیز برورد و دهکی را بمعرض سیاحت در آورده و آن  
 شخص را بخشیدند

دیگر نوشته اند که از انجلس نسبت یکی دنیا کشتی پانزده  
 صد و بیست نفر سیاحت حمل نموده روانه شده بود در نزدیکی  
 یکی دنیا جانی از سواحل آنجا که دابویا ولی میسند کشتی  
 بجز سنگستانی رسیده درین بین دریا طوفانی شده  
 و کشتی مزبور سگسته و غرق گردیده است از سیاحتان  
 هفتاد و دو نفر غرق شده و باقی بجا نجات  
 رسیده بودند

دیگر نوشته اند که چون در اوقات حضرت  
 زیاده و تکاه داشتند لزوم نداشت در دولت  
 فرانسه در این روزها نوزدهم چهارم قشون را  
 خدمت مرض و معاف کردند ازین اشخاص  
 کسانی که مجدداً طالب خدمت و داد طلب  
 نوزگرمی شده اند اعلیحضرت امیر اطور فرستاد  
 در حق آنها اسم اعانت و التفات را

مرعی داشته اند  
 دیگر نوشته اند که جناب پرنس ناپلیان عسکری  
 اعلیحضرت امیر اطور فرستاد سواحل شمالی  
 و مکتان را گردش و سیاحت کرده  
 بجهت معین کردن هیات و حالات و کشف  
 و تکمیل معلومات چند نفر از اصحاب فنون و علوم  
 همراه جناب مشاور امیر بودند بعد از سیاحت  
 و گردش آن اطراف بموجب روزنامه که  
 مجدداً رسیده است جناب مشاور امیر  
 اشخاص مرقومه عارم سیاحت سواحل  
 شده اند

دیگر نوشته اند که از انجلس نسبت یکی دنیا کشتی پانزده  
 صد و بیست نفر سیاحت حمل نموده روانه شده بود در نزدیکی  
 یکی دنیا جانی از سواحل آنجا که دابویا ولی میسند کشتی  
 بجز سنگستانی رسیده درین بین دریا طوفانی شده  
 و کشتی مزبور سگسته و غرق گردیده است از سیاحتان  
 هفتاد و دو نفر غرق شده و باقی بجا نجات  
 رسیده بودند

۱۸۸۸



روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه دهم محرم سنه ۱۲۷۳  
مطاب سال لوی سنه

منطقه دارالخلافه طهران

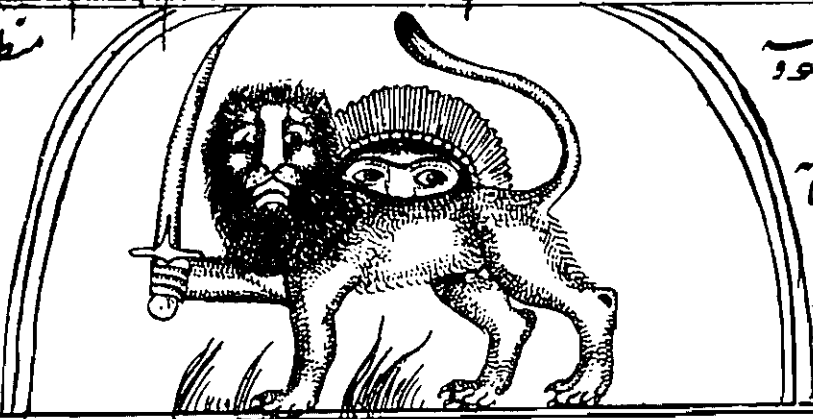
مزه پیت و نوحه

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر سطر یک شمر

هر سطر ده شمر



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

اردوی هالیون

در این روزها که ایام عاشورا و اوقات تعزیه دار  
جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء  
پیشخدمت چنانچه در هفته گذشته نیز نوشته شد  
سبب گیکه بندی و تعزیه داری از  
دارالخلافه مبارکه بمو کسب سیرورزی گو کسب هالیون  
اعلیحضرت شاهنشاهی برده گیکه دولتی یاوران  
در کمال شکوه و خوبی بسته و از یوم پنجم محرم  
هر روز حضرت اقدس هالیون شاهنشاهی تنگینه  
مربوره تشریف فرما گردیده اصحاب تعزیه در حضور  
سبب بزرگ مصیبت جناب سید الشهدا و روضه  
خوانی و تعزیه داری اقدام می نمایند امای دولت  
علیه و شاهزادگان عظام و سایر خواص و مقربان  
مهم رکاب هالیون همه روزه حاضر میشوند و چشم

حصول دعای خیر از جانب سنی اجواب ملوکانه  
شام و نهار اطعام تعزیه داران و فقرا و مساکین  
و از باب استحقاق می شود و الی پانزدهم محرم  
اوضاع تعزیه داری در یکروز برقرار خواهد بود

دارالخلافه طهران

در شهر دارالخلافه مبارکه که نیز جمع تکایای محله را  
سببه اندوختیج و شرف زکورا و انام آثار روزگار  
و شبهار در تکایا و مجالس روضه خوانی و تعزیه  
داری حاضر میشوند و بلو از عم عزاداری و سوگوار  
و دعا کونی دات اقدس هالیون شاهنشاهی اقدام  
دارند و بجهت کمال مواظبت و مراقبت عالیجاهان محرم  
کلا تر که خدایان مستحقین نهایت اعیان حاصل است  
و از احدی سحر گریه برای مصیبت جناب اباعبدالله الحسین  
صدی دیگر گریه نمی شود و متمولین و صاحبان تکایا

۱۸۸۹

هر یک بعد مقدمه و در نتیجه حصول دعای خیر و سلامتی و  
 فایض الحود و یایون شاهنشاهی اطعام فقرا و مسکینان  
 و سجاات سیه زن انگریز و بومی و ترک و تاجیک  
 روزها و شبها با کمال انتظام تکایا آمده سینه میر  
 و تعزیه داری می کنند  
 چون تکیه دولتی ارک را بر ساله جناب شرف  
 صدر اعظم محض حصول دعا کونی و اتا اقدس یایون  
 بنفایس و بلورالات ترین و داده تعزیه داری می نمود  
 و مخارج کلی میگرداند امسال که موکب یایون در عایشا  
 در نیارزان توقف فرمودند ساختن یکله و پولی  
 از جانب جناب معظم چهل روز قبل از محرم بعد متوجه  
 حاجب الدوله محول شده تا غره محرم کتبه خوب  
 کمال صفا و استحکام و پیاوندانند تکیه دولتی ارک مبارک  
 بلکه بچسب سکو بهتر از آن با تمام مقرب انخاقان مبارک  
 صورت اتمام یافت و همان چادر و سباب تکیه دولتی  
 ارک در آنجا و هم آمده بسیار دل چسب و شایسته  
 در همان غره محرم زیب و این پذیرفت و در  
 تشریف فرمائی سرکار اقدس یایون شاهنشاهی  
 بکیه منوره از جانب جناب معظم لوازه تکیه که  
 معمول بود از قبیل فریبانی و پیشکش و شال پادشاهی  
 بلکه زیاده تر از سالهای دیگر تقدیم شد و چون سخته  
 سگون شال پادشاهی ساله مقرب انخاقان حاج  
 رحمت بی امسال نیز شال منوره در حضور امرا و اعیان

مقرب انخاقان مبارک حجت کور دیده سینه  
 انفاخت و مباحات او بین الاوان شد  
 جناب این الملک فرخ خان المچی کبیر دولت علیه  
 در حقی از رکاب مبارک و عزیمت محل نامیوت در عرض  
 از قزوین با تبر ز لعلت عارضه ناخوشی نوبه و ظهور  
 تا سر در اوج نشسته است بعین در رفتن نماید از برای  
 مبادا در سر ز نوقف خود را زیاد طول بد با جاها  
 مخصوص جناب مبارک حکم نوشته که بهر احوال باشد  
 بتجیل تمام از تبریز بیرون برود از فرار خبری که رسید  
 روز ۲۴ ماه دی حجه احرام از تبریز بیرون فرست  
 یاز او لیای دولت علیه نهایت مراعات کمال  
 که مصالح عمده دولتی که تهنه او محول است مبادا عقده  
 تعویق و تراخی افتد چاهاده یکرامور کردند و باو هم  
 قطعی بنی نوشتند که بد دن کث و در تک بتجیل تمام خود  
 با سلامول سرید با این خطرات طولی نخواهد کشید که جناب  
 مبارک علیه بجل نمویت خود خواهد رسید و از فرار  
 دستوالعملی که دارد در مقام انجام امورات  
 محوله بجز خواهد بر آمد  
 سایر ولایات  
 اذربایجان و استرآباد و اسد  
 و اصفهان و بروجرد و بطنام و خرا  
 و ختم و سمنان و عراق  
 ازین ولایات درین مهته اخباری بنود

۱۸۹۰

# فارس

از قریکه در روزنامه فارس نوشته اند  
 در ایالت بجهت کمال امانت و وفور کوشش  
 اتم است با اینکه در بعضی جاها بسبب  
 آب هموات زراعت صیفی کما بیش خشکیده بطوری  
 که بایست بعضی باید بنیاد مرغ و گاو در شیر  
 فراوانی و ارزانی در غله و سایر اجناس و مو  
 و تمام فواید حاصل است و امر معاش فقرا  
 و ضعفا بخوبی و آسانی میکند و <sup>والله</sup>  
 دیگر نوشته اند که چون نواب مستطاب <sup>والله</sup>  
 حکمران مملکت فارس بجهت حصول دعای خیر  
 برای وجود فایض اجمود اقدس شاهنشاهی  
 خداوند ملکه و سلطانه بکارهای خیر و ثواب  
 و تعمیر مسجد و بقاع تبرک و دعا ممکن تهرمه و  
 اهتمام دارند در این اوقات بقعه تبرک که سایه  
 علی حمزه علیه السلام را که سالهای سال بود  
 خراب و منهدم گردیده و از وقوع زلزله ای  
 سال قبل ازین که خراب شده بود کسی از حکام  
 بتعمیر آن موفق نشد بنا و عمده انداخته و معمر  
 داشته اند که با کمال شکوه و استحکام رواق  
 و صحن ساخته شود و با العمل مشغول کارند  
 و عنقریب با کمال استحکام صورت تمام خواهد  
 و همچنین عمارات کتب خواجه حافظ علیه <sup>الرحمه</sup>

و شاه داعی و بابا کوهی را که خرابی در آنها  
 بهم رسیده بود و آدم کما شسته و بنا و عمل  
 گذشته اند که تعمیر نمایند <sup>الملك</sup>  
 دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حاجی جوهر  
 که حسب الامر مامور انتظام امور صفحات بندر  
 ابو شهر بود چون خدمات عمده از او در بندر  
 منور بطور رسید و خاطر اولیای دولت علیّه  
 کما یجب از محاسن کار دانی و کفایت خود  
 راضی و خرسند داشته درین اوقات که  
 معاددت بشیر از کرده بشیر خیاب حضور بود  
 شاهزاده مؤید الدوله کردید از جانب نواب  
 مغزی الیه لازمه التفات در باره مشار الیه  
 بعمل آمد مشمول عاطفت و خلعت کردید و بعد از  
 مراحت از خدمت نواب مغزی الیه از باب  
 توقیر و احترام یکی از امیرزادگان عظام را  
 نیز بمنزل مقرب الخاقان مشار الیه فرستادند <sup>وین</sup>  
 و همچنین عیال و ضایقین بنزیرت که با فوج بیلابنی  
 دو سال بود مامور خلوی صفحات لار و بند عباس بود  
 در این اوقات نواب مغزی الیه او را با فوج مرخص  
 خانه نموده و در حق مشار الیه کمال التفات  
 مبذول داشته بخلعین منجیع نمود  
 و زمین و قش و کاشان و کردستان  
 و کردستان و کرمانشاهان و کرمان و گیلان و  
 مازندران و طما و نهاوند و همدان از ولایات این میر انجاری نبود

۱۸۹۱

### اجتبار دول خارجی

مالک مجتمعه یکی دنیا که بحال عبارت از سی و  
 جمهوریه است اینها سوای اعلان جنگ و صلح  
 هر یک در رای و حرکات مستقل میباشند امور  
 داخلی و جانب شوری تعیین مدت معینی از  
 اعضا مرکب شده و باز با کثرت آرا یعنی  
 هر طرف که بیشتر اهل مشورتخانه با نظر قابل باشند  
 رئیس جمهور ریض می شود و در وسط ممالکی که  
 در تحت حکومت رئیس موزارت در شهر و  
 باسم خوانین دولتی و باسم وکلای رعایا  
 دو مشورتخانه برپا می شود و مدت معینت  
 خوانین دولتی شش سال بشش سال و لضب  
 وکلای رعایا دو سال بدو سال مقرر است و رئیس  
 با مستشار بصوبه اعضاء این دو مجلس که مجلس  
 دولت و مجلس دکوری رعیت باشد چهار سال  
 بچهار سال عوض می شوند آنکه تا این ایام رئیس  
 یکی دنیا بود مدت ریاست او تمام پذیر شد  
 در این اوقات بنا بر رای طرف اکثریت اهل  
 مشورتخانه موسیوف و موت نام رئیس جمهور  
 انتخاب شده است و رئیس موزار پدر و مادرش  
 از جمله فقرا بودند و تولد او در یکی دنیا شده و بعد  
 پدرش وفات یافته مشارالیه بادی و نفر برادر  
 خود در سن طفولیت یتیم ماندند و در آن اوقات  
 رئیس مشارالیه مکتب رفته بمقتضای دکاوت و در  
 که داشت در اندک مدت علم هندسه را کمال

تخصیص نموده و بعد از آن دو سال و نیم در یک  
 کشتی خوابگی نموده برتبه نایبیت ثانوی رسید و چند سال  
 دیگر با نظام و تحقیق راهها مامور بنا بر کمال تهور و حساسی  
 که داشت چند دفعه بمحقق جا بهای مجهول الاحوال که  
 تا آنوقت کسی نرفته بود و او طلب کردید رفت حتی در  
 سفر از همگان ادب بسیاری تلف نمود و خود تنها با چاه  
 فقر معاودت نمود و چینی کشف احوالات و خدات با  
 از او بطور رسید و دو سال قبل ازین برتبه نوزاد  
 رسید و بنا بر عداوت و افاد و سعایت و عناد بعضی  
 ارباب غرض با از آن منصب معزول شده با بعضی سخا  
 سمیت کلّی فاریا با اتفاق از راه خشکی غنیمت نمودند چون  
 تا آنوقت از راه خشکی با نولاتی فتن صعوبت داشت  
 چهار دفعه رفت و راه پیدا کرده معاودت نمود و در هجدهم  
 بجای فاریا رسید با آنها که همراه او بود در کمال تاری بوری نام  
 معنی پیدا نمود که کار کردند مدتی تا او چینی از آنجا حاصل شدند  
 مشارالیه تنهایی یک کرد و رسید هزار تومان حساب  
 پول این ولایت و بعد مجدداً موزار را بقومپانیه  
 به پنج کرد و در فرخنده وجه نقد گرفت و در مدت  
 یکسال صاحب نفقت گردید و دولت و کنت و از  
 جمله معتبرین گردید و حال چهل و سه سال  
 از سن او میگذرد درین اوقات با اتفاق  
 اغلب و اکثر جمهوریه که اعضاء دو مجلس خوانین  
 دولت دوکلای رعیت باشند مشارالیه  
 بریاست آنولایت تخصیص یافته است

۱۸۹۲

در مجلس مشورتخانه مجلس چند سال است که  
 انگلیسی است که از معتبران ملت بود نیز و کبلی  
 مشورتخانه تعیین شود و این گزارش بدفعات در  
 روزنامهها نوشته شده چون در مشورتخانه اینجا  
 در هر امری که اکثر و اغلب و کلای مشورتخانه قول  
 بگذارند مجری میشود درین باب اکثریت آرا چون اتفاق  
 کرده اند انتخاب وکیل از ملت بود در مجلس مشورتخانه  
 کلیتاً منع شده است

جزیره استرالیا که در دریای محیط بزرگ و در زیر  
 حکومت دولت انگلیس است از انگلیس تا اینجا شش  
 یا دهانی در پیچده ماه بگذرد فیه میرفت و مراجعت میکرد  
 و کشتی بخار پنجاه روز میرود و پنجاه روز معاودت  
 میکند و پوسته پیردومی آورد و جهت سهولت عبور  
 و مرور که بعد ازین فقط کشتی بخار از انگلیس با اینجا  
 رفت آمد نماید و آدم و اجناس حمل کند قومیت  
 مخصوص در دولت انگلیس تعیین شده است که یک  
 بخار و دو بال و در بار زد که در یک بال آن سیاحت  
 از استرالیا نشسته بسوی بیابند و از راه مصر  
 و اسکندریه با سلا مبول برسند بر منوال مخرقین  
 ایام مذکور کشتی مزبور را ملدن و سایر جاهاست  
 برسانند از جانب دولت انگلیس با آنها انعام اگر  
 میشود و اگر پنجاه روز را پنجاه و یک روز بیاید پنجاه  
 و دو روز عقب بیاید صد لیرا و سه روز عقب سیصد  
 و بیست لیرا و پهن نسبت هر چه تا خیر بگذرد

جریمه میباشد و او را قرار داده اند  
 دیگر نوشته اند که در راههای آبنی فرنگستان اجبا  
 نکستی و تلفت کی اتفاق می افتد بعضی اشخاص عبور  
 در کاسکهای قدیم را که با اسب حرکت میکرد تریج  
 بر راه آبنی داده بودند درین باب آنچه تحقیق کرده اند  
 در راههای آبنی دولت اسپانیا دو سال قبل  
 ازین به جهت نفی نفی آدم تلف شده بود و در راه  
 سابق که کاسک با اسب حرکت میکرد در دولت  
 سیصدی آن آدم تلف شده بودند در نتیجه  
 در نزد اهل تجرستان راه آهن را کاسک اسپانیایی

نقش بیشتر و ضررش کمتر است  
 و نیز تجرستان که در راه آهن کسکی و ضرر کمی نرسد  
 امنیت و اطمینان زیاد فراسم آورده اند از جمله  
 راههای آبنی انگلیس قومپانیه مخصوص تریب داده  
 که اگر یک نفر آدم ببقید و تلف شود دویز هزار لوان  
 بعیال آرمید بند و اگر دست و پای کسی بشکند پهن  
 نسبت و جیب معین با دمی بند و قبل از آنکه شخصی  
 بخار بنشیند صد و بیارمید بد و از سیغوریه قومپانیه  
 نوشته تعهد میکند که اگر سبب حرکت کاسک  
 و یا تلف شود وجه مسطور فوق بخود یا عیال او داد  
 میشود و ازین وجه جزئی نفری صد و بیارمید  
 در قومپانیه مزبور جمع شده است و عموماً امنیت

راههای آبنی روز بروز در تریب است  
 دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که راه هم  
 و خرج آتی که بجهت و ستادن پیغام در و مکتان د

۱۸۹۳

هندوستان متداول شده است در این اوقات  
 از اسلامبول و قلعه سلطانیه تا سده الجردان  
 آنجا سوار ساقزور و دس و از آنجا با کشتی  
 و مصر و سویس تا هندوستان بنای کشیدن  
 این سیمها را دارند که با یر راههای سیم که  
 ساخته شده و تلفات بسیار متضمن نمایند  
 و برای انجام این کار از جانب دولت کلیس  
 مخصوص منحین شده و وجه مصارف آن از جانب  
 دولت قویسایه هندوستان خواهد شد

از کشتیهای تجار یونان کشتی سواری قبودان  
 لاد دس نام که شش هزار کیلو بار کبری میشود  
 از طایفان آذوقه حمل کرده با اسلامبول می آید  
 در وقتی که در جلد کوی لنگر اقامت انداخته بود  
 از کشتیهای دولتی فرانسه تیمون نام کشتی  
 ناکاه از قضایای اتعاقیه کشتی مزبور خورده فوراً  
 سگسته و غرق کرده است ولی از اهل کشتی  
 مزبور کسی تلف نشده و همگی سالم بگونی بیرون  
 آمده اند

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در  
 چهارم ماه ذی قعدة محرم در شب چهارشنبه  
 دو ساعت از شب رفته طوفان شدیدی در  
 اسلامبول شده است و پیشکطاش تکرانی  
 باریده چون قبل از تکرک باران شدیدی آمده  
 بود در بین تکرک سیل عظیم بر راه افتاد آنکه  
 در آن جن عبور میکردند یک مرد و یک زن و یک

و ختره ساله را سیس پیش انداخته غرق و تلف نمود  
 و در طوفان آن شب در حوالی بیک اوقلی و تقسیم  
 بعضی بناهای جدید را هم زمین خراب کرد  
 دیگر نوشته اند که قرالی دولت یونان بجهت تبدیل  
 هوا بطرف وینه پای تخت دولت استریه حرکت  
 کرده بود و در وینه بوشینه از جانب اعلیحضرت منبر  
 استریه کمال توقیر و احترام در حق قرال مشارالیه  
 بعمل آمده و قرال مشارالیه در اطراف وینه بنا  
 گرم مارفته و از آنجا بجهت بعضی مهابت نسبت به  
 و لندن حرکت کرده است

دیگر نوشته اند که چند وقت قبل ازین تکه میداده  
 فزار که از ولایت یونان است دزدی یونانی  
 گرفته بکوه برده بودند و قرار گذاشته بودند که  
 هزار هوش تا چهل هزار فرانس اگر بدو آورده  
 نمایند و الا بقتل برسند مشا را لیه مقدوش  
 شده بود که وجه مزبور را کار سازی نماید در دزدان  
 اورا کشته جسدش را بجهت عیالش فرستادند

دیگر نوشته اند بجهت هجران بودن دولتین استریه و یونان  
 راه لیبی کلکین را میخواستند بیکدیگر متصل نمایند بجهت  
 اجرت نقلیه و خصوصاً سائزه آن عهد نامه بر  
 میدهند و راههای مذکور سرعت متظیم و اکمال  
 اسباب آن استحصال می یابد و سبب نفع  
 و آسایش اهل هر دو دولت خواهد بود

۱۸۹۲

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحتی پویم هجری پنجم شهر محرم امضا تبسالی لومی ۱۲۷۳

منطبعة دار الخلا و طهران

نزهت و نوحه چهار

قیمت اعتدالات

قیمت روزنامه

هر طریقی

هر نسخه شش



اخبار و احسنه مالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

مؤکب فیروزی کوکب بایون علیحضرت شاهنشاهی کهنه  
آب و هوای بنیاوران چنانچه در هفته گذشته کون  
ایام عاشورار در آنجا توقف فرمودند و یکروز  
تاریخ چهارم محرم محرم بهمان ترتیب و این  
و همه روز مشغول تغزیه داری و ذکر مصیبت جناب سید  
بودند و روز چهارم سبب یکروز برچیده مجلس  
منقضی گردید

علیه اورا اجازت خصب دادند و عالیجاه شارالیه  
مؤتقه عالیجاه میرزا علی شرف قمشی اول کار پرداز خان  
انجیرانایب خود کرده در اوایل ذیحجه محرم مسعود  
شده است

چون مقرب انخاقان عین الملک درین سفر سیاحت  
و ماند و لولاسان و شمیران خاطر اقدس بایون شایسته  
از محاسن خدمات خود و مراقبت و موظیبت اوقات  
شام و نهار راضی و خوشنود داشته خدماتش مطبوع  
و مستحسن خاطر طوکانه افتاده بود لهدا درین اوقات  
میرید مغاخرت و مباحثات مقرب انخاقان شارالیه  
لیکوب کلجیه ترمه از طبوس خاص بن مبارک برآ  
خلعت و حرمت فرمودند

نظر بطور لیاقت و شایستگی و قابلیت عالیجاه حاجی محمد  
جراح نظام که چند سال است در بدنه دارالقون  
مشغول تحصیل و تکمیل علم طب جراحی بوده و علوم نجوم  
عملا و ید ابکمال رسائیده در بنده استند لوی سحر

مقرب انحصره انخاقانیه میرزا حسین خان کار پرداز اول  
دولت علیه مقیم نقلیس که از نظم امورات کار پرداز خان  
و فرار سرانجام مهات تبعه این دولت متوقفین اولیا  
حاصل کرده از اولیای دربار شوکتدار بایون استند  
رخصت کرده بود که در اوقات تاج گذاری علیحضرت  
امیرالمورد دولت بهیه روستیه در مسقو حاضر باشد  
لهدا بقضای اتحاد و مصنافات دولتین و دیونین  
ایران و روس حرب ارضه علیه اقدس اعلی اولیای

۱۸۹۵

قدر قهر جالون پادشاهی خلد ملکه و سلطانه بشغل  
 جراح باشیکری نظام سرفراز گردید و مسلخ پناه  
 تومان نقد بر یکصد تومان جو سابق او افزوده  
 از قرار یک عالیجا میرزا مقودج نایب غلامان سفارت  
 دولت بهیه روز شبیه نوشته رسیده به قمرخانه روزی  
 دستاده و اجبار کرده است سه ماه قبل ازین از پای  
 چنار و بروی قویه زر کند شمیران عبور میگردد است  
 یک قبضه تفنگ ششخان انگلیسی در پای چنار مزوریا  
 برداشته بود و بقدر یک عت تفنگ را بدست گرفته  
 در آنجا ایستاده بود که شاید صاحبش پیدا بشود  
 شده بود و حال سه ماه میشود که تفنگ مزبور در نزد  
 مشایخ است لهذا اعلان می شود که هر کس صاحب آن  
 تفنگ است بنزد عالیجا میرزا مقودج رفته نشانی او را  
 بدهد و مال خود را تصاحب نماید

### دارالخلافه طهران

در ایام عاشورا انامی و سکنه شهر جمیعاً در تکایای محله و  
 خود از روی اخلاص و جان فشانی در تعزیه داری جنابت  
 علیه آلاف التحية و الشنا و بطنق نما و طرومات آن مقام  
 و اقدام نمودند بطوریکه از بیچ قسم در بیخ و مضایقه نمودند  
 الحمد لله از برکت جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية و الشنا  
 و از میامین جود جالون علی حضرت شامه اسلامیان شاه  
 خلد ملکه سلطانه و سعی و تمام لوازم استطاب اشرف و الایام  
 و مقرب الحاقان میرزا موسی وزیر عالیجاها و مجسود خان کلان  
 و کدخدایان انامی بسکنه محلات و تکایا و کمال سلوک و

و خدمتگذاری بطوریکه صدانی از احدی برخو استه شده  
 و خلاف قاعده هیچ وجه من الوجوه اتفاق نیفتاد و تعزیر و  
 باجمام رسانیدند و در روز عاشورا که شبیه مفتاد و دوتن  
 شهدا رضوان الله علیهم را می آوردند بمواظبت عالیجا و کجانب  
 که خدای محله سکنه تدارکات و مخارج اسباب چراغانی  
 ریاد که سر بهزار چراغ میزد و شب عاشورا در چاله حصا  
 چه در اطراف مرتبها و چه در منجبتن بقام مختلفه ترتیب یافته  
 روشن بود و الی پنجاعت از شب گذشته اشخاص معارف  
 و غیر معارف از هر قبیل و هر کرده آمدند و شد میکردند و در  
 سینه زن و سکنه زن از تکایای جول و خوش آمده  
 تعزیه داری مشغول بودند صبح روز عاشورا هم نخل و عمار  
 و علم و بیق و سیاق قرارهای قدیم بلکه بانظم تر و کهن تر  
 وارد چاله حصار شد و سه ساعت از روز گذشته شروع  
 سخناندن و آوردن شبیه شده و الی پنج ساعت  
 بغز و بانن امتداد یافت و اشخاصی که در اطراف مرتبها  
 فوفانی چاله حصار هر سه چادر میزدند هر یک که در شب  
 چادر خودشان رازده خود حضور داشتند و کسانی که  
 در شهر نبودند بطور سه چادر آنها رازده بدون کسر و  
 نقصان نشان آمده در چادر خود سکنی داشتند با شد  
 که مالتهم اذیت با جدی نرسیده با آن جمعیت صد  
 از احدی بلند نشده و در سکنام تعزیه دیوار تمام آقا محمد  
 با استقامتی که داشت و معادل پنج شش ذرع ارتفاع  
 دیوار مزبور بود و در کثرت جمعیت خراب نشده و الحمد لله از بطن  
 جناب سید الشهدا و از بخت بلند شامه اسلامیان پناه

۱۸۹۶



دام سلطانه باجی استیب رسیده مردم در کمال  
انتظام بعد از تغزیه و دعا کونی دولت قوشوکت  
بخانه و منزل خودشان مراجعت کردند

امورات قشونی

فوج مهندس که آزی که مستول فراولی دور عمارت  
سبار که ارک سلطانی بودند در این اوقات  
شدند و فوج که که تازه و از دگر و پیده اند بجای  
آنها با مورا فراولی شدند

فوج ششم فرآورده ابو اجمعی علیجاه لطفعلی خان سپه  
که احضار در بار محفلت مدار جایون شده بودند  
درین اوقات وارد دارالخلافه مبارکه گردیده در  
سربازخانه خارج دروازه دولت منزل کردند

دانه عاشوراش و روز صاحب منصبان نظام  
تکایا و کوچا کردش میگردند و مواجب بودند  
در کمال خوبی و خوشی که شب پیسوجه خلاف ولی نظمی  
از اهل نظام و سایرین سرسزده همه شها و روز  
و روز عاشوراراد در نهایت انتظام گذشت و رسم  
تغزیه داری بعمل آمده دعا کونی دوام دولت قاهره  
عامه رعایا و برابا اشتغال نمودند

بعد از سیزدهم محرم محرم که ایام تغزیه داری منقضی  
گردید افواج نظام قاهره متوقف و از اختلاف باهره  
از توپچی و سرباز بقدر سابق همه روزه در میدان  
مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی میشدند و از جانب  
صاحب منصبان کمال اهتمام در مشق و نظام آنها

سایر ولایات  
ازربایجان و استرآباد و ابدآباد و  
اصفهان و بروجرد و بطام و خراسان  
و خراسان و سمنان و عسراق و قزوین  
و قزوین و قس و کاشان ازین ولایات  
درین هفته اجباری نبود

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند امور  
از اتمامات مقرب الحاقان و الی کردستان و  
انتظام و انضباط است و عموم رعایا و برابا دعا کونی  
وجود فایض لاجورد کالیون شاهنشاهی اشغال دارند و  
از قراریکه نوشته اند امسال تابستان زیاد گرم شد بدتی که  
پیران مهر بخاطر نوشته اند که هیچ سالی هوای آنجا باین گرمی  
ولی باین شدت که با هیچ سالی پیشین نماند

دیگر در روزنامه جو از نو نوشته بودند که شخصی از دنا قین  
بسیاری زراعت رقه پوفنا گاه مار بسیار بزرگی برداش  
آمد بود آن شخص با بیعی که در دست داشت بر سر  
رود و رود اهلک کرده بود چون شکمها بسیار بزرگ  
او آمده بود شکمش را شکافه پای الاغ یا قاطر شکم  
دیده بود که بعیده است لاشه او را با پای حیوانی که  
بود و بجو از رود آورده بود و از قراریکه در روزنامه  
گروهی که کراتشان و گران و گران و گران و گران  
نماند و بهمدان و بروجرد ازین ولایات نیز اجباری نبود

اختیار دول خارجه

ملک سینه از قریب نوشته اند بسیار از ارضی حاصل  
 دارد و مالی آنجا که مجوسی مذیب اند بسیار تنگ  
 و بیخربایی کبری یعنی دیگر اقدام نمیکردند ساختن کشتی  
 قایق از جانب دولت انگلیس با آنها تکلیف نه هزار روز  
 در مدت ده سال یک قایق با تمام رسانیدند و  
 انگلیس بجهت معمورت و ولایت آنها را از بیخده سال  
 بعضی شغل های زراعت و صنایع باز داشته تا دو  
 قبل ازین مکان کردند که حال زراعت و صنایع در  
 میان آنها شیوع یافته بعد ازین البته خود مشغول  
 بود و متحرک میشوند آنها را بچود و اگداشته معلوم  
 شد که بتبی فطری آنهاست و عادت دارند بخودی خود  
 اقدام بجاری نمی کنند  
 از هنرمندان انگلیس شخصی کارخانه جامه شوری بر راه انداخته  
 که در یک ساعت هزار پارچه رخت در کارخانه فرود  
 و در دو دقیقه خشک می شود مثل این جامه شوره خانه در  
 اسلامبول نیز بنا گذاشته اند که بسیارند  
 سر و کیل دولت فحیمه انگلیس لار و پلستن در سن  
 شش سالگی پیا شد و از چهل سالگی تا حال سی و شش  
 سال است که بمناصب عالی وزارت رسیده و بارها  
 چینی خدات یافته موفق شده در این اوقات با  
 نشان بندرانوار دولت مزبور بجای مشاور عالی  
 شده است  
 بعضی اختلافات که در ایتالیا ظهور کرده بود در روز

سابق نوشته شد بموجب روزنامه که در این  
 اوقات رسیده است پادشاه ناپولی و پاپا  
 رومه که بزرگ مذیب کتولیک عیسویت قرار  
 داده اند در محل پونتو نام که در رسالحد دوین است  
 هر یک و یکی فرستاد و مجلس مکالمه منعقد نمایند که  
 مبنی بر اصلاح احوال ایتالیا و رفع اختلاف آنها  
 در روزنامه سابق نوشته شده بود که سیم صاعقه بجهت  
 اخبار از خارج کلومی بجز سفید پراه اسکندریه و  
 وعدن و از آنراه تا سواحل هندستان بنا بود بکشند  
 بموجب روزنامه که در ثانی رسیده سوامی آن راه  
 لندن بسمت یکی دنیا بنا گذاشته اند سیم بکشند و  
 لندن متن سیم و سباب آن مبادرت نموده اند و  
 اینکه این سیمها اگر در میان دریای کشیده میشوند  
 تصنعی اختراع کرده اند که مثل تلغرافهای سابق  
 که در بعضی جایها احتمال پاره شدن داشتند  
 این سیمها پاره نمی شوند و بعد ازین از هنرهای کیمیا  
 صاعقه بکشند باینطور قرار شده است بکشند که باره  
 دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در پنجم و یک و نیم  
 در بازارهای دره از دکان چوبی کشی ظهور کرده با طرف سیرت نمودن  
 و چهار سو قارچ پنجهاد ولایت و صفت بکمان یک مسجد  
 تمام سوخته نظام شش خاموش کن اقدام نموده بیع فرادان  
 خاموش کرد و نکند استند که بجایهای دیگر سیرت نماید

۱۸۹۸

از قراریکه در روزنامهها نوشته اند در ممالک انگلیس و المانیا و پروتیه نسبت بسعت اراضی نفوس اهالی آنجا زیاد ترند و گذشته از آنکه امر محبت بقدر کفایت از اراضی مزبور حاصل نمیشود بجهت تنگی مکان بعضی بجای وطن مجبور میشوند چنانکه از ممالک مذکوره در مدت دوازده سال ششگروه و چهارصد هزار بطرف سنی نیافته اند و بجهت امر محاربه این دو سال بعضی از آنها بجهت کار پیدا کردن از برای خود در سال گذشته تعدد دولت وسی و خبیر کس غایب آمد و در طرفین نشین بودند درین سال بجهت وقوع مصاحبه چون دست اینها خالی ماند باز از ممالک مذکوره بیشتر از انگلیس روزی هزار و هزار و پانصد نفر از اوطان خود بیرون رفته بطرف نیکی دینار روان میشوند

تا حال بدفیات در روزنامهها نوشته شده است که در جانب شرقی چین جزایر سیان بغایت حاصل خیز و خوب آب و هوا میباشد و اغلب اهالی آنجا مجوسی مذیب و حساب فزون میباشد و بجهت اختلاط و آمیزش و داد و ستد با آنها آنجا مقدما از انگلیس نیکی دنیا و سایر اطراف زیاد توجه و اجبارا طالب رفت و آمد با نولات شده اند و بی آنجا در مقام حاجت برآمده فقط سالی یک دفعه یک کشتی تجارتی فلنگ را با آنجا اجازه داده اند که رفت و آمد نمایند و سایرین قبول نکردند در این اوقات از دولت

فزانه چند کشتی جنبی با آنجا فرستاده اند که بهر طور که باشد خواهی نخواهی بمبادیت یا بجهتک راه آمد و شد کشتیهای تجارتی را با آنجا بفرز نمایند در فرانس اشخاصی که تحصیل علم طب میمانند و در امتحان حکم واکتری با آنها امتحان داده میشود خواهش طبابت نظام را میخواهند و چون زیاده از لزوم هستند و داخل گزینند آنها را در نظام ممکن نیست لهذا در دولت مزبور بجهت این در باب طببا قرار جدیدی داده اند که همه شاگردان علم یک دفعه امتحان بشوند هر کدام از آنها که درجه لیاق او بیشتر و معلوما طلبیه را زیاد تر تحصیل کرده باشد با او واکتریهای نظام بشود

دیگر نوشته اند که پادشاه بلژیک حال بیت و پنجال است که حکم انی می کند و در بعضی دول او را با قرار دارند که هر پادشاهی که بیت و پنجال حکم انی نماید بجهت شادمانی اجرای شلیک می کند و اساس عیشین اهرمی او در این اوقات که مدت بیت و پنجال سال از سلطت منقضی شده است از طرف جمله با اظهار کمال سرور و در بیت و دویم و بیت و سوم و بیت و چهارم ماه ذیحجه الحرام اجرای شلیک شادمانه نموده و از جانب دولتین انگلیس و فرانسه و بعضی دول دیگر فرنگستان بجهت تبریک و تهنیت این مقدمه سرا مخصوص بدولت بلژیک پادشاه آنجا فرستاده شده است

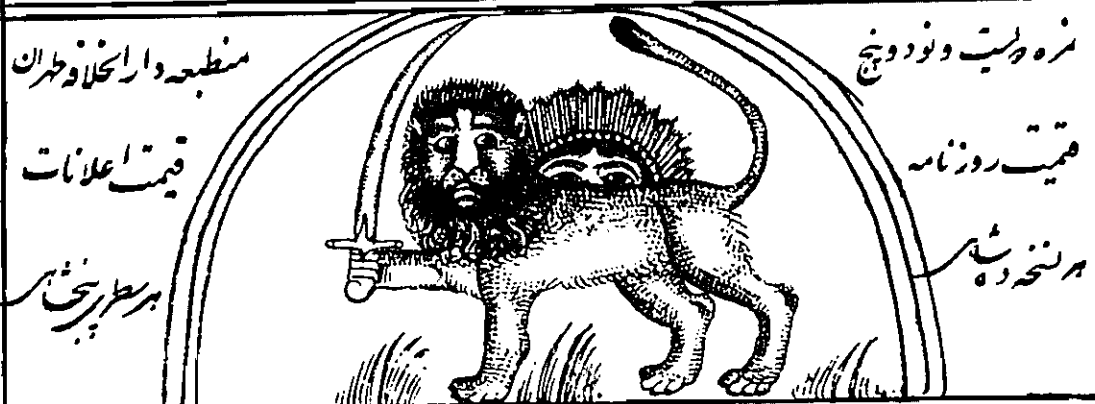
۱۸۹۹

دول المانیا از قرار یک در روز نامهای نویسد عیادت  
از سی و هشت حکومت مستقل است که با هم همجواریند  
از تبعه که در تحت حکومت آنها هستند بعضی اشخاص  
که مقصر میشوند بدولت همجواری میروند و معاودت  
آنها چون خلاف اصول قدیمه المانیات باین  
اختلال کلی در دول المانیاروی داده است بجهت  
پیش گیری این اختلال بعد ازین قرار داده اند که  
صاحب کل دول المانیادریک محل اجرا بشود و در  
خصوص نظارت همه مل بوده از هر یک از دول  
یک مامور مخصوص نصب و توکیل و درین باب  
لازم باشد مذکره نموده یک مجلس مخصوصی  
که رفع این اختلال بشود  
در سال گذشته و نده سه در سمت شمالی  
سجاصل ابریشم خلی ضرر رسیده و این نوع ضرر  
از اقلی فهمیده اند که تخم ابریشم حادث شده است  
بجهت رفع مضرت آن در سال آینده قرار گذاشتند  
که تخم ابریشم تازه از ادرنه و شام و بروکس  
و چین آورده بکار ببرند و درین باب تجار اعلام  
کرده اند که تخم تازه از ولایات مذکور تحصیل  
بآنجاببرند  
در اغلب بلوکات و دعات حلب حاصل ابریشم  
ولی در خود شهر حلب تاکنون ابریشم بعین نیارده  
بودند درین ل از نصاری کن حلب شخصی نام  
بروسه تخم ابریشم آورده در خود حلب ابریشم

در نزدیکی بلعزاد باین حدود استریه و صرب و وسط  
طونه در محل همورا قاپونام سنگهای بزرگ در میان  
است و باین واسطه کشتیها در چین عبور و مرور  
بسیاری بان سنگها خورده شکسته و غرق میشوند  
انها را هم که غرق نمی شوند بصعبت از آنجا میگذرانند  
باب کندن این سنگها و تمیز کردن راه عبور کشتیها  
سابقا از دولت استریه ایتمام شده و ممکن نگردیده  
در این اوقات دولت استریه بشراکت صرب محل  
آنچه بطرف صرب است قرار داده اند که نهر علا حفر  
نموده آب را با آنجا جاری نمایند که کشتیهای  
عبور کنند و بجهت مخارج این نهر یک کرو رود  
تومان وجه بر آورد و معین کرده اند و این  
عبور کشتیهای تجاری و غیره بسیار لازم بود و  
عاید عموم تجار و غیره می شود  
از صاحبان عسکر به انگلیس شخصی چند وقت پیش  
بکرج رفته و معاودت نموده و بجهت ادای قرضی که  
در بعضی محال داشت نجات فراوان کشیده و  
بسیار دیده معاودتش بولایت خود بطول  
بود در این اوقات خالوی مشارالیه که منصب  
یوزباشیکری داشت و صاحب ثروت بود در لندن  
یا قسطنطنیه و پنجاه هزار تومان باواریت گذاشته  
اینکه بیاید و وجه موروث را ضبط نماید از راه  
باو اجبار کرده اند که آموال زبور را ضبط نماید و

۱۹۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه ۱۲۷۳



### اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

#### اردوی جلیون

نظر بر اینکه بنای دوستی ما بین دولتین فخرتین ایران و روسیه  
بسرحد کمال همه روزه دراز و یاد است علیحضرت کیوان  
امیر اطوار کاک روسیه چنان شایسته دیدند که محض اتحاد و  
دین افقی نسبت به کار نوآب شرف والا ولیعهد  
علیه ایران و سرکار نوآب شرف والا امیر نظام با احترام  
از جانب خودشان ظاهر سازند و همچنین نسبت به نجاب شرف  
ارفع صدر اعظم دولت علیه نیز که در حکام بنای بود  
مراتب خیرخواهی حسن نیت تقدیم رسانیده اند بطرف خاص  
خشنودی خاطر همایون قانیند و نیز از جانب نظام الملک  
وزیر امور دول خارجه این دولت که صدق عقیده و  
طوبت ایشان نسبت به دولت درجه کمال دارد تقدیم فرمود  
باشند که برای هر یک از نوآبان نظام الملک  
که نام نامی ایشان در فوق زین است در وقتیکه قطعاً  
موسوم بست اندر مکتول بالماس که از اجده نهایی برگزیند

و غالباً مخصوص دو دمان سلطنت است اعطا و بر اجنب  
اشرف امجد افغ نیز نشان عقاب سفید مرصع بالماس  
شامل بر عقاب و پیکر و یک سر و چشمه هر یک از جنابان  
یک قطعه نشان سنت انار مرصع بالماس از مرتبه اول و چشمه  
عالیجا مقرب الحضره العلیه میرزا عباس خان نسی اول  
امور خارجه نشان مژبو مکتول بالماس از مرتبه دوم عقاب و صاحب  
صاحب منصب مخصوص ارسال سفارت دولت خود نشان  
دولت علیه فرموده بودند و باسم عالیجا مجد است  
خان مترجم مخصوص دولت علیه نیز نشان سنت سیلا  
بالماس از مرتبه دوم اعطا و عنایت فرموده اند از آنکه جناب  
همراه شارد فرآن دولت بهیله اطلاع از مراتب دادند حسب  
قرار و او هر روز و شب که شش چهارم شهر محرم  
باهر التورجایون شرف اندوز شوند عالیجا مقرب الحضره  
مجد علی خان نایب شکاف قاسمی باشی مأمور باده نفر عظام  
خاقیه پادشاهی بمنزل سفارت اند دولت بهیله جناب

۱۹۰۱

با صاحب منصب مخصوصی که حامل نشان بود دعوت نمود  
 در کمال احترام و در ساعت معینه در حالتی که ده نفر از نشان  
 در جلوی ایشان بودند وارد و بنا و روان شدند و ابتداء در کنگره  
 مبارکه که قبل از وقت برای اکرام و احترام ایشان مهیا  
 آرام گرفتند جمعی از اجله و محترمین حاضران در باغیون با سبها  
 رسی جناب معزی الیه را در اینجا پذیرفتند بعد از آرام و استراحت  
 بشرفیابی حضور آمدن یون شاهنشاهی اجازت شد و در حاکم  
 چند نفر از اجله شاهزادگان عظام واقف حضور انور بودند  
 جنابان نظام الملک و وزیر امور دول خارجه نیز با لباس  
 درباری و نشان و جمایل در نگاه آمدن شرف حضور داشتند  
 و در منظر قصرهای یون امیر الامراء العظام سیرچی باشی با جمعی از  
 یوزباشیان و علائم مشی متجان خاصه سلام خاصه نمودند  
 جناب زرد فر ما مقرب الخاقان امیر الامراء العظام این شکر آقا  
 باشی در بارها یون شرف حضور با هر النور ملوکانه نمودند و نشان  
 که قبل از وقت در سینی طلا گذاشته و صاحب منصب حامل نشان  
 و در دست داشت بعضی رسانید که از علیحضرت شاهنشاهی  
 پیش ساخته هر یک نشانها را فردا فردا ملاحظه و تحسین و از مراد  
 دوستی اعلی حضرت امیر طوری انظار کمال خوشوقتی فرمودند و بعد  
 ملاحظه نشانها را یک یک بدست جناب وزیر امور خارجه فرستادند  
 که در پیشگاه همایون در همان سینی طلا بچسبید بعد از بدست تقدیر  
 نوکارت سبب جناب زرد فر و فرمایش بعضی الفاظ در بار کمال  
 دوستی و دولت قوی شوکت مقرر فرمودند که هر یک از نشانها  
 توسط جناب زرد فر بجای خود ابلاغ شود جناب زرد فر  
 صاحب منصبان را حضور همایون شخص بهمان ترتیب و احترام جناب  
 وزیر دول خارجه و مقرب الخاقان آقا باشی بنزل نوبت است

۱۹۰۲

شاهزاده عظم الفخم و لیجه دولت علیه رفتند در حالتیکه جناب  
 نظام الملک و جمعی از خواص حاکران نواب محطسم الیه در اینجا بودند و قبل  
 وقت شیری برای تبریک نشان در مجلس چیده بودند و جناب زرد فر  
 و صاحب منصبان را در وقت قرار گرفته شیری صرف نمودند که نواب محطسم  
 تشریف آوردند جناب معزی الیه نشان را بدست خود نشان سپید مبارک  
 ایشان حامل کردند و تهنیت گفتند بعد بهمان ترتیب و احترام  
 معزی الیه صاحبان جناب وزیر دول خارجه و مقرب الخاقان  
 این شکر آقا باشی بنزل نواب شرف الامراء العظام الفخم  
 نظام با اقسام آمدند در حالتی که امیر الامراء العظام سردار کل و جمعی از  
 خواص حاکران نواب محطسم الیه در اینجا بودند و قبل از وقت برای  
 نشان در شیری چیده بودند و جناب معزی الیه آرام و استراحت حاصل  
 نواب محطسم الیه تشریف آوردند جناب زرد فر بدست خود نشان  
 نشان را بدست وزیر سپید ایشان کرده تهنیت گفتند بعد بهمان ترتیب  
 احترام بنزل جناب شرف امجد رفیع صدر اعظم آمدند در حالتی که  
 جنابان نظام الملک و وزیر دول خارجه و مقرب الخاقان  
 منشی اول وزارت امور خارجه بودند و برای تبریک نشان در شیری  
 بودند بعد از تقدیم لوازم احترام و صرف شیری جناب زرد فر نشانها  
 ایشان را جدا جدا بجناب شرف امجد رفیع صدر اعظم دادند و جناب  
 محطسم الیه هم با کمال توقیر نشان خود را گرفته و نشانهای آن بپوشان  
 ایشان هم با کمال توقیر گرفتند و مجلس با کمال دوستی نمودند و در  
 بنجتم رسید به احترام تمام راجت بنزل سفارت نمودند عالیجا محطسم  
 امیر الملک خان مترجم مخصوص دولت علیه چون در اسلامبول بودند نشان  
 با سجا فرستادند که دلیل التفات اعلی حضرت امیر طوری را بنمایند  
 رسوم و آداب این واضح است که باین پادشاه شوکت دستگاه و احوال  
 و این کمال کجستی و کمالی حاصل است و زرد فر یعنی انجمن تهنیت آمیزی در دولت

از ویاد خواهد بود

چون در این اوقات که میزان داخل شده هوای در آن  
 طهران بسیار خوب و با عدال آمد و بجهت اندازنا خوشی که  
 سابقا کما بیش ظهور داشت درین روز با مطلقا اثری نیست  
 و بجای رفع گردیده است لهذا اعلی حضرت اقدس هیاتون شایسته  
 که درینا و ران تشریف داشتند عنایت نیکارستان  
 فرموده در روز پنجشنبه پست و چهارم محرم الحرام ایستادند  
 نیار و ران حرکت فرمودند جناب اشرف اجداد رفیع صد  
 عظم و سایر خواص و مقربان حضرت گردون لطبت  
 نیز در موکب فیروزی کوکب هایون بوده افواج قاهره  
 نظام متوقف دار انخلاف مبارکه از پائین باغ قصر قاجار  
 الی بالای نیکارستان که معبر موکب هایون شایسته  
 دامت شوکه بود و صف نظامی کشیده شرفیاب حضور  
 هر ظهور ملوکانه گردیدند و ثواب مستطابش برزاده آید  
 و الا بتبار و شیر میرزا حکم ان دار انخلاف طهران و  
 چاکران و صاحب منصبان متوقف دار انخلاف مبارکه  
 باستقبال موکب هایون شایسته شرفیابی حاصل نمودند  
 چهار ساعت از روز بالا آمد موکب هایون بانسوخه  
 و الا قبایل در باغ نیکارستان نزول اجلال فرمودند  
 و چند روزی در آنجا توقف خواهند فرمود تا تعمیرات  
 عمارات مبارکه ارک تمام شده و زیب و آیین پذیرفته  
 در ساعت سحر و ارک مبارکه سلطانی و معرفت  
 عطشی شوند

چون مقرب انخافان حاجب الدوله از روزی که قدم بجاده  
 نوکری نناده است جمیع حرکات سکنات خود را بر وقت

رضای خاطر حضرت ذخایر پادشاهی قرار داده است  
 و خدماتی که با در جمع شده است تکفایت و کار دانی  
 خود سیکریت کرده و آنرا فائزاً بر آثار اوقات و اعلام  
 خود افزوده و اعمال و افعال خود را بزور قبول مقرون  
 کفایت های واضح و نکات های لایحه در پیشگاه حضور هیاتون  
 در موارد خدمات کلیه واضح و آشکار کرده است چیزی  
 زیاده در نظر افوز جلوه کرده است این است که هنگام  
 ورود و سفرای دول خارج به دربار دولت علیه و شرفیابی  
 حضور مبارک از عهد تشریفات آنها بر وفق قاعده  
 قانون و مطابق عهدنامه مبارکه بر آمد و اعزاز  
 احترام ایشان را خوب رعایت کرده است از آنجا  
 که کفالت این امر عمده در بر دوتی بعد از شخص کامل  
 با کفایتی بوده و پیش از این کار اقدس هایون شایسته  
 نیز با قضای رای ملوکانه این خدمت عن راجعه  
 مقرب انخافان مشارالیه تحول فرمودند که هر وقت  
 اوقات که سفیر و مأمور دول خارج به دربار دولت  
 وارد شود موافق تشریفات که در عهدنامه مبارکه  
 تشریح یافته است از روی دستور العمل ادلیای دولت  
 در حفظ احترام آنها بکوشد و مراقب باشد که خلاف  
 اتفاق نیفتد

چون عالیجاه محبت همراه میرزا ربیع و کلین نواب شایسته  
 تمام از محاسن خدمتگاری و ارادت شجاعت  
 خاطر ادلیای دولت علیه مسرور داشته و خدات او مقبول و مسخر  
 ملوکانه افتاده بود لهذا در این اوقات منصب علی  
 دیوان هایون سرافراز فرمان هر لحاظ مبارک درین باب

۱۹۰۳

شرف صدور یافته کثرت جبهه ترمه کشمیری هم باو خلعت  
مرحمت کردید

جناب مقرب خان عمده الامراء العظام سیف الملک علی شاه  
میر سجاد که اجاب سی بجواب سرکار اعلی حضرت قدس شایسته  
خلد سلطانه سفارت کبری ماوردیارد ولت بهینه رسیده  
که با قضا موذ حاصلین الدین نامه مرتضی نامه یون شایسته  
در سیدنی دوستی و ادای رسم تعزیت فات امیر طبرستان  
جلوس اعلی حضرت امیر طبرستان ولت بهینه رسیده تبلیغ  
امیر طبری نماید با سیوا سلسله کجانی دولت قوی است  
محکم و استوار از این روز تا بعد از انجام شرایط مایه خود  
شوکت اعیان نمود از آنجا که جناب سمری الیه درین سفر مایه  
که بنای آن تمهید جات دوستی و موذ و دین دیوین و انبار  
مرفق ظهور آورده و حسن خدایتان در پیکاه نظر اقدس اعلی  
قبول وین دانند اولیاد ولت علیه حسب کلام و اکرام و احترام  
فرودانند که مقرب خان جالب و صاحب علیجان اجاب یون یون  
پوشش و سار و چادری دیگر در باغ فردوس در ساقی کفر و هم  
همین یون باوران واقع است ای استر حاجت مغزی الیه باغ  
ایشان بر پا دارند و شیرینی و پیر مروت منزل با مینا نمایند و  
و اعظم حاکمان در باجانون آنچه استقبال این چنین فرموده و مستقبلین  
در روز بیستم محرم کرام که روز و درود ایشان بود از قران تعصیب ان

امیر نظام  
عمده الامراء العظام مقرب خان  
مقرب خان امیر تومان مجرب انجمن پیر  
مقرب خان امیر تومان مقرب خان  
مقرب خان امیر تومان مقرب خان

نایب اجواء  
وید که راهروان شده و در باغ فردوس در چادری از آنجا که اجاب  
مقام کرد بعد از زانی مکث و توقف صرف شربینی چانی و اظهار لوازم  
و خوشحالی از آنجا سوار با کمال اکرام و احترام وارد مکتب چون شدند  
منوی الیه بعد از رسیدن خدمت جناب امیر طبرستان رفع ابج صدر اعظم  
جانب صدرت عظمی برای شرفیابی حضور بر انوار یون که با تعان  
مقرب خان و برزدول خارج شرف حضور لامع النور کمال اعزاز است  
شایسته شایسته که اقدس علی جناب مغزی الیه را نظر با تمام آن  
مسانی اتحاد و یکانی دین دیوین و دیوین و همی که در رسم سفارت  
بعدم رسانند به مشمول مرام و الطاف مکرانه و موذ و تعذات و عواطف  
خسروانه فرموده و بعد از پرسش دوستانه از احوال اعلی حضرت امیر  
مالک رویه تحسین آن احترامات و اگر آتی که اجاب آنده ولت  
ذات با و اباتا و حق سفارت کبری کمال با بعل که تعصیب آن در روز  
قبل کارشناسان با قدس جناب الیه کبری را خصصت انصرف از حضور  
دادند و شیرینی و دیگر منوط با و قات دیگر فرمودند جواب اعلی حضرت  
شایسته ای که اولیای اندولت بهینه جو جیا مغزی الیه ارسال  
بودند در همان مجلس شرفیاتی تقدیم پیکاه رفت دستگاه اعلی  
ورسیده موقع تکریم و تحویل کردید و ب جناب امیر طبرستان  
جناب علی قلی خان سیف الملک را در منزل خود منزل دادند و در  
سرکار اقدس یون شایسته جمیع شیرینی و در منزل از راه

سایر ولایات

از وزارت امور خارجه  
مقرب خان عمده الامراء العظام مقرب خان  
میرزا داود خان امیر تومان  
میرزا محمد علی خان امیر تومان  
میرزا محمد علی خان امیر تومان  
میرزا محمد علی خان امیر تومان



### کیلان

از فرار یک در روز نامه کیلان نوشته اند امور آن ولایت  
 مراقبت و اهتمام امیر الامراء العظام مقرب انخافان عمید الملک  
 در کمال انظار است و عموم عیایا و بریایا در مدانت و فای  
 بد عای بقا و سلامتی وجود فایض انجو داد سس کالیون  
 صان آتدایم و لکن آتشی اشتغال دارند و محصول بده آن  
 انولایت از ابریشم و بیج سجد آتدی آفت و بسیار خوب  
 و مقرب انخافان عمید الملک با کمال حسن لوک رعیت داری با آ  
 اتجار قمار بنام چنانچه نوشته اند که عباسقل نام پیشتر  
 مامور خدمتی بر آنکوه کرده بود مشایخه مبلغ چهل تومان  
 خدمتانه خود دریافت نموده بود بعد از استحضار سخا  
 حکم از او سترد و بصاحبش تسلیم کرده و او از نوکری خود  
 اخراج نمود و همچنین جماعت خیار که محض دعا گوئی ذات اقدس  
 بکالیون شاهنشاهی و رفاه حال عیایا در بده پسند از مالیات  
 و صادرات دیوانی معاف شده اند مذکور شد که باز مانند  
 سابق مان را زیاد تر از منظره وقت مستقیم دارند استادن  
 جماعت نمور در انحصور خواسته بعد از تنبیه و مواخذه  
 قرار داد که بهر قسمی که آرد در این نزد بجزئی تفاوتی مان در افرود  
 و اگر خلاف آن نمایند مورد سزا است شوند

دیگر نوشته اند که امیر الامراء العظام راهی بجهت راه انداختن  
 کرجی فانی که از سفدر رود آبک خانیجات و لیس اهل نموده  
 سامان لایبجان گذشته و بحال رشت رسیده بودند  
 رشت قبل از ایام عاشور حرکت کرده بکنار رود خانیست چارده

رفت و در آنجا سه روز توقف نموده عمده و البجاری  
 کرده کرجی را بر راه انداخت و بجهت ایام دهنه عاشور  
 محرم معاودت برشت نموده بلوازم تعزیه داری جناب  
 سید الشهدا علیه الاف التحية پرداخته بعد از انقضای ایام  
 تعزیه داری چون از مأمورین برودن کرجی با پنجین خبر رسید  
 بسبب کمی آب روفخانه که بعضی جا بسیار باید کوفتند که  
 کرجی بگذرد عمده کفایت نمی کند بعضی جا بسیار که دور است  
 عمده آنها دیر می رسد لهذا در چهار دهم ماه محرم محرم مجدد  
 از رشت بیرون شده بکنار رودخانه سمت انزلی  
 رفت که در آنجا جهت و البجاری نموده انشاء الله کرجی بار آورد

### بمخین برسانند کرمان

از فرار یک در روز نامه کرمان نوشته اند امور آن ولایت  
 اهتمام امیر الامراء العظام سپهدار حکمران کرمان قرین  
 انضباط است و در نظم طرق و شوارع کمال سعی را  
 معمول داشته و اول دستخط در قراولخانه و در بنی حاکم  
 مخوف و محل عبور قطع الطريق و آزار بلوچیه است گذشته  
 همه جا مشغول حفظ و حرارت راهها یافته و علاوه بر قراول  
 دستخط که در همه جا هست در این اوقات که زوار کرمانی رود  
 زیارت ارض اقدس بودند حاجی بیک شیخی با جمعی  
 مأمور بدرقه زوار نموده است که آنها را سالما از منازل مخوف  
 گذرانده قبض وصول و رضامندی از آنها گرفته معاودت  
 بکرمان نمایند

۱۹۰۵

و یکروز فرار یک نوشته اند هوای انولایت سال  
خوبی و اعتدال است بطوریکه هیچ سال باین اعتدال  
نشده بود و امالی انولایت از این معنی بسیار مشغول  
و خوشوقت بوده اند

دیکر نوشته اند که عا کر منصوره پادشاهی که حب  
با نظام صفحات بلوچستان و رفع شرارت مفسدین  
و اشتران سامان رفته بودند در راه و بجهت احترام  
وارد کرمان شدند و محمد شاه بلوچ را که از جمله مفسدین  
انولایت و بنجود سری و سرکشی عادت داشت با بر  
وزر و متاعانش گرفته مقید و محبوس بکرمان آوردند  
در روز و در وقتون مأموره امیر الامراء العظام سپهبد  
حکمران کرمان اعیان و اشرف ولایت صاحب منصبان  
فوج خلد و توپچی و غلام و جمیع نوکر موقوف کرمان را باین  
فرستاده لوازم احترام عا کر نصرت فرجام را معمول  
و بعد از ورود در میان ارک صف کشیدند و خود امیر الامراء  
سپهبدار با عالیجا میرزا میستوفی و پیشکار کرمان بمیدان  
اراستگی و انتظام آنها را فاخته نمودند و عالیجا با مصلحت  
سرتیپ که درین سفر کمال شادت و کفایت اظا هر کرده  
بود با سایر صاحب منصبان بخشن و لوازم  
دیکر نوشته اند که قافله یزدی از کرمان روانه یزد بودند  
خود را در پشت دروازه که قاطر خانه است ریخته بودند  
یک لنگه شبه ل از قافله فر لو بر سرقت شده بود در آن  
با امیر الامراء العظام سپهبدار اظا هر دادند و خود کفایت

محللات را خوب بسته قدغن اکید نمود که بسته سال سر و قدرا  
با سارق حکما پیدا نماید آنها نیز در مقام تنخص برآمده بعد از  
لنگه سال را در میان چاه قناتی پیدا کرده آوردند در حضور  
بدون کسر و نقصان بصاحب مال تسلیم کردید ولی سارق  
معلوم نشده بود که کبک در صد و بوده اند که او را برهم بست

بیاورند

سیر و

از فرار یک در روزنامه یزد نوشته اند امور انولایت از تمام  
مقرب انخاقان محمد یوسف خان سرتیپ نایب الحکومه یزد و عالیجا  
میرزا شفیع پیشکار دیکال انتظام است در عیایا و برای اسوده  
بدعای ذات اقدس شاهان شاهای اشتغال دارند و در مهنجات  
طرق و شوارع که خوف بود همه جا قراول و مستحفظ گذاشته اند  
و عا برین و مترودین از زوار قافله بارض اقدس و سایر جا با  
و اطمینان عبور و مرور می نمایند و بامورداد و مالیات و اجام  
خدمات یوانی رسیدگی کامل میشود و همچنین در آبادی ولایت  
قوات وقت و رسیدگی شد خرابی قنات با زید کرده اند که مستحفظ  
هولی دار العباده یزد نیز از فرار یک نوشته اند امسال دیکال اعتدال  
و امراض عمی بسیار کم است و در اوقات به عا شور و یونخانه  
یکه بسته و مشول تعزیه داری بوده اند و بجهت حصول دعای خیر  
بفقرا و مساکین کرده اند و جنین سایر تجارهای شهر را هم تقرار معمول  
بسال بسته و مشول ذکر مصیبت و تعزیه داری جناب سید الشهدا  
علیه الاف التحیه و الشاک بوده اند و از هر کوه اجناس و مالک  
و میوجات هم از فرار یک نوشته اند از هر چیز کمال فرادان

وارزانی را دارد

اخبار دول خارجه

مذنی است که روزنامه نویسان فرمستان در  
 ملاقات علیحصر شاه امیرطور فرستاده و علیحصر  
 استریر روایات زیاد در روزنامه می نویسند از جمله  
 در روزنامه بریلر نوشته اند که اینگونه اتفاقات از  
 معظم روزگارت و بگردش حکومتی زیاد تا میسر  
 ملاقات سلاطین با یکدیگر دیدن تنهائیت بلکه متضمن  
 کلیه دولتی خواهد بود چنانچه در زمان امیرطور پالمیان  
 و آمدن او بشهر برلین و ملاقات با پادشاه پروسیه که  
 فواید دولتی در ضمن ملاقات ایشان حاصل شد احتمال  
 که ملاقات امیرطور فرستاده با امیرطور استریر متضمن  
 احوال ایتالیا باشد

از طرفندان انگلیس که احتیاج صنایع می کنند و مورد  
 شخصی در این اوقات یک کشتی بطور تازه اختراع کرده  
 که مانند چتر کشوده شده و بسته می شود و جهت نشستن  
 آدم در آن بجهت جایگزین شدن حب الاقضا توسیع  
 ممکن بوده و از جمله اختراعات غریبه است

دیگر نوشته اند که دولت انگلیس فتوئی که از ایتالیا  
 گرفته بودند در این اوقات بنا بر عدم لزوم آنها هر یک  
 پنجاه تومان داده با وطن خود مرخص کردند و ازین  
 پنجاه کس را بجهت کنی بیک محلی از جمهوریت نیکی دنیا که در  
 جنوبی واقع و از ارض آن بسیار و اهالی آن کم است جمهوریت  
 آنجا از دولت انگلیس خواستش کرده اند و قرار داده اند که  
 آنچه بجهت زراعت لازم بآنها متاعا داده شود ولی از  
 جانب دولت انگلیس معلوم نیست که این خواستش جمهوریت

استجا قبول شده باشد و این اشخاص را با پنجاه نفر

یا نه  
 چند وقت قبل ازین در اکثر مجال دولت اسپانیول  
 سبب ادوا احتلال اوضاع ولایت بودند بجا می دیگر  
 و اهالی آنجا را بتوشش ندانسته بودند از فراری که نوشته اند  
 در او اخر ذیقعد در بعضی مجال چهار پنج ایالت اهالی  
 آنجا رفح لوای یا عنیکری کرده بنای اعتقالتش و اف  
 گذاشتند از جانب دولت اسپانیول بجهت اطفال و بزرگان  
 آنها فوق العاده اقدام و غیرت کرده اند و بسیاری از  
 دستگیر نموده و با اجرای سیاست آنها زیاده وقت  
 کرده اند

در انگلیس از اعضای مجلس شورت شخصی بنام سروین  
 بنور در خصوص تجارت طونه گفتگو کرده و سؤال نموده  
 جناب را به این طریق جواب داده است که هر چه از  
 طونه در خصوص تجارت بقرار آردی معمول در راه سفای  
 هر دولت بجهت تجارت در آنجا مفتوح خواهد بود  
 از فراری که نوشته اند در مالک دولت بیسه ریو که در  
 دریای بالیکت بجز سیاه واقع اند درین راه بسیار  
 و فراوان است و بجهت عبور و مرور و تجارت و خرید و فروش  
 منافع کلی عاید عموم خلق آن طرف خواهد شد

دیگر نوشته اند که در مالک روس قواعد تعرفه و رسوم  
 کم کم عملاً تجدید شده است پیش ازین کم کم قهوه و شکر و سکه  
 و ازین قبیل چیزها زیاد بود این اوقات وجه کم آنها را از  
 جانب دولت کم کرده اند و باین جهت تجارت دول متعجب  
 تجارت و با یکدیگر در مقام استکمال محبت و دوستی

از فرار یک در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته  
 درین سال سوی عربستان و کرد و قبرس و طرابلس و  
 از طرف روم ایلی و اناطولی از مالک دولت عثمانیه در با  
 بیع و فروش انقیه بعضی اصول و قواعد مخصوصه تدار شده  
 از طرف دولت بجهت تسهیل معاملات تجارت قرار شده است  
 آنچه از مالک عثمانیه حاصل و در آنجا صرف شود موافق آنست  
 که در تون دارند قرار کرد که راکب معمول بدانند از اعلای  
 در هر اوقتش فروش و از وسط آن چهار قروش و از دست  
 دو قروش نیم دریافت شود و از تاریخ این قرارداد که  
 ۱۲۷۲ هجری اعتبار می شود از مالک عثمانیه آنچه انقیه که نقل و  
 بشود بر موجب تعرفه رسم کمرک رسوم خصیصه نیز دریافت  
 فقط حمل و نقل آن بمالک خارج از صد و دوازده رسوم کمرک آنرا  
 قرارداد اند و درین باب بامورین خود و سفرای دول متخاص  
 رسماً اعلام کرده اند که بعد ازین جوهر کمرک و خصیصه انقیه از  
 اینقرار معمول است

دیگر نوشته اند که در سلانیک در محله جدید خانه بارکانی  
 از تبه دولت تکبیه اش ظهور نموده و بجهت باطن  
 سرایت کرده فی الحال والی باشا با توپچیان و کمرک حیرت  
 مامورین رسیده جاوش را گرفتند ولی از تبه فرستادند  
 خانه بارکان ایچی نام در خصیه رفته رفته اش سرایت کرده  
 دو سبت هسی و سه کله باروت ناکاه اش که فته اینجا  
 کلاً محرق و برهوا در خارج حصار نیز محل مشهور باشا و در  
 چارسوی مصر آنچه خوب بود باد کاکین و دباغ خانه و سایر

۱۹۰۸

از چند جا آتش گرفت و از ضرب باروت و سایر خیرات که  
 برهوارت بقدری نغز از توپچی و عساکر سحره تلف شد  
 و بقدر دولت نفیر مجروح و زخمی شدند و دو سبت هسی  
 و شش باب کان و صد و چهارده بارود و مسجد و دو خان  
 و چندین خردار همه آتش گرفت و پاشای مزبور از جنبه خانه  
 که باروت آتش که فته بود بقدر ششاد قدم دور بوده است  
 فلم پایش و کد خدای آنجا سرش از جا شکست و باروت  
 افتاده و محو در زیر سرش از جا شکست و از تبه  
 انهای هفت سبت نفیر خمدار شدند و اسکله نور را که  
 اینهمه سرت و اطلاق شده است بمجا که کشیده و بس  
 تا بعد چه حکم در باره او بشود

دیگر نوشته اند که سابقاً گذشته از امور تجاری دولت اسپانیا  
 بنیابین آنها و تجار جمهوریکه سیفا منافقه ظاهر شده بود و با  
 مابین دولت اسپانیول و جمهوریکه سیفا برودتی ظاهر شده  
 از طرف دولت اسپانیول کشتی جنگی سمیت جمهوریکه سیفا  
 فرستاده بودند بموجب اجاری که این اوقات رسیده  
 در ساحل در قرور نام که از خاک جمهوریکه سیفاست رسوم  
 کمرک آنجا جمهوریکه مزبور در عوض مطلوب و ادعای آنجا  
 اسپانیول حصر نموده با قامت ماموری مخصوص در  
 مبارز شده است

ح

روزنامه قایم‌القیامیه پنجشنبه دوم شهریور مظفرطابق سال لوی ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران  
 قیمت روزنامه  
 برنخوده شهر



منطقه دارالخلافه طهران  
 قیمت اعلانات  
 برخطی

اجبار واحسانه مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی خدایه ملکه و سلطانیه  
 در هفته گذشته نوشته شد در نگارستان شریف دارند  
 بجهت صفا و حرمتی آنجا و خوبی و ولایت هواچندی در باغ فروردین  
 شریف خوانند ایشان شرف امجدارفع صدر عظیم و  
 خواص و مقربان حضرت گردون بسط نیت نیز در آنجا هستند  
 روزنامه را اینست سلام از امر او خوانین و صاحب منصبان نظام و  
 از ستوفیان عظام و پیر شریفان حضور با هر النور ملوکا میشوند  
 و هر یک در انجام خدمات محوله خود اقدام دارند و برای هر یک  
 از رؤسا منزه علی علاقه درست کرده اند روزنامه هر کدام در  
 منزل خود نشسته خدمات محوله خود رسیدگی میکنند

بنگارستان جاودت فرمودند

مقرب الخاقان معتمد در بار سپهر ام میرزا محمد صادق  
 و پیشکار مملکت آذربایجان که ما مور با انجام خدمات عمده  
 و اجرائی نظامات کلیه است و همه نظم امور است و منظور  
 نظرات و دایما خدمات نمایان و زحمات ایشان ازینجمله  
 در پیشگاه محبت دستگاه ملوکانه جلوه ظهور آمده است لهذا  
 ظهور محبت و عنایت حب الامریک ثوب کلیجه ترمه ازین  
 تن مبارک برسم خلعت درین اوقات مقرب الخاقان  
 مرحمت گردیده عالیجا همیرزا بابا یک پیشخدمت جناب  
 اشرف امجدارفع صدر عظیم حامل آن گردیده بر عتبات  
 آذربایجان شد

نظر باینکه درین روزنامه ای دارالخلافه طهران و اطراف  
 حرمی و صفا دار و افواج قاهره نظام متوقف دارالخلافه  
 مبارک که همه روزه در میدان خواجه شمس می کنند علیحضرت  
 اقدس علی بن شاهی ابد البیته و ابد البیته در روز چهارشنبه  
 غزیت تعین اطراف دارالخلافه را فرموده سوار شدند و سمت  
 امیرآباد و آن صفحی ت راکت و تفریح فرموده مسکام عصر

چون حاج فیض الله سلطان بجا لوسالها و توپخانه مبارک  
 سجد مسکداری مشغول بود در این اوقات سینه حضرت به سخن  
 التفات آید موافق حکم نظامی اولیای دولت جاویدند  
 منصب باوری توپخانه مبارک و زینت عالیجای امیرآباد  
 کرد که مراتب خدمتگذاری و جان شاری خود در پیش  
 مشهود اولیای دولت علیه سازد

چون نایب‌الجاه مقرب الخاقان میرزا عبدالغفار خان نایب  
 امور خارجه دولت علیه در انجام خدمات مقرر و اجرائی مهتم  
 مرجعه آثار کفایت مراقبت و شواهد اتهام و صدقت بطور آرد  
 و بخصوص در ایام تشریف فرمائی موکتاب یون بمیلاد قالیان  
 و ماوند که برای موظبت امور مهم خارج حسب الامر دربار آن  
 لرد بود در اظهارات و جوعات جنابان سفرا و مومنین دولت  
 مستجاب تعیین دارالخلافه و مراقبت کارهای ایشان بقضای قواعد  
 اداب مقرره سعی و موظبت و محاسن قیام و لطف کفایت و در  
 محرمت نگاه یون خصمه ظهور رسیده لند مشمول حمت و عنایت  
 با عطای یک قطعه نان درجه اول سرسکی با طایل مخصوص آن  
 زمان التفات آن قرین مباحث آمد

چون مقرب الخاقان محمد قلیخان ایلیانی مملکت فارس در انجام  
 خدمات دیوان و نظم اموریات ابوجهیمی خود محاسن کفایت  
 خود را مشهور و ملحوظ خاطر اقدس مسکایون شاهنشاهی و انبیا  
 دولت علیه داشته بود لند درین اوقات از جانب شیخ ابوجهیمی  
 محض و فرحمت و عنایت یک قطعه کار و شکل بالباسن باقیجا  
 مقرب الخاقان مشار الیه حمت کرد

و همچنین چون این اوقات مقرب الخاقان میرزا ابوجسین  
 وزیر مملکت فارس از عهد خجاست دیوانی و انجام خدمات  
 بخود در احسن اهتمام خود را اظهار ساخته بود لند لیکو جنبه  
 از جانب اعلیحضرت اقدس مسکایون شاهنشاهی برسم خلعت باقیجا  
 مقرب الخاقان مشار الیه حمت و التفات شد

میرزا آقاسی شیرازی رعیت دولت علیه که در مفاصل مجلس  
 در سنوا به منشی بود و بواسطه شایسته و زینجا سابق اذیت  
 او را از نو بسندگی بیرون کرد چون قرار در مملکت ایران برین

که نوکرهای دیوانی ما دام که سند اخراجی آنها در دست نباشد  
 کسی نمیتواند آنها را بنوکرگی نگاه دارد و نمیتواند نزد کسی نوکر شود  
 ما دام که حکم معافی خود را در دست داشته باشند یا منعی که اگر  
 نوکرهای پست کوچک باشند بجنس معرف حضور اقدس مسکایون  
 شاهنشاهی نباشد اخراجی آنها از رئیس کل آنها باید داده شود  
 از درجات بالا و معروف حضور اقدس شاهنشاهی با حکم اخراج  
 سنی ابوجهیمی یون در اخراجی آنها لازم است و بدون این  
 هیچ نوکر دیوانی را خارج از خدمت نمیتوان نمود لند بهین  
 بقضای اینست رسم بوده است که در باره نوکرهای مردم هم  
 له آقا و صاحب آن نوکر مخصوصا از معافی او را ندید دیگری خلاف  
 آداب میسازد که او را نزد خود نوکر نماید لند اولیای دولت علیه  
 بلاخط اینست و قضای اتحاد و یکجندی و لیسین و رسم متداول  
 که در نظر یکدیگر کالتی نداشته باشد با که نوکر کسی دیگری بدون اذن  
 آقای اولش برده نگاه دارد اول و در بنوکرگی ایندولت برقرار کرد  
 تا اینکه جناب سعیدی الیه رخا اخراجی او را بدلیلی ایندولت اعلام  
 بشمار نمود که هر جا بنوکر نوکر نماید در حریفی نخواهد بود اولیای  
 علیه را لیه را محض تفضل و حمت و مراعات جنبه بدت بنوکرگی  
 برقرار کردند و چون او در مفاصل مجلس منشی و عالم بوجاهت  
 و تفکوهای دولتی بود مناسب نیست که در دارالخلافه باشد و این  
 رکود جنابلی بخاطر سفیر اندولت برسد بحکم مسکایون بسند  
 موجب در حق او برقرار و ما مور توقف اصفهان و از آن تاریخ  
 که شش سال است در اصفهان با سمت منشی گری انجام و تصدی  
 عالی و حکومتی که از جمله بلوکات معظم اصفهان است و عنده  
 خدمات دیوانی اشتغال داشت اسال حساب کتاب و در  
 سند دیوانی خود در اقطع و فصل نموده بار از خلاف آمد و اوقاتیک از

۱۹۱۰

ظهورنا خوشی و با عموم مردم با نظرف و انظرف فراری بودند  
از برای مردم جواس و مجال کار رسیدن بحساب کتاب نمودن  
اولیای دولت علیه استدعی خرجی از بابت مواجب خود شد که در  
ناخوشی و اختلاف بر طرف شده است با داده و دادن بند  
که زیارت عتبات عالیات مشرف شد حاجت یاری بود  
خود را پرداخته بجهل تا قیوت و خدمت خودش معا و کینه  
استدعای بد رجحان عتبات معقون آمده از زم زیارت شد از  
فرا که این روزها از بغداد خبر رسید بستمور میرزا آقا  
مشا رلیه را با این تفصیلا پیش خودش برده است منظور  
او را بنویسند سفارت با خودش برقرار نماید و مبالغی  
دیوان اعلی را که مشا رلیه برده و بهین جهت طفره زده است  
بدید قصه حالت و رفقا چند ستموره و مقدمه میرزا ناصر  
در طهران که رعیت و نوکره واجب خورد دولت علیه انصاف  
و خلاف رسم موحدت و مصافات حضرتین را بطور آورد  
و باعث نعت کار گذاران اولیای دولتی و همچنین حال  
بخدا و میرزا آقا رعیت و نوکره مواجب خورد دولت علیه را منظور  
تصاحب از ند بر هر دیشوری مغلوب است که تا چه درجه در  
بنیان دوستی این دو دولت که سالها نزاع بسیار است حکام  
گرفته استماعی است مظنون اولیای دولت ایران این است  
اولیای دولت انگلیس راضی با اینطور قیاری مامورین خودشان که  
سنانی شرایط و دستی ندی دولتین است نخواهند شد جناب  
تبعکرات زیاد لباس عزیز حق بقره میرزا هاشم خان خواست  
اگر فقره میرزا آقا با این تفصیلا معقون بصدق باشد و  
سخواهد او را نگاهداری نماید آیا چه لباس آن خواهد پوشانید  
دولت انگلیس این فقره چه با خواهند گفت

کیفیت مراجعت جناب عمده الامرا العظام سیف الملک عبدالغنیان  
میر خجسته از سفارت گبری دور و ایشان بدر بار دولت علیه در  
ضمن روزنامه مقدمه سابق نوشته که مقرب النجاشی قان نتیجه النور العظام  
باجمعی از اعظام و اکابر و ارباب مناصب نظام و غیره تفصیل روزنامه سابق  
از جناب دولت علیه مور با استقبال شد بود چون بنا بر اتحاد دوستی  
دولتین فخرتین ایران و روس از طرف سفارت اند دولت بهین معتمد  
طهران هم رسم دوستی و انابت در روز و روز جناب معزری العظمی  
از صاحب منصبان آن سفارت هم ادای استقبال با باغ فردوس و دور  
نیز تقدیم رسیده بود و تا سی شبه بمدد و کلای دولت  
خود نموده بودند لکن اسامی ایشان در ضمن روزنامه این بهینه  
که مطالع کنندگان از رسم مصافات دولت را ایها استحضار حاصل  
و صاحبان استقبالین نیز حسب بودند و عالیجا میرزا یعقوب خان  
عالیجا غراف حیات عالیجا با دارالریاست عالیجا بکل روز صاحب  
مترجم اول سفارت نایب مترجم مترجم مترجم مترجم مترجم  
سفارت نیز بکل روز قبل با قریه کن با اتفاق عالیجا جان داود خان  
میر تقی مترجم اول دولت علیه استقبال نموده بودند  
کیفیت نشانیها یکدفعه اعلی حضرت کیوان وقت امیرالطویر مالک  
بلاخط اتحاد دولتین فخرتین اهدا و اعطاف نموده بودند اگر چه تفصیل  
روزنامه مقدمه گذشته نوشته شد و بواسطه اینکه چنان بنای معتبر دولتی  
بدون حامل نمی شود تصریحی تفصیل حاملات داده شده بود اما  
بجهت مزید توضیح و استحضار مطالع کنندگان درین مقدمه تفصیل  
حاملات هر یک از نشانیها نیز قلمی میشود نشان نواب سلطان  
اسراف و الا شاهزاده اعظم و الاتبار و المعتمد دولت ابد  
بانبند آبی روشن نشان نواب اسراف رفیع و الا شاهزاده اعظم  
با احتشام امیر کبیر نظام بقرت فرجام بانبند آبی روشن

۱۹۱۱

### بسطام و شاهپرو

از قرار یک در روزنامه بسطام و شاهپرو نوشته اند کمال  
 و انتظام از اتهام نتیجه آنچه ابن العظام جان محمد خان حاکم در  
 ولایت حاصل است ناخوشی و باینکه چندی در آن ولایت  
 ظهور و بروز داشت در این اوقات بجهت البدلی رفع گردیده  
 و مردمی که بجهت ناخوشی متفرق شده بودند با مکن و اوطان خود  
 مساعدت کرده مشغول کار و کسب و عیشتی خود و دعا گوئی ذی  
 اقدس همایون شاهنشاهی میباشند

دیگر نوشته اند در باب ناخوشی از قرار یک تحقیق پوست در نیم  
 شهر ذی قحط احرام باد گرمی در آن ولایت و حران و زیدیه  
 حرارت آن محسوس شد که مانند اینگونه در جلگه و فوادی  
 تهر و جازری استیاده باشد و حرارت آتش باو بزیز بود  
 و هر کس که آن باو خورد او را تلف کرد چون زوار زیاد  
 در آن روز از منزل شاهپرو دالی سبز وارد در ذاب و آب  
 بودند باین جهتی از آنها تلف شده بودند

دیگر نوشته اند که در شب عاشورا یک ساعت و نیم بصبح مانده  
 شاهپرو دروشی محسوس شد که مردم متحیر ماندند لاجرم معلوم کرد  
 مثل سیاره بزرگی بر روی قصبه برود آمد پس از آن مثل  
 ستاره که در آبزاری درستی کنند که در روی هوا از هم  
 میپاشد آن محل روشن می شود آنهم بر روی شاهپرو دیده  
 از هم پاشید و شهر اجهان روشن کرد که کوبا و خانه های یک  
 ده مشعل روشن کرده

دیگر نوشته اند که از دیوان اعلیٰ مبلغ معینی مقرر است که بسمه  
 در بسطام صرف تخریب داری جناب سید الشهدا علیه السلام

نشان جناب شرفنا مجد زرع مختص صدر عظیم حاکم ابی  
 نشان جناب خاتم نصاب نظام الملک حاکم ابن ابی حاکم  
 زردباریک نشان جناب مجد نصاب و زردول خارجه با  
 حاکم ابن کلک شایه زردباریک نشان عالیجا مهر  
 میرزا عباس خان مثنی اول وزارت امور خارجه باندکلک شایه  
 باریک نشان عالیجا مهر ملک خان مهر مجرم مخصوص دولت  
 باند سفید و قرمز

بعد از آنکه مرحوم محمد حسن خان سردار حاکم یزد و کرمان بر تازی  
 قایم شد اراده علیه همایون بر این قرار گرفت که در باره  
 و اولاد او که خانه را و نمک پرورده این دولت جا دیده  
 همایون و رعیت خاص این سلطنت جا دیده مناصب شایسته  
 و عنایتی شایان نمایند که دلیل امیدواری آنها به جسم بیکر  
 همایون بوده باشد مبلغ کبیران و مال بصدقه مقرر در حق سرکار  
 شاهزاده متعلقه مرحوم بزوشیر شاه متفق بر و فر  
 و مقرب انخافان محمد خان پسر مرحوم بزور که آثار شد  
 لیاقت از ناصیه حاکم شاهپرو در منصب خلیل میر خجکی و ان  
 بکبار و پانصد تومان موجب سرافراز در حق مقرب انخافان  
 میر بیگ حاکم یزد و نیز مبلغ شصت تومان و بجهت عالیجا ان  
 و عبدالحسین خان هر یکی نفری بمقدار پنجاه تومان موجب  
 عنایت فرمودند و فرامین مطاعه شرف صدور یافته از دفتر  
 مبارک گذشت

### سایر ولایات

ادری با بایجان و سراباد و اصفهان و  
 افرین و ولایات دین بجهت اخباری بنود

۱۹۱۲



شود چون در ایام عاشورا در نظام ناخوشی شدت داشت  
 عالیجاه جانمحمد خان بشا برود آمده ایام عاشورا در اینجا  
 بر اسم تعزید داری جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء  
 اقدام نمود و بجهت عاکونی ذات اقدس همایون شایسته  
 مکه و سلطان علاء و بر وجه مقرری دیوان اعلی که صرف تعزیه  
 میداد خود نیز تقدیر چاه تومان داد و طعام فقرا و مساکین نمود  
 دیگر نوشته اند که در شب دو مجسم حاجی کاظم نام هزارگان خود  
 شخصی که مشتری قد بود رفته بود که باو قد بفرود شد در اینجا  
 قببان هم کشیده و آتش سرقیان را در میان دکان سنجیده  
 باعقاد حاجی شارا لیکه آتشی را همه خاموش کرد ولی چیزی  
 از آتش مانده بوده است از اینجا دکان را بجا میبرد رفته بودند  
 آتش کم کم بچوب و باب دکان سرتیگ کرده و مشعل گردید  
 نزدیک طلوع فجر بقیف و آرسی رسیده چون دکان نزدیک  
 کاروانسرا بود در آنوقت دالان دارکاروانسرا خیر دار شده  
 از اتفاقات غریب چنان نظر از تجار سبز و آری را که در همان دکان  
 خوابیده بودند دید اگر دانهای تک پاپیرون دودیه بسیار  
 و خود دالان دار سبونی آب برده بود که بچشم آتش را بگوش  
 نماید تا دالان چمن آتش بظرف بار و طی که در اینجا بود رسیده  
 و سقف دکان را برداشته تیری سنگین بر سر دالان در آنوقت  
 فورا هواک گردید پس از آن خلق جمع شده آتش را خاموش نمودند  
 و اگر این مقدمه در نصب جلوه می یافت که کسی خبر داشتی شد چون  
 باذرات برود همه تیر پوشش و بهم متصل است احتمال خرابی  
 و تلف شدگی زیاد میرفت ولی چون نزدیک صبح بود مردم  
 جمع شده آتش را خاموش کردند غیر از همان دکانی دیگر خراب

خراسان و سمنان و اصفهان و ایلات  
 نیز اخباری نبود  
 عراق از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند  
 میرزا حسن خان در نظام لم ولایت و ترفیه حال عین و نظام  
 خدمات دیوانی اهتمام تمام بعمل می آورد قنات شهر نووان  
 اطراف را که از حد و ثبات زندگی و سیل خرابی بهم رسانده بودند  
 داده است تخمین کرده اند و آب فراوان در همه کوههای شهر  
 با اینیکه موسم کمی آب است آب جاری مردم در راه میمانند  
 و هوای اینجا نیز در این اوقات خوب و باغذال است و ایام  
 عاشورا را در کتبه دولتی ارک و ضیعا شریف با هم تعزیه دار  
 جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء و دعا کونی ذات اقدس همایون  
 شایسته مشغول بوده اند  
 دیگر نوشته بودند که خلیفه بزرگ ارمنه اصفهان که در کلیسا و  
 منزل دارد از بنده ارمنه مالک محروسه کویا حتی وارد که بطریق  
 میگرد در این اوقات بجهت اخذ وجه مبرور نایب مسان ارمنه و  
 صفحات فرستاده بود دستا ده مبرور و جوی وصول کرده خود نیز  
 مالی داشته است جماعت بسیاری که در سر بند سکنی دارند بقدر هزار  
 تومان بجا و مال وارزده بودند مرتب بتمتع باخاقان میرزا حسن خان  
 اظهار داشته بنشینان به بند را آوردند و مال را حکم مطابقت نمودند  
 او نیز رفته سارقین را پیدا کرده و اموال مسروق را بجا رساندند  
 و بفرستاده را بلیتیم نمود قبضه سید کی گرفت  
 فارس قزوین و قم و کاشان ازین ولایات است اخبار  
 که در کس از قراریکه در روزنامه کس نوشته اند امور ولایت بهرجهت  
 فرزندان و ازین و ناخوشی نیز از اینجا بخی رفع شده اگر در آن کاشان  
 و کرمان و نهاوند و ملا و مازندران و مکر و ازین ولایات اخباری

۱۹۱۳

### اجبار دول خارج

در جزایر دریای هند که در درجه صد و هفتاد و دوم عرض  
در حال ملازمی که بسیار نیک و حاصل آراست در شهر  
تا بوقان و طارون نام غیر چند و قوتش ازین زلزله  
و قوع یافته در سمت شمالی جزیره مذکور که همای او که بسیار  
سخت و بعد خاموش شده و احتمال سخن نداشت باز در  
ازد و کوشش بالا آمده صدای مهیب برخواست و فلزات  
که اخته از آنها جاری گردیده امالی آنجا قرین و شت و  
خوف وحشت نداشتند از دوات آن حوالی چهل و پنج  
در زیر نفس و فلزات که اخته بکلی محو و تلف و سه هزار گشته  
درین کماه هلاک شده اند و گذشته از آن در آن حوالی یکجا  
جنگلها را اس سوزانده و بقدر بقدر روزگهای بزرگ را شکسته  
و بره و تاخته است در میان آنها بقدر بقدر قطار سنگین  
شده است حال عد و این کوههای سوزنده بدو آمده رسیده است  
که که آن در فرنگستان دیده اند و ناپولی است و  
در مالک هندوستان و اوسترا واقع است  
و بگرد نوشته اند که چند وقت پیش ازین در سمت شمالی یکی درین  
نام که در تحت حکومت انگلیس است و در آنجا بسیار کوه کرده اند  
انها با یکدیگر گرد بادی شد حادثه و اصوات است انگلیسها  
گردید آنچه آدم در آنجا بوده است با هم شده و پنج خانه و چند  
کوه سفید حیوانات دیگر بر روی زمین زده همه را هلاک و تلف کرده است  
و باز در همان محل مذکور در یک جنگل بزرگ چینی درختهای قوی ازین  
گنده بعد ازین ایل شده است چندان قبل ازین باز در بحر سفید  
ابریک گشته است که کیفیت مجرب در چندین بود که گشته است  
عمده بطور رسیده است و در ظهور این گرد بماند چنان توپ و تفنگ

۱۹۱۴

### بسی ان خیا فای می کند بلکه بکلی زایل میسازد

دیگر در روزنامه جدید الحوادث اسلامبول نوشته اند بنا بر تجدید نسبت  
مصافحات مخادنت و کت و س با سایر دول از طرفین ارسال سفر  
از اقصای غیره دول اعتبار شد از طرف ولت بیست و نه جناب  
بوتیف سفارت ولت عثمانیه مأمور از طرف ولت عثمانیه جناب  
رئیس مجلس عالی تنظیم سفارت دولت روسین کردین و تبریک جلوس  
روس نیز علاوه سفارت را لید سفیر دول روس وارد اسلامبول و پادشاه  
مشایخ نیز با اجزای سفارت خود کشتی بخا فیضی نام از راه خوی  
عازم مقصد گردیده است  
و نیز در جدید الحوادث نوشته اند که جناب موسیو بوتیف بعد از ورود  
باسلامبول در روز شنبه بیستم و چهارم و پنجم محرم سال ۱۳۰۳  
خارج دولت عثمانیه جناب صدراعظم دولت مذکور طاقات بعد  
روز شنبه بحضور اعلیٰ سلطانیه فرمایند  
در مصر چون باران نمی آید میزان زراعت آنجا کم آب و دین است  
بعضی اتفاق می افتد که آب رود مذکور کم است نقصانی در دست  
حاصل میشود یا آب نیاد است و خرابی زراعت میرساند درین  
مازه تدبیری کرده اند که اگر آب رود مذکور کم باران نشود زراعت  
نقصان و خرابی نرسد درین سال بواسطه تدبیر مذکور با یکدیگر  
نیل زیاد بود است خرابی حاصل آنجا رسیده است بلکه فایده  
کلی نیز حاصل شده است  
موجب اخباری که درین اوقات از راه سیم صاعقه که لغزاف شده  
باسلامبول رسیده بوده است در لندن باران کی شدیدی  
شده است چون محصول صحرا بوده است ضرر زیاد بمحصول رسیده  
و چون آذوقه از اسلامبول بانولایت میسرند در اسلامبول  
آذوقه تری کرده و تاجر هم رسیده است

سابقا از جانب دولت انگلیس سهولت سیورسات که بر  
 قون لازم داشتی که سیاب و تنور در آن تعبیه شده  
 ساخته بودند که روزی آن میت و چهار هزار کس در آن  
 میکردند چون فوایدی از آن بد شد کشتی دیگری نیز  
 در دولت انگلیس شروع کردند که با نرد و دولت فرانس  
 حکم شده بود که در اسلامبول چند کشتی ازین قسم بدین  
 که همان سی قطعه باشد بقونطور اوردند که در زندین  
 که مصاحبه دول اتفاق افتاد بجهت اینکه فتح قونطور  
 کشتیهای مزبور را حکم شد که با تمام برسانند بعد از تمام  
 آن کشتیها پس ازین بموجب قونطور اوردند و غرض ازین  
 مأمول خواهد بود

دیکر نوشته اند که سابقا کوفندی که بلند می آوردند  
 آنها ناخوشی داشتند و ناخوشی آنها بکوفندی و سایر حیوانات  
 شهر نیز امتیاز میکرد و خوردن آنها باعث مضرت و مضر  
 میشد بعد ازین قرار گذاشته اند که حیواناتی که از خارج می  
 خصوصاً کوفندی و رسدکی مانند اگر مرض و علی و  
 قبول ننمایند و رد بکنند و اگر کشتی بکنی آورده با  
 کرده بدینند و اینر جمله بجهت حفظ صحت بسیار با فایده و  
 منفعت است

در این اوقات شخصی از اهل عراق روزنامه ای را که در  
 چاپ میشود تقدیم کرده است و نوشته است که در کسکسان  
 یکبار هفتصد و نود و نه روزنامه چاپ می شود و مباحث  
 و مفصده و بزرگه کارخانه اغلب اخبار را از روزنامه های  
 و چاپ می کنند و اکثر عبارتشان باینکه مطابقت است  
 پیش ازین یک روزنامه نویس فقره که در روزنامه نوشته بود

بعد از آن عین آن عبارت را ترجمه کرد و در یک روزنامه  
 بود و در صورت فروش این روزنامه مباحیاب بخواه آنها را  
 کرده است که همه ناکوفندی سالی پانزده هزار تومان می شود  
 یکساله همه آنهاست که مطالعیه کاتبه آنها را عمادی کفایت  
 نمی کند ولی چون این روزنامهها در بلاد و ولایات و شهرها  
 و محالهای متعدد و مشهور کلا بفرشند

سابقا نوشته شد بود که بجهت و تبصیر از طرف دولت  
 چند قطعه کشتی جنگی بطرف جمهوری مکسیکو فرستاده  
 بود و از طرف جمهوری مذکور پذیرائی سفیرش را لیه موفق  
 بسیار کردند کشتیهای مزبور در آن بود بموجب اجاری  
 این اوقات رسیده است و جنرل بوسن صورتی را  
 بازناسبات پولتیقه آنها استحصال و آماده شده است

در حالک المانیان در شهر شتت چند وقت پیش ازین شهر  
 بسیار خانها آتش گرفته و بامیت و چهار ساعت امتداد  
 زیاده از نصف شهر مزبور محترق گردید تا آخر الامراط  
 که آتش گرفته بود از عمارات و ابنیه با توپ زده خراب و  
 نمودند تا جلوا آتش بسته شد

دیکر نوشته اند که چند وقت پیش ازین علیحضرت امیر  
 استر به و پادشاهان پروسیه و عثمانیه و چند نفر دیگر از  
 حکمرانان ممالک المانیان در شهر تبلیغ که از ممالک استر به  
 جمع شد باینکه بکیر طاعات و مجلس مشورت منعقد نموده  
 روز مجلس مزبور برترار و با هم در اصلاح امور دول که  
 بعد از اتفاق آرا مجلس مشورت منقضي گردید و اولاً در نتیجه  
 هر کدام محل حکمرانی خود معاودت نمودند

۱۹۱۵

دیگر نوشته اند که قرآن کذری علیحضرت امیر طبرستان مالک رویه در سق  
 در بیست و نهم ماه ذیحجه بوده و بر حسب خبری که بعد از آن تا یازده روز  
 امتد و ایام عشرت خواهد بود و در ششم محرم اجر خواهد گردید و نیز نوشته  
 که بجهت تاج گذاری علیحضرت امیر طبری علما و دبایان هرتی  
 در مالک و سینه است بمقتود دعوت کرده است  
 در کیفیت تاج علیحضرت امیر طبری نوشته اند تا جیکه بسرخوابند که  
 مزین بالماس است و از جواهراتی که در تاج نبوده و نصب کرده اند یک  
 الماس روزه و اوروف نام بزرگی تخم کبوتر و از آن بزرگتر هم قطعه  
 با سم که همت الماس بر لیا نانی است در تفصیل این که همت  
 نوشته اند که از پادشاهان ایران در دست نادر شاه بوده است  
 در صد و دوازده سال قبل ازین نادر شاه معقول و متراز و جوهرت  
 تلف این الماس با یک قطعه زرد بزرگ چشم خدا نام بدست  
 افتاد و شاهانیه از آنجا بر سر عیث نموده در آنجا این سنگها بر  
 شرط نام که از ملت عیسوی بوده است بر اند و یک فینب نام  
 از کفک کرده زرگر بر روز از اینک چن سنگها بدست اینطور آدمی افتاد  
 قیمت آنرا میداند استبا طسرت کرده و متامل شده گفته بود این  
 برادرهای خود مشورت کرده فرد این سنگها را منجم افغان  
 از کفکوی زرگر بر بوشه و خوف افتاده دیگر بروقت او زفته  
 از آنجا بعد از غنیمت کرده بود زرگر بر بول بعد از چند سال که بجهت  
 خود بپند آمده بود در آنجا با آن افغان ملاقات و از سنگها جو  
 او گفته بود که سنگها را بیک یهودی بیسی نیده و مشقت هزار فرو  
 که معادل هزار و دویست تومان پول ایران با و ختم ام زرگر بر بول  
 یهودی زفته گفته بود من این سنگها را بدو بیسی نیده که داده میخرم یهودی  
 رانسی زرگر برادران خود را نیز از بصره احضار و اتفاق بان  
 بقری یهودی راکشته و جواهرات متصرف شده بود چون این

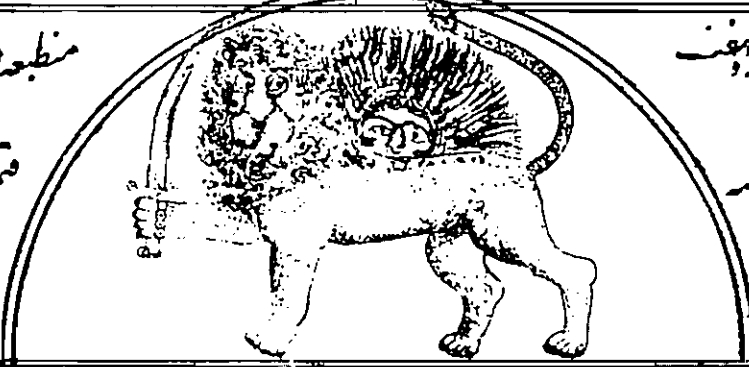
سنگها جواهرات دیگر نیز بود در سر تقسیم آن مابین زرگر و  
 برادرش منازعه شده مشارالیه برادران خود را نیز منسوب  
 کتا تصاحب کرده از آنجا با سلاسل و از اسلامبول نقلت کرده  
 آنجا این سنگها را بیک انان و ن ظهار نموده شرف تمام یافته در آن وقت  
 پادشاه مالک و سینه که گزین دویم مشهور بود زرگر بر بول را خواست  
 بهای آنجا بود فقط کوه تاسا بیاض صد هزار قارون که گویا  
 که هر یک چهار هزار دینار چینی که بحساب پول ایران قیمت و در هر  
 ده هزار قارون ستمی و قیمت اصلادکی است که کرده بود چون در اول  
 زیاد بظن آمده بود گزین ستمی او را با خیر انداخته مشارالیه چند  
 در آنجا محفل مساعی مرقص و خلیا بعبر شده بعد از آن بیع این  
 از جانب گزین دویم با تکلیف قبول کرده بود و هر که بود بقری  
 آنجا بیرون آمدند در پادشاه سپه خن گزین مرقص او فرود آورد  
 بیاقه بود بعد از چند سال با زرگر بر بول بدولت روس فته از جانب  
 زیاد از بجای اولی و داد آن خواه آن در امر با و قرار داده شد  
 قارون و نقاد بر قارون بر و ستمی و وجه قیمت اصلادکی  
 با و داده شده از آنجا بکر جستان آمده تا مقصد کرده دولت او  
 بد و از ده هزار طیان قارون رسیده آخر الامر مکافات  
 ناحق برادران پاچ عمل او شد پسرش بطح اموال او را  
 هلاک کرده و این حالت زفته رفت سلا با و داد  
 کرده و یکدیگر بی بضاعت تلف کرده بحال بهره از اول  
 آن زرگر که باقی مانده اند شدت فقر و فاقه و چار و  
 در درجه سوال میشد فاعبر و با اولوالبصار

ح

۱۹۱۶

# روزنامه قایق آقاویسیخ یوچربنیم صفر صفر اول لوی سیل

منطبه دار الخلا و طهران	نزهت و نود و هفت
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
هر خطی هر	هر نسخه هر



## اخبار دوله مالک محروسه پادشاهی

<p>تا بخامشول نشکند لوی باشند</p> <p>عالیجاه تیمور قلیخان هزاره با چند نفر از ریش سفیدان طایفه خودش بدر بار محلت دارهایون آمده بودند نظر بطور مرحوم ملوکانه در حق آنها خلعت و انعام عنایت فرمود حکم تجبه قرار بورت و سکونت آنها حمت و اولیای دولت علیه قرار بوری آنها را داده از دربارهایون حصص انصارف حاصل نموده و مقرب القاجان محمد سوم خان بی بی باشی و حاکم نهادند که درین دربارهایون شاهنشاهی آید سوار چریل را که سابقه درک نظم درستی داشته و از جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که آنها را هرست و سب و اسبابشان را همیاد داشته بجز مبارک بیاورد در این اوقات آنها را در کمال آراستگی با اسلحه لباس خوب و کلاه و روغن بپوشید که عالیجاه عظیم پسر خود آورده و اولاً بجز حکم اولیای دولت علیه بگردد و بعد از آن آنها را کلاه و اسبابهای آنها را داغ و لنگهها را بچاپ و استیگنی آنها مقبول و محسن خاطرهایون افتاده مورد حسن التفات و انعام ملوکانه شدند و عالیجاه عهد آنجا بزرگ در نظام سواره فرمودند</p>	<p>دار الخلا و طهران</p> <p>در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت آقاخان پون شاهنشاهی بطراوت و زهرت باغ نظامیه که بجز روح و صفا و خوبی عمارت کمال اعتبار دارد در تشریفهای باغ نظامیه گردیدند جانب جناب شرف امجد صدرم فیم و متعلقان این لوازم و پیشکش و پای انداز بطور شایسته عمل آمده نهار در آنجا حاضر فرمودند و عصر در آنجا تشریف داشتند و بر وجود مبارک خوش گذرشته بعد از صرف عصرانه و چای بخارسان عیادت فرمودند</p> <p>عالیجاه سردار سلطانعلیخان بنظر الدوله پسر مرحوم سردار کهنل خان باخانه عمال از قندهار بیرون آمده بزمین خندان دولت جاوید آیت رض آهس آمده و عالیجاه محمد اکرم که رئیس بزرگ طائفه خندان است برکات مبارک در بزم مشارالیه شرفیاب حضور مبارک گردید از جانب ریش سفیدان طایفه پسر در سلطانعلیخان بنظر الدوله و خود مشارالیه و سایر ریش سفیدان احکاماتی مجرب شده و اخبار حاجات آنها را نیز اولیای دولت علیه در ارض آهس قرار دادند که در</p>
---	--

۱۹۱۷

اتهام بوده بود مورد تحسین و عنایت گردیده و حسب  
 چهار وسیله است آنجا حرکت به همراهی عالیجا محمد  
 قاجار را مورد خلوی کرمان گردیدند  
 چون باغات و عمارت قدیمی سطلانی که از اطراف و در  
 افتاده بعضی خرابی در بناهای آنها رود و او است حسب  
 اقدس علی او بای دولت علیه قرار تعمیرات و مرمت  
 بناهای باغات و عمارت ملوکانه را که داشته اند از جمله  
 نکارستان که بر ور و سخرانی که داشته و از اطراف و در  
 اولی افتاده بود با کمال خوبی شکوفا شده و بارون تمام  
 بارون خنی بهتر از نظر قدیم بنای خوب ساخته و مرمت  
 و مراقبت معرب انجان حاجی علیخان حاجب الدوله  
 و بعضی بناهای تازه طرح هم بنای قدیم آنجا افزوده شده  
 بطوریکه زیاده و شایسته احداث بنا گردیده است که این  
 باغ نکارستان از مسکانه و محل اجلاس ملوک هائون  
 در شب و شب جمعه ماه صفر که شب عید مولود علی حضرت  
 هائون شایسته ای او ام الدایم سلطنت بود حسب الامر  
 و آشنایی در عمارت نکارستان در حضور مبارک فرام  
 بعضی از شاهزادگان عظام و بیرواص و مهران حضرت  
 بطلت سینه شرفیاب حضور هائون بودند آن شب  
 گذرانده فرمای آن شب که روز عید مولود مسعود بود سفرای  
 شاهی بقیه در آن محله الباهر بقا عتد اوله هر یک در  
 معینه با اجرای سفارت و با لباس رسمی برای تبریک عید مولود  
 مسعود هائون شرفیاب حضور ملوکانه شده مورد تعقدات  
 و عواطف حسنه و آلی گردیدند و هائون اعیان بزرگ در وقت

سلام با سلام عام داده شد انسانی دولت غنیه و شاهزادگان  
 عظام در رؤسای نظام و پیران سلام از خوانین و مستوفیان  
 هر یک در مرتبه و مقام خود شرفیاب گردیدند اجزای شلیک توپ  
 زینور که بقرار معمول شد بعد از آن دای خطبه بلخ بنام  
 هائون و اختتام بر عاصی بقای عمر و دولت ابد مقرون گردید  
 و عالیجا میرزا محمد علیخان شمس لشر اقصیه غرض حضور مبارک  
 رسانید حضرت اقدس هائون شایسته ای خلد الله علیه و سلطه  
 جناب شرف مجد ارفع صدر اعظم را مخاطب سخبات حسب  
 فرموده از خوبی هوا و ارفع ناخوشی و از زانی فرادانی فضا فرمای  
 فرمودند و از جانب جناب شرف ارفع صدر اعظم جناب محمد  
 نصیب نظام الملک و ابرعیان و اکابر در با هائون و وکلای  
 ولایات هر یک جدا جدا فرخواست و حالشان خود همه تبریک عید  
 مسعود تقدیم پیشکش حضور مبارک شده و سلام منقذی گردید  
 شاهزاده محمد یوسف افغان را که پس از ظهور خانیتهای بزرگ از اولاد  
 شاهزاده و الا با حرام سلطنت سلطان مراد میرزا و الی ملک  
 روانه و زیاده هائون کرده بودند اگر چه بعضی جای عفو و تقصیرات  
 جرایم عظیمه او نبود از آنجه بعد از آنکه خود را بهرت رسانید و چند  
 و حکومت آنجا خود مستقل دید بر هم خود فرامین صادر کرد و مهر جدید  
 زد و الفاظ خفیه مستحجنه که لاین ذکر نیست با علی حضرت شایسته  
 ولی نعمت خود که سالها در در آن خلافت طران و ملکات حیران نعمت  
 دادند و همزمان فرمودند با تصریح نوشت که الان همان تو شایسته  
 فرامین ادر است است و بدیهی است که در آنرا چنین تقصیر  
 عظیم که بخط و مهر اوقات شده است و سایر خانیتهای بزرگ  
 مشغوب قتل بودند اما جناب شرف مجد ارفع صدر اعظم بنا بر

۱۹۱۸

رفت فطرت که نسبت همو خلق دارند مطالب مناسبتی بود  
 که شفاعت از او در خاکبای اقدس کایون یا تا قلم عفو بر حرام او  
 کشید و شد شب عید مسعود مولد کایون که هنگام فیضان عفو  
 خسروانی نسبت به احوال عموم سابق از وضع و شریف بود جناب  
 اشرف امجد ارفع خیابان وقت مبارک مغتنم شمرده بوسید عیبه  
 بنای شفاعت را در خاکبای اقدس کشید و دستخط کایون  
 در جواب عیبه شرف صد دریافت کافی و معنی انحصول  
 نبود حاجت بعرض عیبه دومی دستخطی افتاد و مکرر با سبب  
 و شفاعت متمک شدند و بنا لغد در طلب عفو و کرم خسرو  
 بعل آوردند تا از مضمون دستخط کایون در جواب عیبه  
 امید واری حاصل که حال عفو بخش لوگانه از پرده مبارک  
 خاطر خیر کایون شاهی چهره کشید و باین امید  
 قرار دادند که شاهزاده محمد یوسف فرزند اوی آن شب که روید  
 مسعود مبارک بود در سلام عام و محصر کل اکابر و اعیان دولت  
 ابد و فرجام با حضور حاصل نماید بعد از آنکه در این مجلس بزرگ حاضر  
 آمده و او را با ملو اوجه و منظر کایون وادار شد خطاب طو کایون  
 باینطور صادر شد که چراسید محمد خان خیر الدوله را که خدمت  
 به دولت امیکرد و ما او را در پناه خود گرفته بودیم بقتل رسانید  
 در جواب عرض داشت که او را حقوق نعمت و جزیای شاهی  
 اعمال صلاح جزای جزیای خیرهای خود را دیدید محمد خان همان است  
 که جمعیت از افغانها تهیه کرده تباخت قایمات ملک این  
 و ستاد و باخان خیره اتفاق نموده و آدم یکویک او فرستاد  
 در عوض جزیای پادشاهی دست با نواع جزیایت زد این بود  
 که خود گرفتار شد بعد سرکار اعلی حضرت اقدس کایون خطاب  
 کرد در اول و دو خود بهرات عربنده با ویای دولت و شفاعت

۳

استیاد کردی و قشون برای دفع امیر دوست محمد خان خوشی  
 محض ملاحظه احوال تو که با حسان و تمت با عمری گذرانیده و  
 تو هم در پناه دولت بودی و دفع امیر دوست محمد خان و خط  
 حکومت بهرات که بر لازم بود بر حسب استیاد کایون قشون فرستاد  
 چرخ عیبه خدمت یا عیبه کردی و عوض همان نواری همان  
 کردی بعضی رسانید که عیبه را من و پرورد و اعیان افغان  
 بهرات عرض کردیم چون آنها بواسطه اغوی امیر دوست محمد خان  
 برشته و مخالفت کردند من بنهایی سوایتم که از غمده عیبه  
 بر آیم مراخی لعین مجبور مخالفت کردند مختار درین عمل بودیم  
 در این اثنا اسی هم از دولتهای بزرگ میان آوردند و پادشاهی  
 پاره بنهتهای ناید و خیل درین محاطات که سرکار اعلی حضرت  
 این رشته عیبه را خوش شسته و شایسته فرزند و پادشاهی  
 کلام و فریادهای لوگانه از این رشته منصرف فرمودند و از خیا  
 بین و آشکارا و تعداد او را در از راه آنها مستوجب است و تو  
 که در این اثنا جناب اشرف امجد بط نام بر ساط شفاعت داد  
 شمول عفو طوگانه را در هر حال مستعدی شد و عرض کردند که اگر  
 تقصیر شاهزاده محمد یوسف بزرگ است تا کرم و بخشش خسرو  
 بزرگ است و این اول کدشتی و بخشش نیست که از کارم  
 مرتب پیرای خسروانه بر احوال مجربین و معصومین شده باشد  
 این یک مجرم خاص نیست اگر در عهد آنها محبوب شود از کرم خسرو  
 بعید و بدیع نخواهد بود سرکار اعلی نظر با سبب و مبالغه  
 جناب اشرف امجد و عیبه با اشرافان ذیل کدشت بر  
 جرایم ما کشیدند و بطوگانه معرون فرمودند  
 نظر حسن خدات و اتمام امیر انام از العظام محمد ناصر خان  
 بابشی در ترتیب سلام عید مولود مسعود خدات استحسن و قبول خاطر

۱۹۱۹

اقدس میاوند شاهی افتاده یک شوب جبهه ترمه اعلی از  
بلوس خانه خاص بهم خلعت و حرم فرمود

نظر بطور خدمات و صدق و امانت مقرر بخان میرزا  
این که در انجام عدت محوله خود خاطر او است این  
اولیای دولت علیه را از خود خرسند او بود لکن  
شایسته حرم لوکانه آمد حب الامر یک قطعه نشان  
از مرصه میرزا بیک با جمیل مخصوص بان بقرت بخان  
مرحمت فرمان مبارک درین شب صدوق

چون عالیجا میرزا حسن شستر در فرخنده مبارک کوشش ماری  
عید مولود مسعود که در باغ نکارستان در حضور بایون در آن  
بود حسن خدمت خود را ظاهر خسته و تشبیری فرمود که در میان  
حسن او و پیران شجارت بقیه بود در نظر انور لوکانه خوب  
لذا از جانب شی الخوان لوکانه یک شوب جبهه ترمه مشایر  
دبیت فرمان هم بقو چنانچه که در حضور مبارک مبارک  
بود نظام حرم کردید

### سایر ولایات آذربایجان و استرآباد و اردبیل انیز ولایات دین نهمه اخباری بنویسند اصفهان

از فرار یک روز نامه اصفهان نوشته اند امور ولایت  
حسرت و اتهام بواب مستطاب نزاره والا مبارک حرم الله  
قرین انظام و الضبط است با امور عیاد و بریار رسدگی  
دارند در ایام تغزیه داری حضرت المجد الله حسن علیه السلام  
نوامیس سنی المیغارت تالار طویل را بهر اسنوا سابقه حکم مقرر

سالمی دیگر که بسته در دهم عاشورا عامه مردم از ضعیف و کبیر  
تغزیه داری آمده بعد از مراسم سوگواری و ذکر مصیبت حساب  
سید الشهدا علیه الافنا الثجید و الثنا بجا کونی ذات اشرف  
شاهی مبارک در شب نموده اند در سایر نکایای محکات سید  
نیز لوازم تغزیه دار بر بطور خوب معمول داشته اند و بعد از آن  
عاشوراء بنظم امور ولایت پرود خسته چون اول میزان نکات  
بود لکن از آن معسری بالیه تمامی ضابط و تقال و که خدا بایون  
سیدان بلوکات را خواسته و غنم تا کیده نمودند که در وقت  
بذرافشانی فراخالصه و اربانی وقت و اهتمام نمایند که تاخیر  
توقیر در امور زرع واقع شود

درهم چنین در تعمیر عمارات دیوانی خصوصاً عمارات عالی قاپو  
و تکیه زیاده نموده اند و هر روزه تیار و چهار و نقاشی  
سایر عمل در کار تعمیر عمارات میباشند و غنم در نهایت  
و خوبی صورت اتمام خواهد یافت

و نیز در باب انظام امور جبهه اتهام زیاده نموده اند و هر روز  
اصناف انجام مشغول ساختن و پرداختن بجهت اسباب جبهه خان  
مبارک میشدند و در باب انظام امور ولایت و غوری بعضی  
ریا دقت و اتهام دارند علاوه بر عرض دیوانخانه که در روز  
بعضی نواب مغزی ای رسیده بروفق عدالت امر آنها فصری یا  
هر کس عرضی نواب مغزی ای شده باشد میمانی رفته و طلب در آن  
بنماید و امور شهر و محلات منظم و بندرت سرت و سرتی اگر  
اتفاق بیفتد رفق و شمر بر اتهام دارند و که خدا بایون  
دستگیر و از حق قصیر قسیمه میشود و از اجناس و مالکات چیز  
مسجد الکمال و نور و دارد

۱۹۲۰



بروجرد و عربستان و بطام و هرود

این ولایات نیز اجاری نبود

خراسان از قرار یک در روزنامه خراسان نوشته

بجهد الله نهایت اقتدار و انتظام را دارد و فوریت و ارزانی

سبب مزید سکرانه و دعا کونی عموم ایالتی است قبل از

عاشورای خوشی و بار ارض اقدس بوده است ولی در روز

از برکت جناب سید الشهدا علیه الاف التحية و الشاکلی دفع کرد

و در صحن مبرک کاشان آمده بدی علیه و علی آینه و انبیا الاف

و الشنا و سایر تجایای شهر و مساجد مردم مشغول تعزیه داری

جناب سید الشهدا و دعا کونی ذات اقدس یون شاهنشاهی

صان الله ایام سلطنته عن التناهی بوده است

دیگر نوشته اند که چون ترکمان خرس در این اوقات بنای

و تاخت و تاز را که همیشه بودند ترکمانان تکه خرس را که در

اقدس کردی بودند عالیجا حاجی سکرانده خان سرمنگ توپخان

سبار که تانارا بمنزل خود خواسته و آنها را گرفته باریک و ستاد

مجبوس نمودند

دیگر نوشته اند که فات امامزاده شاهزاده محمد محروق و حجب

که داشته از فی انجا حجبی آبی لم برع و از غیر انتفاع افتاده بود

و چند درخت باغ و غیره که در جلو ایوان مقبره امامزاده بودند

بی آن شک گردید و آنجا بجای از حلیه آبادی افتاده بود در این وقت

از راه خیر و ثواب حصول دعا کونی دولت جاوید علیه عالیجاه

اقا سید میرزا حاکم عیاش پور فتوایی که وقف آن امامزاده بود

مقتنی و عله انداخته و تقیه نمودن آب معقونی جاری کرده و نهان بسیار

از هر گونه اشجار داده است در آنجا نشاندند و آنجا را خوب

دیگر نوشته اند که شخصی نزد عالیجا حاجی سکرانده خان بنک

آمده مذکور داشت که سه نفر شتر دبیرون شهر میصاحبند عالیجا

مشا را بیه فرستاد شتر را آورده داد پشای تخت وار و بعد بر

و جارچی در شهر انداخته جا کشیدند بعد از سه روز صاحب

پیدا شده شتر را نسیم او نمودند

و هم چنین دو نفر ضیفه بنزد عالیجا مشا را بیه آمده مذکور داشتند که

اسبابی از منزل ابرقت برده اند و سارق را نیز می شناسیم

و را گفته بودند بنزد کلانتر فرستاده آن شخص را خواست و حاضر

کردند در مقام تحقیق برآمد اول امتناع داشت بعد از تهدید

و تعذیب او را کرده اموال مسروقه را از او تمام و کمال بگرفتند

و او را خورسرت تنبیه و سیاست نمودند که بعد از این که در

خم از قرار یک در روزنامه خرس نوشته اند

چراغی خان حاکم آنجا در انتظام ولایت و اسودگی رعیت

خدمات دیوانی اهتمام و فی بعضی آورده و امور ولایت

بهر جهت منظم و مضبوط و عبادت برابرا آسوده خاطر هر کس کار

و رعیتی خود در دعا کونی ذات اقدس عیاش پور شاهنشاهی

دارد

دیگر نوشته اند که فوج چهارم از بایجان ابوالجمع عالیجا

سربک که بدر با معدلت دارتایون احضار شده بودند

بسیار محرم وارد آنجا شده و در روزم توقف کرده اند

عالیجاه حجت الله خان سرمنگ فوج بزبور که سه راه فوج بود

انها را با نهایت نظم حرکت داده و انانی بجان کمال رضایت

از معقونیه مشا را بیه حسن سلوک سربازان او داشته اند که

مادام توقف آنها در آنجا احدی از اهل انولایت از آنها شک

بعد از دو روز توقف روانه مقصد شدند

۱۹۲۱

دیگر نوشته اند که طغی پس بیست سالگی دست چهل روز بود که هر دو چشم او بسبب آب نمین شده بود پدر و مادرش بعد از آنکه از جفا او با یوسس شده بودند او را برده در قهقهه امامزاده که مقارن روز بود بقره دین است گذاشتند و شب بیتی در محرم دو ساعت از آن طفل هر دو خود را بنیاد بد جسمی الهی آنجا این گذارش را بر بی ایستاده کرده و از جانب حاکم و سایرین قربانی و نذورات امامزاده واجب الحکم برده و روزی زیاده از دو هزار نفر زیارت آنجا میرفتند و مقرب آنجا خان پیر اعظمی خان بعد از پنج قربانی در آن وقت بقعه قبر که اعانتی بهم بجهت حصول دعای خیر برای ذات اقدس شاهنشاهی بان طفل و مادر او نموده بود تا بحال بچست رخت که پاره آن طفل دوخته و پوشانده اند مردم همه با توجه تین و تبرک پاره کرده اند

نوشته اند نزدیکی دروازه رازان سلطان آباد که اخر شهر است و از آب دور دران سنوا که کم آبی بود سیچ آب بان دروازه میرسد درین سال بجهت حصول دعا گوئی دولت ابد است مقرب آنجا خان میرزا حسن خان آبسار بزرگی که کفایت است کمال آن مخلوقان دروازه را بکند با تمام سازه و الهی آنجا از اینخصی زیاده کرد دعا گوئی

و همچنین بل و نیز آباد تیر که درین سال از شدت سیل خراب بود چون محرم سیس قوافل و زداری که بقیاست عالی است میروند اجاست و از جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که بل منور سخته شود در این اوقات سخته شده بود کمال خوبی و سخته با تمام رسیده روز آرد عابرین برین محلی بسیار دعا گوئی و شکر گوئی میباشد

دیگر نوشته اند که چون بقا قرار الهی در جان در باب مر فحاشا که از طرفین و کلا تعین میگردند و کلا نیز بجهت کثرت کار و عادت جیل شرعی استحصار بهم رسیده اغلب مر فحاشا به خود مر فحاشا می آید که هم میگردد بطور آه و بسیاری حقوق مسلمانان بی با و باطل شده بیدر میرفت و با بطول می انجامید و باین جهت مدعی و مدعی خانه خراب شده از کار و کاسبی باز میماند در این اوقات مقرب آنجا خان بجهت صلاح حال مسلمانان و اینکه مر فحاشا زود بگذرد قدغن نمود که بعد ازین دکالت نکنند مدعی و مدعی علیه خود و برآ قیام نموده بزبانی که دارند خود حرف زده امر خود را بکنند از روزیکه این قدغن را نمود است بسیاری از مر فحاشا زود بگذشته طول نمی کشد بلکه بجهت زود گذشت مر فحاشا حالاندرت مر فحاشا

و همچنین بندینور که از بنای سلاطین معنوی بود درین سال و سیل شدت کرده بند منور را آب برده بپاره کرده و قریه منور به بکلی بی آب و خواب مانده از جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که بند منور سخته شود و مقرب آنجا خان میرزا حسن خان آدم و معمار فرستاده حالت کیمیا است که مشغول بسخت میباشد نشا الدردین روز با تمام خواهد رسید

دیگر نوشته اند که در آستانه قبر که سهل ابن علی یک نفر زن دیوانه شده بود و مدتها باین مرض مبتلا بود هر چند اطباء بر وجه و غیره معالجه کردند مفید نیفتاده بود این اوقات کارش خرابتر و پاره کردن و کشت عورت نمودن کشید که بان او با عفت کامل او را بر وضه تبرک استانه برده بکشد در آنجا سخته بود از کرامت آن بزرگوار آن شب در آنجا شفا یافته بود صبح آنجا

هم میرسد  
خوان رو کلیایکان و مسلمانان  
ولایات نیز درین وقت اجزای نبود  
عراق سلطان آباد از حرم در روزنامه عراق

سختانه برود دیگر بهیچوجه خوشی و خوبی ندارد  
دیگر نوشته اند که در پنجم ماه محرم کرام در دیوانه بزرگ و کرامت کیمیا است زنه ای شهر بجهت تجربه داری در پشت بام دیوانه آنجا

۱۹۲۲

جمع شده بودند صغیره از نبت بام که ده درع راه است با طفلی که در اغوش داشت بزیر افتاد بر روی آجر نظامی و شش و از گرامت جناب اباعبدالرحمن نه بخود او آسبسی رسید و

### فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور اولایه قریب انتظام و انضباط است و وفور نعمت و کمال رزائی و فراوانی حاصل است سال را نغهای نافع و بوقوع در صحنه محکمت

فارس آمده و تمامی محصولات تری و صیفی و اشجار مشهوره آن وقت سماوی وارضی بعل آمد و هیچگونه ناخوشی بجهت الله در اول ظهور و بروزند داشته است الهامی ایجا در عین آسودگی بکاس

و شغل خود و دعا کونی ذات اقدس عالیون شاهنشاهی استوارند و نوا استظا شب مزاده والا تبار صا الله و اله حکم آن محکمت فارس در نظم امور ولایت در راه حال عیث و انجام خدمت

دیوانی کمال اهتمام و مراقبت را بعل می آورند و همچنین مقربان شجاع الملک و شیر الملک در وصول و ایصال نالیات و تقریب محاسبات بکمال اهتمام را بعل می آورند و افواج قاهره

موقوف فارس از توپچی و سرباز همه روزه در میدان حاضرند مشغول مشق نظامی میشوند و از جانب صاحب دقت و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها میشود

دیگر از قراریکه در روزنامه بندر عباسی نوشته اند جناب صدیق از بندر عباس وارد بندر مسقط شده در روز و در اولایه عنایات اولیای دولت اید مدت قاهره بر خودی سعید

داده و بیانات کلمیه نموده بود و الهامی بندر مذکور از صیغ و شریف عالی و ادانی غریب و بومی مشغول دعا کونی دیانت اقدس عالیون شاهنشاهی بوده تقدیم مبارکبادی و تحو

نمودند و مش را بر شرح مغایرت خود را بجهت اطلاع الهامی عنان و سواصل وغیره نوشته ارسال داشت و هر چه از رعایا و اشجار خوشش نشین بندر عباسی که از بندوی وحید را آبادی و بندوی

عبره در بندر مسقط بوده اند همه را کو چانه رولند بندر عباسی و الحال تمامی رعایا و خوشش نشین بندر عباسی معاهدت با کمال خود نموده و مینمایند و مشغول تعمیر خانههای خود و کسب تجارت

و دعا کونی دولت ابدیت میباشد و قوافل زیاد با تنجا عبور و مرور مینماید دیگر نوشته اند که چون ایام برسات است و جہازات سفری

بکاره جات و غواصهای بنا درات بواسطه سیکه فصل در دراز مدت در دریای جزیره بحرین و جزایر فارس مشغول اند

صدف مروارید از اول موسم تا بحال مینمایند قزوین و شم و کاشان و کرس و کرس و کرمان و کرمان و کیلان و مازندران

طایر و همنها و نند و همدان و یزد و ازین ولایات نیز درین مهنته اخباری بود

### احباب رول خارجه

از قراریکه نوشته اند در ایالت پوزینه که از حالک پرورش است شهر پوزین براد دولت پرورش از نبت و هفت سال قبل ازین که

استحکام میدهد در این اوقات بدنه دوز و طعمهای ادب آنها رسیده و سواهی این در خارج صور ارتش قدیم عبارت بوده در مدت شش سال قرار گرفته اند با نام برساند و یک خط دیگر عطاوه نمایند و در وسط شهر مذکور در قلعه دیگر نیز بنا دارند بعد از ساخته شدن تمامی آنها شهر مذکور فوق العاده مستحکم و مصبوط خواهد بود

۱۹۲۳

دیگر نوشته اند که ولید مدظل السج و نور و جاجند وقتش از  
 بایک نشی مخصوص بعضی مجال فرنگستان ریاحت که در این وقت  
 که معاودت نموده است در ریاضی مالک نشی او بکل نشسته و بعد از آن  
 غرق و شکسته و لکن ولید را لیه و برهانی کشتی بلا سبب  
 آمده اند

دیگر نوشته اند که از برای تاج گذاری علیحضرت امیر طور و روستا  
 دولت روس مالی خارج که بستو میرو چون مدد و مقدار این  
 زیاده از حوصله کجایش شهر مزبور خواهد بود بعد از آن سالی که با سخا  
 هر کس در محلی که باید قامت نماید اگر سندی برابر کند از جانب حکومت  
 راه با دوا و خواهد شد

تاکنون چند دفعه در روزنامهها نوشته شده است که در اسپانیول  
 محل که احتمالاً و اعتشاش ظهور کرده بود جلوه آنها گرفته فقط مالی  
 مملکت صراغوسس باغوا سی جنرال قالقون نام از دایره اطاعت سر  
 زده بودند از جانب دولت اسپانیول جنرال دوس باقونی  
 با بخار فقه مالی مرقومه را ترک افاد و اطاعت دولت تکلیف نمود  
 تا پنج روز متراکه کرده. مملکت داده بود مالی آنجا نیز مخالفت با  
 و خیزش خود میدیده لابد باید برفت و اطاعت در آمدند  
 قالقون که محرک آنجا بود سبب و نه عزیمت نمود و هم از نظر  
 دولت بسیار شهر زور جنرال سلس نام عهد با دولت مزبور اطاعت  
 عیسان و یاری نموده موخر چون دین بود که کارش پیش نمیرود  
 خود شش را طاک کرده و مالی شهر مزبور نیز در جیب و ملت کردید  
 احوال در هیچ جا از دولت اسپانیول اثر افاد و شترت نمانده

امن و آرام گردید است

دیگر نوشته اند که در میان اشخاصی که سبب اختلال و اعتشاش  
 بودند در بعضی مجال اسپانیول از عساکر غلبت در میان آنها با

میشد در این اوقات اکثر عساکر مذکوره را اخراج و بجای  
 آنها قشون خوب تازه ترتیب میدهند و این قشون  
 حلف مینمایند الی الا بدیگونه خلافی از آنها نسبت  
 اسپانیول سرزنند

بعد از رفع این احتمالات مملکت اسپانیول بدو ارد  
 ایالت و چهل و پنج قائم مقامیه منقسم شده و چهار آنها از نو  
 سوانظامات وضع و احداث خواهد شد

درین دعوا در میان عساکر دولت و نه میگنیزن  
 در محاکمه گیرد و در دعوا و معرکه آن زن مذکوره معصوم  
 گشته مشاهده کرده نتوانست صبر و آرام گیرد خود را با  
 معرکه انداخته از سه جا رخ بر داشته بعد از برکتش از خاک  
 پانزده روز دیگر هم زنده بوده و ار شدت باس و مهر  
 داشت دیگر بحال نیامد و چاق نمکشته نوشته و مثل این  
 باز در پاریس در حین مشق کردن نظامنامه چایکی از زبان  
 نفر مجروح گردید در حال او را بر بعضی خانه بودند که مداوا  
 نمایند معلوم شده بود که زن است از کیفیت احوال  
 کرده بودند معلوم گردید بود که مشا را ایها از مالی میر  
 و بجهت اینکه معسوس نو کرد و ما مور سفر کردید و هم خود را  
 کرده و رقه اسم خود را د فتری نموده نو کرده و اتفاق  
 معسوس بسفر رقه و در دعوا در همه جا هم بوده است این گفت  
 با علیحضرت امیر طوری معلوم کردند چون آن زن اظهار شجاع نمود  
 و از وفاداری دست نمکشیده و در تمام دعواها بوده است  
 او را با معسوق او از نو کوی عفو و اخراج و بقدر کفایت  
 مستمری برایشان قرار دادند که من بعد بایکدیگر نرفتند  
 اسودکی بسبر برند

۱۹۲۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه ۱۲۷۳ شمهر لطف مطابق لوی میل

منطقه دارالخلافه طهران	نزد بیت و نوازش
قیمت روزنامه	هر نسخه شاهی



### اخبار واحوال ممالک محروسه پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت آقاقدس بایون شاهنشاهی که در کجاست تشریف داشتند نظر باینکه در این اوقات هوای کمال خوبی و طامیت را بهم رسانده و عمارات مبارک که نیز تعمیر کرده و آرایش داده اند و از ناخوشی نیز خند که بجهت الله اثری باقی نماند و بجای رفع گردیده است لهذا در روز پنجشنبه ایوم غیبت شهر فرموده اند و دروازه شهر بشهر تشریف آورده از میدان جدید بالشوکه و از اجلاس بارک مبارک که سلطانی و مقرر سلطنت عظمی تشریف فرمائید و از جناب نواب استیلا بپایان رسیده و بالا اراد شیرین انکار دارالخلافه طهران تقدیم پیشش و پای انداز شده و شیرینی تا لاریخت مرمر و با نخله مبارک که چیده بودند سرکار آقاقدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه تحت مرمر از بفرموده فایض السجود و زیب بخش و زینت افزای فرموده باسلام عام داد انسانی دولت علیه و مقررمان حضرت کردون بسطینه و روسای نظام و خوانین عظام و سایر اهل اسلام هر یک در محل معینان خود شرفیاب حضور با هر نور طوکانه گردیده اند

لموکانه و خطبات مناسبت این پنجشنبه شرف اجداد رفع صد اعظم فرموده فعلی از خوبی و طامیت هوا و رفع ناخوشی محاسن خدمتگذاری عموم نوکران با خصوصاً مقررین کار حضرت انساب درین سفر بیلافاقت و ماندن و لواسان که خاطر خطبه شاهنشاهی را از حسن مراقبت در تقدیم خدمت خرسند و خوشنود داشته بودند فرمایش نمودند جناب هم مرتب خلوص بندگی و ارادت چنان ناری و دعاگونی قاطبه نوکر و رعیت این دولت جاوید بدست علیه را معروض میگناه مهر ظهور آقاقدس بایون داشته و سلام عام منقضی گردید

در این روز ما چنانچه نوشته شد هوای دارالخلافه طهران بسیار خوب و باعبدال و بجهت الله هر کوزه نعمتی در کمال و فور و ارز اینست رفع ناخوشی و با ناخوشی تب و لرز و نوبه غشی در میان مردم بهم رسید اغلب این مرض گرفتار بود اما کسی تلف نی شد البته انهم درین دوسه روزه تخفیف کلی یافته میدست که انشاء الله ازین مقدم بایون سرکار اعلیحضرت آقاقدس بایون خلد الله ملک و سلطانه بالمره رفع بشود

۱۹۲۵

چون خدات جناب مغربخان محمد الامیر العظام  
 عباسعلی خان پیرنجه درامو پستری الیه سبت المچیکری  
 دربار دولت بهر دست به قبول پیشگاه اقدس عالیجناب  
 شاهنشاهی قاده و در رسیدن دست و موالات دست  
 ذیوقتین شواهد کفایت و مراقبت را با هر خسته فحاشی است  
 معنی لیه در انجام نامیوت خود در حضور جسم ظهور تو کابینه  
 لند با اعطای یک کتب جبه ترمذ علی و یک قطعه ن مثال جابو  
 مشکل با لباس حرب فرمان رحمت تو امان قرین مبارک  
 کردید

جناب مجدت نسایب بوره از وقتی که از دربار دولت  
 فرمان سبت المچیکری مخصوص و وزیر مختاری مامور در دربار  
 دولت علیه گردید و وارد در الخلاء الباهره درین مدت توقف  
 یونان و ما بر محاسن رفتار و سلوک خود افزود و در حکام بر  
 دوستی و کجمنی دولتین ذیوقتین مساعی جمید بطور آورد و بعد  
 انعقاد عهد نامه مبارکه دوستی و تجارتی فیما بین حضرتین با حکام  
 قاعده دانی و نفولیت ملاحظات مودت و موالات را در هر  
 منظور داشت و رعایت آداب و داد و استداد و ولین فحتمین  
 بطور شایسته ملاحظه نمود و اولیای دولت علیه را از خوردنی  
 خوشنود میبخت تا اینکه این اوقات جناب را لیه موقته  
 استدعای مرضی از دولت متبوعه خود کرده مرتب را با  
 دولت علیه اظهار ساخت در روز و وقت منظم نظر جناب کت  
 حضور لامع النور سرکارا علیحضرت اقدس عالیجناب شاهنشاهی  
 شرفیاب شد و مرضی حاصل گردید جناب شرف ارفع اجد  
 طقات نمود و و اع کرده بعد از ان جنابان فحامت نصبان

نظام الملک و وزیر امور و نیا رجه ملاقات کرده و و اع نمود  
 و از اعیان دولت کسری که فرصت ملاقات نشد بطور فحتمین  
 بفرستادن کارت اظهار دوستی و و اع کرد و چون جناب  
 بجای پاری به کما که روانه بود ندخواستش مماندار کردند اما او  
 دولت علیه در تذکره لوازم کرامات و توقیرات و و هم آورد  
 سبب استراحت این بطور شایسته مراقبت نمودند اول احکام  
 مؤکد حکام و سایرین عرض راه از دار الخلاء الباهره الی سعید  
 صادر نموده علام چاپ مخصوص فرستادند که قبل از وقت در  
 موجبات استراحت و مزویات ان حکام عرض راه ساعتی  
 وقت غریب ان هم کما که بالو ازمات ان از جانب دولتین  
 برای سواری ان شخص و دفتر غلام و غلام چاپ اعلا کار  
 همراه جناب منعی الیه مامور و رولیه کردید که تا سر حد مر  
 احترامات و اکرامات و فرس آمدن اسباب خوشی و شرفها  
 باشند چون مادام توقف در دربار این دولت علیه از ایشان  
 و وابستگان ان کمال نهایت ملاحظه شد که بهیچوجه سبب رحمت از  
 برای اولیای دولت علیه نشدند رفتن ایشان مایه افسوس

سایر ولایات

ادربایجان از قرار یکد از تبریز نوشته اند و سنج ما  
 محرم محرام و وساعت از شب گذشته شبانی از جانب سق  
 پیدا شده راست آمده از قبلیم سبت مغرب عبور کرد و نوره  
 روشنی او مانند شعله متاب شش بازی بود که ریا و بقیه  
 مایل بود بعد از آنکه بقبله رسید و منیجاست سبت مغرب عبور کند  
 از هم پاشیده شعلهای او بجانب مغرب رفت کل تبریز  
 روز روشن گردید بعد از ان بقدر شش دقیقه متصل او از  
 ماند او از اسباب دستی از جانب آسمان مسوع شد

۱۹۲۶

دیگر نوشته اند که در شب سیم ماه صفر هجرت ساعت اربعه  
گذشته زلزله شدیدی در تبریز شد که اکثر خلق از صدای زمین  
بیدار شدند ولی خرابی بجائی و اذیت بکسی نرسید  
**استر اباد**  
از فراریکه در روزنامه استر اباد نوشته بودند و نفر از فر  
ش هر دو با استر اباد رستاق آمده در دو دانگه دور رس  
سرفت کرده بودند شبانه مطلع شده که سفندان را  
از آنها گرفته و خود زوان را هم نزد عالیجا میرزا اسمعیل  
پیکار استر اباد آورده بودند در ضمن مواخذه یک توب  
چیت مومی نیز از خورجین آنها در آمده بود بعد از تحقیق و تبت  
ربانی اقرار کرده بودند که در ش هر دو شب برف فافه وزوا  
که انجا بودند رفته یک عدل چیت مومی و بعضی سبابه خرابی  
سرفت کرده بر اسبابها را با انجا ریخته و عدل چیت بر  
ورد امنه کوهی در زیر خاک پنهان کردیم عالیجا پشار الیه  
انهاره مصحوب چهار نفر از آدمهای خود کرده فرستاده بود  
عدل چیت را از انجا که پنهان کرده بودند بیرون آورده با  
آورده بود چیت را ضبط و زده را تلبیه نموده و انحر ک  
بود بعد از چندی از عالیجا به جانمخ خان حاکم شاهرود  
بعالیجا میرزا اسمعیل خان رسیده بود که دو نفر از ظالمه کرا  
در شاهرود یک عدل چیت مومی سرفت کرده با استر اباد  
اگر در انجا بدست بیایند آنها را با مال سرور باید ببرد  
مشاریه در جواب نوشته بود که در دو دانگه بدست آمده  
شدند و مال سرور نیز از آنها سرورده موجود است با صبا  
مال آمده نشانی مال خود را داده متصرف بشود بنورال مزبور  
بمانظور در استر اباد است تا صاحبش پیدا شود

بروجرد و بطام این ولایات درین مقابله  
نمود  
**خراسان** از فراریکه در روزنامه ارض اقدس  
اندا موراتو لایت قرین انظام و عالیجا حاجی شکر الله خان  
سرمسک تو بجانم در انظم ولایت و امور لوگر و رعیت و انجا  
خدمات دیوانی سعی و اهتمام دارد و شهر و محلات بواسطه  
رسیدگی مشار الیه از آسیب زرد و شریر مصون است  
از جمله نوشته بودند که حاجی اسمعیل نام مشهور بجلاق بند که  
سابقا در ارض اقدس مشغول بهزرگی و اطوار ناهنجاری و حرکات  
خلاف شرع بود و بدینواسطه متربسب انجا قان وزیر انظام  
اوقاتی که در ارض اقدس بود و در تلبیه و اخراج بلد خوان  
داده بود و کوبیده بودند در این اوقات مشار الیه عرصه  
خالی دیده مر حاجت بارض اقدس کرده باز مشغول بهزر  
شده بود عالیجا حاجی شکر الله خان از اینمخبری مطلع گردید  
فرستاده بود او را بیکر بند مشار الیه خبردار گشته بازن خود  
فرا کرده مخفی شده بودند عالیجا پشار الیه مراتب را تلبیه  
عضد الملک و متولی باشی سرکار فیض انار اظهار داشته حکم  
کرده بود که خانه او را با خراب نمایند و درصدا با شند هر جا  
پیدا بشود او را مجده و تلبیه و اخراج نمایند عالیجا پشار الیه  
حسب احکم خان او را خراب و آدم کاشته است که او را  
نمایند ولی تاکنون خود او بدست نیامده بوده است  
**خمه**  
از فراریکه در روزنامه خمه نوشته اند متربسب انجا قان  
حاکم خمه در انظم ولایت و رفاه حال رعیت اهتمام وافی  
بجلی می آورد و اسودگی رعیت را که سبب حصول عاکونی دآ

۱۹۲۷

آدمس با یون شاهی است زیاده مراقب است از  
 جلاز عهد حکام سابق بر او فانی که از اشیا سر محترم و با ما  
 دولت مستجاب که از تبریز به اراک و از اراک به تبریز آمد  
 میگردند لاجاله درخت توقف میگردند و محض ورود  
 اشیا من آدم حاکم با داروغه ولایت رفته کوچ و عیال مرغان  
 از خانه خودشان بیرون میگردند که حکم حاکم است باید  
 وارد شده در اینجا زول نماید آنها نیز لا علاج و تسلی  
 خود را گرفته و سستی می نمایند در این اوقات مقربان  
 مشایخ و صدق و تعبیر و آبادی عملیات دیوانی آنجا  
 تاکنون شش دست از عمارت مرسوم دارا در کنگره  
 تعمیر کرده است که قابل نشین میگردند اشیا حاصل است که وقت  
 در دو در آنجا منزل نمایند یکی از آن عمارت باغی است که  
 در ای مرسوم ختم و بعد از آن ایام رو بخوابی که است  
 سابق در صد آبادی او بر نیامده بودند و روز بروز  
 میشد در این اوقات باغ مرزوب و عمارت آن با تمام  
 مشایخ و اعیان تفریح گردیده و از بنای اولین شهر شده  
 حال مسافین دولت خارجه یا صاحب منصب بزرگی که از  
 خارج با آنجا وارد میشوند در باغ مرزوب منزل می کنند و اما  
 از اینکه از خمت و شفقت خان زولی فرزند یافته اند  
 و عاکوی ذات قدس یون شاهی خلدند بلکه  
 میباشند  
 دیگر نوشته اند که چون بعضی قلمای بی سواد در قرار و مزارع  
 خرس کن اند و از شهر طانی بهمان غامه فقط گفتا کرده اند  
 روی عدم استحضار از شرایه و قوانین شریعت مطهره  
 بجه مردان عقد نکاح بسته بعد از آن ظاهر می شود

۱۹۲۸

و حکام شرع و عرف را نیز مراتب حاصل می کنند در این اوقات  
 مقربان خان مشایخ قدغن نموده و خوشحالت بیرون  
 خست نوشت که اول اطلاق موقوف و مشغافگی از قلمای خارج  
 و از سعاده زنجیان طلاق نمید و عقد بستن را نیز تمام از علی  
 بعد از آن حاصل کرده هر کدام سواد و بستگی داشته باشند  
 با اجازه و نوشته علی بعد از تمام در عقد نکاح نمایند و اگر  
 بعد از این بدون اذن و اجازه علی بد کسی در قرار و بگوشت  
 رفتی را عقد نماید مورد مواخذه دیوان اعلی و دادن ترجمان  
 خواهد بود

سنان و عراق و قزوین و قاسم و کاشان  
 و کردستان و کردوس و کرمانشاهان و  
 کرمان و کیلان و مازندران و طایر این  
 ولایات نیز در این مغت اجباری نبودند  
 از قراریکه در روزنامه ها و ند نوشته اند و سه روز پس از  
 محترمه و نفرمانی از دلمات همدان دزدی کرده روانه  
 شده بودند را بدار آنها گرفته با اسباب سر و قند  
 برده و عالیجا علام علی خان نایب مقربان خان لقمی با  
 آنها را مجوس کاغذی بجای میرزا غیر نوشته صاحب مال  
 از همدان آمده و مقربان خان علی خان سیرت هم کاغذی  
 عالیجا علام علی خان نوشته معلوم شده بود که سارین  
 از رعیت های سیرت میباشند عالیجا علام علی خان نیز بنای  
 نجواش سیرت دزدان را با اسباب و دو صاحب  
 مال روانه همدان نموده بود  
 همدان و یزد و این ولایات نیز در این مغت  
 اجباری نبود



### فارس

از قرار یکده روز تا ماه فارس نوشته اند امور انولایت  
 انتظام است و ما مورین سعادت ملک فارس هر یک در محل  
 با مورت خود در کمال نظم و حسن سکون مشغول انجام خدمات  
 علی شایسته افواج قاهره که در سعادت کمر بسته اند چندی بود  
 شدت گرفتاری نظامی را موقوف کرده بودند ولی درین وقت  
 که هوا ناخوش شده است همه روزه هر فوجی در محل خود  
 مشغول میباشد و از جانب صاحب منصبان کمال مراقبت در مشق  
 انتظام امر آنها بعمل می آید

دیگر از خطه لارستان نوشته اند که مغرب انجانان مصطفی  
 در نظم امور انولایت و انجام خدمات دیوانی مراقبت نام دارد  
 و عالیجاان جعفر قلیخان سرسنگ توپخانه و علیعلیخان سر  
 فوج خرقانی و یاوران فوج فدوی با توپخانه و فوجان در خا  
 شهر لار توفیق دارند که چنانچه لازم باشد بقرب انجانان  
 ملحق شوند و از قرار دستور العمل نواب مستطاب موبدالدوله حکمران  
 مملکت فارس در ایام کیش معین است که چنانچه در پیش تو  
 خطه لار باشند که هر وقت بهر جا که لازم شود قورخانه را  
 و نقل نمایند

دیگر نوشته اند که چند وقت پیش این در دریا می خیش  
 بر سر ایستاد و ساعت از روز بالا آمده طوفان عظیمی بر  
 از چهار جانب تا یک ساعت از مغرب گذشته امتداد یافت آنچه  
 از جهازات که در آن حدود بود بالمره سگسته و خراب و در  
 تجار و محتاج و صاحبان جهازات و غیره سانسید از غولها  
 رعایای فتنه از منکر و حمل برنج نموده روانه جزیره قشم بودند  
 مقارن رسیدن طوفانی شد غرق گردید و او ایستاد و نفرها

و عمل که در آن نخل بود اند چهار نفر بروی تخته باره افتاد و سوز  
 رسید و بمقتضای آن بودند باقی کلا غریق نخله فتنه بودند  
 و همچنین زات دیگر هم غرق و امانی آنها غلبت گریه  
 که در روزنامه تفصیل داده بود

دیگر از قرار یکده روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور انولایت  
 از اتهام عالیجا میر حسنعلی خان دریابگی و حاکم بوشهر  
 فقط است در رعایا و سکنه انجام فعالیت و اسوده خاطر  
 یکی بدعا کونی ذات است و کابون همایشتال و از زمین فوج  
 مسوره ابوالفتح عالیجاان محمدتهرمان محمد علیخان سر

و هدایتان سرسنگ در کمال نظم و حسن سلوک با امانی انجام  
 رفتار می نماید و در ایام عاشورا در نکایا و مساجد مشغول تعزیه  
 جناب سید الشهدا علیه الاف التحیه و التناجود اند  
 دیگر نوشته اند که خلعت مرطلعت بهایون نمودن که بجهت  
 دریابگی حریف شده بود باد و خلعت دیگر از جانب  
 مستطاب موبدالدوله و لهجه عالیجاان محمد علیخان سرسنگ  
 سرسنگ با انجا پروتو و وصول فکده مشایهیم با جا کران  
 اعلی و اعیان و تجار و معارف و لایب تا خارج شهر که محل  
 پوشان است با استقبال شایسته لوازم توقیر و احترام  
 بعل آورده حلال هر شعاع را زینب کبری مغفرت و مباحث  
 خود نموده صرف شربت شیرینی و ادای مراسم تنبیت  
 مبارکباد نموده بشهر رجعت کردند

دیگر نوشته اند که بدنه در بروج بوشهر را که بساخته بستر آنها  
 در کمال سکوه و استحکام صورت تمام یافته و قبلی که باقی مانده است  
 او را هم در کارند و این روزنامه تمام خوانند که و عالیجا دریابگی  
 اتهام وارد که رود با تمام برسد

۱۹۲۹

### احبار دول خارجه

سابقا از سفایر تجاری بروسیه یک کشتی در بخار خارج شده  
 و ساحل فارس بکل نشسته شکسته غرق شده بود و اموال موجود  
 او را از امانی بجا قید یافت نام که دائم بدزدی مالوفند  
 غارت کرده بودند سر کرده قون بگری دولت را باها حاکم  
 پرس اول بر بجهت اموال کشتی بزور و معاینه دیدن آن کشتی  
 غرق شده بود بکشتی بخار محلی که کوفیه چند نفر همراه خود در  
 بعلکه سوار شده از کوه بیرون آمدن کشتی نمود هر چند بفرق بالا کرده  
 پرده کشوده بود و از جانب امانی بزور اعتنائی نشد با مذاحتن تفکات  
 نموده بودند مشایر الیه نیز امانی سفینه کلا بزور قهقارش و بغیریت  
 بفری بجای در آمد با اینکه جمیعته مزبور بود است ناکا هجوم  
 برده مشایر الیه از پانزدهم برداشت و یک یا دو و یک ضابطه  
 او سایر همگان و تلف گردیده و هفده نفر نیز زخمی شده اند  
 گردند که دوباره خود را بزور قهقارش خسته کشتی مر جت گردید  
 مزبور تاکنون هیچ دولتی اطاعت نکرده اند و همیشه در عصیان  
 شادت بوده اند تا بعد مال کارشان بجا بکشد  
 حکم از این بود که از مالک بندستان است بخدمت رفده است از  
 در روزنامه نوشته اند مشایر الیه محوسی مذموب و غایب معصبت  
 از وقتی که بخدمت وارد تاکنون از انواع ماکولات و مشروبات این  
 اصیلا سچ نخورده است حتی او را بضمیافتها که دعوت کرده اند آنچه  
 خود و بیخ کرده و در خانه خودش طنج شد از مرغ و یک نوع ماهی بی  
 خورد و سوای آنها چیزی نخورده است و آب سردی خود را بوا  
 کشتی بخار شکسته خود با آنها آورده و لاسی که مشایر روز و غرض

شستن آنها را در آب لندن چون مخالف رویه خود میداند  
 در آنجا نمیشود و میگردند و میگردند و میگردند و میگردند  
 حرکات دیگر از او مشاهده کردیده و در روزنامه نوشته  
 شده است  
 راه آهنی که از طرف دولت انگلیس در هندستان ساخته شده  
 از عشا بر بند عشا بنظر امانی در میان خود گفتگو کرده اند که  
 اینطور کار که اندن در راه کاربان میت این کیفیت محمدر  
 سلطان است و اتفاق گردند که راه آهن را خراب نمایند  
 نامورین راه محمات را آهن با آنها توصیف و تعریف کرده اند  
 نموده و بجهت خراب کردن راه بلجا و بجا کشته سحر است  
 چند نفر از نامورین را کشته شده و از آنها خبر خیلی آدم  
 کرده تا چار بودی حماقت بلاست که بزبان شده  
 در روزنامه های سابق گذارش چند نفر زن که لباس مردانه  
 شده و در عواید با قشون سراسری کرده بودند نوشته شده بود  
 در روزنامه این اوقات که رسید باز نوشته اند که در ساد و نیه  
 وکیل اردلی یکت فی بقال ساد و نیه بیضه داده و کدایش زن بود  
 خودش را و اینک سال است که بهر ای زوج خود در دعوا بود  
 و با استحقاق چندین افتخار گرفته معروض شده و گفته بود که حال  
 سوهرم وفات کرده است عافی عفو و اخراجی از نظام دارم خدا  
 سابقه او در نظر اول سار و نیه بسیار محسن افتاده او را برب  
 خواهش از نظام عفو و اخراج و تبرقیه حال او نیز صرف تمت نمود  
 و اخراج او پیش ما و عافی مبدول شده است

۱۹۳۰

۷

راه سیم آهن که تلافی مینماید از خبری که روئیده تا آنست  
 شده و سیمهای آن کشیده شد و در این اوقات سیمها از وسط  
 راه پاره شده بجهت تعمیر آن قدری وجه فرستاده میشود و طوطی  
 خواهد کشید که دو بار هفته شود  
 و اگر از طرف جمهوری بیکی دنیا دولت نکلینس با اکثریت قرار  
 داده اند که تلافی سیم آهنی از دریا بکشند تا حال بکرات دریا  
 مزبور را پر کرده اند بعضی جاها عمق دریا معلوم شد بسیار  
 آن که دریا عمیق بود هنوز معلوم نگردید این اوقات خوار کرد  
 او لا از جاباتی که سیم کشیده میشود عمق آن مشخص شود و بعضی  
 بکشند و این جهت از دولت مشایبه یک کشتی بخار بزرگ  
 مزبور فرستاده شده است چون تحقیق این کیفیت طولی خواهد  
 کشید لهذا سیمهای مزبور در آن دریا کشیده میشود  
 در فرنگستان از اعیان و متمولین بعضی اشخاص بجهت خبرخواهی  
 وطن و ملت خود سیاحت ولایات که رفته اند در آن ولایات  
 محسنت و قباچی که دیده اند بعد از اجابت بگفت خود بجهت  
 اجراء منع آنها مجالس منع نموده اند از جمله مثلا بجهت آنهاست  
 زیاد از قوه او بنیاد عمل کرد اگر کسی جوانی لنگ داشته باشد  
 او را زیاد باریکند یا ضرب بزندان اعلی باید حبسند بیدرخواست  
 و انجلس از امالی مرکب مجالس متعدد ترتیب داده اند سوای آن  
 در هر سال بانوبت در بعضی مجال فرنگستان با اسم صدق و داد  
 و مجلس تشکیل شده و در مجلس صدقه از بابت ارزانی و کرامت  
 بمنزله نفع و قسم گفتگو میشود و در مجلس اداره از بابت نظافت  
 خانه و سایر مکانات و اولاده و انجمنه که با آنها دایر بوده مذکور خواهد  
 میباشد و این مجلس در هر سال در آن عقد و تشکیل شده است

از چهل پنج سال قبل ازین در شهر بکن که بای تخت خاقان چین  
 میباشد از سفر او قونولهای دول خارج کسی ازین اقامت  
 نداشت چند وقت پیش ازین باین امیر الطوموس خاقان چین مجاز  
 بناسبت بجواری اقامت سفیر دولت روسیه را در آنجا قبول  
 کردند و جناب و ستوایم سفیر فوق العاده از جانب دولت روسیه  
 بچین غنیمت کرده است  
 موجب معلومات ارباب نشین و جناب اهلکات چین از خط استوار جناب  
 شمال از میت درجه و نیم تا چهل و یک درجه کشید و بنامیک  
 و بطول پانصد فرسخ دیولری ماند و در آن ملک کشیده  
 مشهور است تا آنرا استان است و عدد و مقدار امالی اقلیم چین را  
 نوشته اند که سه هزار و شصت و پنج بار صد هزار گس میباشد  
 که شصت و سه هزار و سیصد و بیست و شش در میان آنهاست  
 از ایام حکمرانان از مسلمانانی که در آنجا مانده اند از طغیانهاست  
 هزار گس مسلمان و بعد صد هزار گس بضا را باقی قنات است  
 و غیره از طبایع و احوالات غیره آنها حیرت افزای عقول است  
 از جمله سابقا اینها پادشاه با پدر تو و مادرشان که فوت می شدند  
 جاریه و خدمتکار و سب و حیوانات که داشت آورده در سر فرار  
 ذبح و هلاک کرده و همه را در آنها بخا دفن نمیدند مگر هر طور بود  
 قانون را ترک کردند چون بنای اولین آنها در عهد در دریا کشیدند  
 بوده است حال آن جواری و عدم و حیوانات را که هلاک میکردند  
 بهین قدر اکتفا کرده اند که صورت آنها را در کاغذ کشیده برده در  
 مزار و بنسوزانند مالک چنین کتب می مستعد و او دولتی انجام  
 گذشته از بنده صاحب خط و مواد نامه ارباب مشرف صفت میباشد  
 اغلب در خدمت و ایامه و در کارهای آنها ارباب زراعت هستند  
 زمین علیحدگی تخم می کارند مثلا اشجار و درختها را ابتدا در محل مخصوص

۱۹۳۱

میکارند بعد از سر شدن آنجا در می آورند و بجای دیگری می برند  
 و همچنین از آنجا با بجای دیگر مناسبت مواد موقع حمل و نقل  
 میکنند و سر سر مالک چین از کثرت اشجار و زمین بونی را است  
 بنظری آید و از بسیاری خلق که در محل خود کجایش ندارند بعضی در  
 نهر بانامانند زدی خسته می کنند و الان دولت چین را  
 از ده با صد هزار که دو کرد و با شون دارند ولی چون قوت  
 نظامی ندارند از اصحاب شجاعت و شجاعت شسته می شود اما در عقل  
 فراست و هنر صنعت بجدین و ممتازند

در پاریس پای تخت فرانسه معارف و صنایع دایر صید  
 هفت کتب دولتی است و درین کتب آنچه و یکدیگر کس درین  
 بشمارد است که تحقیق نمایند  
 در دولت اسپانیول قرار شده است که سواهی عمارت نظام  
 داشته باشند تا در مهلت دست که آورده بدیوان  
 و بعد از ایام مذکوره در دست کس که صاحب دیده شود  
 او را بدف شیک تفنگ نمایند جنلی اشخاص خود را بزرده  
 سپردند بعضی نیز سله خود را نداده بودند از اینها سواهی  
 محال دیگر تنها در شهر بارسلون شانزده نفر هفت تفنگ  
 شده اند

دیگر از فرار یک در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته  
 بجهت کار کردن از سوسالی قد که در تحت اداره منصفی یک باشد  
 این اوقات والی مصر یک قومپانینی بخاری تریب داده است  
 و نام این قومپانینه را باسم علیچهره سلطان دولت عثمانیه  
 موسوم مجیدیه کرده است  
 دیگر نوشته اند که والی مصر چند وقت پیش ازین از مصر حرکت کرد

وران حوالی بعضی جاها را که دشمن و تفرج نموده و با سکنند  
 آمده است

دیگر نوشته اند که در این اوقات در راه عقبه در قریه پاپاسی  
 افتد و بدکان یک بقالی آمد و در باب ردن پوسته باقیم  
 کرده بودند شخصی تعال از راه آنها مطلع شده گفته بود که زدن  
 عاقبت وخیم دارد و با چوب است مبارت میکنند گرفتار خوا  
 بنصایح مشفقانه خیال آنها را ازین غرمتب منصرف کرده بعضی  
 آنها قول و تصدیق کرده بودند بعد از آن خیال دیگر کرده بود

که بروند در دره استعماری را که در آنجا واقع است بزنند و اموال  
 آنجا را سرق نمایند تعال مزبور چون دیده بود که اینها تا سرق  
 نکنند آرام نخواهند گرفت گفته بود این غرمتب ثلثی بنیت  
 با شما سر یک می شود و مسراهی میکنم آنها قبول کرده بودند  
 من اول بیروم و راه و خنده آنجا را معلوم کرده شما خبر می آورم آنها  
 با معنی همستان کشته تعال از آنها بخاریت مزبور فرقه با جارا  
 صاحب است گفته و او را خبر دار کرده بود صاحب عمارت نیز با  
 خود بیرون رفته و گذارش را بجان حکومت اجزا کرد جمعی از  
 فقرات ضابطه میگویند آمده در آنجا کین کرده بود تعال بزرگ دزدان  
 آمده گفته بود که درین عمارت بخر حرم کسی بهم نمی رسد و اینطور  
 در یک آب خوردن میتوان تاراج کرد حتی حربه هم لازم نیست و این  
 و بسیار قیمتی در آنجا است اما با من عهد کنید که با شما سر یک  
 و من هم قیمت بد میدفد از آن دلیل آنها شده بجا رفت مزبور  
 آمده بودند در حین دخول دزدان بجا رفت فقرات ضابطه کربان  
 آنها را گرفته در کمال آسانی آنها را دستگیر کرده بودند که در نظر  
 که فرار کرده و بدست نیامده بودند تعال مزبور پیش هر صد تا بیست

در یک آب خوردن میتوان تاراج کرد حتی حربه هم لازم نیست و این  
 و بسیار قیمتی در آنجا است اما با من عهد کنید که با شما سر یک  
 و من هم قیمت بد میدفد از آن دلیل آنها شده بجا رفت مزبور  
 آمده بودند در حین دخول دزدان بجا رفت فقرات ضابطه کربان  
 آنها را گرفته در کمال آسانی آنها را دستگیر کرده بودند که در نظر  
 که فرار کرده و بدست نیامده بودند تعال مزبور پیش هر صد تا بیست

۱۹۳۲

## استثمارنامه

از قراریکه در انسه و افواه مذکور است یک فرد گشتی جنگی دولت به مجلس در تاریخ ۲۰ شهریور  
نه روزه از مبنی وارد خلیج فارس شده و تیرد انسه و افواه مذکور است که بقدر پانزده شانه  
الیست فروزد دیگر هر کدام شش بر سید چهار صد نفر سرباز از آتش بادی معین در تیرتیه بوده است  
که متعاقب آن روانه شوند اگر چه صحت و عدم این خبر و آمدن گشتی برخلاف عادت که موهم خیال  
باشد و آمدن گشتیهای دیگر نیز روزنامه نگار معلوم نیست بهر حال این حاصل است چنین خبری بحال امکان  
دور دولت نخواهد شد اما آنچه روزنامه نگار استنباط نموده است اولیای دولت علیه ایران دوستی  
قدیمی اند دولت آباد و دولت انگلیس و میان و خوش عهد اولیای دولت انگلیس را زیاده بر آن میدانند که  
بجهت در مقام عهد شکنی با دولت علیه ایران برآند و بهر جهت قدری و ثوق بر حسن نیت خودشان و کامل  
انصاف و فراست اولیای آن دولت دارند که اگر فرض از این گشتها حاکم شهر است داخل خلیج  
شود حمل بر دشمنی و خصومت نمی نمایند و مقام استکشاف از منظورات اولیای آن دولت بسیار  
ناسب است چه واقعی را معلوم سازند و تا قانونند البته امری را که منافق مودت قدیمه دوستی  
کرانها باشد که با لها ما من ایند و دولت استقرار داشته است سبقت و مبادرت نخوا  
کرد اما آنچه روزنامه نویس از مالی ملت و مملکت مسوع نماید و از خوات احوال آنها دریافت  
میکند بعد از آنکه آنها متحقق شود که دولت انگلیس ساعات ساعتان و بحرف نامور چون در زمان با  
از خط مواش دوستی با دولت علیه ایران صرف نظر کرده و ما اینکه از این طرف قاری حلا  
حق پیچیده واقع شده است از اولیای آن دولت است ما شنیدیم که نظرات دولت علیه  
ایران مبادرت بر امری نمایند که منافق دوستی و گنجی خدمت ساله باشد آنوقت است  
ایران که بدین اسلام متدین و بصف غیبت متصفند در کمال افسوس لاند و طمانند خواهند شد  
که در مقابل رفتار ایشان متوجه کل علی اند در مقام خطشان و ناموس سلطنت و عرض و امین خودشان برآ

# اشتهار نامه

ما به دولت عالی شاهنشاهی و لشکر و ملت کلبی در تاریخ شهر صفر هر چه بماند است نصیب بر ما مورد دلما چه نوشته و خواستار خود است که بجهت عالی با دولت کلبی متوقف نشود  
و متعلقان ملت شاهان که اراده بیرون رفتن از خود و مملکت کلبی دارند بعلت حضرت امامت از جانب اولاد دولت کلبه صادر شود در حواله عالی به شاهان کلبه  
که اگر چه اولاد این ملت بسبب غیر قطع مراد و ما بین ملت کلبی نبوده و نباشد و هرگز نخواهند که رشته نخوت ما بین ما و ما برده شویم لیکن ملاحظه میکنیم  
مضایقه در قبول این خواستار هر یک نوع خدمت و سود مطیع در حق اولاد دولت کلبه شود و کمال اگر آه و فیس مردمند و حکم اولاد دولت کلبه را صادر  
جواب عالی به شاهان کلبه او در دستاورد و آنچه روزنامه کلمه استیضاح است اگر چه عالی شاهان نیز اراده بیرون رفتن از خاک این ملت کلبی نمود  
و آنها را اولاد دولت کلبه لازم است مراعات در سبب امتیاز و ما برودن ملت از خاک این ملت کلبی آورد که بکند دفعه روز  
چهارم سنخ ماه صفر هر چه باشد چا پارخانه منزل میان جوبشش و سحر جانب غربی در اختلاف رسید که است نفر آدم سر و صورت بسته  
بالکس بند بر وارد چا پارخانه شده بعلت ضربت ششم است بر سر چا پاری از منزل مزبور برداشته روانه شده اند از بی آنجه که در شنید  
مذکور شد عالی شاهان نیز بکوشش و قول کلبی بود که خود را با این صورت به احترام امده روانه است خود با جان شده است که اگر سر حد خارج شود  
روز دیگر که عبارت از روز جمعه غدا ماه ربیع الاخر باشد وقت عصر کا قدر بنیاد کلبی صحیح کوم ذوق لکر کلبی بجان وزیر امور  
دولت خارج رسیده و جان کوم بعد از آنکه مرگ اندک نوشته و کاغذ خوانده شود شفا ما از جانب عالی شاهان قوسول بطور پیغام رسانند که روز و شب  
چهارم ماه را قوسول بنا بر رستن از در اختلاف بجانب او دارد خواستار کوم که بعلت عرض راه بعد از حکام قم و همدان و کرمانشاهان  
در سراسر اوصار و اسب شود که روز مزبور در معطر روانه کرد و مضمون کاغذ اجون فقط اخبار غمیت خود و سفارش شما بر کوم که بر علم عالی شاهان  
مشا را از بنده دولت کلبی رسانید و شمار در خواست بعلت تعیین روز غمیت خود نموده بود با فقر شفا هر آن آدم مطابق نیاز و باعث تریب است  
که این اختلاف قول از راه باشد درست بخت بعد از معلوم شد که همان روزنامه و خبر پارخانه میان جوب صحیح بوده و عالی شاهان با آن وضع غیر  
متعارف کلبه شانه روز قبل از رساندن کاغذ جناب برودن از راه رفته کوشش کاغذ بعلت کلبی پیغام شفا هر چه رساندن هم که از راه کرمانشاهان خواست  
رفت بجهت کوم کردن بجهت اولاد دولت کلبه حسن بخت خود که در باره عالی شاهان و شمشیر کلبی از این معنی نموده جزیره کلبه است این کوم که کوم است عالی شاهان  
شاهان لایق از نظر رفتار او با دولت کلبه که در باره ما با دولت کلبی بر مظهر و نظور جوبشش و ما و اب خود عالی شاهان نیز بکوشش در این کوشش عبرت نموده اند  
باشد که البته در حق خود ایدیم نور عایت حیرت نخواهد کرد باری آنچه بنظر روزنامه کلمه برسد منظور کتب عالی شاهان است که سبب استیضاح استیضاح تجارت دولت کلبه  
از جمله طلبت نیز حاجت هر چه رسد ششم هر چه در حیرت است نیز بر بی از خارج برادر عالی شاهان که کوشش است کوم که در این مدت بجز ما کلمه و غیره نیز در در مطابقت  
ایند دولت کلبه و جوب سباط کوم که مبادا اظهار غمیت خود و واقعه فایده مایه ارباب طلب مقام مطالب بر آید از همین جهت رستن خواستار کوم که کوم در این مطابقت بعد از دولت کلبه  
بست که اگر کسان بجهت کلبی از ظاهر شده به سه جز بزرگ هم میبایست کولا خا را برانی را گرفت و فرار کرد که بنور هم ارباب طلبت کوشش خود دارند بعلت اولاد کوم که کوشش  
برادر عالی شاهان کوشش است که ما از آن در هر خورد و در شش روز از کلمه سباط کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است  
به چهارم از جهت ملت کلبه ایان الله هر چه باشد که بجهت این ملت کلبه که چندان ختم ندارد قوسول کلبی نیز بطور حضرت جوشن برده کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است  
که شاد بودون خاک دولت این ملت کلبی است خود مطمن بخوم به شش و علی بیرون بروم این کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است  
بدولت بدین کوشش در حواله ما به جهت کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است کوم که کوشش است

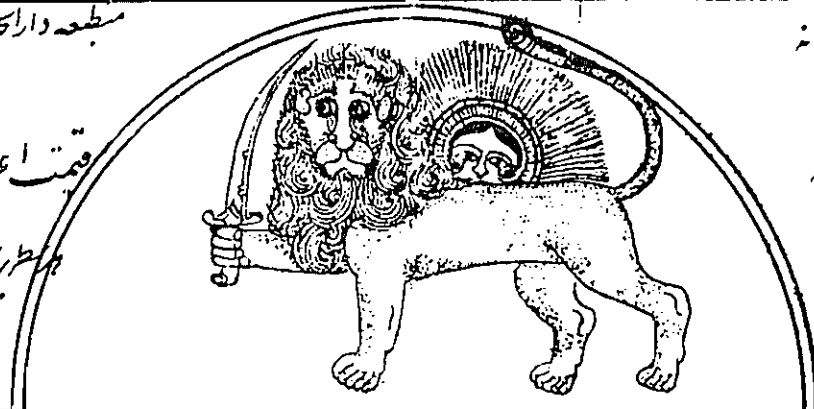
۱۹۳۲

روزنامه و قلیع اتفاقیه تایخ یوم شنبه بیست و نهم صفر ۱۳۰۳ مطابق بوق سال لوی میل ۱۲۷۳

مطبعه دارالخلافه طهران

نزهت و نهند

قیمت اعلانات  
هر خط پنج مهر



قیمت روزنامه  
هر نسخه ده مهر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

بعد از ایام عاشورا نیز تا بیستم شهر صفر ماهی و اعیان دارالخلافه مبارکه و ضیعا شریفاً باز در بعضی نکایا و جایهایی که در روز عاشورا بنیست بودند تکیه به مشغول تغزیه داری جناب عالی علیه الاف التحیه التام بودند خصوصاً درین دینیه آخر سفر که زیاده در نکایا و خانها تغزیه داری و روضه خوانی مشغول و ذکر بنیست جناب سید الشهدا و عاکوئی و اقدس سنجایون شاهنشاهی غلده لده ملک و سلطانیه میباشند بعضی از مقربان حضرت کردون بسطت سنیه و چاکران در بارها بون هم که بجهت التزام کباب مبارک شاهنشاهی در ایام عاشورا در شیران و عسیره بودند و تکیه بنیست داری کرده اند در اوقات تشریف فرمائی موبک هایون بنکارستان و دارالخلافه مشغول تکیه بستن و تغزیه داری و زدن و لوازم مصیبت جناب سید الشهدا شدند

علیه التحیه و التکریم نموده با بعضی از خواص و مقربان بیباغ دولت آباد تشریف برده در آنجا صرف نماز نمودند و از آنجا بزیاارت بقعه تبرکه امامزاده واجب التعمیر مشرف مراجبت بارک مبارکه سلطانی فرمودند  
در این اوقات که سرکار عالی حضرت اقدس سنجایون از نکایستان بارک مبارکه سلطانی تشریف فرما گردید جناب شرف امجد ارفع صد عظم در منزل خود که در ارک دارند و جناب محبت لصاب نظام الملک و مطبوعان مستوفیان عظام و امنای دیوانخانه مبارکه در منزل خود و دفترخانه و دیوانخانه مبارکه مشغول بخدمات و معاش دیوانی و تفریح محاسبات و رسیدگی بامور و مطالب و ایضاً بر مردم میباشند و همچنین رؤسای نظار در اطراف نظام بامور نظام حضرت فرجام هر روزه رسیدگی میسازند و افواج قاهره متوقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و نظام و سربازان روز مشغول مشق و قواعد نظامی میباشند و از جانب صاحبان معین تمام کامل و مشق نظام میباشند

۱۹۳۵

چون رسال جناب اشرف امجد رفیع مدظلہ العالی  
تقریباً داری نواب بزرگوار، الہ و لا شریک لہ  
شب اربعین ہم مجلس تعزیه داری پیش رفتہ  
مصیبت جناب سید الشہداء صرف شام ہنزل نمود  
نمودند

نظر بشمول حرمت مکرار اعینتہ اقدس عیون ہستی  
مقرب الخاقان محمد خان میر خدی ولد عروج محمد حسن خان سردار  
در این اوقات با عطای خلعت آفت ظلمت و الظلم ہر دو  
قرین افتخار و بیانات بدو پس از انکس و ادای ہر دو  
احترام بہر اہی امیر الامرا العظام سردار علی گڑھ منصور  
حضور بہر النور لوکا زہد مورد التفات و توجہات عنایت  
گردید

چون معصوم خان یوزباشی عثمان سہریاری درین اوقات  
وفات یافتہ بودہ لہذا علیجا شکر اللہ خان لوری نظر  
شایستگی قبایست در جای و منصب یوزباشیگری سرافراز  
سایر ولایات

آذربایجان ازین ولایت درین ہفتہ اجباری ہون  
استراہاد

از فراریکہ در روزنامہ استراہاد نوشتہ اند مقرب الخاقان  
جعفر قلیخان ایلمانی کہ در سمتہ بچورد و مشول تہنہ ترکمان  
تکہ بودہ در بیستم ماہ محرم ہجری ہجرتی استراہاد کردہ  
کہ دو فرسخ و نیم تا شہر سافت دارد توقف نمودہ است  
فی الخلیفۃ نقیہ ناخوش کہ در شہر بودہ است فوراً در شہر  
و امور ولایت بہر جمعہ مظہم و مضبوط و رعایا و برادر  
فرہنگ و سودگی رعایای بقای وجود فانی موجود ہوں و

شوکت و دولت ابد مقرون استقال دارند و در این اوقات  
بارندگی کامل کہ بجمہ غنہ و علف زیاد نافع بودہ است و

ولایت شدہ است

و دیگر نوشتہ اند کہ شمشیر مکتلایا ناماس کہ از جناب سی ایچ  
در ازار خدمت و جانی و قبیہ ترکانان مکہ مقرب الخاقان  
ایلمانی جہت شدہ بود مصحوب عالیجاہ عباس خان غنڈ  
اوقات فروغ بخشی آن ساحتہ مقرب الخاقان شہ  
تا یک فرسخ با استقبال شرفی بعد از ادای ہر دو  
رینب کہ جلالت و افتخار نمود و ہمچنین خلیع آفتاب  
مصحوب عالیجاہ محمد خان ایلمانی خورجیہ ساربر کہ  
استراہاد از دربار عیون ارسال شدہ بود با تاجا پرو  
افکنندہ و ہمگی مخلص بکلت عیون و ستون بقایات دولت  
ابد مقرون گردیدند

و دیگر نوشتہ اند کہ چون طایفہ جعفر بای و اتابای ترکمان  
عیناہ مقرب الخاقان ایلمانی مصدر ہرزگی شدہ اند  
آن اطراف برودہ بودند بعد از مراجعت مقرب الخاقان  
مش رالیہ رئیس سفیدان انہا احضار و بقدر اہمیت  
مقرب الخاقان مشارالیکہ گفت عدو شہ و قبیہ مسموع خواهد بود کہ  
انچہ برودہ ایروانمانید و رفتہ فرہنجی ایچی را کہ در ایک  
تشتہ اند ہم بزید و الامور و مواخذہ خواہید بود انہا  
را و طلب این خدمت شدہ تا آخر ماہ حملت خواہند  
و در بیت و دویم محرم با جمعیت بر سر قرعہ می نوشتند  
بعد از آن خبری نیست کہ چکر دہ باشند

و دیگر نوشتہ اند کہ در شب یازدہم محرم یکا عتد صبح  
شدہ می در آن ولایت شدہ بعد از آن باو شدہ می تا

۱۹۳۶



طلوع آفتاب در روزیدن بود در همان روز ناخوشی و باد

انولایت بروز کرد

و نیز در چهاردهم نوشته اند که یازدهم حرکت ارض واقع شد یک ساعت بطرف مانده و در حین و چهارم هم یک ساعت نظر گذشته زلزله شد بد شده یک سیاب بقدر دروغ و زورفته خراب گردید ولی شهر خرابی نرسید و کسی نشد و در روزیت ششم هوای استر اباد لطویری تاریک شد که کسی کسیر انبیدی درین پن رعد و برق غریبی شده و باران شدید آمده تا نیم ساعت هوا باطل شد

تاریک بود

دیگر نوشته اند که طغان نامی از طایفه آما بای که بسیار معتمد مرزکی و تاحنت و تاز شده بود مقرب انخاقان المغانی بعد از مراجعت او م فرستاده او را از خو این آما بای خواست آنها نیز او را گرفته فرستادند و بالفعل دست را محبوس است تا حکم آن شود

دیگر نوشته اند که چهار نفر سوار ترکان بر سر آرام کلاه بردارفته یک نفر را در آنجا مقتول و چهار ریس کاومیش بودند و دیگران مقتول نیز پنجال ایگه آنها باز برقت خواند آمد چهار نفر تفکیکی رفته در آن حوالی کهن کرده بودند بعد سه روز باز جان چهار سوار ترکان بر سر آرام مزبور آمده تفکیکیان آنها را هفت کلوله تنگ نمود یکی از آنها فوراً در سرتیر افتاد و دیگری بعد از بکفرنج هزمت بر راه عدم عجز یکی دیگر نیز زخمی را با دیگری که تیر کلوله بیامده بود فرار کرد مقرب انخاقان المغانی سب و یراق آن ترکان را با و حتی بر سیل انعام بهان چهار نفر که ک ن محمول بودند بخشید

اصفهان و اسد ایما و ازین ولایات نیز

اجباری بنود

بروجرد و عربستان از هزار یک در روزنامه بروجرد و عربستان نوشته اند امور انولایت از حسن مرقت و ابتکار نواب مستطاب هزاره و الا بتا احتشام الدوله قرین انظام و انضباط است و در نظام ولایت و رفاه حال نوکرو رعیت مو اطلبت کامل تعقل از سواره و افواج با انظام امور سرحدات و ایلانها که لازم بوده است مانور و امیر زادگان عظام هر کدام که در ولایات بروجرد و عربستان ولرستان و بختیارکی

از جانب نواب محسنی البیه بنیاتب حکومت اقدام کمال اهتمام در نظم و ولایت و انجام خدات دیوانی محرف

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد خان پهلجی حاجی بنا بر آن که حسب الامر اولیای دولت علیه منصب سرتی سرافرا و مامور گرفتن فوج عیب بود نواب محسنی ایله یک طاقه کشیری با و حلف داده روانه بد محترمه نمودند و حکام مو که در باب ترتیب دادن فوج مزبور با عالیجان حاجی جابر خان و آقا جانخان ترتیب نوشتند که تقوی علی مشارالیه نمایند که بزودی و خوبی فوج را تمام کرده به نارسنگی و انظام سان به بد بظام و حراسان و حمله و سنان و عمران و قزوین و قسم و کاشان و کردستان و کروس و کرمانشاهان و کرمان ازین ولایات نیز اجباری بنود

۱۹۳۷

### کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند در یوم ششم  
 صفر المنظر که روز عید مولود مسعود سکر علی حضرت آقا  
 جلیون شاهنشاهی ادام الله سلطانه بود امیر الامراء العظام  
 مقرب الخاقان عمید الملک حکمران کیلان جشن عید را  
 بطور باشکوه گرفته است و یک تیر توت شلیک می نمایند  
 اعظم و اعیان بلد در مجلس مزبور حضور بهم رسانند  
 و از مهنیت بعضی آورده صرف شربت و شیرینی نمودند  
 و خطبه بلخ بنام امی علی حضرت آقا جلیون ادا و بعد  
 دو اتم سرود دولت ابد مقرون ختم یافت و عابجه  
 بلند جایگاه عطا خوف صاحب قونول دولت بهت رو می نمود  
 کیلان بجهت ادای مراسم تهنیت شیرینی آلات و تند و چای  
 بمنزل مقرب الخاقان معظم الیه فرود بعد از آن خود عیال  
 مشارایه با اتفاق عابجه بان بکار و صاحب بود و چون صاحب  
 نایب قونول لکری ویرا جزای قونول لکری بدین آمده بعد  
 ملاقات و انظار فرح و انبساط و ادای مراسم اتحاد و  
 و شیرینکین صرفه شربت و شیرینی آلات و چای نمودند  
 بمنزل خود معاودت کردند و سه شب علی التوالی میزبانان  
 و و کاکین رشت را چراغانی و این بندی نموده عموم خلق  
 از اعالی و ادانی غریب بومی ملو از عمیش و دانی و دعا گو  
 وجود فایض انجود سکر علی حضرت آقا جلیون شاهنشاهی  
 مشغول بودند بعد از لیالی و ایام مذکوره عابجه بلند جایگاه  
 قونول دولت بهت رو می نمودند و تهنیت تاج گذاری علی حضرت  
 امیر اطوار و سینه مجاب جشن و ضیافت ترتیب داده بمنزل

۱۹۳۸

خود را چراغان نمود و مقرب الخاقان عمید الملک نواب شاه سلطان  
 سلیم میرزا و با بر میرزا که بدین مقرب الخاقان مشار الیه برشته  
 بودند با اتفاق عابجه میرزا محمد علی مباشر و منشی مهمام خارج  
 دعوت نموده اول شب را بجهت تهنیت تهنیتی بازی بکنار رود خانه  
 که برود رفته بعد از تهنیتی تهنیتی از آنجا با اتفاق عابجه  
 قونول و سایر همگان بمنزل قونول لکری رفته بعد از ادای مراسم  
 تهنیت و انظار میرت و مانی و بیان مواحدت و مصافقا  
 دولتی و شیرینی شربت و شیرینی و شام صرف کرده  
 بمنزل خود معاودت نمودند

دیگر نوشته اند که چیه که اسباب کار خنجات دولتی حمل  
 بودند در اوایل ماه صفر پیل منجیل رسیدند و بعضی هم که عقبت  
 بودند قریب الوصول بوده اند مقرب الخاقان عمید الملک احکام  
 مؤکد فرستاد که از رود بار و حرمت آباد و منجیل امداد نماید  
 از کرجیها بیرون آورده در انباری که ساخته شده است بگذارند  
 و کرجیها را باز بسفید و در محبت بند که باقی اسباب  
 حمل نموده منجیل بیاورند

دیگر نوشته اند که چون بابا خان بیک فرزند شاهنشاهی مقرب الخاقان  
 عمید الملک بعضی رفتارهای خلاف بدعت بنانگ داشته در جزو  
 قرار جاریه و بازیافت وجوه قمار بازی و توقعات بیجا از ا  
 ولایت نموده و بخلاف رای مقرب الخاقان مشار الیه که رفاه  
 و آسودگی رعایا را زیاد منظور دارد و باینگونه حرکات مبادت  
 بعد از معلوم شدن مراتب بیجا بی مشار الیه او را از شغل خود معزول  
 افاضایک نامی که سابقا نیز در کیلان فرزند شاهنشاهی بود و مالی آنجا از  
 رضامندی و احترام بشناسیگری مضبوط نمود که مردم را از خریدن خود

### اخبار دول خارج

پیر سال شاه که مجلس شورت دولت انگلیس در لندن تعظیم شد  
 در این ایام تعطیل باو شاه انگلیس و کلای شورتخانه در ضمن  
 بخواه بعضی مجال را گشت و سیاحت میکنند درین سال نیز  
 شاه انگلیس عزیمت کرده بود که پورتو قال رفته از اینجا  
 بروی بوجوب روزنامه که این اوقات رسید از رفتن پورتو  
 صرف نظر نموده فقط با اتفاق وزیر دول خارج در او اصرار  
 بطرف استقویا حرکت کرده اند

بطرف استقویا حرکت کرده اند

درین اوقات از جانب دولت فرانسه مصوب سفری  
 روس و ستاده شد دست نشان عمران فوردهن از  
 اول بجهت دولت روس فرستاده

اول بجهت دولت روس فرستاده

و چنین از جانب امپراطور فرانس در دارالطباعه دولتی  
 کتابی از پانزده نسخه عبارت بغایت باصفا و مصروف و انطباق  
 و یک نسخه آن بعضی قراهای فرانکستان فرستاده شد

درین اوقات یک نسخه از آن نیز نزد امپراطور روس  
 ارسال شده است

ارسال شده است

در او اصرار ماهی حجه در ضمن تبدیل آب دهوا امپراطور  
 با اتفاق زوجش تا نزدیک حدود اسپانول بشهر بارچ که از  
 خاک دولت فرانسه است رفته اند و بجهت تبریک ورود  
 بشهر نبروز از جانب دولت اسپانول یک غیر مخصوص  
 فرستاده شده و قرار بوده است که امپراطور فرانسه تقدیم  
 در شهر بارچ آقامت و بعد از آن بی پای تحت پاریس  
 نمایند

نمایند

در دولت فرانسه چنانچه در اغلب دول فرانکستان  
 در هر شاه بکده فقهی حاصلات کمرک رسیدگی کرده و

علاحده ترتیب میدهند در این اوقات بوجوب دقیری  
 در حاصلات کمرک امسال در پاریس ترتیب داده اند  
 کمرک بیت میان فرانسه که فریب چهار کور پول این است  
 باشد امسال از پاریس کمتر عاید شده ولی نسبت سایر

دیگر باز زیاد بوده است

در حالک تهریه در میان صرافان و غیره بعضی غدارها  
 نظام انصاف بود و نفع زیاد پول با مالی اینجا بقرض میدادند  
 و باین جهت بسیار کسان در اندک مدت هر چه داشتند از  
 دستشان بیرون رفته معاش و بی نصاحت میشد بعد  
 از جانب دولت استریه در حالک مذکوره فرستاده است

هرده تومان در مدت یکماه زیاد از سه قروش که تخمیناً  
 عباسی است نفع نداشته باشد و اگر کسی بیشتر ازین نفع بوزن

به پدید از جانب حکومت با و نادیده بخواهد  
 اگر دولتهای فرانکستان چون پیرل درین موسم قشون

قشون ردیف را در یکجا جمع کردن و چند می مشق تعلیمات  
 نظامی دادن از اصول قدیشان است لهذا در این اوقات

دولت پروسیه قشون موجوده ممالک خود را جمع کرده در پانزده  
 ماه ذیحجه شروع مشق آنها نموده است

ماه ذیحجه شروع مشق آنها نموده است

شهر برلین که پای تحت دولت پروسیه است چون  
 حصار و بند و برج ندارد در این اوقات و بعضی محلها

مناسب آن از جانب دولت پروسیه حکم شده است  
 باستیانها بنا بگذاردند

باستیانها بنا بگذاردند

بعد از وقوع مصاحبه تاکنون از دولت روس بقدیم  
 و شصه هزار کیله که یازده کور و صد هزار کیله باشد ذخیره

بخارج رفته است

بوجب روزنامه رسمی دولت روسیه اعلیحضرت امپراطور  
 روس در اول محرم با کولبه و احتشامی که رتب و پشته  
 بودند وارد شهر مسکو کرده در حین ورود بمقوله میرتوش  
 شلیک کردند و چند نفر جراحی بنا دیگری مشغول بودند  
 و در مقدمه کولبه پرطوری دو فوج سواره نظام با دعوت  
 شدگان از دکای ملت و در پی آنها ساپروکلاروان  
 و متعاقب آنها اعلیحضرت امپراطور با خوش و ندان دکو  
 در عقب آنها صاحب منصبان نظام از امیر فرمانان و  
 صاحبان رتبه و پس از آنها جمعی از سفراء نامورین دول  
 با والده و زوج همراهم باین ترتیب وارد شدند و در حین  
 بچل اقامت مفقود و یک تیر توپ شلیک شد و موجب  
 قانون قدیم دولت مزبور از طرف اهالی شهر مسکو در آن  
 قدری مان با قدری ملک بخدمت اعلیحضرت امپراطور  
 و به آوردند بعد از تناول نمودن آن جمله کلیبا فرستادند  
 معاودت کل سفرا که در آنجا بودند دعوت کرده تا  
 شیدان کشید و تینا فهای سنگین نمودند و در روز هفتم  
 بکلیسای قیلین نام رفته تاج بر سر گذاشته و صد و یک  
 تیر توپ شلیک شد بعد از آن اعلیحضرت امپراطور با جمعی  
 خدم و حشم بکار و تفریح رفتند بعد از سکار که معاودت  
 نمودند با اجرای تعلیمات و کاشای اردوی مسکو که کرب  
 بشمار هزار کس بود مبادرت نمودند و پس ز فرغت از  
 تعلیمات و تلبشای قشون از اهالی مسکو بجهت کس  
 یکد فوضیفات کردند و از آنجا غایت امپراطوری را بجا  
 فریم می نویسند  
 بعد از اجرای رسم تاج گذاری اعلیحضرت امپراطوری بجا

فریم که غزمت می کنند و جی که با اهالی فریم مقرر شده است  
 اعطای نمایند و تدارک تا دیوانهای آن بوده اند  
 بجهت کشیدن کشتیهائی که در رود نین ستند در این اوقات  
 در مصروفیاتیه تکمل نموده و در نین سخن چند قطعه کشتی بجا  
 مبادرت کرده اند  
 از قومپانیه ای دولت انگلیس و کین یک قومپانیه بزرگ کس  
 و کین نام در این اوقات مستعد شده است که از اینتر  
 الی آیدین راه آهنی بسازد  
 دیگر در روزنامه جدید اخبار است اسلامبول نوشته اند که در  
 بروکسل یک روزنامه نویس با ولی پاشا والی کرپه بد بود  
 روزنامه خود در باره رایه بعضی از اجیف نشر و اعلان کرده بود  
 و چیزهاییکه ابر او کرده بود چون کلاً خلاف واقع بود او را بجا  
 کشیده بعد از ثابت کردن حرفهای ناحق او هزار دو سینه  
 از او جریمه گرفته و ناحق بودن حرفهای او جریمه پس بر دیگر  
 در هیچ کارخانه روزنامه نشر و اعلان کرده است  
 دیگر نوشته اند که در ضمن تاین و توشین معاودت بین الناس کشید  
 بمقتضای نظام در کاتامعا دار دیوانی نوشته شود چون بعضی اشخاص خلاف  
 این قاعده بد کانون متعاسند و حجت داد و ستد کرده در منازعه  
 و دعوی آنها ظاهر میشود لهذا بعد از این در اسلامبول تا در ماه  
 و در ایامات ساحلیه تا چهار ماه و در بلاد بجهت تا شش ماه  
 بخلاف این نظام اسناد و مکات و این قبیس چیزها بد  
 معاودت که دیگر در هیچ و تحریر شده با در وقت ظهور دعای  
 آنها از طرف حکومت محلیه ان دعای نامسوع دان  
 غیر معتبر و لغو بوده از درجه اعتبار ساقط و در نزد دیوان  
 قبول نخواهد بود

۱۹۴۰

روزنامه وقایع اتفاقیه سیح یوم سیح پنجم صفر سن ۱۲۷۳



منطبه دار الحکومه طهران  
قیمت اعلانات  
هر خط پنجاه

شماره سیصد  
قیمت روزنامه  
هر نسخه ده شکر

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دار الحکومه طهران

جناب آقای میرزا محمد مجتهد بر وجه از زیارت ارض مقدسه  
گروه و بحضور اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی مشرف شد بود  
لهذا در روز شنبه ۵ امینا - ملاحظه احقرم بحضرت اعلیحضرت  
بازدید این خاطر خطیر ملوکا نصمیم قه بجایه نواب هرده  
خان میرزا کمران بستان و برون و بر وجه که منزل جناب  
مغزی الیه بود تشریف فرمائید در جشنی که از بار خدیجه  
موجب اتفاقان حاجب لدوله و عالیجناب محمدخان کلان قورقور بودند  
از جناب شاهزادهها و جناب حکامان در بار باغابون شاهان در  
فیروزی کوکب واقع بود اقبال نواب محسن میرزا اخو میرزا  
عبدخان والی سابق گیلان و میرزا موسی وزیر دار الحکومه  
و سایر اعیان ارستیراجه و میرزا زین العابدین توفی میرزا بیج  
و عالیجناب مقرر حضرت محققان میرزا عباس خان شش اول  
امور خارجه و عالیجناب میرزا محمد علی سررشته توپخانه مبارکه و میرزا  
کاظم سررشته دارصن و قضاة مبارکه و ملا باشی و زکریا که خدمت  
بر کدام فرخویشان تقدیم بای از و قربانی و شکست خوردند  
و سابقه و کانیات بطوریکه بعد آمده در خانه نواب ام

از جناب نواب مغزی الیه متوسطه عاقله میرزا بیج مستوفی لوازم با  
و پیشکش و قربانی بعد آمده بعد از باز دید جناب مغزی الیه و اظهار تقدیر  
ملوکانه در باره این ناک مبارکه که تحت خود  
بزرگوار جناب کی بعضی ویلای دولت علییه بعد از ورود جناب  
مقربان امین الملک فرخ خان المکی کسرت و علییه قید دولت عالی جناب  
ولایت ارزنة الروم برابر اولاد و بجه خود مایه الا و ادوین بن  
در تقدیم رسم احترامات و تشریفات پذیرنی سفارت و اتباع سفارت  
لازمه وقت را بعل و رده و در منزل عرض از سر صده و سایر لوازم  
از وظایف مودت صفوت حاصله مضائق نمود و از جناب شاهزادهها  
و جبه پادشاهی رزق الروم برابر اولاد و بجه خود مایه الا و ادوین بن  
از جناب لدوله تشریف فرمائید بود و اولاد و بجه خود مایه الا و ادوین بن  
و مستقبلین جناب المکی کسرت بجه تشریفات و ترتیب یافته  
جناب حسین پادشاهی که عالیجناب تشریف فرمائید حاجتگاه غرضت  
مرتب میرزا توفی است عاقله تقدیم مقام بجه سیم کسرت که  
کنند و اولاد که عبارتست از میرزا در و سایر  
ایرند  
عاجله حاجتگاه غرضت  
میرزا توفی است عاقله تقدیم مقام بجه سیم کسرت که  
کنند و اولاد که عبارتست از میرزا در و سایر  
ایرند

۱۹۴۱

با خجانه نرسوا ره نظام و دوست نرسوا ره دیگر در و طرف  
 کوشیده سفارت کبری را پذیرفته اند و از آنجا با جناب  
 و اتباع سفارت سری در کمال توقیر در درجه الا شکر و در این  
 منزل خاک دولت عثمانی شده اند و عالیجاه محمد بیگ مد  
 نیز با یکصد نفر سوار استقبال نموده است بهین نسبت در محله  
 عرض را تا منزل دوازدهم منزلی از رژه الروم با سفارت  
 کبری رفتار نموده اند عالیجاه محبت و خلد مستر امیر از رژه  
 پر در دولت علیه مقیم رژه الروم در همان منزل در جناب  
 استقبال نموده و در روز و در حلقه و در منزلی از رژه الروم  
 عالیجاه محمد شمس شاه حالت فذی در فرار و ولایت از رژه الروم  
 که زخمی محترمین آن ایالت است تقاضای ابراهیم پادشاه بدین جناب  
 آمده و لازم مودت را معمول داشته و در روز و در بنی چای  
 و و فرسخی آنجا جناب وجه پادشاه الی رژه الروم که با یکدیگر  
 خود را با استقبال سفارت کبری فرستاده و مراسم موالات  
 و اکرام را از جانب جناب والی ظاهر ساختند در ۲۱ محرم که  
 جناب امین الملک و اتباع سفارت کبری از منزل بنی چای سوار  
 شده میخواستند وارد شهر شو در کفر خجی شهر حاجی غایب پای  
 با مصطفی افندی بین مانی از جانب جناب والی با جمعی از  
 یعنی غلامان با کمال اکرام با استقبال آمدند و از طرف جناب  
 شیراز وی ناماطلی که سردار کل آنجا باشد چند نفر از جناب  
 معتبر نظام با نهایت حرمت استقبال کردند عالیجاه محمد مستر  
 میرزا بزرگ کار پر در دولت علیه مقیم آنولا با قریب بدو  
 تجار دولت علیه از جمله قاسم علی باجر او میر و حاجی حسن  
 ایروانی و آقا محمد باقر باجر اصفهانی با افاق عمده الفضلایا

مهرابی سفارت کبری را استقبال نمودند و قنصل دولت  
 انگلیس که در رژه الروم بود و میسر است نایب و با سایر  
 اتباع قنصل کبری دولت انگلیس با قضای موالات و در این  
 و انگلیس با استقبال سفارت کبری آمده و لازم اکرام و دوستی  
 رعایت نمودند قنصل دولت فرانسه چون با خوش بود  
 صاحب منصبان تونس کبری آن دولت هم با استقبال  
 لازم حرمت و مودت را بعمل آوردند در نیم فرسخی شهر  
 سر بازار باطل و بالابان و موریکان صف کشیده احترام  
 عسکریه را بعمل آورده و طبل و بالابان زدند و از جانب  
 ایچی کبیر احوال پرسی صاحب منصبان نظام و سایرین  
 و بعد از آن قریب بدو دولت نواز تجار توجه دولت علیه  
 با استقبال آمده در کنار راه صف کشیده و لازم اکرام را  
 بعد سر کشیک با جمعی از ضبطیه های پیاده پیش روی  
 سفارت متوقف شدند قریب که راه رفته بود قاضی و مفتی و  
 اجزای مجلس عدلیه از رژه الروم پیاده بودند لازم اکرام و  
 احترام را عمل آوردند قریب شهر که جناب والی در چادری گشته  
 احترام و استراحت جناب امین الملک صاحب منصبان  
 کبری زده بودند حاضر شده وقت نزدیک شدن سفارت  
 کبری بچادر جناب درویش پاشا فریق درین مجلس عسکریه  
 و علی پاشای میر لواء عسکری پاشای میر لواء و نفر سرب و  
 نفر سرب و تک تا صد قدم از چادر بیرون آمد جناب امین الملک  
 ایچی کبیر دولت علیه را استقبال نموده کمال احترام پذیرفت  
 نمودند و خود جناب الی نیز تا در چادر با علی پاشا فریق  
 و مفتی و قاضی و شیخ الاسلام با استقبال آمده جناب مغربی

۱۹۲۲

بذیرفتند بعد از صرف تنوع و چای و لجه آسایش و آرام  
 جناب میزبان الیه و اتباع سفارت کبری سوار شده و چنانچه  
 مفتی و شیخ الاسلام با چند نفر از میر آلای و سرکنک و  
 کشیکچی باشی جناب والی و ضابطیه و سوارهای نظامی با  
 زیاد بجهت احترام سفارت کبری آمده و در عقب ایشان هر سواره  
 نظام روان شهر شد تا در سفارتخانه که معینش نموده بود  
 همراه بودند و از سر حد تا شهر منزل بمنزل قربانها کشیدند  
 بخصوص روز و روز در زمره مردم عالیجاه میزبان بزرگ  
 و تجار دولت علیه قریب یکصد روس کوسفند و کا و قو  
 کردند و در روز و در شهر بید قهای دولتی قونو لگرمی  
 متحابه را بجهت احترام سفارت کبری کشیده بودند و بعد از  
 منزل سفارتخانه آدمی از جانب جناب و جبه پاشا و  
 ارزنده الروم نزد جناب المیچی کبری دولت علیه آمده بعد از  
 مراسم احترام و توقیر اظهار کرد که امروز شب جناب والی  
 سفارت کبری را ضیافت کرده اند شام و نهار سنگین بدارند  
 بمنزل سفارت فرستاده رسم مودت و احترام را بجا آورده  
 و در روز و روز سفارت کبری بشهر عالیجاه مجدت سیراه قونول  
 فزان به حالت ناخوشی با سایر صاحب منصبان بیدن جناب  
 المیچی کبری آمده و از طرفین رسم اکرام و داد و بدل آمد و رفت  
 آنچه در آن باشی از جانب جناب سیران نزد جناب المیچی کبری آمده  
 مبارکباد را بجا آورده تمناهای تعیین وقت ملاقات کرد و در وقت  
 معین جناب سیر پاشا و عمر پاشای دغستانی که منصب لوانی داشتند  
 با علی پاشای لواد سار صاحب منصبان نظامیه بالباس سینه  
 سفارتخانه آمده لوازم احترام و مودت از جانبین بجا آمده

عالیجاه مجدت سیراه قونول دولت روس بیدن جناب  
 امین الملک آمد مفتی و قاضی شهر سفارتخانه آمده لازم نمود  
 و احترام را بجا آوردند عالیجاه مسیوات بایب قونو لگرمی  
 بیدن جناب المیچی کبری آمده رسم حرمت و دوستی از طرف  
 منظور شد جناب المیچی کبری روزی که بیازید جناب والی  
 بروند جناب والی قبل از وقت کشیکچی باشی خود را با حاکم  
 نظامیه بالباسهای رسمی محض احترام سفارتخانه علیه  
 جناب المیچی کبری صاحب منصبان سفارت کبری بر تمیبات  
 رفتند جناب والی تا بیرون اطاق میان والیان استقبال  
 سفارت کبری آمده زیاد مراسم توقیر و احترام بجا آوردند  
 مودت و الفت از جانبین بجا آوردند بعد از آنجا برخواستند  
 همان ترتیب و نظام بیدن جناب سیر پاشا رفتند جناب  
 مفتی الیه رسم شرایط استقبال و احترام را بجا آوردند  
 کرد که موز و کاجیهارا مخصوصاً فرستاده ام آمده و بعد بجهت  
 جشن ملاقات شما مورگان نزنند و آن مجلس نجوشی مودت  
 احترام بجهت رسیدن قونو لگرمی بهی دول متحابه  
 جناب المیچی کبری بجا آورده روز ۲۵ محرم المیچی کبری با صاحب  
 سفارت کبری بکار بردار خانه دولت علیه رفتند سیران  
 والی و ضابطیه و قواص بجهت احترام سفارت کبری در پیش بودند  
 عالیجاه مجدت سیراه میرزا بزرگ کار بردار دولت علیه  
 احترام سفارت کبری مدارک بسیار ممتازی فراهم آوردند  
 در هنگام عبور جناب المیچی کبری تقدیر بیت و بیچ روس کوسفند  
 و بکروسکا و قربانی کرده و قریب بکار بردار خانه  
 سال از سر کوچ الی اندرون کار بردار خانه که هزار قدم

۱۹۲۳

راه باشد بخارجت دولت علیه بجهت احترام سفارت کبری  
 کرده بودند شیرینی های زیاد در میان خواجگان و مجموعه مادر  
 کار پردازخانه چیده و حوض کار پردازخانه را پر از شربت کرده  
 بنام نامی تابون علیه حضرت قیوکت شائشی خطبه بدو داد  
 کردند و روز ۲۷ محرم که سفارت کبری از ارزنة الروم حرکت  
 میکرد و عتبه قبل مصطفی پاشا میر لواء علی پاشا لواء صاحب  
 نظامیه با تفاق قاضی مفتی حاضر شدند و عایجه مجدست  
 میر بزرگ با تجار و تبعه دولت علیه رسم شایسته عمل آوردند  
 دو رکعت فرسخ یکفوج سر باز با بیدق و موزیکان بجهت احترام  
 سفارت کبری حاضر کرده بودند بعضی نزدیک رسیدن سفارت  
 کبری با طبل و شیپور و موزیکان حسیب احترامات لطیف میر است  
 کرده بعد از گذشتن از پیش روی فوج و احوال پرسش آنها  
 که همه در حالت شش فشک سپاه بودند با پایان قاضی مفتی  
 صاحب مفسان فرود آمدند جناب لمپی کبیر را وداع کرده میر بزرگ  
 بزرگ با تجار دولت علیه تا سه فرسخی متابعت کردند و حسین پاشا  
 فریق هم از سفارت کبری با جناب حسینی الیه روانه شدند  
 در این اوقات هوای دار الخلافه طهران کمال خوبی و عمدتاً  
 وارد و افواج قاهره نظام از توپچی و سران همه روزه در میدان  
 مارک و میدان فارح شهر مشغول مشق هستند و از جانب  
 صاحب مفسان و ملین کمال مراقبت و اهتمام در مشق و تعلیمات  
 نظامی آنها میشود و همچنین متعلمین مدرسه دار الفنون نهایت  
 وقت را در مشق و علوم مروجه بخود معین می آورند و بجهت تحسینی  
 ترفیحات حاصل شده است از جمله حاج میرزا محمد علی صاحب  
 نظام که سابقاً در مدرسه دار الفنون در نزد معرب پاشا

علیم بود که حکیم ناشی تحصیل علم طب و جراحی و عمل یاد کرده بودند  
 در این روزها در محله خود لاجان سنگ مشانه مطلق بازداشتند  
 با کمال مهارت بیرون آوردند  
 از قراریکه در سالنامه دولت عثمانی مطابق سنه ۱۲۷۲ هجری قمری خطه  
 از بعضی محالات ملک طلق آیند و دولت علیه و از قراریکه بعضی  
 محالات دیگر همچنین از ایلات و یر متبوعه این دولت بدست  
 داخل محالات ایالات دولت عثمانیه نموده از عتبه یر هم خبر دادند  
 عتبه یر آن دولت عد کرده اند مثلاً محال قطور ملک طلق دولت علیه  
 ایران من اعمال ایالت خوی را داخل ایالت دان و ضمیمه ناحیه  
 حکاری قلعه نموده ملک دولت عثمانی محسوب شده اند و همچنین  
 حیدرآباد و زیلان و جلالی را که همیشه از جمله ایالات محترمه دولت  
 علیه یران بوده رؤسا و آقایان یر نیز بوجه اقبیل حیدر خان  
 حسین خان غیره دانند در خاک دولت علیه مسکن و زمین  
 دیوان اعلیٰ مواجب و راتبه داشته اند داخل حشام با نیرند  
 نوشته اند احتمال کلی بلکه تعیین کامل میرد و منجی که با شکر تحریر  
 سالنامه مذکور بوده از احوال و اوضاع دولتیه بهر چه در اطلاع  
 مذاشته بخمال خود اینگونه تعیینات تا وقوع را بکار برده اند  
 و الاخص آگاه با اطلاع هرگز راضی نشود که چنین مطلبی را در  
 جزو توفیقات دولتی بنویسد و خود را نزد کاف خلق مورد  
 بحث نماید زیرا که اظهاریت من این مناسبت است که قطور خود  
 ایالت خوی ملک بلا نزاع دولت علیه یران است الا آن  
 محاسبات و معاملات بخاد در دفتر خانه تبریز و خوی موجود  
 قبایجات قدیمه اطلاق قطور که رعایای آیند دولت بیع  
 شری کرده اند در نزد مالی و اعیان شهر خوی حاضر است

۱۹۴۲



واحدی مسکرمیستواند شد که از جانب حاکم و سردار خود  
 در سنوآه سالانه کدام اشخاص برای ضابطی و مباشری آن  
 تعیین میشده اند علاوه بر اینها دلیلی که محلی بجز یک نیست  
 این است که ناموزین و ولتین واسطه در حین گردش سرحد  
 و لحاظ خط و سرحده و ولتین قطور را هر جا بملکیت دولت  
 علیه ایران تعیین کرده اند تصدیق نامچشان در نزد  
 اولیای این دولت علیه آن ضبط و سند است عا حیدر  
 و زیان و جلالی اولاست اختصاص بایند ولت علیه  
 ثانیاً اگر بنا بر صرف بار یاوه بران نمیتواند بود که کمان  
 دولت عثمانی بگوید که وقتی فلان قدر خانوار از جلالی  
 در خاک افکند بوده اند هتاهای مراتب آن بود که قنار  
 فرض نمایند دیگر اختصاص دادن چرخ خلاصه نباید سوا  
 بی اطلاع بجز مباشر طبع سالنامه جتنی داشته باشند  
 از خود ندارد خبر چه داند از احوال شمس قمر

**سایر ولایات**  
**آذربایجان و استرآباد و اصفهان**  
 ازین ولایات اخباری نبود  
 بر وجود و عربستان از فرار یک در روزنامه  
 نوشته اند نواب مستطاب اجتمام الدوله خان میرزا  
 بر وجود و بختباری و عربستان و لرستان چون سال  
 به یک از ولایات ابواب جمع خود بنفهم رفته و بنظم امور  
 رسیدگی می نمایند درین سال نیز چند وقت قبل ازین  
 بزمیت لرستان کرده بعد از قرار نظام امر بر وجود  
 لرستان حرکت نمودند و در منازل عرض راه نظر بر عا

رعایا و رفاه حال آنها دور از آبادی اردو میزده اند  
 که بمحصل و باغات رعایا زایل اردو ضرری نرسد  
 ذلک قدغن یکد نیز کرده بوده اند که اگر از اهل اردو  
 یکی از رعایا خدای حسابی واقع شود مورد مواخذه باشد  
 از جهت یکی زایل اردو با عیسی نزاع کرده و آن عیب ظلم  
 بود مالک رازان اورا مانعت کرده بود که مراتب را  
 نوابش هر ده سازد نواب عیسی ایام مطلع شده و  
 عارض را آورده بودند و بعضی اورا سبب کرده آن  
 لوگر را که باو نزاع کرده بود تنبیه بفرمود که دیگر کسی  
 مرتکب ایند عیب نشود

**خراسان** ازین ولایت نیز درین هفته اخباری  
 حتم از فرار یک در روزنامه حتم نوشته اند  
 چراغعلیخان تجیه تشخیص لوت شاهسون حتم روانه  
 شاهسون شده و عالیجاه میرزا و لجان را در حتم غیابت  
 گذاشته است در ششم ماه صفر که عید مولود سعود اعظم  
 اقدس جالیون شاهنشاهی بود عالیجاه مشارالیه در  
 تنبیت عید سعید را بطور شایسته از اجرائی شلیک  
 و صرف شربت و شیرینی بفرموده و کل بازار را  
 و دکاکین را دو شبانه روز چراغان کرده اهل شهر  
 مشغول عیش و شادمانی و دعا کونی وجود فانی بود  
 جالیون متشاهی بوده اند

**سمنان و شاهرود و عراق و فارس و قزوین**  
**قم و کاشان و کردان و کرس و کرمانشاهان**  
**و کرمان و گلستان و اردلان و همدان و ازین ولایات نیز**

۱۹۴۵

### اجنار دول خارج

ممالک اسوچرہ نوشتہ اند کہ عبارت از بیت و دوانا  
 مستقل است و ہر بانہی علیحدہ و تحت دایرہ جمہوریہ  
 از طرف اینہا با مورد حسد و شہوت بموجب موزنی کہ  
 شدہ اند در شہرت بر تہ اجر ای احکام میشود از ایالات مرقومہ  
 در ایالت نوشاہل کہ سابقا تحت حمایت دولت پرورد  
 در اختلال نسبت قبل ازین کہ در انجا روی داد ان ایالت  
 ہر طور بود از تحت حمایت دولت پروردستہ بیرون رفت  
 ولی جمعی از اہالی انجا باز بدولت مزور مایل بودند و باینجہ  
 ما بین اہالی ساگرہ و مامورین چند وقتیں ازین تفرقہ  
 بروئی اتفاق افتادہ در شب چیم محرم اشخاصی کہ طرف از  
 پروردستہ بود جمعیتی کردہ و بمنزل رئیس جمہوریہ مہاجم  
 اورا گرفتہ و از مامورین کپرس بشان افتاد زدہ و مجرد  
 و سایر اہالی شہر از شہر بیرون نمودہ در مواقع متحدہ  
 بیرق دولت پروردستہ را کشود فی الحال این کداریش بواسطہ  
 سیم لغزاف بشہرتہ اجنار و از انجا قسوںی کافی بہرتہ اس  
 شدہ و جمہوریہ انجا با این قسوں یکی کردہ بہ مجدد بشہر مزبور  
 هجوم آوردند و خیلی مدت محاربہ کردند بالاخر جمہوریہ بر سید  
 امداد غالب آمدہ رفع ہتھیار شد ولی از ان اشخاص کہ بہادری  
 پروردستہ این گت را کردند بسیار آدم تلف زخمدار  
 سابقا دولت انگلیس از اتالیقا قسوں گرفتہ بودند در این اوقات  
 سچہ عدم لزوم انہار اخرج کردہ بعضی بولایت خود رفتہ اند  
 و بعضی دیگر در لندن مانده اند انہا کہ در لندن مانده اند  
 این اوقات بدولت انگلیس بیضہ نوشتہ اند کہ دولت انگلیس  
 معاہدہ کہ در حق قسوںی کہ از المانیہ گرفتہ بودند کردہ کہ انہا

برستس امید کہ در تصرف دولت انگلیس انتہی فرست ماوند امید  
 کہ در بارہ ما نیز ان معاہدہ را بحری دارند کہ مجبور بر رفتن اتالیقا  
 دولت انگلیس نیستند عالی انہا را قبول کردہ اند ولی انہا را بگوا  
 طرف روانہ بکنند ہر موز معلوم نیست  
 بموجب دقیری کہ ہر سال در لندن ترتیب میدہند ہر سال از  
 ممالک خارجہ ہندن از محصول زمینہ و صنایعہ معاہد صل  
 بیت کردہ لیر کہ ہر لیر انی تجنیما بیت و ہر لیر دینار چیری لای  
 وارد شدہ است و این دارا امتہ واجناس بواسطہ کارخانہ  
 در انجا مگر تربیہ شدہ خواہد خورد ممالک انگلیس صرف نمودہ  
 سنجاج بفرودش برود حساب کردہ اند مقدار انہا معاہد  
 نود و ہشت کرد لیر امیشود

سابقا نوشتہ شدہ بود کہ از جانب علیحضرت امیر طوروس  
 سچہ علیحضرت امیر طوروس نشانی عنان عمود و ان نام فر  
 شدہ بود در این اوقات از جانب امیر طوروس در عرض  
 آن نشانی حکمداران نشہ و کانی کہ گب استحقاق کردہ اند  
 نشان اندر نام مخصوص دستا دہ شدہ و این نشان را  
 ہر کس از خود می آویزد یکنوع لباسی ہم مخصوص ان نشان  
 باید پوشد

از قراریکہ سابقا نوشتہ بود جناب پرنس پیمان کہ عموزادہ  
 امیر طوروس است چہ شمالی فرنگستان را سیاحت کردہ  
 ایلانہ رفتہ بود سچہ نزدیک بودن موسم نشستان دیگر  
 رفتہ این اوقات از انجا معاہدت کردہ گذارش بممالک  
 اسوج افتادہ از انجا جمعش را بہا پس پای سخت در نہ  
 مینویسند

۱۹۴۶

دیگر نوشته اند که از طرف دولت فرانس دو کشتی بخار که هر یک قوت نهصد سبب شده باشد و هفت تپ کبش در کار ساختن بودند در این اوقات یکی از آنها را نام کرده و داخل دریا نموده اند و یکی دیگر نیز در ماه صفر بنا بود که تمام شده و داخل دریا بشود و قدابنها کشتی سه بنای بلند تر است و تا کنون کشتی باین بلندی مشاهده است بجهت تجربه سیر و حرکت آنها در دریای بزرگ بچند دریا که کوچک در حرکت خواهند بود

دیگر نوشته اند که در جزایری که در تصرف دولت فرانسه است چون آوم کم است بجهت اینکه در آنجا آبادی جمعیت زیاد بود از جانب دولت فرانسه اعلان شده که هر کس در آنجا رفته شکنی نماید و پنجه بکار محلی که سکنی نماید با تخم نپه که میکار با و مجازا داده می شود و حاصلی که بعد آورده است دولت فرانسه از او میخورد

در ممالک استریه بجهت قطع شدن سیم تعراف و اینکه در بعضی محل ها نیز که سیم تعراف ندارند بکشند در این اوقات مورین تعراف علیحده انتخاب شده در زیر حکم شخصی مخصوص داده شده و جمعی نیز مورین تقطیس بجهت تعراف معین گردیده اند

سابقا نوشته شده بود که در دولت ساردینیه در محل اقلعه که ساخته اند بجهت ریختن و کد استن صدها عراد و در آنجا از جانب املی ساردینیه وجوه کافی داده شده در این اوقات محض رعایت دولت ساردینیه از طرف ایالت پاریس بای تحت فرانسه و لندن پای تحت انگلیس پاریس ریختن توپها و اسلحام قلعه منوره و جوه اعانه داده میشود

گذارش رفتن ولی عهد دولت اسویج لیاحتی با بالیک و کشتن عرق شدن کشتی او در آنجا و لغت بیرون آمدن خودش با امانی کشتی سابقا نوشته شده بود بموجب روزنامه که این اوقات رسید ولی عهد را بمکت خود معاودت کرده است و عرق شدن کشتی را از عدم وقت ضابطان کشتی بیان کرده و آنها را

کسید است  
سابقا قوال دولت یونان با استریه رفته و از آنجا فریاد می شنید  
بپروسیه نوشته بودند بموجب اخبار این اوقات قوال شارالبد در او خرم ماه ذیحجه از پروسیه حرکت و بمقر حکومت قوال باوید را که برادر شارالبد است وارد شده است

در این اوقات چنانچه در هر شمار می کنند محال دولت فلنک که سر شماری کرده اند فکرو انانیت خود دولت منور بشش کرده و دولت و هفت یکبار دو بیت هفت نفر بشمار آمده است

در رومه که محل حکومت پاپا بزرگ است کتو یک عیسوی با عساکر آنجا از تابین و صاحب منصب چهارده هزار و پانصد نفر میباشند و یک شلث این قشون از امانی دول فارجیه میباشد

بجهت ظهور احتمالات در مملکت اسپانیول اصحاب رعیت نتوانسته بودند بکار کت در زرع بپردازند و حاصل انولا در سین ل کم بود باین لحاظ دولت منور قرار داده است که از ششهای آذوقه که از خارج یا نولات میرود در سوا حلیه کلام موقوف شده و گرفته نشود

۱۹۴۷

در دولت پورتو قال نیز درین سال ذخیره کم بود از  
جانب دولت مبرور بجهت ترفیه حال اصحاب تجارت  
مشغول است که از ادو که از خارج بانو لایت در خل مشغول  
رسوماتی که میکردند کف موقوف باشد  
تاکنون معاش ضابطان دولت اسپانیول تعدد  
بود بعد از رفع اختلافاتی که در آن ولایت روی داد  
در ضمن نظامات جدید که احداث کرده اند بوجه معاش  
صاحب مضبان نیز منعی افزوده است  
بجهت کار کردن از انگلیس لی هندوستان از چهار سال  
ور لندن با ختن کفروند کشتی بطول سیصد فرس مباد  
شده بود در این اوقات با تمام رسیده و در راه صفر  
نبا بوده است که بدریا بیدارند و این کشتی از قواری که  
سیصد فرس دراز می دارد و چهل ذرع کشتی در می جلوه  
و موجب بدریا هر قدر موج زیاد و دشت با سحر کاش  
او هیچ خطر راه نمی یابد و طرف سراسر او یک چرخ و در  
پای او یک دیده و سوانی اینها هفت عدد و یک کشتی  
شماره و پانصد فرس شرع او میشود و با کار کردن چرخها  
و کشودن شرعها ساعتی بیست میل مسافت دریا را طی میکند  
بجهت انداختن لنگر آهنی و کشودن شرع و جمع کردن دالالت  
کشتی علیحدگی چهار چرخه دارد و در وسطش بطول صد  
قدم دو عدد زورق و در میدن کشتی بجهت عبور و مرور از آنها  
مستعد است و چون که از یک طرف این کشتی بطرف دیگر صدارت  
و حرف عالی کردن ممکن نیست بجهت مخاربه چند و سیم  
تعارف کشیده اند و بیرون این کشتی یعنی این بار و آب

۱۹۴۸

بپاره می افتد بعضی جا بهای او را اگر آب بکشد و صندل کشتی بیاید  
سکنه و نفع نمی شود و اگر یک طرف او شکسته و غرق بشود بطرف  
اصد زیان نمیرسد و این کشتی عاده از سه پارچه عبارت است که  
ساخته شده و در میان آن متجاوز از پانصد نفر کشتی است و زیاده  
از هشت هزار آدم و چهار صد و بیست هزار قطار آذوقه در او حمل  
و در کل روی زمین اینگونه کشتی بزرگ تا حال ساخته نشده و در  
مسموع گردیده است  
از فرایک در روزنامه جدیده اخبارات موجه بنابر کتب  
چون ده شماری نظر بانظام و باطن ملک و در جها از جمله مستغنی از  
بنابر عایت این اصول اگر چه در سوا ایام چند نوبت تخریب نمیشد و با  
مدتی ازین مقدمه سه نفوس جو را مجدداً در این وجه وجود از انظار  
بنابر این سر شماری لازم آمد که اشخاص رسیده از توجیهین مأمورین  
در ایالت و بلاد شاهه سلام و عسیر اسلام اشخاص کور را بلان بقلم در آورده اند  
دولت عثمانیه است بجهت حقوق بلدی برای اینها سند می بندد در مواد  
و از دواج و بر موقوف لازم و در سبب تحیت و محاکمات و غایب که بعضی از این  
خود را بجای دیگری قلم و دنیا بجهت جلوگیری از مرجه و بکعبه عبادت  
و کور و بجز این تولد شود از کور و مات بتر کرده که با این ان سلطان  
از حال کفر محرم شده چنانچه دولت عثمانی که با اینک هر چه بپسار و چنان  
معیاری و تقاضای روز و روزگار اخبار در آن روز هر کس بی خود حاضر با چون  
از سر شماری تصحیح قیود ماده مقرر است خود را فدا شدن کسب و معاف نمودن  
کتمان نوشتن را نام است بعد از اتمام تخریب شماری اگر اشخاصی تعلم  
در نیامده معلوم شود تجارت کنندگان یعنی فخری شدن و محکم  
در مقام سؤال و مواضع برآمده و کیفیت معلوم شده مقتضای  
قیهات آن حرکت خواهد شد

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه پنجم شهریور سال اول مطابق سال لوی ۱۲۷۳

نزدیک

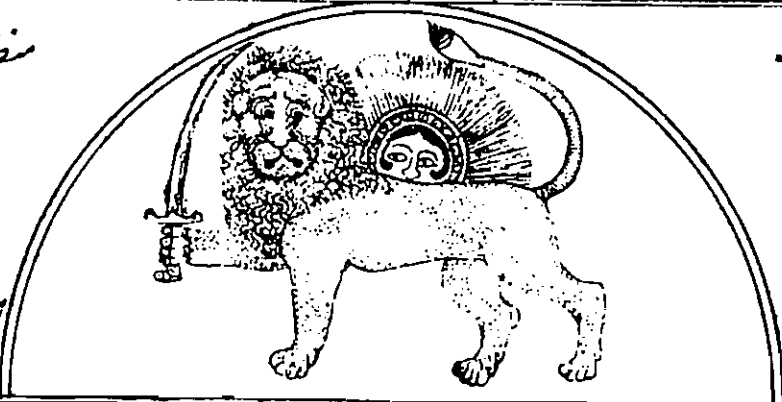
منطوقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شهر

هر نسخه ده شهر



اجبار واحد ملوک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

امیر و ستمخان در تصرف برات سعیها کرد و تدبیرها بکار برد  
 و سرتیپ عیسی خان هم تا ممکن بود در شهر برات محصور است  
 و پاداری نمود و این دو نفر در جزو باهم تهیدات کردند که  
 بوسیده از وسایل دست گرفتند تا شد دولت علیه ایران  
 از هرات کوتاه و آن ملک با میر دوست محمد خان مسلم بود  
 حتی در این اواخر تدبیری که بنیال امیر و ستمخان رسید  
 که سردار سلطان احمد خان پسر سردار محمد عظیم خان برادرزاده  
 خود را از قندهار بار دوی هرات بفرستد که صورتها نظم از عمومی  
 نماید اما در باطن غفلتی انداخته و وقتی بدست آورده بدستبازی  
 سرتیپ عیسی خان علی الغفله وارد شهر شود و آنجا از جانب  
 عمومی خود تصرف نماید اما هیچک ازین تدابیر مفید نتواند  
 شاهزاده والا با حرام سلطنته سلطان مراد میرزا والی  
 خراسان و کل سران و بزرگان عساکر نصرت امیر شاهی  
 بفرم برانج و قدم ثابت ایستادند تا بچون الله تعالی و منعم  
 و وقت باطن شریف مقدسه و دینین اسلام و اقبال بیرون

تا بچون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی خداوند سلطانه در دست  
 شهر صف مظفر شد و اگر که تصرف قشون ظفر نمون دولت علیه  
 درآمد و چا پارتو آب شاهزاده والا است روزه از هرات با  
 رسید عریضه و رسد نواب مستری لیه را بجاکای طایون و  
 جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم و ام طه العالی در فتح هرات  
 و حسب الامر الاقدس حکم بشدیک توپ و نواختن گرنای صا  
 و یکصد و ده تیر توپ و ما فی انداخته شد و از قرار زوشتجات  
 و الا و مقرب الخاقان قوام الدوله پیشکار آن کیفیت و فقه  
 از این قرار بوده است که چون عساکر قاهره سباب یورش و غلبه  
 من جمیع الجهات از کل اطراف قلعه فرانسس آوردند و ما چپها  
 دور نماند و در شهر داخل خندق شد و خندق و خاکریز شهر  
 عساکر قاهره درآمد و بدو بار قلعه پرودا و دو طرف حصار قلعه  
 خاکریز دور قلعه را بنقب آتش زده با خاک یکسان نمودند و  
 عیسی خان و سایر روسای شهری تعیین حاصل کردند که بعد ازین مقام  
 خود واری و نقل گشته است اگر طوعا از در انقیاد و در نیابند  
 اگر ناسخ و مقهور خواهند شد بناچار شفیع برانگیزند از در استمان

۱۹۴۹

در آمد سر تپ عیسی خان و عبدالخان جمشیدی و فتح الله  
 فیروز کوهی و آمان نیاز ترکان و میر عبد العظیم بار دوی پان  
 آمده شرف حضور نواب والا را در یافتند و مشهور و ارک را  
 تصرف عا کر حضرت مظاہر دادند و ساختند و ولتی در بروج  
 در وازمانت شده شدند اکنون هرات مثل یکی از بلاد کما لک  
 در تصرف دولت علی است و الحال شهر و قلعه ای که او بیجا  
 دولت ذکر آنرا قابل نیند استند و در روزنامه داخل نگردند  
 عزیزان و فراه و سبزاره لاش و جوین و غیره که قدما فا  
 ایران بودند و فاغنه بتدی متدرجا غضب کرده در دست  
 داشتند جمیعا بتصرف دولت علی و درآمدند و اولیای دولت  
 علی ایران چون یقین و قطع داشتند که اگر هرات را قسوت  
 این دولت محصور نیند استند و لمحو عقلت بنمودند سرتب  
 عیسی خان فورا شهر را بدست امیر دوست محمد خان تسلیم کرد  
 این بود که نمیتوانستند چشم از سر هرات بردارند و لابد بود  
 که قسوت خود را با بی نظور را در آنجا داشته باشند تا خاک  
 هرات از تصرف خیر محفوظ با و خللی در بنای استقلال آن  
 ملک روی ندهد ولی اولیای دولت علی ایران نینداند که  
 دولت انگلیس چه ملاحظه ازین معنی واضح و آشکار صرف نظر  
 کرده در سر این عمل حق بهانه جونی با دولت ایران میانند  
 و اسناد نقض عهد باین دولت علی میدهند و مکتوبند که  
 دولت ایران تصرف هرات است و حال آنکه با حصول علم  
 یقین بر اینکه عیسی خان برای تسلیم شهر با میر دوست محمد خان  
 امیر دوست محمد خان بجهت تصرف آنجا هر دو در یکین فرصت بود  
 چنانکه سر تپ عیسی خان آنچه نوشته است از امیر دوست محمد خان  
 و امیر دوست محمد خان در دست داشت تسلیم نواب امیر دوست محمد خان

نمود و دلیل این مطلب از روی نوشته است مزبور و واضح است  
 شد همان حرکت دولت علی و محصور شدن هرات همین  
 با قرار نامه هرات بود عمل لحد بود نقض عهد باین احوال  
 اولیای دولت علی از دوستی دولت انگلیس صرف نظر نیند  
 محض خاطر خواهی مضایقه نخواهند داشت که از هرات گرفته  
 و تصرف کرده صرف نظر نیند شرط برای یک انگلیس  
 دولت علی را اولیای دولت انگلیس در قضا و واقعات  
 و خود هرات فراهم میاورند و خاطر جمعی بدینند که هر یک  
 استقلال خود بی تصرف دست اندازی غیر خویشی الی الام  
 باقی خواهد بود و بان شرایطی که عهدش طاعت با بر بنی  
 دولت ایران است بواسطه قرب جوار و ایت و خند  
 بر و از خواهند ماند و حقیقت و لیلی و ضمیر ازین در دست  
 انگلیس نمیتوان فایده نمود مع ذلک البته دولت های بزرگ  
 مصف دوروی زمین مستند که فراری از جهت ملاحظه  
 سایر دول و مجموع عباد از روی عدل و انصاف داده اند  
 بیچوقت خود را از تصدیق حق و تعویب حسابی و اصلاح  
 کناره گرفته اند اگر آنهم مفیدند حسنا الله و نعم الوکیل  
 و نعم النصیر الحق نواب الام سلطنه و مقرب الخاقان ام الام  
 و ساغان البخانی و سایر میران نچه و سرتپان و سرتگان  
 و احاد و افراد صاحب منصب و سرباز و توپچی و سواره و  
 معکی حیران و فاغنه و فارسی زبانان که در اردو و مترجم  
 نواب امیر دوست محمد خان علی قدر بهم در نیکوکاری  
 و جان نثاری و رشادت و غیرت این دولت و حب وطن  
 فرود کار کردند آثار پدید است حسنا و بد عجب را بعد  
 از فتح هرات نواب و الاحسام سلطنه با قضای حکم و دستور

۱۹۵۰

اولیای دولت علیه کل امالی هرات از افغانه و غیر افغانه حتی  
 اشخاصی هم که توپ و تفنگ بروی قشون دولت علیه انداخته  
 بودند چنان امان داده اند و همو تقصیرات نموده اند که بعد  
 دیناری ضربی صادر دینامه است و از گذشته تا  
 هر چه بوده است گذشته نموده اند و این معنی مایه امید و آری و  
 اطمینان کل امالی هرات شده از صدق نیت سعادت که  
 از واری که عالیجا مقرب بخاقان جعفر قلیخان بلخانی حاکم  
 اسر آباد و بخجور و بعضی اولیای دولت علیه رسانده بود  
 جمعی از روسای طوایف بیوت و کولکلان در سر و زمین کولکلان  
 با گروهی از فدویان و غیر کشتن طوایف مزبور به تعیین  
 زبردستان خودشان جمعیت کرده مقرب بخاقان سعیدی  
 در کمال اصرار و احتجاج اظهار نموده اند که ما شنیدیم این روزها  
 کاری برای دولت علیه پیش آمده و از حدود خاروس کرمان  
 دشمنی برای دولت علیه بر چوخته است سرکار علیحضرت  
 قومی شوکت شاه اسلام پناه خداوند ملکه و سلطان حکم  
 با حضار و احتشاح و جنود نظر نمود فرموده اند که بجای  
 ملک و ملت و دین و دولت پردازند تا که آبا عن قید دریا  
 این دولت علیه خدمتها کرده جانها داده ایم با کل این  
 طوایف و من تبع خود حاضر هستیم و چهارم خیزار نفر سوار  
 از خود آماده کرده ایم که بعضی پشاوره علیه خانیون شاهنشاهی  
 بهر جا که مقرر فرمایند برویم و در خاکهای اقدس جان بیا  
 نمانیم مقرب بخاقان معزی الیه در جواب آنها زیاده از  
 رضامندی و عبرتانی کرده گفته بود که من از کمون دولت  
 خبر دارم دولت علیه با هیچک از دولتهای که عهد است با

آنها دارند سرخصامت و دشمنی ندارند و اقدام با بر  
 سخاوتند فرموده شما در جای خود آسوده باشید من این  
 نوع اظهار غیرت و ارادت شما را بتفصیل بعضی اولیای دولت  
 علیه خواهم رسانم که بعضی خاکهای مایون شاهنشاهی علیه  
 ملکه و سلطانه برسانند اولیای دولت بعد از اطلاع بر مراد  
 مزبوره هم تحسین از برای عقل مقرب بخاقان بلخانی فرمودند  
 و هم نوشتند که نسبت بروی طوایف بیوت و کولکلان  
 اظهار التفات و رافت از جانب سنی اجواب مایون در  
 از برای این قسم صداقت و ارادت که از خود اظهار کرده  
 نماید  
 در روزیکه سرکار علیحضرت اقدس مایون شاهنشاهی  
 جناب آقا محمد مجتهد بر وجود تشریف بردند بعد از آن از  
 نقضات ملوکانه بکوشه عباسی سنگین جنب و یکصد نفر  
 وجه نقد بخود جناب معسزی الیه و سه ثوب عباسی فرمودند  
 برادر و پسران مرحمت فرمودند و بجهت حصول دعای  
 خیر از برای وجود فالین اجود اقدس مایون یکصد تومان  
 سندی حسب فرمان مایون از مالیات بر وجود عانت  
 فرمودند که توسط جناب معسزی الیه صرف معیشت طلبت  
 مدرسه که در بر وجود در جنب خانه ایشان است و سایر مخارج  
 مدرسه هر روز بشود  
 این روزها دستخط مایون مرحمت معنون از مصدر خلافت  
 کبری و سلطنت عظمی بافتجا جناب شرف امجد ارفع صدر  
 شرف صدور یافت مثل تجید به مرتب مراسم و الطاف  
 خیر به مایون علیحضرت اقدس صلوات الله علیه  
 در حق جناب شرف صدر سنی و ام مجده العالی و تسبیح

۱۹۵۱

اختیار و اقدار کتبه بجناب و انصاف در قبض و لبط امور ملک  
 و ملت و حق و عهد مهام دین و دولت و عموم اهل مملکت از بسا  
 رعیت و بیان جشن و دیهای کاظمه نمیر فرطو کا: از کفایتها  
 کافیه و زحمات غیر متناهیه ایشان بطوری که میتوان گفت تا حال  
 از جانب مسیح سلطان باشوکتی در حق هیچیک از وزرا و صد  
 چنین التفاتی منصف ظهور نموده بود از جمله الفاظ در بار  
 دستخط مبارک یکی این است که شمارا در کتبه امور دولت  
 وکیل مطلق بلا عزل خود فرمودیم چرا که شمارا با غیرت و غیر  
 دین و دولت میدانیم چون تا ملی اعیان دولت و ارکان  
 سعادت زیارت و دستخط طایون فایز و امضون حضرت  
 آن علی التفصیل آگاه شده نده سایرین را که در پای تخت  
 ابد مدت شرف حضورند استند فوز این سعادت مقدر بود  
 لهذا آنچه اطلاع دور و نزدیک از وجوه داعیان مالک محرد  
 و وضع و شریف و عموم خلائق مضمون اجالی دستخط طایون  
 بشح مسطور فوق در ضمن این روزنامه مندرج گردید

سایر ولایات

آذربایجان از فرار که در روزنامه آذربایجان نوشته اند  
 انولایت و کمال انتظام است و الهی در عاید عین اسودگی  
 بقای وجود فایض ابجد اقدس طایون شاهنشاهی استغفار دار  
 دیگر نوشته اند در در ششم ماه صفر که روز مولود مسعود سرکار  
 اقدس طایون شاهنشاهی بود شب آن روز را کل بازارهای  
 چرخان شد و نواب استطاب شهزاده و الایضت الدوله  
 نایب الایاله آذربایجان و متحد در بار سپهر ام مقرب  
 قائم مقام بجهت چند نفر از شاهسیر و معارف شجاری بومی و غیر

رفته صرف شربت و شیرینی نمودند و در روز فروردین سلام عام  
 و مراسم عید مثل سایر ایجا و تبرک که بعد آمده اجزای شلیک توک که در  
 شراقتیاد غیر آرتنیت روز مولود نشان کرده بودند در اطاق نظام  
 که مقرب انخاقان قائم مقام آنجا نشسته بود و میر آنچه کان در  
 و سرسکان و دوجه اعیان و اشرف حضور داشتند قصاب خود را  
 مورد تحسین و صلحه و دام گردیدند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد صادق تاجر قزوینی مسلع سه هزار تومان  
 و جب نقد منات و امیر یال مسراه مکاری روانه قزوین نمود  
 و منزل میبایج الاغ مکاری که در جنر بورا باشد شب با بار  
 شده هیچ الاغ پیدا شد ولی بارش را برده بودند شب رالیه  
 مراتب را بمقرب انخاقان قائم مقام اظهار داشته یک نفر  
 خصوص امور و زان میبایج گردید بعد از ورود با آنجا و جنر بورا  
 الهی آنجا مطالبه و در مقام شد و بر آمده بود شب همان بار را  
 برده مدبر خانه عالیجناب میرزا احمدی حاکم شرع میبایج انداخته  
 بودند و باستحصار عالیجناب رالیه تمام کمال تحسین عاید شده  
 دیگر نوشته اند که این اوقات غله در ولایت آذربایجان  
 در تبریز کمین هزار اشغال بدو عباسی فروخته شد یکی بجهت این است  
 که چون در خاک دول بجز آذربایجان سابقا گرانی بود غله زیاد  
 با آنجا میبرد و بکرا که امسال بالذات غله در آنولایت نخبه بجز  
 بود هر قدر در سایر لهای دیگر بخیل می آمد امسال نصف بلکه شش  
 حاصل بدست آمد حتی در ارواق و انزاب و قزاق غله وجود  
 ندارد و از تبریز میبرند باین جهت چند روز غله در آن و شهر  
 تبریز قدری کم شد مقرب انخاقان قائم مقام محض  
 رفاه و آسایش مردم فرار داد که هم بخارج ولایت غله کم بریزد  
 مقدار نصف هزار هزار غله از غله دیوان معین و قدغن نمودند

۱۹۵۲



یکصد و پنجاه بار کند میدان چنان بپزند و از تسعیر بازار گشایی  
 که بفرز شدند از روزیکه این فرار داده شده است تا آن فراد  
 و بجهت فقر و وضع افاد کلی حاصل و نهایت الطمینان و امید  
 بدعا کونی وجود فایض اسب و آفرس جانون علیحضرت شاه  
 اشتعال دارند و فی الواقع ملاحظه کمی حاصل و بردن غله بخار  
 نان بکین نیز اشتعال بد و عباسی که بکین لوزن شت عباسی  
 چش می شود هیچ کران میت و این فرار داد مغزی الیه الیه  
 مایه فراغت مردم کرده و نیز فرار داده است که اشخاصی که در  
 غله انبار دارند هر یک برضای خودشان قدری غله بخاران  
 می برند که هیچ وجه راه حرف و عذر از برای آنها باقی نماند

دیگر نوشته اند که جناب وزیر مختار دولت فرانس در روز چهارم  
 پانزدهم ماه صفر وارد تبریز شد حسب الامر نواب شرف و  
 نصره الدوله و محمد دربار سپهر مقام مقرب امخافان قائم مقام  
 میران پنجه و میرتپان و سرمکان و صاحب مضبان نظام  
 و بیگلربیگی و که خدایان و معارف شهرت یافتن پوستان  
 با استقبال فرستاد اسب براق طلای سواری خود و مقرب امخافان  
 قائم مقام راکه اسب بسیار خوب ممتاز و زیاده میل بان دارد  
 برای سواری جناب معزی الیه بخلعت پوشان و نشاند  
 و با کمال اعزاز و احترام وارد شده در خانه حاجی آقاخان  
 و گذراند که پیش از وقت معین شده بود منزل کردند و از جهت  
 و خانه منزل و حرام ریاندان لمار رضامندی و خوشحالی  
 اسب سواری مقرب امخافان قائم مقام را وزیر مختار بسیار  
 کرد و معلوم شد که میلی بان اسب دارد مقرب امخافان قائم مقام  
 محض ملاحظه نماید است حکام دوستی دولتین و بشوکتین همان است

برای وزیر مختار و سه طاووسال ترمه بسیار خوب برای سفر  
 مترجم و نایب او فرستاده و خود نیز فردای روز و رود بدیدن  
 وزیر مختار رفته و وزیر مختار نیز یکروز فاصله باز دید نمود بعد اسب را  
 برسم امانت در تبریز گذاشته شمشیری بیل خودش خواهرش نمود  
 مقرب امخافان قائم مقام شمشیر که خودش را که بسیار ممتاز بود  
 ماب الیه داد

دیگر نوشته اند که پل میانج و قول اوزن خرابی بهم رسانده عبور  
 از او صعوبت داشت مقرب امخافان قائم مقام معارف فرستاده  
 خرابی آنجا را پانصد تومان برآورد نمودند و متوجه داده است که

**بروچسرو و عربستان**

از فرار یک در روز نامه بروچسرو نوشته اند امور ولایات حسن  
 مراقبت و اتهامات نواب مستطاب شاهزاده و الایات حاکم الدوله  
 حکم کن بر وجود و کجبتاری و عربستان و لرستان قرین انتظام  
 و انضباط است و در امر لوکر ابوالجمع خود نهایت دقت و اهتمام  
 نموده اند توپچی و سرباز و سواره و توپخانه و قورخانه و اسبان  
 در هر وقت تمام سان دید و هر یک از اسبان توپخانه را که  
 اسقاط شده بود در عوض اسب خوب دادند و همچنین سیاه و سفید  
 سواره و سرباز و غیره را هر چه ناگامی داشته است تدارک دید  
 در غزه ماه ربيع الاول با احتشام تمام غنیمت عربستان را  
 داشته اند

دیگر در روز نامه عربستان نوشته اند که چار عشایر ایرانی و  
 اعراب ایلات روم خصوصاً اعراب منتفج و بنی لام در سنه ۱۲۸۰  
 جزودی و قطع طرق اشتعال داشتند در این اوقات از نظم  
 و عزم نواب احتشام الدوله بکلاف سنه ۱۲۸۰ سابقه هیچک از قبایل و  
 عشایر بزرگ حرکت خلاف نیت نمودند

دیگر نوشته اند که فوج بهادران توان اول فوج قاهره بود  
 عالیجاه مقرب الخاقان آقا جانشان سرتب که مشغول  
 محارست و قزاقی بند محرمه بود و در جزایر بقا قانون جمله  
 قزاق که داشته حفظ و حراست میدوید در این اوقات که فوج  
 بیات ابوالفتح عالیجاه محمد مراد خان سرتب بجای آنها بود  
 بندر مزبور که دیدند عالیجاه آقا جان در آنجا نرفته بودند  
 تا فوج بیات رسیده اند و دوسه روز دیگر مانده است تا  
 قزاق اول مستحضر در هر یک از قلعهجات جزایر و جاهای دیگر  
 که لازم بوده است از فوج بیات گذاشته و قزاق اول فوج بیات  
 برداشته و روانه شوش شده در آنجا توقف دارد  
 و جمعی از نوپیمان سافلوی شسته اند که در کمال  
 میباشد و عالیجاه عبدالعزیز که روسی سلطان توپخانه مبارک  
 نهایت اتمام در انتظام امر آنها و مراقبت تمام در انجام حد  
 مرجوعه بخود دارد

جماعت جنازها را کران کرده بودند جناب عضد الملک مشهور  
 باشی سرکار فیض آثار فرستاد و جماعت جنازها آوردند معلوم  
 شد که جنس و فرود آورد آنها از راه تخت و حلب منتقل نمازگاه  
 کرده اند باینکه قدغن آید کرده و التزام از آنها گرفت که نان  
 بقرار قیمت اول بفرود شدند و اگر تکلف نمایند مورد مواظبت  
 باشند

دیگر نوشته اند که قورخانه مبارک که را که از دربار عالیون بایمن  
 اقدس حمل شده و از آنجا بهرات بار و وی نواب مستطاب  
 شاهزاده و الایثار سام السلطنه والی مملکت خراسان میرزا  
 مصحوب الله بار آقا جمعیت او و بهادران و چهار صد نفر  
 قزاقی و غیره سرتب شیخ جام که قورخانه رسیده بود و سرتب  
 بعضی مفیدین که از اراض اقدس اخبار باشرار خرس کرده  
 بودند جمعی از اشرا ترکمانان سرخنی بسر قورخانه آمده بودند  
 که شاید بتوانند دستبرد می زده کاری از پیش ببرند اول  
 جمعیت زیادشان را در کین گذاشته سوار کی خود را نمودند  
 بودند بلکه جمعیتی که همراه قورخانه بودند ترکمانان را که دیده بودند  
 نمایند و از قورخانه دور نشوند تا سواره از کین در آمده خود را  
 بزنند تا سواره و سرباز بهم جمعیت اعتبارا با آنها نموده بهمان  
 و نظامی که داشتند میرفتند بعد از آنکه ترکمانان دیده بودند که  
 این تدبیران مفیدند از کین در آمده بیانات اجماعی  
 حمله بسر قورخانه آورده بپیررس که رسیده بودند از توپ  
 که همراه قورخانه بود شلیک شد همینکه فهمیدند که توپ  
 همراه است چنانچه عادت قدیم آنهاست که ازین دو صد همیشه  
 گریزانند قزاق جلوشان بر کشته پشت نهبت داده فرار کردند و  
 عالیجاه پرویز خان هم با موبینان رسیده قورخانه را سالما بار آوردند

۱۹۵۴

دیگر از لرستان نوشته بودند که امور آنجا از هر چه تنظیم است  
 و نواب مستطاب الاحتم الدوله رسیدگی و در نظم امور آنجا  
 نموده اند بطوریکه سپاهی و عیت همگی آسوده و با کمال  
 هر کس بکار خود مشغول و بدعا کوفی ذات اقدس همان  
 اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه  
 دارند و کسی بیسوجه قدرت و یاری حرکت خلاف  
 ندارد

### خراسان

از قزاقیکه در روزنامه ارض اقدس نوشته بودند امور  
 انولایت قرین انتظام و کس بکار خود مشغول و بدعای دولت  
 امشغول قیام و اقدام دارد جنس چند روز تعبیری بهم رسیده

همراه است چنانچه عادت قدیم آنهاست که ازین دو صد همیشه  
 گریزانند قزاق جلوشان بر کشته پشت نهبت داده فرار کردند و  
 عالیجاه پرویز خان هم با موبینان رسیده قورخانه را سالما بار آوردند

### قزوین

از فرار یک در روزنامه آنجا نوشته اند ولایت در نهایت از فرار  
 و فرادانی و تمام اهالی و سکنه از غریب بومی بدعا کوفی ذات است  
 بجا بون اعلی حضرت شهر یاری خداوند که در وقت شوکت و کبک کار  
 خود و خدمات محوله دیوانی مشغول باشند ششم شهر صفر  
 المظفر که شب مولود مسعود مبارک پادشاه چهارم و خاندان  
 خلد الله علیه و سلطانه بود مقرب استخافان پیش کار حکم نمودند که  
 از شب ششم الی شب بارز و دکاکین و خانان را ناما زینت نمود  
 و چراغان نمایند و تمام اهل بلد از جمله مبارکی مولود مسعود مشغول  
 عیش و عشرت باشند و در شب اول شاهزادگان عظام و کبار  
 پیش کار شرف با حضور نواب شرف الا بودند و شیری و شیر  
 و شام را در آنجا صرف نمودند و شب بیکر از نواب الامینت  
 سه کار پیش کار رفتند و شب را تمام شاهزادگان در منزل شکار  
 مهمان بودند و این سه روز و شب شکاره خانه و شادمانه  
 میروند و تمام اهل بلد مشغول عاکوفی دوام دولت بودند و در شب

#### اول دوّم پیش بازی نمودند

سجده حاج کبر که چند سال بود خراب شده و مسجک انجام  
 در این حکو بیضا ده بودند که در تعمیرات آن بکوشند هرگاه  
 پیش کار امسال باعث با فنی تعمیر آسجده شده اند و از خود  
 و اهالی ولایت تا بحال قریب هزار تومان بنا کاری شده است  
 و از جمله در سه موسمه بجای آسج که در وسط شهر و در میان خیابان  
 واقع است چند سال بود که خراب شده بود و طلب  
 سکنای بگردند و خبری موقوفات هم دارد بعضی شخص  
 میخورند سه کار پیش کار چند نفر از معماران رسانده  
 مخارج تعمیر آنرا باز دید نمودند و از خود دو دست تومان

نقد تحویل جناب ضیاء آب حاجی سید ابوزاب  
 که از جمله فضلا و علما بلد است نمودند که بمخارج بنا کاری  
 و تعمیر در سه مرتبه مزبور بنامند قریب دو ماه است که در اینجا  
 بهفت بهشت نفر بنا همه روزه همه روزه مشغول بنا کاری  
 هستند انشاء الله تعالی عشرت با تمام خواهد رسید

#### اجتار و دول خارج

از فرار یک در روزنامه های فرنگستان نوشته اند جنلی  
 وقت پیش از این در این سوخته از دامن کوه اشغوب  
 نام نهری جاری بود و در رفته رفته این نهر زیر کوه رانشته  
 و وسعت داده بوده سال پیش از این منهد سین  
 استجار رسیدگی کرده حکم کرده بودند درین محقرت  
 این کوه منهدم خواهد شد هر طور بود تا این اوقات  
 خراب نشده بود تا چند وقت قبل از این که بارندگی  
 زیاد و در فرنگستان رود می آید در آن اثنا کوه مزبور  
 و طس افش نیز زیاد بارندگی شده از شدت سیل  
 در نهر مزبور کوه سه اسر زبرش خالی شده بکار منهدم  
 گردید و صدای آن دلوله انداز صواشده تا پشت  
 پنج فرسخ از اطراف سمیع گردید و از صدای هوفناک  
 آن مردم قرین وحشت گردیدند ولی چون بجهت قدغن  
 سابق منهد سین ترفی بود که کسی از آنجا عبور میکرد تلف شدگی  
 آدم رودی نداده بود

در سواحل نیاید بنا طوفانی بسته تمام ظهور کرده تا سه روز  
 منته بوده است سوا می کشبتهائی که در در با غرق شده اند  
 در لنگرگاه محل مزبور از کشتیهائی بخاری که لنگر انداخته  
 بودند بقدر سیصد کشتی بکل نشسته است

۱۹۵۵

و نیز نوشته اند که چند وقت پیش از این در سیر در ایالت تبریز  
 نام در بلوکت ساخته و با ما چین در وقت عبدالهوا که ما هساب  
 واقفان بقضای خود بوده کم کم هوامایل سپاهی شده بکس فوج بخار  
 سرخی نایب زندگی کمر و این سپاهی رفته رفته زیاد شده تا مانند  
 شب سبار نارکت گردید تا بگردد و نیم همت بوده بعد از آن هوا  
 صاف شد و جستی از برای آن نفیقه بود مذکور باین آن بخار و  
 ناریکی بود آنچه سرب کوه سوزنده که در آن نزدیکی بوده است  
 استباط کرده اند سابقا در ایستادن الفره زلزله شدید و  
 که ظهور کرده بود در همان روز در سواحل اسپانیول بعضی حال سار  
 و مالطه و جزایر و بوناستان نیز همان زلزله ظهور کرده است  
 مانند عمارت بود که در سال گذشته در پاریس با پی سخت فراتر  
 شد درین سال در دولت بلژیکان عمارت بلور کشوده میشود و آنچه  
 و وقتن فرانسه و انگلیس است و شبانی که می رود اخذ کرکند آنها بود  
 از وقت بود مشهور صرف در شیلند جنسی پیش از این در شهر نورد  
 بعد پانزده هزار تومان جوهرش هرفت شده بود و بعضی از آن  
 جوهرات در سجا بهای معجز نصب شده بنظر آور سیده با آنچه اعلان  
 کرده است که هر کس این جوهرات را هرفت کرده است اگر باورد  
 به پست هزار فرانس که معادل چهار صد تومان است با میدید  
 این جمله معلوم است کسی که پانزده هزار تومان جوهرات برده باشد  
 نمی آورد پس به یک چهار صد تومان بگرد با آنچه اعلان صرف نوب  
 محل استرا و خنده است و نیز نوشته اند که در این اوقات از  
 ایالتی چین در خانوار بعنوان سباحت پاریس با پی سخت فرانسه  
 آمده اند چون بیات و کمال آنها در نظر ایالت آنجا بسیار غریب  
 مسخره است هر کس آنها را می بیند نمی شود که خنده نکند و اینها چند  
 کارهای دیده که موجب نفیستند و غریب نظری به می کنند چون

در فرنگستان چای بعل می آید و از چین بصوبت با بجا میرسد  
 از چین تخم چای بقدر و دست نغز از ایالتی چین بجا میسند باور  
 و در جزایر سبجه بجهت عمل آوردن چای از دولت انگلیس فرانسه  
 داد شده بود این دو خانوار که پاریس آمده اند بجهت عمل آوردن چای  
 آه نشان کویا باشد در صورتیکه چای در جزایر بعل باید در سبار  
 که سبارت بزور کمال سهولت بعل خواهد آمد از حکمرانان الماینا  
 برادر زال بکثر دق سابقا دولت روسیه رفته بود و از آنجا نیز غریب  
 یعنی بیایان نموده با بجا رفته است سبب اینکه شالیه دطن مالوف  
 ترک کرده و بجای دور دست مثل کجا دینار رفته است معلوم دیگری  
 حرف میزند در این اوقات آنچه معلوم شده است مشارالیه بقدر  
 بیک کر و در و صد هزار لیر ادر و لایت معروف بود و است بجهت دولت  
 فرض در آن عدم استطاعت از آنجا بیرون رفته و در پرستیم  
 بند شده به یک دینار رفته است و نیز نوشته شده است که چند سال  
 قبل از این دولتای ننگستان در زباده کردن فوه بجزیره خود زبانه  
 استام کرده و بعضی تا این نزدیکیها دولت پرستیم مطلقا سفین حو  
 نه است از چهار سال قبل از این در قطعه کشتی شرع دارد و قطعه  
 کشتی بخار و دو اسقونه و یک کشتی کلبه با تمام رسانده است  
 و این اوقات باز دو قطعه کشتی بخار و در دست دارد که می سازد  
 در این اوقات امپراطور استریم بجهت تبدیل هوا با ثاق جمال خود  
 بشروند بیک فقه و بقدر بجا در آنجا اقامت کرده و بعد معاودت  
 روایت میکنند از اهلها که در دولت استریم سندن از روی صفتها  
 آنها یعنی همپارخانه که کدام از این اطباق استریمت مرضی بعضی  
 فوت شده اند لیسال آنها از جانب دولت استریم عظامی استریم  
 بجهت معاش حکم شده است که بدهند

۱۹۵۶

روزنامه قایم اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه چهارم شهر ربیع الاول مطابق سال لوی سبلسه ۱۲۷۳

نمره سبصد و دو

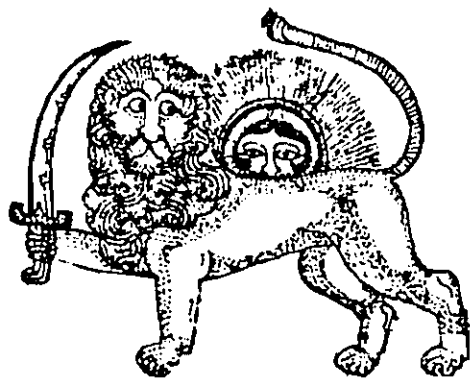
منطبه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه شش

هر خطی شش



اجبار و اخذ ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از آنجا که قرار کار روزگار بر این است که راحت نوش را  
رخت پیش در مقابل است و نور جویشید را غلبت شب جور  
در شاخ گل جفای خوار است و با جام مل رحمت خمار از قضایا  
روزگار در روز و شب چهارم شهر ربیع الاول که مرده فتح  
هرات بزود عرض حضور تایون شاهنشاهی خلد الدایام سلطنت  
عن التناهی رسید و حکم بشلیک توپ دادند و قرار سلام عام  
برای روز دیگر نمودند از تقدیرات حضرت یزدانی و گلشنی  
بالعه سبحانی پنجاعت بعد از آن نواب شاهزاده والا ببارو  
دولت پایدار سلطان معین الدین میرزا بکمل لکل امه اجل او  
جاء اجلم لابسا خرون عه ولا یستقدمون بنوعی شمع مرغ  
روح نفس رخت خستار طوبی کشیده بغرفات جهان میرا  
و این جبه خاطر تایون شاهنشاهی قرین الم و اسف که دید  
جشن و سرور این فتح عظمی را بعقد تاجه و تعویق گذاشته  
بعد از آن نظر باینکه این جشن بزرگ باید شکوه دین و دولت

بود حاتم مردم از خاک پای تایون استعدا کردند که بشکرت  
این موجب یزدانی چند روزی بلوارم پیش و عشرت شانی  
قیام و اقدام نمایند ایجا بالمسئولیم از جانب سستی ایجا  
تایون رحمت ارزانی شد که بلوارم جشن و شادمانی بپردازند  
شب پنجشنبه بمقام ربیع الاول اسباب تشبیری و چراغان در میدان  
بزرگ و دیوانخانه و باغ بزرگ پادشاهی فراهم آوردند و جمعی  
از اقره شاهزادگان و محترمین و انبای ملوک برای صرف غذا  
شام بحضور رحمت ظهور اقدس تایون دعوت شدند روز دیگر  
که عبارت از پنجشنبه بمقام ماه با عقد سلام عام در دیوانخانه بزرگ  
پادشاهی در نهایت زینت و آراستگی منعقد شد هر یک از شاهزادگان  
عظام و ائمه و امرای دربار سپهر ام و دوجه اعیان خدمت  
سپاهی و اهل قلم در مقام و مرتبه خود ایستادند و سرکار علیحضرت  
شاهنشاهی خلد الدایام سلطنت تشریف فرمای تالار بزرگ سلام  
شده بالای تخت مرمر را بفر وجود فانیس ایجا اقدس تایون  
زیب و زینت افروزدند و دل و دیده واقفین حضور بر نور تابان

۱۹۵۷

از زیارت جمال مبارک روشن و حرم فرمودند و روی جناب  
 هایون را بسوی جناب شرف اجدارفع صدر اعظم <sup>مخمس</sup> فرستادند  
 داشته فضلی از خدمات نواب شاهزاده والا تبار حاکم سلطنت  
 والی مملکت خراسان و معرفی انخافان قوام الدوله و ساخن المغانی  
 و سایر سرکردگان سپاه نصرت پناه از میرنجبه و سرتیپ سرتیپ  
 صاحب منصبان بزرگ و کوچک اردوی هرات حتی اجدارفع  
 سپاه طفر پناه با لفاظی در بارهایون تعداد و اظهارشودگی  
 و نسبت بخود جناب شرف اجدارفع صدر اعظم مخمس نیز انفاها  
 کثیره مبذول و مقدر داشتند که اگر چه این فتح بزرگ صورتی بود  
 خدمات و زحمات که نصرت پناه و سرتیپان و سرکردگان قون  
 ظفر نمون شده اما باطناً از نتیجه نجات و شب بیداریهای جناب  
 صدر اعظم بود که شب و روز سخاوت پندند و خود را بر حمت و  
 انداختند تا این نتیجه بزرگ با بهمانی ن مرتب گردید جناب  
 اشرف صدر پشای نیز در مقابل این مرحمتها زبان بدعا و  
 شای ذات ملکی صفات ملوکانه گشوده و از تشکر در خاکهای  
 اقدس تقدیم رسانیدند در زمین خدمت و ضراحت زان  
 ادب بوسه دادند و مجدداً شکر کوب و زنبورک در میدان  
 درباری جاری شده و صد و ده تیر توب انداختند عالیجاه  
 محمد حسن خان زنگنه نایب شکر آفاسی باشی درباری عالیجاه  
 امیر حسین خان برادر مقرب انخافان ساخن المغانی و محمد  
 صند و قدر نواب شاهزاده حاکم سلطنت را که حامل عریضه بود  
 شاهزاده مغزی الیه مثل بر تفصیل مقدمه فتح هرات بود با عرض  
 در آشنای سلام بجنهور اقدس هایون آورد و معرفی انها را  
 با حاصل مضمون عریضه در کمال فصاحت عرضه داشت و شیخ  
 عریضه را عالیجاه مقرب انخافان میرزا محمد تقی مستوفی ملقب بلسان

۱۹۵۸

در پیشگاه اقدس هایون بقانون متداول این دولت ابد  
 مقرون در کمال فصاحت و طلاقت بموقت عرض اعلی رسانید  
 و مضامین آن کوشش و کمال ایلی سلام گردید و ادای خطبه نام  
 نامی اقدس هایون و اختتام بدعای بقای دولت و از یاد  
 شوکت ابد مقرون گردیده عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس  
 قصیده غزالی در باب فتح هرات برشته نظم کشیده بود و موعظ  
 پیشگاه اقدس ملوکانه داشت و مورد تحسین و انعام و خلعت شد  
 و سلام عام دیوانخانه بزرگ منقصد گردید بعد از آن چون  
 امالی دارالخلافه از تجارت و کسب و غیره دومی صغیر و کبیر آمدند  
 ارک حج شده و در باب حسن چیده بودند اعلیحضرت قوی شوکت  
 شاهنشاهی تبار سردرب دیوانخانه مبارک که مشرف بیدان  
 ارک است تشریف فرما گردیده کل اهل دارالخلافه از زیارت  
 ملکی صفات ملوکانه اظهار سرت و شادمانی نمودند و صاحب شکر  
 مورد انعام و اکرام ملوکانه گردیدند جیب آمانی و امالشان بالمال  
 نقود نامحدود گردید  
 روز پنجشنبه نهم شهر ربیع الاول که روز سلام عام و اول  
 فتح هرات بود سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی خلد الله علیه  
 سلطانه خواستند التفاتی شایان جدید نسبت بجناب شرف اجدار  
 ارفع صدر اعظم مخمس مبذول فرمایند جناب صدر پشای  
 در ازاد فرمایش ملوکانه اینطور عرض بنجامی بجای مبارک فرستادند  
 که التفات و مرحمت خاطر اقدس هایون الی الان در همه حال بر خضاعت  
 من پیشی گرفته فوق آنچه ملاحظه شود مبذول فرموده اند علاوه بر این  
 دستخط مبارکی سه روز قبل از فتح هرات بافتخار من صادر و انوار  
 مرحمتها در ضمن آن اظهار فرمودند که مختصری از آن در روزنامه  
 هفت قبل طبع شده بود برای حال و مال من کافی است هر چه خدا

کنم و جان شاری نمایم تلافی اینقدر رحمت بزرگ اعلی حضرت  
 پادشاهی را بجا نخواستیم آورد با این احوال دیگر جای رحمت تازه  
 در حق من باقی نمانده است اگر چه این تفصیل از قول جناب صدارت  
 پناهی بعضی حضور اقدس همایون رسید اما خاطر اقدس اعلی از  
 بذل مرحمت تازه در حق آنجناب منصرف نشد بعد از ساعتی معرب  
 حاجی علیخان حاجب الدوله را با فرمایشهای مقررہ ملوکانه خدمت  
 جناب صدارت پناهی فرستادند و مقرب آنخاکان مشارالیه در  
 حالتی که اعیان و اکابر و اعظم دربار اقدس پادشاهی در مجلس  
 جناب اشرف امجدارفع حضور داشتند آمده فرمایش ملوکانه را  
 لفظاً بلفظ اینطور ابلاغ نمود که سرکار اعلی حضرت اقدس تالیون  
 شایسته میفرمایند که اگر چه تمام مرحمت را در باره جناب  
 اعظم متذکر جا هر یک را در ازاد خدمت بزرگی مبذول فرموده  
 از قبیل نشان امیرنویانی عظیم نشان تصویر تالیون و صبا  
 شکل الماس و قلعه ان الماس و شمیر مضع و شمشیر و غیره  
 و دستخط تالیون مثل بکل درجات اختیار و اقتدار در امر تالیان  
 و حکام و نوکران نظام و غیر نظام در ترقی و ترقی مهمات دولت  
 و همچنین دلائل التفاتهای دیگر که هر کدام در مقام خود رحمت  
 شده است ولیکن چون این فتح بزرگ را که در دین و دود  
 وقوع یافت از حاصل خدمات و سخاوت و تدابیر صایبه جناب  
 اعظم میدانیم لازم دانستیم که علاوه بر التفاتهای سابقه التفات  
 خاصی در مقابل این خدمت خاص مبذول فرمائیم لهذا بموجب  
 که از سلاطین سلف نامدار الله برینهم ارتقا بما رسیده است  
 دیدیم که در چنین روزی بمناسبت برودت هوا برای پناهی  
 جناب صدراعظم نیرستیم و مقرب آنخاکان حاجب الدوله کا  
 سمور بره رضائی چهل بند بسیار نفیس اعلی که بندهای آن در مقام

بجواهر شین و از ملاسین خاص همایون است آورده سردست گرفت  
 و جناب اشرف امجدارفع در کمال امیدواری و شکر گذاری  
 باستقبال حلقه و مطلق تالیون شتافته بدو دست ابر  
 بروی چشم گذاشتند و زینت برود و شکر افتخار خود نمودند  
 و سلام عام پادشاهی هم با همان حلقه و مطلق شرف شدند  
 در شب سیم چراغانی چون رای جهان آرای همایون علاقی یافت  
 که جناب اشرف امجدارفع صد عظیم ششم را در این جشن یکی از عمارت  
 مخصوص سلطانی ضیافت فرمایند لهذا در شب مزبور جناب اشرف  
 مخصوصاً وعده خواستند مقرر فرمودند از شاهزادگان عظام در  
 دولت هر که را خواسته باشند با وعده بجا بیاورند و جمعی از  
 شاهزادگان عظام و مقربین دربار شکرگزار تالیون را با اتفاق  
 خودشان بیایع کلاستان که از عمارات مخصوصه سلطانی است برود  
 مذاکره سنگین بسیار خوب از شربت و حلوبات و شام مثل بر انواع  
 اطعمه و اشتهای کونا کون دیده شده بود صرف نمودند و درین شب  
 کل عمارات مبارکات سلطانی را از بیوتات حرم و صحن و فضا و  
 خیابانها و درو حوضها و هنرها و غیره بطور آلات فراوان از نور  
 چیده چراغانی بسیار خوب کرده بودند که قریب پنجاه اشعاع کاغذ  
 علاوه بر قنادین مشعلها فروخته شده بود و تاکنون باین شکوه  
 و آستین چراغانی نشده بود درین شب چون اسباب تشریفاتی  
 سنگین که تاکنون باین سنگینی تشریفاتی نشده بود در میدان ارک  
 فراسم آورده بودند اعلی حضرت شایسته پناهی از شب گذشته  
 بر در و دیوار کاخ تشریف فرما گردیده توپ انداخته شد و  
 با تشریفاتی گردیده فقره فقره تا شام فرمودند و درین شب  
 اشرف امجدارفع تشریفاتی سنگینی که از جانب پناهی ابواب ملوکانه چند

۱۹۰۹

پیش خلعت عیالیت القعات شد بود تینا بقرب انخافان عین الملک  
 دادند و هر یک از پیشینستان و خلوتیان و علمه فرسخانه و در آن  
 د اهل طرب فرخ حال انعام شایان و القعات بی پایان نمودند  
 و چون سه شب کل بازارها و کاروانسراها و کاکین را تجارت کسبه  
 و غیره بطیب چرخان خوب کرده بودند بطوریکه از نورانی  
 و مردکی و جاس و اجناس نفیس مانند بشی آراسته شده بود  
 و امیدواری تمام عیالیت دولت قوی شوکت داشته جناب  
 امجدارفع بعد از صرف تمام بکار و نهی دولت که ممکن تجارت معتبر  
 دار اختلاف و ریش سفیدان جمیع اصناف در آنجا حاضر  
 شده بودند برای دلجویی و مبارکباد آنها تشریف برده جمیع مردم  
 که در معبر جناب صدرا پیش می بودند مورد القعات و نوازش  
 و تحسین فرمودند و بر امیدواری و جان نثاری عموم خلق افزودند

کرده و زینت کشیده بودند مورد خلعت و نشان و انعام  
 شدند از جمله چون نواب هزاره حاجی محمد ولی میرزا قبل از ورود  
 مرده فتح سنجو استخراج رسیدن مرده فتح بهرات را کرده بود  
 که در این اوقات خواهد رسید و درین روزها که مرده فتح رسید  
 فرمایش ملوکانه رفت که بجهت کبر سن نواب مغزی الیه باید کشید  
 بعنایت ملوکانه نماید لهذا یک قبضه عصای سحر صرح بنیاب مغزی  
 رحمت فرمودند و مبلغ دولتی تومان هم بقرب انخافان  
 رضای پنجم باشی که چهار ماه پیشتر روز تجر شهرهات را با انصار  
 تعیین کرده و نوشته بود و مطابق آمد عنایت کردید و معرفت  
 میرزا محمد تقی تنوفی لسان الملک متخلص سپهر هم که عریضه فتح  
 در سلام عام خوانده بود مورد القعات کردیده و کثرت جوی  
 هم با خلعت رحمت شد

روز و شب عابجه رسیدن مرده فتح بهرات سرکار اعلی  
 اقدس کاویون شهبازی اولاً هزار تومان بقرب انخافان  
 پاشا خان که مرده ورود چا پاران فتح را معروض خاکپایی  
 داشت انعام فرموده و بخود چا پاران نیز انعام خلعت ملوکانه  
 داده شد و سه هزار تومان با حلقه علماء و سادات دار  
 و بعضی از قاجاریه رحمت شده در ساینده و نیز علاء پرده  
 هزار تومان که سابقاً بجهت تعمیرات عیالیت عالیات جناب  
 و الزمانی آقا شیخ عبدالحسین سلمه الله تعالی داده و روانه فرمودند  
 بودند و هزار تومان دیگر درین روز بجهت صرف تعمیرات  
 عالیات بهر جا که جناب مغزی الیه مصلحت دانستند مجدداً رحمت  
 و ارسال فرمودند و نیز از راه عیالیت ملوکانه بعضی از خاکپاران  
 در بار کاویون که پیش از پیش درین مواد تقدیم خدمتگذار

چون مقرب انخافان میرزا محمد حسین دبیر الملک و احکام نویسن  
 نظام در تجر احکام و نوشجات و دلابات مالک محو و عیالیت  
 و خراسان و بهرات خصوصاً تقدیم خدمات شایسته کرده بود  
 منظور نظر اولیای دولت علیه است از عهد بر آمده بود خدمات  
 و زحمات او در خاکپایی اقدس کاویون شایسته بود چه حسن  
 در چه قبول یافته لهذا موازی یکثوب چیه تره کشمیری مخصوص  
 بسیار اعلی از جامه خانه خاص برسم خلعت و یک قطعه نشان از  
 مرتبه اول تیرسی با انعام یکرشته کابل مخصوص نشان فرمودند  
 بقرب انخافان مشار الیه رحمت شده و بر موجب و  
 مقرری رسم که داشت اضافه کردند  
 چون مقرب انخافان میرزا عباس خان نشی اول در  
 امور خارجه خدمات شایسته کرده و تقستی که مکنون خاطر اولیای  
 دولت علیه بود از عهد خدمات مرجعه بخود بر آمده زحمات او

۱۹۶۰



عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس الشعرا قصیده که در روز سه  
عام معروض شیکاه حضور باهر انوار آدس تا بون شاهنشاهی  
داشته بود این است که نوشته میشود

مقبول نظر کیمیا اثر خاقانی گردید و بود باعطای یکتوبه چیه ترم  
سکین اعلی قرین افتخار و مباحات آمده ریب برودوش  
مفاخرت خود نمود

چون جناب محمد تضاب میرزا سیدخان وزیر امور دول  
از حسن کفایت و کاردانی و مراقبت و اهتمامات در امور مهمه  
و راضی داشتن سفیرای دول متجا به را از خود خاطر آدس تا بون  
شاهنشاهی و امنای دولت علیه راضی و شنوده داشته و محاسن  
خدمتگذاری و کفایت جناب معزی الیه مقبول و سخن خاطر کلام  
افتاده و عده عنایتی جدید فرموده بودند لهند درین اوقات  
باعطای یکقطعه نشان شمال شمال هما بون مکمل بالما کسین  
اعزاز و اختصاص فرمودند

و همچنین معرب الخاقان حاجی میرزا محمدخان دبیر مهمام خارجه تیر  
در انجام خدمات مرجوعه بخود آثار کفایت بطور بسیار مذموب  
شمول مرحمت لوکانه آمده بود در این اوقات باعطای یکتوبه  
چیه ترم سکین اعلی از جامه خانه خاص قرین مفاخرت مباحات  
آمد

چون عالیجاه میرزا شمس الشعرا مصطفی قلیخان حاکم سبزوار در نظم  
امور انولایت و انجام خدمات دیوانی لوازم خدمتگذاری و  
جان نثاری را بعل آورده بود خصوصاً در اوقات عبور که  
لفظت آثار و ماورین نسبت حران کمال خدمتگذاری از او  
بطور رسیده خدماتش مستحسن خاطر آدس تا بون شاهنشاهی  
و امنای دولت قوی شوکت علیه افتاده در این اوقات از  
جانب سنی احوال لوکانه یکتوبه چیه ترمه باو خلعت مرحمت  
امنای دولت علیه محسوب عالیجاه شاهر باشی برادر عالیجاه  
که بزبانت ارض آدس روانه بود و در سال فسر نمودند

شاهنشاهی عالیجاه میرزا محمد علیخان شمس الشعرا  
قصیده که در روز سه عام معروض شیکاه حضور باهر انوار آدس تا بون شاهنشاهی  
داشته بود این است که نوشته میشود

۱۹۶۱

این فتح داین ظفر سپید  
 در چنین سپیدش به جبار  
 زین فتح تو بند و نور خورشید  
 جان گشت دل به چو حال سوار  
 نه در قدر که در خلق  
 بکست این شمشیر آه  
 تو چون که در این داد  
 تا به نظر منصفی  
 تا به وقت اورا تو  
 تا به وقت اورا تا به  
 ملت بود و شد و بود  
 ای جو که جود و با  
 بچند کرده است  
 بهین را در زمین  
 زدم سمران خدایا  
 افت ز تقی دان غنایا  
 اسپید نفیخ هر کجا  
 در چشم شاه کان  
 با شکرگاه باک  
 ای خورشید  
 بچند نامه  
 با این سپید  
 یک یک و یک یک  
 شهر که زشت  
 از در لطف  
 نوح اول  
 بر سر نهاد از قید

تا بک زرد کرد و داد  
 تا شح کبر کرد و داد  
 دو عدد تو زایب  
 میدان تو خون بدای  
 بر ماه کبر  
 بر غصه طغی چون  
 اسپید نفیخ هر کجا  
 در چشم شاه کان  
 با شکرگاه باک  
 ای خورشید  
 بچند نامه

نگارنده این روزنامه کشتی دفتر روزنامه و نامی تخلص دارم  
 رباعی در تاریخ سال فتح بهرات عرض نموده است نوشته شود

نخبر که است منفتح  
 در دولت شامه در وقت  
 نام من از این  
 شخص من از این

سایر شعر ایترق نماید و ماده تاریخ عرض کرده اند که در  
 آینده دین روزنامه نوشته خواهد شد

سایر ولایات

استرآباد از فرایند در روزنامه استرآباد نوشته اند  
 امور ولایت از هر جهت منظم است در عاباد و برآبادگان  
 امنیت و فراغت خاطر کار کسب نمود و ناگونی ذاتی

۱۹۶۲

۷

ها یون شاهی شتغال دارند و مقرب انخافان جعفر قلی خان  
 ایلیخانی نهایت ایتام در ائینت و انتظام آن صفحات لعل اوده  
 بطوریکه از جانی که جمعی با اسلحه و احتیاط عبور و مرور  
 حال یک نفر و دو نفر بی تفنگ و سلاح دیگر در کمال اطمینان  
 و خاطر جمعی عبور و مرور می نمایند و از اثر ارد جهال ترکان  
 احدی قدرت دست اندازی و حرکت خلاف حساب ندارد  
 و مقرب انخافان ایلیخانی در کلکو که بکفر سخی است را با دست توقف

داشته است

دیگر نوشته اند که طغان نام ترکان که همیشه اوقات بقطع  
 و سنگ دما و شترت و دستخول بود و مقرب انخافان ایلیخانی  
 چندی قبل او را گرفته مجوس نموده بود درین اوقات برای  
 اعمال ناشایست او بیاتش رسانیده و شتر او را نیز  
 سلیمین رفع نمود و عالیجاه محمد علیخان و جردوی را باده نفرسار  
 میان او به ترکان فرستاده بود که زن طغان مزبور را  
 جمال ترکان خوخته بودند از در مخالفت و راندن سینه  
 در مقام تحذیر و طاعت جمال برآمده لا علاج زن طغان مزبور را  
 مصحوب آنها روانه نزد ایلیخانی نمودند

دیگر نوشته اند که عالیخان نورد علی بیک پیشخدمت جناب  
 جلالت آب نظام الملک مبلغ یک هزار و چهار صد تومان  
 ادبیای دولت علیه بجهت تعمیر عمارات دیوانی و توابع آن و قور  
 خانه آنجا فرستاده بودند رسانیده سخریل عالیجاه میرزا  
 اسمعیل خان پیکار استرآباد نموده قبض رسیدگی دریافت  
 کرد که عالیجاه مشارالیه وجه مزبور را بمصارف مقرر شده  
 آنجا را در کمال استحکام و خوبی تعمیر نماید و در این اوقات  
 مشغول تعمیر آنجا شده اند

دیگر نوشته اند که شش نفر در ایام اغتشاش سال در دروازه  
 باسیری افتاده و آنها را بخنوق برده بودند در این اوقات  
 از خنوق فرار کرده میان ظانیفه ترکانان بموت افتاده بودند  
 ترکانان مزبور آنها را برسم پیشکش بنزد مقرب انخافان

ایلیخانی آوردند  
کاشان

از قوریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور ولایت  
 قرین انتظام است و عالیجاه محمد حسن خان حاکم آنجا کمال  
 ایتام در نظم و ولایت و اسودگی رعیت و انجام حدایق  
 دیوانی دارد و اوقات محرم و صفر را مردم مشغول تغزیه و آیر  
 جناب سید الشهدا علیه آلاف التحية والثناء بوده اند و در  
 روز ششم صفر که روز عید مولود مسعود و اعلیحضرت قوی شکست  
 شاهی خلد الله ملکه و سلطانه بود لوازم جشن و سرور عید  
 مولود را بعل آورده تا سه شب تمام بازار را و کاروانسرا را  
 چراغانی کرده مردم بعشرت و شادمانی و دعا گوئی ذات  
 اقدس هایون شاهی مشغول بوده اند

دیگر نوشته اند که بجهت اینکه ابریشم در دولت خارج ترقی بسیار است و انگیزان  
 جا که حاصل ابریشم بعل می آید بیشتر ولایات خارج پند و بجان کسری آوردند  
 در کاشان قیمت ابریشم ترقی کرده و یکمسه سوزده تومان قیمت تومان داد  
 میشود بعضی کارخانهای شعر باغی که ابریشم کار میکردند بجهت نرسیدن  
 ابریشم معطل و بیکار گشته اند لکن چون من بعد بازار شب عیدت  
 اشتهار ترقی قیمت ابریشم در کاشان از خارج امید دارند که بیا  
 بیاورند و عمل شعر باغ کاشان منظم گشته تلافی مافات  
 از سایر ولایات وارد دولت خارج چهار بود در بخت آینده نوشته میشود

۱۹۶۳

بعد از آنکه عیالهاست و سوس و سوسه تلک تخلص از در انخانه با بسرتید رفت و از منزل مسافرت

از خط چاپخانه روزنامه خبر عالی شاه عالی شاه را به کمره مفصل در شاهانایه کمره نوشت که

حضر و منظمه رفت و از در راه از در چکان و آینه ای که فاصله جبر و معلوم از در راه از در چکان

علیه دارد و بموجب در که از در المهرت پر از رنگه دارد شد و در جبهه سر سر راه که به بعضی

در در انجا با چند بیت در کمال تو قف منو کور که در جمل بر آنچه روزنامه را با کماله با کماله

۱۹۶۴

دکتر فرشته است این اگر علیت یکه چنانکه هم و کان را بعرض حیات نسبت به

داشت در منزل عرض و چاپخانه شاه عالی شاه را به کمره مفصل در شاهانایه کمره نوشت که

میست اثر لیمو خط از نامه با در علیته جمبه کمره بزرگه مشحون و حالیکه درین عرض از در

در کمال احترام که در کمال احترام که در کمال احترام که در کمال احترام که در کمال احترام که

و خیرالت بر تصدیق نماید

روزنامه وقایع اتفاقیه بیخ پیم خنسیه یکم شهر ربیع الاول مطابق اول لوی سنه ۱۲۷۳

نزهت سید و

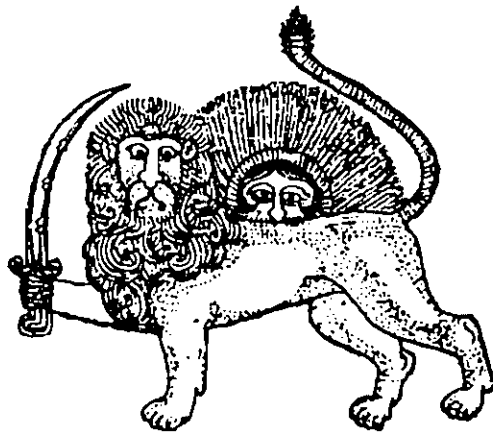
منطقه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه شش

پیر پر خنجر



اجبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله ملكه و  
اغلب اوقات بزیرارت بقاع قبر که رعب و طالب سبب  
لهذا در روز پنجشنبه که شش غزیت زیارت روز خیر  
امامزاده واجب التعظیم حضرت شاهزاده عبدالعظیم فرموده  
شدند بعد از زیارت بقعه قبر که بیاض دولتی شاهزاده  
عبدالعظیم تشریف فرما شده بنهار در آنجا صرف فرمود  
و طرف غرضی بارک مبارکه سلطانی معاودت فرمود  
در روز شنبه اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی تشریف  
فرمودند مبارکه دولتی گردیدند کارخانجات را علی  
کردش و تماشا صنعتکاران و استادان را تحسین فرمودند  
و حاصل هر یک از کارخانجات قورخانه و حبه خانه از  
تفنگ سر باری و چقاقل تفنگ و قدره نظامی و اسباب  
توپ کشی و کلوله و تفنگ و امثال اینها که از کار درآمد  
و در کمال خوبی ساخته و پرداخته و در انبارها چیده شد

در نظر اقدس بایون محسن افتاد بعد از مبارکه  
سلطانی در اجابت فرمودند  
در روز و شنبه هفتم که روز عید مولود مسعود جناب خمینی  
خیر بشر صلوات الله و سلامه علیه بود اعلیحضرت قوی شوکت  
شاهنشاهی مانند اعیان بزرگ باسلام عام دادند امنای  
دولت علیه و شاهزادگان عظام و ارکان دولت و اعیان  
حضرت و سران و صاحب منصبان نظام و سایر اهل  
هر یک در مرتبه و مقام خود ایستاده اجرای شکر تو  
و زینور که شد عالیجا میرزا سید رضای خطیب باشی  
خطبه بیخ بنام حضرت خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله و  
بدعای بقای وجود فانیض ابجد بایون شاهنشاهی سلام  
خلد الله ملكه و سلطان فرموده بعد از آن عالیجا میرزا محمد  
شمس الشعرا قصیده غزاک در تمثیل این عید سعید برشته  
نظم کشیده بود معروض پیشگاه حضور مهر ظهور خورشیدی  
مورد تحسین شد و عالیجا ان مشاریها هر دو و بخلعت

۱۹۶۵

شاهنشاهی سرفراز گردیدند و سلام عام منقضی شد

جناب محبت لصاب سومره وزیر مختار دولت عثمانیه  
 مقیم دارالخلافه چندی قبل حسب احضار موقتی از دارالخلافه  
 عازم و روانه دولت متبوعه خودش گردید که تفصیل  
 آن در روزنامه های گذشته نوشته شد و اگر چه  
 سیوقته تا یب اول سفارت بر تبه شارژ دفری که  
 عبارت از مصلحت گذاری باد غیاب سفارت  
 با قامت دربار دولت علیه بود لکن بجهت روانه نمودن  
 خود بملکت فرانسه تا سرحد دولت علیه قبل از حرکت سفارت  
 رفته بودند و بنا بود که متعاقب حرکت سفارت از دار  
 جناب مصلحتگذار مغربی الیه نیز وارد دربار عالیون شوند  
 اما بجهت مرضی که بزاج صبیبه ایشان عارض شد و طولی  
 نتوانستند بلافاصله مراجعت نمایند این روزنامه که از سر  
 مراجعت بدار الخلافه میگرددند از جانب حکام و مباشین  
 و ضابط عرض راه الی دار الخلافه العلیه در هر یک از بلاد  
 ممالک محروسه و سایر منازل لوازم احترامات و تکریمات  
 لافعه را بعجل آورده و پذیرانی جناب مصلحتگذار مغربی الیه  
 کردند در روز یکشنبه خدمتیم که وارد دار الخلافه می شدند  
 عالیجاه مجدستراه محفلینان یوزباشی با سی نفر غلامان  
 خاصه پادشاهی با امور استقبال گشته و دور رس  
 براق طلا از اصطبل پادشاهی با جلودار فرستاده  
 و عالیجاهان مغربا، الحضره الحاقانیه میرزا عبدالوهاب  
 دوم وزارت خارجه و میرزا حسن خان مثنی اول وزارت  
 خارجه و عالیجاه کباب مستراه داود خان سرتیپ مترجم  
 دولت علیه استقبال کردند و دور رس اسب یکدیگر بهم

از جانب وزارت خارجه فرستاده شد و در کمال تقیر

وارد گردیده ساعت لغروب روز نوزده مانده وارد منزل  
 سفارت شدند عالیجاه بچی خان مترجم وزارت خارجه چون  
 مخصوص جناب اشرف امجدار فرغ از جانب ایشان رفت  
 پرسی و مبارکباد منزل نمود عالیجاه میرزا محمد مثنی وزارت خارجه  
 از جانب جناب وزیر امور خارجه رفت احوال پرسی و تبریک  
 فدای آن روز دوشنبه جناب شد و فرما با لباس سی  
 و نشان بملاقات جناب اشرف امجدار فرغ و بعد بملاقات  
 جناب محبت لصاب وزیر امور خارجه آمد و کمال تکریم  
 اظهار مروت و دوستی در باره جناب رز در دولت  
 بهیته فرانس بجل آمد و این دو روزه فرانسویان ایشان  
 بحضور عالیون اعلا حضرت اقدس شاهنشاهی خلد الملک  
 و سلطان داده شده در کمال احترام پذیرانی از جناب  
 مصلحتگذار دولت دوست و متحد این دولت علیه عمل  
 تفصیل آن در روزنامه هفته آینده بشماره تعالی نوشته خواهد  
 شد  
 گذارش شرفیافت جناب سفیر کبیر دولت علیه امین الملک  
 سرحد ممالک دولت علیه عثمانیه الی ورود بارزته الرودم و  
 روانه شدن از آنجا در روزنامه گذشته نوشته شده  
 این اوقات از فراری که بعضی امنای دولت علیه رسید روز  
 ورود سفارت کبیری تعصب بای لورده سرحد ایالت آرزیه  
 در بکفر سخنی آن قصبه بدبر آنجا با اجزای مجلس خود و چهار صد نفر  
 سوار نظام باب اس ممتاز با سر کرده و صاحب مضبان  
 موزیکانچیان سفارت کبیری را استقبال نمودند بعد از  
 ورود جناب نسیم پاشا والی طرابزون که بیای خود را با عالیجاه

۱۹۶۶

۳

سلام سر باز جناب پادشاه و همزمان تعارفات رسمی  
 آورده و در چادر شدند بعد از صرف قهوه و قلیان و  
 صحبتها منی براتحاد دولتین علیتین روانه شهر شدند  
 دو دسته سر باز در طرف راست و چپ در جلو بودند  
 و در پیش روی آنها و پشت سر یکدیگر صاحب منصبان  
 روانه بودند و هر دو طرف راه از تماشاچی کجی حمایت  
 شده بود که عبور خالی از صعوبت نبود تجار تاجه دولت  
 از اول شهر تا منزل سفارت کبری فرمایند و در عمارت  
 نشین جناب والی پادشاه تاجه منزل سفارت معین شده و تاجه  
 احترام و درود سفارت کبری میت و کتیبه تیر تیر  
 شده و در دربار عمارت دو دسته سر باز ادای احترام  
 عسکرینه نموده در صحن درود عمارت جمعی از صاحب  
 دیوانخانه از منشیان و نویسندگان بالباس رسمی  
 بودند بعد از اظهار رسوم و آداب از جانب سفارت  
 نسبت بانها مهربانی شده داخل الحاق جناب والی پادشاه  
 که مخصوصا تاجه نزول جناب المی کبیر تعیین شده بودند  
 بعد از صرف تعارفات رسمی جناب والی پادشاه با  
 پادشاهان و صاحب منصبان و عالیجاه قونول فرانسه  
 برخاسته بمنزلهای خود رفتند عالیجاهان قونولهای  
 دولتین فحمتین فرانسه و روسیه همگام و در تاجه احترام  
 سفارت کبری برده بیرق برافراشتند و اوقات توقف  
 تا روز حرکت از طرف جناب پادشاه و صاحب  
 و قونولها رعایت رسوم احترام و احوال پرسی در  
 نسبت بسفارت کبری بعمل آمد و مخصوصا عالیجاه قونول  
 فرانسه مکرر بیدین جناب المی کبیر آمده یکبار از طرف

علی آقای قاپوچی باشی خود بهماننداری فرستاده در کمال  
 ادب با مودت خود را ابرام کردند و در اینکام حرکت  
 سفارت کبری بمان احتراماتی را که وقت ورود با  
 مرعی داشته بودند معمول داشتند و جناب حسین پادشاه  
 که از سر حد ارزنده الروم بهماننداری معین شده با  
 کبری آمد و بود ناموریت خود را با تمام رسانیده و در  
 کرده مراجعت نمود مقرب انخان خان حاجی میرزا احمد  
 وزیر مقیم این دولت علیه متوقف سلام قبول چند روز  
 پیش از ورود سفارت کبری بعزم استقبال بطراز  
 آمده بودند عالیجاه میرزا طلک خان را با حافظ آقا کونول  
 طراز یک منزل با استقبال فرستاده خود در  
 طرازان مستطور و در سفارت فرمای آن روز در  
 پن راه عالیجاه و قدر دارا قندی که از جانب دولت  
 عثمانی رئیس دفتر آن ملک است با دو نفر از صاحب  
 اهل قلم سفارت کبری را پذیرائی نموده از جانب  
 جناب والی پادشاه تهنیت و رود کلمه بعد از صرف  
 نهار و قهوه و قلیان با اتفاق روانه شهر شدند  
 دو فرسخ شهر مقرب انخان حاجی میرزا احمد خان با عالیجاه  
 فطانت ستراه مسیو پونش را قونول دولت و تاجه  
 سفارت کبری را استقبال نمودند و بلافاصله تاجه  
 تاجه دولت علیه رسیده استقبال کردند و تاجه فرسخ  
 شهر ماند جناب والی پاد عالیجاهان مغنی و قاضی شهر  
 و پادشاهان عظام و صاحب منصبان بالباس رسمی  
 چادری که برای پذیرائی سفارت کبری رده بودند  
 یکدسته سر باز هم حاضر کرده بودند بعد از پیش رفتن

۱۹۶۷

مهمانی مخصوص فراهم آورده و سبب تشبازی و لوازم دیگر  
 نمیناموده سفارت کبری را بمنزل خود دعوت کردند  
 مجلس صحبت های مودت امیر منقضی شد روز چهار صفر  
 حرکت سفارت کبری بطراز بود لوازم احترامات بطور روز  
 در و در جانب جناب پاناک در دیابعل آمد جناب الی با  
 بعد از سوار شدن اجزای سفارت بزور قهقار و ادع  
 مراجعت نمود و نوزده تیر توپ در آن آنا از شهر انداخته  
 شد عالیجاه و قدر افندی و دو صاحب منصب که همانند  
 بودند با اتفاق عالیجاهان قونولهای فرانسه و  
 تا کشتی سراسی کرده دو ساعت بزوبانده و ادع نمود  
 مراجعت کردند در آتای حرکت کشتی قونول فرانسه  
 با مذاقت چند تیر فشک بفرات کبری سلام دادند  
 عالیجاه کپتان و سایر اتباع کشتی که از دولت فریخته  
 بودند نهایت نهایت و اجرام بطور رسید روز جمعه  
 صفر که کشتی از بغداد گذشته در جلوس اسلامبول سحر سوار  
 شدن زورق ایستاد عالیجاهان مجد شیرانان میرزا  
 عبدالرحیم خان نایب اول سفارت دولت علیه مقیم  
 اسلامبول و میرزا احمد منشی اول سفارت و حاجی  
 مهدی منشی و سایر آدمهای مقرب الخاقان حاجی میرزا  
 احمد خان باستقبال آمدند یک قطعه قایق پنج خفته دو  
 که مخصوص وزرا و شیران است و در آن ده نفر غله یک  
 رئیس دد و نفر چادوش و اول بالباس نظام بودند  
 نوزده بیدق شیر و خورشید را بزورق نصب کردند  
 یک کالک دولتی و دو رئیس میرا خورد و لیتی و شش نفر جلود  
 دد و نفر جاودا در جناب جلالت آت عظیم با امیرا خور

و دوازده نفر قواص با بجالی که عبارت از فرانس با و دیگر  
 اسب از اسپان خاصه علیحضرت سلطان برای سواری  
 ایچی کبیر و پانزده ریس اسب خاصه برای سواری اتباع  
 کبری در کن رودیا حاضر شده جناب جلالت آت عظیم  
 دولت عثمانی بهم دورس اسب از اسپان خاصه خود بر  
 سواری سفارت کبری فرستادند در آتای رسیدن  
 سفارت با بیدق شیر و خورشید با سکه که مقابل عمارت  
 از اتفاقات علیحضرت سلطان عبادت معموله آیام جمعه سوار  
 زورق پادشاهی و عازم مسجد بودند عبور کو که بسلطانی و  
 در روز سفارت کبری در روی دریا مقارن افتاد و سفارت  
 این معنی را نظر با اتحاد دولت علیه اسلامیته بغال میگرفتند  
 بلافاصله سفارت کبری سوار زورقها شده صاحب منصب  
 کشتی برای احترام بیدق دولت ابد مدت چند تیر فشک  
 کرد سفارت کبری از همان مکان که قواصان زورقهای  
 سلطان را نگاه داشته بودند کبیر آمد جناب ایچی کبیر  
 مخصوص علیحضرت سلطان را سوار شده و اجزای سفارت  
 بر اسبهای دیگر سوار شدند از کن رودیا الی سفارتخانه که  
 تقریباً هزار و پانصد قدم مسافت وارد از چپ راست  
 جمعیت نموده توجه این دولت علیه در کوچه فرابنمای نمودند  
 و در سفارتخانه هم پاندار و شیرینها مرتب بود روز دوم  
 ورود سفارت کبری با اسلامبول عالیجاه مجد شیران کابل  
 شریفی تاجی که صاحب درجه صنف ثانی اولی است از جانب  
 با بجالی برای مبارکباد آمده مأموریت حوزرا ابلاغ کرد روز  
 سیم ورود چون روز یکشنبه بود جناب فحامت نصایب  
 امور خارجیه با بجالی نیامده بود جناب ایچی کبیر در روز

۱۹۶۸



چهارم ورود عالیجاه زریان خان نایب اول سفارت  
 بیابالی و ستاده سخته ملاقات از جناب ایشان وقت خواب  
 بعد از مراجعت عالیجاه زریان خان و آوردن جواب  
 فاصله تشریفاتی دویم هم بمنزل سفارت کبری آمده اند  
 کرد که فردای آن روز را که سه شنبه پنجم ورود بود شمساعت  
 از دست ساعت گذشته با تشریفات کامله مبارک روز ورود  
 جبهه پذیرائی سفارت کبری بیابالی حاضر خواهند بود  
 مزبور سه باوقاصها و طرقات پذیرائی را بطوریکه  
 دولت عثمانی رسم است که برای سفیر دولت بزرگی  
 مینمایند بر در سفارتخانه حاضر نموده جناب ایلی کبری  
 سفارت کبری بالبا سهای رسمی ترتیب سوار شدند  
 ملاقات جناب جلالت آت ب صدر اعظم و جناب فحاش  
 نصاب ناظر امور خارجیه بیابالی قند بعد از ورود و  
 از ابتدای صفا الی انتها ضبطیه از یک طرف صفا کشیده  
 ایستاده بودند در ابتدای صفا و یک قدم در اطاق جناب  
 فحاش نصاب ناظر خارجیه چهار نفر اول نظایر پیش  
 کرده احترام بجا آوردند همینکه پرده اطاق را بجهت  
 جناب ایلی کبری و اجزای سفارت کبری برداشته جناب  
 فواد پاشا ناظر امور خارجیه بالباس رسمی نزدیک در  
 اطاق جناب ایلی کبری پذیرفتند و در صدر مجلس جلالت  
 و مقرب انخاقان وزیر مقیم را در پهلوی خود نشاند  
 سفارت کبری هم ترتیب نشستند ترجمان دیوان  
 قبولی افندی و تشریفاتی دویم از جانب نظارت خارجیه  
 رحضت جلوس یافتند بعد نیم ساعت با کمال مصافحات  
 مشغول صحبت گفتگو مابینکه مبنی بر اتحاد و نهایت صلح و دوستی

دو تنین عیالین سلامتین بود شده جناب ایلی کبری اتباع  
 سفارت کبری را بنام و منصب معرفی نموده بعد از صرف  
 شربت و هوه و قلیان خواستند جناب فحاش نصاب  
 ناظر امور خارجیه نظر با اتحاد دولتین از اطاق خود تا بیرون  
 در مشایعت نموده مراجعت کردند و از آنجا الی منزل جناب  
 آت ب صدر اعظم محترم از دو طرف اتباع دایره صدر  
 اعظمی صاحب منصبان بجهت احترامات سفارت کبری ایستاد  
 هنگام عبور جناب ایلی کبری و اجزای سفارت مراسم عظیم  
 مکرم را بعمل آوردند ترجمان دیوان و تشریفاتی دویم  
 روز دیک منزل صدرت ضبطیه ماصفا کشیده تعظیم  
 نمودند و چهار نفر با و در اول دردم اطاق جناب جلالت  
 صدر اعظم سلام نظایر عمل آوردند جناب جلالت آت  
 پاشا صدر اعظم دولت عثمانی بالباس رسمی جناب ایلی  
 کبری را چند قدم فاصله از پرده در اطاق پذیرفتند و بجا  
 خود پرکشته جناب ایلی کبری و اجزای سفارت را بجا  
 بعد از صحبت و احوال پرسی و ادای رسوم هربانی که از  
 جانب جناب جلالت آت ب محترم الیه نسبت بجناب ایلی کبری  
 و اتباع نظیر رسید صرف شربت و هوه و قلیان نموده  
 جناب جلالت آت ب شرف آمدند صدر اعظم دولت علیه را  
 بجناب این ابلاغ نمودند جناب جلالت آت عالی پاشا  
 صدر اعظم با کمال ادب و منتهای میل خاطر ماسله را از  
 جناب ایلی کبری کبری گرفتند بعد از معرفی اتباع سفارت کبری  
 جناب ایلی کبری بهمان طور همان تشریفات بمنزل مراجعت  
 نمودند قبولی افندی و تشریفاتی دویم تا دم در محوطه دائره  
 جناب جلالت آت ب صدر اعظم در مقابل درون جناب ایلی کبری  
 کبری

۱۹۶۹

چون نواب میرزا محمدتاج و آلبا حشمت الدوله حرمه میرزا  
حکمران اصفهان در رعایت شرایط رعیت پروری و ولا  
داری و انجام حداثت دیوانی و آبادی ولایت و آسودگی  
رعیت لازمه کفایت و کفالت مرعی داشته بودند خاصه  
در جمع آوری و تنبیه سر باز فوج چو قوی که هنگام احضار در با  
کردن مدار بوابه ناخوشی و با از بین راه برگشته فرار  
کرده بودند آنها را در قیل زمانی جمع آوری کرده و تنبیه  
بدر بار همایون فرستادند محاسن کفایت و اهتمام  
نواب معزنی الیه در خاکپای مبارک مقبول افتاد و کقطعه  
مثال بی مثال همایون ک نشان حرمت و آیت حرمت است  
برای مزید افتخار و اعتبار نواب معزنی الیه حرمت فرمودند

فرمان مهربان هم شرف صدور یافت

چون عالیجاه شرف المحضه العلیه میرزا محمد زکی مستوفی و  
وزیر اصفهان در خدمات محوله تجود محاسن کار دانی را  
نظاره کرده بود موازی یکثوب جنبه ترمه کشیری تبریف  
او در حرمت و رعایت کردید

چون عالیجاه عبدالحسین بیک غلام شیخینت و خزان دار  
اصفهان در رسم حد مکنذاری و انجام خدمات محوله تجود  
اهتمامات و اذیه بظهور رسانیده بودند انحصار محنت از جانب  
سنی بچو اب بجا یون بلقب خانی سرفراز شده فرمان مبارک  
شرف صدور یافت و یکثوب جنبه ترمه کرمانی هم بر رسم  
با و در حرمت شد

بملاحظه لیاقت و رویه سنی عالیجاه نتیجه انجمن العظام محلی جا  
مترجم وزارت امور خارجه و استحضار او از رسوم و آداب  
و مهارتی که در آن سه خارج دارد حسب الامر الاحدس الالهی

شمول التفات در حق او علاوه بر تمبر حبی وزارت امور خارجه  
منصب اجودانی صدارت عظمی بر حسب حکم نظامی قرین با

### سایر ولایات فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند امور  
از اتهامات حسن مراقبت نواب مستطاب میرزا  
والا تبا رمونید الدوله حکمران مملکت فارس قرین  
انتظام و انضباط است و عسوم امالی فارس از عا  
و ادانی در کمال فراغت و آسودگی بدعا کونی و ات  
اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله لکه و سلطانه  
دارند و کسی قدرت شرارت و هرزگی و خلاف حساب  
بهیچ وجه ندارد و امور بنادر فارس در کمال نظم است  
افواج قاهره نظام از توپچی و سر باز خواه در خود  
و خواه در سرحدات و بنادر هر جا که هستند همه روزه  
در مشق نظامی اهتمام دارند و مراقب خدمت و نظم  
باموریت خود میباشند و با الالی ولایت با نهایت  
حسن سلوک رفتار مینمایند و از جانب صاحب منصبان  
مراقبت تام در مشق نظامی و انتظام امور آنها بعمل می آید  
و همچنین امور حقوق و شوارع فارس منظم و مضبوط  
و در همه منازل مستحفظ و قواسوران مراقب حفظ و  
و عابرین و مترودین بجا طریقی عبور و مرور مینمایند  
و اگر در ذوق طاع الطریق بسم باشد لو با سطر است  
و مواظبت مستحفظین سر بز و ایامی جنول کشید نمیشوند  
سرفت نمایند و همچنین امر شهر و محلات بسبب مراقبت کلام  
و داروغه و کدهایان در رعین انتظام است

۱۹۷۰

۷

در روز ششم صفر که عید مولود مسعود علی حضرت قویست  
 شاهنشاهی خلد الملک و سلطان بود نواب مستطاب هزاره  
 و الا تبار مویده و له حکمران مملکت فارس مجلس جشن  
 منعقد نموده شب آنروز شهر را کلا این بندی و چراغانی  
 نموده انالی شهر از عالی و ادانی بیست و دانی مشغول بود  
 در روز نهم نواب مغزی الیه مجلس سلام عام منعقد نموده  
 علما و اعیان و اشرف و خوانین عظام و سران و صاحب  
 نظام و در سلام مرتور حضور بهم رسانده اجزای شلیک  
 کردید و ادای خطبه بنام اعلی حضرت اقدس شاهنشاهی  
 و اختتام بدعای بقای وجود فایض انجود حسن و انی صانی  
 ایام سلطنته عن لبتناهی شده صرف شربت و شیرینی نمودند  
 و مجلس سلام منقضی گردید  
 و یکروز نوشته اند که چون نواب مویده الدوله در آبادی و لا  
 اهتمام زیاد دارند چنانچه در روزنامه های سابقه نیز نوشته  
 عمارات دیوانی و ارک و باغ شهر و سر با زخانها و باغ  
 تخت قاجاریه و باغ نو مسجد و کیل را بجهت مباحثین  
 امین و کاردان محول نموده در کمال خوبی و استحکام  
 شده و بعضی قسم که فی الجمله نامتومی دارد عمده و بنا در  
 تعمیر میکنند درین روز با تمام خواهند رسانند و کنیزها  
 علیه اسلام هم که در وقوع زلزله خراب شده بود بجهت  
 از نزول برف و باران خرابی باصل تعمیر رسانند  
 مرتور لازم بود نواب مغزی الیه مباحثه کفید را با  
 حجرات که در صحن واقع و خراب شده بودند در کمال  
 از نو ساختند

و همچنین اعظم و اعیان و ولایت چون میل نواب مغزی الیه  
 در بنای مساجد و شعائر اسلام و تعمیر بقاع تبرک و آبادی  
 و حصول دعای خیر جبهه وجود فایض انجود اقدس شاهنشاهی  
 خلد الملک و سلطان ملاحظه کردند آنها نیز بکارهای خیر و نواب  
 اقدام نموده اند از جمله مقرب انخافان حاجی قوام الملک  
 که از بنای ایامیکه و قریب شصدهمصد ذرع طول و عرض  
 میباشد تا از نو در کمال استحکام ساخته بنامش موقوف آمد  
 و سواهی آن مسجد در رسم و حسنیه و آب بناری در محله که خود  
 ساکن است درین سال بنا کرده و با تمام رسانید که بسیار  
 شکوه و خوشنویس و فضایلند و مقرب انخافان شیخ الملک  
 نیز بقعه تبرک سید میر محمد مدرس حکیم که اتصال بان بقعه دار  
 و در وسط شهر واقع و بکلی خراب شده بود در کمال استحکام  
 از نو بنا کرده می سازد در خوبی طرح و استحکام بنا نسبت به  
 بنای سابق ندارد بسیار بهتر و محکمتر از سابق ساخته شده و  
 با تمام است  
 و یکروز نوشته اند که نواب امیر زاده ابو القاسم غمان که  
 نواب مستطاب هزاره و الا تبار مویده الدوله بجهت انظام  
 و آن صفحیات نامور گردیده بود امور آن صفحیات را در کمال  
 خوبی منظم کرده در این اوقات مراجعت بنجد متوجه  
 مویده الدوله نمود  
 و یکروز نوشته اند عیال شیخ عبدالعزیزه پیش از جانب  
 امام مسقط و در این اوقات شرفیات خدمت نواب مستطاب  
 گردیده مورد التفاتش و در خانه مقرب انخافان شیخ الملک  
 منزل بجهت رالیه دادند و بعد از چند روز خلعت با و البقا  
 فرمودند

۱۹۷۱

### اخبار دول خارجی

از فرار یک در روزنامه جریده الحوادث اسلامبول نوشته شد  
 در روز جمعه اوایل ماه صفر اعلیحضرت سلطانی تشریف  
 فرماده در مجلس مخصوصه شانزده آنجا قدری وقت  
 نموده از آنجا مجلس شورت تشریف آورده در حالتی  
 که در کلابی قحام و سایر امورین حضور داشتند عقده کجین  
 شورت شده و مذاکره بعضی امورات مهمه را با هم  
 نموده و اهل مجلس شورت مورد التفات سلطانی  
 بعد از آن اعلیحضرت سلطانی بمنزل خود مراجعت نمودند

و نیز نوشته اند که از جانب اعلیحضرت سلطانی حکم  
 شده است که از دولتهائی که سفرای آنها در مجلس  
 پاریس بوده اند در این روزها سفرای آن دول که در آنجا  
 هستند مجلسی بجهت مکالمه کنار رود خانه طونه و آن سرحد  
 منعقد نمایند و نامهای وارد آنجا را تمام کنند

در روزنامه اخبار دول خارجی نوشته اند که دولت  
 ناپولی از خیلی وقت قبل ازین امتیازاتی که با ناپولی  
 داده بود پنج شش سال است که آنها را لغو نموده و  
 خود بنای تعدی گذاشته است بجهت رفع تعدیات او  
 و اعاده امتیازات سابقه چندی پیش ازین دوستین  
 انگلیس و فرانسه مدولت مزبور مذاکرات متعدد فرستاده  
 و رضای مشفقانه تسلیم کرده بودند پادشاه ناپولی  
 اصلا بنحی آنها التفات کرده و بسبب رضا اصفا ننمودند  
 این اوقات بجهت اجرای آن مذاکرات و برقرار نمودن

اهیت قدیمه از جانب دولتین مزبور و قطع کشتی جنگی  
 بشهر ناپولی ارسال شده است بعضی از روزنامه نویس  
 کمان میسند که دولتین مزبور بجهت حفظ بقعه خودشان این  
 دو کشتی را فرستاده اند

دیگر نوشته اند که امپراطور فرانسه و امپراطور آستر  
 از وقتی که ممکن تحت امپراطوری شده اند تا حال بد  
 میگذرد ولی تاکنون رسم تاجگذاری را اجرا نکرده و  
 هم از برای تاج گذاری معین نکرده بودند لکن در این وقت  
 قرار تاج گذاری آنها را در اوایل بهار آینده بعضی روزنامه  
 نویسان در روزنامه های خود می نویسند

باین جمهوریه بویوز امپراطور ناپولی آنجا چندی پیش ازین  
 و تفاتی حاصل شده بود در این اوقات رفته رفته  
 کرده در دویم خستوس گذشته از ناپولی سابقه نام  
 بقدر پارزده هزار آدم سیر کردگی لوئیز نام و فرخ لوای  
 نموده بشهر بویوز امپراطور که مقر حکومت جمهوریه مزبور است  
 هجوم آورده بجهت نبودن عسکر در شهر مزبور یا عیان  
 آمده رئیس جمهوریه و ضابطان را از محل خود بیرون نموده  
 آنجا را متصرف شدند زمانم حکومت و عیان زیاست  
 آنجا حال بدست یا عیان و لوئیز افتاده است

جناب لویی ناپلیان عمود اعلیحضرت امپراطور فرانسه که نسبت  
 رفته بود این اوقات از جزیره سیلاندر شش برس سبب بجهت  
 مشارالیه هدیه فرستاده است جنس این اسبها بسیار  
 کوچک است اینها را که فرستاده است قدری از کوه  
 برگر میباشند

۱۹۷۲

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم خمینیست و ماه ربیع الاولی مطابق الیومی سنه ۱۳۷۳

مزه سبده چهار

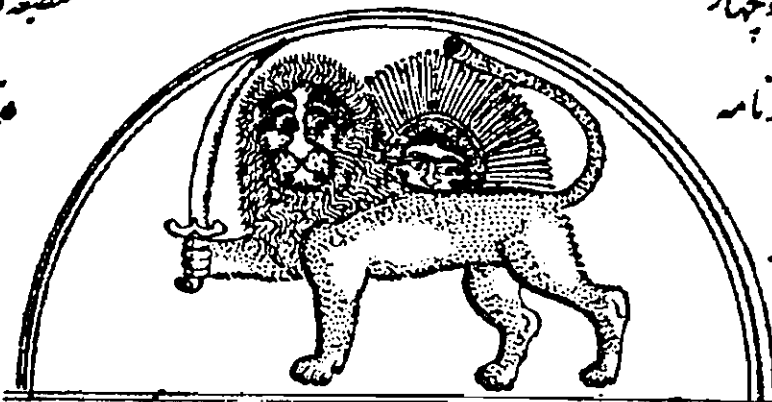
قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

منطقه دارالخلاف طهران

قیمت اعلانات

هر خطی هر



اخبار واحد ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلاف طهران

چون موافق قانون این دولت علیه سال را و این چهار و اواخر آن روز در وقت  
 است و امسود آرا سینه های صید را بجزایر ایران و شاه ایما است  
 دولت علیه و هر چند که این چند و پیرایه است و اولی است  
 گذشته گردیدند و در روز ۱۹ ایماه بر معمول شوک و طمان  
 موکتابان این دولت که در این است و علیه و این است  
 کزدون و در این مملکت نظام و بر پر کاران و سپهرام و اگر  
 صخیر اگر چه زیاده بود و این مملکت است و این مملکت  
 اینست و اینست و اینست و اینست و اینست و اینست و اینست  
 برای یک اسفرای دل متعین در این مملکت است و اینست  
 هر یک از خود سفر و صاحبان است که در این مملکت است  
 مشغول باشند شروع بدین است که در این مملکت است  
 میکردند و هر که در این مملکت است و اینست و اینست  
 تا شاه و تفریح موکتابان بهمان شوکت جلای که تشریف برده بود و معاودت  
 بارک مبارک فرمودند

جناب شرف امجد رفیع صدر عظیم بجا آمدن تشریف فرزا گردیدند  
 حاجت بنای عظم الیه جناب نظام الملک تشریف فرماتی و پای ابدار و نکوش  
 بطور تشریف آید و متعلقان این دولت نام طردک است و اینست  
 خدمتگذاری مراتب اهتمامات خود را ظاهر ساخته موردین و اوقات  
 گردیدند و علیه است شاهنشاهی سمارا در این مملکت فرموده بود  
 مبارک بسیار خوش گذشت و ما عذر در این مملکت است و اینست  
 حرف حضرتان و چهای دولت فرموده ماند مبارک که سلطان  
 مقرر سلسله عظمی مالبوکه و الاجلال مراجع فرمودند و در این مملکت  
 مفصله تشریف فرماتی علیه است شاهنشاهی مبارک که در این مملکت  
 مغرب ایما که در این مملکت است و اینست و اینست و اینست  
 ریبست و از جانب است و اینست و اینست و اینست  
 چشم اوله و اینست و اینست و اینست و اینست  
 مغرب ایما که در این مملکت است و اینست و اینست  
 مهدی است و اینست و اینست و اینست و اینست  
 مغرب ایما که در این مملکت است و اینست و اینست  
 وزیر است و اینست و اینست و اینست و اینست  
 مغرب ایما که در این مملکت است و اینست و اینست  
 سرتیپ است و اینست و اینست و اینست و اینست  
 از حضور این که در این مملکت است و اینست و اینست و اینست

۱۹۷۳

عالیجا محمد مستر اسیرین چنان که حسب الامر اولیا  
 دولت علیه از چندی قبل مانور اردوی بهرات بود و قبل  
 فتح و محکام اقتحاح شهر همه را در آنجا حضور داشت و مشغول  
 خدمات بود این روزها با عالیجا سردار مجید خان انجمن  
 و اسمعیل بیگ آدم مقرب انخاقان ساجان اینجانی در  
 شهر ربیع الاول سیزده روزه از بهرات وارد دریاچه آمدند  
 جایون عریضه از نواب پزاده و الا حاکم سلطنت  
 والی مملکت خراسان سجا کپای آقدس جایون علی  
 شاهنشاهی خلد المملکه و سلطانه آورد و عالیجا مقرب  
 محمد حسن زکنة نایب لشکر قاسمی باشی عالیجا را  
 با عریضه نواب سلطنت بوقف حضور باهر النورهایون  
 مشرف شد در حالتی که عقد سلام عام در پیشگاه آهسته  
 در باغ مخصوصی شاهنشاهی منعقد و تحت طاوس زفر و چون  
 شاهنشاهی زیب افزوده بود مضمون اجمالی عریضه و این  
 مشارالیه را معروض داشت و عالیجا مقرب انخاقان  
 محمد تقی ملقب لبان الملک عریضه را بطرز متعهد و این دولت  
 بتفصیل خوانده بعضی رای غیر جایون و بسع عموم اهل سلام  
 بگزارند و اشرفی چخزاری بنکه بهرات بنام نامی جایون  
 جانب نواب معز الیه و شصده و اشرفی چخزاری نیز  
 بهمان سکه از طرف عالیجا سر مقرب عینی خان برپیم  
 سجا کپای جایون آورده بودند و در همان مجلس سلام عام از  
 نظر آقدس اعلی گذشت و موقع تحسین یافت و از فرایند  
 نواب سلطنت در ضمن عریضه معروض داشته بود و بعد  
 آنکه قشون ساحلوی دولتی در ارک و شهر و در واره و بر  
 و بدنه بهرات ممکن شدند نواب پزاده و الاتبار و سراج

سپاه در کمال نظم و سکوه در شهر قرار گرفتند و ضاع جشن و  
 این بندی فرهم آوردند و سپاهی و رعیت از زنجانات  
 محاصره پاسودند و عموما مشغول عیش و شادمانی شدند و  
 بهرات از شادمانی رفته و حسن رعیت داری نواب مستطاب  
 حاکم سلطنته و نظم عی کر منصوره که بقدر روزه خلاف قاعده  
 نظام از احمدی بروز میکند کمال افسوس را دارند که چرا  
 باغوا ای ارباب عرض مدت مدیدی تن سحرانی و ضرر مالی  
 جانی خود در داده از چنین نعمت و خیر و صلاح واقعی خود  
 محروم ماندند افاغنه بهرات چنان میدانند که نفاق و بی  
 میان جهال فرق اسلامیه در عموم گذشته چندی برآ  
 بود هنوز در این عهد محجبه هم باقی است و از استیلا عی  
 منصوره انواع صدمات را خواهند دید اما غافل از اینکه به  
 وستی هر دو اهل اسلام و امت حضرت سید الانام  
 علیه و اد الصلوة و السلام هستند و اگر جزئی اختلافی در  
 فروع مذمب این دو فرقه اسلامیه باشد دلیل آن نمی شود  
 که باهم مثل گذشته طریق معادات گیرند و با یکدیگر مضمون  
 الاسلام تله واحد همگی برادران دینی باشند از یکدیگر و هم  
 و دخت داشته باشند گویا هنوز حکم محکم شاهنشاهی که نفاق  
 در همین روزنامه دولتی در باب تمیبه جهال که اسباب نفاق  
 میان مسلمین میشدند کوشش و مالی آن صفحات شده بوده است  
 چون منظور نظر آقدس جایون شاهنشاه اسلام سپاه  
 خلد المملکه و سلطانه آن است که کل فرق اسلامیه بهم برادران  
 سلوک نمایند و این معاشرت و نفاق که از جهال فرقتین  
 ناشی شده بود از میان برخواسته شود لهذا همان روز  
 سابق در ذیل این فقره روزنامه نوشته میشود که بازگی

۱۹۷۴

۳

<p>عموم خلق شود و تصور نمایند که آن حکم منحصر به آن وقت  بوده و دیگر در صد و اجری و اکمال آن نخواهند بود بلکه بدانند  که اولیای دولت علیه این رسم را که باعث آمیزش و  اتفاق فرقه اسلامی است دائم در نظر خواهند داشت  و هر کس تخلف نماید مورد بازخواست خواهد شد و روزی  که لفظاً بلفظ تجدید میشود این است  از روزیکه بنای دین اسلام بجهت حضرت خاتم رسالت  انام صلوات الله و سلامه علیه کم و برقرار گردید کل مسلمانان  با هم برادر و در اصول دین و قبله و کتاب با هم متفق و  یکپوشی بوده و هستند و اینهم که دین اسلام بفضول الله روز  برو و ترقی و مسلمانان رز و بکثرت و جمعیت گذاشته و  میکند از باب اتفاق و اتحاد و در رفع مباحثات و  و اگر در بعضی از مسائل فرقه‌ها بین فرقه اسلامی  اختلافی باشد چنانکه هر یک از مذاهب ائمه اربعه  در بعضی مسائل متفاوت است برادران دینی را با  تفرقه و یکپوشی نخواهد بود چنانکه فرقه اشعریه  جعفر میرا در کمال رتبه محترم میدانند همان نسبت  و جماعت را نیز برادر دینی خود دانسته و میدانند  و در اشرف اماکن و محترمترین مقامات عبادت مثل  بیت الله الحرام و مسجد مطهر حضرت سید الانام و سایر  بقاع مقبره که دینیته بالاتر است و با مال و ات داخل میشوند  و از حسن معاشرت و آمیزش با یکدیگر کمال خرسندی  و خرمی را دارند و عملی را که جهال شیعه از روی نادانی  دینی اطلاق از رسم مذمب اشعری گاهی مرکب شده  بر خلاف رای علمای دین مبین بوده است و ایشان</p>	<p>کسی اضی با این معنی نبوده و چگونه میشود العیاذ بالله سب و  رضن اصحاب بر روی ایشان رضوان الله علیهم مقبول  رای عالم مشرع با عاقل فطن بشود معلوم است که در هیچ  و در هیچ ملت و طریقت علمی و عقلاً کما ینبغی توانسته اند  زجر تمام و منع جهال از احوال اعمال ناشایسته ایشان  نمایند مثل اینکه العیاذ بالله سموع میشود پاره از جهال  و عوام بی اطلاع از دین و مذمب خود تجری نمایند و با  بابل بیت رسالت و طهارت زبان درازی می کنند و  نا سزا میگویند لهذا لازم افتاده که اعلام بشود کما ذل  اسلام که کمال مراقبت در دین مبین و رسم مشرع  خود نمایند و قانون ادب و خضوع و ترحم و ترسی را  مذکره و استماع اسامی مبارکه بر زبان دین و خلفاء را  از دست ندهند که اگر فی الواقع نادانی از راه جهالت  اینگونه سخنان رنگ بر زبان راند حکام و مباحثین امور  دیوانی ماموریت دارند با علی درجه زجر و تنبیه اورا  و تادیب نمایند و نگذارند بی سبب برادران دینی اسلام  از یکدیگر نفار خاطر پیدا نمایند و پادشاه دنیاچه اسلام  با هم یکدیگر دولت متفق و متحد و برادر واقعی در عیال  با هم یکدیگر برادران دینی بوده و هستند و بدیهی است که اولیای  دولت علیه عثمانی نیز این معنی را بدقت هر چه زیادتر ملاحظه  خواهند نمود و بهین نسبت تبعه و رعایای خود در عیال  و هجواری با این دولت قدغن خواهند نمود که جهال خود  از ناسزا گفتن بابل بیت رسالت و طهارت بر فرض دو  ممانعت نمایند تبعه جابین بل کل فرقه اسلام را که در  کره زمین هستند لازم است که بوجود پادشاهان اسلام</p>
---	--

۱۹۷۵

<p>دوامی دربار پادشاهی و اعیان دولت اشخاص مفصله با سبب</p>	<p>مبارکات نماید که توأم دین و ایش کل سلسله منوط بوجود پادشاهان</p>
<p>مقرب الخاقان امیر الامراء العظام مقرب الخاقان امیر الامراء العظام مقرب الخاقان امیر الامراء العظام</p>	<p>عظیم ایشان اسلام است هیچ اختلافی فیما بین خود نبوده و تحویل بوده و با اینکه علمی ذوی الاحترام دین من و عقل و بزرگان ملت اثنی عشری خلفای شریفین را اصحاب رسول محترم میدانند</p>
<p>مقرب الخاقان عمده الامراء العظام مقرب الخاقان عمده الامراء العظام مقرب الخاقان عمده الامراء العظام</p>	<p>و الفاظ خلاف ادب نسبت با ایشان خلاف تین میباشد و این دولت هم محض اتحاد و ولتین و استحکام شرع و شریعت است</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>درین کار و دفع و منع این شهرتها که نسبت بشیعه میباشد و بعضی و فرض خود میداند و به حکام و مباحثین موافق این روزها</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>واضح و احکام مخفیة قدغن شدیدی میباشد که اگر جانی مخصوص و نادانی و وسوسه شیطانی حریفی بخلاف زبان را سخن</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>زجر و تادیب و تعزیر شرعی و عرفی خواهد بود در روز نامه منفذ گذشته ذکر شد بود که کیفیت شرفیابی جناب</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>عزافه کنیند و در دولت بینه فرانس بجزو هر طور معا یون اعلیحضرت شاهنشاهی در هفتاد و یک نوشته خواهد شد</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>بنابر آن نگاشته میشود که روز پنجمه بیت و یکم ماه دعوت مانده عالیجا مقرب الخاقان عمده الامراء العظام</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>باشی حسب الامر بفرستاده رفته جناب معزی الیه را رسانیده حضور اقدس عالی دعوت نمود و ده نفر و ده نفر و ده نفر</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>و پنج نفر طراز جانب دولت علیه رفته در منزل سفارت شدند و بکر مس سب براق طلا از سببان خاصه معا یون</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>جلو در پادشاهی برای سواری جناب شرف در فرج حاضر کردند و به شرفیافت و احترامات لازمه در حالتی که سوار است خاقان</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>پادشاهی بودند و نایب شیک آقاسی باشی سر راه و در و بی و لکان و طران درباری تزیین و نظم تمام در پیش روزها</p>
<p>مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان مقرب الخاقان حاجی علیخان</p>	<p>میر نقد در کسب کجانی مبارک شدند و قبل از وقت از اعان حکمران دار الخلافه</p>

۱۹۷۶



از اعظم درباری بالباس رسمی و نشان و حایل  
 جناب بنات نصاب نظام الملک جناب فحمت نصاب وزیر امور  
 دولتی و خارجه  
 هیون واقف حضور اقدس اعلی بودند و مقرب انخافان  
 امیر الامراء اعظام کیکچی باشی دربار هیون تیرا چهل نفر از  
 علام پیشه نشان خاصه در پیشگاه حضور هیون عقد سلام  
 سببه بودند جناب شاد فرما موریت خود را تبرجی علیجان  
 یسجی خان بطور شایسته عرضه داشته باشا ره علیه پادشاه  
 اذن جلوس یافت و مورد تملقات و تفقدات پادشاهی  
 گردید و سرکار اقدس اعلی از میل خاطر هیون توقوف  
 سفارت آندولت در دربار دولت علیه و اعما در حسن خیر  
 جناب معزی الیه بالفاظ در دربار پاره فرمایشات ملوکانه  
 او فرمودند و بعد از مرضی از حضور هیون بهان ترتیب  
 بمنزل جناب جلالت تاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم دولت  
 علیه آمدند و کمال مودت و مهربانی از جناب صدر اعظم  
 حق جناب شاد فرمود معمول افتاد و چون روز دوم در  
 دربار دولت علیه که جناب شاد فرمودین رسمی از جناب  
 اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم کرده بودند از جناب  
 بنات نصاب نظام الملک جناب فحمت نصاب وزیر امور  
 خارجه نیز دیدن رسمی کرده بودند لکن روز شنبه ۲۳  
 چهار ساعت بغروب آفتاب مانده جنابان معزی الیه  
 از جناب شاد فرمود لعل آوردند و ساعت بغروب روز  
 مانده جناب جلالت تاب اشرف امجد ارفع صدر اعظم  
 تشریف بمنزل سفارت برده رسم باز دید و مهربانی از  
 شاد فرمود لعل آوردند و کمال مودت بتقدیم رسانیدند

چون اعلیحضرت اقدس شاهی را یافت و رحمت ملوکانه  
 حال عموم جا کران درگاه و مقربان پیشه است خاصه انان  
 که استعداد و فطری و صدق جلی همراه است از جمله نتیجه لوزرا  
 مقرب انخافان میرزا او دو خان فرزند سعادت و مقرب جناب شاد  
 ارفع صدر اعظم که در حدیث سن و عنوان شایسته جناب  
 رزانت رئیس در پیشگاه حضور هیون جلوه ظهور یافته هر دو  
 خط ترقی در دربار کمال و برتری در مراتب علم و کفایت  
 ظاهر نمود اعلیحضرت اقدس پادشاهی مقرب جلیل وزارت  
 لشکر را که بزرگترین منصب است و سالها در زمان دولت  
 شاه شهید امام محمد شاه نورانی مفضی و حضرت خاقان خدای  
 فتحی شاه مبرور مغوض سجد امجد امیرزا اسد اللدین حرم  
 و بعد از او در او اخر نشان دولت خاقان مغفور و شاهانه  
 تا او این دولت پایداریت بیت و سال بعد کفایت  
 والد ماجدش جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم محترم  
 یافت اکنون بالارث دستحق مغوض مقرب انخافان  
 معزی الیه شده و روز جمعه ۲۴ زمان مهر لعل مبارک  
 شرف صدویف و از جامه خانه خاص پادشاهی کسوت  
 جبهه ترمه اعلی برسم خلعت مقرب انخافان معزی الیه  
 و روزنامه دولت بلیک که زبان و نسیه طبع گشته و از  
 بفارسی ترجمه شده در میان حالت حالیه دولت علیه ایرا  
 باد دولت انکلیس و نیت اعلیحضرت شاهی و اولیای دولت  
 علیه در این سنده حاضره فقراتی نوشته اند روزنامه لوزرا  
 مطلب از روی تحقیقات و اطلاعات خود بطوری میان بوده  
 که مطالعه کنندگان آن روزنامه هیچ تردید و شک باقی نخواهد

۱۹۷۷

که دولت علیّه ایران مطلقاً بر احوال و احوال دولت انگلیس  
 در باره دولت علیّه و عود دوستی دولین ضمیمین ندارد اما چون  
 مال خاطر افسوسناک و بیخوشی و بیخوشی او لیا یکی دولت علیّه از  
 سوسلوک و تکالیف و ناگوار مأمورین دولت انگلیس است و  
 ندارد که اولیای دولت انگلیس عالمها و عا دما باین طرز رفتار  
 خودشان راضی بوده باشد و هنوز کمال انصاف و قاعده  
 دولت و ملت بزرگ انگلیس که در همه دنیا مشهور و صاف  
 هستند امید آنرا دارند که بعد از اطلاع بر حقیقت زقارست  
 مأمورین خود که درین مدت مطلب با اولیای آن دولت  
 کرده بودند دست از دست و سنی چندین سال این دولت بزرگ  
 را اصلاحی در احوال و اطوار مأمورین خود نشان نمانند  
 لهذا لازم شد که در ضمن روزنامه دار کلا ف از کتون اولیا  
 این دولت که گویند روزنامه زبان فرنگستان چنانکه  
 باید و بدین مطلق بنوده اند اعلامی شود تا معلوم کرد که اولیا  
 دولت علیّه ایران در مقام انکار دوستی دولت انگلیس  
 سال برقرار بوده است نسبتند و این بد رفتار بسیار فقط از  
 مأمورین آن دولت میدانند و حالتی که در این دولت و ملت  
 روی داده است در روزنامه دولت بلجیک نوشته اند  
 یعنی بر سوسلوک مأمورین انگلیس است نه راجح خود دولت و اولیا  
 دولت انگلیس و دولت ایران تا ممکن است میخواهد که قوت و قسور  
 در مبانی دوستی این دو دولت واقع نشود و امید دارند که  
 خانه کار بودت و انصاف و نیتین بجای خوش منجر  
 شود چون لازم بود که مطالب گویندگان روزنامه از روزنامه  
 دولت بلجیک هم استخراج حاصل نمایند و مطلب درست است  
 شود لهذا ترجمه روزنامه مزبور لفظاً بلعین در ذیل این روزنامه ثبت  
 و آن این است

ترجمه تفصیلی که در روزنامه بروکس با بی تخت بلجیا تاریخ  
 سیم ماه اکتبر ۱۸۵۶ عیسوی مطابق شهر صفر المظفر ۱۲۷۳  
 هجری است نوشته اند  
 متاثر که بولتیک فها بین سفارت انگلیس و دولت ایران مایه  
 بسیار عظیم در ایران شده است اهل ایران که بالطبع مکاره طلب  
 و مدت زمانی است که تنگ آمده اند از یک صبح ناگوار که غلبه  
 خجالت و سرشک است ابتدا کرده اند به بیدار شدن از بیگاری  
 طویل خود در ضمن آنها زمین تجدد و روابط خود با سفارت انگلیس  
 حرف اول خود هستیادگی دارد و باعث قطع مرادده را بقصر  
 موسیوموده میدانند و قبول نخواهد کرد مصاحبه را که لاین  
 خودش نباشد ملت تحسین میکند غیرت دولت را محمدین  
 صلاح تعقیب میکنند سفارتخانههای خارج را از اذیت کردن  
 در کارهای خانگی عمال سلیمانان مختصر اینکه حال چند ماه است  
 که در ایران بقدری حمیت یومانیوماد از دیاد است که اگر  
 انگلیس استادی کند یقیناً دعوا فها بین دو مملکت ناگزیر خواهد بود  
 دعوائی با ایران تا شش هر چه با یک بدختی واضحی است از برای  
 انگلیس زیرا که اگر راست است که منفعتی است از برای دول بورسیه  
 علی الخصوص سخته فرانسه که دولت روس در انتهای مشرق  
 انگلیس را مشغول دارد بدین است که انگلیس باید از فتح و نصرت خود  
 هزار مرتبه خوف و وایمهش زیادتر باشد تا از شکستش چیزی  
 سنگینی فضا از برای ایران واقع شود هر وقت باشد خواهد  
 یادیر نتیجه آن در نند محسوس خواهد شد آنچه در ایران عموم  
 میرود این است که بعضی آمدن انگلیس بندر بوشهر روس  
 خواهد بود و قبل از آنکه اولی شیراز برسد روس کارهای زیادی  
 کرده خواهد بود و در نیت بگویند که قبل از آنکه کار بچک انجام  
 ایران

۱۹۷۸

<p>حاجب داری آنها بعد از رضات زیاد که از برای مانعت  نزع کشید فهمید که بدون بیرون رفتن انگلیس از طهران کاخ خود  بجای خراب خواهد شد ام و آنچه در قوه دارد از برای صلح با انگلیس  ولی آنچه معلوم شود حتی المقدور راضی بکلیفنا تشکله انگلیس خواهد  باید صلح است بنا بر مصلحت و با تطبیح طالب جنگ است بر این  اعتقاد است که مقام شایسته و حقیقی او رئیس سلسله بود  در اعتنا شایسته و پلستیک است رتق و فتق جمیع امورات را  در دست گرفته با بصیرت تمام بر اوضاع مملکت خود در چاره  هر نوع امور سرشته و مهارت خاص وجد کانه دارد ادعای است  بسیار خلق و با حوصله و شدت حلیم در هر چه با در روی دهد  بهنایت مستند الرای که بهر کاری که ریش قرار گیرد هیچ چیز  او را در آن کار نمیتواند مانع شد هنر ذاتش در مهارت و  نگینائی بیشتر و بهتر بر روز میگذرد با وجود غل زیاد که مقتضی  پر محنت است همیشه خنده رو و مسرور است و چیزی که در  وجود شخص او است در مشرق زمین نظیر ندارد خسته نشدن  او از کار که در است دنی استحقاق این نوع طاقت از قوه شکر دور است  مختصر مینویسند و دلیرترین و دلیرترین خلق ایران است جای شک و  شک که اگر اطرافهای او غیر اینها خوب است و ندان خود که هر ساعت  او را محاصره دارند و اگر در بند بعضی عماید شخصانه می شد  و اخطا عس از حقیقت اوضاع فرنگستان کامله بود بلا حرف  حال کل آسیا را تغییر و تبدیل میداد و باید اقرار کرد که در این  اوقات بمیوب منصفه او مایه پیرفت کار شده و او را مردی  کرده است فوق العاده و رئیس مقل ایران سپه ای و در عهد  با پنجه از مرد اطراف سبستان تا مانت و تا زمینها حاکم قایل  و سپه ای حاکم کرمان رفته اند بجهت دفع شرافا غنمه مذکور و</p>	<p>تکالیف انگلیس قبول خواهد کرد ولی نه چنان است زیرا که دولت  ایران پس از آنکه غمی را اختیار کند ضرر و خطرهای خود را فهمند  و این عمل را با عدم بصیرت کرده بلکه این کار را اختیار نکردند  یک مشورت طویل و با زحمت شش ساله مدت شش سال با مومنین انگلیس  کردند مگر تمید و منفعل و متغیر کردن دولت ایران وجود آنها در  این مدت از برای کار گذاران دولت ایران مانند کابوس بوده  ازین میتوان معلوم کرد که اهل ایران بچه حد باید کینه انگلیس  در دل داشته باشند با خود پادشاه بکرات منفعل گردیده است  و هر روزی یک مایه اوقات تلخی از برای او حاصل کرده اند  بقدری از کیفیت حالی خود متفر شده است که حکومت میده را در  غیر محکوم با برابرت ترجیح باین سلطنت میدهند جمیع نایاباتی که از  ابتدا سلطنتش دیده سکوت کرده است ولی حال غیرت و کینه او  زیادتی بر حوصله حملش کرده است چنان معلوم میشود که حال  تاج و سلطنت را میخواهد مگر از برای انتقام هیچ مضایقه نخواهد  کرد در امداد خویش از دول خارجه و اگر لازم شود در نهایت  در رفت نصف مملکت خود را میدهد که امداد بکنند او را در دست  شده انگلیس از دولت ایران هر که بکند فیه پادشاه را دیده باشد  میتواند تعین کرد که این نوع سلوک و کیفیت از برای شخصی بان  موافقت میکند بوفانی است غیور تند مزاج فخر طلبیاد خود را می بین  اسودکی و زیادده از وصف طالب جنگ خردج انگلیس از طهران  از برای او عیدی بود از آن وقت قلب او که مدتها می دیدار  دول خارجه نیز خراب بوده ابتدا کرده است باز شدن شرف و شرف  و حال ساکت و غیر مختلف در خانه تبدیل شده است بغيرت و  که در جمیع انالی ایران نیز منتشر کرده دیده صدر اعظم اگر چه قدری  بخواه انگلیس است مجبور شد از حرکات انگلیسها در موقوفات</p>
--	--

۱۹۷۹

از آنها هنوز خبر صریحی نرسیده که بدانم در چکارند قشون  
 ایران هنوز در اطراف هرات بماند بعضی مذکور میکنند که  
 شهر هرات محاصره است و برخی بر آنند که این آن شهر محاصره  
 شده اند سردار قشون ایران را حرف دولت ایران این است  
 که قشون در اطراف هرات مانده است که حقیقت دفع سردار  
 و افغان کابل که قذافر و اطراف او را دارند آنچه یقین است  
 این است که بدون هزاده و قشون ایران دو مسجد خان  
 حال در هرات میسود بلکه دور بنویسد که جمیع خراسان را حاص  
 شه باشد

سایر ولایات

استرآباد از قراریکه در روزنامه استرآباد  
 اموزان ولایت قرین نظام و کمال ایت و آسودگی  
 از برای رعایا و مالی آنجا حاصل است و مقرب انجاقان  
 حضرت علیخان ایلمخانی نهایت مراقبت در رعایت ولایت  
 رفاه حال رعیت بعمل می آورد و سجد الله هر چیزی در ولایت  
 در کمال ذوا و انی و ارزانی است و مقرب انجاقان ایلمخانی  
 که در خارج شهر بوده است در ششم این ماه وارد شده

دیگر نوشته اند که در این اوقات خوانین و شش سفید  
 دوازده طایفه میوت کلاً جمع شده بند از ترک را حزاب  
 کردند و قراغچی باغی را مانا از آنجا که چاند بعد کس  
 طایفه خود رفتند و آنچه اسیر که ترکمانان یاغی در بن  
 مقرب انجاقان ایلمخانی از آن اطراف برده بودند در  
 آنها را جمع کرده سمره خود نیز مقرب انجاقان مشارالیه  
 آوردند و الترام سپردند که بعد از این در مقام خدمتگذاری

باشند و تاکنون اتفاق نیفتاده بود که خوانین و شش سفید  
 دوازده طایفه میوت کلاً یکدیگر با سترآباد بیایند و هم چنین  
 سی نفر اسیر که از خنوق گرفته میان طایفه میوت که ساکن  
 بیباشند آمده بودند اما نیاز خان که تازه خان آنها شده  
 اسرای مزبور را مصوب سپهر عمومی خود و چند سوار نیز از ایلمخانی  
 در ستماده انهار ایلیت و خدمتگذاری کرده بود و نیز اقا  
 سردار که بارش سفیدان که نیز مقرب انجاقان مشارالیه  
 آمده انهار اطاعت و خدمتگذاری این دولت جاوید است  
 را نمودند

دیگر نوشته اند که در هفتم ربیع الاول آدم از خنوق بزرگ  
 ایلمخانی آمد و خبر آورد که یک هزار و پانصد خانوار که کلان کرد  
 خنوق ساکن بودند از آنجا فرار نموده به سمت کوه کلانی که در تحت  
 اطاعت ملین دولت قوی است مستند آمدند و اینها را طایفه  
 ایلمخانی بیامند و در برابر خانوار نیز از طایفه میوت خنوق  
 پناه بسایه زلفت و عطف دولت جاوید مدت آورده  
 اترک شدند

دیگر نوشته اند که در نهم ربیع الاول که چا پاردار شدند  
 مشوه قبیله هرات را آورد مقرب انجاقان ایلمخانی کلمات و شال کما  
 خلعت داده حکم کرد و تقارن خانه شاد یا نه زده همه را ایلمخانی  
 آغاز سرور و شادمانی نمودند

دیگر نوشته اند که چند نفر الواط و اشرا که در غیاب مقرب انجاقان  
 ایلمخانی مرتکب هرزگی شده بودند بعد از ورود آنها را فرستادند  
 کلاً را گرفتند بعضی را بعد از توبه و تادیب مرخص نمود و بعضی  
 دیگر را محبوس دارد

۱۹۸۰

روزنامه وقایع انقلا بیه یوم پنجم خرداد ماه پنجم شهر ربیع الثانی مطابق سال لوی بیست و یک

نزد سید و بیچ

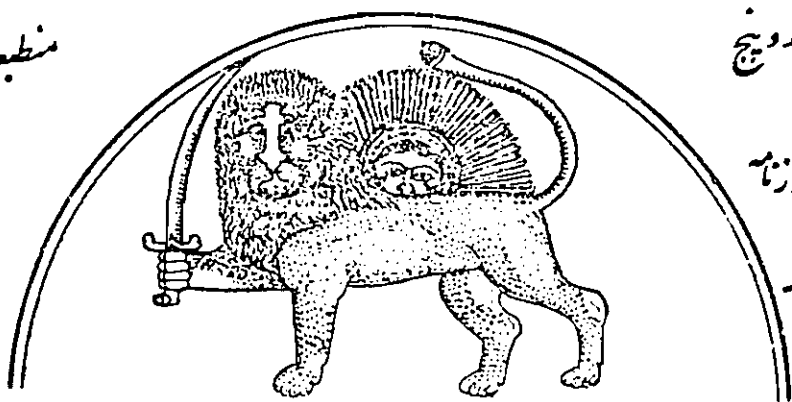
منطبعه دار انخلاق طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه شهر

هر خطی شهر



اجبار و احکام ملک محروم پادشاهی

دار انخلاق طهران

سرکار عالیجناب قوی شوکت شاهنشاه دین پناه  
 ملک سلطان در ترویج شعایر دین مبسوط و اعلائی علم  
 شریعت حضرت سید المرسلین صلوات الله و سلامه علیه  
 علی الطیبین و تجلیل علمای ملت و توقیر اشراف امت  
 وقتی وقتی در هر گامی نگاه می فرموده اند که بجز الله تعالی از  
 میامن توجهات پادشاهی پشت اسلام قوی شده و در  
 دولت سیراب و روی گشته و از آنجا که نیت پاک و ضمیر  
 نلوکانه مهبط الهامات غیبیه است و هر چه از ان خاطر فریض  
 ناشی و صادر شود با تصرف خلاصه عقل و حکمت خواهد بود اما  
 بزرگ مستحسنة چند در دین و دولت گذاشته اند که آرزو  
 مبارک سلاطین انارالدیه بر ستم باند قایق نمانند  
 و امروز هر یکی از ان آثار کانه علم فی رسنه انار از انخلاق  
 یعنی که در این اوقات متمدن با و نام مبارکی و منیت بر او  
 این است که چون قلب سبک جسته باطن معدنس ولایت  
 متوجه دست نوسل خدیوانه بعروه الوثقی اهل بیت عصمت

و طهارت سلام الله علیهم اجمعین متک است و فتوحات عظیمه را  
 بان منابع فیض و رحمت منوط میدانند لهذا بعد از حصول این  
 و ظفر و وقوع چنین فتح عظیم از جانب خاور در از انخلاق  
 که در راه دین و دولت بر وجود فایض انجود هایلون قبول فرمود  
 بودند شاه سینه چنان دیدند که همچنانکه در باطن استفاضه  
 و استمداد از درگاه حضرت احدیت و مقربین بارگاه صمدیت  
 عز و علا و تبارک و تعالی میفرماید در ظاهر نیز این عالم صحنی  
 صورتی اتخاذ شود و دین و دولت را ظهور و ملاذ آید علی هذا  
 مثال بی مثال مبارک حضرت سید الاولیاء و سند الایمان  
 یعسوب الدین امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه الصلوه و السلام  
 از روی صورتی که در عهد ان حضرت نقش کرده و از خزائن  
 سلاطین سلف بدین سخرانه عامره این دولت عظمی شرف داده  
 بود نقل کرده و بچوهر گرانهای نئین قیمتی بهترین و صحنی  
 و خوشترین صیاعنی مکلل شده و اعظم و اقدم نشانیهای مخصوص  
 سلطنت کبری و خاصه ذات هایلون خلافت پیر او را  
 و برای او بختن این نشان عظیم المثل هایلون حکم از مصدر عظمت

۱۹۸۱

<p>و جلالت شرف نفاذ یافت که مجلس شنبه ملوکانه و عیشتی        خدیوانه ترتیب شود که جمیع علمای ملت و وجوه و ارکان        دولت و اعلاطم و اعیان شوکت از هر صنف و هریک در آن        مجمع دعوت شوند و میر مجلس از جانب سنی اجوائت عالی        جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم باشد و بعد از صرف        و انظار شادمانی بسلام حضور اقدس همایون حاضرند        و در آن محضر سلام عام که جمیع علمای اعلام دار انداخته        نیز در انجمن همایون پادشاهی حضور داشته باشند        بمثال همایون بدست یکی از علمای دین و جناب اشرف        صدر اعظم در ساعت معتمد مبارکی و اقبال پیرایه وجود        اقدس همایون کرد و در جبهه ایشان ارت علیه خسرو        در روز چهارشنبه بیت و منعم شد ربیع الاول بهمان        مزبوره در تالار تخت مرمر و اطراف نقاشخانه و اطراف قیامی        فوقانی انعامات عالی بنیان پادشاهی مجلسهای متعدد        و شیلان کشیده شد شیرینیهای الوان چیدند و شربت        کونا کون ترتیب دادند و صنفی از اصناف و قیاسی از قبایل        نوکرهای دربار عظمت مدار شهبازی بناسبت و مجاز        و یکی از اطراف قیامی مزبور نشستند تهنیتها گفته شکرانها        بعضی آمد و انواع حلویات و شربتها صرف شد و در ساعت        کصد و ده بیرون رفت بعد از اسم جناب ولایت پیرایه        معینه قیام سلام در پیشگاه اقدس عالی یا فقه و علمای        و سادات عظام در انجمن خاص پادشاهی هر یک علی        مرتبه قرار گرفتند و آن جلوس یافتند و جناب اشرف        امجد صدارت پناهی نشان همایون را در میان سینه طلا        گذاشته بنف الشریف با تفاق جناب فضایل نصاب        عمده العلماء العظام و نجته الفضلاء الکرام شیخ رضای</p>	<p>تعالی که بحسب و قدمت زمان از دیگر علمای اعلام        و نوع اختصاصی در دعا کونی دولت ابد آیت علیه دارند        و سایر معارف از مجتهدین آوردند و سرکار علی حضرت        پادشاهی از راه تعظیم بصورت همایون حضرت ولایت پناهی        صلوات الله و سلامه علیه از اطلاق خاصی که تشریف همایون در        آنجا داشته تا پای پله های عمارت باستقبال تشریف        فرمادند و نشان همایون را گرفته تالار گلستان که جمیع علمای        تشریف ارزانی داشته و از تحت لطفت را افزوده و همایون        زینت افزودند و بعد از توجه ملوکانه بجانب توفیر جناب علمای        نظر محترم بصوف سلام و در وی خطاب همایون خطاب        صدارت پناهی معطوف فرموده با الفاظ در دربار چنان ادا        فرمودند که هر یک از جا کران حضرت ماکه در راه خدمت        کنند و در سجده بینند بشمول الطاف خدیوانه ما امیدوار        سزای خدمات هر یک از آنها شانی و نشان از فیض میفرمایم        ولی ذات همایون ما اگر مجاهداتی در راه دین و دولت        و در سخااتی بر وجود خویشین اختیار فرماییم با ضروره باید از        درگاه حضرت ملک الملوک حل شانده و عظم منته و مقربین        آن بارگاه چشم بر مواهب و عطایا باشیم و استظهار        در بار جویم این است که این نشان مثال بی مثال همایون        که دلیل توسل بانوار مقدسه الهیه است برای خود اختیار        فرمودیم و جناب صدارت پناهی نیز در ازاد فرمائید        ملوکانه عرضهای حکیمانه بموقف عرض رسانیدند و عرض کردند        اگر چه ما ملی ایران و ملت اسلام توفیر و احترام شایسته را        خود فرض میدانیم لکن اگر کماهی احتمال شایسته ریاد در آن        این توفیر تعظیم و تکریم بر مردم واجب است که از صمیم قلب بی</p>
---	---

ریا و سعه بعل پیاورند و خطبه و قصیده تنبیه بکمال فصاحت  
 در موقوفه سلام خوانده شد و اعلیحضرت اقدس هالیون بجزیم  
 تشریف فرمائی ساحت باغ سلطانی که صندلی طلا در کنار حوض  
 برای وجود مبارک حاضر شده بود در میان تالاکشی فرمودند  
 هر یک از علما واحد بعد واحد بدست مبارک از اشرفیه های  
 جدید هرات عنایت فرمودند و آن هم مراسم تبریک راجحی  
 او روند و بعد تشریف فرمای قضای باغ شده در بالای صندلی  
 طلا قرار گرفتند و هر یک از خاکران در باری که در سلام حاضر  
 پیش خواسته اشرفی جدید هرات بدست مبارک مرحمت فرمودند  
 کُلّ علما و اعیان زبان بدعای بقای وجود مبارک با کرده  
 شکر که از بیات تقدیم نمایند و عرض کردند تا زمین خانه می نام  
 خواهد بود سر و قدم پیرمغان خواهد بود و بعد از انقضای  
 سلام و افضال و انعام جناب جبرافندی شازده فرمودند  
 عثمانی نیز که نظر بجهت جامعه اسلامی دعوت با عین شرفی شده بود  
 اول منزلت امواج آمده مصر شریفی و شربت در آنجا کرد  
 و بعد شرفیاب حضور اقدس شده تنبیه گفتند و مورد تفضیل  
 و تملیحات طوکانه شدند و هم در آن روز افواج و سواران  
 و اراخلافه در میدان بزرگ پادشاهی حاضر بودند کتبه مائی  
 تمام عبار از خزانه عامه باسم آنها مرحمت عنایت شد و دور  
 بزرگ بدست امیر الامرا العظام سردار کل و مقرب انخاقان  
 العظام میرزا داود خان وزیر لشکر و مقرب انخاقان این لشکر  
 آنها تقسیم گردید و اخراج ایشان آنروز راجحان شرف  
 ارفع صدر هم محض شکرانه چنان روز بزرگ در طبق چاکری  
 و ارادت گذاشته پیشکش حضور بامر النور هالیون اعلی فرمودند  
 و انجام خدمت مجالس مهمانان را در عهد مقرب انخاقان

حاجب الدوله گذاشته و اسحق خوب از عهد لوازم این  
 خدمت برآمد  
 در سال گذشته که حب الامر قدر قدر بکلام ولایات  
 و جوار دار الخلافه طهران اخبار شده بود که برای عید سعید  
 بتقبیل عقبه علیه شامانه حاضر شوند در بزم سینه مهمان  
 باید معمولد اندوسی و چهل روز قبل از عید باید حکام خود  
 با ولایای دولت علیه نوشته اوان بخواهند بعد از استیضاه  
 و مرخصی بدر بر گرو و نمدارین  
 چون مقرب انخاقان مصطفی قلیخان میرنور در بنا در فارس  
 مشغول خدمتگذاری و در انتظام امر ساخلو و حفظ حد  
 ایتمات کافیه بعل آورده بود لهذا از جانب اعلیحضرت  
 شاهنشاهی دامت شوکت و یکتوب کلچوس تن مبارک برآ  
 خلق بافتخار او مرحمت و انقاد گردید  
 و همچنین عالیجاه رضا قلیخان سیرتپ فوج عرب هم در  
 عباسی ویر بنا در فارس خدمات خوب کرده بود و محض  
 یکتوبه نشان از مرتبه اول سیرتپی با یکرشته حامل سرخ  
 و یکتوب جبه ترمه کرمانی از جانب سنی انجانب هالیون  
 در حق او مرحمت شد  
 نظر بجا سن خدمتگذاری مقرب انخاقان عین الملک  
 که خاطر اقدس هالیون شاهنشاهی و امنای دولت علیه  
 از خود راضی و خرسند داشته بود در این اوقات  
 مستوجب شمول مرحمتی مجدد آمده یک قصه قنده  
 مرصع از جانب سنی انجانب اقدس هالیون با  
 مرحمت گردید که سبب مرید مفاخرت و مباحثه انخاقان  
 مشارالیه بود پیش پیش در لوازم خدمتگذاری اقدام نماید

۱۹۸۳

چون مراتب صدق حسن خدمتگذاری عالیجاه  
مقرب انخافان حاجی میرزا احمدخان مصلحت گذارد و تکلیف  
مقیم دربار دولت عثمانی و مراقبت و اهتمام مشارالیه در  
روابط و استحکام شرایط مودت و موالات و سلامت و مصالح

حسبوبات و ماکولات کمال و فورا دارد و مزج اجناس  
نسبب لهامی دیگر تنزل کلی دارد و رعایا و برابرا از ارز  
و فراوانی ولایت اسوده خاطر مدعا کونی ذات اقدس جلوان  
شاهنشاهی اشتغال دارند

ما بقی دولتین علیتین ایران و عثمانی مشهور در ای و ایلیای  
دولت علیکشت در این اوقات مقرب انخافان مشارالیه را  
مبصوبت زیر مقیمی در دربار دولت عثمانی بموجب فرمان  
مبارک منصوب و نامه جالیون با علیچقم سلطان عظیمشان  
حاکم عثمانی قلمی و انقاد و یکشوب جیه ترمه برسم خلعت در

در ضمن روزنامه فارس نوشته بودند که رشید خاوری  
ریزه که از خاک بعل می آید و باب دهن خود خانه می سازد و  
بسیار بد میخورد و سبزه سن آهن و بلور چینی و شیرینی و تنباکو که بسیار  
میخورد و دانه است و در آیام بهار مانند مورچه راه می رود  
در کر می رات بهم میرسد در جهرم و فورا دارد و در بسیار

و جرم مقرب انخافان مشارالیه رحمت و عنایت شده و  
کاشته او با سلامبول ارسال کشت و همچنین بادم مقرب انخافان  
مشارالیه که بهار انخلافه آمده بود یک قطعه بدل حشر

چاره برای او نیافته اند که این که حصیری از بزرگ درخت خرما  
بیاوند که سله می کنید این حصیر را که در زیر فرش می اندازند  
رشید از او نمی گذرد و هر چه در روی آن فرش باشد از زیر

چون عالیجاه مقرب انخافان نصر الله خان سر تپ فوج کلپا  
که با فوج در اصفهان است مراتب خدمتگذاری خود را  
در انتظام امر فوج مزبور و انجام خدمات دیوانی مشهور و ملحوظ  
خاطر افاضت جالیون شاهنشاهی و اولیای دولت علیکدشته

این جانور سلم می ماند اما حسن نام جهرمی دمدوی زمین جوار  
دریش بلندی داشته است بر روی خاک افتاده بوده تا فوج  
که بیدار شده بود در شبنم آله ریش او را خورده بود

مستوجب القات است لهذا در این اوقات یکشوب جیه ترمه  
کرمانی برسم خلعت با و جرم کشته

دیگر نوشته اند در عرض راه لار منبری است مشهور بچاه تلخ کار و انشرونی  
با سبب سردان منزل ساخته بودند آب انبار را به دور کشته و پر  
شده بود و آب آن منزل منحصر باب تلخ چاه شده بعبارت  
بسیار بد میکند در این اوقات عالیجاه علی قلی خان  
سرمنگ فرج خرقانی یکی از آن آب انبار را که بقدر کفایت

### سایر ولایات

فارس از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند  
امور آن ولایت احسن مراقبت نواب مستطاب شاهزاده  
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس فرین انتظام است و اسباب  
بارانهای خوب و بوق در اغلب صفحات فارس آمده است  
خوب کرده محصول و افز برداشت کردند بجهت عدل و تسایر

مترددین آب میدهند بنا و عمده فرستاده خالی کرده تعمیر نمودند  
و بجهت عابرین و مترددین از این معنی رفاه و آسویگی کلی حاصل  
دیگر نوشته اند که امور بنا در فارس در کمال انتظام است  
بنا در و سرحدات کمال مراقبت را در خدات بخوله بخود دادند

۱۹۸۴



اصفهان از فرایک در روزنامه اصفهان نوشته اند

امور ولایت از حسن مراقبت و رعیت داری نواب مستجاب

شاهزاده و الایبا حجت الدوله حکمران اصفهان فرین

و انقباط است و همه روزه از مطلع آفتاب الی غروب

با امور ولایتی و انجام خدمات دیوانی رسیدگی و وقت

کامل بینا و کسی قدرت حرکت خلاف هیچ وجه ندارد و اگر

احیانا سرت و شرارتی اتفاق بیفتد زود در مقام رفع

برمی آید و با امور نظام هم رسیدگی تمام بینا نیز چنانچه

توسیحی و سه باز متوقف دار سلطنت اصفهان را فرار داده

همه دوزخ در میدان نقش جهان اصفهان حاضر شده مشغول

مشق نظامی میباشند و از جانب صاحب منصبان کمال احترام

در مشق و انتظام امر آنها میشود و نواب معزی الیه خود نیز

بعضی اوقات تجبه تشویق بر مشق آنها میباشند

دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع اصفهان کمال انتظام

دارد و قراول مستحفظ در همه جا مشغول حفظ و حرابت میباشند

و عابرین و ستر و دین باسودگی و اطمینان عبور و مرور میکنند

و سواران و غلامان فشار که با مور بقراول و خانهای سمت

فارس و قراول خانهای سمت طهران مستد همگی حسب احکام

نواب شاهزاده کمال مراقبت و مواظبت را در حفظ و حراب

راهها دارند

و همچنین در نظم امور جبهه خانه مبارک نواب معزی وقت و رسیدگی

تمام دارند تمامی اصناف و صنعت کاران همه روزه مشغول

ساختن اسباب جبهه خانه و قورخانه و توپخانه میباشند و

از قبیل تفنگ و کلوله و فشنگ و بر متعلقات قورخانه در

خوبی ساخته و پرداخته موجود و مهیا میشود و جبهه خانه

برابرتنبر از سابق داند و در کار است

دیگر نوشته اند که چون از دربار معدلت مدار حکم شد

بود که نواب مستجاب حجت الدوله چادر در فالسقه

تجبه فوج قشقایی روانه فارس نمایند موافق دستور العمل

چادر در فالسقه بقدر لزوم برای آنها روانه نمودند و

در تدارک فوج با امور اصفهان نهایت دقت را نمودند

که از بابت ضروریات و سیورت و موجب نامتامی

باشند که در هنگام مأموریت آماده و مهیا و مستحضر

در کار آنها نباشد و نامتامی فوج فریدن و قراولخانه را نیز

قدغن نمودند که تمام نموده سان بدبند و همچنین محصل

بمجال اربعه روانه نمودند که از سابق و لاحق از فوج مجال

اربعه آنچه غایب و متوفی داشته باشد عوض از

گرفته و کمال نظم روانه و با همایون میباشند

دیگر نوشته اند که در باب وصول و ایصال مالیات

بده استند و بقایا موافق دستور العمل نواب شاهزاده

عالیجاه میرزا زکی وزیر همه روزه با اتفاق مستوفیان

و سررشته داران در دفتر نشسته به تجویز معاملات

مشغول و عالیجاه محمد حسن خان از جانب نواب مستجاب

محصل وصول آن از مؤدیان است و وصول مینمایند

که روانه دربار معدلت مدار همایون نمایند و چون

هنگام مشق زراعات میباشد نواب معزی الیه قراول

داده اند که با رعایا برقی و مدار اسلوک شود که هم

از کار زراعت باز نمانند و هم مالیات را بر مینمایند

ادانایند

۱۹۸۵

### خونسار و کلپایگان

از قراریکه در روزنامه خونسار و کلپایگان نوشته اند  
 معرفت انخاقان محمد ابراهیم خان در نظام امر ولایت و  
 آسودگی رعیت و انجام خدمات دیوانی مراقبت تمام  
 بعل می آورد و رعایا و رعین فراغت مشغول زراعت و عی  
 خود و عاکوئی ذات اقدس هائون شاهنشاهی باشند  
 بواسطه افت و شرف حسن خان حوری قریب سیصد نفر  
 از اولاد او شرافت و اوج جمع شده هرگز میکردند و دست  
 بملک و مال رعیت می نمودند و در اندک وقتی هم برادر  
 هر کدام که زیاده مصدر شرافت و ادب بودند است و  
 کامل نموده و سایرین را که خندان مقصر بودند بلکه باخوا  
 منفذین داخل آن جماعت شده بودند بصمانت چند نفر  
 معتبرین ولایت مخص شده در حضور علما و مجتهدین عظام  
 توبه کرده و التزام دادند که اگر بعد ازین مرتکب آسودگی  
 سیاست دیوان اعلی باشند و قریب پانصد خانوار از رعایا  
 انجا که از تعذبات اشترار زبوره ترک وطن خود گزیده  
 متفرق شده بودند حسب احکام اولیای دولت علیه آنها را از  
 بر و جرد و عربستان و عراق و محال اصفهان و جابلق  
 جمع آوری نموده و مایه و مدد معاش با نهاداد که مشغول  
 رعیتی باشند و حسن خان حوری که درین چند سال  
 این همه آسودگی ولایت رعیت شده بود چندی در کوهها  
 فریدن و در حوالی ختیساری مخفی و متواری بود چون دید که  
 عاقبت گرفتار خواهد شد و سیاست خواهد رسید چاره خود را  
 منحصر در آن دید که پناه بنواب مستطاب بنزاده و الالباب  
 حکمران بر و جرد و ختیساری و عربستان و لرستان ببرد خود را

بآنجا انداخته و بالفعل در اردوی نواب مغزی الیه است

### حمت

از قراریکه در روزنامه حمت نوشته اند امور آنولایت هر چه  
 انظام است و کمال از زانی و فزادانی در آنجا حاصل است  
 آنجا آسوده خاطر به عاکوئی ذات اقدس هائون شاهنشاهی  
 اشتغال دارند  
 دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان چراغعلی خان که تبحر و تخصص  
 شاهسون حمت رفته بود امور انجا را انظم کامل داده و بدست  
 قرار آن اطراف هم سرکشی کرده و دات خالصه را نیز انچه بدست  
 لازم داشته است داده و امور انجا را انظم داشته معاودت  
 نموده و اهل دات عموما نهایت رضامندی از حسن سلوک و رعیت  
 داری عالیجاه شاه رالیه داشته اند که در دات منازل رعین  
 راه بهیچ پنجابچی رکی قبول کرده است  
 دیگر نوشته اند که در مت و پنجم ماه ربیع الاولی که فرمان  
 دستخط مبارک در باب فتح هرات بافتخار مقرب انخاقان  
 شرف صد و ریافت بود با آنجا بر تو وصول انداخته اولاد مسجد  
 جامع جمیع اهلالی و اعیان و تجار و کسبه و رعایا جمع گشته و آن  
 مبارک را خطیب در بالای منبر خواند مضمون این فتح نامدار را  
 گوشه خاص عام نمود و جمیعا آغاز سرت و شادمانی کرده  
 بدعای ذات اقدس هائون شاهنشاهی صد بلند نمودند بعد  
 از آن اجرائی شلیک توپ کردید شصت و یک توپ شادمانی  
 انداخته شد و در شبانه روز بازارها و کاروانسراها را چرا  
 و این بندگی کرده بلوایم سردر و جشن و شادمانی پرداخته  
 و مقرب انخاقان مشارالیه یکتیم شیلان کشید جمیع  
 اعظم داعیان و اشرف تجار و کسبه را صیافت خوب نمود

۱۹۸۶

### اخبار دول خارجه

سابقاً نوشته شده بود که علیحضرت امپراطور فرانس با خود سخته بدیل هواماشه بارج که نزدیک سرحد رسیده رفته بود نزد موجب اخباری که درین روزها رسید در غرة ماه صفر پاریس پایتخت فرانسه حجت نموده

دیگر نوشته اند که درین اوقات که علیحضرت امپراطور فرانس از شهر بارج معاودت نمودند غنیمت کردند که راه آبن اسپانیول و فرانس را بهم متصل نمایند لکن از شهر بارج الی پایتخت پاریس با سختی و خطر راه رفتن بر تریب قومپانیه فرمایش کرده اند هنوز هم کسی درین قومپانیه نوشته شده است و جوه مصارف لازمه از جانب دولت حکم شده است اعطای قومپانیه معین شود که راه فرور بر سازند

دیگر نوشته اند که دولت انگلیس بقاقوننی در هندوستان از ملت مجوسی آنجا که مردمان رشید و جنگی هستند گرفته چون این ملت نشین در کشتی و عبور از روی آب را بخیل مذمب خود میداند در وقت نشین اسامی آنها در جنگ با دولت انگلیس قرار دادند که در سلک قشون دریا مشروط باینکه آنها را بچانی که باید از دریا عبور کرد آنها ننمایند چند وقت پیش ازین لازم آمد که آنها را بچانی که از دریا باید عبور داد بفرستند بکسسه آنها را بکنار دریا آوردند که کشتی سوار نمایند آنها شرط و قرار اول را بمیان آوردند از نشین کشتی آنها رو تماشای نمودند و درین حال کجا بنیاد و بنفایده بودن این قشون معلوم و بعد ازین دولت انگلیس قرار داده اند که اگر ازین ملت کسی بخواهد داخل قشون بشود

باید نشین در کشتی و سفر در بار قبول کرده نوشته او را بدید تا او را داخل قشون بکنند معلوم است این کیفیت مکرر یا بآمر قشون بچوس را که اغلب قشون هند از انماست موقوف نمایند

دیگر نوشته اند که چند وقت پیش ازین در لندن شخصی بدون اسباب باری و شعبه و تماشای خانه رفته از صاحب تماشای خانه خوش کرده بود که خلق را تماشای کاوش و شعبه ای او اعلام نماید صاحب تماشای خانه ادعای او را بدون اسباب باور نکرده بود و صاحب تماشای خانه مبلغی زیاد نذر بسته بود و کارهای خود شمرده بود که چیزی در دست میگرد که از آن هر صد بخواهد می آورد و بصنعت در میان پیشه کوچکی رفته دهان او را کشتند از هر مقامی از او آزار که طالب باشند با دم خواهد زد و گذشته از آن هر کس را از اینم و سال عمرش خبر میدهند که طالب تماشای

باید چهار ساعت از شب گذشته در آن تماشای خانه حاضر بشوند این دعویها را فرات داشت چند هزار کس بجهت تماشای در ساعت موعود آنجا حاضر شده بودند بعد از آنظار بسیار معلوم شد که این فقرات اصلی شده و صاحب تماشای خانه متمسک بحدی شده بود صاحب این صنعتها امتیاز خودش شده است جمعی از تماشاچیان مایوس شده بمنازل خود رفته بودند و جمعی دیگر اتفاق کرده بودند که مانع و بیم ما این تماشاخانه را خراب کنیم با بگو صاحب تماشای چند مقابل وجهی که از آن شجده باز برده بود بچرمه ادا کرد

در اوقات شش هفت ماه قبل ازین در یکی دنیا زلزله شدیدی بود و عین آن زلزله هم در آن روز در سمت چین در جزیره سیمو وقوع یافته بود و وقوع این دو زلزله بزرگ را در یک روز نوشته

بودند بعد از آن یکی از اصحاب بزاز درین باب تحقیقات کرد  
 و نوشته است که فاصد و قوع این دو زلزله با یکدیگر یکسره  
 ساعت و هفتاد دقیقه بوده است و مسافت این دو محل با  
 چهار هزار و نهصد و هفتاد است که عبارت از اینقدر  
 فرسج باشد و تقسیم کرده است سرعت سیر این زلزله را  
 که هر سیصد فرسج را در یک ساعت طی کرده است

### اعلانات

در روزنامه های سابق اشاری شده بود که عالیجاه میرزا  
 میرزا محمد حکیم باشی کل در علم حکمت و طبابت یک مجلد کتاب  
 تالیف نموده است با نواری ناصریه که آن یک مجلد مشتمل است  
 بر سه کتاب کتاب اول در فن تشریح است بر سبیل تفصیل که  
 مجموع اجزای بدن را از جزئی و کلی بخوانم شرح بیان کرده است  
 ضمن بجا و پیش لوحه تصویر کشیده است که هر لوحه یک مجسمه  
 دارد و در هر جز از اجزا تصویر خواهد آن جز را از اجزا بکار  
 از اجزا بصغارتی از فر و فنجی و علامه هندسی گذاشته شده  
 و بعد از تصویرات هنری نهاده که با آن اجزا کبار یا صغارا با همان  
 سابق بعینها اشاره و میکند و در تزیین این فن دو فقره نوشته  
 شده است فقره اول در کیفیت تشریح کردن است و موتی که بر یک  
 چگونه باید کشود اما اجزا بدین نوم شود در ضمن این ادوات و آلات تشریح کرد  
 نوشته شده فقره دوم در کیفیت محافظت کردن اموات که با  
 و دیور شلای شود و با همان حالت باید این کتاب تشریح بشود و توضیح  
 دارد کتاب دوم در طبیعت است که اعمال و اشغال هر یک از اعضا و  
 هر یک از قوی را ذکر میکند مثلاً منضم شده اند و در حدیچ خواست و مگون منجم  
 چنین در جمیع کیفیت است و خلقت خون است و امثال اینها و این کتاب  
 ثانی را اصول طبیعیه نامیده است که تالیف در سبب است که از ابتدا

کمون نظمه اش تا با خرق موت لازم است از تزیین صحت و معالجه صحت  
 در او ثبت و ضبط است آنچه زیاد یکم فواید است مطروح است و درین صحن  
 از فن تراجی و دوری و معالجه مسموم و مخوق همین شده است و این کتاب مستند است  
 سجا هر یک که داین با نواری ناصریه که عبارت از این کتاب است در یک مجلد است  
 الی الختم از کتب او در نقل و ترجمه شده است و معالجات این کتاب بسیار است  
 که خاص عام از او بهره مند خواهند و بکار عالی او می خواهد آمد و این کتاب را  
 انطباق یافته در کار و هنرهای دولتی در طاق ملا محمد حسین تاجر تبریزی فرودخته شد

هر نسخه دو تومان و پنجاه دینار  
 عالیجاه میرزا خان ذاکر لولاک مستادی که در فن علم مدرسه دارالعلوم و الکونین  
 خاصه کتاب تراجی که در ضمنه اسرار کمالی است تصنیف نموده است و این کتاب  
 هفتصد صفحه میشود در سال استماع این علم نمود تجربه است متعدد نیز در ضمن  
 کتاب عبارت سهل بیان نمود و کتابی درین علم با نیطو جامع هیچ وجود ندارد  
 چون علم تراجی علمی است که در عین با تمام رسیده است و فصل فین یونان در  
 و اعراب این علم را علم طبین تخصصی میگویند لهذا باید که سعی در اوضاع باشد  
 و بکار حبان علم و در اسب یکمال منفعت اینجند بدین کتاب تشریح که در سابق  
 همین مصنف بیان نمود مقدمه این علم خواهد بود بواسطه آنکه بدون اطلاع تراجی شرح  
 عدم البصر است بجهل که بر احوال و در تحلی خود با علیل بجا آید و درین کتاب  
 جمیع عملی صغیر و کبیر مفصلاً تشریح یافته و معلوم است که چون کتاب حکمتی است  
 مخصوصه دارد و صاحب سواد می تواند فهمید که اشیا صغیر که از این علم دانسته  
 و مقصود مصنف چون شرح دادن فصاحت و بلاغت بود و این مطالب فهمیدن  
 لهذا ما اگر عبارات سهل و روان و در میان نمود بواسطه آنکه زیادتی یک  
 در عبارت باعث تطویل کلام و فهمیدن آن میشود کتابت که در در اطباء  
 خاصه جدید متعلق به عالیجاه محمدتیراه ضایقینان ناظم دارالعلوم حلب است  
 دولت علیه طبع و با پیشو و عمیق است و الهی است تمام خواهد پذیرفت بعد  
 اتمام قیمت و سایر کیفیات آن نوشته درین روزنامه اعلان خواهد

۱۹۸۸

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه دوازدهم شهریور سال لوی ۱۲۷۳

منطبه دارالخلافه طهران

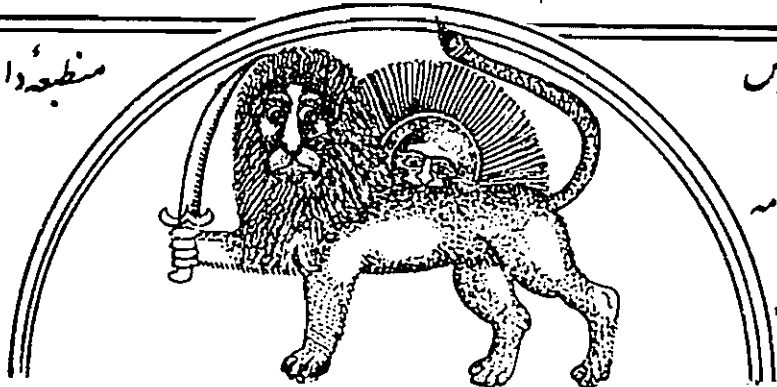
مه سیدوس

قیمت اعلانا

قیمت روزنامه

هر خطی هر

هر نسخه شهر



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

گردیدند که رفته کماکان در سرحدات خود با و موکب بودند  
 از آنجا بفرمان خود تپه حرکت فرموده تا حوالی عصر در آنجا  
 مشغول نگار و تقویم بودند بعد از صرف عصرانه در قصری که در  
 ساخته اند مبارک مبارک سلطانی معاودت فرمودند  
 از آنجا که غنائی که کماکان در حال عموم اعیان امامی دور نزدیک است  
 لهذا از سرداران فاعله که بخدمت این دولت جاوید علیهم السلام  
 بیعت در دو تخته ای جهان شاهی معروفند در اسطخانیان منظر  
 سپهر محرم سردار کهنه دل خان در این اوقات شرفیای خاک پای  
 شده کمال القات از جانب شاهی اجاب فرمود پس کماکان نشانی  
 در حق او بعل آمد و از سایر سرداران و رؤسای فاعله نیز  
 سراسر آن در عزم تقسیم استان ملایک پان را نموده اند چنانکه امروز  
 محمد صدیق خان پسر محمد خان برادر سعید محمد خان حاکم سابق مرا  
 با دو نفر امارت آنجا که جبار خان محمودان با او در ریون  
 نواب میرزا علی میرزا پسر نواب آقا حسن حاکم استانتا  
 ویرود بنصب سردار باجلا و بختیاری و فنی و کر و بر سر قرار شد  
 فرمان مبارک صادر و خلعت یون هم حجت شد

در این اوقات چون هوای دارالخلافه طهران با اینکه تپه  
 بزستان است کمال خوبی و اعتدال را دارد و افواج قاهره  
 همه روزه در میدان قاجار دروازه دولت مشغول مشق نظر  
 میشوند و بجهت اموضت بر اندازی افواج قرار شده است که روز  
 شبانه از هر فوجی یک دسته را فشنک کلوله دار از قورخانه  
 مبارک که میدان در بالای میدان اسب دو آلی ن گذشت  
 تیر اندازی نمایند در روز پنجشنبه گذشته اعلیحضرت اقدس بعلون  
 شاهنشاهی ایدالتبعیه سوار شد تماشا می شد افواج قاهره  
 کشتند اول ملاحظه مشق و حرکات آنها را فرمودند بعد از آن  
 نوکر فکچی طالش ساطع حد از نوبی غیره که احضار مبارک  
 شده بودند با کمال استکی صف کشید و بطرافتس  
 رسیدند جوانان خوب که آمد صاحب مضبان آنها را  
 طلا و سایرین با قطارهای نقره و نقره های آنها کلا با  
 نقره بسیار با شکوه و استکی تمام از نظر اقدس بعلون  
 شاهنشاهی گذشته موردین و القات شد حسب الامر محض

۱۹۸۹

در روزنامه های گذشته درود جناب سیر کبیر دولت علیه من الملک  
فرخ نال با لامبول نوشته شده بود بموجب اخباری که درین روزها  
بعض ادبای دولتیه رسید کیفیت عزیمت جناب سیر کبیر برای  
نامه مایون علیحضرت شاهای مخصوص علیحضرت سلطان  
اوام الله ایام جلالتها ازین قرار بوده است  
روزی که ششم شهر ربیع الاول که جناب امین الملک را باند کرده  
رسیده برای شکلاش بحضور علیحضرت سلطان دعوت کرده بودند  
پانزده رسی سلطان و دو روز پس بمخصوص خود علیحضرت سلطان  
بازین دیراق طلا ساعت در قرار پنج در سفارت سینه حاضر کرده  
نفر میرا خورشیدی هفت نفر دیگر در نزد اسبهای مذکوره بودند  
و نفر سیم از نایب قوا صبا شهبای با بجالی آمد ساعت در فر  
شش از سفارت سینه جناب سیر کبیر امین الملک یکی از اسبهای مخصوص  
سلطانی سوار شده خان وزیر مقیم سیر صاحب مضبان سفارت کبری  
هم سوار شدند ازین جمله که در روی دریا واقع است مژور کرده  
از سفارت سینه الی سیر علیحضرت سلطان بقدر نیم ساعت راه  
واشت همدین راه از وسط دکان و خانه و آبادانی بود  
راه بقدر میت جا و دانی نایب سکر و ضبطیه بود کلاً جناب سیر  
امین الملک صفی سلام میگرفتند کام رسیدن در با اول  
علیحضرت سلطان صاحب مضبان سفارت کبری هوای از جناب  
امین الملک خان وزیر مقیم از اسبها پائین آمده در پیروی جناب  
امین الملک راه میرفتند در در دوم جناب امین الملک هم از آن  
نزول کرده بقدر ده نفر سکر با لباس پاکیزه بسلام استاده سلام  
گرفتند کامل یک تشریفاتی در آنجا استقبال نمود همینکه از در  
دویم داخل شد عمارت خوبی بود مشرف بدیور بیرون عمارت  
یعنی در محوطه عمارت بقدر صد نفر سکر با لباس پاکیزه نظامی

پیش فک کرده سلام گرفتند حین داخل شدن عمارت مذکوره تو  
بیت نفر موریکانچی خاص سلطان با لباس سنج صف کشیده با  
موریکانهای نقره آلات که مخصوص سلطان است تقیما نظامی  
اورده بعد از دخول عمارت کامل یک تشریفاتی رسید یک ترحیم  
و عاصم یک که در دارالخلافه طهران با لباس رسمی پیش افتاده  
از پدگانها بالارفتند آنجا صفه بود بسیار بزرگ جناب فواد باشا  
ناظر امور خارجه در وسط صفه با لباس رسمی لازمه پذیرائی را  
و بالاتفاق داخل طاق بزرگی شد جناب امین الملک را در صد  
طاق نشاندگان وزیر مقیم هم در دست چپ جناب امین الملک  
بعاصد یک صندلی نشاندند در آنجا بقدر نیم ساعت اقامت کرده  
امین الملک با جناب ناظر امور خارجه صحبت و ستانده میکردند چوق و قوه  
اورده تمام چوقها و ظروف قوه مرصع بود جمیع اتباع سفارت  
در آنجا بودند همه آنها چوق و قوه دادند بعد از صرف قوه چوق  
تشریفاتی آمده بحضور علیحضرت سلطان دعوت کرد از آن عمارت  
الی موقعی که خود علیحضرت سلطان تشریف داشت ربیع عمت  
بود جناب ناظر امور خارجه درین وقت همسرا جناب امین الملک  
راه میرفتند خلاصه از آن عمارت که بیرون شدند داخل یک راه  
گردیدند در آنجا بقدر صد نفر سکر و نفر سربنگ با لباس سنج  
پاکیزه پیش فک کرده سلام گرفتند از آنجا که گذشتند یک در  
بزرگی بود از آن در داخل یک باغچه وسیعی شدند که در میان  
آن باغچه حوض بزرگی واقع و طرف شرقی باغچه دریا و طرف  
دیوار محلی بود که سرسره دیوار را با اینه موقعی ساخته و میان  
آن انواع قشام درخت میوه ترتیب داده بودند و حوض وسط  
اطراف باغچه مشتمل با انواع گل دریا حین بود در دم در با اول  
علیحضرت سلطان با پنج نفر اقران خود با لباس رسمی پذیرائی

۱۹۹۰

<p>بود در صدر آن یک فرس سبزی زیر پای اعلیحضرت  سپان فرس کرده بودند اعلیحضرت سلطان در روی آن  فرس سربا پیاده بودند نشان مرضعی استمال کرده و  یک لباسی از روی الب جوز پوشیده بودند که فرما نیکو  سردست وینچ آن مرصع و شیر مرصعی سینه بودند  این الملک اتباع سفارت کبری همه با البه رسیده و نظام  از وراق که داخل شدند بقاعده ایران لازم تعظیم را اجرا  داشتند و بعد چند قدمی که پیش رفتند و تعظیم نموده استاده  جمع اتباع سفارت هم آنها یک اهل نظام بودند نظامی  کردند و موافق قاعده و آداب صفت کشیده استاده و مذا  فیما بین اعلیحضرت سلطان و جناب این الملک بقدر چنان  بود ناظر امور خارجه در طرف است در نزد جناب این الملک  استاده خان وزیر مقیم هم بدو قدم فاصل از جناب  این الملک استاده بود و جناب این الملک بعد از حاضر شدن  در حضور اعلیحضرت سلطان و معروض داشتن تقریراتی  که بابت ابلاغ ماموریت خود را بان واسطه نماید نامه ها  اعلیحضرت شاهنشاهی را بلا واسطه خود با اعلیحضرت سلطان  ابلاغ نمود اعلیحضرت سلطان هم از آنجا نیک استاده بود  یعنی از روی همان فرس یک قدم پیش آمده نامه ها یون  با دست خود از جناب این الملک گرفت و در نزد یکی از  سلطان نیز بسیار خوبی گذاشته بودند نامه ها یون را  ناظر امور خارجه دادند و اشاره فرمودند بروی همان  میز گذاشتند اعلیحضرت سلطان از سلامتی ذات محبت صفات  سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی سؤال فرمودند جناب  این الملک عرض نمود در وقتی که کمال میل را با زیاد دوستی</p>	<p>بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قانند در آن  با نچه پدگان بزرگی از سنگ مرمر بود عدد آن پدگانها بقدر  پد بود از جانبین در گوشه هر یک یک نفر از اول خاص  که عبارت از بیت نفر با شاز باین تا با لاصف کشیده و بنا  کلی پوشیده و کلاه سرخ که نوظهور است و از نخل تزیین داده اند  بر سرشان گذاشته و هر یکی یک البقی در پیش روی آن کلاهها  زده و طبر زین در دست استاده سلام گرفتند از آنجا که داخل  شدند در دم در بباشن مابین چپ که شیک آتاسی باشی باشند  شان و لباس رسمی با چند نفر استقبال کرده با کمال ادب  بعد از اجرای تعظیم پیش جناب این الملک قانند از آنجا  بود بزرگ در دو طرف آن صفه از غلامهای خاص سلطانی  با لباس بود صفت کشیده و برشان کلاه سرخ گذاشته و بلقی  زده استاده بودند سلام گرفتند از آنجا که مرور کردند یک در  وسطی رسیدند که پردمای زنبوری آویزان کرده بودند در آنجا  بقدر نیم دقیقه همه شکستف برود آمدن اعلیحضرت سلطان تو  شد بعد از آنکه داخل شدند از اول در بپدگان بود  تا بالا علی التحین بقدر پنجاه پدگان بالا رفتند در نصف راه پدگان  از جانبین پدگان بود یعنی دو شش استاده موقعی بود صفت ما  دو قبه بزرگی آن صفت را پوشیده بود یعنی سقف آن صفت مثل  قبه از بلور سرخ بود و عکس آفتاب که بان قبه افتاده بود در همه  محوطه و هر چه در آنجا بود از الحاق و ایوان و اشیا و غیره کلاه  از عکس آن سرخ رنگ شده و چیز بسیار غریبی منظور میشدند  طرف صفت غلامها صفت کشیده سلام گرفتند از پدگانها که با  رواقی بود بسیار خوب از آن رواق اعلیحضرت سلطان باین  شد بعد از آنکه از رواق که ششده الحاق بزرگی صفت مانده</p>
--	--

۱۹۹۱

<p>در زیر مقیم و سایر صاحب منصبان سفارت خدا حافظ نمودند  باز اشیکاقاسی باشی و منشی اول و سایرین پیش افتاده تا  دم در باب آخری موقوفه عمارت آمدند از آنجا اشیکاقاسی با  تکریم کرده خدا حافظ نمود از پله کانهای مرمر پائین آمده در غایت  باز منشی اول بار نقاشی تا دم در باب آخر پیش افتادند و در  موقعی که در بالاده کور شد است عسکرها و سایر خدام ایستاده  میکرفتند در در باب دوم منشی اول و کامل بیک تشریفاتی با  تعییم نموده و خدا حافظ کرده و فتند جناب این الملک با خان  وزیر مقیم در در باب دوم سوار شده اتباع سفارت تا دم  در باب اولی در پهلوی جناب این الملک بودند در آنجا سوار  استه ساعت در قرانه دارد سفارتخانه مبارکه گردیدند</p>	<p>اعلیحضرت سلطانی دستند این بنده را نام فرمودند و بعد از  احوال جناب این الملک سوال فرمودند که آیا درین سفر جناب  ایلیچی خان خوش گذشته است یا خیر جناب این الملک  فرمودند که از شدت شوق زیارت اعلیحضرت سلطانی در  نهایت خوشحالی و انبساط طی مسافت نموده تا باین سعادت  جلیل شرفشده بعد از آنکه اعلیحضرت سلطان فرمودند که  نهایت امتنان و مسروریم تا از دیدن تو که گوی محبت اعلیحضرت  پادشاه ایران دارم جناب این الملک عرض نمودند که قدر  منزلت این بنده بواسطه درک شرفیابی حضور اعلیحضرت سلطان  بعد ازین در خدمت اعلیحضرت ولی نعمت خود هم شتر از سایر  خواهد شد اعلیحضرت سلطان بواسطه این بیان مطبوع خاطر  نسند بستی فرمودند و بعد از آنکه اعلیحضرت سلطان تبویط  جناب ناظر امور خارجه احوال خان وزیر مقیم را استفسار  فرمودند و خان وزیر مقیم هم اجرائی تعظیم را عمل آورد و بعد  معرض شدند بقدر بیت دقیقه مکالمه واقع گردید از اول  الی آخر اعلیحضرت سلطان سر پاستیاده بودند چنانچه  هم با کمال ادب تعظیم نموده باز با شش تا بن جی و منشی اول  و تشریفاتی و سایرین پیش جناب این الملک افتادند  از همان پله کانهای پائین آمدند بیک اطاق بسیار نظیف  گردند در دم در باب اطاق بقدر بیت نفر از طلاهای محبت  سلطانی با لباس کبود و کلاه سرخ و بالمقدار پستاده  گرفتند جناب این الملک ناظر امور خارجه و جمیع اتباع سفارت  داخل اطاق شده در آنجا هم بقدر پنج دقیقه اقامت کرد  شربت آوردند و صرفشده و بعد از آنکه برخاستند و برود  آن اطاق جناب ناظر امور خارجه با جناب این الملک و خان</p>
<p>مقرب انخاقان محمد یوسف خان سر قیپ حاکم یزد و عالیجناب  میرزا شفیع وزیر یزد که باذن و اجازت ادلیای دولت علییه  بقبول غتبه علیه غزمت کرده بودند در این اوقات وارد در باب  جها نذارها یون گردید جناب مستطاب شرف ارفع مجد  صدر اعظم مستعین برای ورود مقرب انخاقان مشارالیه از اول  و در استکان خودشان با استقبال فرستاده با نهایت احترام  دارو شد اول خدمت جناب شرف ارفع رسیده با نظایر  کمال عطوفت و مهربانی سه فرزند بعد از آن شرفیاب حضور  اقدس شاه یون شاهنشاهی گردیده لازم جهت ملوکانه در حق  مقرب انخاقان مشارالیه مبذول افتاد</p>	<p>در روزیکه مثال پیمثال حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه  ریب پیکرهایون اعلیحضرت شاهنشاهی خداوند ملکه سلطانه  محض التفات و محبت در حق امیر الامراء العظام مقرب انخاقان سردار  کلی عی کر قاهره کیثوب بطیجه زرمه استرخر که از لباسهای مخصوص  تن</p>
<p>مقرب انخاقان مشارالیه مبذول افتاد</p>	<p>مقرب انخاقان مشارالیه مبذول افتاد</p>

۱۹۹۲



مبارک بود به معنی المیه جمعت و عنایت فرمودند  
 چون مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله هموار اوقات  
 بحسن خدمتداری و کفایت و کاروانی خاطر اقدس مایون  
 شاهنشاهی و امنای دولت علیه را از خود خرسند دار خصوصاً  
 در شیلان جشن ثن مبارک مثال بمثال حضرت مولای  
 مومنان سلام الله و صلواته علیه که از جانب جناب شرفیه  
 ارفع با و رجوع شده بود از عهده مجالس ضیافت خوبه  
 لهذا مورد عنایت جدید آمده با عطای یک اصله چوب  
 سر مرصع که از لوازم شغل حاجب الدوله و لکی او بود درین افتخار  
 مباحات آمد

چون عالیجاه تبحر این العظام مقرب الخاقان محمد ابراهیم  
 سرپن افواج فریدن و سه دی همیشه در خدمات محوله بخود  
 مساعی مشکوره مرعی داشته بطورشایسته از عهده خدمات و  
 جان نثاری برآمده بود و افواج ابواجبهی خود را در کمال شکر  
 و نظم و آراستگی نگاه داشته بود خدمات او بوجه حسن در  
 مایون عالی حضرت شاهنشاهی مقبول و مستحسن افتاده فوج چنگار  
 اصفهان را نیز علاوه بر افواجی که داشت با و ابواجب فرمودند  
 که افواج ثلثه اصفهان سپرده با و بوده در کمال شکر و آرا  
 نگا به اردو فرمان مایون هم درین باب شرف صدور یافت  
 عالیجاه میرزا مهدی قلی نظام که بکمال استقامت و شرف  
 مراتب استعداد و شایستگی و مشهور و مرموز خاطر اقدس مایون  
 شاهنشاهی و اولیای دولت علیه گردیده در این اوقات از فرمان  
 مهملعان مبارک منصب حلیل نشاء اول عساکر قاهره  
 خطاب مستطاب خانی سرفراز گردید

عالیجاه مقرب الخاقان آقا جانخان سرپن فوج بهادران  
 چون در مایون عربستان و محسره خوب خدمت کرده  
 و نواب مستطاب حبش ام الدوله حکمران عربستان و لرستان  
 و بختیاری و بروجرد اظهار رضامندی از حسن خدمات  
 مدبرانه مایون نموده بودند محض مرحمت ملوکانه مک قصه  
 شمشیر تمام براق طلا با فرمان مهملعان سرفراز گردید  
 و همچنین عالیجاه مقرب الخاقان محمد ادهان سرپن فوج  
 نیز در مایون آن صفتی از عهده انجام خدمات محوله  
 سجد خوب برآمده و نواب شاهزاده ام الدوله را از حسن  
 خود راضی و خرسند داشته بود لهذا از جانب  
 ملوکانه بکثرت جنبه کرمانی اعلی برسم خلعت با و مر  
 کردید

چون عالیجاه مقرب الخاقان محمد علیخان حاکم کنکاد در نظم  
 ولایت و انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک بازو و متدربین  
 مراتب اتهامات خود را مشهود خاطر اولیای دولت قاهره  
 بود لهذا درین اوقات نفوذ فرمان مبارک با افتخار شرف  
 صد و یازده کیلومتره تر از خواجه خاص برسم خلعت در حق او  
 عالیجاه علی قاسی سرمنک خارج از فوج و نایب اجدان باشی چون  
 در کمال صداقت و تمام مشغول خدمت بود فوج کمره را از فرمان  
 فرمان مبارک سپرده او فرمودند و حسب الامر مقرر  
 شد که معجلاً برمان رفت مشغول سرپرستی فوج مریوز  
 که مامور انجاست بشود

### سایر ولایات

۱۹۹۳

### اصفهان

### بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند فوج چهارم که نامور فارس بودند وارد اصفهان شدند و نواب سبط شاهزاده و الابا حجت الدوله حکمران اصفهان ملاحظه آراستگی آنها را نموده مورد تحسین شدند و بعد از دو روز

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند در یوم دهم شهر ربیع الاول فرستاده عالیجاه مقرب المحض صاحب اختیار میرزا ربیع مستوفی خدمت نواب سبط شاهزاده و الابا سار خان میرزا حکمران بروجرد و عربستان و لرستان و ختیار

در اصفهان روانه فارس گردیدند

دیگر نوشته اند که قنات قرینه کو شک من اعمال بلوک مابین از جنبه قرار معظّم است و چند سال بود که نواب بی آب و باغ خسرت دیوان و پریشانی رعایا گردیده بود عالیجاه مقرب المحض میرزا کی پیشکار اصفهان حب احکم نواب شاهزاده

وارد و مشرفه فتح بهرات را رسانده بود نواب معنی الیه اولاً و کیطابقه شال کشمیری ببردگانی بگردن فرستاده منور بود است و کیطابقه شال کشمیری بسیار ممتاز هم برای عالیجاه میرزا ربیع که چهار روزه شده این فسخ و پذیرا رسانده بود در استاز فرمودند تا در بیت و دویم ماه منور که فرمانهای ایشان

از شهر صفر سنه ما ضیه تا او اخر شهر ربیع الاول بده بسته معنی های صاحب و قوف بکار انداخته اغلب روزها روزی سشت هفتاد خرج کار میکرد زیرا که طول عرض قنات منور زیاد از سایر قنات آنجا است و فاصله هر جای بجاه دیگر

در باب فسخ بهرات با فتح نواب معنی الیه شرف صد و ریاقه بود در خرم آباد فیلی بر تو و وصول انداخته نواب معنی الیه تا سه روز سلام جشن و شادمانی منعقد نموده و در هر سه روز اجرایی توپ نموده و نقاره خانه شادمانه نواختند و جمیع دلایات

از یکصد و پنجاه ذبح میشد است و در چند جا فیش بسیار صد و بیست است که بابت از کلک سنگ تراش شده شده آب جاری شود تا کون بقدری آب جاری گردید که چهل خروار بزرگ کاشته شد و بازم معنی و عمل کماکان

ابو اجمعی خود اخبار نمودند که سه روز نقاره شادمانه نوازند و شلیک توپ نمایند در همه تو لایات حسب الام معمول است بلوازم جشن و شادمانی پرودا نختند خاصه در محله که سه روز بلوازم اقدام نموده بقاعده عراب که در مقام عیش از بهر خانه بیدقتی بالا

در کارند که ناما می آنجا را تمام نمایند و کمان دارند که بعد از تمام تقیه آن آب زیاد جاری بشود و این معنی زیاد عیش امیدواری و دعا کونی رعایای آنجا گردیده شاکر و دعا دولت جاویدت علیّه بینند

می کنند تا سه روز از بهر خانه بیدقتی بلند کردند و نواب اکبر میرزا نایب الحکومه بروجرد نیز حسب احکم نواب ام الدوله شاهزاده شهر بروجرد را چراغان و این بند می نموده و فرمان معراج مبارک را در مساجد که محل اجتماع جمیع فضلا و متعین و عیون

دیگر نوشته اند که دوز نعمت در آن ولایت حاصل است و سجد الله از هر کونه اجناس و ماکولات کمال و خور و ارزانی را دارد

امالی آنجا بود در مساجد خوانده مضمون این فسخ نمایان را گو صغیر و کبیر و برنا و پیر نموده همگی زبان بدعای از دیاد سو دولت قوی شوکت کشوند و هم چنین نواب جلال الدین میرزا پانا

۱۹۹۴

۷

لرستان در خاده که محل اردوی او بود بسلامت شکر  
توپ نمود و تمامی ایلات و طوایف شریفین و خادوشین از  
سلسله و لغان امر شد که شبها در کوه و صحرا آتش افروخته  
بر اسم شادمانی اقدام نمودند و قسم چنین عالیجا عبداللہ  
نا یختب تازی و جاپلق حسب حکم مہر اسم عیش و شادمانی برد  
تمامی ایلات بختیاری و دماق جاپلق لازمہ سرت و خرم  
بعل آوردند

قبض پا بہر دریافت کرد و ما بقی را ہم نبوت کہ حاضر  
میشوندتخواہ آنها را بہان قرار بدست ہر یک ہر یک داد  
قبض میگیرد و چند روز دیگر موجب سوارہ کتلا پر دختہ  
میشود بعد از آن بخانواری سبزی خواہد برد

### فارس

دیگر نوشته اند کہ فوج کراری کہ مامور عربستان بودند بعد از  
ورود بہ ششم آباد نواب ہزارہ ششم الدولہ سہ روز آنجا  
نگاہ داشتہ سیورت عرض راہ آنها را تا دزفول حمل نمودند  
چا در مارا کہ در بر و جردہ کام کردہ بودند کتلا را تحویل فوج  
کردہ آنها را روانہ عربستان نمودند و سہ روزی کہ در  
بودند کمال نوارش با نہا شدہ خود نواب معزی الیمین  
فوج مزبور رفتہ صاحب منصبان و اہل و افراد آنها را مود  
الصفات نمودند و قورخان مضبوط از ہر نوع اسباب بعد  
سید با بچکل قاطران کتایہای شستری دجہ کرایہ نقد  
مصحوب فوج مزبور روانہ نمودند و مقرر شد کہ متعاقب  
ہم پی در پی قورخانہ روانہ شود

از قرار کہ در روزنامہ فارس نوشتہ اند مقرب انخاقان  
مصطفی قلی بی میر بیچہ بنا در چچلا و بندر کند معظم  
و از آنجا بہ شکر رفتہ قرار امور ات انجا را ہم دادہ حرکت  
کردہ در بیت و در تیم ماہ صفردار دلوک رکنا باد شد  
در آنجا توقف دارد

عالیجا جعفر قلیخان سرمنک تو سچانہ نیز کہ با تو سچانہ و قورخانہ  
ورکلا دار بود مقرب انخاقان مصطفی قلی بی میر بیچہ بعد از ورود  
ببلوک رکنا باد عالیجا مشارالہ را ہم با افواج قورخانہ  
و فدوی احضار کردہ بود کہ بلوک رکنا باد رفتہ در آنجا  
متوقف باشند

دیگر نوشته اند کہ امالی لار بواسطہ ماموریت کہ منصورہ بان  
صفحات تو ہم بخود راہ دادہ جز منہای خود را کو بییدہ و غلہ  
انبار کردہ شہرت دادہ بود کہ امسال غلہ در لارستان  
کم با است بعد از آنکہ بعد رسہ ہزار جزوار غلہ تہمتہ سوار  
قتون محل نقل لارستان شدہ و تحویل کردید نرخ غلہ  
در آنولایت تزل کلی ہم رساند و امالی لار ازین عمل بہنہان  
کردن غلہ بسیار ناموشیمان کردیدند و معلوم شد کہ  
ثلث غلہ انباری دیوانی آنجا درین سہ ہفت ہفت ہفت

### کردستان

از قرار کہ در روزنامہ کردستان نوشتہ اند کمال  
انگشت

حمت  
از قرار کہ در روزنامہ حمت نوشتہ اند سابقا از انہای دود  
علتہ حکم شدہ بود کہ مقرب انخاقان چراعلی خان حاکم حمت  
موجب سوار و خانواری سر با چمتہ را با نہا عاید سازد  
مقرب انخاقان مشارالہ از بیت ششم ماہ ربیع الاول  
شروع بدادن تخواہ سوارہ مزبورہ نمودہ یکدستہ را کتلا  
شدہ بودند تخواہ آنها را نفرین بدست خود با نہا تسلیم نمود

۱۹۹۵

و انظام در آن ولایت حاصل است و رعایا آسوده چنانچه  
 بدعا کونی ذات اقدس تالیون شاهنشاهی اشتغال دارند  
 و مقرب الخاقان و الی در انجام خدمات دیوانی و حصول  
 موجبات آسودگی رعیت کمال مراقبت و اهتمام را بعمل می  
 آورند  
 از فراری که در روزنامه جو از و نوشته اند در ایام محرم شخصی  
 خود بصحرای رفته بی پای درخت بازو رسیده بود و وزن  
 اصرار بسیار بسو بر خود کرده بود که در پای درخت قدرتی  
 گفت نماید تا او بالای درخت رفته بازو بچسبند شوهرش  
 شده وزن بالای درخت رفته بود ناگهان ماری آن صغیر  
 در بالای درخت کزیده بود بطوریکه فوراً اجزایش متلا  
 شده از درخت فرو ریخته بود شوهرش از شدت خوف  
 دوایمه رو بفرار گذاشته بجا از و آمده مردم را خبر کرده  
 جمعی با او پیای آن درخت رفته هر قدر تفحص کرده بودند  
 ماری نیافته بودند

والی که بجهت اخذ مالیات دیوانی یکی از ذات حوال و خوش  
 قصبه بسندج رفته بود در آنجا بیک شخصی که موسوم بقلعه ریش  
 و سابقاً از فراری که مذکور کردید از قطع المظالمهای مشهور بود  
 آن فرانس را زخم زده و جواب گفته بود مقرب الخاقان  
 بعد از استحضار یک نفر نوکر خود را با چند نفر مر بار ما مگر  
 رفته نام و پرسش کرد که آنها را گرفته بیاورند رفته نام با سپه  
 خود فرار کرده و رقیبه دیگر پناه بسپه علی بیک کله میروند در خانه  
 او نشسته تا مأمورین رفته بودند آنها را بگیرند صاحب خانه گفت  
 برخواست طرین نزاع وزد و خورد کرده و برین و عوانسپه علی  
 مقتول گردیده و در قلعه را با سپهش گرفته بسندج آوردند  
 و الان هر دو نفر مجوس هستند

### کرمان

از فراری که در روزنامه کرمان نوشته اند امور انولات حسن  
 مراقبت و رعیت داری امیر الامراء العظام سپه دار و رعیت  
 و عموم رعایا و برابانهای اهلینان و آسودگی مشغول کارند  
 و رعیتی خود و دعا کونی ذات اقدس تالیون شاهنشاهی  
 و امور طرق و شوارع و دونه جات مضبوط و در همه جا  
 مستحفظ مشغول حفظ و حرارت است و زوار و قوافل با کمال  
 خاطر جمعی عبور و مرور میکنند چنانچه در این اوقات زوار  
 عربان و قافلله خراسان و فارس و یزد وارد شده و  
 شکرانه و رضامندی از انیت را بهما داشته اند و قافلله  
 امتعه خود را بمصرف رسانده متاع کرمان خریداری نموده  
 روانه محال خود گردیدند  
 همچنین امورشهر و محلات در کمال انظام است و داروغه و کدخدایان  
 مشورت نظم شهرند و از احدی خلاف بسبب چه ناشی و صادر  
 نشود  
 دیگر نوشته اند که در این اوقات یک نفر از فراریان مقرب  
 دیدند

و امور انولات حسن  
 مراقبت و رعیت داری امیر الامراء العظام سپه دار و رعیت  
 و عموم رعایا و برابانهای اهلینان و آسودگی مشغول کارند  
 و رعیتی خود و دعا کونی ذات اقدس تالیون شاهنشاهی  
 و امور طرق و شوارع و دونه جات مضبوط و در همه جا  
 مستحفظ مشغول حفظ و حرارت است و زوار و قوافل با کمال  
 خاطر جمعی عبور و مرور میکنند چنانچه در این اوقات زوار  
 عربان و قافلله خراسان و فارس و یزد وارد شده و  
 شکرانه و رضامندی از انیت را بهما داشته اند و قافلله  
 امتعه خود را بمصرف رسانده متاع کرمان خریداری نموده  
 روانه محال خود گردیدند  
 همچنین امورشهر و محلات در کمال انظام است و داروغه و کدخدایان  
 مشورت نظم شهرند و از احدی خلاف بسبب چه ناشی و صادر  
 نشود

۱۹۹۶

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه نهم ماه ربیع الثانی مطابق سال لوی سیل ۱۲۷۳

نمره سجد و هفت

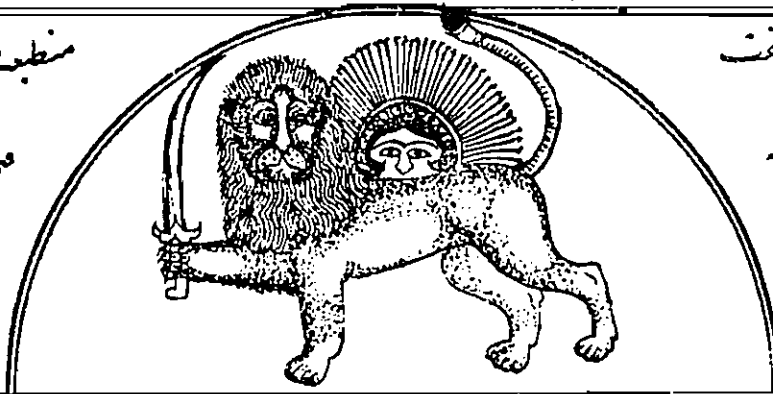
منطبه دار انجلا و طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دوشیز

هر سطر پانزده



اخبار دایله مالک محروسه پادشاهی

دار انجلا و طهران

نتیجه الامراء العظام سردار سلطان علی خان مظفرالدوله  
که از قندهار بجز عمربه بوسی غزیت در مارگردون  
گرفته بود با اتفاق جناب حاجی ملا عبد الله که از فحول علمای  
افغانستان است وارد شده و ورود آنها در روزنامه  
سابقی نوشته شده بود در این روز ما شرف اندوز  
حضور همایون اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد الله  
ملکه و سلطانان شده و مورد مرحمت ملوکانه گردیدند و  
جناب جلالت آب اشرف اجدار فرخ چشم صدراعظم  
رسیده از جانب جناب معظّم الیه کمال تققد و مهر با  
درباره ایشان بعل آمد  
افواج ملکه اصفهان که ابو الحسین مقرب انجاقان محمد  
سرتیپ است مقرب انجاقان مشارالیه حسب الامر  
همایون با افواج خود ما مور فارس گردید و موازی  
کلیه طبوس تن مبارک از جانب سنی احوال است  
همایون شاهنشاهی برای مزید مغفرت و امیداری در

دو نفر سید که پدر و پسر بوده اند از دار انجلا و طهران  
پاره افتد بزاری خریدند روانه حران شده بودند  
دو نفر از اشرا و مسرا آنها شده در بین فرصت  
پدر و پسر هر دو را کشته اموال آنها را برداشته و  
بودند در ترشیز عالیجا مقرب المحضرت العلیه  
قاجار که حاکم آنجا است آنها را گرفته محبوس کرده  
اموال مقولین را با التام از آنها گرفته کیفیت را با  
دولت علیه معروض داشته بود حکم جهانبلاغ  
اقدس همایون شاهنشاهی صادر شد که قائلین را  
برده در مشهد مقدس موافق حکم الهی که ولکم فی نقصان  
حیات بسیار برسانند و اموال مقولین را در  
ارض اقدس مقرب انجاقان عضد الملک متولی  
باشی سرکار قبض آنها را بسیار ندمان داشته آنها که پیدا  
شد مقرب انجاقان مشارالیه اموال مزبوره را بوجه  
مقولین رد نماید

۱۹۹۷

بعد از رفتن عالیجاه موسیو استیونس قونسول دولت انگلیس  
 دور و جناب موسیو قونسول ژرژ فرزند دولت بهیسه فرانس  
 بدر باریند ولت سلیه و اطلاع و استحضار اینکه رعایای  
 دولت انگلیس و عیالت سفارت دولت بهیسه زوره سپرده  
 دولت فرانسه است و ایلی ایند دولت اسمی رعایای دول  
 انگلیس را اینجانب ژرژ فرزند دولت فرانسه مطالبه نمودند که با  
 و رسم بشناسند و سفارش بلنج نمایند که مراقبت کامله  
 و امانت و آسودگی آنها مدام که خلاف قاعده از آنها ناشی  
 نشود بعمل آورند عجب اینکه دوسه نفر هندوستانی و غیره که  
 رعیت مخصوص دولت انگلیس هستند و در دارالخلافه طهران  
 میباشند در میان سیاهه نوشته شده بود اما چند نفر  
 اشخاصیکه از اهل ایران هستند و بعضی اسم نوکر موب  
 ایند دولت بیجا و برخی هم میزند داشته و ندارند و خلاف  
 شأن و احترام خود میدانند این سناد را با ایشان داده  
 که عالیجاه قونسول شایسته اسمی آنها را همان سیاهه  
 باشد در جزو سیاهه نوشته شده بود از جمله نواب مستطاب  
 شاهزاده فرهاد میرزا است که اسم او را هم قونسول شایسته  
 در جمع تبعه انگلیس داخل سیاهه کرده بود بحضرت اینک نواب  
 از اینرابت مطلع شدند بدون اینکه با ولای دولت علییه  
 خبر بدیند کاغذی اینجانب ژرژ فرزند دولت بهیسه برسد میل و  
 خودشان بجات دولت انگلیس در سفارت فرانسه نوشته  
 با آدم خودشان فرستادند و جناب ژرژ فرزند دولت  
 کاغذ ایشان را مشعر بر خارج کردن اسم نواب معزنی الیه  
 از سیاهه رعایای انگلیس و حاجت سفارت فرانسه که بجا  
 سفارت انگلیس نوشته فرستادند نواب معظم الیه با ولای

دولت علییه واقع را آنچه زور انظار نموده کاغذ جناب ژرژ فر  
 فرانس را برابر و خوشش نمودند که در دفتر خانه وزارت امور خارجه  
 ضبط و ثبت باشد که من بعد هیچ وجه من الوجوه ازین مقوله ذکر  
 نشود لهذا مضامین سوال و جواب نواب معزنی الیه و جناب  
 دفتر لفظا بلفظ درین روزنامه نگاشته میشود و آن این است  
 سواد کاغذ نواب فرهاد میرزا اینجانب ژرژ فرزند  
 جناب ژرژ فرزند دولت مجد مذکور شد که آن جناب درین  
 اشخاصی که اسمی آنها را با ولای دولت ایران معلوم داشته  
 که در حاجت تبعه انگلیس هستند اسم اینجانب را هم نوشته اند  
 و اینجانب حجت فرایند که من در حاجت هیچ دولتی نیستم و  
 و چاکرا علیحضرت شاهانه هجماه روحنا فداه مستم و مولی  
 ولی نعمتی بخیر وجود مسودها یون روحی فداه ندارم لهذا  
 میدهم که اینجانب ازین فقره اطلاع بهم رسانیده و اگر صلاح  
 بدانند مراتب را اینجانب جلالت آباء وزیر مختار دولت انگلیس  
 مرئی و امجده اعلام دارند تحیرانی یوم است با شهر ریج نشانی  
 سواد جناب ژرژ فرزند نواب فرهاد میرزا  
 خدمت سرکار شوکت مدار نواب مستطاب و الاعراض میشود  
 از فراریکه مرقوم فرموده بودند که اسم شریف نواب والا بنو  
 سیاهه که از جناب عالیجاه بلند جایگاه دوست مکرم مهربان  
 استیونس قونسول دولت بهیسه انگلیس در دست مخلص بود  
 اشتباه با اسمی اشخاصیکه تبعه دولت بهیسه انگلیس نوشته شده  
 مرقوم گردیده است و نواب والا حاجت هیچ دولت و پادشاه  
 مایل نیستند و قبول نمیفرمایند مگر چاکری و بندگی سرکار علیحضرت  
 اقدس شهبازی را و نیز فرمایش رفته بود که مراتب اینجانب  
 جلالت لصاب مشفق مکرم مهربان موسیو موزه وزیر مختار دولت

۱۹۹۸

۳

بهیته انگلیس اظهار نماید حسب الفرائض سرکار نواب و الا  
 و رزیده حمایت را از نواب والا برشته اسم شریفان را  
 از جریده اشخاص مرقومه نمود چون لازم بود عرض شد  
 فی شب دوشنبه ۱۰ شهر ربیع الثانی ۱۲۷۳

عالیجاه میرزا ششم خان لوزی که در شمار سخاوتها ایستاد  
 و جناب ستموره وزیر مختار دولت مزبور من غیر حق در سر  
 سنوال وجوابها با اولیای دولت علیه کرد و سختیها نمود  
 ایکنه با مال ترک مرادده با اولیای این دولت نموده سفارت  
 انگلیس از خاک ایران سجاک دولت عثمانی نقل نمود بعد از ترک  
 مرادده و رفتن از ایران اورا کماکان در سفارتخانه انگلیس  
 بست عالیجاه ستمونس قونسول دولت مزبور سپرد  
 کمال مراقبت داشت که مبادا خان مشا را لیه رو به دولت خود  
 بیار و وقتی که قونسول مشا را لیه مراده غمیت بیرون  
 رفتن از خاک ایران را نمود چون از قرار دستور العمل دولت  
 متبوعه خودش رعایای مخصوصه دولت خودش را میبایست  
 سجات سفارت دولت فرانسه بگذارد و سفارت فرانسه  
 از دربار این دولت علیه غیبت کرده بود میرزا ششم خان  
 بی دلیل حسابی تبعه دولت خود فرض نموده موقتاً آمدن  
 شازده فرد دولت فرانسه سفارت دولت عثمانی فرستاد  
 و غافل از اینکه شخص لوزی که خانه زاده نوکر دولت علیه ایران  
 بوده است محض اینکه چند وقتی بخیمالات دور و دراز باطن خود  
 حرکت نماید و سفارتخانه انگلیس برود و اولیای این دولت  
 دوستی دولتم ایران و انگلیس و احترام سفارت انگلیس متعرض  
 او نشوند تبعه انگلیس محسوب نخواهد شد و فوق قوه و قدرت و عظمت

نظم و اخذ دولت ایران خواهد بود که ابداً نتوانند او امثال  
 او را تبعیت دولت خارج بشناسند پس از آنکه خارج وقت  
 شازده فرد دولت بهیته فرانسه وار و دربار دولت علیه  
 جناب شازده فرد دولت علیه عثمانی میرزا ششم خان و البقا  
 دولت فرانسه تسلیم کرد و میرزا ششم خان دید که دیگر هیچکی  
 ندارد که او را اعوان نماید پوشش برآید مطلقاً سکوک و رقبا  
 خود کرد دید بر گذشته با افسوس حوزده اصلاح امور خود را  
 منحصر باین دید که دست ضراعت بدامن عنایت و رحمت  
 اولیای دولت علیه بزند بموجب نوشته و اظهارات شفا  
 مکرره سجاک شازده فرد فرانسه اشعار نمود که من کمال اطمینان  
 جان و مال و احترام خود بر اسم اولیای دولت خود میسپارم  
 احتیاج سجات دولت انگلیس و حمایت سفارت فرانسه  
 که الان بجای حمایت انگلیس است مدارم و بسرنوگری و بر  
 خودم میروم و در پناه ولی نعمت خود خواهم بود و راضی  
 نیستم که حالا و مالاً سفارت انگلیس و سفارت فرانسه بکنند  
 حرف درآمده من بزند جناب شازده فرد فرانسه مراتب  
 اعتقاد و اظهارات میرزا ششم خان را در ضمن مراسله  
 رسمیه با اولیای این دولت اظهار داشته خارج کردن  
 از تحت حمایت سفارت فرانسه که بجای حمایت سفارت  
 انگلیس بود اعلام نمود و میرزا ششم خان خودش بی تو  
 احدی از خارج با اتفاق عالیجاه مقرب حضرت العلیه میرزا  
 شرفیاب خدمت اولیای دولت علیه کرده عفو و انعام  
 نوکاز مشایخ حال او کرده بدین بدل رحمت و عنایت عظمی  
 حلف سرفراز کرده در کمال امیدواری و اطمینان خاطر  
 بسرنوگری خود شش برقرار گردید و اولیای دولت علیه ایران

۱۹۹۹

تفصیل ذیل عنایت و رحمت و بصحابت عالیجا حسینخان

متفکرند که حال که مستند میرزا ششم خان از میان دو تن ایران

بمترین بهرات

و انگلیس تفسیر شد و موضوع کیفیت ترک مراد و سفارت دولت

صاحب مستطاب نظام و غیره

انگلیس برشته شد چنانکه اولیای دولت علیه ایران کمال سب را

لواء مستطاب حاکم سلطنته معین افغان قولم الدوله

بعود مراد و معاهدت سفارت انگلیس در بار آمد دولت علیه

و انچه مرصع مرصع مرصع مرصع مرصع مرصع مرصع مرصع

وارند آباد دولت انگلیس همای با میل و مقصود دولت ایران خواه

معتبر انانالی سمانی ایلی

و یا اینکه نفره میرزا ششم خان سبب اجرائی مقصود دیگر بوده است که

لقب سید الدوله چه ترمه ریخته

دولت ایران از آن استحضار ندارد این مسئله که مرفوع شده

بسمه کبریا که در معنی آن اول میرزا

در روزنامه سابق قلمی کردید که عالیجا مقرب المحضه العلیه

معتبر انانالی غصه انده سمول بر

و عالیجا امیر حسین خان برادر مقرب انخان سجع الدوله

علاء ان خان سربچه

سامخان الیخانی و عالیجا محمد خان داماد مقرب انخان

چه کرمانه

عیسی خان وزیر بهرات بعد از فتح قلعه مزبوره شرفیاب در بار

علاء محمد خان سربچه

جهاندار عالیون اعلی شد تفصیل و حکمی فتح بهرات و غلبه

چه کرمانه

عکس گرفت اما اثر کارها بود معروض رای اولیای دولت

علاء عبدالعزیز خان سربچه

در روز دوشنبه شانزدهم ماه از رکاب ظفر انساب رخصت

چه کرمانه

الظرف یافته معاهدت نمودند و بدین موجب در حق مشارالیه

علاء یوسف خان سربچه

عالیجا حسینخان

چه کرمانه

عالیجا امیر حسینخان

علاء جعفر خان سربچه

چه ترمه کرمانه

چه کرمانه

العام رحمت کردید و در حق سرگردگان اردوی بهرات و اما

علاء عباس خان سربچه

بهرات از سادات و علما و اعیان نیز از جانب سنی احوال

چه کرمانه

اقدس بیایون شاهنشاهی خلعت و انعام و غیره بفرمود





### سایر ولایات

دو زبان اسیان از قراریکه در روزنامه از زبان اسیان نوشته  
کمال انیت و انتظام در آن ولایت حاصل و عموم ملی و رعایا  
آسوده خاطر بدعا کوفی ذات قدس علویون شاهنشاهی  
اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه ربیع الاول که روز  
مولود مسعود جناب خاتم الانبیا صلی الله علیه و آله بود نواب  
شاهزاده والایان حضرت الدوله نایب الایالت مملکت آذربایجان  
و معتقد در بار سپهر ام مقرب الخاقان قایم مقام بقرار محمول

مراسم این عید سجد را بتقدیم رسانید سلام عام الخفایا  
شلیک توپ بعل آمد و هم در آن روز مبارک فرمان مطای  
هایون که مشتمل بر فتح قلعه هرات و استیصال یاغیان دولت  
جاوید نیاید و مظفر شدن عساکر منصور بود شرف وصول

ارزانی داشت الهی آذربایجان که از دل و جان فدوی  
دولت ابدش کنند و پیوسته از دیاد شوکت اهلحضرت  
شاهنشاهی خلد الله مکه و سلطانه را از خدای عالمیان خواهند

ازین خبر بهجت آنکه و پس بر کمال اقبال بخت بلند پادشاه  
سجد یک مزیدی بران مصورت فرس فرح و سرور و خود  
موفور گردیدند و دعای استقامت شوکت نیز وال و استقامت

دولت ابدتصال را اوراد غده و اصال و بدگر که محمد صلی الله علیه و آله  
از بهب غنا بجزین رطب اللسان گردیدند نواب مستطاب نصره الله  
و مقرب الخاقان قایم مقام جارچی انداخته جا کشیدند که  
شهر تبریز بازار و دکا کین خود را این سبته شب چراغان

کنند و روز نهم در میدان سر بازار خانه متصل بجای سلام  
عام شد و جوه اعیان و اشرف و امر و خوانین و میران پنجه

بسرگردگان عظام و صاحب منصبان نظام و تجار و کسبه و طبه  
رعیت کلا در میدان مزبور مجتمع شده خطیب فرمان قضاچه  
گوشه خاص و عام کرده جمهور را بل بل اظهار شکر کداری نمودند  
بعد از آن شلیک توپ سه پنجاه و پنج تیرش دیانه انداختند  
بعد از انقضای شلیک و سلام اعیان و اشرف و سرگردگان

در اطاقهای که قبل از وقت برای هر طبقه مخصوصا علیحدگی  
شده بودند نشسته از جانب نواب شاهزاده نصره الدوله و مقرب  
قایم مقام شیرینی آلات با طاقهای مزبور فرستاده شدند  
اسباب حشین و طرب نیز آماده بود روز دهم و سیم نیز همین

منوال مراسم جشن و سرور مرتب بود و هر روز بدستور پنجاه  
تیر توپ شادمانه شلیک شده و شبها کل بازار و کاروانسرا  
این بندی و چراغان بوده هر شب را در میدان سر بازار  
تشریفاتی خوب فراهم آورده داد عیش و شادمانی را دادند نواب  
شاهزاده نصره الدوله و مقرب الخاقان قایم مقام مبارک آمده

الهی مملکت را بر جسم اعلیانت قدس علویون شاهنشاهی و امت شکر  
امیدواری دادند جناب لاله ات حاج میرزا محسن قاضی نیز  
سه شب در خانه خود چراغانی کرده هر شب جمعی را بضياف دعوت  
نموده شب آخر مقرب الخاقان قایم مقام و جمعی از علماء و اعیان

دعوت کرد  
دیگر نوشته اند که فوج نهم خوی ابو الجحی عالیجاه ابراهیم قای  
سرتیپ که بر کاب علویون احضار شده بودند در دهم  
ربیع الثانی وارد دار السلطنه تبریز شدند و موجب سرافراز  
ثانی را در اطاق نظام مقرب الخاقان قایم مقام باستحضار

عالیجاهان لشکرنویان عظام با آنها عاید کرده در پنجم ماه  
روانه در بار جناندار علویون شده اند

روانه در بار جناندار علویون شده اند

۲۰۰۲

### عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند اینهاست مقرب  
میر حسن خان کمال ایت و انظام در انولایت حاصل  
ورعایا و برابا آسوده خاطر بدعای دات اقدس کالیون

#### مشغول میباشند

دیگر نوشته اند که مرده فتح هرات که بانولایت رسید عموم  
انولایت را چنان فرح و انبساط روی داد که در هیچیک از  
خلق را اینگونه شادی و غرتمی روی نداده بود بوصول این مرده  
مقرب انخافان میر حسن خان بعموم محلات عراق آدم و ستاد  
اعلام کرد که در همه قراءه و منازع حتی شلاقانی که پنج شش خوار  
داشت بطریق عید نوروز چراغانی نموده بلوارم حسن و سرور  
دور بلد سلطان آباد عموم مردم بازارها و دکاکین را این سندی  
کرده بسبب علمای و عیان بلده و تجار و کسبه و رعیت همگی در  
بزرگ دولتی که ساخته شد و جامع بلده مسطور محسوب میشود جمع  
و مقرب انخافان میر حسن خان مدبره منور آید بعد از ادای صلوة  
ظهر و عصر بجانب تعجاب حاجی سید و سیده الله تعالی ادای خطبه بلین  
اقدس کالیون و احتتام بدعای بقای دولت و شوکت امیر  
شده بعد از آن فرمان مهملان کالیون که با بلایع این سندی  
بافتخار مقرب انخافان شایله والی عراق شرف صدویافته بود  
در سرفرقت و مضمون آن را گوشه خاص عام نموده کل  
زبان بشکرانه و شاکشود بعد از صرف شیری و شربت مبارک  
و تهیت کفنه بنازل خود مراجعت و مشغول عیش و شادمانی  
و شب همه بازارها و خانها و کوچها را چراغانی بسیار با شکر  
در دیوانخانه بزرگ دولتی ترک سبب تش بازی خوب  
آورده بلوارم سرور و شادمانی پرداختند

### مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند نواب مستطاب  
شاهزاده لطف الله میرزا حکمران انولایت در نظم امور ولایتی  
رفاه و آسایش رعیت و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل نموده

دیگر نوشته اند که نواب شاهزاده لطف الله میرزا بافتخار  
میرزا اسد الله در رجب سیم ماه ربیع الاول هجرت رسیدگی  
رعایا و سرکشی کارخانه شکر ریزی دیوانی غنیمت بلده با فرود  
نمودند بعد از ورود با بنیاد فرمان مهملان مبارک که در باب  
فتح هرات بافتخار نواب شاهزاده والی مازندران شرف صد  
یافته بود در بار فرودش بر تو و وصول افکنده صغیر و کبیر  
شرفیفا آغاز مسرت و شادمانی نموده حسب احکام نواب مغزی  
کل اهل آنجا در مسجد جامع بار فرودش جمع آمده و نواب  
خود با آنجا حاضر شدند و خطیب فرمان مهملان مبارک  
در بالای منبر خوانده مضمون آن را گوشه زده عموم  
نموده همگی زبان بشکرانه و دعا و شاکشود و اظهار فرح و  
نمودند پس از انقضای مجلس منور نواب شاهزاده حکمران  
نموده همه بازارها و دکاکین را این سندی و چراغان  
کل اهل شهر بلوارم عیش و سرور پرداخته با یکدیگر  
مبارک در ابل آورده و در حضور نواب شاهزاده هم  
سبب تش بازی خوب فراهم آورده عیش و سرور  
و جشن و شادمانی بسر بردند و همچنین در سایر بلدها و قصبات  
بلوکات مازندران اساس چراغانی و این سندی فراهم آورده  
میرزا سیف حکم بار فرودش هم در زهم آوردن اب این تمام  
بود لیکه شال ترمه از جانب نواب شاهزاده باو خلقه مرغی

۲۰۰۳

### خراسان

از قرار بکه در روزنامه خراسان نوشته اند در  
 فتح برات که با رض اقدس رسید جمیع امالی و اعیان  
 ارض اقدس که بسبب هجارت ما بهرات سابقاً  
 بیش از امالی سایر بلاد محالک محروسه مقرر شده  
 از اسرار تولایت اذیت و آزار دیده بودند و سالها بود  
 که تخیر این خانه زنبور و کمن بود میان مغرور ارزو و سکر  
 از وصول این مرده دلپذیر برنا و پیر جان تازه و حیات  
 بی اندازه یافته کلاه شط بر هوا و صدای شطاب بر سگانه  
 صغیر و کبیر و ضحیح و شریف این روز را عید مبارک  
 و عطیه ایزد تعالی و تبارک شمرده با یکدیگر رسم مبارک  
 و دعای دوام دولت و از دیاد شوکت جاوید بنیاد را  
 پیشنهاد کرده بلوازم جشن و دمانی و سرور و کامرانی  
 اقدام نمودند و همگی از صمیم قلب دمان و بدعای دولت  
 علیه رطب اللسان بودند که ترخانان گرویی حسنی و حسنی  
 ازین قبیل اشخاص که بطا بهر اظهار سندی میگردند  
 در باطن از این معنی کوفته خاطر بودند با بچه جناب مقرب  
 سیر زامح حسین عضد الملک متولی باشی بوصول این خبر بجهت  
 حکم کرد تقاره خانه مسرک فیض آثار را بشاید از فرو کوفته  
 او این فتح از جنم را کوشه خاص و عام نمودند و کل باران  
 و کاروانسرا و صحن های سرک فیض آثار را منتهی باین روز  
 این بندی و چراغان نموده و او عیش دادند و شبها از  
 خانهها اسباب شش بازی بهو نموده دقیقه از لوازم  
 فرو گذاشت کردند و عالیجناب سکر الله خان هم شبها را در گردش  
 که از کسی خلاف قاعده سرزنند

### کاشان

از قرار بکه در روزنامه کاشان نوشته اند کمال امنیت و  
 انتظام و فراوانی و ارزانی در آولاتی حاصل است و عالیجناب  
 حاکم کاشان در نظم امور ولایت و رفاه و آسودگی رعیت و انجام  
 خدمات دیوانی نهایت مراقبت را بعمل می آورد و کسب دریا  
 آسوده خاطر بکار و کسب و عیسی خود و عاکوفی ذات اقدس  
 هایون شاهنشاهی استعال دارند و امور شهر و محلات قسطنطنیه  
 و از اهدای خلاف حساب و شرارت بهیچوجه ناشی و صا در نشود  
 و اگر بندرت سرفقی اتفاق بیفتد با تمام عالیجناب شاه رالیه  
 اموال مسروقه پیدا شده بصاحبش تسلیم و در ذنبه میشود  
 دیگر نوشته اند که فرمان جهان مطاع هایون که در باب فتح  
 سیر افزازی عالیجناب محمد حسن خان شرف صدور یافته بود  
 با تاج پرتو وصول انگذنه و مضمون فرمان هایون را در مساجد  
 و محل اجتماع مردم کوشش و عموم الهی و اعیان آنجا نموده  
 این بندی و چراغان کرده صغیر و کبیر و برنا و پیراغان  
 و شاه دمانی نموده سه روز و شب کل بازار را و دکایین  
 و کاروانسرا چراغان بود و شبها اغلب دیوارها را نیز  
 چراغان کرده مردم و برین شبها روز مشغول عیش و عشرت  
 و عاکوفی دولت جاوید مدت علیه بودند و از قرار بکه  
 بودند اینگونه جشن و چراغانی و این بندی که بشاید  
 این فتح دلپذیر در کاشان شد در هیچوقت نشده بود  
 از وصول این خبر بجهت اثر و این مرده روح پرور خاص  
 قرین شرح و ابساط و از صمیم قلب دعا کوی دولت جاوید  
 بنیاد کردیدند

۲۰۰۴

روزنامه قایق آفاقه تاریخ پویم شنبه بیستم و هشتم شوالی در مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

نمره سیصد و هشت

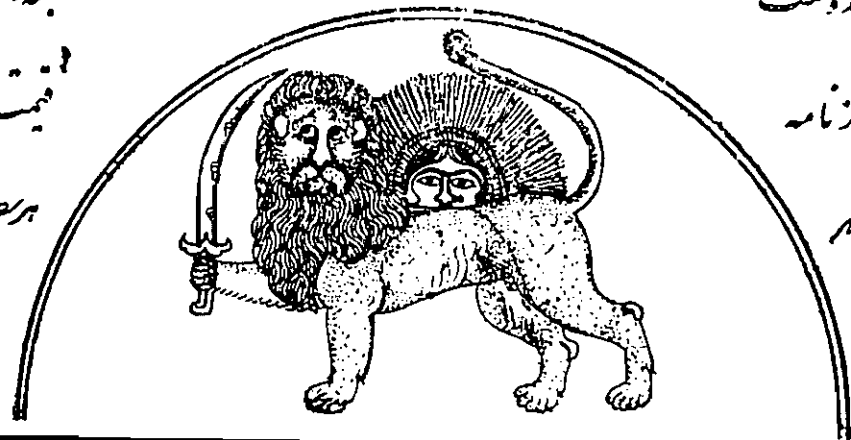
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده

هر سطر پنج



### اخبار واحد ممالک محمود پادشاهی

#### دارالخلافه طهران

چون از قرار استهوار نامه دولتی هند که حسب احکام توابع  
 هند وستان انطباع یافته بود صریح و آشکار نسبت بدولت  
 عمده گنی بدولت علییه ایران داده اند و درین فقره برودتی که  
 فیما بین دولتین حاصل شده است خواسته اند دولت  
 محل ایراد و بحث نماید لهذا لازم شد که پرده از روی حقیقت  
 این کار برداشته شود تا بجمیع روی زمین معلوم گردد این  
 استهوار نامه و آمدن سی فرزند کشتیهای جنگی دولت انگلیس  
 بنخلیج فارس بغیر حق و انصاف است کشتیهای جنگی انگلیس  
 فارس آمده در برابر پوشه سیاه دیو باین زبان اعلام جنگ  
 داران دولت علییه ایران کردند که کاغذی کپتان جنس بالین  
 دولت انگلیس مقیم بو شهر نوشته بود باین عبارت که بر کافه  
 حکام و کارپردازان ولایات و بلدان واقع در حدود و  
 خلیج فارس معلوم و واضح باد که سردار جنرال فارستر که صاحب  
 که صاحب آن افر با شیدا و حکم کل سنگا حربی و قشون

بیان که از جانب سرکار کزیت بریتن باین سواحل مأمور  
 و دستاورد شده لعنه اتهام و مقوض گردیده است  
 لازم نمیدانند که علت آمدن خود را اظهار نماید چه اگر  
 کاغذهای استهوار نامه که موقوف است و از جانب توابع  
 فلک جناب فرمانفرمای ممالک هند وستان صادر گشته و  
 و بین است و از همان استهوار نامهها انخواهی متعدد در  
 نوشتهجات موقوف نموده برای سرحد داران دولت علییه  
 دستاورد بودند و یکی از عبارات استهوار نامه این است  
 حسب احکام سرکار مملکت معظمه توابع مستطاب معالی القاب  
 که در رز جنرال صاحب بهادر در اجلاس کونسل الماره هند حکم فرموده  
 که بر ملک ایران بنکانه کار و زار بلا اجمال شروع بشود این  
 فقره مستغنی از توضیح و بیان است و البته جمیع اصحاب دول  
 دانست که آن اعلان نامه را باین استهوار نامه که لغا انفا  
 اعلام جنگ است بدولت ایران از کار که از آن سرکار  
 دولت ایران ثابت میکند از همین حق خود را در اینکه دولت

۲۰۰۵

هرگز میل با نندام بنیان بودت چندین لاد دولت انگلیس است  
 و نذار اول سبقت بر اعلام جنگ از طرف کارگزاران دولت  
 انگلیس شده و ثانیاً می تواند دولت ایران بجمع دول و قتل روی  
 ثابت کند حمایت و انصاف خود را در رعایت مودت دولت  
 انگلیس عدم نقض عهد خود و بهانه جوئی دولت انگلیس را در آنجا  
 که کارگزاران دولت انگلیس بهانه جوئی کرده بجنونت منجر شده  
 اول اینکه اصل مسنده که باعث برودت فیما بین اولیای دولت  
 ایران است مرموز ما مورد انگلیس شد بواسطه مداخلات غیر مختص  
 او بود در امور داخله مملکت ایران که آخر کار را بجائی کشید که  
 توکر موجب خور این دولت را خواست تبعیت بر دلبستگی کرد  
 روزنامه های این دولت ثبت و درج است مستغنی می بینیم  
 از شرح و بیان آن این مقدمه را بهانه کرده بیدق دولت را  
 خوا با نده ترک مراد کرده و سفارت را از خاک دولت  
 ایران بیرون برد و حال اینکه اصل صاحب مسنده یعنی میرزا  
 بنو کرمی اول خود دشمن معاودت کرد و از یک طرف هم بهانه جوئی  
 بر سر افغانستان عموماً هرات خصوصاً کرده چنانکه اولیای  
 این دولت را در شهرها زانما عهد شکن و بد عهدی منسوب  
 کرده اند اولاً برای اینکه بر کس معلوم شود که دولت ایران  
 خیال بد عهدی با دولت انگلیس نداشته است و مأمورین این  
 همه جا نقض عهد کرده اند لازم است که حقیقت این اخبار بطور  
 و اجمال درین صفحه مندرج شود اولاً بموجب عهدنامه منعقد  
 فیما بین این دو دولت که بواسطه سفر فرجه انجمن تاریخ ۲۵ شهریور  
 ۱۲۲۴ مطابق ۱۹ محرم ۱۲۲۴ عسوی دبتوسط سرکرده نلی تبارج  
 ۲۹ شهریور ۱۲۲۷ هجری مطابق ۱۴ محرم ۱۲۲۷ عسوی و ایضا توسط  
 ان تاریخ ۱۳ ذیحجه ۱۲۲۹ هجری مطابق ۲۵ نوامبر ۱۲۲۹ عسوی انعقاد

یافته است دولت انگلیس نباید مداخله داشته باشد در امور آنکه  
 میشود فیما بین این دولت و مملکت افغانستان که حق توسل خواهد داشت  
 برضای طرفین اول نقض عهدی که از ان دولت بطور رسمی  
 هرات در ایام شاه مرحوم بود که کشتیهای جنگی خود را ببلایج فارس آورد  
 اظهار خشونت کرده تا اینکه شاه مرحوم دوستی آن دولت را با جرای  
 حقوق این دولت ترجیح داده از هرات فتح شده دست برداشته  
 و مزاحمت کردند بعد از آن جناب شیل صاحب امر آن دولت در  
 ایام این دولت بنای رقابتهای برودت انگیز را گذاشته بجهت  
 اولیای این دولت باز رعایت دوستی آن دولت را بر همه چیز ترجیح  
 داده و اجزاء در باب هرات فیما بین قرار شد که اولیای دولت ایران  
 در آنجا جناب شیل صاحب ششند مشتمل بر شروط چند که عمده شش این بود  
 که دولت ایران مداخلات و مرادوانی که سابقاً و عهد کلام آن  
 خان در هرات داشته بکافی سابق داشته باشد اما دولت انگلیس  
 من الوجوه مداخله مرادوده در هرات نداشته باشد و الا آن قرار باطل  
 نم یکن با نگاشته شود موافق قرار و رسم کل دول بیای جناب شیل صاحب  
 نسخه قرارنامه مذکور را بعینهما مبادله با اولیای دولت ایران نماید  
 و نسخه مضامین خود را با دلای این دولت سپارد و تصدیق از جانب  
 اولیاد دولت انگلیس صادر و بچیک از آنها را کرد و بجلاده بر این خواهد  
 مشایر ای موافق کاغذ رسمی خودش که الا آن در دولت علیه ایران ضبط است  
 باطل کردن قرارنامه مذکور کوشید و از جمله دلایل ثابت که جناب شیل صاحب  
 و همکاران او که بعد از مزاحمت جناب شیل علیه رئیس سفارت  
 بودند بدست اولیای این دولت علیه دادند از این قرار است  
 در همان قرارنامه صراحتاً قید شده بود که مضامین آن  
 قرارنامه را اولیای دولت ایران بسید محمد خان نوشته  
 و با اتفاق آدمی که از سفارت انگلیس در مشهد مقدس با

۲۰۰۶

بسیار محبتان داده شود مطلقاً شیل صاحب اعتنا باین فرمود  
 کرده سلطان خان آدم خود را بهرات فرستاد و بخیال  
 اغوای هراتی افتاد و چون اولیای دولت با نوشته سی  
 شیل صاحب اظهار کردند که رفتن سلطان خان بهرات  
 خلاف فرارنامه است در جواب با نوشته رسمی باین  
 عبارت نوشت که دستدار خود را در مراد و آمد  
 شد بهرات الی غیر الهاتیه آژاد میداند که هر کس را  
 میل دارد در هر اوقات هر چند دفعه که میخواهد از هرات  
 اشخاص که باشد خواهد فرستاد بدون رجوع باین  
 این دولت و یاد بدون اعلام و اشاره با نه این عبارت  
 همس واضح معلوم میشود که در اول و بعد خود جناب شیل صاحب  
 و اعتنا باین فرارنامه کرد و خود بدست خودش ثابت نمود که اگر اولیا  
 ایران آن فرارنامه باطل و کان لم یکن شمارند که احتیاج و ابراد  
 بر اولیای دولت علیه ایران بنوده با اما اولیای این دولت محض  
 دستی و نیکس شرایط باطل شده آن فرارنامه را محفوظ میداشتند  
 بعد از آن اسم خواه خود جناب شیل صاحب یا مورین  
 بعد از او سزا و وطن مراد و آمد و شد را با بهرات بنا گذاشتند  
 چنانکه طاسن صاحب رشذفران دولت روزی که ملاکرم  
 مستوفی هراتی بخواست بهرات برده او را برده و خارج شهر  
 طران پول داد و تطبیح کرد و کاغذ رسید محمد خان نوشته با  
 داد که بعد از رسید محمد خان همان کاغذ از میان نوشتجات  
 او بیرون آمد باین عبارت در تاریخ شهر شعبان ۱۲۷۰  
 جناب جلالت آبا مستوفی آدم کاروان و وافی بود  
 چند فقره حرف زده ام اول آدم دولت بهر نیکس را در هرات  
 بنشاند آنچه از اسباب و توپ و تفنگ و سایر آلات

شمار ضرور باشد مضائقه نخواهد شد و از تخواه نقد نیز آنچه  
 شود و در ماذون است که بهر چون این فقره را عالیجاه  
 مستوفی بنهند بد کفتم که یکی از سپه های ظهیر الدوله تا خدمت  
 جلالتاب فرمائید برود در انصورت آنچه بخواهد میسر می آید  
 معطلی نخواهد رفت بشرط آنکه آنچه بدون افغانستان در خدمت  
 ظهیر الدوله بیاید کار گذاران دولت بهر نیکس بی خدمت بنا  
 و افغانستان یعنی افغان زبان که در آنجا سکنی دارند بعتق  
 بجناب ظهیر الدوله خواهد داشت با کاغذهای مین و صبح  
 که از مامورین آن دولت در دست است علاوه بر مراد و مای  
 بر اولیای دولت ایران لازم بود که موافق نص فرارنامه آن  
 فقرات را کان لم یکن نگارند و بهمان حقوق قدیمه که در عهد نامه  
 دولتی مندرج است باقی بمانند لکن با نظر ملاحظه دوستی  
 متعلق بر نوع حرکات مامورین آنها شده بسکوت گذرانند  
 تا بعد از فوت کمندل خان که امیر دستم محمد خان آمده خدمت را  
 اقتضا میکند و حال آنکه بنایت از حد خود تجاوز نماید خاست  
 طبع پروازی کرده بطبع هرات افتاد و مامورین نیکس هم در این  
 ساکت بودند بلکه بهانه جونی خود می افزودند بجهتیکه در چهارم  
 امیر دستم محمد خان وارد قندهار شده و در نهم شهر مزبور بر سر  
 بیدق دولت نیکس را خوا با بنابر نظر رسم امالی بهرات از  
 اعیان و اشراف از قبیل شاهزاده محمد یوسف و میر علی  
 و سردار احمد خان و محمد حسین خان بیکلر یکی هزاره و حاجی غلام  
 و عباس خان و بر اعظم و اعیان همگی عرضیه باین مضمون عرض کردند  
 که سواد آن عرضیه در اینجا معنایه نقل میشود و آن این است  
 بر چاکران عقیدت فرجام و غلامان عبودیت امظام لازم است  
 که مسوازه بعد ایض صداقت فرایض در مقام اظهار بندگی و

۲۰۰۷

برآمده مراتب امورات را عرضه داشت نموده با در بیوفت رافع  
 بیزیت ادراک شرف زمین پوسی مقتم کردید ارسال بن عریضه  
 عبودیت فریضه ذریعہ اظهار چاکری و ارادت گردانید حیات  
 پیرا کردید که چون علما من خود را از چاکران صادق العبد بشمارد  
 در طریقه دو تنخواهی و عبودیت لازم دارد که بعضی مورد حالات  
 کسائی نموده باشد که در این ایام از جانب قدامت احوال رسیدگی  
 دو ستمخان با مواری شایر زده هزار شکر و نوحانه دستوار عام  
 ولایت قدامت گردیده و بر احوال مقدمه هرات ظاهرا اطلاع  
 در ورود عین استحضار یافته و حرکت آنهم بحکم دولت بیست  
 انگریز باشد سردار محمد صدیق از وصول میراک قندار و گذشت  
 بگریگ آمده و سردار رحمدل خان استقبال امیر نموده رفته اورا  
 بشه آورده هوای آمدن هرات را از فرار نوشتجات تجار محترم  
 خاطر داده غمیت این جنبر را در اسند و افواه خواص و عوام بنهاده  
 و هفت روزه سیورت حواله کرده اند که بعد از هفت روز  
 هرات حرکت کرده باشد هر چند مردم هرات که چنگ امید واری  
 بیامن دولت گردون عدت علیحضرت قدر قدرت سلطان  
 شایسته ظل الله عالمیان بنهاده تروحنا و روح العالمین فدا  
 مرحمت طوآب استطابک میا ب شرف اعظم افخم امجد والار  
 فداه استحکام داده و ابواب خدمتگاری و جان شاری چهر  
 امید واری کشته توقع آن داشته و دارند که در زمره  
 دولت گردون لبط علیہ انحراف یافته و ضووح این مقدمه بر عا  
 معلوم گردیده باشد اگر چه نواب شرف امجد والاد مقام  
 و دلجویی این مردم بر نیامده و بالتفات نامچه قسم مبارک  
 و اصدا ر چند خلعت مفتخر و سرفراز نظر نمودند حال که مخالفین  
 علیہ را حیا ل فاسد بنون و مانع راه یافته از اطلاعی که بر ادضاع

هرات دارند که سستی محمد خان بجنون و سودانی که مجبول  
 بود لشکر و رعیت را خراب و اوضاع را پریشان کرده با این  
 فاسد اقدام نموده اند چون دست امید واری این مردم بدین  
 گردون عدت علیہ باشد چشم توقع بجهت نواب مستطاب  
 اشرف امجد والار و خاندان دارند که آدم دست معتبری با امور  
 فرموده که آمده از اینجانب طرف قندار و امیر و سرداران بارگرا  
 رفته اعلام دولتی داده باشد که ولایت و حاکم هرات متعلق  
 دوران لبط علیہ میا و فراه هم از متعلقات هرات است اگر  
 هم صلخواه و خدمتکار دولت علیہ میباشید باید بچنگ از خاک  
 ولایت عبور کرده دخل ولایت دیگر نمایند اگر شما بان رسر  
 دولت صمیمه خاطر گردید و خیال دیگر بخاطر رسیدن یقین بدین  
 که هرات و حاکم هرات متعلق دولت علیہ است و لشکر و حکم و  
 که باشد خرج امر هرات خواهد شد و حکمی در انضباط و درستی کار  
 لشکر هم امید واری هست که صادر کرده که بهر ای مقرب انجانی  
 ساخنان انجانی قدم فراموش بنهاده اقدام نمایند که حالت بی  
 که خدا خواسته از خرابی هرات مرارت و کفالت کلی بفرمود  
 یافت و بعد ندامت و پشیمانی را فایده نخواهد بود زیاد و چه  
 و زبان درازی شود از جانب این دولت علیہ ساخنان انجانی  
 بی قشون برای اطمینان و تسلیت هراتی روانه داشته نوبت  
 حاکم السلطنه با قلیل قشونی در جام توقف نمودند غافل از آنکه  
 امیر دوست محمد خان در ضمن بعضی از افغانه هراتی را با امیر  
 تطبیح و تحریک کرده بر شاهزاده محمد یوسف شورش گردانید که  
 از هرات بیرون کن با خودت را بهم بیرون میکنیم سجد یکبار  
 کشید ساخنان که بجز است آنها رفته بود حرست جان خود را  
 مقدم دیده باغ شاه رفت با اینکه قشون و جمعیتی همراه داشت

۲۰۰۸



انجام نگیرد استند بقلعه ملک رفته انجا هتیه قماش را دیدند  
 در برای آتش اسباب چیدن لایه و ناچار شده آدم زود  
 حاتم سلطان مراد میزافرتاد و بزار مرارت خود را  
 بقلعه شکیبان رساند ذات معزنی ای معرب انخان پاشا خان  
 سرپ رافرتادند که خود را بشکیبان رسانیده او را خلاص  
 از اینها بدتر در معاودت شامان و پاشا خان در غوریان  
 راه بر آنها گرفت مجاریه و معاملة اقدام کردند و از انطرف سردار  
 احمد خان را از هرات یاد و بزار سوار فرستادند که این  
 سامخان و پاشا خان را در معرض تلف در آورند و تاج  
 که ایستور دیدند با همان قشون خود را بجا و نت سامخان  
 پاشا خان رسانیدند آیا با این خلاف هراتی که قشون  
 اول از ترس امیر دوست محمد خان بدعت خویشند و آخر  
 او برای همان اسباب قتل استند اولیای دولت غیر از  
 در مقام تنبیه هراتی براید چه چاره داشت و کدام دولت خود  
 می تواند این بی غیرتی را هموار نماید با اینکه بداند در برابر عدیست  
 اگر آنجا را تصرف کند هرگز ایند دولت را اسوده نخواهد گذاشت  
 بلکه خلل با نیت خراسان خواهد داشت قطع نظر از اینکه اگر کسی  
 خارج معنی هرات میشود و مع اموافق همان قرار نامه بر عهده  
 ایران واجب لازم بود خود سرپ عیسی خان و متابعان او  
 محل استتعال حکومت هرات شدند با این معنی که خود آنها امیر  
 دعوت هرات کردند و خواستند هرات را با تسلیم نمایند  
 اولیای دولت علیه ایران چنین بهم رسانند که همان سرپ  
 و اتباع او را هم دفع نمایند تا هرات دست غیر نفیقه و در استقلال  
 بماند و انکلی حال که معلوم میشود موافق نوشته اتی که از امیر  
 و غلام حیدر خان پسرش بدست آمده است صریح اغوی و تحریر

کرده اند هراتی را با اینکه ثابت قدم بایستند که از دولت انگلیس از  
 طرف پیشاد قشون بجای آمد و از طرف شکار پور تفنگ پول و قورخانه  
 دستداد به پشنگ رسیده است با اینها هم محض ملاحظه بقای دوستی  
 دولت انگلیس اولیای دولت علیه ایران مضایقه داشته و مذاکره  
 که برت را با حصول المینان از عدم اغتاش آتیه بکنگر حاکم افغان  
 و گذاردند و وزارت مرصده با جناب شیل صاحب قوت دهند و  
 رعایت اجرای احکام از انجا مید و ترضی جناب سرتور را هم با  
 موافق شان در این بند اما کار گزاران دولت انگلیس محض جوینی خراسان  
 دیگر نیز بر این دو فقره که از دولت طلبین و کلا طرفین منجران  
 افزوده اند هیچ مناسبت دخلی معل سند حاضر ندارد از این معلوم  
 مرتبه ای محضی مخالف است با عهد قدیمه که سلطان بزرگ مضاد داشته  
 بر عموماً ب دولت پویند که دولت علیه ایران هیچ کار که موجب نزاع  
 با دولت انگلیس حاجت استمال انچه با نیت خویش بگیرد و قبول تکلیفی که  
 تحمل آن ممکن و مقدور با وقت کسر نقصان دولت و خفت فیما بین  
 محض غایت دوستی آن دو مضایقه اند لکن در صورت کالیف اند  
 و با لاق با محض حکم غیر حق دلیل نامه است با شجره و از طرف غیور ایران  
 که با کار کا خداوند با طر مشرفی هر توانم خط خود را در بر روشن نماید  
 بر بی جوینی دولت انگلیس کوبا این فقره کافی با که بکریه جناب و کلیف  
 اند دولت مقیم اسلامبول بود و یکد فقه جسم لار و کلان زمین وزیر دولت خارج  
 اند دولت بخاکت ف مجد صدر ام توجاب لار کلیف محاسن چند در اسلامبول  
 بجای مصححی که از این دست در ب دو فقره که عبارت از ترک هرات با  
 و ترضیه سرتور با اظهار کرد و از جانب اولیای این دو نوشته که جناب  
 این الملک المچی مختار است می آید گفتگو در این مرز تا هم خواهد کرد و غیور  
 بود و با مبول سیر بود که معلوم شود کار بجا خواهد کشید و راه نوبه که الی حال  
 این استنها نامه را نوشتند و اعلام جنگ کردند از همه عجز این بعد از آنکه المچی

۲۰۰۹

و اردو اسلامبول شد و المار کرد که من مورم درین باب سوال و جواب کرده  
 رفیع بودت حاصله انجامیم با و بی قضا فی کرده در اول او را جواب داد  
 که ما دیگر سوال و جوابی نخواهیم کرد و آخر هم بعد از آنکه بنای گفتگو را گذاشتند  
 و تکلیف شایسته کردند چون مطلقاً مقبول با بعد داخل دستور العمل و بنویسند  
 که با و یکایه و وقت خود آنها کند قرار دادند که چهل روز مهلت بدارند  
 در ۱۷ شهریور سال اول دادند در ۱۸ شهریور در ۱۹ شهریور در ۲۰ شهریور  
 که عقیقه صد نفر آدم مستحق آنجا بود از توابع بوشهر که برده بود و از ده  
 آنها که در کنار رود بودند و بیرون آمدند از آنجا که چندی خود در آنجا  
 آوردند اولیای این دو بودند که در آنها ای بزرگ با انصاف با این  
 است و نقص عهد را نسبت باین دولت قبول خواهند کرد یا معلوم خواهد  
 بکل روی زمین که دولت نخلیست نسبت باین دولت خیال بهانه جوئی  
 بجای بی رایشان داده داشته و دارد  
 چون مراتب ارادت صدق عقیدت نواب مستطاب هزاره و الا در  
 در پیشگاه آقدس مایون شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه در جبهه  
 و شایسته شمول عواطف خدیوانه کردید لکن محض رحمت الهی است  
 بکثوب یکدیگر بسیار سکن از بوسه خاص بدن مبارک بنوای معزی الیه  
 در محبت شد  
 چون نواب مستطاب هزاره و الا باریک بودید الدوله صاحب میرزا  
 مملکت فارس در انتظام مهم سعادت و انجام خدمت دیوانی و نظم  
 لغت نمون مراقبات کافیه شده و در اندوخته طریقه آسودن کمال عجز  
 شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه از نظر مراقبات اتهامات نواب مستطاب  
 قرین خنودیت لکن بوجوب زمان مهر لعلان مایون اختیار نمودنهی عاقل  
 مأمور فارس را بعد نواب معزی الیه محمول و معوض فرموده و در قبیه آنها  
 صورت لزوم از سردار یا سرباز و عزل نصب از سیرت تا بین از جانب  
 اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی خلد الله علیه و سلطانه مآذون و مختار

کردیدند و با عطای بکثوب یکدیگر هزاره ترمه زیاد تمنا از لباس تن مبارک  
 قرین امتیاز و افتخار شدند  
 چون محاسن قدوت و خدمت منسکند اری در مرتب اتهامات متعرب الخاقان  
 مهر علیخان شجاع الملک در انجام خدمت دیوانی بعضی خاکپای مایون  
 اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی بوسیله معنی متعرب الخاقان معزی الیه در  
 پیشگاه آقدس اعلی موافق تحسین و قبول یافت و اورا از اعلا مرتبه  
 و ارتقای درجه و توسعه و ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو ابرو  
 منصوب مأمور و متوقفین فارس سر او از فرمودن زمان مایون سر خدمت  
 یافته موازی بکثوبی زری نظامی از بلبوس بدن مبارک بیشتر  
 او در محبت و افتاد شد  
 چون عن مشونی و قورخانه فارس با متعرب الخاقان مهر علیخان  
 بود و حسب الامر قدر قدر جهات مطاع مشا را لیه مأمور بند رو بوشهر  
 گردیده لکن نظر لظهور محاسن خدمت اری و کار دانی متعرب الخاقان  
 میرزا انیم شکر بوسه شاهی فارس رسیدگی امور که حضرت مأمور نظام  
 امر قورخانه ایجاد غیاب متعرب الخاقان سردار معزی الیه بعد اتهام او  
 محمول و موازی بکثوب حیه ترمه برسم خلعت بافتخار او در محبت و عنایت  
 و نیز وصول ایالت فارس که با متعرب الخاقان بکثوب و بعد متعرب الخاقان  
 حاجی محمد باستان خان امیر دیوان فارس مشرف که هم مشمول نظام مأمور نظام  
 عرض داد مردم با و هم در وصول ایالت دیوانی با معنی مشکو و لعل آورد  
 موازی یکدیگر بجهه ترمه اعلی در حق از جانب سنی بواجب مایون در محبت  
 چون عالیجناب میرزا شمشیر علی خان علامت خدمت نوبی دادام توقف در رخانه این  
 با در باقی مضر و معوض شد بود این وقت که از کردار و روز و نام و نام  
 فی ابی بنجد سگاری دولت جا و آقیام و اقدام نمود بر این امر ابی و پرتی او با  
 منبوره خدمتی دیوان اعلی کرده و حق گرفتن بواجب مع ذلک محض خدمت  
 با رسیدن و شرفان نیل ولوی نیل و ابراهیم و سینه تومان انعام که جلالت  
 بیت تومان بوده تا عنایت فرمودند که از پرتی و قروض متعلق

۲۰۱۰

### سایر ولایات

ادربایجان از قراریکه در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته اند سابقا قدری کدم تعمیر بهم رسانده و مان فی الحقیقه گران شده بود مقرب الخاقان معتمد در بار سپهر قائم مقام هفت هزار خرد ارغله دیوان اعلیٰ تجازان بقیمت یکین کیلشی کمتر از نرخ بازار داده و انبار داران را نیز ترغیب کرده بود که عده تجازان بفرود در انبار بنگاه ندارند چون اعلیٰ از غله داران باز در فروختن غله خود تعلل نمیدند در این اوقات مقرب الخاقان مشارالیه آنها را خواسته و فراداد که هر یک از غله داران دو دکان از تجازان فراخور حال خود بگردن گرفته هر قدر ضرر میشود بدیند و خردوار نیز امثال را چهار تومان و نیم بیکرند که عذر جماعت تجازان بامر موقوف کرد و بعد از آنکه فراداد مذکور داده شد صاحبان غله تجازان را بگردن گرفته قلم دادند مان فراوان شد و از قرار یکین هزار امثال دیشای نرخ داده شد و از تفصیلات الهی بارانهای با منفعت نرسد بکرات بارید و زارعین کشت و زراعت خوب کردند و امید است که پشاسال آیند غله فراوان بعمل آید

دیکر نوشته اند که دو فوج مرغه که بر حسب حکم اولیای دولت علیه احضار مبر بار بایون شده بودند درین باب شروع نموده مقرب الخاقان خیر قلیخان قاجار میرنجه نوشته شد که بعد از آنکه موجب ماهه دو فوج از محل پرداخته شد فوجها را با خود برداشته تبریز بیاورد که در اطاق نظام سه ماهه بمانی آنها را نیز پرداخته روانه کباب نصرت آیت بکامینه نظر برادر تبریز ناخوشی بود مقرب الخاقان مشارالیه و صاحب منصبان از مقرب الخاقان قائم مقام خویش کردند که آمدن فوجها را

تبریز قوف داشته لکن نویسنده فرستد که سان فوجها را در مرغه دیده موجب آنها را برساند که از هانجا برکات نشسته انتساب روانه شوند مقرب الخاقان مشارالیه هم بر حسب میل آنها عالیجاه میرزا علی لشکر نویسنده را مأمور مرغه کرد که موجب سه ماهه فوج را در هانجا پرداخته روانه شوند و آنچه طلبش کلان لازم بود همه را در تبریز مهیا نموده روانه مرغه کرد از قراریکه بودند بنا بود است که در اوایل ماه ربیع الثانی دو فوج بود از مرغه حرکت نمایند

و همچنین توپچیان طوائف رسم نوشته اند که دسته بدسته موجب خود را در اطاق نظام با استحصال لشکر نویسنده گرفته روانه در بایون میشوند

### عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند بنده نیموز که از بنای سلاطین سلف بود در بنده نوشته لوی نیل بواسط شدت بارندگی وسیل در اوایل سال آب کنده بود و آن قریه خراب و بی آب ماند بود و از اولبای دولت جاوید است حکم شده بود که مقرب الخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق بنده بود از نو بنده مقرب الخاقان مشارالیه هم حسب حکم معمار و بنا و عمل و تنخواه و اسباب فرستاده بنده بود و رجلی بهتر و محکم از بنای اول بسته از مکانی که از دو طرف کوه بود در مدتی پنج ماه از سنگ و آهک و آجر بلند کردند و در ماه ربیع الاول صورت تمام یافت و آب قریه منوره در نهایت خوبی جاری شد و اهل آنجا بزراعت و عیسی خود و دعا کوفی ذات اندکس شاهنشاهی مشغول شدند و کمال شغف و شکرانه و شکر شدند

از این معنی بهم رسانند

۲۰۱۱

دیکر نوشته اند که چون بر حسب حکم اولیای دولت قاهره مقرب  
 شده بود که فوج قدیم کزاز ابو اجمعی عالیجا علیتی خان سپه  
 مستجلا روانه استبان شود مقرب انخاقان میر حسن خان  
 بمحض حصول کماهی از حکم اولیای دولت علیه آدم هبه بولاک  
 کزاز فرستاده سرتیب و صاحب منصبان فوج مزبور را اعلام  
 نمود که باید دوروزه در استبان که در سر راه برود و واقع است  
 حاضر شوند که روز سیم روانه محل ماموریت گردند و خود نیز تا  
 روز سوار شده باستانه رفت و در عرض مدت سه روز مجموع  
 فوج را موجب و تدارک در محل خودشان داده تا منزل این  
 که خاک کزاز بود بدرقه نموده و از آنجا عالیجا میر اسمعیل کزاز  
 باز همراه فوج نمود که اگر موجب یا تدارک سربازی نرسیده باشد  
 یا از وی سربازی نیامده باشد با موجب او را کار سازی کند و  
 محتمل سازد مشارالیه نیز خاک برود و رفته تا قاعی آنها را  
 انجام داده مراجعت نمود بعد با فاصله دور حکم ماموریت و فوج  
 روانه ابو اجمعی عالیجا مقرب انخاقان محمد حسن خان سرتیب را  
 عالیجا رحمت الله بیک یا در فوج مزبور آورد باز بسور  
 کزاز بمحض حصول حکم سرتیب و صاحب منصبان در فوج مزبور  
 اعلام نمود و مستحوا دادن موجب و تدارک آنها نشد فاصله  
 پنج روز و فوج را نیز با موجب و تدارک به سربازی سرتیب  
 روانه داشت و با حکم ماموریت و فوج فرمان حکم رساندن  
 موجب و تدارک فوج سرتیب هم رسیده بود که آماده باشند  
 تا حکم ماموریت آنها هم برسد همان روز آدم سرتیب هم  
 اعلام نمود آنها هم کل موجب و تدارک فوج خود را تمام  
 پرداخته و آدم مامور مراجعت نمود و با بجه در مدت ده روز جمیع  
 فوج را موجب و تدارک داده با کمال استسکی روانه محل ماموریت

دیکر نوشته اند که در اوقاتی که مقرب انخاقان میر حسن خان  
 بجه روانه کردن فوج کزاز باستانه رفته بود بعضی از ارا  
 استبان را ملاحظه نمود که کوه کرده و آب شسته بود و سبب از  
 استفا نموده امالی استبان مذکور داشته بودند که چند نفر  
 از اهل همان باستانه می آیند و این زمین را از قطعه قطعه می  
 و آب می بندند بعد از آن میسند و از خاک نه آن خورده و طلا  
 اراضی زراعت و خزانهائی که خانه بود و حال هموار شده است  
 میخند بطالع خریدار احتمال میرود منیسی را که به چهار تومان  
 ده پانزده تومان طلا از آنجا بخری می آورند و احتمال میرود که  
 مایه نیز بخری نیاید معلوم میشود که در خاک آنجا خورده طلا هم  
 اما همان هدایا میباید از خاک خارج نمایند و امالی خود را  
 سرشته این کار را ندارند  
 دیکر نوشته اند که چون مرحوم یوسف خان سپه دار که ارک و قلعه  
 سلطان آباد را بنا کرده بود در میان ارک و جنب عمارت دیوانه  
 یک طرف ارک را چند دست عمارت محکم که مشهور بخانه غلامان بود ساخته  
 و غلامی نیز در آنجا ساکنی کرده و هر دو یکجای منهدم و ویران شده  
 و چنان هم اتفاق افتاده بود که از میدان و سردرب و باره در  
 ارک که درین سال تعمیر شده و جنبی با سکو به نظر می آید داخل ارک که  
 میشد اول خرابی بسیار بظنی آمد و نقص کلی برای عمارت بود که  
 جنب خرابه واقع شده است و بنظر ما خوش آیند نبود مقرب انخاقان  
 میر حسن خان درین اوقات داده است آن خرابه را کلاً  
 هموار نموده و باغی بسیار خوش قطع و باروح و نمایش طرح انداخته  
 دنیا لهای او را با تمام درین روزها نشاند بسیار جای با  
 و صفائده است که خلوتها و عمارت خوشخانه دیوانی را میتوان  
 بان باغ دور کرد و خیلی بسکو عمارت افزوده است

۲۰۱۲

بهرات

تاریخ  
والا  
از قراریکه در روزنامه بهرات نوشته اند نواب مستطاب  
حاکم السیاحه در نظام امر انولایت و رفاه و امالیست عتبات  
کافی بعل آورده اند بحسب رعیت داری عموم المالی انولایت راز  
اعالی و آذانی از خود راضی دارند و مردم آن مکان با کمال  
و ائمه واری بر احم این دولت جاویدت علیّه مشغول دعا  
و ات اقدس هاین شاهنشاهی خلد التملک و سلطانه چنان  
نواب معزی الیه منصب بروج و بدنه در درازنا و محلات را  
بعهد اتمام عالیجاه مقرب الخاقان حسنی خان سرتیپ  
و اکذرا کرده اند عالیجاه مشارالیه هم در حسن معاشرت با  
مردم کمال مراقبت و اتمام راجعل می آورد و روزی یک مرتبه  
برسبیل ستمار بدروازنا و اطراف شهر چهار سوق که در شهر  
سرکشی و رسیدگی با امور مردم بنیاید و مالی آنجا بخدمت  
واعیان اغلب اوقات بمنزل مشارالیه آمد و شد و اظهار  
از عواطف این دولت جاویدت علیّه بنیاید عالیجاه عبداللّه  
یاور را با سجد نعره سرباز و صاحب منصب در چهار سوق  
و پای تخت شاه است که روزها بتظیم امور و رفع منایع  
متعلقه با مبارک مشغول استند و شبها از همین سید نعره  
در چهل مقام که محل عبور مردم است در اول که استه میشود  
خود عالیجاه عبداللّه بیک یاور با صد نعره سرباز علی الاتصال  
کوچما و محلات گردش میکند و از اول آنها سرکشی بنیاید که هم از  
امورات اتفاقیه مطلع شوند و هم اگر احیاناً بعد از ظلم کثیر  
هر کس باشد تا صبح در فر اول نگاه میدارند و صبح بمقتضای  
احوال او قرار کار او داده میشود و استجاب سرباز که لفظ  
در روزنا و بروج کتاشته شده است بر یک در مقام خود

روز و شب در تنظیم امور و انجام خدمات متعلقه بخدمت  
و مواظبت بعل می آورند  
دیگر نوشته اند که سابق بر این معمول بود است که باری که  
داخل شهر میشد است در اولان از صاحب ان ماخری  
میکرفته اند نواب مستطاب حاکم السلطنه این قاعده را  
داشند و قدغن نمودند که بعد ازین از باری داخل شهر  
میشود احدی در دروازه چیزی مطالبه نماید تا رعایای  
مرحله در بحال باشند  
دیگر نوشته اند پیش ازین شرب مکررات و خرد و در  
و ارتکاب منایع و طامی در بهرات بطور وضوح و آشکارا بوده  
نواب معزی الیه درین باب بستم بعد از افتتاح شهر قدغن نمودند  
و اول در شیریه خانها گذاشته و چند نفر زن فاحشه  
که بودند آنها را پیش فاضی بلد فرستاده توبه دادند و کسی  
مرکب هرزگی و شرب شراب نمیتواند بشود  
نوز و زمام صفار بچهار سوق آمده بعد اللّه بیک یاور آنها  
کرده بود که بیت روز قبل ازین که زمان محاصره بود عباس  
بقدره توان اموال و اسباب ترموکات خانه ممبرده است  
مشارالیه فرستاده عباس نام را حاضر کردند بعد از تحقیق  
و صدق مدعا ترموکات مفضوبه را کلام مسترد و حساب تمام نمودند  
و نیز ضعیف نبرد عالیجاه عبداللّه بیک آمده مذکور داشته بود  
که شش روز میشود که دختری هفت ساله یافته ام و حساب  
معلوم نسبت مشارالیه مخارجی بجهت آن دختر داده گفت او را  
متوجه باشند تا صاحبش پیدا شود بعد از چهار روز  
مادرش پیدا شده دختر را تسلیم او کردند

۲۰۱۳

### کردستان

از قرار یک در روزنامه کردستان نوشته اند زمان جهان نظام  
 مبارک که در باب فتح بهرات شرف صدویافته بود در بیستم  
 ماه ربیع الاول بانجا پر تو وصول افند. مقترب انخاقان و  
 کردستان با حسیح اعظم واعیان و امالی ولایت تا صلوات  
 دو فسخی سننج با استقبال شرافت و از انجا با اغار و  
 و از دعای تام بانقاره خانه و شیک توپ و زنبورک و از  
 قصبه سننج گردیده عالی و ادانی انغیب بومی مسجد و اولاد  
 که مسجد جامع قصبه بزور است جمع آمده فرمان مهر لمان  
 خطیب در بالای منبر خواند مضمون نظرمون آن را گوشه  
 خاص دعای نمود صغیر و کبیر و برنا و پیر آغاز سرت و ادانی  
 بهجت و کامرانی نموده دکاکین و بازار مارا این بندی و  
 کردند و شبانه روز مردم مشول جشن و سرور بودند و  
 عشرت و سرت را بعل آورند و همچنین در سایر بلوک کرد  
 از جوارزه و او را مان و غیره همه جا شبانه روز این بندی  
 و چراغان نموده کل رعایا و برابا بدعای دوام دولت و از  
 شکت اعلی حضرت قوی شوکت شاه اسلام پناه خدا الله  
 حکم و سلطانه طیب اللسان گردید

### گیلان

از قرار یک در روزنامه رسته نوشته اند امور انولایت از اتمام  
 و حسن رعیت داری امیر الامراء العظام مقترب انخاقان عمید الملک  
 قربن کمال انظام است و رعایا و برابا اسوده خاطر عاکونی است  
 اقدس سربایون شاهنشاهی هشتغال دارند در روز ششم شهر  
 ربیع الاول چا پار حائل فرمان مهر لمان که در باب فتح بهرات  
 شرف صدویافته بود و اردرشت گردیده امیر الامراء

عمید الملک برای ابلاغ این مرده دیند بر مسجد جامع آمده کل  
 نوکرهای دیوان و جمیع اعظم واعیان و جناب مجتهد الزمانی  
 حاجی ملا صادق با ساری علمای بلد حضور بهم رسانده فرمان  
 خطیب سرفر خواند مضمون سرت مشولش را گوشه ادانی  
 و ادانی نموده عموم خلق را سرتی تازه و انباطی بی اندازه بر  
 بازار مارا دکاکین رازیب و ازین داده چراغانی نمودند  
 عمید الملک سرفر عیش و انباط منعقد نموده فرمان مبارک  
 سواد کرده با طرف مجال کبلان از سر قد انزلی و لاهجان و  
 فومن و شفت و دیلمان در انکوه دستاوه همه جا عیش  
 و شادمانی و این بندی و چراغانی شبانه روز فوهم بود  
 و تمام روز در رشت و سر قد انزلی هر روز شیک توپ شد  
 علماء و مجتهدین و اعظم واعیان بلد و تجار و کسب فرقه بفرقه  
 بجهت در مجلس مقترب انخاقان شارالیه حاضر شد. صرف سرت  
 شیرینی میمند عالی و عطا طوف صاحب قنول دولت سینه  
 از بابت ادای رسم تنبیت با اتباع قوسو لگری بدید  
 عمید الملک آمد انهار کمال سرت و شادمانی نموده صرف سرت  
 و جای کرده فرمان مهر لمان را خواسته زیارت نمود  
 سواد انزوی آن برشته و بی نهایت انهار بهجت و سرور  
 کرده بوقت انخاقان معزی الیه انهار نمود که فرح و انباط  
 تنبذ دولت بهیه از استماع این مرده دیند بر و این فتح  
 فیروزگی اثر نفسی است که چنین فتحی سجد اعلی حضرت امیر اطوار  
 روی داده باشد با بچه صغیر و کبیر از وصول این مرده دیند  
 پرور بطوری انهار سرت و نشاط و فرح و انباط نموده  
 بلوار هم عیش و شادمانی و این بندی و چراغانی برود  
 مزیدی بران متصور بود

۲۰۱۲

اخبار دول خارج

از قرار که در اخبار دول خارج نوشته اند مسکوکات مس  
 در ایام جمهوری اخیر در فرانسه سکه شده است بعضی طلاست  
 و از ریسیت در آنها بود علیحضرت امیرالطوفان است  
 که این مسکوکات از میان مردم برداشته شود حکم کرده اند  
 این مسکوکات را هر کس دارد تا ده روز مهلت است که آن  
 بجان حکومت تسلیم و عوض آنرا وجه رایج بگیرد و بعد از ده  
 هر کس از آن مسکوکات بردارد دولت قبول نخواهد کرد و در  
 او راه در کل لایق منع و ممنوعه اعلان کرده  
 دیگر نوشته اند که ملک سیام هندوستان تا کنون هیچ دولتی  
 اختلاط و آمیزش و آمدورفت تجارت نداشت و از خارج  
 قطعاً آمد و شیا میگذشت داخل مملکتش شود چند سال پیش  
 از طرف دولت انگلیس برسپیل توبین و طورهای دیگر با آنها  
 قرار داده شد که فقط دولت انگلیس راه تجارتش با این  
 معصوم باشد  
 دیگر نوشته اند که حکمران مملکت سیام بجهت تحسین و آسایش  
 انگلیس و روس که در دعوا آنها را شجاعت از آنها بل آمده بود  
 از برای چند نفر از سرداران دول نزولشان شمسیه ای  
 روان کرده است و ایچی مذکور دو سه ماه قبل ازین با  
 رسیده و در وادرا نوشته بود مذکور بود روزنامه که این  
 اوقات سید مشارالیه وارد پاریس پایتخت فرانسه شده  
 و مأموریت خود را ایفا نموده با دولت فرانسه هم قرار  
 تجارتنی مانند اینکه با دولت انگلیس گذاشته اند میگذرد  
 دیگر نوشته اند در آمدن سیل بریا در فرانسه چند وقت  
 ازین

که خرابی بسیار بعضی شهرها رسیده و تفصیل آن در روزنامه  
 سابق نوشته سیلاب آنوقت بعضی مجال مار زیاد  
 آورده بود حتی در ایالت ماری فرانسه مرتب بار آورده  
 که بشماره درمی آمد مردم از مضرت آنها آسوده بودند  
 و از خانه ها کتیر بیرون می آمدند دولت فرانسه قرار داد که  
 این مار را را کتلا بگیرند و هر کس هر قدر گرفته باشد آورد  
 یکی نصف دانند که ده شاهی پول ایران باشد بگیرد و در  
 چند روزش نرزه هزار مار تسلیم و یونان کرده پول آنها  
 گرفته و باین قرار اندک مدتی سخاوت کشید که بکلی این مارها  
 هر جا باشند بگیرند و اثری از آنها نگذارد  
 دیگر نوشته اند که نقره در ولایت چین و هندوستان  
 از سایر ولایات کمتر و عزیزتر است و سبب زیادیم کج  
 زینت از نقره بسیارند نقره زیاد بر قیمت خود در این  
 دو ولایت بفروش میرود باین سبب ارباب تجارت  
 آنچه در فرانسه و انگلیس نقره بود بسبب زیاد از قیمت  
 بآن ولایت فرستادند بطوریکه در این دو دولت نقره  
 بسیار کم یاب بلکه بدرجه تمام شدن رسیده است و این  
 تجارت حال با المانیا سرایت کرده رفته رفته نقره اول  
 برچیده میشود بجهت گرفتن جلوه این معادله چند وقت پس  
 صرفان المانیا را کتلا در یکجا جمع کرده و قرار دادند که  
 ازین پولی که داد دستگیر نمایند باید نصف آن را  
 نقره باشد  
 بجهت فرستادن بولایات خارج هر روز در پوسنه خانه لندن  
 روزنامه تسلیم بشود روزی هزار تومان گریه چاپاری این روز  
 میشود از قرار هر روزنامه گیشای پول ایران

دیگر نوشته اند که در سمت جنوبی یکی دنیا در ایالت قانزاز  
 اینک از بلاد حاره است امالی آنجا با مزارع تمسک می توانند بر دارند  
 با آنچه از اهل افریقا که بهوای کرم معنادند غلام سیاه می خردند  
 و کجارت زراعت باز میدارند چون سمت شمالی یکی دنیا قانون  
 از ولایت و غلام و کثیر خریدن و ملوک داشت منخالف قانون  
 آنهاست تاکنون بکرات در مقام مالت برآمده اند و  
 سمت جنوبی قبول نکرده و دست ازین عمل بریده است بالاخره  
 قرار گذاشتند که درین خصوص اکثریت آرا از کدام طرف بود  
 باید بآن راضی باشند لاجل المحاکمه از طرفین باه و کلای  
 تعیین بشهر و این تن که مفر حکومت جمهوری یعنی دنیا است  
 کرده بودند چونکه در شهر مذکور با این مجلس ملی و مجلس اصلزادگان  
 و خوانین از چند و پیش ازین تفرقه و برودت اتفاق افتاد  
 بود و در مجلس ملی مذکور دعای ظاهر ختام پذیرفته باین  
 امالی مرقوم روز بروز این منازعه اشتداد یافته بعد ازین  
 در آنجا ظهور اغتشاش ملحوظ شده مجلس ملی مذکوره بجهت عدم  
 اتفاقان رای یکدیگر را بهم زده عاداتاً نظر کردن هیچ کاری  
 التزام نموده اند حتی تاکنون عساکر جمهوری مبرور در تحت نظارت  
 داخل نبودنشان مایه اختلال شده اینها را بیک اصول و نظایر  
 منبوط نمودن تعینات محاسن آنها را قرار دادن از جانب  
 مجلس ملت قرار داده شده در رئیس جمهوری نیز با آنها متفق  
 شده بود ولی مجلس خوانین و اصلزادگان منخالف رای آنها  
 بوده ایراد بعضی گفتگو نموده اند و این حال امتداد یافته بود  
 خرابی اساس بنای حکومت آنها گردید چندین شش سینه قرار  
 دادند ماده عسکریه از جانب رئیس جمهوری در اغتشاش  
 امالی این دو مجلس دعوت و درین خصوص سه هفته مهامدی

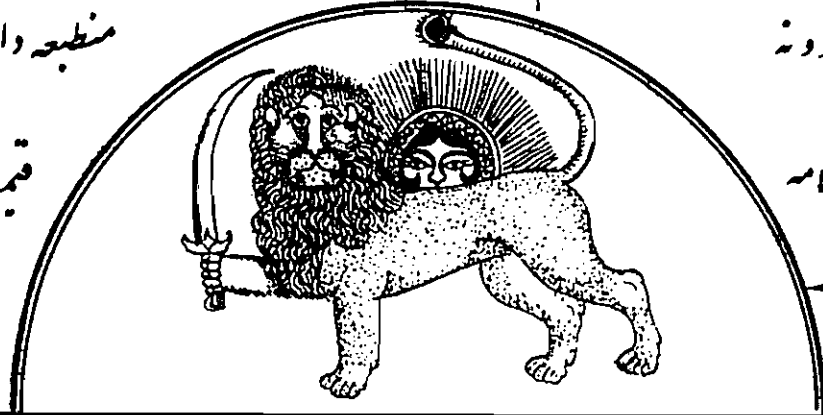
مذکره نمودند باز بجائی رسید رای خوانین و اصلزادگان  
 با رئیس جمهوری متفق نشد تنها رای رئیس جمهور با مجلس ملی  
 و بجهت مقدر نشدن بیرون آوردن پول از خزانه قرار متفرق  
 شدن عساکر بجائی که بخواهند و فرود خن کشتیهای جنگی بدو  
 دادند و با اعلان آن مجبور شدند فی الحقیقه این عدم اتفاق  
 جمهوری مبرور درین نزدیکیها موجب شد فی آنها خواهد بود ولی  
 بموجب روزنامه که بعد رسید نوشته اند که رئیس جمهوری امالی  
 دو مجلس را مجدداً دعوت کرده محاسن تعینات عسکریه را از  
 لازم بیان نموده و بجهت آنها علی الحساب و بجهت از خزانه در آوردن  
 امر و موافقت اصلزادگان و خوانین را نمائند نموده آنها نیز فقط  
 فقره را رضای داده اند  
 بجهت آن در آوردن چیزی تا سیکه بدربار می افتد چون دیده نشود  
 اخراج آن از دریا معتبر است در این اوقات شخصی در زند  
 و برین بنی بلبندی و توزیع اختراع کرده است و تجربه رسانده  
 در جابئی که آب دریا پانزده ذرع عمق داشتند با دریا را خوب  
 بان دو برین میتوان دید هر چه افتاده باشد باستانی بر  
 میتوان آورد و همچنین در روزنامه دیگر نیز نوشته اند که بلخشا  
 هم شخصی بجهت دیدن تهر دریا باستانی یک نوع آلتی احداث  
 کرده است و محسنت او را هم تجربه کرده اند که بجهت در آوردن  
 چیز از تهر دریا بسیار کار میخورد  
 دیگر نوشته اند که از امالی لهستان تاکنون دولت روس قشون  
 ولی اعلیحضرت امپراطور روسیه این قانون را موقوف نموده قرار  
 داده است که از اهل لهستان کس بزبان روسی عالم باشد بخواب  
 در دولت روس خدمت نماید بجهت لیاقت و شان در نظام عسکریه  
 قبول خواهد شد

۲۰۱۶



روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور ماه سنه ۱۲۷۳

منطبه دارالخلافه طهران	نزه سیدونه
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
هر خط یک شمر	هر نسخه یک شمر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین اوقات هوای دارالخلافه مبارک با بعد از است  
و افواج قاهره از توپچی و سرباز و سواره نظام همه روز  
در میدان ارک و میدان خاج دروازه دولت مشغول  
مشق میباشند و بعضی روزها نیز سربازها در سبیل  
شاهنشاهی غیبت تفریح و تماشا فرموده سوار میشوند چنانچه  
در روز شنبه گذشته سوار شد بکارگاه اطراف دارالخلافه  
گردش و تفریح فرمودند و حوالی غروب آفتاب بارک مبارک  
سلطانی مراجعت نمودند

چنانکه در روزنامه های گذشته نوشته شد اگر کسی از سرداران  
معتبر و خوانین معارف افغانستان غم تقبیل عقبه علیه اندوخت  
ابدیت را نموده اند در این اوقات علی التواتر بدر بارگاه  
شاهنشاهی می آیند چنانچه بعضی از آنها که آمدند نوشته شده  
درین روزها هم نتیجه الامر العظام سردار سلطان احمد خان  
پسر مرحوم سردار محمد عظیم خان وارد دربار بجا یون کردیده  
از جانب انسانی دولت علیه لازمه توقیر و احترام در استقبال

و تعیین منزل و مکانها و غیره مشارالیه بعمل آمد  
امروز در اخبار داخله طهران احسن ایتمات نواب مستطاب از  
والا بتبار در شیرمیز قرین انتظام است و اگر بزرگرت دزدی  
اتفاق بیفتد با اتهام نواب مخزی الیه اموال مسروقه پیدا و حبس  
میشود چنانچه در شب غره ایماه دزدی بجزه عالیجا حاجی علی کرگ بر  
رفته قدری سال و اجناس برده بود و فردای آن شب در  
شهر بیرون دروازه دزور با مال بیت آورد مال حبس شد و در  
محبوس شد تا حکم آن شود

چون امپراطور با خاندان درین اوقات خوب منظم است و بوجاهت زود و بی عیب  
چنانچه هر روز در وقت نماز با نوزده روزه بطهران رسانده بودند و نوزده  
روزها یک شوب جبهه ترمه کرمانی بجایجا اسمعیل خان پسر حاجی و یک طایفه  
سال ترمه کرمانی بجایجا میرزا سید حسین مبارک پسر حاجی طایفه  
عالیجا حاجی موسی خان تحویل اکل قورخانه مبارک در راه انداختند  
بولایات و سرحدات نهایت ایتمام را بعمل آورده و خوب انجمنه  
لذا درین روزها محض حجت یک شوب جبهه ترمه بجایجا مبارک  
عنایت شد

### سایر ولایات استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور آن ولایت  
اهتمامات مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخان در عین انتظام  
و انالی آنجا در کمال مینت و آسودگی خاطر بدعا کوئی ذات اقدس  
تالیون شاهنشاهی استعمال دارند

دیکر نوشته اند که در این اوقات بقدرده هزار خانوار کمان  
کوکلان خنوق نشین با هزار خانه اسیر قزلباش که در خنوق  
ساکن بودند بازن و بچه آمده در قاری قلعه ساکن شدند چون  
پناه باین دولت جاوید مدت علیه آورده بودند بملا خطبه  
ایک مبادا از باغیان خنوق و ترکمانان اضداد با نهادت  
شود مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخان ممکن آنها را در قاری  
مصلحت ندید عالیجاه محمد رحیم خان دیوزباشی قلیخان را با  
سوار روانه قاری قلعه نمود که آنها را از آنجا کوچانده بچمن  
کاپوش بیاورد و در آنجا سکنی بدهند

دیکر نوشته اند که در این اوقات برادر خان خنوق با برادر خان  
میوت خنوق نشین بجزم تقبیل عبدالشاهی خلدالد ملکه  
دارد استرآباد شدند مقرب الخاقان ایلیخان لوارم احترام  
وصیافت را از آنها بعل آورده چند روز در آنجا توقف کرد  
اسی از برادر خان خنوق دزد برده بود مقرب الخاقان ایلیخان  
اوم باطراف فرستاده دوروز بعد در تاشک که سیزده  
استرآباد است پیدا کرده بنزد مقرب الخاقان مشاریه  
آورده بنزد برادر خان خنوق بانضمام تعارفاتی دیکر از  
فرستاد مشاریه این روزها از آنجا روانه دربار  
تالیون خواجند بود

دیکر نوشته اند که مخدوم قسلی سلاخ این اوقات مرگ  
شده یک نفر اسیر و چند فدکا و دو کوسفند برده بود  
ایلیخان میخواستند که این اسیر را با اسیران  
از آنها مطالبه نمود آنها نیز تعهد نموده فرستاد آن اسیر را  
با چهار نفر اسیر دیکر که دوسه روز قبل برده بودند بنزد مقرب  
ایلیخان فرستادند ولی خود مخدوم قسلی از بیم مواخذه و سیاست  
متواریت و هنوز بدست نده است

دیکر نوشته اند که در این روزها نوکر استرآباد در امر  
ایلیخان تا ماسان دید از جمله علامهای دیوزباشی قلیخان  
که صد و ده سوار بودند در کمال آراستگی همگی با اسب در آ  
خوب و جوانان زنده و نمایان بنظر آمدند و مقرب الخاقان  
ایلیخان آنها را بسیار پسندید و دیوزباشی قلیخان را خیلی  
نوازش نمود

### کیلان

از فراری که در روزنامه کیلان نوشته اند در ۲۸ شهریور  
عالیجاه محمد شاهره شکا پور کی صاحب قنول دولت بته رس  
مامور قاصد کیلان وارد شهرت کردید عالیجاه میرزا محمد علی مباشر  
باجسی از اعیان شهر تاج شهابیه را بیه استقبال نموده با کمال احترام  
وارد شهر نمودند بکره اسب براق طلاجه سواری عالیجاه قنول مابود  
سید محمد مقرب الخاقان عمید الملک بجهت احترام عالیجاه را بیه فرستاده بوم  
ورد و بپیمانی قنول چنانچه ساری روانه نمود و رسم دید و باز دید طرفین  
آمده آنها کمال بخت و دوستی نسبت بهم کردند و عالیجاه محمد شاهره  
محمد علی مباشر هم خارج کیلان نمودت و بکره بقی تقدم رسانده دید  
دو اوقات دستا از بیم نمودند و عالیجاه عمو طوف صاحب قنول سابقا صاحب  
یوم بعد از ورود عالیجاه قنول جدید روانه سمت خاک دولت بته رس  
کردند

دیگر نوشته اند که در این اوقات جمعی از قطع الطریق با هم اتفاق کرده شهبارا بنیاد اجتماع بر سرخانهای رعایا و دماقین اموال و اسباب آنها را تجارت میبردند مقرب الخاقان عمید الملک بعد از استحضار بر محاسنی جمعی از آدمهای خود را مأمور نمود و عهد کرد که از رعایا و دماقین منزبور را اگر چیزی با هم مخارج و غیره مورد مواخذه و سیات باشند باید بنام کی و اتفاق دماقین مرقومه سارقین را هر کجا باشند دستگیر نمایند مأمورین حسب الامر رفته محل مکان دزدان را مشخص کرده شبانه بر سر آنها تاخته بودند ولی چون شب هنگام بود و اغلب دزدان فرار کرده بودند مگر علی حسین نام دزد معروف با یک نفر دیگر دستگیر شدند آنها نیز در مقرب الخاقان شایر الیه آورده شدند آنها را تلبیه مضبوط کرده تا رفقای خود را قتل دادند و مقدماتی که از اطراف در مقام نقض دزدان منبور برآمده در هر جا هستند آنها را گرفته و برده تا اموال رعایا و دماقین از آنها مسترد شده بعد حکم آنها بشود علی الحساب رعایا از تعدیات دزدان آسوده شده اند و گمان دارند که بزودی همه دستگیر شوند

**گرماتشان**

از فرار یک در دزدان که گرماتشان نوشته اند اموال و ازیات آنهاست نواب مستطاب عماد الدوله قرین نظام کامل کمال آسودگی از برای مالی آنها حاصل است هر کس بجا خود مشغول و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد و نواب مغربی الیه در نظم و رسیدگی با موعیت و انجام خدمات دیوانی لازمه اهتمام بعضی آورند

عالیجاه زین العابدین خان سرمنک فوج کلهر با سر مبارک در کاشان هم روزی مشغول شش میباشند و از جانب صاحب منصبان

کمال انعام در مسقط و انتظام امر آنها میشود و هم چنین عالیجاه سید المدخان سرینب فوج کوران هلهجی با جمعی سواره سنجابی و فوج در سه فرسخی قصر شبرین نشسته بودند امورات محوله بخود میداشتند دیگر نوشته اند که فورخانه جدید که در کرمانشاهان بنا شده است این روزها قریب با تمام است و هر چهار پنج روز یک مرتبه خود نواب عماد الدوله بکرکشی و تماشای آنها میردند و بسیار جا با صفا و سگوه شده است

دیگر نوشته اند که اسال زوار از هر ولایتی زیاده از سالهای دیگر زیارت علبات عالیجات میروند و طرق و شوارع حد کرمانشاهان در کمال اقیامت و مستحطین مشغول حفظ و حراست میباشند که زوار و قوافل با آسودگی و اطمینان عبور و مرور میکنند

دیگر نوشته اند که دو نفر زوار ترک که از علبات مراجع کرده بودند در منزل ماهی رشت در کاروانسرا شب منزل کرده بودند یا بونی داشتند در آنجا فروخته بودند و شب برخواستند بچه تخی با آسی از زوارانی که بعبات میروند برشته و بکار و نمودار گفته بودند باز کن میخواهیم برویم آنهم خالی اغرض در رگشوده و آنها بیرون رفتند صبح صاحب اسب خبر شده که بیان کار و انفراد را ذکر کرد کاروانسرا دار هم صاحب مال را اطمینان داده و خود همان سوار شده متعاقب دزدان تا کرمانشاهان آمده و در راه که منزل کرده بودند رفته دزدان را در خواب دیده بودند رفته نایب داروغه را خبر کرده با اتفاق آمده بودند است و بچه از آنها مسترد و بکار و انفراد تسلیم کرده قبض گرفته بود که بجا برساند و دزدان الان محبوس شدند

۲۰۱۹

دیگر نوشته اند که آبادی شهر کرمان نسبت بسابق خیلی زیاد  
 شده است بطوری که زمین خرابه در شهر نمانده است و جانی که بقا  
 بهفت تومان و هشت تومان داد و ستدی شد حال بصدق  
 خرید و فروش میشود و همچنین مزایع و قرار دارالدوله اکثر مغرب  
 و آباد شده باغات و باغین احداث نموده اند و نواب مستطاب  
 عمادالدوله سالی دو دفعه اکثر بلوکات را گردش نمایند و  
 مردم را بزراعت ترغیب میکنند

### خراسان

از فراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند کمال امانت و  
 انتظام در آن ولایت حاصل است و رعایا و برابرا آسوده خاطر  
 بر عا کونی ذات قدس و ایون شامشای اشتغال دارند  
 اجناس و ماکولات اگر چه نسبت بقدری تنجیر دارد  
 فراوان است و یکجا پیش ازین نوشته اند بهوی ارض افسوس  
 چند روز بدت سرد شد بعد از آن باز طایم گردید تا  
 کنون بازندگی نده است

### شاهرو و بطام

از فراریکه در روزنامه بطام و شاهرو نوشته اند امور  
 آن ولایت قرین انتظام است و عالیجاه تنجیر این العظام حاج  
 حاکم آن ولایت در رفاه و آسودگی رعیت و امانت حراقی سواد  
 و انجام خدمات دیوانی اهتمام کامل بعمل می آورد و عابرن  
 و متردین آسوده خاطر عبور و مرور می نمایند و از اشرار و کج  
 که اغلب اوقات دست اندازی بزوار و متردین می شد  
 اوقات بکلی موقوف است هیچ اثری از آنها در آن صحنه  
 نیست و مع دلت عابرن و متردین را ذل با و ابابا مبرقه و  
 مستحظ مران نموده تا از منازل سامان خود میکذراند

### حمله

از فراریکه در روزنامه حمله نوشته اند امور آن ولایت  
 مراقب عالیجاه معرب الخاقان چراغعلی خان حاکم خمره قرین  
 انتظام است و کسی قدرت حرکت خلاف و بیجانی نسبت  
 بدیگری ندارد و رعایا آسوده خاطر بدجای ذات قدس و ایون  
 شامشای اشتغال دارند

دیگر نوشته اند چند وقت قبل ازین کر بلائی حسن نام آنگندی  
 نبرد عالیجاه میرزا و لیجان نایب الحکومه آمدند مذکور شده بود  
 که تقی نام آنگندی شب آمده بقدر یکصد تومان نقد حسن  
 از خانه من سیرت برده بود صبح رفتم که او را گرفته شبها  
 گفت در بیرون باش تا من اناج خود را بیادرم و با هم  
 بشهر برویم قدری در آنجا مکث کردم ناگاه دیدم صدای  
 شیون از خانه او بلند شد ما بهر آن خود مدبرون رفته  
 دیدیم تیغ دلاکی را بکلوی خود کده داشته بقدر نصف کلوی  
 خود را بریده است بهزار معرکه تیغ را از دست او گرفتند  
 نایب الحکومه دستاورد او را بشهر آوردند و از خود شتر تحقیق  
 نمود بعد از آنکه کلوی خود را بریده بود و هفده بخیه زده بودند  
 ده بخیه آن گرفته و هفت بخیه دیگر پاره شده بود از فراریکه  
 بعد خبر رسید در روز بعد از آن مقدمه بهمان زخم در کده  
 و ملاک شده بود

دیگر نوشته اند که در ولایت حمله چند وقت پیش ازین  
 قدری کران و کم باب شده بود ولی از اتهامات متهمان  
 چراغعلی خان که ما بنا بر داران حکم کرد غله پنجان فرزند  
 مان فراوان وارزان شد و بالفعل کمال فراوانی وارزان  
 حاصله الی آنجا آسوده خاطرند

۲۰۴۰

### اخبار دول خارجی

از قرار یک روزنامه جدیده ایحوادث بسیار هولناک نوشته اند  
در سه ماهه صفر در جزیره زدوس حرکت ارضی وقوع یافته بود  
بنقده ثانیه امتداد یافته بود سببه اینکه آنجا خود را از خانه  
بیرون انداخته بودند مردم آنجا مضرتی نرسید بود ولی غریبه  
بسیار خرابی رسیده بود موجب روزنامه که بعد آمد است نوشته  
بودند که سببه کمال شدت این زلزله یک واپور پوسه که بعد  
میل مسافت از جزیره منوره در دریا حرکت میکرد کینان واپور  
زلزله را احساس کرده و از ترس اینکه مبادا کشتی نسیاهی  
در میانجا نکرند اخته بود ازین زلزله بعضی محل دیوار قلعه آنجا  
و مساجد و کلیساها و دیوارن کتلی خراب شده و در محله های ملت اسلام  
دولت یهود از خانه های که قابل سکنی بودند پنجاه باب خانه خراب  
و از محله روم از یک هزار خانه فقط دو خانه که بتوان سکنی کرد باقی  
مانده ما بعد آنکلی مهندم گردیده و محله فرکیان که دولیب با  
خانه بود با قریب سیصد کارخانه کلا خراب شده جانی که قابل  
سکنی با مانده و در جزیره جزیره منوره نیز خراب و صد  
نفر غیر آدم تلف شده بودند

و همچنین نوشته اند که موجب روزنامه که از گرد آمد هم در  
سیردهم صفر در آنجا هوا بهم خورده باد سیاه شدید در  
گرفت تا ساعت ده از شب رفت یعنی یک ساعت بعد از وقوع  
رو و وس اصوات داشت ایگه از هوا استماع شده و در عقب او  
از شمال رو بخوب زلزله شدیدی و لوله انداز صحر او بیابان  
گردیده رفته رفته شدت کرده تا دو دقیقه امتداد یافته بود  
در آنوقت شب که این زلزله وقوع یافت اغلب مردم در خانه  
خود در خواب بودند ولی از صدای هیس که قبل از وقوع

مردی داد همه بیدار شده از خانه بیرون دویدند و چند  
با شخاص ضرری نرسیده بقدر دولت تلف و بسیار  
مجرور و زخمی شدند و ارجمال شدت این زلزله در حوال  
مد کور که بهانی که بود نبات اصلی آنها هم خورده و دکالین  
بسیار نیز خراب شد و الی گردید با قایم مقام قذیه با اتفاق با آنجا  
رفته و از جانب دولت عثمانی تجویزت بر میه آنها و استی  
و چاراضطراب شد اند فی الحال از اطراف نان و دو خار منسونه  
و سبب کسی که بی منزل مانده بودند چار در راه تدارک دیده  
آنجا توزیع و تقسیم نمودند و همچنین از اسپانول هم بوصول  
خبر مقدار وانی آورد یکما و سه بها با آنجا روانه نمودند کایا  
آنجا تقسیم شود

از قرار یک روزنامه اسپانول نوشته اند سر وکیل دولت  
نار و ایز نام سعادت و غار ان در دودخ از اسپانول  
شده بود و تا این اوقات در پاریس پای تخت فرانسیم  
در این اوقات بلکه اسپانول او را بعد در دست و سر وکیل دولت  
منزبور باز بفرستد و مفوض داشته است

و همچنین که سابقا اختلال مملکت اسپانول شده بود بعضی از آنها  
شده و مجوس گردید بود داخل پاریس و چیل شده هوا  
و ملاک موجود آنها از جانب دولت اسپانول مصادره و کانی که صاحب  
و مضرب بودند به منصب آنها را نیز رفع نموده بود در این اوقات که  
سر وکیل دولت منور بشهر مدیتره رفت از جانب مکه اسپانول  
تعیین ریاست کتلی غوغوشه و آنها که مالک دیگر رفته اند در صورت  
مرحبت برقرار شدن آنها با توری فور حکم شده است ولی ربه  
سابق آنها با ملاک و امون حکم شده است که با آنها داده شود  
گذارش از جانب مکه اسپانول اعلام شده است

۲۰۲۱

دیگر نوشته اند که در شهر مدیس هندوستان که در حقیقت  
 شرقی هندوستان واقع است از جانب فرمایند  
 اعلام شده است که در سال آینده یک عمارتی مانند عمارت  
 بلور که در لندن و پاریس دیده شد و نقاشی و معماری  
 خلق گشته بودند برپا نمایند و مثل آن عمارت هم در حیدرآباد  
 باز عمارتی برپا شود در زمین عمارتها قرار بر این است که از  
 امتعه و نقاشی دل دیگر چیزی گذاشته نشود فقط از محصولات  
 ارضیه و صنایع هندوستان در آنجا سبزه تاش گذاشته  
 میشود

سابقا نوشته شده بود که حکم از ملک سیام هندوستان  
 بجهت صاحب مصلحت دول فرانسه و روس و انگلیس که در  
 آنجا شجاعت از آنها بجا آورده بود شش قطعه شش  
 خود را مخصوص امور ارسال داشته بود و در وقت  
 منوچر پاریس پای تخت فرانسه در روزهای سابق نوشته  
 شده بود بموجب اخباری که این اوقات رسیدت را این  
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه شرفیاب و نامر خود را اطلاع نمود  
 التفات امپراطوری شده است از وضع طبقات و نژاد منوچر  
 و مسرمان او نوشته اند که کلاه سیاه بسیار بلند بپوشیدند  
 و جبهه سرخ میپوشند در حالتی که بجای میروند در دست آنها  
 انبیا کی شکر و یکی سایر چیزها و تخته ای دیگر میگیرند و گویا این  
 مرحله را اطهار احشام مینامند و این دستاوردان حکمران  
 سیام در نظر بودند وقتی که بحضور امپراطور میفرستند سوار  
 شده و او همایشان در عقب آنها بان بیات که مذکور شد  
 بودند و مالی پاریس خلق بسیار بجهت تماشای آنها در کچه  
 کرده بودند

دیگر نوشته اند که در پاریس پای تخت فرانسه تاکنون  
 از برای اهل اسلام قبرستان علاقه نبود در این اوقات  
 اعلیحضرت امپراطور فرانسه جهت دفن جنازه اهل اسلام  
 هفتشت هزار دوزخ زمین مشخص کرده و در او داده اند  
 دیوار کشیده اند و یک مسجد نیز در آنجا بنا گذاشته اند

دیگر نوشته اند که در نوزدهم ماه صفر در استان رسته  
 از طاعت بود و خیلی نفوس در ضمن اجرای این در معبد خود  
 شده بود و درین بین یک شخصان بزرگ که در بالای معبد  
 بود برین افتاد از صدای آن هیو دیها و اهنگ کرده بودند  
 که معبدشاید میخورد خراب بشود هجوم آورده بودند که از  
 معبد بیرون بیایند از بسکه رویا هم ریخته بودند در وقت  
 چند دقیقه بعد در پنجاه نفر آنها در زیر دست و پا پامال  
 و هلاک گردیده بودند مثل این هم در بیت و سیم ماه منوچر  
 لندن اتفاق افتاده است شخصی مشهور بعلم و فضل بعضی اشخاص  
 اعلام کرده بود که حاضر بشوند و درس بگویند خلق زیاد بجهت  
 تفریح تماشای درس او در آن مجمع حاضر شده بودند چند  
 لیه برهم با هدی که تمهید کرده بودند که این مردم را بواهمه  
 بیندازند تا در برهنه گردی آنها کارشان از پیش برود و در  
 در میان این مردم هر یک در طریقی نوشته بودند تا کاه از  
 خود بسته و فریادکنان بیرون دویده بودند که اینک زلزله  
 مردم از راه بر سر هم ریخته و هجوم آورده بودند که بیرون  
 بیایند گذشته از آنکه گویه بر ما مبالغی از آنها زده بودند  
 بیت سی نفر در زیر پامال و هلاک شده بودند

۲۰۲۲

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشیدیه روز سوم شنبه دی الاولی مطابق سال لوی میل ۱۲۷۳

نمره سیصد و ده

قیمت روزنامه

هر نسخه شش



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

بر هر خطی

## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

و العظام

موجب استهوارنامه دولتی ماموریت مقرب انخاقان امیرالاعظم  
 میرزا محمد خان کسکچی باشی دربارهایون و مقرب انخاقان امیرالاعظم  
 فضلعلی خان بیکر یکی و امیرتومان و سایر مامورین که نوشته شد  
 بحکام روانه شدن مامورین معزنی الیه از جانب سنی انجوا  
 آقدس علیون شاه دین خلد الله ملکه و سلطانه لازم است  
 و توجهات ملوکانه در حق هر یک ایشان بعمل آید چنانکه  
 نفیس علیون تشریف فرمای باغ دولتی که مقرب انخاقان کسکچی  
 نقل مکان بانجا کرده بودند و انواع همتهما در حق او بعض  
 آورند و از جمله اسبی از اسبان خاصه پادشاهی بایراق  
 طلا و مرقع باو و یک ثوب جبهه ترمه و قلعه بسیار خوب  
 مقرب انخاقان فضلعلی خان امیرتومان التفات و عنایت  
 فرمودند و از انجا بیاع نظامیه متعلق بجناب جلالت آتای  
 ارفع امجد محترم صدر عظیم دام اجلاله العالی تشریف فرماید  
 صاحب مضبان و سران سپاه ابوالجمعی معزنی انخاقان معزنی  
 از توپخانه و سر باز و غیره احضار و بهر یک ایشان بدل

ملوکانه فرمودند و همگی در کف حرمت باری و امیدواری  
 بر احم اعلی حضرت شهر باری بکمال ارادت و جانفشانی  
 روانه محل ماموریت گشتند  
 نتیجه الامر العظام سردار سلطان احمد خان پسر مرحوم سردار  
 محمد عظیم خان کابلی که شخص مجمل و کامل و از اعظم سرداران  
 و خوانین کابل است و بندهای بزرگ ارسته است و باو  
 کفایت و شجاعت انصاف دارد برای خدمتگذاری دولت  
 جادید آیت عنایت شرفیابی یکبار مبارک نموده بود چنانکه  
 در روزنامه معینه گذشته نوشته شد با عزاز و اکرام تمام  
 دارالخلافه الباهره گردید در روز یکشنبه معتم جادی الاولی  
 اول خدمت جناب جلالت آتای شرف امجد صدر عظیم  
 لازم بود قیر و اکرام از او بعمل آمده بعد از آن شرفان حضور  
 لامع النور سرکار اعلی حضرت آقدس علیون شایسته میضانب  
 ایام شوکه عن التناهی سنده بالطف خاطر هایون مفتخر  
 صابهی گردید  
 نواب سردار شاه دوله خان پسر مرحوم نواب محمد زان

۲۰۲۳

کافی در روز و شبانه در جادی الاول با کمال اعزاز و کرامت  
 وارد دارالخلافه قاهره گردیده برای خدمتگذاری دولت  
 ایسلام و او طلب نامه است و از جانب سنی احوال یونان  
 احترامات از دستاورد مستقبلی غیره بعل آمده روز قبل و کمال  
 شایستگی وارد گردید و اگر چه هنوز شرفیاب حضور یونان نشد  
 و خدمت جناب اشرف امجد ارفع نرسیده است لکن از طرف  
 معروف است و ملاحظه میشود سردار معتمدی ایله نیز از اشخاص  
 کامل و کافی است و بکلمات و هنرمای زیاد موصوف است  
 و هر یک از سرداران معتمدی ایلهها سوارهای رشید افغان  
 دارند و او طلب خدمت مستند که با همان سوار مخصوص  
 بهر یک از اطراف دولت علیه که از جانب سنی احوال یونان  
 مقرر شود روانه شده در مقابل خصم دولت مصدر بهر نوع  
 جانفشانی و خدمت با تارای اقدس یونان در امویت  
 آنها بکدام جانب اقتضا فرماید و چه سنج و سچ استعداد و عهد  
 ایشان را مأمور خدمت فرماید

بعد از آنکه خبر هنور قشون نخلیس بی محابا ورود آنها بشهر  
 اطراف ممالک محروسه ایران انتشار یافت غیرت ملت  
 عصبیت املی مملکت سچوش آمد در هر جا و او طلب خدمت  
 شده از جمله مقرب الخاقان جعفر قلینجان ایلیخانی بیکر کی سرتیپ  
 عریضه عرض کرده بود که سه هزار سوار و او طلب خوب مستعد  
 دارم و هستم عا دارم که خودم را هم با سوار احضار فرمایند  
 و در سرحداتی که قشون دولت مشغول جنگ هستند مأمور خدمت  
 نمایند مسئول او در خاکپای یونان مقبول افتاده امر مقرر  
 که بزودی سواران زبور را بر داشته بیاورد و همچنین مقرب الخاقان  
 میرزا حسن خان حاکم عراق و عموم اهل عراق عریضه عرض کرده و

خدمت شد اندک سه هزار نفر سواره و پیاده و او طلب سان  
 موجود داریم علاوه بر نوکرد ولتی بهر جا اولیای دولت علیه  
 و مأمور فرمایند سرو جان بر کف گرفته خدمت شتابند حکمی که از جانب  
 اولیای دولت علیه لازم بود در جواب عرض مقرب الخاقان  
 و اهل عراق صادر شد و شاهد تعالی عنقریب از سایر ولایات  
 ممالک محروسه ایسلام جان نثاران خدمتگذاران از خدمت  
 و او طلب خدمت علاوه بر نوکرد یونانی در سر خدمت حاضر خواهند

بود  
**امور قشونی**

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران اعتدال دارد  
 قاهره نظام متوقف دارالخلافه مبارکه از توپچی و زنبورچی  
 سواره نظام و سرباز نیمه روزه در میدان ارک و میدان  
 خاج دروازه دولت مشغول تیر اندازی و شش و تعلیم و تعلیم  
 نظامی میشوند و از جانب صاحب مضبان و معلمین کمال سعی  
 و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آید و همچنین امور  
 قورخانه و جبهه خانها در عین انتظام است و تمامی اصناف  
 کارخانجات مشغول ساختن اسلحه و اسباب نظام و غیر نظام  
 و ریختن کلوله توپ و تفنگ و ساختن فشنگ سایر آلات و ادوات  
 حرب میباشد و در هر باب امور قورخانه و جبهه خانها  
 انتظام را دارد و از جانب کارگذاران دیوانی نهایت مراقبت  
 و اهتمام در انتظام امر آنها میشود علی التوالی اسباب قورخانه  
 و توپخانه تهیه و تدارک دیده شده لبر حدمات ممالک محروسه  
 هر جا که لازم باشد فرستاده میشود

عالیجاه عبدالعزیز خان سرتیپ با سوار سکی جمعی مشارالیه از  
 آذربایجان حاضر رکاب حضرت امینت ب یونان شده و

۲۰۲۴



سواره جو در داده در روز یکشنبه که ششمین روز است  
 قوی سوکت شاهنشاهی ایدالجهت شریف فرمای میدان که  
 شده سواره مزبور را ملاحظه فرموده و احاد و افراد سواره  
 یکی یکی از حضور حضور مبارک گذشته چون کمال را استیجاب  
 داشتند جایگاه مشارالیه و سواره مزبور مورد تحسین و تکریم  
 و التفات ملوکانه گردیدند و حسب الامر هر قدر مواجب  
 داشتند با نهاد داده مأمور سردار فارس گردیدند

عالیجاه محبتی خان سرکرده سواره سون ار با شصت نفر  
 سواره فشار شاهسون بر کاتبی روزی انتساب جایون  
 حاضر شدند و حسب الامر آهوس شاهنشاهی مقررات که  
 این روز و روز شکرزیان عظام سان آنها را دیده  
 مواجب و تدارکات لازم آنها را داده باید اراکات  
 روانه سمت هرات و افغانستان بشوند

سواره سون قوت بیکلوجهی عالیجاه امیر خان سیرت که  
 مدت زمانی است از خدمت خراسان مراجعت کرده  
 بر کاتب حضرت انتساب جایون حاضر شدند و این روز و روز  
 آنها را دیده و تدارکات و مواجب آنها را پدیدارند و حسب الامر  
 آهوس سرکار علیحضرت شاهنشاهی مقررات که روزیکشنبه  
 و دوشنبه از دربار جایون حرکت کرده سمت سرحدات  
 فارس بردند و در عرض راه باردوی امیرالامراء انضمام  
 کشیکباشی ملحق شوند

از متعلمین در سواد الفنون که از علوم توپخانه و هند  
 و غیره سرشته کامل بهم رسانده و ما هر شده بودند  
 اشخاص مفصله مأمور بار دومی جنگی دولت شده اند که در  
 مامور در هرات و اینسان مأمور محومه  
 مام میرزا مصطفی قلیان میرزا فضل الله داغمانی

مأمور سردار فارس  
 و امیرخان محمد مصطفی قلیان  
 محمد آقا مصطفی قلیان

باصحاب منصبیان عیال که حضرت مامور مشغول خدمت  
 باشند

این اوقات حکم باحضار حضور آذربایجان در ولایت باشد که علی صاحب  
 مفصله حاضر شوند و بپردت و بنا و مأمور گردند و سوای مأمورین این  
 بدین موجب مأمور می شود باتوب

فارس	۱۰۰
پیکه	۲۰
اوجان	۱۰
کلیف	۵

عظام	۱۰
دندان	۵
کتاب	۲

کتاب	۱۰
کتاب	۵
کتاب	۳

کتاب	۱۰
کتاب	۵
کتاب	۳

نظر عیالت و سبکی عیال مقرب حضرت العبد القاضی خان یاب و هم  
 که مشهود ظاهر است علیکره درین اوقات بمصطفی قلیان  
 به شکر سزاوار شد و زمان جایون شرف صدور یافته گشت  
 حبه تره کشمیری در از اهمیت مزبور مشارالیه خلعت  
 گردید

**سایر ولایات**

۲۰۲۵

### ختم

از قرار یک در روزنامه ختم نوشته اند عالیجاه مقرب الخاقان  
 چراغعلیخان حاکم ختم در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی  
 رعیت و انجام خدمات دیوانی نهایت مراقبت و اهتمام برعل  
 می آورد و در اواخر ربیع الثانی سببه سرکشی در رسیدگی دانت  
 خالصه فت دور هر جا که مذبذبه و تخفیف و غیره لازم بود داده  
 رعایا آسوده خاطر مشغول امر زراعت و عیسی خود دعا گوئی  
 دانت آقدس علیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان بهمانند  
 و در کمال مراقبت و رسیدگی مقرب الخاقان مشارالیه احدی  
 از مضایق و مباشرین دنیاری با حدی تعدی در بیادنی  
 مکنند و رعایا و زارعین زیاد از این معنی دعا گو و شکر گویانند  
 و نیز نوشته اند که کمال ارزانی و فراوانی در آن ولایت حاصل  
 و کندم زیاد بشهر نجان می آید بطوریکه بازار خبازان کشته  
 و نشان بروز دیگر میمانند و خریدارند درین خصوص  
 نیز مقرب الخاقان چراغعلیخان آمده شکایت ارگ دی  
 بازار خود و عدم خریداران سببه زیاد آمدن غله با نولایت  
 مقرب الخاقان مشارالیه محض سلامتی وجود فایض موجود  
 شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان بهی دیوانی خبازان را که  
 سی تومان بود تخفیف داد مردم آنولایت جماعت خبازان معنی  
 راضی و کزبان عابدی دانت آقدس علیون کسود  
 دیگر نوشته اند که دو فوج مراغه ابو جمعی مقرب الخاقان جمع  
 قاجار میر خچه که احضار مبر بار معدلت مدارهایون شده  
 در ورود نجان ماروازه شدن از آنجا کمال خوش سلیکی از آنها  
 سببه حسن مراقبت مقرب الخاقان مشارالیه ظاهر کرد بطوریکه کس  
 که اینها زوارند با سبزه و انالی ولایت کمال ضامن از حسن کسود  
 نوشتند

### گروس

از قرار یک در روزنامه گروس نوشته اند از اتهامات  
 عالیجاه مقرب الخاقان زین العابدین خان حاکم گروس  
 کمال امنیت و انتظام و فراوانی و ارزانی در آنولایت حاصل  
 و هوای آنجا نسبت به الهای دیگر بسیار معتدل و خوب است  
 و زمان مهر لعلان مژده فتح هرات که در ماه ربیع الثانی با  
 بر تو وصول افتد بود در بیجا رواجهای دیگر گروس هفت  
 شبانه روز این بندی و چراغانی کرده بلوارم عیش و سرور  
 و شادمانی پرداخته درین هفت شبانه روز مقرب الخاقان  
 زین العابدین خان شربت و شیرینی و شام و نهار با عیال  
 و اشراف و انالی ولایت و غیره داده و همه مردم بدعا گو  
 دانت آقدس علیون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان اشتغال  
 داشته اند

### کرمان

از قرار یک در روزنامه کرمان نوشته اند نواب مستطاب  
 عماد الدوله حکمران کرمان در نظم امر ولایت و آسودگی  
 و رفاه رعیت و انجام خدمات دیوانی در رسیدگی با امور  
 نصرت و جسام و سایر نوکر کمال مراقبت و اهتمام برعل  
 و افواج قاهره متوقف آنولایت را فوج فوج مدار الدوله  
 کرمان آن خواسته بعد از رسیدگی بان در سایر  
 مواجب و چند روز مش در کرمان آن مرخص محل و مکان  
 خودشان بنمایند و هم چنین در امر توپخانه و سنان توپ  
 و سنان توپخانه و انتظام امر آنها مراقبت تام برعل اورده  
 و قرار گذاشته اند که از اسباب توپخانه هر چه کسر باشد  
 فزویان خوب با بیاع کرده داغ توپخانه نمایند

۲۰۲۶

اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه اسلامبول نوشته اند که شش  
 وقوع زلزله و خرابی که بجزیره رودس روی داده  
 در روزنامه هفتگه نوشته شده است هشتم ماه ربیع الاول  
 بم از صبح در جزیره مزبوره بنای بارندگی شده و در فتره  
 است ادیافت نامزدیک غروب آفتاب طوفان بسیار شدیدی  
 ظهور کرده و بچند محل صاعقه نزول کرده بود و از جمله یکی ازین  
 صاعقهها بدرون شهر است بروی بار و ط خانه آنجا  
 بقدر رسیدن از قطار بار و ط که در آنجا بود فوراً آتش گرفته  
 و از شدت صدای مهیب آن جزیره مزبور از زلزله سابق  
 سحرکت آمد در جوار بار و ط خانه مذکور یک مسجد و بقدر رسیدن  
 خانه و دو کابین بسیار خراب شد و در زیر این خرابیها آدم هم  
 مانده بود فی الحال پاشا که والی جزایر بحر سفید است با مأمورین  
 و سایر سیدستانها را که در زیر خرابی مانده بودند سالماً  
 بیرون آوردند و بعضی را هم دیر لبرون رسیدند در زیر  
 خرابی هلاک شده بودند  
 و همچنین در چهاردهم ماه مزبور ساعت در سهفت در یک  
 در محل حقور نام از کتبه بنا جو در خانه حسن افندی از تبعه  
 عثمانی که پایاس روم سکن بود قضا اللش ظهور کرده در عقب  
 عت کرشانه و مأمورین سیریه رسیده هر قدر باطنهای آن  
 بودند بجهت سنگنا بودن محل مزبور و شدت وزیدن باد سوز  
 آنجا چند شعبه شده تا هفت ساعت امداد یافته و تخمیناً شصت  
 خانه سوخته شد  
 دیگر از اخبار دول اوروپا نوشته اند که دولت روس تا کنون

در کار خنجات و با بجهت خدمات دیگر از تبعه دول غیر کبریا  
 در خیل کار و صنعتی میکردند در این اوقات اعلیحضرت امپراتور  
 روس این قانون را برسم زده و قرار داده است که از  
 تبعه هر دولت که خواهد باشد کسیکه در صنعت چهارش  
 کامل باشد و بمالک روس برود علاوه بر اینکه در کار  
 که برای آن صنعت است بکار بازمی دارند در حق او تمیز  
 امتیاز نیز داده می شود و این فقره را چند وقیش این  
 در روزنامه اعلان کرده بودند بموجب اخباری که درین  
 رسیده است فرار داده اند که ازین اشخاص اگر کسی در  
 دولت متبوعه خودش ششم و مقصر باشد در کار خنجات  
 دولت مزبور قبول نمایند  
 دیگر نوشته اند که در شش سال قبل ازین دولت است  
 اجا کر خود لباس ماهوت میداد یک صاحب کارخانه ماهوت  
 در دادن ماهوت بدیوان تقلب کرده و بقدر سی نفرم  
 از صاحب منصبان عا کر در تقلب او شرکت و اتفاق  
 کرده بودند و وجهی که تقلب کرده بودند بقدر دویست  
 هزار تومان پول این ولایت بود بعد از آنکه حیانت صاحب  
 کارخانه و صاحب منصبان بموجب ادرا خودشان معلوم  
 دولت شد همه آنها را محبس انداختند و اموال موجود  
 صاحب کارخانه مزبور نیز ضبط دیوان گردید  
 در شش سال قبل ازین امانی طوسقانه را سر شماری کرد  
 بودند یک طمان و ششصد هزار کس که سه گرو و صد  
 کس بجات این ولایت با سر شماری ذکور و انانث  
 ولایت مزبور شده بود در این اوقات که مجد و اسر شماری

۲۰۲۷

کرده اند یک بیان و شصتصد هزار کس بقلم آمده است  
که سه کرو و سیصد هزار کس باشد و با این حساب  
این شش سال دولت هزار کس نمانده اند

اجباری که این اوقات رسیده است سفیرین را بیجا  
در اوایل شهر ربیع الاول بپاریس بولند رسیده  
بدولتهای خود بیان کیفیت نمودند درین خصوص بجهت  
بعضی چیزها اعلیحضرت امپراطور فرانسه سفیر انگلیس را که  
از ناپولی معاودت نموده بلندن رفته بود از لندن پاریس

دعوت کرده است

واقع و در تحت حکومت جمعیته یکی دیناست اول جانی  
بود که بهر چند دولت نفر در آنجا سکنی داشته بودند نام  
شخصی که حال رئیس جمهوریه میشود در رسکامی که مرتبه یوزنا  
داشت یعنی ده سال قبل ازین بتقدیرش امور آنجا مامور شد  
بایالت مرفور رفت و بجهت اینکه در معدنیات سرشته  
کامل داشت شهر مزبور را سه ماه معدن طلا دیده بود در  
بقدر قوه و بصاعت خود از آنجا بعضی زمینها خریده بود

دولت ناپولی در این اوقات امانی ولایت خود شش را  
سرشماری کرده است ذکور و انانثا نه بیان که بچند گروه  
این ولایت باشد بقلم در آمده اند و از اینها دو طیمان که چهار  
کردند با فقط اهل جزیره سیلیا شدند

بعد از آن معاودت کرده این کیفیت را بهر کس نشود  
اعلان کرد و در ثانی با سخاوت محبت نموده منافع کثیره عاید  
اوشده بود از آنوقت از هر ولایتی مردم بجهت در آوردن  
طلا با آنجا رفو جمعیت کردند و طلای بسیار حاصل نمودند  
چنانچه در روزنامه های گذشته نوشته شد حال جمعیت  
آنجا که اول دولت نفر بیشتر نبود بدولت هزار کس  
رسیده

دیگر نوشته اند که دول فرانکستان اغلب با یکدیگر خویشی  
قرابت نمودن و باین وسیله مابانی دوستی و محادنت را  
موسود داشتن از اصول قدیمه آنها و از چند صد سال قبل تاکنون  
معمول میدارند و جنلی از دول مزبور باین اصول عایت کرده  
با یکدیگر قرابت حاصل کرده اند در این اوقات نیز برادر اعلیحضرت  
امپراطور استریتیه پرنس مقبلیین دختر فرانس بلجیقا را اراده  
که تزویج نماید و از قراریکه نوشته اند بعد ازین رسم عروسی

و شهر معطسی شده است

انها اجری خواهد شد

بموجب اجباری که چند دفعه در روزنامه ها نوشته شده است  
در ضمن معاملات بلکه از جانب دولتین انگلیس و فرانسه  
تکلفات و اخطارانی که بدولت ناپولی شده بود بجهت عدم  
قبول دولت ناپولی سفرای دولتین مزبور که در ناپولی  
بودند بر حسب تعلیماتی که وردست داشتند قطع نمائید  
نموده بمالک دولت متبوعه خود مراعیت کردند از قرار

دیگر نوشته اند که در قبضه پپین در ملک بلجیقا است پنج شش نفر طفل در کنار  
حوضی بازی میکردند سه نفر آنها ماکا بچو خرافا قناد آنها که نرگز نمیدانند  
از خوف فرار کردند و یکی که از آنها کوچکتر است چهار ساله بود غیرتین قبول فرار  
نکرده خود را بچو خرافا انداخته و هر طور بود آن طفل را لم بیرون آورد  
و بجهت اینکه از طفل چهار ساله اینکو غیرتیندی و حقیقتا ل غارت او در  
مورد همان دولت نوشته شده و آن دولت مزبور یک قطعه ن باد و لوله

# روزنامه قایم القایه تاریخ پوخت نیچوم سهر دی لی بول لویس ۱۲۷۳

نمره سید و یازده

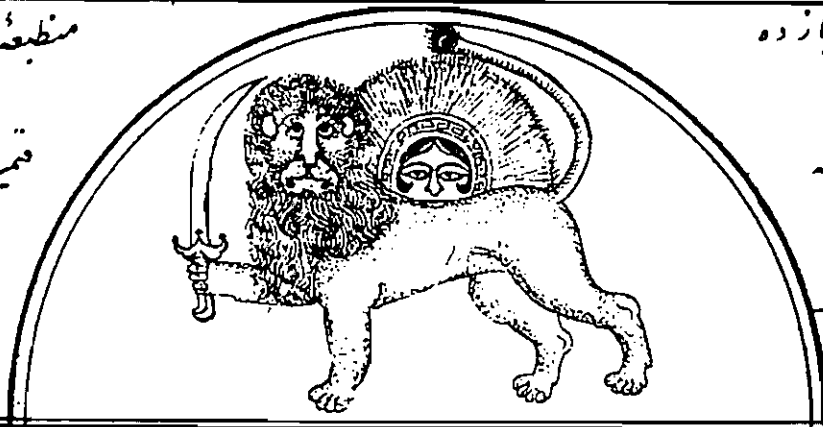
منطبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شاهی

هر خط پوختی هر



## اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

چون قاعده معمول کل دولت این است که باده و لتهائی  
 طریق سلم و صفوت دارند مرتب دوستی و مسالمت آنهارا بهینه  
 خود نگاه نمایند همچین باد که بنای خاصیت شود عیال خود را اعلام  
 در این اوقات که قرار کرد ولت علیه ایران دولت سبب نزاع و محاسبت  
 انجامید لازم آمد که بهجوم امالی ممالک محروسه ایران بموجب فریاد  
 این فقره اعلام شود علی بن فرهادین عمل دلیایا محروسه شرف صدور یافته  
 از جمله فرمانی که بعد از افتتاح نواب بنزاده اعظم و الامتبار او میرزا  
 دارالخلافه شرف صدور یافته بود که گوشه دعوای امالی دارالخلافه علیه ایران  
 اعلام اعلام و انقضای آنرا و امر اوعیان و اعا و ارکان و بر طاعت  
 از وضع شریف نمایند بود روز پنجشنبه ۱۱ شهریور لایحه مجمع عمومی درسام  
 پادشاهی و درخلافه منتهی کرد که مضایقت این فرمان مجوز استماع  
 چون امالی ملک دولت بعد از اطلاع اجمالی برکنایه خاطر بمایون نقل اللهی  
 ممالک قایم ام و نسبت به جم غلایق ولی الامر و ام مستند هر کدام فرزند حال  
 عرضی داد که میخواهند به جمع مایون خسرو ابرسد و عامه ناس را بمعنی  
 دسترس نبود لکن بواسطه حضرت علما و مجتهدین که الله الهم از جناب شرف  
 اجدار رفع فحش صدر ام دام ظل العالی استعدا و درخوا نمودند که لیس

داشته در آن مجمع عام حضوریم برسد نام مردم عرضهای خود را بلا واسطه  
 با هیاتت من و من دارند حضرت علما شریعت حضرت صدرت شاهی  
 نوشته که بجزایه درین روزنامه نقل شود بشرحی میسازد از قرار که لایحه  
 شاهزاده و الامتبار میرزا حاکم دارالخلافه اعلام فرموده بود که بایا دستخط  
 مبارک از جناب شاهی بخواهند ایون شاهی صان الله که عن امالی بافتخار  
 صادر شده که باین ملت ابلاغ نماید در مجمع و اجماعی گذارده اند که در  
 شاه جمع فرمان هایون را بخواهند بهی امدم مهم در تمام احوال احوالی  
 هر یک بیانی عرض شده عا خواهند داد برای همه ممکن شود اسدی خود را بجا  
 مایون عرض دارند لکن لازم است جناب لتهائی که رئیس کل ملت و شخص اول  
 دولت مطلقه جناب شاهی بخواهند ایون دارند و ختم کنند بشرف سیاه و بر  
 خواندن فرمان مایون مردم عسر ایض خود را معروض و نیت معصوم خود را بجا  
 عرضت مع چون اینطور است و جوان مردم بخواهند محترم بعضی جناب صدر  
 رسید ایجا بالمشورتم در سجده حضور بکنند و جمعی از اعیان دولت و ارکان  
 حضرت هم در خدمت بوده ان حاضر شدند و عالیجا خطیبی شاهی  
 با لارقه دستخط و فرمان مایون را که افتتاح بفرستند بستان  
 دولت محتاجه موقوفین دارالخلافه شده بود با و از بلند شروع  
 نموده و بسج حاضرین و ستمین رسانید

۲۰۲۹

# سواد و سبب مبارک که در صدر فرمان هایون مسیح و مزمین گردیده

میدانیم لیکن در مجموعی مقام عهد شکنی با بارخواست و عساکر کشیدی  
جنگی خود را داخل صلح فارس نمود و بند مغظم این دولت را  
که جبارت از بوشهر باشد علی الغفله آمده متصرف شد و احوال

بر همه معلوم و پناه است که ما همیشه تا پیش از آن عهد که خلافت  
غیرت و خصیت دین و دولت در میان نباشد راضی بصفای  
و جدال و قتال نیستیم و قیامک شرح این فرمان را که گمان دولت  
انگلیس که خود را دست قدیم این دولت بدستد این نوع سبب  
و حرکات متفراتر و دشمنهای آشکار و پنهان خواهند دولت اسلام  
ذیل خود کنند بر صحنه ظهور و بروز رسد و ابد این خلیفه  
اسلام ندانند باشند و روز بروز بر تکالیف شایسته خود بفرستند  
استدما هم تا و روزه داشته باشیم بر واجب بلکه بر جمع اهل اسلام  
عموما و تشیع خصوصا لازم است که کمر بست بر میان بسته باد  
غرض خصم از دماغ او بخواست خداوند تعالی و توجیه غیر  
صلوات الله و سلامه علیه و آله در رضی علی هدیه الضلوه و السلام  
پس چون کنیم تا اینکه بدانند و بفهمند که منت دولت غمور ایران  
و اسلام مملکت خود را که سالهاست با غیرت و غنث و شوکت  
راه فرشته اند و بر همه نفوذ داشته و زبل تپید و تپید دولت انگلیس  
خواست من که پادشاه مملکت ستم دین راه ناهید جاساده ام  
نوکران و رعایای غمور ما را از آنها نخواهند که شت فی شمر

و تقدمات عظیمه ایچی کسپر را در اسلام قبول که در حفظ رشته  
دوستی و مسامت با ایچی کسپر بکلیس در میان داشت بیس کوفت  
و محل اعتبار است اینطور بی مبالائی و تکلیفات غیر محققه در حق  
دولت ما را داشت لهذا ما نیز بعد از ملاحظه چنین رفاخصه  
دولت انگلیس بجهت حفظ ناموس دین و دولت خود متوکلا علی الله  
همه جاساده و ام ایالی ملت بیدینان عزیز با کبر بغیرت و عصیت  
و مردانگی معروف شد و سالها در سایه حرمت پادشاه اسلام  
واجب و کرام ما انار الله بر اینهم بعزت و آبرو گذرازه مجتهدها  
و اوقاتا دیده اند البته ما را آنها نخواهند که شت بیامی غیرت  
شجاعت و مردانگی استوار خواهند داشت همگی مردم بعد از این  
این الفاظ و فرمایشهای غیرت آمیز متفقاً باللفظ اظهار ارادت  
اطاعت نموده عرض کردند که در راه پادشاه رؤف مظلوم  
اسلام پناه و حفظ ناموس ملت و دین خود با جان مال و  
عیال اولاد و استاده ایم و از بذل و انثار هیچکدام درین راه که  
عین سعادت و بختی دنیا و آخرت است فرود گذار نخواهیم کرد و بجز  
از جانب شرف ارفع امجد صدارت پناهی ام ظله افاضند عیینه  
که این عرض شده عامی و فانه مخلصانیش از بعضی امی حجت است

جمادی الاولی ۱۲۷۲

و بجز مضاین فرمان هایون هم این بود که نوآب انیسر جانان  
حفظ عهود و رعایت مواظبت دولتی را با هر یک از دول  
سبب خود شرعا و عقلا واجب لازم بدینهم و قد انقض  
ظن اللهی روحا فداه مالکت رفای نام ما هسته و ما کلا طوب  
عهد با دولت انگلیس کردیم و دوستی او را که قدمت عهد  
پیش قدمی با دولت ابدی الذوام داشت عزیز و محترم

اندر سن هایون حضرت ظل اللهی صان الله تعالی سوگند عین حساب  
برسانند و نیز عرض اظهار کردند اگر چه کسب کار علی حضرت قوی بگشت  
ظل اللهی روحا فداه مالکت رفای نام ما هسته و ما کلا طوب  
ایشاد و بندگی داشته اطاعت برده کی را بر بقه و گردن خو  
داریم و همه خانه را دان و آزاد کرده شدگان این دولت  
علیه

۲۰۳۰

و سلطنت سینه چشم قبول انشال و امر و نواهی سرکار است  
 بهایون که بنا بر اول الامر پیشند بر همه ما با فرض و منتهی است  
 چون درین مسئله حاضر و مقدمه واقعه با بی نهایت وقته  
 ناموس و عصمت در میان است اگر چه باقی با فرض به نام منع از  
 مدافعه و مجاهده ما با بر پاید دست از نوبت و غرت دین ای  
 و حجت خود بر داشته مانع نیرینجهایم بود خالصه  
 پناهی نیز بهر یک از مردم جداگانه اظهار افت و عطف شد  
 ایشان را بر اسم اقدس تا یون پادشاهی استبد و لرزی از بند  
 بطور خوب و شایسته مشغولی شده جناب شرف اجداد رخ  
 و ایمان و ارکان دولت بعد از وداع حضرات اعلام  
 همراهی نسبت به شان جهت فرمود  
 در روز دوشنبه شانزدهم شهر جمادی الاول و فوج مرغه  
 ابو جهمی مترب انجانان جعفر قلجیان فاجار سپهرنج  
 احضار رکاب فروری شایک یون شده بودند در میدان  
 ارک حاضر شده صف نظامی کشیدند و همچنین سواره  
 شاهسون افشار و سواره قورت پیکو که سان داده  
 و مدارکات لازم آنها دیده شده بود در میدان نیز نور حاضر  
 شده در پشت سر افواج نیز نوزده سر تا سر میدان صف کشیدند  
 و علیحضرت قوی شوکت شایک سی ای تانده همیشه بجهت  
 افواج و سواره نیز نور شریف فرمای میدان ارک گردیده  
 اولاً ملاحظه آحاد و افراد و فوج مراغه را سر نمودند چون  
 ارستکی و نظام را داشتند مترب انجانان جعفر قلجیان  
 و سایر صحنه صبان و آحاد و افراد هر دو فوج مورد  
 تحسین و نوازش و التفات موانه گردیدند و بعد از  
 آن سواره شاهسون افشار و سواره قورت پیکو بکن

آمده با اسلحه و اسباب ارستکی تمام و سپان فرود  
 کاری از نظر مهر اثرهایون گذشته سواره نیز نوزده و سرکار  
 آنها ناما مورد التفات و تحسین گردیده در همان روز بنوعی که در  
 روزنامه همغه گذشته نوشته شده روانه محل مایه تبت گردید  
 نوابشاه دوله خان پسر جوم نواب محبت زمان خان کاملی که از  
 معتب بن خوامین کامل و کمال کفایت و جرات موصوفه و دور  
 او بدر بارهایون سرکار علیحضرت شایک سی ای تانده ملکه  
 در روزنامه همغه پیش نوشته شد بعد از ورود او از جانب  
 اشرف فرغ انجم صدر عظمی اطرافات نموده از جانب حجاب  
 معظم کمال محبت رباره او بعین آمد بعد از آن شرفیاج حضرت  
 ابلیحضرت قوی شوکت شایک سی ای گردیده نهایت حرمت بویگان  
 در حق او بیدول افتاد و امید داری تمام بر اسم خسروانی مهر شاه  
 با بجهت داران و خوامین اتقان که الان در دار بخلاده بجا  
 هستند از رئیس مرئوس و ضمیمه و شرفی قریب بقصد نفر  
 کسان کافه و کاری پیشند با صرا و شوق تمام از ادب  
 دولت علیه درخواست از ادرند که بهمت فارس با کرمان  
 رسان آن اطراف نامور شوند و در آنجا دوداد مردی  
 مرد انکی و شجاعت داده مصدر خدمات نمایان شوند لکن هنوز  
 از ادبای دولت علیه حکم صریح درین باب نشده است  
 چون خاطر خطر همان شایک سی ای از محسن خدمتگداری گفتم  
 نواب ستطاب شاهزاده والا بنار حاتم الدوله خان میرزا  
 حکمران عربان و کرستان و بر وجود و شجاعتی ازین جنس  
 در زماندست که همیشه اوقات در انجام مهماتی انی کمال کفایت  
 و کار دانی بعمل آورده لهذا در این اوقات محض غایت نظر بویگان

۳

۲۰۳۱

بکتاب کلچر ابره ترمه بطانه خراز بوس خاص بدن مبارک  
 بادستخط هایون مشعر بحال مرحمت ملوکانه شرف اصد  
 یافته انقاد کردید  
 و همچنین محض ظهور حضرت ملوکانه در باره نواب امیرزاد  
 اکبر میرزا نایب الحکومه بر وجود فرمان مهر لعلان هایون  
 بافتخار نواب مغزی الیه شرف صدور یافته بکتاب تجبه ترجمه  
 جانب سنی احوال اقدس ملوکانه باو مرحمت کردید که در  
 نواب مستطاب ام الدوله در نظام امر بر وجود و مضاف  
 و انجام خدمات دیوانی لوازم اتهامات العین میاورد  
 نظر با اتهامات عالیجا مجد مشراه بهلر صاحب در انجام خدمت  
 محوله بنجود و سعی در تعلیم شاگردان مدرسه دارالفنون  
 خدمت شمس خاطر اولیای دولت قاهره افتاده در این  
 اوقات از جانب سنی احوال اقدس هایون باعطای  
 یکقطعه نشان دیشان تیرپی با جامین مفتخر گردید و فرمان  
 مهر لعلان مبارک هم شرف صدور یافته خلعت مهر طلبت  
 باو مرحمت کردید  
 هوای دارالخلافه طهران درین اوقات بسیار خوب و با اعتدال  
 اگرچه تا این روزها بارندگی که بابت بشود شده بود ولی  
 در شب چهارشنبه گذشته بارندگی بسیار خوب و در روز  
 مجده شروع بارندگی نموده در اول بارندگی هوای انقلابی  
 بهرسانه که موسم تشویش بود ولی رفته رفته انقلاب طوفانی  
 فرودش کرده قدری کرک ریزه آمده بعد از آن باران نیاید  
 آمده بارندگی کامل شد بطوریکه سبب میداری زیاد  
 سببه صاحبان اطلاق و اهل زراعت کردید  
 امور شهر دارالخلافه و توابع آنرا حسن مراقبت و کفایت نوبت

مستطاب هر از محشم و الا تبار را در شیر مبر از حکم ان دار الخلافه  
 و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر نهایت انتظام را دارا و دعای  
 کلا تر که خدایان حب الامر مو اظبت تمام در نظم شهر  
 محلات و انجام خدمات محوله بنجود دارند و خلاف قاعده  
 و سرعت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بندرت حرکت خلافت  
 از کسی سر بزند در مقام موافقه و تنبیه می آید یا اگر سرفقی روی بد  
 سارق بدست آمده تنبیه و سیاست و اموال سرود و نصیحت  
 تنبیه میشود از جمله علام نامی که بکرات مرتکب دزدی شده و تنبیه  
 گردیده و یکدفعه سیم است که کوش او را بکام نواب هر ازاده  
 بودند باز دست از دزدی برداشته در این اوقات بکام  
 آقا حسینقلی صنی فزوش رفته بعضی اسباب دزدیده بود و او را  
 گرفته محبوس شدند تا این اوقات بکام نواب مغزی الیه بقا  
 شرع مجده او را بمرض سیاست در آورده دستش را از عمل سرت  
 قطع کرده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج کردند  
 و همچنین دی نامی بکرات دزدی نموده و تنبیه شده بود و فایده  
 نگزده باز در این روزها مرتکب دزدی شده بود دستگیر گردید اگرچه  
 دستش بکام شرع بریدنی بود اما حسب حکم نواب مغزی الیه که شهرتیش را  
 بریده و مهار نموده در بازارا گردانده اخراج نمودند  
**اعلامات**  
 کتابی که عالیجا مقرب الخاقان میرزا محمد حکیم باشتی کل در علم حکومت و طباطبائی  
 تألیف و موسوم بانوار ناصریه نموده بود که تفصیل آن در شماره ۳۰۵  
 این روزها مهیا نوشته و اعلان شد مجدداً اعلان میشود که هر  
 طالب نسخه از آن کتاب باشد در کاروانسرای دولتی در  
 الحاق عالیجناب آخوند ملا محمد حسین تاجر تبریزی هر نسخه دو تومان  
 چهار در دینار فروخته میشود

۲۰۳۲



اخبار دول خارج

موجب روزنامه که سابقاً نوشته شده بود مالک محتمل  
 یکی عبارت از سی و شش جمهوری و از جانب این سی و شش  
 جمهوری بجهت امور داجند و بولشقه در شهر و آستین تن  
 که در حته شمالی بینی و یا واقع است مجلس ملی و مجلس  
 خوانین اصل را دکان متحد میشود و این دو مجلس در تحت حکم  
 یک رئیس جمهور و یک مستشار نظارت سازد و مقتضای نظام  
 خودشان رئیس جمهور و مستشار هر چهار سال یکبار تجدید  
 میشوند و بجای با اتفاق امالی و اعضای این دو مجلس  
 دیگر نصب میشوند درین اوقات رئیس جمهور و مستشار  
 حتماً پذیر گردیده و لازم شده است که بجای آنها  
 دیگر تعیین شوند و چون که این سمت جنوسیکی دنیا با این  
 در بعضی جهات مخالف یکدیگرند از جمله در طرف جنوبی  
 و کیز سیاه خردین و با مزارعت و غیره بازداشتن  
 و قانون قدیم است و طرف شمال این قانون را لغو  
 و خلاف آزادی میداند لهذا در تعیین رئیس جمهور و مستشار  
 بوقایم نام سفیر سابق لندن را که مایل بقای قانون قدیم  
 انظرفی بریاست جمهور اختیار و طرف دیگر جناب سیویون  
 که مچلی از احوال او در باب معدن طلای کلی فارسیا در صحنه گذشته  
 مسطر شد انتخاب کرده اند امالی مرقومه بجهت این مهم از طرف  
 خودشان در این نوبت دولت و نو و شش نفر وکیل کرده  
 و بشهر آستین ارسال شدند و در مقام ریج الاقول در اینجا  
 منعقد شده بنا بر قبول رأی طرف اغلب اکثر گذشتند اعضا  
 مجلس و فرقه شده فرقه خود آستین اصول قدیمه و زمره تعالی  
 سفق شد و چون طرفین در عهد و اشخاص مساوات داشتند

و اکثریت از هیچ طرف ظاهر نشد لهذا در خصوص نصب  
 رئیس جمهوریه فراری داده شده و بهمان حالت باقی  
 در سمت شمالی قطعه اوروپا که عبارت از فرنگستان با  
 ایالت لاپونیه نام که در تحت حکومت اسونج و نوروج  
 حسب الموضع سالی سه هفته شب و روز آفتاب هیچوقت  
 غایب نمیشود درین مدت اصلاً تاریکی ملحوظ نمیکرد و بعد از  
 مدت مذکوره رفته رفته باز بجای میسرده که اوقات  
 ظاهری شود و اینجا فوق العاده از بلاد بارده محسوب  
 در هرلی نه ماه دایم بارندگی و برف است ساه دیگر  
 شدت برودت زایل شده در عرض این سه ماه ایالتی  
 اینجا با مزارعت مبادرت نمایند هر طور است بجهت  
 و برکت زمین در عرض میت روز در آنها برک می کنند  
 عرض نگاه میوه میدهند و بعد از این مدت وقت در و غلات  
 بعد از برداشتن جز منهاد عرض چند روز در حته با  
 خزان می کنند و شروع بارندگی برف و برودت  
 هوایی شود تا نه ماه دیگر درین حال برودت در آن ولایت  
 شدت کرده و بیش از یکماه و نیم وقت از برای بزرع  
 و در نوشته اند باین جهت کل محصول اینجا را سوزانده  
 و سوزانده چیزی بعل نیامده است و امالی اینجا زیاد  
 و چهار فقره واضطرار شده اند از جانب دولت اسونج  
 نوروج و جاعلار شده است که با بنای اعانه داده شود  
 هم که بسیار فقیر و بی چیز شده اند و احوال آنکه که بجا  
 دیگر سکونی بدینند

۲۰۳۳

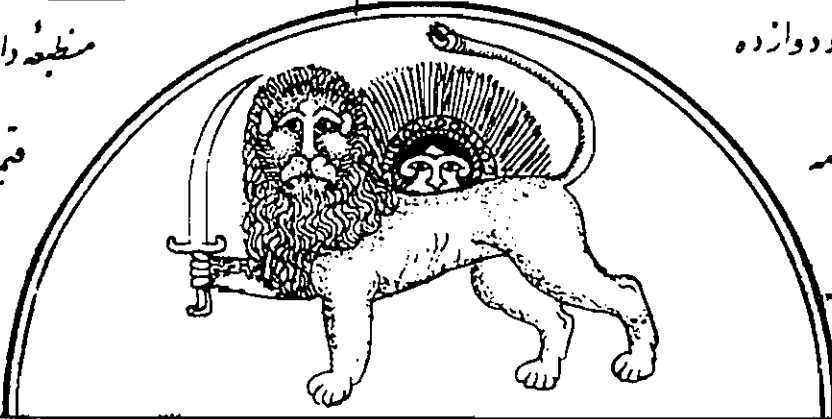
چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شد بجهت قبول کردن  
 دولت ناپولی تکلیفات و احتیاطات و دستساز  
 و انگلیس سفرای طرفین قطع تجارته نموده ولایات خود را  
 کردند چون سفرای قونولهای ده لیتین بر نوربره از  
 مملکت ناپولی رفتند و کسی از آنها نماند که سعادت تن  
 خود را که در ناپولی استند بنماید لهذا پادشاه ناپولی در  
 اوقات بکل حکام و مامورین ولایات خود اعلام کرده  
 که کمال احترام را در حق تبعه و لیتین فرانس و انگلیس  
 دارند و احد با آنها امرت نرساند  
 و نیز نوشته اند که از جانب پادشاه ناپولی سفیری با  
 مأموریت مخصوص کاتب رومه ارسال شده است اگرچه  
 منظور از فرستادن سفیر رومه نامعلوم است اما آنچه  
 روزنامه نیون فهمیدند که یا توسط جناب پاپای روم  
 مابین دولت ناپولی با دولت لیتین فرانسه و انگلیس  
 باشد  
 دولتهای فرنگستان بجهت کشف معلومات و استخبار  
 اراضی و اقلیم عالم سیاحت و مامور فرستادن و کسب  
 از اوضاع بلاد بعیده و فریب نمودن از قانون قدس  
 منافع و فواید عدیده آن بگردت ظاهر شده است  
 اوقات از جانب دولت روس بجهت سیاحت مند  
 چین و استرالیا و سایر ممالک بعیده و احوال معلوما  
 نمودن جمعی را باینجا نفرزاده در کان مامور و قطع  
 کسی تزیب داده از پترزبورغ روانه کرده اند و از  
 نوشته اند در کشتیهای مملو از قو قو قو قو قو قو قو  
 مملو و هینا کرده اند

۲۰۳۴

حکمدار مملکت سیام مند در استان چنانچه در روزنامه های سابق  
 نوشته شده داد و نذر مامور مخصوصشش قطعه نان بچشم  
 صاحب منصبان تمشون فرانس و انگلیس در روس که در دعوات  
 آنها در شادت از آنها بعمل آمده در ستاده بود مامورین مملو  
 بپاریس وارد و شرفیاب حضور اعلیحضرت امپراطور فرانس  
 شدند بموجب اخباری که در این اوقات رسید منظور  
 حکمران سیام از فرستادن این مامورین اختلاط و امیر  
 با سایر دول فرنگستان است و اینر حله را مامور سیام  
 خدمت اعلیحضرت امپراطور فرانس عرض کرده و از آنجا  
 دولت رسیده نموده و در آنجا نیز مراتب دوستی و موالات  
 اظهار نموده از جانب دولت رسیده هم سفیری مامور مملکت  
 سیام شده است  
 از فرار یک معلوم اصحاب سیاحت و ارباب جغرافیا شده است  
 جمعیت زیاد روی زمین در مملکت چین است و از کوه خلق  
 خشکی کنجایش ششم آنها را ندارد و اغلبی در روی بنرها خانها  
 و کتی نموده اند حتی در روی نهری که از تاکنین میکدر ریشتر  
 بهمناد هزار خلق خانه ساخته و نوشته اند چون سالها  
 از دولت چین اذن عسومی داده نمی شد که اهل آنجا مالک  
 بروند رفته رفته خلق آنجا زیاد شده حال نجائی رسیده است که  
 کثرت خلق وقت آذوقه تحطی افتاده است لهذا خاقان چین در این  
 اوقات نون ممانعت اموقوف نموده و اذن داده است که کسب از امانی  
 هر که میخواهد بروند و از آنکه از امانی چین فقط بقطعه استرالیایی  
 بجا آوردم رفته اند و اینها بسیار فایده استند و بجهتیکه چون  
 بصورت اسیر ظاهر میزند و در کار کردن هر یک مقابل چند  
 کار ارزشش میزند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شهریور سال ۱۳۰۳

نمره سیصد و دوازده  
 قیمت روزنامه  
 هر نسخه ده شاهی  
 منبسطه دارانخلاف طهران  
 قیمت اعلانات  
 هر خطی شاهی



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارانخلاف طهران

چون هر سال درین موسم اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی تشریف بشارکاه جاجرد میشوند و چند روز در آنجا تفریح و شکار میفرمایند و در جمعه گذشته موکب فرودزی کوکب تالیون از دارانخلاف مبارکه حرکت فرموده بجاجره و تشریف فرما شدند جناب جلالت آب شرف امجد رفیع عظیم با بعضی از شاهزادگان عظام و خواص خدمت و شوم در موکب تالیون فرستند درین دوره در آنجا شکار بسیار از کبک و غیره شده چنانچه سالها از آنجا بجهت بعضی از اجدعای اعلام و شاهزادگان و سفرای دول متحتابه شکار و کبک محبت میفرمایند و هم بر آنجا هر یک از اشخاص قومه مرحمت فرمودند و تا چند روز در آنجا تفریح و شکار فرمودند

خواهد داد و لفظ بحفظ مصالح داخله از برای اطلاع عموم ایالتی ایران توجه خارجیه تجارت و داد و ستد در ایران و ازین حکام و مقدر داران دولت عظیم ایران اعلام میشود که بعد از این که مازون تجارت خواهد بود که یک صاحبقران پول سفید بانقره غیر مسکوک حمل و نقل خارج تا حکام و مسرهداران دولت علیه اذن دارند که اگر آنجا بخواهد پول سفید بانقره غیر مسکوک حمل و نقل خارج نماید صیقل نماید و از برای اینکه تجارت منفعتی ببرد و پول سفید هم زیاد شود بجهت تجارت و عین اذن داده میشود که صاحبقران بانقره هر چه داشته باشند بظرف دولتی برده نیاوردند که نماند که تفاوت صاحبقران و پناه آنها منفع آنها باشد و پول سفید را بجا بیرون نبرند

موقت امخاقان عین الملک درین روزها بشمول حضرت اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلدانده ملکه و سلطانه و مسایه آیه با عطای خلعت التفات قرین مغفرت کردید در توقف شکارگاه جاجرد و کیشوب قبای سر و دست و کلاه کلابتون دوزی از طبعوس خاص بدن مبارک بمقرب آنها مشا را الیه خلعت محبت کردید

۲۰۳۵

مردنی بود که فیما بین سفرا و ما مورین این دولت علیه با سفر او ما مورین  
 دولت جمهوری جمعه مرکبای شمالی در اسلامبول و ویند و جا  
 با اجازه اعلی حضرت اقدس یون شاهنشاهی و سل و اراده اعلی  
 دولت جمعه مزبور مذکره گفتگوی انعقاد عهد دوستی و تجارتی  
 در میان بود و فاتی که جناب محبت تضراب مقررت انجمنان این  
 فرخ خان الملی کبیر دولت علیه در اسلامبول بود این مذاکره کف  
 فیما بین جناب عالی و جناب کارول سنس وزیر دولت مزبور  
 بانتهای رسید موافق اختیار نامه هر دو مأمور شارای بهادر دست  
 داشتند عهد نامه مزبور را سمت انجام داده مبادله نمودند  
 عهد نامه میبویند ما بین این دو دولت مبارکی سمت استقراری  
 و من بعد الی الابد فیما بین این دو دولت قوی گشت مبادوستی  
 برقرار بوده مأمورین و تجار طرفین بمالک جانین آمد و شد خوا  
 امید کلی حاصل است که باین وسیله منفعت کلیت دولت  
 و تبعه و تجار این دو مملکت حاصل گردد  
 از قراریکه باطلاع اولیای دولت علیه میرسد و اخبار روزگار  
 داخله و خارجه خبر میرسد بعضی از کس نخکلیس در کارند که کا  
 منفده آئین بکسان این دولت علیه بیارزند و آنها را در خفیة اغوا  
 و تحریک برافسا و در داخله این دولت نمایند اگر چه مردم ایران  
 چنان بی غیرت و بی حمیت نیستند که بانکار غدا پرانی کس نخکلیس  
 از قصد بدین دولت خود بر دارند و یا دولت علیه چنان از  
 تسلط و اقتدار بر سر تبعه و رعایای خود برکنار گشت که در اعمال  
 و پنهانی هر کس بی اطلاع باشد بمقام مدارک و نلافی بر نیاید  
 در هر حال باقتضای قواعد ملک داری اعلام صحیح مینویسند و اگر  
 آن دو جهان نخکلیس که واسطه ابلغ بوشجات منفده انگیرند  
 این دولت مستند در اول کار مشخص و معین شوند فی الفور در خوا

باشند بزای عمل خود خواهند رسید و اگر کاغذ یکگی از مردم این  
 مملکت بر و حامل آورنده آن معین نباشد حکم صحیح دولت  
 این است که حکام ممالک محروسه اینقدر در کنج کاوی و تحقیق  
 و مبالغه نمایند که بالاخره آورنده کاغذ غیبت بدو لاجاله  
 هر کس بوده با معین و حیدر انوقت حکم صحیح دولت این  
 که حکام و کارکنان دولت علیه آن آدم را بگیرند و بزای خود  
 برسانند بدین است که سزای چنان آدم منفده دولتی چه خواهد  
 در هر حال سزای این آدم جانب دولت حاضر داده است  
 کس آن نخکلیس دارند که امالی مملکت ایران را بسول و تطبیق مال نظری  
 و از دولت روگردان نمایند اولیای دولت علیه صریح میکنند حکم  
 میکنند که مانع گرفتن پول نخکلیس شوند هر چه آن نخکلیس پول  
 اتباع این دولت خواسته باشند بدین اتباع دولت علیه  
 مآذون دست در گرفتن پول نخکلیس و لکن بعد از گرفتن پول لازم  
 که خیانت بدولت خود نمایند پول نخکلیس را بگیرند و هم از خیر  
 و صلاح دولت متبوعه خود که دولت علیه اسلام است دست  
 برندارند حکام ولایات این حکم را با آواز بلند بگوش جمیع  
 مملکت رسانند کسیکه پول نخکلیس را بگیرد در نزد دولت خود  
 نیست مقصر است که خیانت بدولت و باو شاه چجاه اسلام  
 پناه خلد الله بلکه و سلطان نماید درین صورت نشانی است مطی و دو  
 بر چنان آدم جاری خواهد شد  
 بعضی از مقصدین ایرانی که سابقا این مملکت خارج شده بود  
 مذکور میشود که با خواهی نخکلیس بی داخل شدن بچاک دولت علیه  
 دارند که مشغول قسسه و دشوید حکم نموده صریح حکام ولایات  
 سرحدیه و غیره صادر شده است که مراقب اینطور آدمهای  
 باشند بجهت اینکه دیدند که آنها پای داخله بمالک محروسه ایران

۲۰۳۶

کذاشته اند فی العود و سیکر کرده اثرشان را از روی زمین معدوم سازند

مراتب مأموریت جناب محاتم نصاب مقرب الخاقان فرخ خان امین الملک المکی کبیر دولت علیّه در سؤال و جواب با جناب محاتم لاردر و کلف المکی کبیر دولت مقیم اسلامبول مخصوص دایره مابین دولتین ایران و انگلیس در رفع برودت ذات المین و معاودت بمفارت انگلیس بدربار دولت علیّه تفصیل در روزنامه سابقه اندراج یافته است جناب امین الملک بعد از ورود اسلامبول با اینکه قرار بود ریاده از پانزده روز در آنجا بماند و روانه پاریس در شانی بنا کمال میل و رغبت اولیای دولت علیّه بر فرود آمدن حاصله مابین دولتین ایران و انگلیس بر حسب حکم دستور العمل دولت علیّه اجازت یافته دو ماه و شش روز در اسلامبول توقف کرد و آنچه لازم میسر اهی و خاطر خواهی باد دولت انگلیس بقدر وسع و قدرت دولت علیّه بجا آورد و حتی المقدور از قبیل تکالیف دولت انگلیس مضایقه کرده بلکه بعضی از تکالیف دولت انگلیس را علاوه بر دستور العمل مأموریتی که با و داده شده بود عمده خود گرفت اما چنانچه که جمیع سعی و اهتمام و تعهدات جناب شاره بیضا شده هر که روز بروز جناب المکی کبیر دولت انگلیس بر تکالیف شانه خود شرف آورد و جناب امین الملک چون دید که تکالیف جناب المکی کبیر دولت انگلیس حد تعریف ندارد از این طرف هر چه او تمایل در مطالب و توقعات دولت انگلیس نماید از این طرف جناب المکی کبیر دولت انگلیس تکلیف جدید و سوار تر را در می آورد و قبول آن نوع تکالیف از قوه هر سفیر با اقتداری و بلکه از طاقت تحمل هر دولتی خارج است توقف خود را در اسلامبول بنفایده و ایجاب ترک توقف به مأمورین کرده روانه پاریس شد و در آنجا

جناب المکی کبیر دولت انگلیس نوشت که کلمه بکلمه درین مضمون نوشته میشود

سواد کاغذ که جناب فرخ خان امین الملک المکی کبیر جناب المکی کبیر دولت مقیم اسلامبول نوشته اند اگر چه با مجال میل اولیای دولت ایران را در حفظ دوستی دولت انگلیس بکرات با جناب اظهار داشته در بر صدق این اظهار خود دلایل واضحی بیان و تکرار نموده ام ولی پیش از حرکت خود از اسلامبول لازم میدانم که مقصود جمعی خود در باب صلح جوئی دولت ایران و اهتمام شخصی این جناب را در حفظ و ابط دوستی دولت انگلیس مجدداً بنحاطر این جناب یاد کنم اولیای دولت ایران از بدو و ابط خود با دولت انگلیس قدر دوستی اند و دولت را نمیدور و وزیر و مطالب از یاد آن بوده اند و اگر چه درین چند سال بی اعتدالی و حکامات مأمورین انگلیس در ایران مخصوصه رقابت غیر مشرفه جناب ستم نموده محبتی بعید از شرایط دوستی و محترمت استقلال دولت بود که با اینچنین رقابتی شأن و استقلال هیچ دولتی برقرار نمیکند ولی چون اولیای دولت ایران یقین میداشتند که آن حرکات مأمورین انگلیس سنان شان و انصاف دولت انگلیس است و قطع داشتند که او با آن دولت هرگز راضی نمی شدند که نام و قدرت چنان طرف در ایران اسباب آن نوع رقابت ناپسند شود و از این طرف معلوم شده بود تا و امیکه حالت غناش و غیر ثبات آن باقی است ممکن نیست که دوستی دولتین ایران و انگلیس برای طرفین منفع لازم نماید و باید شود و دستار با جناب کامل و باد دستور وسیع از جانب سنی این جناب علیحضرت شاهانه ولی نعم خود مأمورینم که طرح و مقاصد دوستی دولت ایران را بدو

۳۲

۲۰۳۷

انگلیس عالی نایم و در باب استعوار حالت افغانستان و تغییر  
 مأمورین انگلیس در ایران چنان قرار می بگذارم که هم مقصود لبطیک  
 دولت انگلیس بجل باید هم روابط دو کشور بیشتر از سابق مطابق  
 صلاح طرفین باشد و چون آنجناب از مفاد گفتگوی فیما بین  
 کامل داشتند امتیاداران بودم که باقتضای انصاف آن جناب  
 مسافرتی مهم طرح دوستی و دوستی را تکمیل سازم ولی هنوز هم در  
 که با وصف میل آنجناب و آرزوی صادقه خود که در اول درود  
 خود بجهت ملاقات آنجناب اظهار نمودم چگونه اتفاق افتاد که از  
 آنهمه تامل و اگر اه از دیدن من بطور رسیدیقین دارم که آنجناب  
 هرگز فراموش نخواهند کرد که من بجهت درک ملاقات شما و  
 چه قدر با کوشش نمودم و تحمل چه نوع حالات را بر خود روا  
 و آخر الامر بی آنکه آن جناب را ملاقات نایم ولی آنکه هیچکس  
 مطالب دولت خود را بتوانم عالی نایم بر حسب اصرار آن جناب  
 تخلیه برات را بجهت رفع منازعه فیما بین بر عهده خود گرفتم حتی  
 در این باب از اختیار خود بمراتب تجاوز نمودم ولی درستی که  
 میکردم که بواسطه قرار امر هرات رفع بردت فیما بین کشیده  
 با کمال تعجب دیدم که آنجناب تکالیف چند که بهیچ وجه قابل  
 اصلی نداشت هیچ سقیم نیست و در آن نوع مطالب اگر  
 نماید با اینجناب اظهار نمودند اگر چه اظهار چنان تکالیف دلیل  
 بود که مقصود دولت انگلیس و رای حفظ دوستی دولت ایران است  
 اما باز دوستدار بجهت تکمیل اهتمام خود خواستم آنجناب را ملاقات  
 نایم که شاید بطوریکه معاشران سفارت ایران نباشد  
 اصلاحی پیدا شود ولی آنجناب در حین ملاقات برخلاف  
 امید من اظهار داشتند که بهیچ وجه مازون نیستند مطالب  
 ایران را بپذیرند و یا بدارند که تکالیف دولت انگلیس را بپذیرند  
 بنا بر این اظهار آنجناب بنا بعدم اختیار خود بجهت قبول چنان  
 تکالیف دیگر برای من در اسلامبول تکلیفی باقی نماند لکن در آن  
 مجلس صراحتاً اعلام نمودم که بعد از سه روز از اسلامبول حرکت  
 خواهم نمود و مرتب تکالیف شما را با اطلاع اولیای دولت ایران  
 خواهم رسانید در ضمن این ملاقات بجهت تسهیل تازه بر حسن  
 دولت ایران در خصوص هرات که خبر گرفتار رسیده بود اعلام نمودم  
 با آنجناب دادم روز بعد بواسطه عالیجنابان ستر مورد خار  
 برای دوستدار پیغام دادید که من در اینجا با تم تا در اینجا  
 دولت انگلیس جواب اولیای دولت ایران برسد و در آن  
 ترتیب این چنین اظهار داشتند که اگر من اختیار قبول تکالیف  
 آخری دولت انگلیس را میدارم آنجناب شما تعییر سه فقره تکالیف  
 مزبور را که عبارت از روابط ایران با افغانستان و فقره  
 قوسلهای انگلیس و تغییر صدارت عظمی با خروج انگلیس خواهند نمود  
 من با وجود اینکه مایوس بودم از قبول کردن دولت ایران  
 آن تکالیف را ولی محض اینکه سندی برای توقفت خود  
 پیدا کنم و دلیلی بر کمال میل دولت ایران بدوستی انگلیس  
 سازم بایشان کفتم اگر در شکر کشی دولت انگلیس توفیقی  
 واقع شود و قرار ملاقات تازه با من بدهند که بتوانم در آن  
 ملاقات اظهارات خود را بیان سازم و از چند فقره لازم که  
 یکی توفیق شکر کشی است الطمان حاصل نمایم مضایقه نخواهم  
 داشت تا رسیدن جواب توقفت نایم باز آنجناب ملاقات  
 خود و اصلاح کار را منحصراً بقبول التوا توتم سابق دولت خود  
 نموده بودند اولاً چون حتی المقدور در سرای با آنجناب  
 تکلیف خود میدارم و دویم از برای آشکار شدن کمال  
 دولت ایران بدولت انگلیس که دیگر هیچ جای شک  
 نیست

انگلیس عالی نایم و در باب استعوار حالت افغانستان و تغییر  
 مأمورین انگلیس در ایران چنان قرار می بگذارم که هم مقصود لبطیک  
 دولت انگلیس بجل باید هم روابط دو کشور بیشتر از سابق مطابق  
 صلاح طرفین باشد و چون آنجناب از مفاد گفتگوی فیما بین  
 کامل داشتند امتیاداران بودم که باقتضای انصاف آن جناب  
 مسافرتی مهم طرح دوستی و دوستی را تکمیل سازم ولی هنوز هم در  
 که با وصف میل آنجناب و آرزوی صادقه خود که در اول درود  
 خود بجهت ملاقات آنجناب اظهار نمودم چگونه اتفاق افتاد که از  
 آنهمه تامل و اگر اه از دیدن من بطور رسیدیقین دارم که آنجناب  
 هرگز فراموش نخواهند کرد که من بجهت درک ملاقات شما و  
 چه قدر با کوشش نمودم و تحمل چه نوع حالات را بر خود روا  
 و آخر الامر بی آنکه آن جناب را ملاقات نایم ولی آنکه هیچکس  
 مطالب دولت خود را بتوانم عالی نایم بر حسب اصرار آن جناب  
 تخلیه برات را بجهت رفع منازعه فیما بین بر عهده خود گرفتم حتی  
 در این باب از اختیار خود بمراتب تجاوز نمودم ولی درستی که  
 میکردم که بواسطه قرار امر هرات رفع بردت فیما بین کشیده  
 با کمال تعجب دیدم که آنجناب تکالیف چند که بهیچ وجه قابل  
 اصلی نداشت هیچ سقیم نیست و در آن نوع مطالب اگر  
 نماید با اینجناب اظهار نمودند اگر چه اظهار چنان تکالیف دلیل  
 بود که مقصود دولت انگلیس و رای حفظ دوستی دولت ایران است  
 اما باز دوستدار بجهت تکمیل اهتمام خود خواستم آنجناب را ملاقات  
 نایم که شاید بطوریکه معاشران سفارت ایران نباشد  
 اصلاحی پیدا شود ولی آنجناب در حین ملاقات برخلاف  
 امید من اظهار داشتند که بهیچ وجه مازون نیستند مطالب  
 ایران را بپذیرند و یا بدارند که تکالیف دولت انگلیس را بپذیرند  
 بنا بر این اظهار آنجناب بنا بعدم اختیار خود بجهت قبول چنان  
 تکالیف دیگر برای من در اسلامبول تکلیفی باقی نماند لکن در آن  
 مجلس صراحتاً اعلام نمودم که بعد از سه روز از اسلامبول حرکت  
 خواهم نمود و مرتب تکالیف شما را با اطلاع اولیای دولت ایران  
 خواهم رسانید در ضمن این ملاقات بجهت تسهیل تازه بر حسن  
 دولت ایران در خصوص هرات که خبر گرفتار رسیده بود اعلام نمودم  
 با آنجناب دادم روز بعد بواسطه عالیجنابان ستر مورد خار  
 برای دوستدار پیغام دادید که من در اینجا با تم تا در اینجا  
 دولت انگلیس جواب اولیای دولت ایران برسد و در آن  
 ترتیب این چنین اظهار داشتند که اگر من اختیار قبول تکالیف  
 آخری دولت انگلیس را میدارم آنجناب شما تعییر سه فقره تکالیف  
 مزبور را که عبارت از روابط ایران با افغانستان و فقره  
 قوسلهای انگلیس و تغییر صدارت عظمی با خروج انگلیس خواهند نمود  
 من با وجود اینکه مایوس بودم از قبول کردن دولت ایران  
 آن تکالیف را ولی محض اینکه سندی برای توقفت خود  
 پیدا کنم و دلیلی بر کمال میل دولت ایران بدوستی انگلیس  
 سازم بایشان کفتم اگر در شکر کشی دولت انگلیس توفیقی  
 واقع شود و قرار ملاقات تازه با من بدهند که بتوانم در آن  
 ملاقات اظهارات خود را بیان سازم و از چند فقره لازم که  
 یکی توفیق شکر کشی است الطمان حاصل نمایم مضایقه نخواهم  
 داشت تا رسیدن جواب توقفت نایم باز آنجناب ملاقات  
 خود و اصلاح کار را منحصراً بقبول التوا توتم سابق دولت خود  
 نموده بودند اولاً چون حتی المقدور در سرای با آنجناب  
 تکلیف خود میدارم و دویم از برای آشکار شدن کمال  
 دولت ایران بدولت انگلیس که دیگر هیچ جای شک  
 نیست

۲۰۳۸

توم  
 آبی  
 گفت

کماند و سیم بامید اینکه بعد از قبول این التوا تو م رفع برود  
خواهد شد و کار با با سانی خواهد گذشت و دولت انگلیس  
ملاحظه این مراهی با کمال مهربانی رفع اشکالاتی را که دولت  
ایران با آنها گرفتار است خواهد نمود من برخلاف دستور  
خود موجب نوشته صلح ربیع الاولی بر عهد خود گرفت  
و جمع تعهدات خود را چه در باب هرات و چه در خصوص  
ترتیه سفارت دولت انگلیس لقبول التوا تو م فر بورد  
ختم نمودم با وجود اینکه گذشت من و با وجود حصول مقصد  
دولت انگلیس باز آنجناب در رفع برودت فیما بین قومی  
پیشتر گذشت سهل است بخوانید دریا قبول تعهدات مرا از  
جانب دولت انگلیس اعلام نماید بنا بر این لابد شد که اعلام کنم  
ربیع الثانی را با آنجناب رسانم و در آن ضمن اظهار کنم  
که اگر دولت انگلیس تعهدات مرا بجهت رفع برودت فیما بین کافی  
بدانند من حاضر هستم که آنها را مجری بدارم ولی اگر کافی ندانند  
تعهدات من بر وجهی باطل خواهد بود و من تا نیک هفته دیگر از انتظار  
روانه خواهم شد چون جواب اعلام من برود بعد از چند روز انتظار  
با آنجناب سینه مضامین آن را دو باره بموجب اظهارات مورخه  
یازدهم ربیع الثانی بخاطر آنجناب آوردم و بامید اینکه  
جواب کافی برسانند غمیت خود را چند روز تا بخیر انداختم  
با وصف اظهارات متواتره من تا امروز که پانزده روز از تاریخ  
اعلام من برود گذشته است اصلا از آنجناب جوابی که مایه امید  
باشد بدو نرسیده بلکه از تقریرات نمایان شایسته  
درین باب جوابی من نخواهد داد در این صورت بدین است که مطلق  
بیش ازین در اسلامبول حاصل نخواهد داشت بنا بر این ختم آخر  
که بر حسب اعلام پنجم ربیع الثانی من و با قضاوی سکوت آنجناب

جواب اعلام من برود من روز بیست و نهم انبیا از اسلامبول روانه  
خواهم شد از مضامین مسطور و از اقدامات سابق من معلوم است که آنچه  
نقده من بود در اصلاح برودت فیما بین سعی و اهتمام نمودم و در حفظ دوستی  
دولت انگلیس بقدر با آنجناب سر ای کردم که آخر الامر بیار التوا تو م  
دولت انگلیس را که از جانب دولت ایران رسیده بود من بر عهد خود  
گرفتم بواسطه آن تمام مقصود دولت انگلیس را عمل آوردم بدین است  
که مقصود از جمیع این تعهدات من رفع برودت فیما بین بود حال که از  
تعهدات مقصود من برودت نیاید بلکه اعلام مورخه پنجم ربیع الثانی و بموجب  
همین نوشته هر تعهدی که کرده ام جمیعاً با من کان لم یکن میدانم  
برودت فیما بین او در هر حالتی که قبل از درود من بود در آن حالت با  
میکندارم و این واضح است که غمیت من از اسلامبول هیچ وجهی  
سابقه نخواهد شد زیرا که اولیای دولت ایران بر من سابق خود در  
دوستی دولت انگلیس ثابت هستند و تأیید و اختیار من در اصلاح  
فیما بین باقی است و هیچ شک نیست که اولیای دولت ایران مراتب  
صلح جوئی خود را چه متوسط من چه متوسط ما مورد یکدیگر در اسلامبول  
در لندن و چه در جای دیگر با اولیای دولت انگلیس خواهند رسانند  
اعلیحضرت شاهنشاه ایران تا بتوانند راضی نخواهند شد که قدر  
دولت انگلیس در نظر دولت ایران محو گردد و بیستم شهر ربیع  
۱۲۷۳ تا اینجا کاغذ جناب امین الملک بود  
چون دولت انگلیس بر تکالیف خود دست در وجه درجه افزون  
در حین آنکه فیما بین دو امپری کبیر و دین در اسلامبول مکالمه صلح  
و جناب رفع برودت بود نشون انگلیس بدون اخبار و اعلام  
چنگ حمله بر بندر بوشهر خاک این دولت آورده آنجا گرفت اولیای  
دولت علیه ایران با علی در کمال از این الملک اظهار رضایت  
میلانند که در این خصوص خوب حرکت کرد و این کاغذ را که بخاطر

۵

مشاریه نوشت لازمه مأموریت و بود و درست و صحیح نوشت  
 وقت آن کا قدر بد برجه میداند که کویا لفظ بلوغ اولیای دولتی  
 باد دستور العمل مخصوص داده باد و شجاعت بن جناب این الملک  
 چنانچه خود شجاعت تکالیف قد جدید موجب نوشته باطل نمود  
 دولت علیه ستم اغلب جنگ ناکهان بوشه که هیچ دولت منصفی  
 حرکت میکند باطل میداند چرا که قبول تکالیف دولت انگلیس بقدر  
 امکان محض برای حفظ رشته مسالمت بود که گنجه نشود و بپوش  
 خصوصت خالی کرد بعد از آنکه این مقصود عمل نیاید و دولت انگلیس  
 بیوجهی شروع بچنگ نماید و بند این دولت را علی الفضا تصرف  
 دیگر چه تکلیفی چه تعهدی و چه قبولی با بجز قضا جناب این الملک  
 تمامه مرضی و مقبول اولیای دولت علیه شد و موقع تصدیق  
 یافت و شجاعت بن جناب مغزی الیه که بجناب این کسیر انگلیس  
 بعضی تکالیف دولت انگلیس داده است بکلی از درجه اعتبار  
 ساقط گردید

از فراریک با اولیای این دولت علیه معلوم بوده است سبب  
 بروت دولت انگلیس با دولت علیه ایران که حالاً بنجر مبارزه  
 مخاصمه است اتحاد عمده دوستی و تجارتی فیما بین این دو  
 علیه و دولت فرانسه است که بی توسطه و مداخله دولت انگلیس  
 افتاده است چنانکه این محسنی الی الان عالی و خاطر نشان ادباً  
 دولت بهینه نیز شده است و ملاحظه کنندگان این روزنامه  
 ملاحظه مضامین روزنامه مرین بوست منطبقه در انگلیس در روزنامه  
 کونستی توسیونل منطبقه در فرانسه که سوال و جواب کرده اند  
 در این روزنامه سمت اندراج یافته است این مطلب را برستی و درستی  
 میتوان دریافت نمود علاوه بر این دولت فرنگستان هم بواسطه  
 که از خفایق اوضاع هر یک از دول روی زمین دارند کویا ناچار

حقیقت دولت علیه را در این اوضاع حالیه که با انگلیس در میان  
 دریافت کرده اند چنانکه در عموم روزنامهجات فرنگستان  
 میشود که دولت ایران را از طاعت برکنار داشته اند و از نظر آگاهی  
 و بیخبری دولت محظوره فرور چنان دریافت میشود که تا انجام این  
 سبب سکت نخواهند و آنچه طوری که معکوس کرده اعتقاد بی غرضانه  
 دوستی خودشان را ظاهر نگار خواهند نمود و اعتقاد اغلب دنیا  
 این است که مخصوص دولت عینور بزرگ فرانس بجهت حیاتی و دانی  
 واضحی چند که ذکر آنها لازم نیست در این مقدمه کتب نخواهند  
 ترجمه روزنامه مرین بوست انگلیس

قبل از بیان کارها بلکه بجهت منع دست اندازی روس در سمت  
 باید قدری وقت در رفتارهای دولت فرانسه نسبت به دولت  
 بنماییم تا از برای اینکه نایب خجستان شده است بلکه در دست  
 ما شیم رقابت دولت فرانسه با دولت انگلیس در ایران  
 قدیم است و این رقابت نهایتاً در او در زیر آن چه نقطه  
 پلنگ آنها در ایران میشوند خواه صدق یا کذب که علی السواء  
 از برای چنان میدانند که دولت ایران که قبول نکرد بستن عهدنامه  
 تجارتی را با مسیوسر تیر از تحریک انگلیس بوده است چون  
 عمل مسیوسر بمحض رسیدنش بطهران بستن آن عهدنامه شد  
 دولت فرانسه را که میخواهد از هر باب در ایران کتار انگلیس  
 میتوان معلوم کرد لهذا لازم نیست این یک مسیوسر در حکایت  
 مستوره چه نصیب پادشاه ایران داده است و چه کار  
 کرده است که رای دولت ایران را در فرستادن قسود  
 تغییر بددی در د و چیز عمده که نسبت بحکایت بیست دارد  
 وقت و ملاحظه زیاد کرد یکی آن است که یک صاحب منصب  
 بوزیر نام که نوکر پادشاه و محکوم مسیوسر بوده است مأمور بحاضر

۲۰۴۰



هرات شد و دیگری اینکه با وجود آنکه نزدیک بدشمنی است  
 فیما بین دول انگلیس و ایران المپی کبیر ایران فرخ خان بنا بر  
 مسیوبوره روزنامه نوشته مانند المپی از جانب دولتی دست  
 تعارفات با سکه زیاد سخته دولت فرانسه میرد و جمع این  
 اعمال را چنان معنی می بینیم که امیدواریم مسیوبوره معنی  
 منازعه پادشاه ایران را با انگلیس و منظور من قشون ایران با  
 بهرات تلف است پس از دانستن اینکه من قشون بهرات  
 بتریک روس بوده از برای دست اندازی بهند و این  
 بسخ او امید داریم که مسیوبوره در سایر صاحب منصبهای  
 انکار خدمت ایران را خواهند کرد و در باب فرخ خان که  
 می کنیم آنچه گفتیم در وقتی که خبر ورود او با ملامبول رسید  
 اگر مسیوبوره در المپی فرانسه متعین ملامبول بقدر زنده مانده  
 تشویق و ترغیب او شود یا اینکه رفتن او را بفرانسه از  
 بهر دو وقت دولت فرانسه تا یک حدی ضامن خواهد بود  
 در باب امر از یادیکه پادشاه ایران در دشمنی با انگلیس  
 خواهد داشت و نتیجه بدی که از این عمل سخته ایران ظاهر خواهد  
 جواب روزنامه مرین پست انگلیس که در  
 در ضمن روزنامه موسوم کونسی نویسیونل چاپ  
 شده است تفصیلاً که در روزنامه انگلیس نوشته شده  
 روزنامه گذشته خود تفصیل داده بودیم یکی از روزنامه های فرانسه  
 که کونسی نویسیونل نام دارد و باین نحو جواب میگوید که مسیوبوره  
 معین ایران زبانه از دول نیست که در آنجا است و او در دعوی  
 روس بود که بد جهت مأمور با ایران اول اینکه دوباره  
 به بدوسی فرانسه و ایران را که سابقاً نیز بوده و تمام نماید  
 سنجانی را که مسیوبوره شراکت کرده بود و در وقت مانع شود

ایران را مدام نمودن از روس با قتلای طرف مدنی ایران  
 در آن دعوی قرار نماید و این وزیر نجوبی از عمده مأمور خود  
 ولی در بعضی کیفیات که اعتبار چندانی نداشت اشکالاتی خند  
 بر این فقرات ظاهر شد وزیر انگلیس مستر موره تراعی شخصاً با دولت  
 ایران بهم زد که گفتگوی در آن باب را هیچ لازم میدانم زیرا که  
 این فقره هیچ دخلی بپستیک نداشت ولی مایه رفتن مستر موره  
 ایران شد درین خصوص مسیوبوره چه کرد دلایلی چند دارد  
 مسیوبوره نهایت سعی را در ماندن مستر موره بظهور آن کرد  
 او مفید نیفتاد و دولت او بی ثمر ماند زیرا که تکالیف مستر موره  
 ایران جبر محض بود مستر موره از عمل خود دلگشا شد و تقصیر  
 بکردن مسیوبوره وارد آورد و درین باب بدولت خود اظهار  
 داشت و دولت فرانسه مسیوبوره حکم کرد که هیچ چه بد اخذ نماید  
 انگلیس با ایران کند لهذا مسیوبوره خود را از بد اخذ این فقرات  
 نمود لکن حال مسیوبوره را متعنه میکنند از اینکه جانب داری  
 کرده و مرین پست درین خصوص باین نحو نکات میکند اول  
 مسیوبوره دولت ایران را در باب قشون فرستادن بهرات  
 بهیچوجه مانع نشده است جواب این نکات را بچهل توانیم داد  
 فرانسه نمیدانند که دولت فرانسه منافع انگلیس را در آن  
 دلیل داریم از احتمال دادن اینکه مسیوبوره نهایت سعی را در  
 بدولت ایران نمود که قشون بهرات نفرستد ولی بی اثر بودن  
 نباید مایه تعجب شود زیرا که هر کس میداند که درین قسم وقایع  
 و دولتهای آسیا چه حدی استادی که در رای خود بیند اینها  
 مرین پست که دی پلوماسی مامطبوع دولت ایران نیفتاده بود  
 ولی میتوانیم احتمال داد که خیال خود دولت انگلیس بر خلاف این  
 مأموریت المپی فرانسه از جانب دولت خود بصورت دولت انگلیس

۲۰۴۱

<p>و اعداد و دستاورد وزیر انگلیس مایه این شد که دولت ایران      ایچی مار خوب پزیرانی کرد و ایچی مایه این محبت را فراموش کرد      و حرکتی هم کرده است که خلاف دوستی فیما بین دولت انگلیس      باشد شکایت دیگر مریزین است از فرار یکدیگر و فقره عمده      یکی آنکه مسیو بوبر صاحب منصب فرانسه که حکومت مسیو بوبر      برات رفته با عمل محاصره آنجا پرداخته و دیگری آنکه با وجود      نزاع دولت ایران با انگلیس فرخ خان این الملک بنا بر ای      مسیو بوبره با اسم ایچی کری روانه فرانسه شد و تعارفات      زیاد و بجهت آن دولت مسیو بوبر فرخ خان را حاضر      جمع کرده است که دولت فرانسه پذیرائی خوب از او خواهد کرد</p>	<p>عهدنامه تجارتنی بسته است و دولت ایران درین وقت      خوب یافته از برای اظهار نمودن دوستی خود را نسبت به      فرانسه و انگلیس رابطه ما با ایران تازه نیست بلکه کس میداند      که از عهد لویی ۱۴ است و این را نیز تعجب فراموش کرده اند      که رابطه دولت فرانسه با دولت ایران در عهد ناپلیان      بوده است و اسم این پادشاه چنانکه در همه مل مشهور است      نپلیون بود که یازنده است لهذا تعجب نیست که میل قلبی پادشاه      ایران محمد و پادشاه فرانسه شده باشد با رسم و قاعده      محل تعجب نیست که پادشاه ایران تعارفات و مکالمات صحیح      برای جانشین خویش ناپلیان بزرگ نموده است</p>
<p>در روزنامه بلجیقا تاریخ ۱۸ ماه ربیع الاول      تفصیل نوشته شده یقین است که فرانسه      شاق انگلیس اسطیح نخواهد شد و نوعی نخواهد کرد که جمیع منافع      دوستی انگلیس مخصوص شود و خصوصاً مسئله ایران و این      یقین است که زیاد خواهد کرد لهذا فرخ خان بفرانسه خواهد آمد      و دولت فرانسه پذیرائی که موافق شأن است از او خواهد کرد      یک کاغذ پارس که تاریخ ۱۷ شهر ربیع الاول نوشته شده است      میگوید که جواب روزنامه کونستی تو سیونیل بروز نامه مریزین است      بنا بر ای دولت فرانسه شده است ایچی انگلیس مقیم مسلامبول      علی الاتصال در اخلال کار فرخ خان میکوشد و چنان معلوم      که با دولت خود هم رای شده است که حتی المقدور مگر از ایچی      ایران را بفرانسه برسد احتمال میدهند که پادشاه ایران این      سفیر موضح را بفرانسه بفرستد از برای اینکه اطلاع درست بمسئله      از چگونگی دستاورد دعوی کریمیه و حالاتی که از برای دولت فرانسه      در باب این دعوی هم میدهد از برای این کیفیت در نظر میهند در</p>	<p>جواب این شکایت این است که صاحب منصب فرانسه بهر نام      سال قبل ازین نوکر ایران شده بود و آنوقت هنوز تعاق فیما بین      انگلیس و فرانسه که بجهت دعوی روسین اتفاق نیفتاده بود و مسیو      بوبره با ایران رفته بود مسیو بوبره را که نوکر نبوده است در دولت      فرانسه بر همه معلوم است دولت ایران منصب سر ایچی فرخ      مهندس داده و مأموریت او را بهر ایچی مطلق بود حتی عمل      خودش ولی محض ایکی مسیو بوبره رفتن او را بهر مطلق شده      راحت کردن او را از بهر آن خواهش کرد و چندین کاغذ      فیما بین او و صدر اعظم ایران درین باب رد و بدل شد      واضح است بچه سببها خویش مسیو بوبره درین باب مقبول      یکی آنکه مسیو بوبره نوکر ایران بوده و دیگری آنکه در قشون ایران      کیسکه بتواند از عهد اعمال عمده محاصره هرات بر ایچی مسیو      نبوده است اما در باب ایچی ایران که مریزین نسبت کاتب میکند      ما را خاطر جمع کرده اند که دولت فرانسه بهر چه از او خواست      نموده است که برو و بفرانسه ولی سفیری با ایران فرستاده</p>

۲۰۴۲

رنجه روزنامه که در پاریس انطباع شده  
 در جواب روزنامه مرنین پست انگلیس  
 خدایچه فرانسه قیام نموده آنچه لازم است از برای یک دولت  
 عظیم و بی جمیع مالک روی زمین را از برای خود جناب میکنیم  
 میخواهیم که قدرت ما جمیع بر او برآورد و کرد این صفت  
 مستقیم و مردانه فرانسه است ما میخواهیم مگر اینکه محل اعتماد  
 در ممالکی که تربیت یافته اند خصوصاً منظوری این است که دولت  
 فرانسه تحمل نشود در هیچ مملکت غلبه خارج با حرص کبیر را  
 و ما حرفی نداریم که دولت انگلیس سلطنت سحر را در دولتی  
 اولین دولت بر است و تسلط احدی را بر خود قبول  
 در این زمین که سلطنت میکند بواسطه قوه جنایات و عقلت  
 و آلات قوه ملزومه مملکتی که خداوند با وحمت نموده و  
 صفت است که لونی کا تر و نامی این بزرگ داشتند و  
 صفت را جمیع خلق فرانسه با بد در قلب داشته با در در  
 همین صفت است که بد دولت فرانسه در حالت که باشد  
 آیا این حرص نمانی اتحاد با دولت انگلیس است نه ما کما  
 میکنیم بلکه چنان میدانیم که این صفت موافقت میتواند کند  
 با دوستی قلبی حقیقی که فیما بین دو دولت بزرگ که قوت و قدرت  
 یکدیگر را شناخته اند باید باشد ولی با وجود این تعیین داریم که  
 این اتحاد و وفق درست نخواهد داد با خوبی حکم امیر مذکور اگر  
 انگلیس میخواهد اتحاد و دولت فرانسه را میخواهد و طالب دوام  
 اوست و مایل است که این اتحاد را ملت و دولت فرانسه  
 قبول نکنند باید که در فقرات مربوطه یا ابتدا نماید بدو  
 میل تسلط و حکم را از اینکه بگوید که من میخواهم و من میکنم چنانچه  
 می بینیم در هر آن ظاهر میکند در روزنامهها و حرکات دولتی

خود این سخنان را قبول میکنیم بلکه نباید از آن بدیم که  
 در هیچ جا از روی زمین این را جاری نماید انگلیس غلبه از  
 اوقات متحد بر اینچنینی که معاون بزرگی یا اسباب فتح  
 و نصرت یا التسلط او نباشد نباید فراموش کرد  
 که چند روز قبل روزنامه نس بیان کرده بود که ما دوست  
 هر که باشد میخواهیم در حالتیکه خادم ملی تیک با ما  
 اگر این است فی الحقیقه جناب دولت انگلیس ما هرگز این  
 قبول نمیکنیم فرانسه قبول این نوع اتحاد را نمیکند  
 بلکه نمیتواند تحمل شود که چنین اتحادی در اطراف او برآورد  
 و روی زمین را فرود کرد و تسلط قیامت که عقوبت  
 فرانسه کرد و دولتی تعیین انگلیس سهو کرده است از اینکه  
 بزرگی خود را بستاند بوسه بدهد و صرفت و تسلط خود  
 دانسته است جمیع او یاری معبر او را مانع شده اند که  
 صدی از برای آن دولت خود بگذارند پلی تیک و قانع  
 که دوام نخواهد داشت بواسطه تحریک آخرین دعوی  
 مشرق زمین ظاهر شد و این پلی تیک زودتر از آنکه لار  
 پارلسن تحمل خیال میکند با آنها خواهد رسید قبل از دعوا  
 وقتی که منظورات ناحق روسیه مانده و آنچه صلح یوروپا  
 شده بود میخواهیم که این اشکالات بدون جنگ تمام  
 شود زیرا که میدانیم در همان وقت که نتیجه این دعوا  
 مانده از یاد و اقتدار دولت انگلیس خواهد شد در دریای  
 مدیترانه و مدخلیت در امورات دولت عثمانی منجر  
 خواهد کرد به اما حال بطور نرسیده آنچه ما خیال کردیم  
 از چیز الهی انهای دریای سیاه کشتی های جنگی  
 که حرکات نصرت آمیز میکنند بعضی از این کشتیها در نجا

۲۰۴۳

عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب  
عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب  
عبدالله بن محمد بن علی بن ابی طالب

اسلامبول اندوخی در کج سیاه قدری در جزیره مالت  
میباشند بجهت نظر انداختن در مملکت سیلیا و آنا فانا بعد  
این کشتیهای افزایداد مسی که قشون ما در مشرق زمین بود  
انگلیس کم شده بود ولی حال اقتدار او زیاد تر از قدیم  
انگلیس از برای بخت اقتدار کشتیهای جنگی خود را کند مذکور  
بهمانه چند بدت آورده نسبت بدولت روس در خصوص  
صلحی که در پاریس شده ولی اصل منظورش این است که پاریس  
و جمع ملل اطراف نند و عموماً بر جمیع عالم معلوم نماید که  
انگلیس خود در سلسله بر جمیع مشرق زمین و با تمام باید ظاهر  
اورا داشته باشد و اگر قشون او در دعوا زیاد از دیگران  
شهرت کرده ولی نتیجه حاصل دعوا از برای او شده است  
ما را مطمئن میکنند ما نیز امید داریم که جمیع اشکالات مشرق  
تمام شوند ولی و امید داریم که بعد از این عهد که  
دیگر بهم بر نذر که میگذرد که انگلیس داخل جانی شد پس خود را  
نیخواهد بیرون آید بنا بر علی بن معلوم که بچه خود چه شرطها  
انگلیس را میجویم متحد با انگلیس شیم ولی نه معاون و نه  
او مانع از سلطنت روی زمین را نداریم ولی میخواهیم  
که در یورپ گرفته ایم از دست ما بیرون نماند  
و نیز در یکی از روزنامههای پاریس پرس نام نوشته اند که  
اولاً در جزیره خارک بلکه در ابوشهر نیز یک محل تجارت برقرار  
نمایند از برای بند راهی بهم رسد که بجز خود شش می دیگرند  
مانند مخصوص خود را یعنی این درست نماید در اصل دیری بی تر  
فیات و پیوند رود مذکور از کشتیهای بخار را با سلطنت  
مخصوص خود کرد و اندو خارک و ابوشهر را قلعی است حکم نماید این  
منظور داند انگلیس ولی ما فراموش کرده ایم عهدنامه را که

هفت سال قبل ازین سیو پیرو کار پرداز فرستاده که در بعضی نوبه  
با کریم خان پادشاه ایران بسته است و در آن عهد نامه جزیره  
از ان دهنه شده است  
ایضا نوشته است که خبری تلگرافیک از اسلامبول تیار  
داده اند که فرخ خان چون نتوانست با ایلی انگلیس قرار کار  
ایلی انگلیس بفرخ خان تکلیف کرده است که از برای رفع این  
که در تمام یک سفید مهریده من  
جناب مارت و ایالت نصاب سید سعید خان امام باجم  
ملاحظه صدق و صفای نیت خود که نسبت بدولت ابر  
علیه دارد به عریضه بحضور آقدس تالیون اعلیحضرت  
در سید با ویلای دولت بنویسد و مصحوب کسب مخصوص  
محمد خود با پیشکش و هدایا ارسال در بار شکر کند امید  
و از جانب سنی ایجاب آقدس تالیون لوازم انعامات و از طرف  
اولیای دولت به مقرون هم مراسم محبت و دوستی نسبت  
بجناب معزتی البیه بدول می آید از آنجه این اوقات  
در سلسله بحضور تالیون و اولیای دولت به مقرون عرض  
و مصحوب عالیجاه عزت و سعادت همراه حاجی عبدالل  
با پیشکش و هدایا بقتضیل ذیل ارسال داشته بود عالیجاه  
پیشکش حضور تالیون  
صبح مرورید اعلیای سب نجیب  
یک رسته  
تعارف جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم  
ساعت طلار مرصع بالماس  
کینه استغافه  
عینرا شیب  
یک قوطر  
علا با جمعه  
سه فتنه  
شکسته  
رطبه  
شکسته  
شکسته

۲۰۴۴

چندی قبل وارد شد پیکش و عریضه حضور تایون را ابلاغ  
 داشت و شرفیاب بیگاه اقدس علی گشته مورد توجهات  
 ملوکانه آمد و بخدمت جناب شرف اجمدارف عظیم فیضیاب  
 کشته مراد و بدایای مصحوبی خود را بخدمت با جلال کتیب  
 و مورد تکریم و مهربانی از جانب صدارت عظمی گردید و  
 مشارالیه خود آدم قاب و صاحب معرفتی است و از رسوم  
 و ادب و طرز معاشرت کمال آگاهی دارد از جانب جناب  
 امام مسقط علاوه بر توجیحات بلاعی حامل عریضه و شیخان  
 شفاهی نیز بود که همه آنها دلیل کمال صدق عقیدت و  
 هواخواهی نسبت باین دولت است اولیای دولتی بنا  
 دارند که مادام توقف او در داخله کمال مراقبت را  
 او بجهت بعل آوردند و در مراجعت نیز بطور شایسته  
 انصراف بدینند

از اینکه قیمت قند و شکر و ادویجات این روزها در  
 داخله فزونی کرده است مستیوان اعتقاد کرد که بعضی کجا  
 و کسب کم مایه پت فطرت بی اطلاع چنان تصور کرده  
 که مخاصمه انگلیس با دولت علییه باعث شده و خواهد شد که  
 منبوره از بند وستان بخاک ایران نیاید برچسبند  
 قند و شکر و غیره را انبار کرده با نظر کرانی خواهند بود  
 که باین وسیله منفعت کثرت ببرند اولاً راه تجارت و  
 آوردن ایشیا منبوره انحصار بپوشد و ممبئی و تجارت  
 انگلیس ندارد از بعد از دست ارزند ارم و مسلامبول  
 سایر هم آورده می آورند تا نیاید و دل دیگر هم از قبیل  
 و امریکاد سایر از راه سحر العجم تجارت با این دولت دارند  
 و تجارت این دولت هم از قبیل حاجی محمد حیم تاجرند

و سایر بادولایت و لذت تجارت و آمد و شد دارند  
 چنانکه همین روزها بجهت حاجی محمد حیم شکر و ادویه  
 از ولندیز داخل خاک ایران شد است البته تجارت کسبه  
 با عقل و با اطلاع هرگز اقدام باین امر رکیک نخواهند کرد  
 مثل سابق هر چه دارند میفروشند و میخرند و موافق  
 اعلام نامه دولتی نباید احدی از تجار و کسبه  
 قند و شکر و ادویه جات نماید در صورتیکه معلوم شود  
 اقدام باین کرده است البته مورد مواخذه شده ترجیح  
 از او گرفته خواهد شد

سایر ولایات  
 کاشان از قاریکه در روزنامه کاشان  
 نوشته اند بعد از زیارت فرمان جهان مطاع تایون  
 تعلیمه جناب جلالت ماب شرف ارفع صدر عظیم که در  
 حرکات مشهورانه قشون انگلیس و تصرف بندر ابوشهر  
 شرف صدور یافته بود عالیجا مقرب محضه انخاف  
 محمد حسن خان حاکم کاشان جمیع اهالی شهر را اخبار کرده از عالم  
 و فاضل و اعیان و شرافد تجارت و کسبه بعد از پزوه  
 جمیعت در سردر سلطانی مجتمع گردیدند و فرمان مبارک  
 مبارخو اندیشه بعد از ابلاغ خلق از مضمون فرمان تایون  
 استخضار از حرکات ناشایسته انگلیس جهان شورش و خرابی  
 که کوفی قیامت موعود اشکارا شد تمام خلق متفق القول  
 از جان و مال و عیال میگذریم و در پای دین و دولت بذل  
 ایثار مینماییم اهل ولایت عموماً و علمای بلد و طلب و ادات  
 مصمم بودند که شرفیاب حضور اولیای دولت علیه شده  
 فرمانش نمایند بعل آورده است

۲۰۴۵

### اخبار دول خارجه

قانون دولتي جمهوريه نيكي دنيا اين است که هر کس از نتیجه  
خارج بخواد در تحت حکومت و حمايت جمهوريه مزبور در آيد اولاً  
بايد بختال در انجا قامت نايه و درين مدت اصلا خلاف قاعده  
از او هيچ چيز نبرد بعد از ان بشهادت جمعي از اهل ولايت  
خود ش ثابت نمايد که در ولايت خود نيز همچوقت مرکب است و  
و تعدي نشده است انوقت با و با پورت ميدهند و در  
حمايت جمهوريه مزبور ميشود چند و پيش ازين شخصي با چند نفر  
با بخار فقه و با بختال قامت کرده بود و درين مديت همچو  
از او خلاف قاعده سرزده بود بعد از ان خوش بسا پورت  
از جمهوريه مزبور کرده جمهوريه نيز مقتضاي قانون خودشان  
از بهر امان او در مقام تحقيق احوالش برآمده بودند سر امان  
نيز در مقام تفتيش و شجاعت او برآمده فقراتي که دلالت بر تعد  
و شرارت او ميکرد بيان نموده بودند از جمله گفته بودند که فني  
جمعي با هم نزاع ميکردند اين شخص آمده غمه آنها رازد و از ميان  
انها ميگيرد که قوتش از همه بيشتر بود بطوري زرد و مجروح کرد که بجائ  
هلاکت افتاد و جمهوريه نيز بعد از استماع اين فقرات ايشان را  
بهر امان او راجحه محاکمه کلاچيس انداختند و اين گذارش  
سبب خنده شنوگان شده و در روزها نوشته اند  
در زمپانيه راه آهن پارس بعضي از امالي و ج نعد برسم امانت  
گذاشته بودند چنانچه رفتار عيالات راه آهن و ج مزبور را با لاف  
سرفت کرده فرار نموده بودند و زمپانيه متحضر شده اين گذارش را  
اجبار و از رفتن سارقين پارس لوني برده بودند چند مستحق  
که پوليس نيامند و عجب دزدان پارس روانه کرده در انجا  
جستجو آنها برآمده دزدان از انجا نيز فرار کرده بسمت نيکي دنيا رفته  
بود

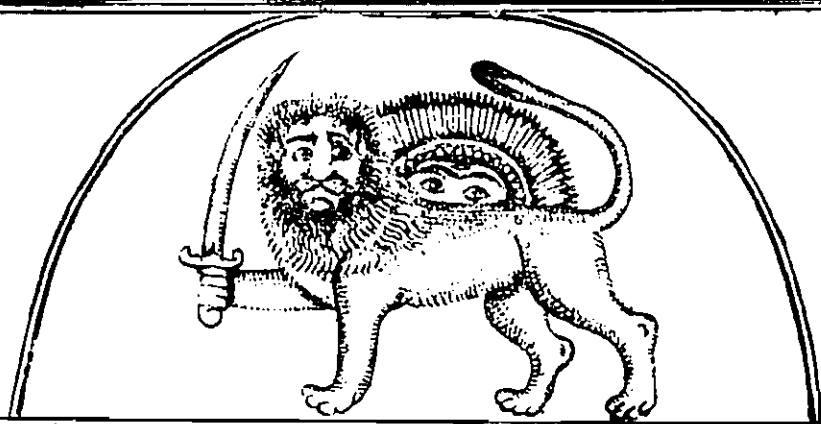
۲۰۴۶

مستحقين هم در عجب آنها رفته سه نفر نيز بدست آورده پارس  
اورده و کيف نکر که بزرگترشان بود بدست نيامده بود کيفي از مستحقين  
مجدداً به نيکي دنيا رفته خيلي خواه صرف کرده و بسا زياد بر دست  
او نموده تا اخر در باغي او را بدست آورده بود در مراتب غيرت  
مستحق مزبور همچو مستحقان در روزها پارس نوشته بودند  
در شهر انقوه که در ريز حکومت پايي دولت چند و پيش ازين  
زدی در جاني کيس بر سر ميگرد درين بين مستحقين سیده هر دور  
گرفته بدار حکومت آورده بودند و نديوانيان در مقام تحقيق برآمده دزد  
نسبت شرکت خود را با آنکه برهنه ميکرد داده حکم بقتل مرد و کرده بودند  
مشا را ليهار سياست گاه بردند آنکه مظلوم بود اصلا اظهار غلظت  
واضطرابي ميکرد بلکه قطع داشت که بي تعبير چرا با سياست بشود  
و از نيم قول گفتگو ميکرد تا و سياست گاه خود دزد و تصديق قول  
مظلوم را کرده و گفته بود که چون ديدم خودم گرفتار شدم اولم  
بشرکت متهم کردم با بچه مظلوم بچا رخص گشته و از جانب پاي  
حکم شد که بعد از اين درين گونه دعاوي وقت زياد بشود که ايگونه  
استباه کارها بطور نيابد



دولت علیه السلام در صده دوازده است معهود خویش بود بنا بر همانه جوایز و عهد کنیز است و نیت قلمه خوابید بیدار شو  
 و غرض بدکان ضد ایچنه ریخته که هر یک از طرفین باعث ظهور این کجاست بزرگ شکار و محول بقدر ششتر از  
 خواهد بود و اینک از دستلن سرداران کافیه که مضمونه و توخانه و اسباب دفاع و شمر لغو بران کواکب کوه و شعله  
 مقتدران امیر الاملاء العظام میرزا محمد خان کبیر شردار برهالوئی و مقربان قان عمده الاملاء العظام فضل خان بگلرکی  
 امیر تومان با تهنه لازمه مورد در وانه فارس شد در روز پنجشنبه چهارم شهر جمادی الاخره با عماله تفصیلات و بار خاوه از در  
 عازم در وانه محاصره گشته که اگر دولت انگلیس چنانکه بر خود قرار داده است در خصوصت با سبب ثابت در اینج  
 سایر لکن و اطراف مملکت فارس هم مثل بندر ابوشهر خالی باشد و چون دولت انگلیس خود را اگر سلامت و در دست  
 مقرر به بیشتر از مملکت ایران انگلیس در دولت علیه تحلیله است





### استهانه نامه

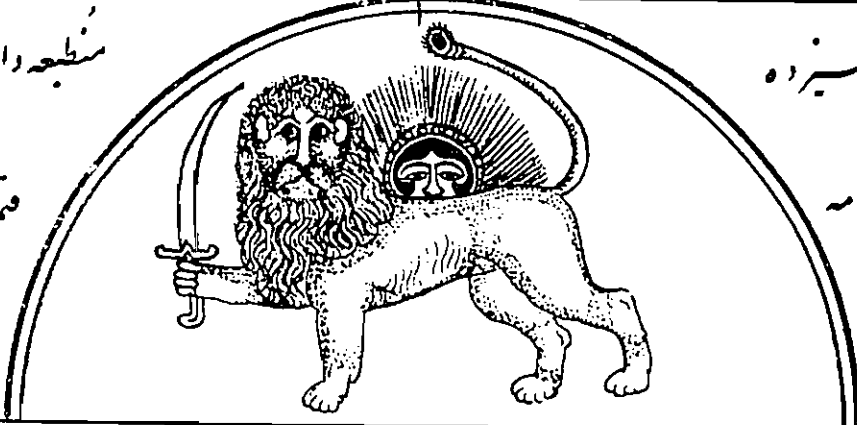
از بر و ظهور بر هفت با بر و لیسین و این و این لایح قطع علامه متر و لایح خصوصت لایح لیسین  
نیاید که خود را درین مرتبه ضم و زیادت لیسین ظاهر و شکر که او بنا بر خود را درین منظور قرار دهد  
غیر که خود را در این امور و اختیار و لایح از جناب لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
و نام که در معهود از قبول حواله و متنازل و دولت مضایقه نماید و چنانچه نظر از لایح است و حتم کویین  
و شایسته بهر آن خبر با بر و لیسین و لایح غلبه بر و لیسین و لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
این لایح لایح حکم صریح شایع و لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
شعبه لایح از آنجمله در بند و بشهر لایح و لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
خود و فای که خود درین مرتبه لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
بناست تطبیق و لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
کافه فیهم لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
بهنر راه مستحفظ لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این  
رضعت از جناب لایح کثیر و متعلقشان فیتر و این

# نتیج نامه

از قراریکه مقرب الخاقان شجاع الملک خبرمجلس دربارجاوون فرستاده بود انکلسها بمشتم حمادی الاخری با پنج فوج و  
 عراده توپ سجا کوه چها فرسخی پوشیده اند که شاید از آنجا بمشتم جاور کرده مادام که عساکر مسوالمیه اسلام بهدیکه می کشند اند ایسی  
 بار دوی توپ الخاقان شجاع الملک براند شجاع الملک نیز بمشتم جاور کرده هزار نفر سوار و سیصد نفر سواره و دوازده عراده  
 توپ غم بسجون و شش و در شب نیم حرکت کرده کفر فرسخ از برازجان گذشته بارانی شدید بارین گرفت قشون انگلیس که  
 کفر فرسخ از چاه کوه ماه گذشته بودند خود را بمغار و چو کلهای آن جوالی کشیدند عساکر اسلام در صحری بی پناه برای محفوظ ماندن  
 از صد مباران اردوی خودشان را زنده جاوردیکه دیدند تا درانی اقدام بجنگ نماند چون انگلیسها از باران محفوظ ماندند  
 علی الصبح بر برازجان رسیدند مقرب الخاقان شجاع الملک نیز شب دوازدهم با سه هزار نفر زنده فوج و شصت عراده توپ  
 تاخت پیشین اول قشون انگلیس مجبور شد توپ اعلام انداخت قشون انگلیس زیادوی قوچان خود را که میدانت با کثرت کل محل  
 نمیتواند برایش زده مرخصت بمت بوشهر نمود عساکر منصوره دشمن با جانی تعاقب کردند که فرسخ و نیم ما بین  
 واردوی بوشهر انگلیس رفت ماند از اردوی انگلیس و فوج و حصه سوار و ده عراده توپ دیگر باید آمد آنوقت بر کشته بنا  
 جنگ کند هستند اردوی عساکر منصوره با اینکه پیش از سه هزار نفر و شصت عراده توپ بود باز از عدد و عدت خصم پر  
 کرده هنگامه قتال را گرم نمودند از طلوع شفق تا چاه ساعت و نیم و لیرانه جنگ میدان کرده و در مرتبه نیزه پیش قدمه نظامی  
 شگسته داخل با فوج انگلیس شدند و رستین و آویز کوشیدند از قراریکه نوشته اند اذ انما مذکور بوده که خبرال استاگر در  
 انگلیس که اول وارد بوشهر شده بود در آن بین کشته شد اما خبر صریح نیست که محل دثوق باشد تا بعد چه ظهور کند و از  
 سر کردگان این طرف عالیجاه محمد قلیخان میر قاسم خرم ساچمه توپ برشته و عالیجاه علیخان میر قاسم خرم  
 وقت داخل شدن قشون انگلیس زخم شمشیر سید است ولی سجد التیج کلام ایسی نوشته اند چون شدت باران  
 طرفین را از کارزار بازداشت لابد هر یک بطرف اردوی خود مراجعت نمودند حتی از شدت بارش و سبب بعضی  
 از توپهای طرفین در کل ماندند و مقتولین طرفین را هم بواسطه شدت انقلاب هوا تحقیقا نتوانستند تشخیص دادند  
 ششصد و تا یکصد نفر عد و مقتولین انگلیس و از ششصد و پانصد تا سیصد نفر عد و شهدای قشون اسلام را نوشته  
 خبر صریح و صحیح را امیر الامراء العظام کشیکباشی که الی حال البته بار دوی جنگ سید است خواهد نوشت و  
 تعالی در انتشار نامه آینه علی التحقیق نوشته خواهد شد

# روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم چشنبه دویم شهردی الثانی مطابق لوی نیل ۱۲۷۳

منطبه دارالخلافه طهران	مهره سید و سیزده
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
هر خطی	هر نسخه ده شاهی



## اخبار داخله مالک محروسه پادشاهی

### دارالخلافه طهران

اعلیحضرت قوی شوکت شاهی دامت شوکتها کبریا  
فرمای شکارگاه جاجرو شده بودند روز در آنجا  
توقف و تفحص و شکار فرموده در روز یکشنبه گذشته  
دو ساعت بجزوبانده تشریف فرمای دارالخلافه مبارکه  
گردیده بمقتضای عظمتی نزول اجلال فرمودند و هوای  
دارالخلافه طهران هم باقتضای موسم بسیار خوب است  
چند روز بارندگی کامل که زیاده بجهت زراعت و حاصل  
بوده و بعد از آن هوای مقتضای فصل سرد کرده  
نیخ چالهای میگیرند

از وقایع اتفاقیه دارالخلافه اینکه روزه مشهدی محمد سلیمانی  
بر دستش نابینا شده بود بطوریکه طبیب و جراح از معالجه  
آن مایوس بودند و اکثری سم از کیفیت حالش استحضار  
بعد از مایوسی از معالجه اخر الامر بر خود مخمر کرده شب شنبه  
سبح جمادی الاول با خلوص اعتقاد بقیعه تبرک که امان داده است  
رشف شده و بان بزرگوار متک که در بد خداوند کریم است

رحمت عظیم خود محض قرب و منزلت آن بزرگوار و استعظم  
نوری بیدنای آن ضعیفه عاجزه عطا فرمودند که در است  
اول روشن تر شده اینمعنی سبب مزید اعتقاد مسلمانان  
مشاهدت که کردید  
از فراری که در روز چهارشنبه عهده جمادی الثانی بعض اولیای دولت  
مقرب آنخاقان حسین خان شایسون سیدتیب که از دارالخلافه ایران  
حامل غزانه و ضلایع فائزه و شاهنهای مریض و طایر و شیر و کار و در  
و غیره بجهت اردوی برت بود روز هفتم جمادی الاولی از منزل  
روانه تر بشیخ جام بوده است و تینچاه سواره ترکمان که مقدمه  
سواره ترکمانان خرسی و آخال و قریاب بوده اند غلله ریخته  
سواره پاره ابو اجمعی سرتیپ همراه بوده عقب مانده بوده اند  
با چند سواریکه همراه داشته حمله بر ترکمانان آورده مکنفر اسیر و کبرا  
بعقل آورده و تمه منزه شده اند بعد از ساعتی قریب شصت سوار  
که از خرس و آخال و قریاب و غیره بجهت تا صحن غزانه و تینچاه  
مصحوبی مقرب آنخاقان حسین خان ستم و او طلب شده بودند  
شده مقرب آنخاقان مشایر سواره و پیاده و توپخانه ابو اجمعی

۲۰۵۱

خود را که از عقب رسیده بودند در آنجا گذارده و خزانه و بنده را  
 خود پرده معاودت بجهت ابا و که قریب نیم فرسخ از آنجا دور شده  
 بود کرده خزانه و بنده را در آنجا گذارده مراجع بطرف سواره و  
 کرده است و با توپ و سواره و ده حمله بسواره منور کرده است  
 قریب پنج فرسخ راه آنها را تعاقب و محاصره کرده شکست فاحش داده  
 در آنده است تا کنار رودخانه که در آن حوالی است توپها را در کنار  
 رودخانه در محل مرتفعی جای داده و خود با سواره داخل تیرگان  
 شده و جمعی کثیر از آنها زخمی و مجروح و قریب یکصد نفر اسیر  
 بمقتاد نیزه سر از آنها گرفته و مجموع اسرا و اموال و کال و کوه  
 که از جام و هزاره آن اطراف تاخت کرده و قبل از وقت در میان  
 جاداده و پنهان کرده بوده اند از آنها استرداد کرده و یکصد  
 پنجاه رأس اسب نیز از آنها گرفته بقیه اسب بعضی از رودخانه  
 و بعضی از راههای دیگر گریخته و متفرق شده اند قریب و بیست  
 سارایه سالماً غنائماً بمنزل خود وارد شده است و اسبها و اسبها  
 با تفاق مقرب الخاقان مشا را لیه شدت و جلالت کرده اند و  
 نشان و خلعت در حق آنها حمت خواهد شد از قرآن تفصیل است

عالیجاه لطف البدخان سر کرده عالیجاه فرج البدخان سر تنگ فوج  
 سواره شاهسون دویرن و عجم و سرباز او  
 سواره ابوالجهمی او

عالیجاه حمت البدخان سر تنگ فوج عالیجاه علیقلی خان غلام شمس  
 شقایق و سرباز او

سواره جامی جمعی عالیخان محمد غلام پادشاهی که همراه مقرب الخاقان  
 و نصر الله خان سر تپ بوده اند

از قراریکه عالیجاه مقرب الخاقان عمده الامراء العظام جوهر قلین  
 المیخانی حاکم استرآباد و بجنورد و عربیضه خدمت اولیای دولت  
 علییه نوشته بودند او خود پنهان سه هزار نفر سواره ترکان و بیست

که سابقاً بنا بود بر کاب عالیون بیاد و دفاعت کرده و خود  
 طوایف منور به بهین قدر خدمت و جانفشانی اکتفا نموده اند  
 بلکه تمت و ارادت مقرب الخاقان معزی الیه و غیرت و حمت طوایف  
 ترکان و بیوت اقتضای زیاده بر اینها نموده پیش هزار نفر  
 سوار بکار از همه ایلات و طوایف در نزد المیخانی مجتمع در کمال  
 میل و رغبت و او طلب خدمت مستند و از انقار که المیخانی صراحتاً  
 بموجب عربیضه خود ما لیبای دولت علیه معروض داشته بود  
 سوار منور بسان داده و حاضر و آماده هستند و در روز چهارم  
 این ماه جمادی الاخری با خود المیخانی از استرآباد بکابل  
 و از آنجا حرکت کرده در کاب عالیون بزودی حاضر خواهند  
 شد که بهر جا از سرحدات ممالک محروسه مقرر فرمایند در آنجا حکم  
 و ریاست المیخانی روانه شده مشغول خدمت و جانفشانی باشند  
 و البته بعد از چند روز دیگر مقرب الخاقان المیخانی باشهر استرآباد  
 و او طلب حبس ترکان در روز پنجشنبه الباقی بحسب الامر الاقدس  
 بهر جانب که مامور شوند رفته مشغول خدمت و جانفشانی خواهند  
 رشادت و جلالت سوار ترکان در همه جا معروف و مستغنی از  
 تعریف است خاصه بسواری مثل جعفر قلین المیخانی که او  
 شجاعت و کفایت و کوشش و عزم خلق شده است

در روزنامه استرآباد هم نوشته بودند که عمده بر این سواره ترکان  
 خود المالی استرآباد هم حمت کرده و مدارک میدید که بفرم جا  
 بدر بار عالیون بیایند و هم چنین سواره و سنجاقی بجنورد و بجمعی  
 کامل فراسم آورده بودند که مقرب الخاقان المیخانی ملحق شده  
 بدر بار جهاندار بیایند

از قراریکه سابقاً با ولای دولت علیه خبر رسیده بود وقت بیرون آمدن  
 مشون نخلس از بندر بلخ بشکلی محدودی از تنگ چکان ولایتی تنگستانی  
 از قراریکه سابقاً با ولای دولت علیه خبر رسیده بود وقت بیرون آمدن  
 مشون نخلس از بندر بلخ بشکلی محدودی از تنگ چکان ولایتی تنگستانی

۲۰۵۲

دولت برسم معهود بقدر آنجا بخلوی و محافظت کناری  
 مشغول بوده اند کیفیت را باطلاع عالیجا و مجد سراه باقرخان  
 تنگستانی میرساند عالیجا مشارالیه بجهت استکشاف خبر باوقیعت  
 نفر تفتیحی ولایتی با آنجا حاضر شود اگر چه از جانب دولت علیه عا  
 نظامی خود اذن مجاری با قشون نخکس داده نشده بود لکن چون عالیجا  
 مشارالیه و تنگچیان ولایتی او اطلاع خندان از رسوم و نظام  
 کامل از کمون اولیای دولت ندانستند چنانکه دیده بودند قشون  
 دشمن از کشتی بصل نقل میکنند و مجبض نمودار شدن عالیجا مشارالیه  
 و تنگچیان او شکیک توپ بروی آنها نمودند عالیجا مشارالیه  
 با قضای شجاعت با قوت عدد و دستن توپ و قشون نظامی  
 بجهت دفاع خصم با پیش گذاشته از طلوع آفتاب تا حوالی ظهر مشغول  
 جنگ میبود و مردانه و شجاعانه بدفاع دشمن میزد و عدد و معوی  
 دشمن را در جنبه سابق نماند و دست نفر می گفتند لیکن از قوراکا عدی  
 از خود عالیجا باقرخان ملاحظه شد تا موصد نفر قلعه کرده بودند  
 در کاغذ دیگر تا هزار و نفر نوشته اند اگر چه در توپ مستطاب  
 مؤید الله و له طهاب میرزا حکمران مملکت فارس و معرب انخان <sup>العظام</sup>  
 مهر علیجان شجاع الملک سردار کل عا کرفارس تعیین عدد نوشته  
 اما بناید این کاغذهای عالیجا باقرخان و دیگران بی اصل باشد  
 سخن یا داخل شجاعت کرده و مشهورانه دعوا نموده است و در  
 از سپران عالیجا مشارالیه که جوانان بسیار شده و شجاع بودند  
 بنفعا و نفر از تنگچیان تنگستانی با چه توپ نخکس درجه شهادت  
 یافته اند اگر توپ و قبلی قشون هم سراه عالیجا مشارالیه بود  
 البته با این غیرت و شجاعت که بروز داده میگذشت که قشون  
 قدرت حرکت بجانب بوشهر داشته باشند این کبر و در خبری که  
 داخل جنگهای دولتی نیست که بان ملاحظه در روزنامه اعلام شود

اما چون مقدمه بود که واقع شده است مختصر اقلی و انظار شد  
 البته قشون نخکس از همین قدر شجاعت قبلی از تنگچیان ایرانی  
 نمودند شجاعت و مردانگی بسیار کرد دولت ایران از فیهند  
 تنگچیان ما هم از حالت قشون نخکس اطلاع بهم رسانند و  
 یکدیگر را از نمودند

### سایر ولایات

اصفهان از قوراکا در روزنامه اصفهان نوشته اند که  
 امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و ثواب مستطاب  
 حکمران اصفهان کمال مراقبت را در انتظام امر ولایت و بود  
 رعیت بعمل می آورند و در حق مأمورین و عا کرم مضور که از  
 در بار جهاندار ساجون روانه فارس شده اند در ورود با  
 و روانه شدن از آنجا نهایت اعزاز و اکرام را بعمل آورده  
 از جمله در ورود معرب انخان سلیمان خان فشا میر بیچ و در ورود  
 امیر الامراء العظام میرزا محمدخان کشیکچی باشی و عمده الامراء <sup>العظام</sup>  
 فضلعلی خان بیکر بکی و امیر تومان و پیر سران و صاحب مضبان  
 لوازم اعزاز از آنها بطور شایسته بعمل آورده اند و معرب انخان  
 محمد ابراهیم خان سیرت با فوج ثلثه اصفهان هم که با شجاعت  
 ثواب معزی الیه پس از و نشاندن استقبالی و تعیین منزل سیاه  
 بجهت او قدغن آید نموده اند که جمیع تدارک و کمزومات او  
 ثلثه را ما بشیرین و کار گذاران اصفهان بزودی دیده خانوا  
 و طبوس و مواجب و غیره آنها را پرداخته مهتاباناید کرد  
 وقت حرکت بهیچ وجه معطلی نداشته باشند و کار گذاران نیز  
 حسب الامر مشغول پرداختن مواجب و مرسوم آنها بوده اند که  
 بزودی نامهای امور آنها را تمام کرده با کمال راستگری روانه  
 فارس شوند

### عراق

گذاشتند و او طلب شدن عموم الی عراق بجان فی بعد از رسیدن  
 مقدمه بند را نوشهر و بکلیس در روزنامه دو هفته پیش مطبوع کرد  
 لهذا بر حسب تمعای مقرب انخاقان میرزا حسن خان حاکم عراق  
 و امالی آنجا از جانب اولیای دولت قاهر حکم شد و فرمان  
 مهملتان مبارک از مصد جلالت شرف صد و یازدهم که مقرب  
 مشارالیه سه هزار نفر در لیف لیکچی و سواره از ولایات عراق  
 برای خدمت دولت غیر از افواج موجب حوار دولت متبنا  
 مقرب انخاقان مشارالیه بعد از زیارت فرمان مبارک آنجا  
 بخدمت سلطان آباد و علما و اعیان آنجا را بدو انحاء دولتی دعوت  
 کرده مضمون حکم جهان طاع را بعموم مردم القاموده همگی با  
 شغف تمامی جان شاری و خدمتگذاری کردند بعد از آن  
 عموم الی و اعیان در شیس سفیدان که خدایان آن و جز  
 تمامی عراق بر سلطان آباد احضار کرده مجدداً مجلسی بوجود  
 و اعیان و امالی کل عراق منعقد نموده فرمان مبارک را خواندند  
 مضمون آن را گوشه زکافه فاسرند و همگی متفق الیکه از روی غیبت  
 و تعصب دین و دولت اطاعت و امتثال حکم جمایون را از جانب  
 و دل قبول نمودند چنان حال غیرت و تعصبی برای اهل مجلس  
 دست داد که جناب حاجی سید باقر سلمه الله تعالی و سایر علما عموماً  
 را و طلب شدند که هر وقت اعلامی از اولیای دولت قاهره شود  
 خود هم برای جهاد فی سبیل الله حاضریم بعد از انقضای مجلس  
 شروع بکرفتن لیکچی و سواره بر از ولایات بلوکاشه برای  
 از ردیف ولایتی سر کرده و صاحب منصبی تعیین شده و دستور العمل  
 مطبوس و تدارک اوضاع و تعینک سبب آنها را داده و تکلیف  
 ردیف هر ولایتی را جداگانه معین نمود و در دسته را چندین

با لباس دکلاه جداگانه و در کلاهشان نشان دوتی از برنج و کزری  
 مخصوص که شش از نقره با بخت بگیرند ترتیب داد و قرار داد که  
 و پیش تا و هم دستها باشند و سر کرده سواره و پیاده هر ولایت  
 جداگانه معین و هر روزه سواره و پیاده هر ولایت سلطان آباد  
 آمده باسب و لشکر و طبوس آنها رسیدگی میشود و انشاء الله تعالی  
 لیکچی و سواره برود در سلطان آباد حاضر شده سان خواهند  
 آنچه حاضر شده اند چنان راسته و منظم هستند که بعد از رسیدن  
 سبط اولیای دولت علیه بیشتر از قشون نظامی جلوه خواهند کرد  
 و چون همه را و طلب و اغلب جوانان کاری نمایان شدند  
 خوب از عهد خدمت خواهند برآمد

### فارس

از فرار یک در روزنامه فارس نوشته اند نواب مستطاب شاهزاده  
 محترم و الا بتبار میوند الله و له ظلمت میرزا حکیم ان ملک فارس  
 با تو پنجاه و دو خورخانه و افواج و سواره و استعداد از شیراز  
 کرده و خدمت رفتن بسمت بر از جان و مجال دستستان دادند  
 درین بین عالیجا مقرب انخاقان سلیمان خان فشا سرمنجه که  
 از دربار جهانداد بجا یون با سواره و حکام علیه نامور فارس شده  
 بود در ششم شه جادی الاول وارد شیراز گردید و خدمت  
 شاهزاده رسیده نواب مغزی الیه بعد از زیارت احکام  
 او امر علیه بشورت شاه و اعیان ولایت و سران سپاه  
 وقت را در آن دیدند که عا کر منصوره را تا کارزون  
 حرکت داده در آنجا رده زده توقف نمایند تا بجهت قضای وقت  
 عمل شود لهذا نواب عبد الباقی میرزا و مقرب انخاقان حاجی قوام  
 و حاجی محمد هاشم خان دیوان بکی و میرزا نعیم شکر زین باشی فارس را  
 بجهت نظم شهر شیراز گذاشته و خود با اردو و سبب کارزون حرکت نمودند

۲۰۵۲

عالیجاه مقرب الخاقان مهر علیخان شجاع الملک در بحال  
 و شستان در منزل برازجان با عا کرمضور و توپخانه و  
 و اسعد کامل اردو زده و بانظم تمام توقف وارد و  
 و رانجا کمال فراوانی و ارزانی است و هر چیز و فور دارد  
 مقرب الخاقان مشایخه نهایت مراقبت را در هر باب  
 بعمل می آورد و احوالات آن صفحات بندر بوشهر را همه  
 خدمت نواب مستطاب هزاره جنم و الاتبار مؤید الله  
 طما سب میرزا حکمران مملکت فارس نوشته استحضار  
 و بمقتضای وقت حرکت نماید

دیگر نوشته اند که در فارس شتهار یافت که امیر الامرا  
 میرزا محمد خان کبکی باشی با عهده الامر العظام فضلعلی خان  
 بیکر بسکی و امیر تومان و توپخانه و فوراخانه و افواج قاهره و سوا  
 و وجه زیاد نقد از خزانه مبارکه بجهت انعام و اکرام کرمضور  
 و مصارف اتفاقیه و خلایع فاخره و ثنائی بسیار از  
 جهاندارهایون مأمور فارس و روانه گردیده و عرض  
 و عقرب وارد شیراز خواهد شد از انشا این اجناس کرمضور  
 و جمیع املی و عیان کمال خوشوقتی را بهم رسانند

**کرماتان**

از فراریکه در روزنامه کرماتان نوشته اند از خطه فرین  
 قضا این که در باب کیفیت بندر بوشهر و گرفتن قشون  
 علی الفظه آنجا را و اجناس جنگی ممالک محروسه شایسته  
 صان الله ایام شوکه عن التناهی شرف صدویافته بود  
 مهر لعلانی که درین باب بافتخار نواب مستطاب هزاره جنم  
 و الاتبار عا و الدولا مقلی میرزا حکمران کرماتان و عیان  
 و املی آنجا عا اصدار یافته بود با بنجا پر تو وصول افکده بر

اجناس نواب مغربی الیه تسبیح علمای عظام و سا و انکرام  
 و املی و عیان بلذ و بلوکات و ایلات ارتظام و غیر نظام  
 در رعیت در مسجد جامع کرماتان جمعیت و ازدحام زیاده  
 نمودند و جناب آقا عبداله امام جمعیس از ادای موعظه و  
 بیان مراسم علیها تمیضون فرمان مهر لعلان را گوش زد  
 صغیر و کبیر و برنا و پیر نمودند و کلی مردم متفق اللفظ با شای  
 مال و جان در راه دولت جاوید بنیان دولت قوی ارکان  
 هم زبان کردند بدینچون اهل آن صفحات کلا ایلات و ام  
 و از نوکر و رعیت همه در اسب تاخن و تیر انداختن جا یک

ما هر میباشند خلق زیاد و کروی انبوه از آنها مستعدی جا  
 و اولاد متکذاری کردیدند عریضه با و لیای دولت ابدایت  
 که بنحسار علیه هایون جمعیت زیاد بیشتر از نوکر دیوانی که در  
 این ولایت مستند از سواره و کبکی طوایف ایلات و بلوکات  
 و املی اند که هر طرف حکم شود بجان فانی اقدام نموده بحفظ  
 ملت و دولت پردازند

تو پیمان منوقت دارالدوله کرماتان همه روزه در میدان  
 توپخانه مبارکه مشغول مشق می باشند و عالیجاه فرج الله بیک  
 یاد در توپخانه نهایت اهتمام در مشق و انظام امر آنها دارد و همچنین  
 فرج علیج ساوه ابو اجمعی عالیجاه جانمخدر خان همه روزه در میدان  
 سر باز خانه مشق میکنند و فوج عالیجاه حیا تقی خان کردی را  
 نواب مستطاب هزاره با عالیجاه ملک سیرخان سرمنگ  
 بکرماتان مانوده وارد کردیدند و چند روز است که عالیجاه  
 لشکر نویسی بدین آنها مشغول است  
 دیگر نوشته اند کمال ایت و انظام در آنولایت حاصل است  
 و قافل در نهایت آسودگی عبور مری نمایند

۲۰۵۵

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند کمال محنت  
 و انتظام در امور آن ولایت حاصل است و امالی در عیال  
 اسوده خاطر هر کس بکار خود و دعا کونی ذات اقدس  
 بجا یون شاهنشاهی خلد الله مملکة و سلطانه اشتغال دار  
 و مقرب الخاقان میر الامراء العظام سپهسالار حکمران کرمان  
 در نظم و ولایت و حصول موجبات آسودگی عیال و رسیدگی  
 بعرض و داد عیال و انجام خدمات و مهمات دیوانی آنها  
 کافی بعل می آورد و عالیجاه مقرب الخاقان میر محمد  
 دیوان و پیشکار کرمان حسب الحکم و رسیدگی محاسبات  
 و معاملات و داد و دیوانی و نظم امور بده و بلوکات  
 مشغول و نهایت آسودگی از برای رعایا حاصل است  
 چنانچه قاعده برات در بلویات بلوکات فرستادن  
 امیر الامراء العظام سپهسالار موقوف و متروک کرده  
 و امسال سلفا بر آه و ابیچیک از بلوکات ترغیث و  
 جمیع مواجب و مسوم نوکر را در شهر میدهند و رعایا  
 زیاده از این معنی راضی و شاکر و دعا گوئی دولت توکی  
 مکنتم میباشند

دیگر نوشته اند که پارسال چون خشکالی در کرمان داد  
 و بعضی از محصولات روداب از خالصه و اربابی نابود  
 شد و امسال نیز از اول نیزان تا این اوقات نزول رحمت  
 شده بود مردم زیاده تسویش داشتند ولی انفضال  
 الهی در هفتم هشتم جدی نزول رحمت کامل شده بود  
 شبانه روز بارندگی خوب کرده برف و باران زیاد  
 آمد بطوریکه اهل زراعت کمال امیدواری بآمد محصول

بهم رسانده رفع تسویش مردم شد  
 عالیجاه مقرب الخاقان جعفر قلیخان میر پنجه که با افواج  
 توپخانه و ابو الجحعی از دربار مایون روانه سمت کرمان  
 شده بود با پنجا و زرد کردید و از جانب حکمران کرمان کمال  
 توقیر و احترام در باره او و صاحبان و سیران قشون  
 و نوازش با جاد و افزای نظام و سواره بعل آمده آنچه از مواجب  
 و تدارک قشون مأمور که از دیوان علی بکران حواله شده  
 و چند روز توقف آنها نقد با جاد و افزای رسانده و بده  
 اسباب لازم توپخانه را دید و از آنجا قشون مأمور با نظم  
 و سکو و آراستگی نسبت جبرفت حرکت کرده اند تا  
 بمقتضای وقت عمل نمایند

و نیز قشونی که در آنجا بوده اند عالیجاه محمد حسن خان سر  
 مبارکه با و عراده توپ و عجله بقدر شصت بار و قورخانه و قور  
 دو تیم کرمانی ابو الجحعی عالیجاه میرزا کوچک خان سر منگ است  
 در کرمان بودند سان داده و تدارک دیده همراه مقرب  
 جعفر قلیخان میر پنجه نسبت جبرفت فرستند و عالیجاه مقرب  
 امامعلی خان سرتیپ نیز با فوج اول و ابو الجحعی مأمور بم  
 زمانه پیش کرده اند که در آنجا استعدا و خوراک کامل نموده اگر لازم  
 شود با روی مقرب الخاقان میر پنجه و جبرفت تسلیح کرد  
 و الا بنظم امور بوجتسان آن صفحات پردازد

در این اوقات شی دین محمد خان حاکم کرمان وفات  
 یافته بود امیر الامراء العظام سپهسالار از جانب دولت  
 علیه شی عبدالقادر پسر او را بجای پدرش ب حکومت کرمان  
 منصوب نموده و او را مصلح و دمجونی و نوازش نمود  
 در محل حکومتش استقلال داده است

۲۰۵۶



### اجبار دول خارجی

از فرار یک از دولت اسپانیول نوشته اند درین سال در  
 مملکت اسپانیول غله و آذوقه بسیار گران است اگر چه  
 از آذوقه که از خارج با تولایت میرود رسم مگر که برداشته  
 شده و علاوه بر آن تجاری که از خارج با نجا آذوقه  
 میرند از جانب دولت اسپانیول امتیازات داده شده  
 ولی چون بازتولیش محطی در تولایت بود در این اوقات  
 از جانب دولت اسپانیول بعضی محال فرستاده بقدر  
 دویست هزار تومان وجه با نامورین فرستاده شده است  
 که غله بجهت اسپانیول بیاع شود

چنانچه در روزنامه های سابق نوشته شده است ارباب  
 تجار شکوگات نقره زیاد از فرنگستان بهند چین  
 بجهت اینکه نفع زیاد برای آنها میکند در این اوقات بهم  
 پوسته خانه انگلیس از راه اسکندریه بهند میرود بقدر  
 سصد هزار تومان پول نقره بهند فرستاده

موجب اجباری که در این اوقات از سواحل چین رسیده است  
 در هند غم آغوس درجه شمالی چین زلزله بغایت شدید  
 وقوع یافته است تا دو دقیقه ممتد بوده و تنها در یک مملکت  
 این زلزله و آزرده بزرگس تلف شده اند و سواهی این  
 بیکن که پای تحت چین است کارخانها و عمارات کلاً خراب  
 شده حتی عمارات خاقان چین هم خراب شده و بسیاری  
 نفوس تلف گردیده اند و بعهد دولت چین نیز خبر  
 گردیده و فوت شده است

در پاریس از کارخانهای مشهور روزنامه کارخانه  
 که معتبرین کارخانهای روزنامه است صاحب کارخانه

مزلوران کارخانه بالآت و حساب موجوده و مشتربها  
 روزنامه معترض بیع در آورده لصد و شصت هزار تومان  
 فروخته است و کارخانه مزلور روزی ششاد هزار تومان  
 بیرون می آید که هر روزنامه بیک عباسی پول اینولا  
 فروخته شود

از کشتیهای بنجار پوسته فرستاده چند وقت پیش این  
 از لنگرگاه حور یک کشتی لیمون نام سمبت یکی دنیا حرکت  
 کرده صدوسی نفر سیاح و بعضی اسپانیا حمل نموده در غم  
 ربیع الاول از یکی دنیا حرکت کرده در روت دوم در  
 راه شبانه یک کشتی شرع دار بر جزیره اگر چه کشتی مزلور بطوری  
 بودند که عبات از پنج پاچه بود و اگر کلبه فخر خراب میشد بطرف دیگر  
 ضرر میرسید و لکن بطوری آن کشتی خورده و خراب شد که آن تدبیر فایده  
 نموده در مدتیست ساعتی کرده و بیحد نفع از اشخاصی که در میان  
 آن بودند خود را بزور قوی انداخته و مانعی با حقن و رقی دیگر دست  
 نموده و با وسوار شد بود درین بین یک کشتی تجاری یکی دنیا با نجا  
 از شدت بردت هواد و نفع آنها بجهت و سائزده نفر دیگر  
 به یکی دنیا رسیده اند و از جانب جمهوری یکی دنیا چند قطعه کشتی  
 نجا بجهت تحویل احوال سایرین با نجا و ستاده شده است

دیگر نوشته اند که در اوایل به ربیع الثانی در ماسیلیا طوفان  
 شدیدی ظهور یافته از کشتیهای که لنگر انداخته و در آنجا بودند خیلی  
 کشتی گشته و غرق شده است و کشتی پوسته فرستاده که از لنگرگاه  
 سمبت اسامبول حرکت کرده بود چند میل که در دریا آمده بود  
 گرفتار گردید و باد شده چند نفر اسانی که در نوشته بود غرق  
 و مانعی بر طور که بوده است معاودت کرده خود را لنگرگاه رسانیده  
 بودند و همین طوفانی از پیش سال قبل ازین تا کنون در آنجا وقوع یافته

۲۰۵۷

سابقه در فرانس یکی از ارباب مرنوین نام و ضمن تحقیقات  
 خودش در بعضی مجال فرانس معادنی پیدا کرده بود که قدر آن  
 از نقره چندان فرقی نداشت چون بجهت کد اختن آن جنلی اجزا  
 میشد و عیارش نیز از نقره کمتر بود لهذا صرف نظر از کار کردن  
 آن خود به همان حالت باقی گذاشته بود در این اوقات چون  
 اجزای مصارف کد اختن قیمتش نزل کرد دست با سرش  
 بکار کردن معادن نرور نموده اند و حاصل آن بعضی ظروف  
 اوانی بکار میرود و مثالی مشابهی پول این ولایت تخمیناً  
 میشود و لحال مسجایس کمره رواج پیدا  
 در این اوقات در فرانس یکی از ارباب ثروت و ثمن  
 صد هزار تومان طلای نقره بجانی گذاشته و اعلان کرده  
 هر کس صد هزار تومان در یکجا ندیده است و بخواهد ماشا  
 با بجا بیاید و صد دینار بدد و ماشا نماید اشخاص زیاد  
 صد هزار تومان در یکجا ندیده بودند برای تا ش با چشم  
 آورنده صاحب خواه سبب از دام خلق چند نفر ذوال  
 مستحفظ در سپر پول گذاشته است نوشته اند که این  
 نیکتره که بقدر صد هزار تومان از پول نقری صد دینار

برای اوجم خواهد شد

در مالک فرانس قانون است که بعضی از خدمتکاران که  
 باقیان خود از روی صدقت منی خدمت میکنند و اقلی  
 آنها خدمت و صدقت آنها را تصدیق می کنند از جانب دولت  
 با بخشان بسیار داده میشود در این اوقات یکی باقی خود صد  
 غریبی کرده که بعد از فوتش حدس ظاهر شده و اگر در حیاتش  
 خدمت از او معلوم شد مستوجب اعلی درجه این نشان میشد  
 تفصیلات این است که از کسانی که سابقاً در لومباردیا که از

خاک استریانت باعث افشاش شده پس از استیصال بدول  
 دیگر التجا برده بودند یکی از اصلا دکان آنها بفرقه هر دو  
 صرف کرده و فقیر و پیران بودند بود اعیان خود که در دست صاحب  
 گنت بود هر قدر خرجی عیالشان کرده و نداده بود ناچار بکار  
 خود را گذاشتند بود درین بین رود سپهر مروی از نوکای شد بر  
 اند و وجه معتد بهی آورده و گفته بود که این جرایم شامه خرجی سما  
 و حسن مستعم که در صد خود نگاه میدارند ای یون را گرفته و او را  
 اینکه بیرون وقوه حد ندارد و حدش بود بعد از چند هفته دیگر  
 اند و مجدداً تاحقی آورده بود که این عیال شامه شده و حواله کرده اند  
 که در اینجا هر چه بقدر توان از شخصی گرفته بشناسم و بار داشته  
 و رخصت او الحاح کرده بود در این نظر با همه را و او نگاه داشته  
 مبلغ ماهیانه را سپهر مروی تسلیم آفای خود میکرد تا اینکه فوت کرد  
 او دیده نوشته که این جوهار از این جوهار داده ام و  
 شما اصلاً احوال شمارا ندیده و بعد از فوت من هم بعد از آن  
 اموال و املاک من تعلق با قارانه ام دارم در این صدقت از این  
 پیرم و بیوه استخوان شده و در روزها نوشته اند

در فرنگستان قانون است که یک مورثی که تا پنج سال  
 مأموریت و خدمت بسر برده با از اطراف مالی و اعیان  
 سخته و ضایعات مرتب میدهند و بعد پادشاه پروسیه  
 از وقت داخل شدنش در نظام عسکره تا کنون مدت  
 پنجاه سال تمام است لهذا در واسطه قانون اول در  
 پای تخت پروسیه نوشته اند که بجهت او اجزای بعضی  
 شلیکها شد ضایعات مرتب خواهند داد

۲۰۵۸

روزنامه قایم اتفاقیه تبایخ پوچم بهم شهر دوی ای مطابقی سال لوی میس ۱۲۷۳

نمره سبصد و چهارده

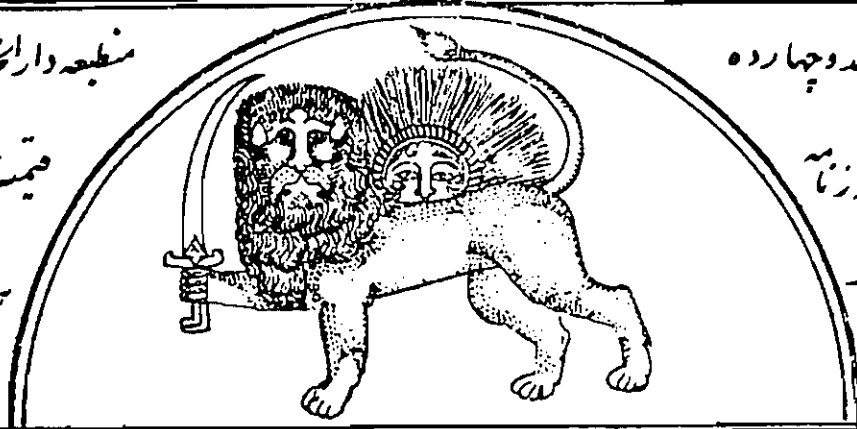
منطبه دار اختلاف طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

برنجه شهر

برسطر پخش



### اخبار و حمله مالک محروسه پادشاهی

#### دار اختلاف طهران

در روز یکشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی خلد ابد کله و سلمای عزیمت زیارت بقعه تبر که امامزاده واجب التظیم حضرت شاهزاده عبد العظیم غموده سوار و بعد از زیارت بقعه تبر که تا حوالی عصر بکشت و تبعیح آن اطراف مشغول بوده نزدیک عروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی حجت فرمودند

تنها بضمون کاغذ جناب فضایل و کلمات کتبا عن العیال السیما زینب الفضلاء الکرام مجتهد الزمان حاجی میرزا محمد باقر و محمد باقر و جماعت دارالاسلام تبریز که بعد از آنکه از حدیث چهارم پیش از همه است کتبا میشود و مضمون آن ازین فراتر که علمی میگردد مضمون کاغذ جناب فضایل و کلمات کتبا شیخ تبایخ العطاء شیخ الاسلام دارالاسلام تبریز هم نزدیک همین مضامین عرض میشود رفیقشون نکلیس در خلیج فارس و

چنانکه در روزنامه نفعه های قبل بجهت نقلی شده است آنجا که از جانب دولت نکلیس و متصرفان قشون آنها بوشهر را در نظر ملت دولت علیه ایران بسیار متوجه آمده و غیرت و عصیان کل اهل ملت را از عالم عامی و دو شریف مخمک شده است این روزها نوشتجات زیاده از عموم علمای اهل دین مسلمان و اعیان و اشراف مالک ایران مدت اولیای دولت علیه رسیده که هر بطوری که در بزبان آنها غیرت و عصیان و شوق بر جهاد در راه دین و دود و ذکر مضامین همه آنها درین روزنامه بابت تفصیل در دسترس است

بیجا با حمله آوردن و متصرفان آنها بوشهر بند دولت علیه اسلام را که شتر و این خادم شریعت غرور داعی دوام داد جنبه بیضا و سایر علمای اعلام و عموم اهل این مملکت گردید اخبار متواتره که درین باب رسید استحصا کامل حاصل آمد از آنجا که برای این دعا کوی بی ریب و ریا و خادم شریعت سواى ترویج شرایع دین مسلمان احمدی و جای رسوم ملت منصف محمدی صلی الله علیه و آله و بقای دولت علیه اسلامی شیوه و نبوده و نیست از استماع چنین حادیه غیر مترقبه که در نزد خدمت شریعت ظاهر می شود و ناگوار است قرین فکرت و حیرت

۲۰۵۹

بدیهی است که هرگز نصب و غیرت اهل اسلام تا بعین شریعت  
حضرت خیر الانام علیه السلام قبول این معنی نخواهند نمود و تکلیف  
خارج دیگر بجان و مال و اهل و عیال مسلمانان و توجیه دولت جاوید  
استلا کنند و دین و این حق اسلام خدا کرده العباد با الله رو  
با ضحلال گذار و این دعا گو و امانی این ولایت علی الاتصال  
جهد استحال دارند و بنده علمای ولایات آذربایجان و  
و هیواد که آونایر طالب دولت جاوید شهادت فی سبیل  
باشند و دقیقه عقلت نمایند چون عالیجاه محبت سراسر  
سرمه یک بپاری محبت میسر و عجله بدین مختصر حجت از آن کرد  
که مترصد شما که هر طور امر و مقرر شود از انوار معمول گردد  
این دعا گو را صد هزار جان بودی که هر یک را در راه ضای

و لایز تکلیف واجب حضرت خداوندی جل سلطان و عظم بانه  
دانت که درین مقدمه آنچه بر عهد این داعی بی ریا و خادیم  
علاقه گرفت است بی مائل بتقدیم سازند لهذا در مجمع عام و بلده کرده اسلام  
که جمعی کثیر و اجماعی عظیم در مسجد بزرگ اراک اسلام اجماع و  
دستبرد بفرقه آنچه شاید باید بختار مجلس العاد و الهار کرد و عموم  
ناسر از تکالیف لازمه الهیه و امام واجب علیه الطاع و آگاهی و  
امروز که ملت خارج هجوم محمد بر ملک اسلام آورده اند بکلمه نفس تنزیل  
و احکام حضرت رسول واجب البجیل بر عموم مسلمانان واجب است  
بجان و مال در تمام جهاد و دفاع باشند و دین خود را حفظ  
نمایند از تفریبات دعا گو که از روی آیات کلام مجید بر دانی و  
وارد و از حضرت سالت پناهی و اهل بیت عصمت و طهارت سلام  
علیهم اجمعین در حفظ بیضه اسلام و پاس حقوق دولت ابدی  
بیان می نمود بجدی مردم بجان کردند و تبرئتم در آمدند و خون  
و سلمانی در عروق و شریان آن چسبیدن گرفت که همگی بی اختیار  
گریه و زاری نمودند و بهمان طور که در شریعت ظاهر و وارد است  
جمیعاً با جان و مال خود در میسایر دفاع و جهاد کردند که اگر  
جانب سنی بخواهد اولیای دولت علیه اذن و اجازت حاصل  
کرده و امانی بریز از خواص و عوام واقاصی و ادانی با جان و مال  
در راه دین و دولت و زمین و ملک خود و حقوق الغایه کوشش  
و جانفشانی می نمایند تبریر که سهل است تمام مملکت آذربایجان  
حالت مستند و بالعقل مستعد شما که هر وقت اقتضا کند  
شرعی خود را بعل آورند و خونهای جوانان را در حفظ دین خود  
سبوق هر چه تمامتر بریزند و اگر بکشند یا خود کشته شوند فی القوم  
در جهات عدن خداوندی مالک دولت ابدی و صاحب نعمت  
سرمی شوند و مراسم دین داری و جان نثاری را مهمل گذارند

حق نثاری نمودی

سایر نوشتهجات علمای اعلام کرام الله تعالی اسالهم بکی نزد  
بمضامین آن است و اسامی هر یک از مالک محروسه که علی  
آنجا کاغذ مانده نوشته اند علی الاجمال از استقرار است

این دعا گو را صد هزار جان بودی که هر یک را در راه ضای  
علیهم اجمعین در حفظ بیضه اسلام و پاس حقوق دولت ابدی  
بیان می نمود بجدی مردم بجان کردند و تبرئتم در آمدند و خون  
و سلمانی در عروق و شریان آن چسبیدن گرفت که همگی بی اختیار  
گریه و زاری نمودند و بهمان طور که در شریعت ظاهر و وارد است  
جمیعاً با جان و مال خود در میسایر دفاع و جهاد کردند که اگر  
جانب سنی بخواهد اولیای دولت علیه اذن و اجازت حاصل  
کرده و امانی بریز از خواص و عوام واقاصی و ادانی با جان و مال  
در راه دین و دولت و زمین و ملک خود و حقوق الغایه کوشش  
و جانفشانی می نمایند تبریر که سهل است تمام مملکت آذربایجان  
حالت مستند و بالعقل مستعد شما که هر وقت اقتضا کند  
شرعی خود را بعل آورند و خونهای جوانان را در حفظ دین خود  
سبوق هر چه تمامتر بریزند و اگر بکشند یا خود کشته شوند فی القوم  
در جهات عدن خداوندی مالک دولت ابدی و صاحب نعمت  
سرمی شوند و مراسم دین داری و جان نثاری را مهمل گذارند

علمای اعلام و فضیلهای ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و  
اشرف و امانی استر آباد

علمای اعلام و فضیلهای ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و  
اشرف و امانی استر آباد

از ما رنندگان

جناب عمده العلماء حاجی ملا  
عبدالله محمد سله الله  
جناب عمده العلماء حاجی ملا محمد  
آهسته فی سله الله

جناب عمده العلماء حاجی ملا محمد  
آهسته فی سله الله

جناب عمده العلماء حاجی میرزا محمد تقی  
محمد حسین محمد زید فضل  
جناب عمده العلماء حاجی میرزا محمد تقی  
محمد حسین محمد زید فضل

محمد حسین محمد زید فضل

شیخ الشیخ شیخ نصر الله  
سار علیا و امانی و اعیان  
نارنگران

شیخ الشیخ شیخ نصر الله  
سار علیا و امانی و اعیان  
نارنگران

علمای اعلام و فضیلهای ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و  
اشرف و امانی دار السلطنه اصفهان

علمای اعلام و فضیلهای ذوی القرب و الاحترام و سایر اعیان و  
اشرف و امانی دار السلطنه اصفهان

۲۰۶۰

علمای اعلام و فضلی ذوی العز و الاحرام دارالامان  
کرمان که از فرار عیضه امیر الامرا العظام سیدار حیات بود  
سبقت بدفاع و جهاد نمایند و مشارالیه مانع شده بود تا حکم  
از اولیای دولت علیه بر

جناب عمده المجددین آقا سید جناب عمده العلماء و زید فضله  
جواد مجتهد کرمان زید فضله حاجی محمد کریم خان زید فضله

علمای ذوی الاحرام کیلان که تعیصل آن درین روزنامه  
نوشته شده است

جناب عمده المجددین حاجی جناب عمده المجددین حاجی ملا  
طارف زید فضله صادق زید فضله

علمای اعلام و فضلی ذوی العز و الاحرام و سایر اعیان و امان  
دار سلطنته قزوین

از قلم عراق

جناب عمده ارجح سید باقر جناب فضایل آقا محسن زید  
مجتهد سلمه الله

جناب عمده آقا میرزا محمد جناب اخوند ملا محمد کبیر دام  
وامت افادته

سایر علما و اعیان و امانی انویلا

علمای ذوی العز و الاحرام ساپره و دولطام و سایر امانی  
واعیان انولایت

از کلان مکان  
جناب عمده العلماء اخوند ملا جناب سراج باب میرزا محمد  
زین العابدین مجتهد زید فضله مجتهد زید فضله

زنده الفضل آقا سید حسن سایر علما و اعیان و امانی کلان  
امام جمعه

از کردستان  
عمده الفضل اخوند ملا عمده الفضل اخوند ملا هدایت الله  
زید فضله زید فضله

زنده الفضل عبد المؤمن امام سایر علما و اعیان و امانی کردستان  
سایر علما و اعیان و امانی و اشراف  
سایر ولایات محروسه ایران  
که بجهت استحضار ملاحظه کنندگان روزنامه قلمی شود بطوریکه

و مدخل ملت یکدل و یکجفت در راه جهاد و ایستاده اند اگر اجازه  
جانب سنی اجواب قدس بایون و اشرافه از طرف فرین  
اولیای دولت روز افزون با بختا بشود البته هر یک با کرده کرده  
فرق سلیم نقد جان در کف بمر که قال و جهاد حاضر شد خان  
خوابند کرد و این معنی را مایه شرف و سعادت دین و دنیای خود

خواهند دانست

سابقا خبر با موت عالیجاه محبت سر راه کولون شدند لاکر و چند نفر  
صاحب مضبان و اتباع دیگر از جانب اعلیحضرت امیر المومنین  
مناد و غمیت ایشان سجاک دولت ابد علیه ترموط عالیجاه محبت

میرزا ابراهیم خانی کارپرداز اول مخصوص این دولت مقیم در اسلام  
بعض اولیای دولت علیه سید چون عالیجاه مشارالیه اخبار کرد  
بود که ایشان حامل نامه مودت علامه از جانب آن اعلیحضرت برای  
اعلیحضرت قدس بایون شاهنشاهی خلد الله ملک و سلطانه پند

اولیای دولت علیه نیز ملاحظه توقیر و احترام مانند آن اعلیحضرت  
بنو اب مستطاب بنزاده و الاتباع عماد آله و له حکم ان کرمانشان  
نوشته که در فرستادن آدم باستانی بصد عراقین عرب و عجم

و پذیرفتن ایشان در اول خاک این دولت علیه و رعایت نمودم  
توقیر پذیرانی تا هر جا که در زیر اداره نواب محضی الیه با مضامین  
نمایند و همچنین بر حکام و کارگذاران دیوانی عرض راه الی و له

نیز از همین قرار حکم از جانب اولیای دولت علیه صادر گشت و  
حسب الامر در همه جا از فرار حکم دولت در باره مأمورین  
رفتار شد روز چهارشنبه عزة شهر جمادی الاخری نیز که روز

درود ایشان بدر بار دولت ابد قرار بود ملاحظه موالات و مصالحات  
حاصلد بین اگد و نین و توقیر نامه مودت ختامه اعلیحضرت سر  
دولت استر به قرار استقبالی برای مأمورین اند دولت

۲۰۶۱

و از جانب دولت علیه عالیجا مقرب الخاقان محمود خان میرنج  
 با اجزای غنا سبب ارکشیکی نامیون و کلانتری شهر و اسبان بد  
 و سواری از اصبطن خاضه بادشاهی و از طرف جناب شرف امجد  
 ارفع صدر اعظم ختم عالیجا مقرب الخاقان حضرت العلیه محمود خان سر  
 و عالیجا مجد مستر اه سخی خان مترجم و اجودان مخصوص صدر  
 اعظمی و از وزارت خارجه عالیجا مقرب الخاقان حضرت العلیه میرزا عبد  
 نایب دوم وزارت خارجه و عالیجا عزت و وفایه داود  
 سریت مترجم اول دولت علیه تا نیم ذیحجه استقبال نمود  
 و ادای سایر لوازم پذیرانی و درباری را نسبت بمأمورین اند  
 بعمل آوردند و نامزل که در یکی از باغات دولتی معین شده  
 ایشان راهبر ای نمودند و در یکشنبه پنجم ماه بدید ای جناب شرف  
 امجد ارفع صدر اعظم ختم آمدند و از جانب جناب صدر اعظم لازمه  
 رافت و احترام نسبت بایشان مبذول شد و از آنجا بدید جناب  
 فحمت نصاب نظام الملک و بعد بلافاصله جناب فحمت کاب وزیر  
 خارجه آمدند و لازم مودت و عهدی از ایشان هم در حق مأمورین  
 مشارالیه عمل آمد روز سه شنبه هفتم ماه کعبه رحمت ظهور سرکار با  
 اقدس عالیون شاهنشاهی خلد الله ملکه سلطانه احضار شدند و  
 بالوزنی که در حق مأمورین صاحب منصب آن دولت دوستی آیت  
 در کار بود شرف جناب حضور اقدس اعلی کردید و از جانب سنی ایجاب  
 عالیون مورد تهنیتات و توجیحات طوکانه آمدند و تحف و هدایای  
 که از جانب اعلیحضرت امپراطوری داشتند از عرض پیشگاه شکست  
 بیایون گذرانیدند در مقام دوستی و پادشاه با فرود جا رسد  
 مقام تحسین و تزیین افتاد و ای سبب لقبیه ممتاز بسیار  
 ولایتی اهدای مفضل طوک و سلاطین بودند

تفنگ و هفت لوله در یک جبهه طیارچه فردا علی که اقامت صاعقه  
 در نهایت صنعت و اعتبار و زینت در کل سبب اجزای آن  
 بکار رفته زنج  
 کتاب بصورت اعلیحضرت امپراطور  
 آتیه و خاتواد سلطنت و اکا  
 دولت در غایت اعتبار  
 یک جبهه  
 برای جناب شرف امجد ارفع و همچنین جنابان نظام الملک و وزیر  
 امور خارجه نیز عامل تعارفی از جانب دولت خودستند که  
 خواهند کرد  
 چون عالیجا مقرب الخاقان میرزا شفیع وزیر در انجام  
 خدمات دیوانی مراتب کفایت و کاروانی خود را مشهور و  
 لمحوظ خاطر اقدس عالیون شاهنشاهی و ای دولت علیه دان  
 لهذا درین اوقات منصب جلیل استیفای خاصه بموجب فرمان  
 مبارک سرفراز و بر موجب سابق او نیز از زوده مکتوب جبهه ترجمه  
 از جانب سنی ایجاب طوکانه در حق او خلعت حرمت کردید  
 نظر لطیافت و بیکی عاچه نتیجه الامراء العظام حسن علی خان سر  
 اردبیل مشکین و ظهور صلقت و اتمامات و در انجام خدمات محوله  
 درین اوقات اولای دولت علیه حب الامراء اقدس عالیون اورا  
 منصب جلیل نیرسی و لقب حسن مقرب الخاقان موجب انجمن مبارک  
 سرفراز و مکتوب جبهه ترجمه از جانب سنی ایجاب طوکانه در حق او خلعت  
 عاچه جلید بیکی با لویا و نجانیه مبارک و در میرت کردن تخییر فلک  
 حوزر مشهور داشته بودند بموجب حکم نظامی با عطای یک وطن  
 یاوری سرفراز و بطیقا و شال برسم خلعت با انعام باو مرحت کردید

سایر ولایات

نشان نشان امپراطور اعلیحضرت امپراطور جاز بزرگ بطور بلند ساور رکن  
 دولت استتبریه منکولون الماسک لکانواع صنعت و نظافت دران  
 بکار رفته است

۲۰۶۲

برابر

استراباد

در قراریکه در روزنامه استراباد نوشته اند امور اولایت در

انتظام است و رعایا آسوده خاطر بدعا کونی ذات اقدس

بها یون شاهی خدایندکله و سلطانه اشتغال دارند <sup>بکام</sup>

خنیوق نشین که از آنجا کوچیده و بغرم عیسی و خد مکنذاری

دولت قوی مکت علیه بقاری قلعه آمده بودند و ورود آنها در

روزنامه سابق نوشته شده بود بعد از ورود آنها بمفر <sup>ایجاب</sup>

عمده الامراء العظام جعفر قلیخان المیخانی عالیجاهان محمد رحیم خان

و یوزباشی قلیخان را فرستاده بود که آنها را از آنجا کوچا

با مالکی بسکنی بفرستند این مریزور گفته بودند که ماهین مکان را

خوش داریم و اگر دشمن از خنیوق یا جای دیگر بر سر ما بیاید

خود از عمده آنها بر می آیم عالیجاهان مشا رالیهما بانها حال

خاطر نشان کرده بودند که ممکن شما درین مکان خلاف ای امنای <sup>لیت</sup>

علیه است آنها هم بکوچیدن از آنجا راضی شده قریب شش هزار

خانوار که بودند از بجزوردالی استراباد مسکن مرغوب برای آنها

معین شده سکنی گرفتند و یکصد و چهل نفر از ریش سفیدان

آنها با اتفاق عالیجاهان مشا رالیهما بنزد عمده الامراء العظام

ایلیخانی آمدند

دیگر نوشته اند که بعد بر پانصد نفر اسیر از ولایات متفرقه که در

این مریزور بودند که از خنیوق سمره خود آورده بودند همه را آزاد

کرده بجایگاه محمد رحیم خان سپردند یکی را سالما باو <sup>ن</sup>

خود روانه نمود

دیگر نوشته اند که عالیجاه یوزباشی قلیخان بسیار شایسته <sup>ست</sup>

و بقدره نفرارکن کاری خود و صد نفر سوار زبده

بسیار خوب بغرم جان تشاری آماده کرده است که بسرا

عمده الامراء العظام المیخانی بدر بار جهاندار آمده بود <sup>ن</sup>  
که مامور ما بنده بر اسم جانی پردازد

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند امور اولایت

قرین کمال انتظام است و نواب مستطاب هزاره و الایبار

حمت الدوله حکمران اصفهان همه روزه از طلوع آفتاب الی

غروب آفتاب اوقات خود را مصروف رسیدگی امور عامه

ناس و انجام خدمات و فرمایشات دیوان قدر نشان <sup>ن</sup>

و مراقبت و رسیدگی تمام در عرض و داد رعایا مینمایند <sup>ن</sup>

قاهره از توپچی و سر بار همه روزه در میدان نقش جهان <sup>ن</sup>

مشق میباشند و نواب معزی الیه اغلب روزها سبزه تشویق و بر <sup>ن</sup>

آنها خود بمیدان مشق حاضر شده رسیدگی در مشق نظام <sup>ن</sup>

امرا آنها مینمایند

دیگر نوشته اند که نواب معزی الیه در باب وصول و <sup>ل</sup>

مسط دیوانی و تقابای محل و انجام دنیا شات دیوانی <sup>ن</sup>

اکیه فرموده اند و با شترین و کار گذاران مشغول وصول و

اصیال میباشد و در باب دوختن چادر سبزه جیام خانه که <sup>ن</sup>

در بار جهاندار فرمایش شده است جمعی چادر و زرد عمارت

چهل ستون مشغول دوختن میباشند و نواب معزی الیه اهتمام <sup>ن</sup>

که روزه با تمام برسانند و هم چنین چادر خروج کرازی را که <sup>ن</sup>

عربستان میباشد تمام نموده نواب معزی الیه تحویل <sup>ن</sup>

فرستاده نموده اند که برده در بر و جرد تحویل کاشتکان نواب <sup>ن</sup>

مستطاب هزاره و الایبار است حشام الدوله نماید

دیگر نوشته اند که امور قورخانه و حبه خانه اصفهان منظم <sup>ن</sup>

و اسناد ان همه روزه مشغول یخچن کلکوله و حسن فشکب <sup>ن</sup>

۲۰۶۳

دسایرالات و ادوات جنگ اقبس تفنگ و سر نره و  
پیش تا دو طپانچه و قداره و مشبه و غیره میباشند و  
شاهزاده بعضی روزها خود رفته بکاجیه خانه و قورخانه و  
کار اصناف سبدکی می نمایند و اصناف را انعام داده  
با انجام خدمات محوله بخودشان ترغیب و تشویق میکنند

### عراق

از فرار یک در روزنامه عراق نوشته اند فوج همیش کرازان  
جانب اولیای دولت علیه حکم شده بود که روانه عربستان  
شوند و عالیشان محمد بیک اردلی مامور شده بود که ده روز  
فوج مزبور را روانه عربستان نماید مقرب انخاقان میرزا  
حاکم عراق بعد از حصول آگاهی از حکم اولیای دولت علیه فوج  
مزبور را تا ما از صاحب منصب تابین در سلطان آباد حاضر  
نموده انعام مرحمتی دیوان اعلی را بوسط اردلی مزبور فرود  
فرود با آنها رسانده موجب مدارکشان بهم قبل از ورود  
پروانته شده بود تفنگ آنها را بهم مقرب انخاقان مشایرا  
یکی یکی گرفته ملاحظه نموده هر یک ضراب بود عوض داده و هر  
مرمت میخواست استادان تفنگ حاضر آورده مرمت نمود  
و تفنگ هر دسته را تحویل سلطان آن دسته نموده قبض  
او در ریافت کرد و در مدت شش روز جمیع نامتومی آنها  
تمام کرده با آراستگی و انتظام تمام با اردلی مزبور روانه  
ماموریت نموده نوشته از او گرفت

حاضر نموده سان بد چون عالیجناب شارا لیه از موعده  
در روز چهارم فوج را با آراستگی و انتظام در سلطان آباد  
نمودند شش مستحق افتاده مقرب انخاقان میرزا حسن خان  
کلید ترمه از خود با داده فوج مزبور را دیده روانه دربار  
جهانمدرار جایون نمود

دیگر نوشته اند که اگر چه سال باریزگی که در عراق بابت بشو  
شده است ولی سجد الله غده و فوز دار و غله و نان و سایر  
حبوبات غیره از هر چیزی فراوان و ارزانیست

### کیلان

از فرار یک در روزنامه کیلان نوشته اند فرمان مهر لعل خان  
که در باب گذارش بوشهر آمدن قشون نکلیس و اخبار  
جنگ سربازاری مقرب انخاقان امیر الامرار العظام عمید الملک  
و انالی کیلان شرف صد دریافت بود در دهم جمادی الاول  
بان ولایت پرتو و وصول افکنده فرمای آن روز بموجب  
از علمای اعلام و مجتهدین عظام و فقهم الله تعالی اقبس جنابان  
حاجی ملا صادق و حاجی ملا فریح که از فحول علما و مجتهدین  
رشته مستند و عالیجنابان حاجی سید عبداللہ و حاجی  
باقر و ملا علی و ملا خلیل شینماز و حاجی ملا حسن و حاجی ملا قاسم  
که هر یک قریب با جتهاد و در مساجد محلات رشت با امامت  
مشغول میباشند با سایر علما و طلاب و عموم اهل طبله و غیر از اعاظم  
واعیان و تجار و کسبه و نوکر و رعیت از غریب و بومی در مسجد  
جمعیت و از دو حامی نموده جناب حاجی ملا صادق خود بیالائی  
رفته پس از ادای ستایش ملک عظام بوقت حضرت خیر الامام  
علیه و علی آله الکرام و ترغیب غایبان اسلام بجمع ناموس ملت  
و دولت فرمان مهر لعل خان مبارک را خلیف در بالای منبر

۲۰۶۴



مضمون آن را کوشش زد و جمیع خاص عام نموده همگی  
 اظهار اقبال و جان در راه ملت قویة اسلام و دولت علیّه  
 ابد ارتقا نموده صدای دعای ذات اقدس تعالیون و ظفر  
 و نصرت دولت ابد مفرون بلند کردند و بسیاری از دینداران  
 اظهار نمودند که سالها در ظل عاطفت و یه حرمت این دولت  
 مدت صاحب قبول و تجلیل شده ایم امروز روز جان نثار  
 و مسکام اظهار حمیت و غیرت دیدار است و بر خود لازم  
 و مستحکم میدانیم که مالا و جان در راه حفظ ملت و دولت کوشش  
 کرده از هیچ چیز خود را معاف نداریم و بسیاری را و طلب  
 کرده در مقام تبیّه و انجام نوکر از سواره و پیاده برآمدند  
 تا بموجب اعلام ثانوی به طرف ما موفور ما آیند روانه شوند  
 از جمله عالیجناب حاج میرزا فیضیه حاج میرزا یوسف و سایر  
 طایفه مرحوم حاجی سمیع چنانچه عریضه خدمت اولیای دولت  
 علیّه نوشته اند مستند شده اند که علاوه بر نوکر و لایق کفایت  
 سواره رتبه کار آمد با اسب و اسباب حرب و سوارخانه و آلات  
 و متعلقان خود آماده و مهیا دارند و هم چنین طایفه مرحوم حاج  
 محمدخان فونسی نیز بهین قسم عریضه نوشته و مستندند که  
 نوکر از خود شده اند و سیرانی و تجارت و کسبه و تفرقه  
 وجود بجزه علی اختلاف الطبقات عریضه نوشته و داوطلب  
 خدمت و جانفشان شده اند و در تهیه و تدارک اسباب حرب  
 و آلات طعن و ضرب بسیارند و بطوری اقدام در انجام لوازم  
 کار دارند که بجز قبل از رسیدن حکم اولیای دولت علیّه  
 روانه شوند و سوار و فرمان مبارک را مقرب الخاقان عمید  
 جمیع محلات کیلان روانه نموده در محلات و بلوکات نیز  
 جمع مردم در کار تدارک نوکر از سواره و پیاده بودند

دیگر نوشته اند که در شانزدهم شهر ربیع الثانی مقرب الخاقان  
 عمید الملک تجلیل و نقل اسباب کار خانجات دولتی از شهر  
 رشت بنظر آید آباد که آخر سامان لایحجان است بیت و دو  
 به راه کرجهها در سفید رود بوده کمال مراقبت را عمل آوردند  
 منجیل مسراهی نمود و ایند فقه سبب زیادتی آب رودخانه  
 عمل نقل کرجهها آن راز اول شد و نیز بارندگی که موجب  
 کن ولای و صعوبت عبور و مرور عملجات میباشد اسال اتفاق  
 نیفتاده عملجات کرجهها را با سانی بمنزل رسانیدند یک  
 یاسک در سفر اول نزدیک پل منجیل با آب فرود رفته در  
 مدت هر قدر کوشش نموده بودند بجهت تنگی و سردی دریا  
 آب نتوانسته بودند بیرون بیاورند درین نوبت که مقرب  
 عمید الملک بانجارت جمعی از آب بازان را با آب انداخته  
 یاسک منور را پیدا کرده از آب بیرون آوردند و تمام  
 اسباب کار خانجات دولتی صحیح و وارد انبارهای منجیل  
 منجیل گردید چهار عدد دویک اینی بزرگ باقی است که بکن  
 لاکه مانی که از نو ساخته شده است عمده معین گردیده است  
 بیاورند  
 دیگر نوشته اند که عالیجناب علی اکبرخان سرسنگ فوج خلجی مانی  
 ساغوی سردارزلی که بدر بارهای یون احضار شده بود  
 در یازدهم ماه ربیع الثانی از شهر رشت حرکت نموده  
 فوج خود روانه خلخال کردید که نامتای فوج را در آنجا تمام  
 نموده روانه دربار عدلت مدارشود  
 دیگر نوشته اند که اسال رشتان نسبت با لهای دیگر  
 هوای کیلان بسیار بلایست و خوشی گذشته است تاکنون  
 بطوری که سالهای دیگر سردی شده است

۲۰۶۵

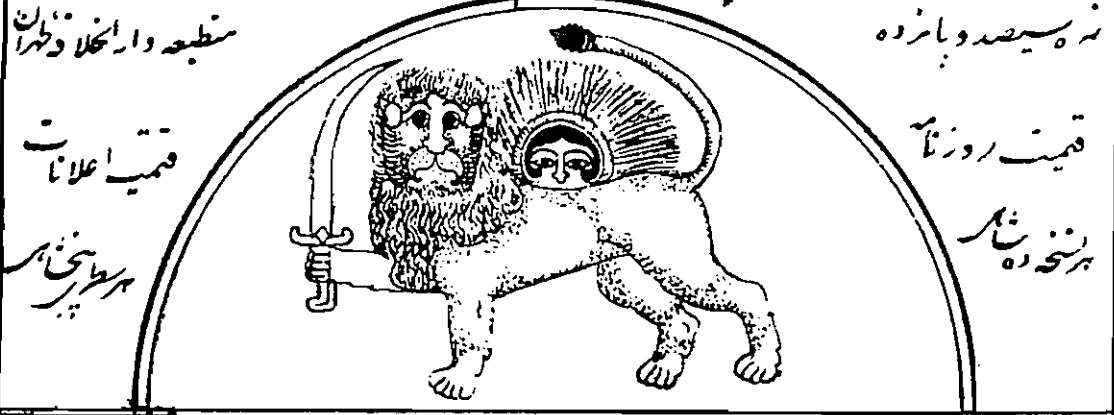
### اجبار دول خواجه

در اجبار دول خواجه نوشته اند در او قاضی که والده علی حضرت  
 امیر طوروسیه بجهت تدبیر آب و هوا پهنس رفته و در عمارتی که  
 در آنجا داشت اقامت کرده بود روزی شخصی آنجا آمده و گفته بود که  
 بخدمت والده امیر طوروسیه برید زیرا که در طغولیت او از ورطه ها  
 بجات داده ام خادمان اعتنا کرده و او را زه نذاده بودند بعد از آن  
 قوطی طمانی در آورده و گفته بود این قوطی را خدمت ایشان بفرست  
 خواهد آمد قوطی را برده بودند والده امیر طوروسیه یک سته مویکی  
 در میان آن دیده هر چه فکر کرده بود چیزی که سبق بان مقدم باشد  
 بخاطرش نرسیده بود خود او را خواسته و تحقیق کرده بود  
 گفته بود که پنجاه سال قبل ازین من در خدمت عسکریه پرورسیه بودم  
 و شاطط بودید و در باغچه گردش میکردید ناگاه بچوخی افتادید  
 فوراً خود را با آب انداخته شمار بیرون آوردم والده شما قدری از  
 موی شما چیده در میان این قوطی گذاشته من داده ام الوقت گذار  
 بخاطر والده امیر طوروسیه و او را تصدیق نموده در حق او خیلی  
 انعام و اکرام کرده بود چون وی چند فرسار دینه و بسیاری از کلا  
 در آنجا بودید وقت نشکنی درین باب ترتیب داده بودند  
 در وینه پای تخت استریه فتوه خایه بسیار بزرگی ساخته اند  
 در این اوقات در پاریس پای تخت فرانسه فتوه خانه از آن  
 بزرگتر بنا کرده اند که در میان آن بجهت سه هزار کس صندلی و میز  
 و سایر اسباب گذاشته میشود و شبها همجده هزار چراغ در آن  
 میوز و باین وسعت و بزرگی فتوه خانه ناکون هیچ ولایتی  
 ساخته شده است  
 در روزنامه جریده السخاوت اسلامبول نوشته اند که در قبر  
 در جوار لنگرگاه لارند قمار و بوط زیاده با صدوسی صندوق فشک

۲۰۶۶

بود در ۲۹ ماه ربیع الاول پنجاه و نهم از شب رفته از غلامان  
 سماوی مانند آتش چیزی نازل شده بسیر بار و طاقاده و بار  
 و صندوقهای فشک شش گرفته چهارده نفر را تلف کرد و  
 انبیه هم که در جوار آنجا بود منهدم کردید  
 در روزنامه سابق نوشته بودند که اعلیحضرت امیر طوروسیه  
 باز و خود بغیر صمید و شکار و گردش نسبت لو مبارک  
 و نزدیک غزیت کرده بودند موجب روزنامه که این اوقات  
 رسید در اوایل ماه ربیع الثانی وارد و نزدیک شده اند  
 و بجهت تبریک قدم امیر طوروسیه از بعضی دولت های همجوار آنجا  
 مأمورین فرستاده شده و از جانب امالی آنجا نیز اجرای  
 شایکهای متعدده شده و اعلیحضرت امیر طوروسیه داشته اند  
 که از آنجا حرکت کرده بعضی محال این دو ایالت را هم و  
 تفریح نمایند  
 از فراری که از روزنامه رسمی فرانسه نوشته اند در شباط  
 آینده بطریق قریعاً که جدید از فرانسه گرفته شود و نقد  
 صد هزار قسطن میگیرند در این باب اصلاً اغنیاء غیر غنیان  
 نمیشود و در حق هر کس اجرای تسادی از جانب اعلیحضرت امیر  
 فرانسه اعلام شده است  
 در سال قبل ازین در روسیه استریه عسکری که موجب قریعاً گرفته  
 عد و آنها بنود هزار رسیده بود در این اوقات که رسیدگی  
 نگار آنها شده است بجهت بعضی ناخوشی های و پنجره کس آنها  
 شده اند و باقی را هم ناماً از دولت وار شده است که اخراج  
 نمایند و لود و پنجره کس مجدداً قرار شده است که عساکر  
 تخریب نموده داخل نظام کمینند

روزنامه قایم اتفاقیه پنج شنبه روز ششم شهرداری الثانی مطابق اول نویل ۱۲۷۲



اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

نظر بقضای موسم و مناسبت شکار در روز دوشنبه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی غیبت تفرج و شکار فرموده سوار شدند و در اطراف دارالخلافه مبارکه گردش و شکار نموده حوالی عصر مبارک مبارک سلطانی مراجعت فرمودند

در این اوقات هوای دارالخلافه طهران و اطراف با فضل در کمال طایمت و اعتدال است در پانز و نسیان تا اوایل دلو بطوریکه بایست بارندگی بشود در دارالخلافه و سایر ممالک محروسه شده بود و صاحبان املاک و اهل زراعت ازین رکذرفی بحد تشویش و استعدولی آنه تقصیلات خداوندی در اوایل دلو بنیای بارندگی گذشته چند روز بارانهای خوب و موقوع آمد و بعد از آن هم شش هفت روز است که علی التوالی اغلب شبها در روزها برف میبارد و برف سنگینی که زیاده برای حاصل منفعت دارد در کوه و جلگه افتاده است برف اول که آمد یکدور

هوا را بسیار سرد کرد و بعد از آن رو بمداومت گذشته و در آنکه معلوم میشود در اغلب ممالک محروسه نیز بارندگی باید شده باشد و رعایا و زراعت کاران بجهت آمد حاصل آینه کمال امیدواری بهم رسانده اند سجد الله در دارالخلافه طهران انواع آذوقه و ماکولات از هر چیزی کمال وفور در دالمالی دارالخلافه آسوده خاطر بدعا کونی ذات احدس همایون شاهنشاهی خداوند سکه و سلطانه اشتغال دارند و امور شهر را حسن مراقبت و کفایت نواب مستطاب شاهزاده والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران و مقررتان میرزا موسی وزیر دارالخلافه در نهایت انتظام است و رعایا کلا فرتو که خدا بان حسب الحکم در نظم شهر و محلات مراقبت تمام بعمل می آورند و سرعت و شدت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر بندرت وزومی بشود سارق و سبکسر شده بکلم نواب معری الیه بجزای عمل خود میرسد افواج قاهره منصف دارالخلافه مبارکه درین چند روز که برف و بارندگی میشود از مشق معاف میباشند

۲۰۶۷

بقاری که در هفتگه گذشته نوشته شد از اکثر علمای اعلام و فقهاء  
عظام ملت اسلام و فقهم الله تعالی و ائالی ولایات محروسه عرض  
بنی بر اهلها غیر تمندی در راه دین و دولت و اقدام بجهدائی  
بر بار عیون علی التوالمی که صورت بعضی از آنها در روزنامه  
گذشته نوشته شد از جمله از جانب علمای اعلام و مجتهدین عظام  
مفصله ذیل دارالامان کرمان و سایر ائالی و اعیان آنجا

جناب افاضت و افاد نصیب  
قدوة العلماء الاعلام بحجة المجهدين  
اخوند ملا احمد سلمه الله  
جناب فادت و افاضت نصیب  
فخر المجتهدین قاسم سجود  
سلمه الله

جناب فضایل و عوارف با فایده  
و المحققین افتخار الحاج و المعتمدين  
حاجی محمد کریم خان سلمه الله تعالی

در این اوقات عریضه با ولیای دولت علیه رسید که عبادت  
آن بعینها درین روزنامه مسطور میگردد

حد آتم شریعت بیضای مصطفوی و پیروان مذہب غزالی رضوی  
علی صاحبها لصلوة و سلام من الله الملك العلام بوقف عرض  
واقفان حضور با هر التور میرسانند که درین اوقات

از حد و بند را بوشهر برخی از اجناس بلیس فرقه پنجیس کوشن زد  
پیروان ملت و داعیان دولت جاوید مدت کردید و محتاج  
شرفی را مہج استغیرت و حمت و مجد و پیمان ایمان و

وفاق آمد خاصه پیشوایان ملت و دین را که مروج این اندوخته  
اسلام و لیکن لمجداق و ان نکلوا الی انهم من بعد محمد و طغنا  
فی دینکم فعا تلوانة الکفر انهم لا ایمان لهم لعنهم بنیہون غیب خاطر

و متبالمظن و ظاهر بدان پیوست که ما جان در بدن دارند و توان  
در تن شقاق مخالف را بوافق موافق از بی او حاضر و البطل

کوشند و اگر چه بدخواه با دفر زوت و سپاه خیزوستی نماید  
و بسختی شخروشند که قائلوهم بعد ہم الله با بدیکم و بخریم و بخرکم  
علیهم و یسف ضد و قوم مومنین فان یکن منکم ما یرى صابرة لیغلبوا  
ما یمن و ان یکن منکم الف اغلبوا الفین باذن الله و ان الله  
مع الصابین و ازین در حکم قاهر غالب قادر که خدا هم و  
واقعد و الهم کل مرصدی انداره و حد در صد و در محافل و زو

منابر خاص و عام را بپوشش و از دحام پیوسته از بی تحریک  
ترغبند که سر اسرار خورد و بزرگ و سپاه و سفید و امانت و  
و عالم و جاهل در تہیہ سباب دفاع و نکات اجتماع خیزند و بحال  
و جان و خدم و حشم جدال را شروع و نکیزند و عوام را بزرگ

از دحام در بنان و عیان شور و روان و در زبان است که عا  
که خبر با یالت و ولایت سلطان جهان و خاقان زمان که بعین

مصطفوی را ماتس بلبان توام است و طریقت مرصوفی را  
مشید ارکان نظام تسلیم حسبہ رضا و ہمیم با قید اطاعت بر ائمه

طاعت بنیم با ایگه کاشمش فی راجعہ الیہا را شکار است که اگر  
این جمیع طعام بر ملت اسلام دست یابند و بدین شتابند در  
اشکار و خفایس از سیر و جفا و کدازند و عرض و ناموس سلطان را

بهره خویش انکارند انکار از سولوک آن فرقه بدخواه و حیلہ  
آن جو د کراه اندک اندک حق پرست را رسته بین از دست زد  
دو بت تو بت سبب و ازار و رونق بازار گیرد و آن کیت که بر

داعیہ انکار تواند یا وقوع این احتجاج را لاف و کرافت  
آخزہ سیرت ایشان با ائالی بند دستان مشهور عرب و عجم  
و مشهور ترک و دیلم و گذشته از آنچه گذشت خاطر نشان

تبدیل سنت اسلام است و تعبیر طت سادات امام و با  
اندیشه خام ما را میرسد که تعافن حسبہ تحمل و رزیم و بخلوت

۲۰۶۸

عزت کیریم با آنکه بلاد ایران چشم و چراغ اهل ایمان است  
 و ایرانیان بحیثیت مذمت و غیرت ملت مشهور افاق جهان  
 و این جمله که سیم چگونه از اهل کابل و قندهار بحیثیت کمتر باشیم  
 با اینکه حق پرست و خدا شناسیم و چون خداوند قادر  
 قهار و پویمبر مختار و ائمه الهام السلام الله علیهم اجمعین ما  
 روزگار حضرت بقیة المدجمل الله فرجه ما را نامر و معین است  
 که اسلامیان را پشت و پناهند و شاه و آگاه دان الله  
 لا یصلح علی الفسدين و قیة العزة و لرسوله و للمؤمنین غیرت  
 اهل کابل و قندهار شهره روزگار است با آنکه ایشان را  
 چون دارای زمان و فرمان فرمای جهان سنا و عبادی  
 بنوده و اینکه دستگاه و سپاه و سلطت پیکار و صلوات  
 کیر و دار که سجد الله الملك المنان دولت سلطان ایران را  
 مر ایشان را آماده سخاوت و باطلت عدت با نذک شد  
 دمار از روزگار دشمن عدار بر آوردند و برانیم که تا تو انیم  
 اگر چه بوسینه تدبیر باشد این فرقه خصم را از پی کبر و درازیم  
 و بعضی مجال اگر بوا سستی برخی ناکان بر یکی از خود  
 ایران روزی چند دست یابند برین فتور مغرور و جسور  
 که همان مکان مذکابل است و ترک تحل فاصحوی لاری الا انیم  
 لهذا عرض این خاکساران در حضرت شهریار جهان  
 این است که از سر صدق و صفا و پیوند و وفا بند کانییم  
 دل بر کف چشم بر حکم و کوشش بر فرمان و کفون  
 معا یون را منظریم که با نذک اشارت اولیای حضرت سبحان  
 مال و فرزند و عیال و ای جدال افرازم و جان فشانیم و بریم  
 و مخالف را اولزه این خبر آویزه کوش باشد که با وجود ایمان  
 و اسلام تکلیف مسلمین از مخالف مذمت و دین صورت مکان

بنند و حق و باطل بهم نمیوند و اگر چه این فرق را بحیثیت  
 وقت قرار بر این است که بخشها کنند و ریزشها نمایند  
 از آرا کشند و نیاز دارند و تطاول بینند و تحلل آرند لکن بهر آن  
 بخط امیرش ایشان بضر و خطر از ستم قاتل پیش است و  
 موجب هر گونه تشویش ما را بمواعید خویش نفریند و بزرگ  
 و شدید قید از پی صید ننهند که مان چون خوردن و سرب  
 ناگوار نوشیدن و خرقه صد پاره پوشیدن و در حاکمیت  
 اسلام کوشیدن و سلطان مسلمانان را پیر و فرمان  
 بودن از خلق و نوشی که دارند و غدر و مکر می که نپذیرند  
 و سرخ دزدی که شمارند بسی خوشتر است و کوی ترک ما  
 تسوی الظلمات و النور و لا الظلم و لا محجور بر بدون  
 نوز الله با فوا بهیم و یا بی الله الا ان تیم نوز و لو کره الکافرون  
 و چون ممالک ایران حوزه اهل اسلام و ایمان است و در  
 این مند و ستان بر قمار و کفنا علمای این سامان آ  
 اهل اولاد نیز از آوازه این چشم و ستیز سر از خواب غفلت  
 بر گرفته غیرت و حمیت اشعار و شمار خود پنهانند و  
 بیخبر دارند که در خورد مذمت و این است و طریقت و دین  
 باقی ایام دولت جاوید مدت اعلی حضرت شایسته  
 فذاه روزافزون باد  
 عالیجاه میرزا محمد نجف منشی باشی نظام که چند وقت قبل ازین  
 منصب منشی باشی مکرری نظام و خطاب خانی سرافراز  
 و در روزنامه های سابق نوشته شد در این اوقات  
 جانب سنی بجانب اقدس طایون شایسته می کتوب  
 جنبه ترمه در ازای منصب و لقب فرور بر رسم خلق و حق  
 عالیجاه مشارالیه حمت کردید

۲۰۶۹

چون پول ریالی از مالک محروسه ایران قدری کم شده و  
اغلب ولایات با اشرفی صرف زیاد بهم رسانیده اولیای دولت  
علیه قاهره در مقام چاره و رفع این کار برآمدند که عامه خلق در  
رفاقت و آسایش باشند ضروری که از صرف پول مردم ببرد  
رفع شود روز چهارشنبه غره شهر جمادی الثانیه ۱۲۷۳  
جمعی از اعیان دولت را با جمعی از تجار معتبر و صرافان دارالخلافه  
احضار فرموده از قرار تعیین معترف نمودند  
اولا حکم محکم بکل حکام و مسائرن مالک محروسه صادر شود که برات  
من بعد از بابت مالیات دیوانی نفرستند و این عمل را بطی در همه  
موقوف نمایند هر حال که برات تجاری نباشد یا نقد تومان جریه  
باید دیوان اعلی بد باید مالیات پول نقد بخرانه عامه نفرستند  
هم صرف خزانگی و بد پولها را باند هم در ولایاتی که زیاده  
بخرایه آورده میشود صرف پول میان مردم کم میشود  
دیگر اینکه بخران و فارسین بزد و کرمان و مازندران و کرمانشاه  
بخصوص حکم صادر شود که مالیات دیوانی را اشرفی بچده بخودی تمام  
وزن بگیرند بر رعیت سخت بگیرند که باید دیال بدی بلکه اشرفی  
از بابت مالیات بگیرند و قدغن شدید شود که تجار و غیره بچسب  
خود را بایال کنند و تنگ که میکنند و میشد با اشرفی قرار بند که معاطه  
و کل معاملات تجاری با اشرفی باشد  
دیگر آنکه بچکام و سرداران و مکرک چیان مالک محروسه در حال تا کید حکم  
صادر شود که من بعد نیاری و شالی یال مسوک و نقره غیر مسوک از  
مالک ایران بمالک خارجه بیرون نبرند در هر جا تاجری بخواد بیرون نبرد  
صنبت دیوان اعلی باشد  
دیگر اینکه قدغن شدید شود و التزام از صرف بخرایه که فرستد که در هزار  
و پنجاهاری رواج باو در داد و معاطه چیزی کم کنند در صورتی که وزن آن

درست باشد پنجاهاری عددی نه خود و و نه زاری حج عدد مسجد بخود  
باشد مقابل اشرفی توانی معاطه شود و در کل مالک محروسه از این قرار  
دیگر مختصی بچاپاری با حکم محکم نامشود که یالی درین دو روزه بجا با قافله  
روانه کرده بود که از دارالخلافه طهران بیزد ببرد و از آنجا بمالک  
آن ریال در هر خواه عرض خواهد دید ببرد بر کرد اند و کند از بید  
برود و صنبت دیوان شود  
دیگر اینکه حکم صادر شود که عربستان و کردستان و عراق که بیاید مالیات خود  
ریال میدادند باز هم ریال بند که بخرانه عامه آورده و ببرد داده شود  
اگر بعد ازین اشرفی میاید و بقبل نخواهد شد میان مردم ریال بسیار  
سود و صرف آن کم کرد  
دیگر اینکه معتبر بخران معتبر مالک حکم شد بود که مبلغ نازده هزار تومان  
بخران بخرانه دارالخلافه طهران بپسنداده بخودی سکه نماید مجددا با حکم  
که از غره شهر جمادی الثانی و ما بعد تا هم مبلغ ده هزار تومان دیگر سکه کرد  
رواج بد  
دیگر آنکه آفاق التزام بند که قوت تجار بخوانند ریال را از دارالخلافه طهران  
بجای کل نقل نمایند و بیرون ببرد بعالیجان معتبر بخران معتبر مالک  
و میرزا موسی وزیر دارالخلافه اخبار نمایند که آنها مانع شده مگر از بیرون  
برود هر گرام بد و اجناس کمند مورد جریه و بیاخذ خواهند بود  
دیگر اینکه در رضاخانه دارالخلافه طهران اسپرل را آب کرده موافق عیار اشرفی  
سکه نمایند برای سهو کار و جوی که بیوان اعلی ببرد نصف مطالبه نمایند  
و اجرت عمل را هم بکریع از اجرتی که سابقه و نیکتر بربند  
دیگر اینکه این صد عدد اشرفی ده خود کم که میان مردم معمول شده است  
بکل موقوف با و بیچک از صاحبان بعد ازین صد عدد ده سکه که ببرد  
و بگردند اگر بعد ازین بگیرند و بچند بکند از آن حریفان از آنها گرفته خواهد  
و التزام هم باین مضمون از آنها گرفته شود

۲۰۷۰

۲۱

دیگر اینکه اشرفی در دست هر س با بوزن تمام درست معالجه شود  
هر اشرفی که از یک کد به بیشتر کسر شده باشد صرف در دست هر  
بگیرد و ببرد که در ضربت آن بوزن درست سکه شود که در وزن و خرج ضرابخانه  
صاحب اشرفی بپوشد و اشرفی بوزن درست بگیرد

صرافی که در دارالخلافه طهران صرافی میکند از سنی نفر بیشتر نباید باشد  
میان این سی نفر ده نفر از ارفعیان انتخاب شود که هر دو نفر ازین صرافان

صاحب اشرفی بپوشد و اشرفی بوزن درست بگیرد  
صرافی که در دارالخلافه طهران صرافی میکند از سنی نفر بیشتر نباید باشد  
میان این سی نفر ده نفر از ارفعیان انتخاب شود که هر دو نفر ازین صرافان

بیک نفر از اینها که انتخاب شده اند سپرده باز از هر یک تقبل نماید  
شود و از این ده نفر مواخذة خواهد شد و مورد عقوبت و مجرمه خواهد شد

چون مذکور شد که صاحب جمعیان دیوانی هر کدام صرافی دارند که پول  
ببند و ضایع بنمایند لهذا حکم شد که اختیار جمیع صرافان با مقترب  
معتبر الممالک باشد برای هر یک از صاحب جمعیان از آقا محمد حسن  
و محمد اسمعیل خان و میرزا کاشم خان و آقا خداداد صندوق  
جناب جلالت آقا جل اشرف عظیم دام آقا لاله العالی مشار  
صرافی این شدتین تعیین نماید که تقبل و پول کنند که پول بی عیب  
و نقص بار باب حواله برسد بعد ازین در هر پولی که عیب و نقص  
بهم برسد مواخذة از معتبر الممالک خواهد شد و در سایر ولایات  
حکم عین است که بی اطلاع و اذن معتبران ولایت کسی صرافی نکند و در  
داخل و تصرف نمایند از کیلان بجز صحرای حکم صادر شود که در ضمن  
شد نمایند که من بعد در پول را ببرد

از غره شهجمادی الثانی تا آخر ماه صرافان حملت دارند که  
اتهام نماید صرف پول را کم کنند بطوریکه حکم شده است  
ریال از ولایت بیرون نیرود و صرافان هم احتیاط می کنند  
که تا جری بخوابد پول را بیرون نبرند خبری کنند از الله تعالی

صرف پول کم میشود  
سایر ولایات

کرمان از قرار یک در روز نامه کرمان نوشته اند امور ولایت  
از اتهامات حسن مراقبت امیر الامراء العظام سپهبد ارجمند  
کرمان قرین انتظام و انضباط است و مقرب الخاقان میر محمد  
و پیشکار کرمان حبس حکم در رسیدگی امور ولایتی داد و ستد  
معاملات و انجام خدمات دیوانی اتهام کافی عمل می آورد با

رفیق مقرب الخاقان جعفر قلنجان میر سنج با سر باز و سوار  
تو بخانه و قورخانه و استعداد دار کرمان نسبت حیرت در روز  
نوشته شده بود به موجب اخباری که در این اوقات رسیده  
با کمال انتظام دارد آنجا گردیده و کل امالی آن سامان حسن  
سلوک و رفتار و نهایت رضامندی و شکر گذاری داشته اند  
که احدی از قشون ابوالجهمی مقرب الخاقان مشارالیه قدرت  
و خلاف حساب نسبت عیبی نداشته و هوای حیرت نیز  
بوده است و بقشون ما مورچه بسیار خوش گذشته و از وقت و سیر

نهایت و فررا داشته است  
چون فوج خلع ابوالجهمی مقرب الخاقان شیخ علی خان سر تپ که نامور  
ساخلوی کرمان بودند در مدت امورت با امانی آن ولایت بطور مختصر  
سلوک کرده بودند لهذا امالی شهر کرمان از امیر الامراء العظام  
خواستند شدند که نظم شهر و قراول خانه ها کاکان باز با همان  
باشد و اما بنا به خلوی آنجا باز برقرار شدند

۲۰۷۱

### دار السلطنه بهرات

از فراریکه در روزنامه بهرات نوشته اند کمال اجنت و انظام  
در ان ولایت حاصل است و الهی الولايت از اعالی دادانی  
خاطر به عا کوئی ذات احدس با یون شاهنشی خلد اند ملکه  
وسلطان شتعال دارند

امور شهر و محلات نظم تام دارد و قرار گذاشته اند که شبها  
در بازار با بهر گذرگاه محله نفرز شاگرد دروغه برنی که ساق  
بودند باشند پنج نشان باده نفرس با زمین بازار کر  
بگردند و چغندر بگردان محله دو کوه با قول و بانو کرمی  
میرزا محمد روزنامه نویس با که خدای محله در کوش بود  
و حرارت معقول باشند و آنچه واقع شود صبح با چینی  
بگویند از جمله فر اولهای کز مه با ادمهای روزنامه نویس  
و نفرز شب آوردند مذکور است که اینها را چهار ساعت  
از شب گذشته در میان محله گرفته ایم شب آنها را در زندان  
نگاه داشته صبح میر عبد العظیم ناجیک آمد و گفت که اینها  
ادمهای من هستند و هر دو رستخلف نمود

دیگر نوشته اند که حسب الحکم نواب مستطاب بزاده و الالباب  
حسام سلطنه حکم آن مملکت خراسان در چهار بار بهرات  
جا رکشیدند که هر کس ادعای کسی داشته باشد مراتب را  
بعرض نواب مغزی آید برساند اگر طلب بی دارد بم حکم نواب مغزی  
در یافت کند چون بعضی اشخاص ادعای بیجا و باطل میکردند و  
ظایفه بردارانی و غیره را می گرفتند لهذا این جا رکشیده شده  
قدغن کردید که بدون عرض و اثبات حق کسی مزاحمت دیگری  
نماند  
دیگر نوشته اند که حسب الحکم نواب مستطاب حسام سلطنه مقرر کرده

عالیجا میرزا محمد حسین مستوفی دار السلطنه بهرات آنچه سبب نیک  
در زمان یار محمد خان لکیرالدوله بودند و بعد از آن در زمان  
سید محمد خان و شاهزاده محمد یوسف و عیسی خان بودند همه را  
سیاه نموده و تلکهای ایشان را آورده آنچه مرمت ضروری  
دارند مرمت نمایند عالیجا پشایر الیه نیز حسب الحکم نواب مغزی  
انها را بقرار ثبت و قفسان دیده و تلکهای آنها را دریا  
نموده هر چه مرمت ضروری دارد میدهند که مرمت نمایند  
و نیز نوشته اند که نواب مستطاب حسام سلطنه عالیجا میرزا کوئی  
کلا تر حکم نمودند که عمده مزدور بگیرد و خاکه زیزیکه متصل بجاترک  
قراول خانها بازند و در آنجا توپخانه ساخته شود و سربازان  
در آنجا باشند و مشارالیه هم عمده گرفته همه روزه در کار زندان  
ار خود گذاشته است و سرباز فوج عالیجا محمد رضا خان مستوجب  
انجام قراول خانها و جای توپ میباشد و هم اطراف ارک  
بهین طور قراول خانها میارزند و هم چنین مقرر داشته خانها  
نزدیک بارگ میباشد و دو کاکین پای حصار که نزدیک بخندق  
و رو بروی ارک شدند تا مقادار شتاد زرع تخمینا خراب باشد  
که هم میدان ارک زیاد بشود و هم باعث استحکام با و پول دکان  
و خانها فی را که خراب میکنند بصاحبان رونمایند چند  
متصل بخندق ارک بود خراب کرده و قیمت آنها را بصاحبان  
تسلیم نمودند  
دیگر نوشته اند که آقا محمد مهدی تاجر عراقی سبای تحت ادعای خود  
که بکنفر جاریه از خازن سرفقت کرده اند قراول بجهت پیدا کردن جانی  
بدروار فرستادند و روز دیگر سربازی که مستحفظ درب ملک بود  
دید بود که میخواهند از شهر برون بروند و او را گرفته پای تحت آورده  
تا چه بود بر طلبید و باورد نمودند

۲۰۷۲



انجبار و دول خارجی

اقسام دزدیها و طریقهها که بعضی اوقات اتفاق می افتد در روزنامه می نویسند آنچه نوشته اند که طریقی نفر است و بطور غریب و زوی کرده است تقضیاش که دو نفر صرفا با هم شریک بودند یکی در نخلیس و دیگری در فرانس در محلی ساکن بودند روزی باین صراف که در حوره فرانس بود از صاحب شریکش از راه سیم صاعقه پیغام رسید که لوگری از من کرده در خدمت بود این اوقات بعد پنجاه هشت هزار تومان طلا از صندوق من دزدیده و گریخته است مترصد او باش اگر در باین شکل و شمایل و سن و ترکیب شخصی از کشتی بیرون بیاید متحوا مرا از او بگیر و لی چون مدتی خدمت مرا کرده است متحوا اذیت بکند در مسا باشد دو هزار تومان با او بدو دزدی او را فاش کن بگذار چهره او برود و صرفا فریب بده و در بجا و ریاء مترصد بود تا روزی دید بهان نشانیها که کیش پیغام داده بود شخصی از کشتی که تازه وارد شد بیرون آمد که در اینجا بود رفته است صراف نیز رفته در پهلوی او نشست و خاموش بود بعد از آن شخص رو بصراف کرده و گفته بود که بعد پنجاه هشت هزار تومان طلا دارم چون سکن است بجهت سبکباری صرفی میخواهم که اینها را با اسکناس که پول رواج فرنگستان است معاوضه کند صراف گفته بود که من خودم صراف معتبرم و طلای تو را اسکناس میدهم آن شخص طلا را در دست و سر راه صراف بمنزل او رفته و تحویل داده بود بعد از آن صراف گفته بود که تو این طلا را در نخلیس از فلان صراف که شریک دزدیده و از راه تلغراف من پیغام داده است که از تو بگیرم ولی چون تو مدتی خدمت او را کرده من پیغام داده است که جیانتور را اشکار کنم و ترا رسوا کنم و دو هزار تومان هم بدهم

خواستند با شری بر وی آن شخص اول بمقام انکار و تکاشی بر آمد بود صرفا او را با جناب جناب حکومت و گرفتاری مضطرب میدید کرده بود بلاخره با قرار آمده و رضی بگرفت دو هزار تومان شده گرفته و رفته بود بعد از آن صراف نیز بفرانس یک خود نوشته بود که فلان لوگری که از راه سیم تلغراف پیغام فرستاده بودی بعد هزار تومان طلا دزدیده بود او را بهان نشانیها که گفته بودی بدست آوردم و طلا را کلاً از او گرفتم و دو هزار تومان هم که گفته بودی با او بدهم و او را مطلق العنان کردم و رسوا نمودم از شریکش جواب آمده بود که من اصلاً این مقدمات خبر ندارم تا آدمی از من گریخته و نه متحوا از من رفته و نه پیغام از راه تلغراف به فرستاده ام صراف متعجب شده به طلا رفته بجهت عیاری زده بود دیده بود کلاً من خالص است که بطوری مطلقا کرده است که در بادی نظر طلا مینماید چون ایگونه سرفتن بسیار غرابت و تازگی داشت در روزنامه های پاریس نوشته بودند

از کشتیهای شرع دار تجارتی فرانس چند وقت پیش این یک کشتی امتعه و ابار با کبری کرده از نیکی دنیا بفرانس روانه شد در پهن راه ناخوشی بجهت کشتی روی داده کلاً تلف شده بود و بغیر از کپتان کشتی منور دیگر کسی در کشتی نمانده بود کپتان متقوم تنها کشتی را بر طور بود سلامت بلنگرگاه حوره فرانس رساند بود چون مسافت ما بین فرانس و نیکی دنیا از سه هزار است متجا و است و مشارالیه بنهانی ازین سفر مسافت کشتی را با امتعه و ابار سلامت حل رسانده بود خدمت او در زردای عجلتت امپراطور فرانس درجه نخستین یافته نشان افتخار و مدالیه با داده بودند

۲۰۷۳

دیگر نوشته اند که در این اوقات در بعضیها شخصی طومانام  
 التي اختراع کرده است در باب علم رقوم که در ضرب و تقسیم  
 در کمال سهولت بواسطه آلت مذکور حسابی که با دست در  
 باید نوشت در پنج دقیقه بدون سهو و حساب میشود و از  
 جانب حکومت تجربه کرده اند بیست سال قبل ازین یک شخصی در  
 لندن که بازی شطرنج بسیار خوب میکرد صورتی بزرگ ساخت  
 و صفحه شطرنج را در پیش روی او گذاشته و بشطرنج بازی  
 لندن اعلام کرده بود که هر کس بخواهد شطرنج بازی کند باید در  
 وجهی معین گردیده باشد باین صورت بازی نماید شطرنج بازی  
 لندن این معنی نظرشان بسیار غریب آمده و هر کدام آمدند  
 آن صورت گردیده و بازی کرده بودند مخلوب شده و با  
 بودند و موجب حیرت همگی شده بود بعد از آن معلوم  
 بود که طفلی که بموجب تعلیم آن شخص در بازی شطرنج مهارت  
 کامل به سزده است در میان آن صورت مخفی است و دست  
 آن صورت مده را در مقابل حرف حرکت میدهد  
 ازین قبیل چیزهای دیگر نیز کبریات ظاهر شده است حال  
 دور نیست که این آلتی را هم که این شخص در باب علم حساب  
 اختراع کرده است آدمی صاحب دان چاکدست در میان  
 مخفی کرده باشد  
 کوه سوزنده که در جوار ناپولی است یک مدتی پیش آن  
 شده بود در زلزله های سابق بارش از او ظهور کرده در  
 ثانی منطقی شده بود در شب دوازدهم ماه ربیع الثانی گذشته  
 ناگاه آتش از او ظهور کرده و شدت آن اطرافش شده بود  
 بطوریکه نوشته اند از روشنائی او شهر ناپولی مانند  
 روشن گردید

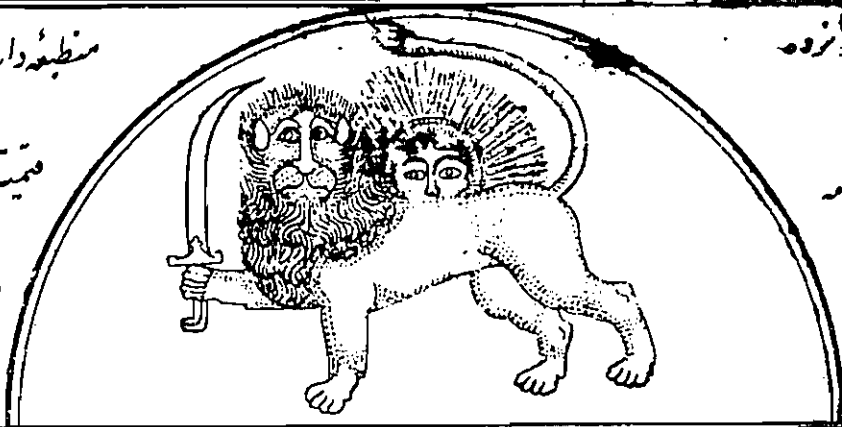
۲۰۷۴

در فرانسه از قریب یک نوشته اند امور و عاوی و مرافعات  
 بعضی اتفاق می افتد که تا دو سال و سیصد سال طول کشد  
 از جهت در ایام صد و سیزده سال قبل ازین در پاریس با تخت  
 فرانسه شخصی فوت شده و بقدرسی هزار تومان ترکه او باقی  
 مانده بود در تقسیم این ترکه مابین ورثه او منازعه شده  
 و صورت تقسیم بعهده لغویق افتاده مبلغ مذکور از جانب حکم  
 حفظ و توقیف گردیده بود در این اوقات دعوی مابین ورثه  
 فیصل پذیر گردیده آن مبلغ با منافع سنواتی آن که اصل  
 و فرع به قصد ده هزار تومان رسیده بود از جانب حکم  
 بهائیش تسلیم گردیده در روزنامه نوشته اند  
 دولتین فرانسه و اسپانول با یکدیگر هم حدود میباشند  
 و تاکنون تحدید حدود مابین آنها نشده است اگر چه از چهار  
 سال قبل ازین تاکنون کبریات مأمورین از طرفین سببه تعیین حدود  
 معین گردیده و مذاکرات شده ولی فراری داده نشده  
 درین اوقات از طرفین در سرحدات قومسینونی مخصوصا  
 ترتیب یافته است که تحدید حدود در هر صورت که است  
 معین شود  
 در ضمن تبریک جلوس اعلیحضرت امپراطور روسیه پیغمبری که  
 از جانب دولت فرانسه با نجا غنیمت کرده بود و هنوز نظر  
 مراجعت کرده در نظر بوضع جی باشد در این اوقات  
 که یکی از نویسندگان سفیر شارالمیه بجهت تصید و شکار در آنجا  
 بصحرای فرقه بود از شدت برودت بر او منفرش بچ نسبت  
 و باین وسط جنون باو عارض گردیده است  
 ع

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم شنبه بیست و نهم شهریور سال لوی ۱۲۷۳

مهر سیصد و نوزده

منطقه دارالخلافه طهران



قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه پانزده

هر سطر پنج شاهی

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در یوم شنبه ۲۱ افواج سربندی و دوماوندی جمعی عالیجاه...  
سرتمک و مقرب انجاقان ابوالقاسم خان سرتیپ که حاضر شده بودند در میدان ارک مبارکه حاضر شده علیحضرت شاهنشاهی...  
نوازش و التفات فرمودند

تعلیمت با یاسرکت احکام دیوانی ملاحظه شود...  
اعتباراً قطب باند بعد از این همه های تازه او معتبر خواهد بود...  
چون عالیجاه تقیقلینان سرحد دار بقول ازلی مدتی است با خوش فایز که...  
از عهد خدمت سرحد داری نمیتواند براید لهذا نظر ابی عالیجاه...  
برادر مشارالیه درین اوقات منصب جلیل سرحد دار ازلی سرافراز و فرمان...  
تایون و صدور طلب و در روز شنبه فی حضور نورالتغیثه

مقرب انجاقان حسنعلینان سرتیپ که مأمور خراسان بود با افواج کرد...  
وارد شد و مقرب انجاقان مشارالیه در میدان مزبور شرفیاب حضور...  
مبارک شد مورد نوازش و التفات ملوکانه کرد...  
نظر عالیجناب مقرب انجاقان حاج علیخان حاجیلو که در سفر...  
جایزه و مشهور خاطر اقدس تایون شاهی شده بود مورد...  
ملوکانه آمده بعد از مراجعت موبک تایون از شکارگاه جاجرد و دیگر شکار...  
ابره لاک از مابوسات بدن مبارک مقرب انجاقان مشارالیه...  
فرمودند

خواین طاش که با لورک ابوالحسنی و دیگر تایون مدینه لورک خود داده...  
و خود در دارالخلافه توقف داشتند در این اوقات بوجوب تفصیل ذیل شرفیاب حضور...  
علاء فرج الله عالیجاه حقیقی عالیجاه لایزال عالیجاه محمد کاظم عالیجاه سعید...  
کردیده دخلت مهر طلعت تایون در حق هر یک مرحمت شد حضرت...  
انصراف بفرقته خود حاصل نمودند

تاریخ ۱۹ شهریور ایامی مهرت مقرب انجاقان سیر احمد میرالملک...  
با کینه مفعود کرد داده است تاز به بطوریکه مخالف یکدیگر می مفعود با...  
نماند از تاریخ مزبور سجد اگر نوشته نامی کم شده ادرا بر شود یاد در حاشیه

چون مرحوم میرزا امین میران آقاسی که مبارک شایسته است بود وفات یافته است...  
لهذا درین اوقات ولایای دولت علیه بوجوب فرمان مبارک عالیجاه محمد...  
محمود خان پیرلور پشایر سیلوات سرافراز ابوالقاسم خان برادر ازین...  
مشارالیه برقرار نمودند و از جانب بنی الحجاب ملوکانه طلعت تجبه آنها...  
و عالیجاه میرزا امان الله قشایر جناب عالیجات نظام الملک متفرق شد که فرمان...  
آنها را برده و امورشان را نظم داده و مراجعت نماید

۲۰۷۵

بعضی تفصیلات متعلق بسبب دایره مابین دولت و دولت  
 انگلیس در روزنامهجات انگلیس و روزنامهجات دولت  
 نوشته شده است که نگارش آن درین روزنامه از برای  
 اطلاع عامه خلق خالی از مناسبت نبود لکن بعینها  
 ترجمه روزنامه بلجیکا بتاریخ چهارم شهریور  
 ۱۲۷۳ روزنامه دولت انگلیس موسوم بمورن  
 در مدح عساکر دولت خود که بدیاری فارس رسیده اند  
 نوشته است که روزنامه مذکور فی الحقیقه دولتی است  
 میگوید در واقع این مأموریت قشون از برای پادشاه ایران  
 نیست محض مخالفت با دولت روستیه است برات را دولت  
 روستیه گرفته است و دولت مذکور برات را از دیگرین  
 جاهد است محل اجتماع عساکر خود در مقابل هندوستان  
 کرد لکن روزنامه دیگر انگلیس موسوم بمس این خیالات  
 روزنامه فوق را شرمگین بوده بی پایه و مایه بشمارد و بطور  
 شایسته و از روی کمال عقل و اندیشه جمیع نتایج مضر و مضر  
 کثیره که از این مأموریت قشون انگلیس نسبت طهران روی خواهد  
 و عدم فایده این جنگ را بیان می نماید و نیز میگوید که قدم  
 مهربانی ملت ایران نسبت بانای انگلیس دخیل بدولت روستیه  
 ندارد باعث اصلی منشأ روابط حالیه را باید بطرسلوک در قضا  
 سفارت انگلیس که از بدو برودت معترض بود وارد آورد و روزنامه  
 بلژیکا میگوید که این نوع اقرار از دهن روزنامه انگلیس انقدر که آنها  
 ندارند است که نباید مابکوت گذرانده در صفحه خود ثبت  
 ننماییم خلاصه این اقرار گوشه حامه و کاغذ ملت انگلیس خواهد  
 آملی انگلیس که شان و قدر ایشان بیشتر از گفتگو مکالمات در میان  
 ایشان است ظاهر انجیالات جبر و اعمال دولتی که لاریستون

در شرق زمین میل داشته شریک نخواهد بود مجالس عدیده  
 در اکثر قلمروهای انگلیس فیمابین اهل دلیات در بحث و ایراد  
 جنگ بر پا و واقع شده است از آنجمله در شهر نوکاستل مجلسی  
 منعقد شده است مکالمات بدینجا رسیده که جز ما تصدیق نموده  
 که جنگ با دولت ایران مباح صرف محض خلاف ضد قواعد صلح  
 و این مجلس مذکور بر عهد خود گرفته اند که در حضور دیوانه سخنان  
 ایالت خود بطریق عرف مدعی صاحبان و افراد سبب از آن  
 مأمور دیاری فارس شوند و آن قشون را اجر کننده اوامر  
 محسوب آرند اگر ساراهل انگلیس از ساکنین شهر مذکور سر مشق  
 بگیرند چنانکه احتمال کثی در پیروی میرود آنوقت سبجای ایگلاز  
 پالستون برای اولیای دولت خود شرایط استحکام و استقامت  
 حاصل نماید جز مشکلات جدید چیزی دیگر تحصیل نخواهد نمود  
 دولت انگلیس با ایران را نه تنها ملت خود انگلیس قبول نمی کند بلکه  
 ملت مذکور نیز تصدیق نمی کند روزنامهجات ممبئی و کلکته از ضررهای  
 کلیه که از این جنگ تجارت بند میرسد هر روزه می نویسند  
 کنیم که دولت انگلیس اعتنائی به تجارت با پایه و مایه و اعتبار دار نخواهد  
 نگذارد عاقبت این دعوا چه خواهد بود دولت انگلیس آیا ملت  
 بدون قشون زیاد خود را در جامای بی حاصل و بی آب ایران کم  
 و از کوههای ایران بگذرد و آن کوهها که زما دارد که بقلیل مستحفظ  
 ممکن عبور نیست کسی که بولایت ایران رفته و اطلاع دارند  
 که این دعوا نهایت است اگر قشون ایران را خوب متوجه شوند  
 و خوب بگردانند اگرچه نظرش از قشون انگلیس کمتر است لکن عساکر  
 ایران بطوری است که احتمال کثی می رود که شکست داده نخواهند  
 انگلیسها پیشتر روند و گذشته این نمیدانند که رفتار دولت  
 روستیه درین حالت چه خواهد بود لکن آنچه در کاغذها کاینه بر

۲۰۷۶

شما انقاد استم بروز خواهد کرد اگر دولت روسیه شریک  
 در مصالحه شود دولت انگلیس قوه بسپاردن نخواهد داشت بنا  
 الی حال واقع نوزده سال قبل این را فراموش کرده باشند  
 که محمد شاه پدر ناصرالدین از محاصره بهرات برکت کل اجا  
 معشوش شد کابلی سورش کرد و یاد دنیا در بد که این حمله  
 بدولت انگلیس نقد آنچه کرده و عسکر آسی هزار نفر رسید تصور  
 کنیم داخل ولایت ایران نشوند کفایت بگرفتن نوشتن کی از  
 بنا در دریای فارس را بکنند با وجود این چه خواهند کرد و که  
 میتوان بگوید که اولبای دولت ایران فتحی را که در بهرات کرده  
 معذور نباشند و قشونی که سمت جنوب رستاده و جابج  
 از انطرف داشته و دشمنی که با انگلیس دارد حکم برفتن قند  
 کند و اکلنی قند ماری که از نظر سلوک انگلیس لعذاب آید است  
 و مدتی نیست که روی افغان و اعظم و بزرگان قند با بطران  
 آمده ناصرالدین را از اطاعت و خدمتگذاری خود خاطر جمع  
 نمودند همان تصاحب جزیره کیش مگر مایه مشکلات جدید  
 شد چرا که دولت فرانسه حتی که در آنجا داشته حالاً بدستاری  
 یکی از وزناجات خود مطالبه میکند لکن دولت فرانسه در  
 حقوق در دریای فارس دولت واحد نیست چند روز  
 شخصی معتبر من میگفت که دولت آلمان نیز میتواند حتی جاری نماید  
 با وجود این حالات جنگ با دولت ایران را نباید قبول کرد  
 فتح خان را که استن رفتن پاریس و شروع بدعو اگر  
 خوب نبود این مرحله چنان دانمود کرد که ایچی کبیر انگلیس بجا  
 شایسته نماید و اولبای دولت ایران بر خود قرار داده اند که  
 در مقابل دولت انگلیس استادی نمایند پس این سیر کبیر انگلیس  
 نباشن با صلاح شد لکن در این بین تاریکی روی داد که یقین سیر

کبیر انگلیس شنیده تعجیل در کار کرد و آن کاغذی بود که از وزیر  
 امور خارجه فرانسه پنج روز قبل این رسید که بکلم امپراطور  
 بود که تاخیر در حرکت فرخ خان چه چیز است چنانی آید بنا بر  
 خواهش صریح سیر کبیر ایران با وجود بعضی امورات که با دولت  
 عثمانیه داشت و هنوز انجام نگرفته بود لایحه که از اسلامبول حرکت  
 اگر درین میان کار بجائی انجامد شما استحضار خواهد داد

یکی از روزنامه های انگلیس موسوم بتاره میگوید که چند نفر از  
 کسانی که بمبار سال رسل و ریل دارند چند روز است که از ما  
 سبب و باعث مصالحه انگلیس ایران را تفسیر شده اند و خود  
 ما هم در حقیقت در سبب باعث در مانده ایم و قریب سه چهارم  
 ماست در تقصیر مستیم و هر چه کرده ایم که شاید از کسی که  
 با ولای دولت راه دارند درین باب چیزی نفهمیم نشود و بر  
 بیش از پیش در روی کار است این سببی ندارد مگر اولتیک لا پارتین  
 که گاه گاه حرفهای خارج از اندازه در عظمت و بزرگی دولت  
 خود میزند و خود پرستی ملت انگلیس را بچوش می آورد اگر چه بنا  
 احترام را با ما داریم لکن با راجل محسوب شده قابل اطلاع دادن  
 کارهای دولتی نمیدانند پول و خونی که باسم ما ریخته و خرج میشود  
 میخواهد بدینیم و این دعوی با ایران که هزار میخ و خم به خم خواهد  
 رسانید همان حالت را دارد و میچکس نمیتواند بگوید سبب باعث  
 رفتن قشون انگلیس بدریای فارس چه چیز است از برای چه  
 میرود ندر است است که فرمانفرمای هند استهتا نامه داده  
 و چاپ کرده اند و آن استهتا نامه بجای اینکه کار را بطور واضح  
 و آشکار ببرد مبعضانده مسند را مبهم تر کرده است لکن درین خصوص  
 آن کم و بیش که ما مطلع شده ایم گوشزد اجیرهای خودمان کنیم  
 که بهرات پای سخت کوچکی است که ساکنینش از یکی از فخره تا

۲۰۷۷

انگلیس نیت شهر مذکور در فصد و پنجاه میل از طرف مشرق  
 طهران واقع است و چهارصد و پنجاه میل در مغرب کابل است  
 و نزدیکترین محل تجاری که انالی و ننگستان با نجا دارند هندوستان  
 این ایالت قدیمه دست ایران بود و حالا بطور اطاعه در  
 زیر حکم ایران است و چندین سال است که ما بین پادشاه ایران و  
 امرای کابل و قندمار نزاعی روی داده است چهار سال قبل  
 شیل صاحب سفیر انگلیس معین طهران با آن دولتها عهدنامه در خصوص  
 برات بست آن عهدنامه منتشر کردند و مگر کس اعتراض در آن  
 لکن این عهد را چنانکه عادت مأمورین انگلیس است که حاجی  
 و نزاع میکند از آن گذشته که دولت ایران نباید برات  
 قنون نبرستند مگر از کابل و قندمار بر برات بیاید در کابل  
 داخله برات دخل و تصرف بکنند پیرام محمدخان را محمدلو  
 نامی کشته از روزی که حکم انی برات را بدست آورد بنای تا  
 و تا در سرحدات ایران گذاشت در آنوقت پادشاه ایران  
 خواست که انتقام خون پیرام محمدخان را بکشد و بهم امر  
 خود را مضبوط کند قسطنی مأمور کرد و بارها سفرهای فرستاد و این  
 اعلام کرد که ازین مأموریت قسطن منظورش گرفتن برات  
 مگر نظم سرحدات و ولایت برات که از قبل سید محمدخان  
 درین صورت طرفداری دولت خودمان را در باره این افتات  
 نمیدانیم از چه راه است که همین افتاتیه آن اشخاص نیستند که چند  
 سال قبل ما بولایت آنها رفیم و خرابیها کردیم حالا باید با قسطن  
 حامی قانلی وحشی باشیم چرا که عهدنامه داریم المضاف به این  
 برای چنین علت ضعیفی میتوان با ایران دعوا کرد و لیکن در  
 روزنامه های دولتی می بینیم که هشت هزار قسطن مأمور دریا  
 فارس است اول چیزی که در این ماده منظر میرسد بحثی است که

باید ملت خودمان کنیم چرا باید چنین دول وحشی و پیر  
 نشده عهد نمیداند در این حال مجال است که با اعلام نامه  
 جنگ در دست بتوانیم مدلل کنیم که دولت ایران نقض عهدی  
 کرده باشد ما خود در بهرات از فرار عهدنامه است و ما چگونه  
 اطلاع از اعمال این وحشیها داشته باشیم همانقدر از مذا  
 آنها مطلع هستیم با وجود اینها نخواهیم از برای آنها برات  
 حاصل کرده جانب داری نمایم همه کس میدانند که حق اعلام  
 جنگ از برای دولتی بدترین حقوق است که بکار برود  
 یک دولت باید در وقت تنگنا و سختی دست بچین حق نزاع  
 و در حقیقت اعلام جنگ مثل این است دلایتی را بسوزانند  
 و طاعون روی بد دشما خواهد گفت باید ولایت هندوستان  
 از دست درازی روسها محافظت کنیم اما باید گفت این  
 پولتیک نیست سخاوت است اگر نخواهیم ما بین هند و روسها  
 که اینقدر می رسم حدی قرار بدیم آن حد البته دولت ایران  
 نخواهد بود یکی از بزرگان دولت انگلیس دوک لنتین سردار بزرگ  
 اعقادش این بود که دولتین روس و انگلیس باید در حکام  
 و استقامت و بزرگی دولت ایران بکوشند و در دارالشورا  
 گفت که دولت روسیه این مطلب را خوب بر خورده است لیکن  
 اولیای دولت حاضره تصور این است که خرابی ایران با  
 بزرگی انگلیس است در ماده این جنگ ناحق پر وقت می کنیم  
 دولت انگلیس قسم میدهم که درین جنگ غیر حق و در حقیقت ضرر  
 طرفین است شریک نباشند  
 روزنامه های دیگر از فرنگستان نزدیک بهین مضامین است که ترجمه  
 شده است در هفته های آینده ترجمه استحضار عامه ناس پوشه خواهد  
 شد

### سایر ولایات

۲۰۷۸

### آذربایجان

بر اولیای دولت علیه معلوم شده بود که قایم مقام یک نوع استخارند  
 بر خود بسته لازمه قدر قیمت بر شغل منصب خود قرار میداد و از احوال  
 و افعال او در وظایف خود روز بروز عیب تازه در کار او در با بجان  
 بطور میرسد چنانکه از شدت بی اعتنائی او در مراسم عتبت داری با  
 وجود غله ریاد و دولت آذربایجان و احکامی که سابقاً بعهده او بهمه  
 و هم طور در چاره کرانی مان و رفاه حال خلائق صادر شده بود و در  
 سه روز زمان بدست خلائق بنی آمده است اولیای دولت علیه حوائ  
 بلکه بنصایح و طاعت او را در کرم شغل و وظایف خود سازند و مصمم  
 بودند که اگر فایده بخشید او را بدار اخلاف احضار نموده دیگر را که کفایت  
 رعیت پروری را استمه باشد بجای او تعیین نمایند در این شاخه رسید  
 که از خطی نان خلائق بصد او آمده با جماع بعض و بچاره جونی بخانه  
 رفته اند مشا را به عوض اینکه بنویسد و بوعده او رسی آنها را امیدوار  
 نماید و حرفهای طایم بر بند بدیشتی و خست جواب داده و متحمل عرض  
 و عجز ایشان نشدگان و نوکرهای او هم از آنجا که اشخاص سلوک و بد  
 بودند و عادت بدوم آزادی داشتند چنین موقع هم همان عادت قدیم  
 بکار بردند مردم از شدت کرسنگی و یأس از چاره و داد رسی زبان  
 بردار و فریاد می کشیدند و بعضی از جناب هم بغارتستان خانه میر و از  
 تا اینکه از یکطرف لوابت براده نقره الدوله و از یکطرف علما حضور  
 خلق را بچاره خطی نان امیدوار ساخته متفرق میتازند قایم مقام هم این  
 حرکت خلق را بهانه ساخته عازم دار اخلاف بود است و از جانب اولیای  
 دولت نیز چنانکه سابقاً بنی احضار او در نظر بود باز حکم احضار  
 شد که بزودی بدار اخلاف بیاید این کیفیت دخلی بدوم پرستید  
 ندارد و نفرعت بی سرو پای شریراعت این حرکت لغو جوار  
 ریختن بخانه قایم مقام شده اند

در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته اند که بعد از فرستادن  
 اعلام و مجتهدین عظام و سایر اعیان و امالی تبریز عرض و بیاید  
 سبها و فی سبیل الله که مصنون بعضی از آنها در روزنامه های گوناگون  
 شد امالی آنولایت عموداً در مقام غیرت و حمیت اسلام بر آمده و او  
 جانفانی شده تریب قشون و تکمیل سباج بشوئند و هر روز  
 از هر محله از محلات تبریز قریب بدو هزار نفر جوانان حزب تفکیر  
 چاکدست با اسلحه و با تمام کمل دست اند برسان میدهند و  
 اعلام و مجتهدین عظام و فقهم الله تعالی همه روزه با رت جد رفته اند  
 تمام از خاص عام میشود و اهل اسلام را حمیت دین و دود و غیر مذکی  
 ملک طت و اقدام بدفاع و جهاد ترغیب و تحریص مینمایند و امالی  
 مبد نیز از راه تعصب دین مسیبن و خلوص عقیدت بجهت مکراری و  
 جان شاری در راه دولت ابد این هر روزه فوج فوج دست  
 دست چنانچه نوشته شد و او طلب ترتیب داده برسان بنید  
 و با انصاف جمعیتی کامل در تبریز منعقد و مترصد دستخط حکم و اجازت  
 و امر وزارت از جانب اولیای دولت جاویدت علیه  
 که بهر طرف از سرحدات که فرمان قضا جریان نفاذ یابد محال  
 فی سبیل الله و متوکل علی الله شتابند در روزنامه تبریز بنی  
 ولایات آذربایجان مسنوز چیزی نوشته اند ولی در آنجا با  
 بعد از وصول فزاین قضائین و نوشتجات علمای اعلام و  
 فضلی ذوی القرب و الاحرام البسته همین مقدمه شایع و در  
 و از ایلات عشایر و روستائی و شهری از دهام کرده و  
 و او طلب انتحاب نموده و اسلحه آلات حرب ترتیب داده  
 بود که از راه حمیت دینداری و خلوص عقیدت و ارادت  
 جان شاری باین دولت جاویدت علیه بجان و مال  
 مبادرت نمایند

۲۰۷۹

### کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامراء العظام سپهدار حکمران کرمان تدارک سفر سعادت را دیده بود که با جمعی از خوین و اعیان ولایت روانه شود ولی چون از دربار جهانمندان با یون در باب حرکت او بدو حکم رسیده چند روز حرکت خود را در توقف انداخته علی الحساب بقدر ده هجرت از شهر و بلوکات سوای نوکر دیوانی معین کرده و تبه و تدارک آنها را می بیند که بزودی روانه نماید و آدم به سعادت روانه کرده است که مترصد باشند خبری برسد اجازت نمایند که قشون حرکت کند و سخوی نیز بسایب قورخانه داده است که سرب و بار و ط انجام نمود فشک و کلوله مهیا سازد و در شهر و بلوکات نیز از قراریکه نوشته اند سجد العباس و آذوقه از هر چیزی کمال و فوری

دارد

دیگر نوشته اند که چون آردو خان خانی نوکر این دولت جاوید مدت علی است و در این اوقات عیضه مشارالیه مسینی بر اظهار ارادت و چاکری و دولت قوی کتب امیرالامراء سپهدار رسیده مراتب خدمتگذاری و صدق عقبت او مستحسن فاده بود لهذا بجهت راییه کتب جنبه ترمیم تمام ریخیره و یک قبضه شیر تمام سباب طلا داده و عوا اولیای دولت علیه امیدواری تمام داده و ستاد کمال مشارالیه را هم خلف داده معنی المرام بر او نمودند

### قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امور انولایت قرین کمال انتظام است در عایا و تجار و کسب آسوده خاطر

بدعا کونی ذات مقدسهایون شاهنشاهی اشتغال دارند و مقرب انخافان حاجی حسنعلیخان پیشکار آنجا در نظم و آرا در فاه و آسودگی رعیت نهایت مراقبت را بعمل می آورد و ز جمله درین سال از اول سال ریش سفیدان هر صنف را خوا و بدی دیوانی آنها را مشخص کرده و قرار گذاشته است که از قاروط بدون مطالبه و مرأحت محصل و اخذ حدتانه خود آورده تسلیم نمایند و ریش سفیدان اعیان نیز از همان معمول داشته قطب قطب خواه بدی خود را آورده کارساری بنمایند مسم چنین صاحبان املاک و اربابان و رعایای بلوکات اکثری خود اول سال آمده و بدی خود را مشخص کرده و تنگ سپرده موافق تنگ قطب قطب آورده تسلیم می نمایند و احتیاج بر فتن محصل بدات و بلوکات نیست و عموم رعایا و کسبه و اصناف ازین حرسه کمال شکرانه و رضامند بر آید و هم چنین دامت خالصه را در اول سال خود مقرب انخافان مشارالیه رفته رسیدگی کامل نموده و در اعمال هر یک از اصحاب داده و مباشرین بجهت آنها معین نموده مباشرین بر حسب آردو رفتار می نمایند امور را بجان در سنوآه سابق قدری نقصان درین سال مقرب انخافان مشارالیه خود با آنجا رفته نظم کار آنجا را داده و مباشری از اهل ولایت تعیین نموده و جبهی تجبه ساعده داده است که تفرقه آنجا را جمع آوری نموده مشغول کند سنگ زاج باشند و کار آنجا امید است که خوب پیرفت داشته باشد و در باب انضاط شده و محلات اهتمام زیاده بعمل آمده و عالیجاه و نائب خان میراث شهبارا بادویت نفر گرفته است شهر مشغولند و مسرفت و شمرات بهیچوجه اتفاق نمی افتد و طرق و شوارع نیز منتظم است

۲۰۸۰



### اخبار اول خارجه

بجهت هم حدود بودن دولتین روس و چین بیکدیگر چند وقت پیش ازین برای تاکید مبنای مودت سفیری مخصوص از دولت روس چین و ستاده شد و در او ایچین در روزهایها سابق نوشته بودند موجب اخباری که در این اوقات رسیده بواسطه سفیر مزبور معاهده تجاری مابین دولتین روس و چین بسته شده و در محلی از سواحل شوران که متعلق چین است بقصد سه هزار پانصد ذرع زمین بدولت روس واگذار شده و دولت روس قلعه در آنجا بنا کرده است و در آنجا نیز محافظت این قلعه آنچه مستحفظ لازم باشد قرار است که از قسطنطنیه چین گذاشته شود و از دولت روس سه نفر قونسول در آنجا مقیم باشند

چون حکمران عالم بجهت تاکید مبنای دوستی و محبت بیکدیگر فرستادن نشان دولت خود را برای همدیگر از اصول قیام میدهند و در این اوقات علیحضرت امپراطور فرانسه نشان بزبون نام از مرتبه اول دولت خود را بجهت علیحضرت پادشاه پرستیه مصحوب سفیری مخصوص روانه نموده و سفیر مزبور در اواسط شهر ریخ آتانی به برلین پایتخت پرستیه رسیده و پادشاه پرستیه بجهت نشان مزبور اجرائی شیک کرده و نشان مزبور را الویزه بیکر خود نموده است

دیگر نوشته اند که جناب موسیوفول وکیل خرج علیحضرت امپراطور فرانسه بجناب امپراطور شارالیه تقریر رسمی نموده که درین سال بذل و انعام امپراطور بعضی مراد و احوال بفرموده بشش بیان و نیم که سیزده کروم بجناب پول ایران بابت درین صورت بابتیه که مخصوص امپراطور است خلل میرسد و مخارج

مشکل خواهد بود و علیحضرت امپراطور نیز قول او را تصدیق نموده است و در بعضی روزنامهها نوشته اند که این تقریر شارالیه بامپراطور مابلاغ و صوابید و کینالیات بوده است

دیگر نوشته اند از گمانی که سبب اختلاف ناپولی شده بودند بعضی را با برخی از وکلا اوقات پادشاه ناپولی گرفته و نفعی و اجلا کرده بود در باب عفو و اطلاق آنها از جانب دولتین فرانسه و اسپانیا بکرات توسط شده و پادشاه ناپولی توسط آنها را قبول کرده بود حتی باین جهت دولتین مزبور قطع مجازة نموده ایچیان خود را از ناپولی برداشته درین اوقات پادشاه ناپولی بزی خود شش بدون توسط دیگری جرم هم این مقصود را عفو کرده و مذکور داشته است که اگر گمان عرض حال خود را کرده و بدول دیگر التجانیب و دیده را انوقت

می بخشیدم  
دیگر نوشته اند که دولت اسپانیا بجهت اختلافی که سابقا در ولایت روی داده بود محتاج بقرض شده است بانیتور که چهل و دو درصد قبول کرده و چهل و دو را چهار نفع بکردن گرفته از صرافان اسپانیول و سایر فرنگستان بقرض کرده و در فرض کرده است و از اینقر حساب کرده اند که از دو و کرد که مقروض شده است بهمه جهت بچ کرد و داخل خزانه او کرده است

کریده است  
انالی پاریس گوشت انواع حیوانات را میخورد تاکنون گوشت اسب میخوردند در این اوقات اطبای آنجا اعلام کرده اند که خوردن گوشت اسب بچ مضرتی بوجود آسانی ندارد لهذا بجهت تجویز اطبا و کاهنای قصابی منع و بجهت فروختن گوشت اسب در پاریس کشوده شده است

۲۰۸۱

ایالت نوشتن که الان در تحت حکومت جمهوری ایسویچیه است  
 در مصاحبه عمومی بین فرنگستان تحت حمایت دولت پروتیه  
 در آمده بود بعد از چندی بجهت اختلافی که در ایالت مزبور اتفاق  
 افتاد آنجا بجز حکومت جمهوری ایسویچیه انضمام یافت از آن وقت  
 تا حال امالی ایجاد و فرقه شده اند فرقه طرفدار جمهوری مزبور  
 و فرقه طرفدار دولت پروتیه و مابین این دو فرقه رفت و  
 برودت و عداوت پیدا یافته در دو سه ماه قبل ازین طرفداران  
 دولت پروتیه اتفاق و شورش کرده شبانه شبانه بباب حکومت  
 نوشتن هجوم آورده قایم مقام آن ایالت را با سایرین گرفته  
 مجبوس و بتحت خود را بدولت پروتیه اعلام کردند این کار  
 بجمهوریه مزبوره رسیده مقدار کافی قشون نوشتن و ستادند  
 قشون با طرفداران جمهوری که در آنجا بودند اتفاق کرده و با  
 پروتیه جنگ در پیوسته خیلی آدم از طرفین کشته شد آخر طرف  
 جمهوری غالب آمد طرفداران پروتیه را بتحت خود در آوردند  
 و بعضی از آنها را که متاثر شورش شدند گرفتند و کشتند  
 دادند که یا عیگری این اشخاص بتحریک دولت پروس بوده است  
 پادشاه پروتیه باند کرده رستیه جمهوری مزبور بی اطلاع خود را  
 کرده بود که درین مقدمه دولت پروس اعلام خلیت شد  
 جمهوری نوشتن این قول را کرده و بعضی کنگوهای مغایرت امیر  
 دولت پروتیه نموده بودند پادشاه پروتیه در باب استخفاف  
 مجوسین مرقوم مذکره بجمهوریه و داده بود جمهوری قبول نکردند و  
 پروتیه درین باب ثوری مخصوص بنام و ستاده و از جانب  
 فرانسه بجنب جمهوری مزبور من غیر رسم بعضی تبلیغات قبول  
 بودند و مجوسین را از آن محل که بودند باصلت حکومت برده  
 اجرائی سیاست آنها را اظهار کردند دولت نخبیس اظهار آنها را

تصدیق نموده و دولت فرانسه و روس سستی بی طرفی خود  
 اظهار کردند پادشاه پروتیه استخفاف مجوسین را بر خود لازم  
 اعلان حرب نموده و جمهوری مزبور نیز بایالات خود اخبار کرده  
 کس نمقر حکومت جمهوری جمع شده اند  
 و نیز نوشته اند که پادشاه پروتیه از غایب گردیدن از پیاده و سوار  
 و توپچی در ششم جمادی الاول صدوسی و چهار کس با اسلحه و اسباب  
 حرب حاضر کرده و ندیده بود  
 جمهوری ایسویچیه نیز مجلی در شهر برین منعقد کرده علی الحساب  
 قشون ترتیب داده اند و هزار کس هم اردوی احتیاط در  
 آنها قرار داده اند و از ایالات جمهوری ایالت دو و نام هم  
 قشون لغت کرده اند که حاضر نمایند این فقرات را بجهت  
 جنی بزرگ مابین دولت پروتیه و جمهوری ایسویچیه شمام میشود  
 در این اوقات وقوع بیاید  
 از قشون ایسویچیه بوفاعت جمهوری بجا دوازده هزار کس در  
 دولت ناپولی و چهار هزار کس در سلک قشون حکومت ناپولی  
 روم در آمده بودند باین شرط که هر وقت بجمهوریه مزبور لازم  
 شود و آنها را بخواهند با ایسویچیه معاودت نمایند در این اوقات  
 که با دولت پروتیه بنای جنگ دارند فقط دوازده هزار کس را  
 که در دولت ناپولی دارند طلبند و از دولت ناپولی این  
 جوابی نیامده است  
 ایلیچی دولت فرانسه که بملک استامبول رسیده است از فرانسه  
 عمدتاً مشتمل بر بنیت و چهار مطلب است هم در باب تجارت و هم  
 در باب آزادی وین و مذهب و هم در باب استیحاان و طالبان  
 علم که از طرفین بولایات یکدیگر آمد و رفت نمایند محبت و  
 بکنند

۲۰۸۲

روزنامه قایم القایم تبایح یوم نخسته شهر حبه المربطان سال لوی سیل ۱۲۷۳

منطبه دار الخلافه طهران

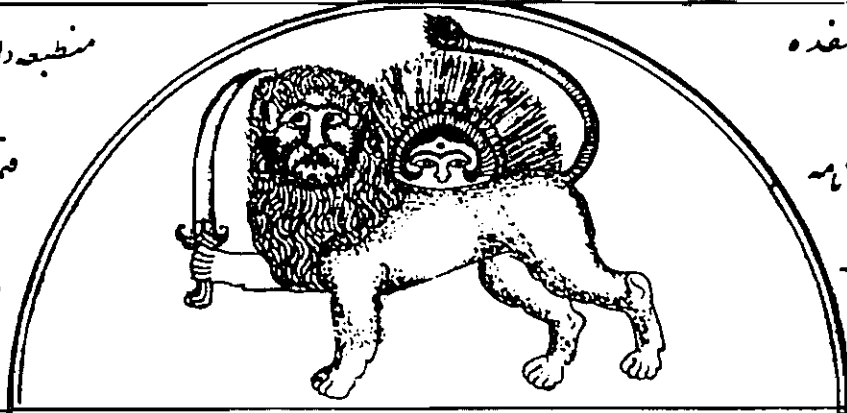
نه سید و بغه

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنجاه

هر خط ده



اخبار و اخبار ملوک محروسه پادشاهی

دار الخلافه طهران

چون ثواب مستطاب بزرده و الا بتا عهد الدوله حکمران  
کرامت مان سواره اوقات خاطر اقدس بجا یون  
خدا الله ملک دستا نه و اولیای دولت علیه را از حسن  
ورعیت داری و مراقبت در انجام خدمات دیوانی از خود  
راضی خوشنود داشته بود در این اوقات که والد  
معرفتی الیه بر حمت ایزدی پوسته محض ظهور رحمت  
و تسلیم خاطر ثواب معرفتی الیه یکسوی کلید از ملبوس بن  
در حق او رحمت و انعام فرمودند

در حق او حلت رحمت کردید

عالیجاه میرزا ابو الحسن خان نقاشباشی که تربیت یافته  
در بار کردون مناصب در فن تصویر کشی بی عدین نظیرت  
در صحنی فتح کمان تحصیل نموده و صنعت شبیه کشی را که در ایران  
سابقا چندان معمول نبود و استادان کامل در از عهد بر نیامده  
سیر حد کمال رسانید و وحید عصر خود گردید و خدماتش همگی مقبول  
خاکبای علیحضرت قدر قدرت شاهنشاهی افتاده و مورد شمول  
مرحمت شاهانه گردیده از چند در تصویر تمثال شمال حضرت مولانا  
کلی نادی سبیل اسد الغالب امیر المومنین علی ابن ابیطالب علیه السلام  
و اسلام کمال مهارت و آموخی را بکار برده بود موجب اتمر  
علیه حسروانه گردید موازی یک عهد و جنبه های رنگ نقاشی طلا که در  
کُل الماس شیر و خورشید دارد و بسیار شین و کران بهایست  
میزد مفاخرت و امید واری او رحمت و عنایت فرمودند

نظر ظهور مرحوم ملوکانه در باره مقرب الخاقان عین الملک  
در این اوقات یکسوی خرقه ابره ترمه لجان پست از ملبوس  
خاص بن مبارک با و رحمت فرمودند  
نظر بمراتب صداقت و راستی عالیجاه میرزا محمد تقی شرف  
دارالخطاره مبارک که در این اوقات اولیای دولت علیه از فرمان  
فرمان مهر لجان مبارک او را بنیابت نظارتخانه مبارکه  
و از جانب سنی لجان ملوکانه یکسوی جنبه ترمه کرمانی

چون عالیجاه میرزا فرج الله جودان سلطان تپانچه مبارکه  
سال سجدات اجودانی مشغول بود و خوب از عهد خدمت

۲۰۸۳

مرجوع برآمد و محاسن صداقت و خدمتگذاری خود را در  
منصب لاجوردان سلطانی بعمل آورد لکن بموجب حکم نظامی حساب  
آقدس شاه پون شاهنشاهی منصب یادری و لقب عالیجای مفتوح  
سرافراز گردید

### سایر ولایات

**فارس** از فرار یک در روزنامه فارس نوشته  
در این اوقات در خود شیراز و در سایر بلوکات فارس  
همه جا بارندگی کامل شده و از تفضلات الهی و نزول رحمت  
لایتنای شویبی که مردم از احتمال خشکسالی داشتند  
رفع گردید به کمال امیدواری برای صاحبان اطلاق  
اهل زراعت حاصل گردید و نرخ غله و اجناس که بجهت  
عدم بارندگی تغییر بهم رسانده بود بعد از وقوع این بارندگی  
تنزل کلی بهم رسانده و انواع ماکولات از هر چیزی مجدداً  
به نیت و خورادارد

دیگر نوشته اند که امیر الامار العظام میرزا محمدخان پشی با  
در بار حال پون با که منصوره از سواره و پیاده و توپخانه  
دارد شیراز گردیده اردوئی در کمال نظم و آراستگی زده  
و کسی از احاد و افراد سواره پیاده ابو ایجبی قدرت کت  
خلاف نسبت برتیت و غیره مذکور و از قراریکه معلوم  
در سازل عرض راه هم بهین نظم گذشته اند و تا می  
امالی سازل از عبور این قشون کمال رضامندی داشته اند  
و وزوی در اردوی مزبور بسیار کم اتفاق می افتد و اگر  
سرفقی اتفاق بیفتد هم نامعلومند چنانکه دیک کجای  
از شخصی سرت شده بود بعضی اظهار آن امیر الامار العظام  
معزای الیه فرستاده چند نفر سرگردگان ناخکی را آورد

و بمقام مواخذه و تهدید در آورد معلوم شد که یکی از این  
سواره ناخکی سرت کرده بود و بعینها گرفته نصبا جنس نسیم  
و سارق تنبیه و تا اذیت شد و در چند روزه توقیف آنجا  
بکارهای قورخانه و توپخانه رسیدگی کامل نموده و لازم  
در اتمام و انجام سباسب حرب از فشنگ و کلوله توپ تفنگ

و سرب و بارطی و سایر آلات و ادوات که بجهت بدرفتاری  
لازم است کرده در تدارک حرکت بوده است و بجهت احتیاط  
محمد ابراهیم خان سرب افواج ثلثه اصغیان هم با  
افواج مزبوره و استعداد در دوازدهم جمادی اشانی  
وارد شیراز گردید و روز بروز شکر فیروزی اثر چون  
امطار بیکدیگر پیوسته چون سیل بی مان که بدریای بیک  
پیوندد و از اطراف داخل اردوی ظفر شکویشو امالی  
شیراز هم از اعالی دادانی میگردید بار بار بسته و با اسلحه حرب  
وارد حام تمام بنزد امیر الامار العظام پیش می آمده و مستعدی  
بودند که مسرا عساکر نصرت ماثر بمقابله و مقابله خصم برادرند  
معزای ایبه آنها را مانع آمده مذکور داشته بود که اطفال دارا  
و تعصب و حمیت عمومیت باین دولت باین معلوم است ولی  
بعد از آنکه شکر فیروزی اثر دست و پنجه باد شنان دولت  
نرم و کماستینز و آویز اگر کم و شادت و جلالت سپاه ایران  
معلوم امالی ممالک محرومه کشت اوقت عمده مسلمین اگر بجای  
دشمنان وین مبادرت نمایند کشتان از روی جنایت  
و تهورشان در خصم کنی و دشمن سگنی بیشتر خواهد بود چون  
خاطر آفندش عایون شاهنشاهی آسودگی رعایا و بریایات نادام  
گرد کرد دولت قوی شوکت جنگ خصم را آماده اند رعایا و امالی  
مملکت را بخت جنگ نخواهند داشت

۲۰۸۴

قسم  
 از قرار یک در روزنامه قسم نوشته اند امور ولایت این  
 توجیهات اولیای دولتی علیه حسن مراقبت معرفت انجاقان  
 ذوالفقار خان حاکم قسم و سادو قرین امانت و انتظام است  
 و نهایت اتهام و دقت و رسیدگی بعضی در ادعای انجاقان  
 مشارالیه یعنی آید و مالی انجاقان سوده خاطر مدعا کوئی نیست  
 اقدس شاهان شاهنشاهی اشغال دارند مدتی باریکی نمی شد  
 و مالی ولایت توش خشک سالی و اشتداد و اداسطه  
 گو حکم چهارشنبه روز برف و باران متوالی زیاد  
 و کمال امیدواری بجهت مردم در خصوص محصول حاصل  
 ولی در آن چند روز بجهت کثرت بارندگی و شدت سرما که  
 عبور بسته و بارش بهر نمی آمد غلظت در بطن ترقی کرده قیمت نان  
 یکین نیم شاهی بجز بعضی خبازان بعد از آنکه معرفت انجاقان حاکم  
 و مستاده رنج آنها را گرفتند افزوده شد و امیدوار  
 هوا ظیم و شدت برودت بر طرف بشود بجهت این بارندگی  
 زیاد که شد و غلظت داران بکامل آینه خاطر حسینی هم  
 انقدر غلظت بهر بیای و رند که از قرار اول قسم ارزانه بشود  
 چون مرحوم میرزا محمد رضای طولی باشی بقعه تبر که حصص  
 علیها آلف التجیه و تسلیم وفات یافته بود در این وقت که  
 دولت علیه بموجب فرمان مهر لعلان مبارک عالیجناب سیادت  
 انساب میرزا حسین پسر او را بجای پدرش بنصب می بایست  
 بقعه تبر که سر او را در جانب سنی بجانب اقدس شاهان  
 ما و حجت شد ما سخا که بر تو وصول نکند بود عیال انجاقان  
 جمیع خدام دوی الاحرام بقعه منوره و سادات و اسراف با

شسته لوازم توقیر و احترام خلعت شاهان و فرمان مبارک را  
 بعل آورده و در استاز مطهره خلق خورشید طلعت را زین برد  
 مسابقت خود نموده مضمون فرمان جهان مطاع را گوشه زخمی  
 کرده بعد از صرف شربت و شربتی مجلس تهنیت مدعا کوئی نیست  
 اقدس شاهان شاهنشاهی خداوند ملکه سلطان ختم یافت  
 دیگر نوشته اند که امور طرق و شوارع قسم و ده آیین  
 معرفت انجاقان ذوالفقار خان در نهایت انتظام و  
 دستخط و و اسوران در راهها و منازل اطراف مید  
 گردش و بخت و حراست مشغول می شد و عابری و تردد  
 با کمال آسودگی و خاطر سعی عبور و مرور بنمایند بطوریکه در  
 اوقات سرفیه هیچ وجه در راهها اتفاق نمی افتد و مردم  
 جهت زیاده شاگرد دعا گو میباشند و تیر قدغن شده  
 که در منازل و در باطها که از آبادی دورند آذوقه و مالکول  
 بجزئی تفاوتی که در شهر و آبادیها معمول است عابری  
 بفروشند و اگر چیزی بقیمت کزاف بجا فله و تیر قدغن  
 باشند مورد موافقت و ترسان باشند  
 دیگر نوشته اند که شخصی و باقی پنج تومان و دو هزار و سیار  
 در کلبه دشته در میان بازار از او کم شده بود و  
 منور را یکی از نوکرانی معرفت انجاقان ذوالفقار خان پیدا  
 کرده بود بنزد مشارالیه آورده همان نوکر را گفت در  
 بازار را کردش کرده و جار بکش تا صاحب پول پیدا  
 نشانی پول و کیه خود را داده و بیاف کند صاحب پول  
 ازین جا خبردار گشته آمد که کشته و پول خود را از او  
 بدون کسر نقصان و برتقت نمود

۲۰۸۵

اصفهان

هرات

از قرار یک در روز نامه اصفهان نوشته اند امور آن ولایت اینهاست  
 نواب مستطاب ختمت الدوله حکمران اصفهان فرین کمال نظام  
 والفضیلت است و نواب مغزی الیه همه روزه اوقات خود را  
 مصروف رسیدگی بعضی و داد رعایا و انجام مهلت دیوانه  
 مینمایند رعایا و مالی آن ولایت سوده خاطر بدعا کونی و آشت  
 افسس تا یون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطان اشتغال  
 و چاکران دیوانی متوقف اصفهان و صباط و مباشرین  
 از قرار دستور العمل نواب مغزی الیه هر یک بجدات محوله  
 بجز مشغول میباشد و امور شهر و محلات و قراول خانها  
 عین انتظام است و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد  
 امور قراول بلوکات و توابع در کمال انتظام است و خلاف  
 قاعده اگر کسی ناشی و صواب میشود  
 دیگر نوشته اند که نواب هراده ختمت الدوله در حق چاکران دیوانه  
 و مأمورین که از دربار عالیون با اصفهان آمده و نسبت فارس  
 میروند نهایت التفات و مهربانی را بعین می آورند از جمله در قراول  
 امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی با سواره و سربازان  
 ابواب جمع خود وارد اصفهان گردید نواب هراده کل صاحب  
 و اتحاد و افراد سواره و سربازان را الیه راضیافت نمود  
 همگی در آن ضیافت حاضر بودند  
 دیگر نوشته اند که توپچی و سرباز متوقف دار سلطه اصفهان  
 همه روزه مشغول مشق میباشد و از جانب صاحب مضبان کمال  
 اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آید و اغلب اوقات خود  
 نواب هراده ختمت الدوله بجهت تشویق و ترغیب آنها ببلد  
 مشق حاضر میشوند

از قرار یک در روز نامه هرات نوشته اند نواب مستطاب  
 شاهزاده والا تاج حرام سلطه حکمران مملکت خراسان  
 در اردوی خارج شهر توقف داشتند در این اوقات که  
 لازمه ارک احب الامر نواب مغزی الیه نمودند نواب هراده  
 دارد شهر گردیده در ارک قرار گرفتند  
 دیگر نوشته اند که نواب هراده قرار دادند که در وازه ملک  
 که مقصود مبارک هرات است خاکریز نمایند چون چهار بار اول  
 چهار در وازه قرار بدند و بروی هم و در ب ملک که در  
 پنجمین بود موقوف کردند  
 دیگر نوشته اند که نواب هراده دادند چهار کشیدند که با  
 رفع مغایرت با این اهل تشیع و اهل سنت و جماعت بود  
 بطریقه و این یکدیگر هیچ وجه گفتگو و اعتراض نداشتند  
 و از هر کدام از طرفین ناطقانی قولاً و فعلاً صادر شود مورد  
 خواهد شد و مالی آنجا نیز فریقین حسب الامر نواب هراده  
 بقانون خود اقدام دارند  
 دیگر نوشته اند که چون از جماعت مند و نیز در هرات کشیدند  
 یکروز و نفرزند و بیای تحت وار و غده آمده مذکور داشتند  
 که دلارام نام مند و حرام شده است منجوا هم او را  
 خود مان بسوزانیم و قراول منجوا هم با بدید که کسی  
 مان باشد چون نواب مستطاب حرام سلطه حکم کرده بودند  
 که هر کس در هراتین و ذنب که دست خود داند کسی را  
 رجوعی نباشد لهذا دار و غنیر چند نفر همراه مند  
 کرد که کسی مزاجم آنها نشود مرده خود را هر نوع که منجوا  
 آتش بزنند

۲۰۸۶

### اخبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه دبا به فرانس نوشته اند موسیو  
 ابیچی فرانس که با چین رفته بود در آن دولت خوب پذیرفته  
 شده است و در همان اوقات پادشاه با چین کشتیهای  
 جنگی میفرستد که رفته با چین جنگ نماید و عدد این  
 کشتیها هزار و دولت فرزند است به دست قنصل که در  
 که هر کدام دریا یکی علیحده دارد و شاهزاده کبیر خان امیر  
 آنهاست و مقاصد هزار عمل در قورخانه سجوی شنول کا  
 بستند

هم در آن روزنامه نوشته اند که از قراریکه معلوم است  
 روس شکر با طراف ولایت ایران فرستاده است  
 صاحب منصبان روس بولایت مازندران آمده اند از برای  
 اینکه هرگاه دولت انگلیس با دولت ایران جنگ نماید  
 در چند روزنامه فرانس نوشته اند که شوش دازند که  
 ولایت مازندران دست دولت انگلیس بیرون برود لکن عقاید  
 روزنامه نویسان انگلیس برخلاف این است اینکه بیشتر  
 احتمال دارد این است که دولت روس میخواهد فرصت  
 پیدا کند که هر چه بتواند از طرف هند و سمان ضرر بدو  
 انگلیس برساند

دیگر نوشته اند که سیاه باورینکی دنیای شمالی اجماع و  
 کرده اند و سر جنب و سر منگ از برای خودشان قرار داده  
 و میخواهند از بندگی آزاد باشند اما چند نفر از آنها تا بحال  
 گرفتار شده اند چون فرنگیها که در آن ولایت قه آبادی کرده  
 بجهت کرمای آنجا خودشان نمیتوانند با مرز را عبور دهند  
 لابد غلام و کثیر سیاه که این قطعاً و بقا دیگر با عادت دارند

بقیمت زیاد میخرند و بکار زراعت باز میدارند و فوق  
 از آنها کار میکنند سیاهها نیز اکثر مشقت جنگ آمده  
 و این قانون غلام و کثیر خریدن و مملوک نگاه داشتن چون  
 قانون جمهوری در جنوبی است سیاهها کمان میبرند که از جانب  
 جمهوری مرنوبور با آنها تقویت بشود

و نیز از قرار روزنامه روز مال دبا به فرانس که در تاریخ ۱۲  
 و سیبر نوشته اند از روزنامه پترزبورغ نوشته شده است  
 که دولت لاجند روز است که با شترین که با مورس سر قد جده  
 روم در روس بود حکم و دستور العمل صریح نوشت که خط  
 حد و در کشید زمین معینه را بر حسب قرار نامه جدید نسیم  
 دولت روم بکنند و جمعیت ولایت مرنور که دولت روس  
 بدولت روم تسلیم کرده است یکصد و شصت هزار نفر میباشند

تفصیلی بجهت راه آهنی از شهر دارنه بروچوک که در ولایت عثمانی  
 ساخته اند در روزنامه چاپ کرده اند از قرار شرح مرنور راه آهنی  
 دولت عثمانی بر راه آهنی دولت استریه باید در بعضی جاها  
 بهم وصل شود بقسبیکه مسافت مابین دینه و اسلامبول  
 چند ساعت نزدیک بشود

بعد از وقوع مصایحه تاکنون از جانب دولت روس بجهت  
 تحصیل فنون متنوعه با کرمجبال فرنگستان مأمورین متعددی  
 فرستاده اند در این اوقات با بجهت بجهت تقییس معالطه  
 و اصول انضباطیه دول فرنگستان و کین صنعتیه دولت روس  
 جناب جنرال غالدو فوف از لطرزبورغ سمت دول فرنگستان  
 حرکت کرده و قرار شده است که در مدت شش ماه آنجا  
 گردش کرده معاشرت نماید

دولت سارونیه تاکنون کشتی سازخانه در لنگرگاه جنوب  
 معین نموده بود جهت دربراه بودن استحکامات موجوده  
 در صورتیکه احکام داده شود درین حاجت بکار مجاز  
 مملکت نمی آمد لهذا در این اوقات دولت مشایر ایالت  
 مزبور را بجهت مکان کشتیهای تجاری تقوی پانیه در لنگرگاه  
 بعد از این لنگرگاه بسجای کشتی سازخانه معین کرده جهت  
 دادن آنجا سفاین حربیه جنوب را بلنگر آسجی حمل و نقل کرده  
 در این اوقات ولیعهد مکران سکینه دختر فرات مستانیه  
 اراده عقد و تزویج نموده و باین جهت جرایم محبوسین  
 انجلسان عفو و اخراج آنها ملحوظ شده در این تردیگه  
 عروسی آنها جاری خواهد شد  
 از کشتیهای تجاری و سیاحتی فرات است که بسواحل هندو  
 میرود بعضی اوقات از اهل این کشتیها فراری میشوند  
 رد نمودن آنها مغایر قانون ازادی است در این اوقات  
 معاهده درین باب بین روسین فرات و انگلیس شده است  
 دو سال قبل ازین از کشتیهای جنگی انگلیس یک کشتی چند وقت  
 بجهت گردش کردن در بحر منجند شمالی رفته بود بعد از وصول  
 بدریای منجند هر طور بود است بقدر نه ماه در میان منجند  
 بود و موخر اترسم بود از آنجا بر راه افتاده در شانی بکل نشسته  
 چون استخلاص او را غیر ممکن میداشتند کپتان و اهل کشتی منبوره  
 کشتی را در آنجا گذاشته و خود را بلند رسانده بودند درین  
 اوقات کشتی مزبور از کل بلند شده خود بخود در روی دریا  
 حرکت میکرد است یک کشتی شراع دار یکی دنیا با و بر خورد کشتی  
 از آدم و غله خالی دیده بودند مصحوب خود به بیکی دنیا برده

در آنجا معلوم شده بود که این کشتی مال انگلیس است از آنجا  
 با انگلیس فرستاده اند  
 روزنامه فرانسه موسوم بدباه وضع و حالت تجارت دولت  
 ایران را بابت دولت انگلیس و روس از اینتر فریبید از فرار  
 معلوم شده است تجارت از طرف اتریه اتریه اتریه اتریه اتریه  
 تخمیناً شده است که میشود و آنچه از دست اندازده اناطولی تجارت میشود  
 کرد است تجارت اتریه دریای فارس نیز بکار گرفته شده است  
 که در کشتی که اکثر فرنگی است داخل لایت ایران میشود و در عوض اتریه  
 ماژدران و غیره و پنجه و پنجه با چندین چوب و تباکوی شیراز و صغیر  
 و کلرنگ و روس و زبره خام خفت از بکان و مع بره و کاشان و اصفهان  
 از بر قسم شال کرمان و حران آنغلا غیره میبرند روسها طلا و نقره  
 مسکوک آورده چینی میکنند با وجود ختمهای یا که در خصوص حمل و نقل  
 در مملکت روسیه بدین تجارت عهده است افسوس این داریم که چرا باید  
 فرات و مقابل تجارت انگلیس و روس در آن لایت نباشد با وجودیکه اهل ایران  
 میل زیاد با متعه کارخانجات دارند و اکثر اهرام بدستاری تجارتی که در  
 دوشهر و غیره هستند بولایت خود یا خیر از اهل نمان هستند که رفته در  
 خرید می کنند و با ایران میبرند اگر تجارت با کلر کند خواهند دید که تجارت  
 واسطه با ایران خالی از منافع کلیه نخواهد بود چرا که اهل ایران بخر  
 خوششان می آید و سلیقه زیاد دارند و پول خوب میدهند و سول سابق فرات  
 که در آن زمان اتریه بود همیشه فریفت که تجارت با باید بلا واسطه با ایران  
 کنند و از آن گذشته منافع خوب میبرند چرا که اهل ایران مشکل  
 پسندند مثل اهل عثمانی نیستند که جنایات عجیب داشته باشند  
 و بعضی پارچهها میپوشند و اسباب تحمل و زینت خانه را  
 مایل نباشند

۲۰۸۸